

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در خلوت حضور

مجموعه مقالات برگزیده

پنجمین جشنواره بین المللی علمی، ادبی و هنری اعتکاف

فهرست مطالب

7	مقدمه.....
11	آداب، احکام و زمان‌های اعتکاف.....
	زینب زمانی
33	نگاهی به آثار و برکات اعتکاف به ضمیمه احکام کاربردی اعتکاف.....
	عیسی عیسی‌زاده
43	گلچینی از احکام کاربردی اعتکاف.....
65	اعتکاف.....
	امیرحسین شمشیری کلوار
89	احکام اعتکاف با تکیه بر آرای فقهی امام خمینی +.....
	دکتر مجتبی محمدی مزرعه شاهی - حمید متولی زاده نائینی
115	آداب، احکام و زمان اعتکاف.....
	ابوالحسن بارانی - عصمت نیری
153	اعتکاف، یاد حق تعالی، آرامش روان.....
	آفرین قائمی
182	اعتکاف در مذاهب اسلامی و ادیان آسمانی.....
	محترم صفرلو
182	اعتکاف و بایسته‌ها آن از نگاه امام خامنه‌ای (زید عزه).....
	محمد علی طاهری نژاد
217	اعتکاف.....
	یداله قائم پناه

- 229 گونه‌شناسی روایات فضیلت اعتکاف
محمدجواد حسینی
- 249 درمان آسیب‌های اجتماعی در پرتو اعتکاف
معصومه سادات حسینی
- 291 پدیدار شناسی اعتکاف دانشجویی با تأکید بر ارتباطات میان فردی
حدیثه اسفندیار
- 317 اعتکاف و معنویت گرایی مدرن
محمد کاظم کریمی
- 337 آثار فردی و اجتماعی اعتکاف
فاطمه مزیدی شرف آبادی
- 337 اعتکاف راهبردی جامع در رشد و تعالی معنوی مدیران جامعه اسلامی
هادی دشن
- 337 الادیان السماویه و الاعتکاف
شیخ حمید بغدادی

مقدمه

ای انسان، تو با تلاش و رنج، به سوی پروردگارات می‌روی و او را ملاقات خواهی کرد.

انسان موجودی پویاست و همواره به سوی معبود حقیقی خویش در حرکت است. بنابراین، سرانجام حرکت صعودی انسان، لقای خداوند تبارک و تعالی است. از این رو باید در مسیر ایمان، تهذیب نفس و عبادت حقیقی حرکت کرد و از هوای نفس گریخت و در راستای اُنس با معبود، گاه به گوشه‌ای خلوت پناه برد و دور از همه تعلّقات و وابستگی‌های مادی، قدری به حال زار خویش اندیشد و با سوز دل و اشک چشم، زنگارها و پلیدی‌های قلب را پاک کرد.

ادیان الهی با توجه به همین نیاز روحی، با آن که انسان را به حضور در جامعه و شرکت در فعالیت‌های اجتماعی فرا می‌خوانند، فرصت‌هایی را نیز برای خلوت کردن او با خداوند فراهم ساخته‌اند، که یکی از این فرصت‌ها «اعتکاف» است. اعتکاف، فرصت بسیار مناسبی است تا انسانی که در پیچ و خم‌های زندگی مادی غرق شده، خود را بازباید و به قصد بهره بردن از ارزش‌های معنوی، از علایق مادی دست بکشد و خود را در اختیار پروردگار بگذارد.

در اعتکاف می‌توان خانه دل را از اغیار تهی کرد و نور محبت خدا را در آن جلوه‌گر ساخت؛ می‌توان خود را وقف عبادت کرد و لذت میهمان شدن بر سفره احسان و لطف الهی را چشید.

اعتکاف، پرورش جسم و جان و آمیزه‌ای از چند عبادت با فضیلت است. روزه، که عبادتی ارزشمند به شمار می‌رود، شرط اعتکاف است. حضور در مسجد و خواندن نماز هم شرط آن است. معتکف، سه روز در مسجد مقیم می‌شود و جز برای ضروریات، کوی دوست را ترک نمی‌گوید. خود را از حلال باز می‌دارد تا با تمرین بندگی، جهاد با نفس را بیازماید. اعتکاف عهد مودت و میثاق مجدد با پروردگار است.

اعتکاف نیز، مانند هر عبادت دیگری، مشتمل بر دو بُعد اخلاقی و فقهی است: در بُعد اخلاقی باید به اسرار نهفته در این عبادت عرفانی توجه داشت و در بُعد فقهی، احکام و دستورهای شرع مقدس اسلام درباره چگونگی انجام دادن اعتکاف را آموخت. توجه و اهتمام معتکف به هر دو جنبه اخلاقی و فقهی اعتکاف، لازم و ضروری است و اکتفا به یک جنبه، او را به هدف و مقصود نهایی نمی‌رساند.

کتاب پیش رو منتخبی از برترین آثار دریافتی دبیرخانه پنجمین جشنواره بین المللی علمی، ادبی و هنری اعتکاف می‌باشد، که نمونه‌ای فاخر از تجلی عرفان و معنویت در اندیشه و تفکر دانشمندان مؤمن می‌باشد.

دبیرخانه جشنواره با دریافت بیش از 2210 اثر داخلی و بین المللی، پس از ارزیابی آثار در 4 کمیته داوری علمی، ادبی، هنری و آثار بین المللی، آثار برگزیده را در 4 مجلد مجموعه مقالات برگزیده، کتاب عکس‌های برتر، مجموعه اشعار، داستان‌ها و خاطرات منتخب و مجموعه آثار برتر از کشورهای اسلامی و غیر اسلامی، با عنوان «در خلوت حضور» به عنوان برآیند این رویداد متعالی فرهنگی - عرفانی منتشر نمود.

آداب، احکام و زمان‌های اعتکاف ♦ 9

امید که جشنواره اعتکاف الگویی فراروی اندیشمندان، فرهیختگان و هنرمندان جهان اسلام باشد تا از سر ذوق هنری و ادبی خود توشه‌ای برای حیات ابدی خود بردارند.

شورای علمی ستاد مرکزی اعتکاف و جشنواره بین‌المللی

آداب، احکام و زمان‌های اعتکاف



زینب زمانی

چکیده

اعتکاف، از جمله عبادت‌های مستحب است که در آن، فرد برای مدتی مشخص (دست کم سه روز) در مسجد می‌ماند و روزه می‌گیرد؛ ارکان این عبادت، اقامت در مسجد و روزه است و هیچ عبادت یا عمل خاص دیگری برای آن تعیین نشده است، با این حال، معتکفان بیشتر وقت خود را صرف انجام اعمال عبادی می‌کنند. نحوه اقامت و یا خروج از مسجد احکام و شرایطی دارد که در کتاب‌های فقهی، در باب اعتکاف بیان شده است. اعتکاف زمان مخصوصی نیز ندارد. ولی در روایات، بهترین زمان برای اعتکاف ماه رمضان، بویژه دهه سوم آن بیان شده است. در ایران، از سال‌های نخست دهه هشتاد شمسی، گرایش به اعتکاف در ماه رجب گسترش یافته و اکنون در ایام البیض (13، 14 و 15) این ماه در اکثر شهرها و مساجد بزرگ کشور این مراسم برگزار می‌شود. با توجه به اهمیت اعتکاف، کتاب‌هایی نیز به صورت مستقل درباره‌ی آن نوشته شده است. در این مقاله می‌کوشیم به بررسی کامل این موضوع، اهمیت، جزئیات و احکام آن پردازیم.

واژگان کلیدی

اعتکاف، عبادت، روزه، احکام

مقدمه

پدیده اعتکاف یکی از رویش‌های انقلاب است

مقام معظم رهبری

هرگز نمی‌توان ارزش همه زمان‌ها را برابر دانست؛ چنان که نمی‌توان همه‌ی مکان‌ها را برابر شمرد. برخی زمان‌ها و مکان‌ها ارزش والایی دارند و این موضوعی مبرهن است. در میان ماه‌های قمری ماه رجب از ویژگی خاصی برخوردار است؛ این ماه ارج نهاد شده و ماه سلوک و زدودن زنگارهای شیطانی از آئینه دل نام گرفته است. ماه رجب، ماه ولایت و برافروختن چراغ معرفت در شبستان وجود است؛ ماه رجب گاه اعتکاف است. در این ماه، که هنگامه تحول است، عاکفان کوی یار، با حضور در صحن و سرای دوست، پله‌های سلوک را پیموده و پله پله به خدا نزدیک‌تر می‌شوند. معتکف روزه‌اش، نمازش، حضورش در مسجد و دیگر اعمالش مایه تقرب است. در خانه دوست، سفره‌ایی از مغفرت و بخشایش گسترده شده و عاکف با صیقل روح و روان، زنگار گناه از دل می‌زداید و مهیای ضیافت بزرگ در ماه وصال می‌گردد. ماهی که عشاق از سفره پر فیض الهی، لقمه‌های راز بر می‌چینند و عطر قرآن از ژرفای دل باریافتگان، مشام جان را می‌نوازد.

اعتکاف پرورش جسم و جان است و انسان آمیزه‌ای است از این دو و نیازمند پرورش در ابعاد وجود خود؛ انسان به دنبال سعادت و کمال است. روح انسان نیازمند نیایش است، مناجاتی شیرین و زیبا، هم‌کلامی موجودی ضعیف با منشأ قدرت‌ها. از آغاز خلقت تا صحنه رستاخیز، راز و نیاز زیباترین هنر آدمی است.

غفلت همواره نکوهیده است و در برخی موارد نکوهیده‌تر؛ جریان زمان در گذر است و با از دست دادن، آهی می‌ماند و افسوسی که به هیچ نیرزد. انسان دشمنی دارد در اوج حيله‌گری با چنین دشمنی هوشیاری باید و سرعت در خیرات.

و چون زمان اعتکاف فرا می‌رسد، خالق مهربان، خلاق را به قرب خود می‌طلبد

تا روح و روان خود را پرورش دهند. تنوع عبادات به دلیل نیازهای گوناگون انسانی است و هر عبادتی جوابگوی نیازی از نیازهای آدمی؛ نماز، زنگار غفلت از روان می‌زداید و صیقل روح و روان است. روزه، پالایشگاه خلوص و نردبان صعود است روزه‌دار پرواز در آسمان عبادت و عبودیت را می‌آزماید و آینه‌ی قلبش را نورستان خدا می‌کند. حج، شرکت در آزمون الهی و قطع تعلقات و دل‌بستگی از زیبایی‌های دنیوی است. عبادات مالی؛ چون خمس و زکات و صدقات، دمیدن روح ایثار و گذشت در وجود آدمی است.

و اعتکاف، آمیزه‌ای است از چند عبادت با فضیلت؛ روزه که خود عبادتی ارزشمند است شرط اعتکاف است. حضور در مسجد و خواندن نماز هم شرط آن است. معتکف سه روز در مسجد جامع مقیم می‌گردد و جز برای ضروریات، کوی دوست را ترک نمی‌گوید. خود را از حلال باز می‌دارد تا با تمرین بندگی، جهاد با نفس را بیازماید. اعتکاف عهد مودّت و میثاق مجدد با پروردگار است.

در فضیلت اعتکاف این بس که معادل طواف کعبه و همتای رکوع و سجود است. خدای مَنّان می‌فرماید: ﴿... وَ عٰهَدْنٰ اِلٰى اِبْرٰهٖمَ وَ اِسْمٰعِیْلَ اَنْ طَهِّرَا بَيْتِیْ لِلطَّائِفِیْنَ وَ الْعٰكِفِیْنَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾؛ (بقره / 125) و ما به ابراهیم و اسماعیل فرمان دادیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع کنندگان و سجده کنندگان از هر گونه آلودگی تطهیر کنند.

اساساً ارزش آدمی را عملش می‌رساند و معتکف انسانی بزرگ و شریف است به اندازه شرافت و فضل عملش. مقدس‌اردیلی یگانه زمان در علم و عمل در شرافت و فضیلت اعتکاف گوید: «مبادا کسی گمان کند که اعتکاف مقدمه عبادتی دیگر است. کسی که با طهارت و در حال روزه در مسجد مقیم است و تعهد قرب در اعتکاف می‌نماید، این عمل عبادت است. اعتکاف عبادتی مستقل است به مثابه حج و عمره و روزه و نماز و هر عبادت مستقل دیگر».

و ایام بیض در پیش است زمان عرشی شدن فرشیان؛ اعتکاف با همه فضیلتش، زن و مرد را به خود می‌خواند. انسان را می‌خواند تا در دنیایِ های و هوی و دود و دم؛ معراج انسانیت را به تماشا بنشیند. فرصت طلایی عمر در پیش است و ایام در گذر؛ پس همتی باید تا با حضوری سبز از همسفران کوی دوست دور نماند.

تعریف اعتکاف

اعتکاف در لغت به معنای توقف در جایی است. اما تعریف اصطلاحی اعتکاف: امام خمینی (ره) در تعریف اعتکاف می‌فرماید: «هُوَ اللَّبْتُ فِي الْمَسْجِدِ بِقَصْدِ التَّعَبُّدِ بِهِ وَلَا يُعْتَبَرُ فِيهِ ضَمُّ قَصْدِ عِبَادَةِ أُخْرَى خَارِجَةً عَنْهُ وَ إِنْ كَانَ هُوَ الْإِحْوَاظُ»؛ اعتکاف، ماندن در مسجد به نیت عبادت است، و قصد عبادت دیگر در آن معتبر نیست. اگرچه احتیاط مستحب نیت عبادتی دیگر، در کنار اصل ماندن می‌باشد.

اهمیت اعتکاف

اعتکاف، محو خودخواهی در امواج بلند خداگرایی و خدمت به امت اسلامی است. اعتکاف، بیرون رفتن از خانه خویش و مصمم شدن بر حضور در خانه حضرت حق است. عبادتی مستحبی و تقرب جویانه و داوطلبانه است که روزه روز سوم آن رنگ و جوب می‌گیرد. اعتکاف، گریز از لذت‌گرایی و مهار حس خودمحوری و برتری جویی و بازگشت از قبله دنیاگرایان به سمت و سوی قلب و قبله هستی است. خودسازی، محاسبه نفس، توبه و نیایش، نماز و تلاوت قرآن و استمداد از آستان قدس ربوبی از دیگر برکات اعتکاف است. اسلام، فکر جدایی از زندگی دنیا و گوشه‌نشینی و کناره‌گیری از مردم و به تعبیر دیگر رهبانیت را باطل و ناپسند دانسته است، اما اعتکاف را به عنوان فرصتی برای بازگشت به خویش و خدای خویش قرار داده، تا کسانی که از هیاهو و جنجال‌های زندگی مادی خسته می‌شوند، بتوانند چند صباحی با خدای خود خلوت کنند و جان و روح خود را با خالق هستی ارتباط

دهند. اعتکاف شرایطی را فراهم می‌کند تا انسان‌ها با توشه‌ی معنوی و اعتقادی راسخ و ایمان و امیدی بیشتر، به زندگی خود ادامه دهند و خود را برای صحنه‌های خطر و جهاد در راه خدا آماده سازند. همیشه با یاد خدا تلاش کنند و خود را در محضر پروردگار ببینند، از نافرمانی او بپرهیزند و به سوی سعادت دنیا و آخرت گام بردارند.

اعتکاف در ادیان دیگر

کسی به درستی نمی‌داند که این عبادت، از چه زمانی آغاز شده و کیفیت، اجزا و شرایط آن در بدو شکل‌گیری چه چیزهایی بوده است.

با توجه به آیه 125 سوره بقره، می‌توان نتیجه گرفت که اعتکاف عملی بوده که در شریعت ابراهیم از مناسک و عبادات الهی محسوب می‌شده و پیروان این شریعت به این عمل مبادرت می‌ورزیده‌اند و لذا ابراهیم و اسماعیل × از طرف خداوند موظف شده بودند تا شرایط و محیطی مناسب برای برپایی این مراسم مهیا سازند. واگذاری این مسؤولیت خطیر به آنها، گواه بزرگی بر اهمیت عباداتی چون حج، اعتکاف و نماز در پیشگاه خداوند است.

حضرت موسی × با آن که مسؤولیت سنگین رهبری و هدایت امت را به دوش داشت، برای مدت زمانی آنان را ترک و برای خلوت با محبوب خویش به خلوگاه «طور» شتافت. او در پاسخ به پرسش خداوند که فرمود: چرا قوم خود را رها کردی و با عجله به سوی ما شتافتی؟ عرض کرد: پروردگارا! به سوی تو آمدم تا از من راضی شود (طه / 83 و 84).

بیت‌المقدس از مکان‌هایی بود که همواره عده زیادی از انسان‌ها، برای اعتکاف در آن گرد می‌آمدند و به راز و نیاز با پروردگار خویش مشغول می‌شدند. بزرگ این گروه، حضرت زکریا × بود و از جمله کسانی که در امر اعتکاف سرپرستی می‌-

نمود حضرت مریم ÷ بوده است. قرآن در این باره می‌فرماید: ﴿دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا﴾؛ (آل عمران / 37) کفالت او (مریم) را زکریا برعهده گرفت و هر زمان که به محل عبادت او می‌رفت برای او غذایی مهیا می‌دید. از قرآن مجید (مریم / 16 و 17) استفاده می‌شود که حضرت مریم ÷ آن گاه به که افتخار ملاقات با فرشته الهی نایل آمد از مردم بریده بود و در خلوت به سر می‌برد. علامه طباطبایی می‌فرماید: گویا مقصود از دوری مریم از مردم، بریدن از آنان و روی آوردن به اعتکاف برای عبادت بوده است.

طبق روایات اهل سنت، در دوران جاهلیت هم، عملی به عنوان اعتکاف در میان مردم رایج بوده است و مردم توسط این عمل به خدای خود تقرب می‌جستند. اجداد پیامبر اسلام^ع از پیروان دین حنیف به شمار می‌رفته‌اند و اعتکاف در غارها، بیابان‌ها و کوه‌ها، به عده‌ای از این حنفا نسبت داده شد است. آنان در جاهای خلوتی که از مردم دور بود به اعتکاف پرداخته و خود را در آن محبوس می‌کردند و جز برای نیازهای شدید و ضروری، از آن خارج نمی‌شدند و در آن اماکن به عبادت و تأمل و تفکر در هستی پرداخته و در جستجوی راستی و حقیقت بودند. آنها در آن اماکن خاموش و آرام مثل غار حرا مشغول به عبادت می‌شدند. پیامبر^ع نیز مانند خود بر دین حنیف یعنی دین حضرت ابراهیم^ع بود و عبادات متداول آن دین و از جمله اعتکاف را بر پا می‌داشت.

قبل از بعثت حضرت محمد^ع نیز غار حرا محل عبادت و راز و نیاز بود، حضرت رسول اکرم^ع نیز به اعتکاف در آن مکان مشغول می‌شدند و در اندیشه سرنوشت بشریت فرو می‌رفتند.

حقیقت و مفهوم اعتکاف

اعتکاف از ماده «عکف» و در لغت به معنای اقبال و روی آوردن به چیزی و ملازمت

آن بر سبیل تعظیم است و اعتکاف در شرع به معنای التزام به توقف و درنگ در مسجد به قصد قربت است.

در یک تعریف جامع اعتکاف عبارت است از «اقامت کردن برای حداقل سه روز در مسجد به قصد عبادت با مراعات شرایط لازم».

اعتکاف مانند سایر عبادات دارای ارکانی است. ارکان عبادت، یعنی اجزایی که اگر به طور عمد یا به سهو ترک شوند، عبادت باطل می‌شود. ارکان اعتکاف عبارت‌اند از:

1. نیت؛
2. توقف در مسجد جامع شهر یا مساجد چهارگانه معروف؛
3. استمرار در سه روز متوالی؛
4. روزه‌داری در ایام اعتکاف.

فلسفه و آثار اعتکاف

انسان در گریز از هوای نفس و فرار از اشتغالات زندگی، در طریق انس با معبود همواره نیازمند خلوتی است تا در انزوای و تنهایی خویش، در آثار صنع پروردگارش با دیده‌ی عبرت بیندیشد و با سوز دل و اشک دیده، باطن خود را از زنگار گناهان بشوید و خانه دل را مصفای حضور خالق هستی بخش سازد. و اعتکاف زمینه چنین خلوتی را فراهم می‌سازد و فرصت و مجالی به وجود می‌آورد برای پرداختن به امور نفس خویش و جلوه‌گری نور محبت خدا در اعماق وجود انسان، تا انسان بدون دلواپسی از کارهای انجام نشده و وابستگی‌های روزمره، خود را در سرای معبود نظاره‌گر باشد.

حضرت صادق × فرمود: «فی التوراة مکتوب: یا ابن آدم! تفرّغ لعبادتی أملاً قلبک غنى و لا أکلیک إلی طلبک و علی أن أسدّ فافتک»؛ در تورات نوشته شده است: ای

فرزند آدم! برای انجام عبادت من فراغتی به وجود بیاور تا من دل تو را از بی‌نیازی سرشار سازم و بدون اینکه تو طلب کنی، حاجتت را برآورده کنم و من خود را ملتزم می‌دانم که حوایج تو را برطرف نمایم.

اسرار و آداب اعتکاف

اعتکاف گرچه ایوان رفیعی است برای پرواز، اما رخصت پرواز، برای آن دلی صادر می‌گردد که برای پر زدن از چند سد گذشته باشد.

سد اول که بس بلند و محکم است، سد تودرتوی هوای نفس و نبود اخلاص است. یعنی که جز او میزبانی برای خود فرض نکنی، چرا که در حال و نه تنها در این ضیافت سه روزه، بلکه همه‌ی عمر بر سفره‌ی رنگین میزبانی واحد نشسته‌ای. باید بدانی در نجوایت فقط باید کسی را بخوانی که تو را برای تطهیر صحیفه‌ی اعمال انتخاب نموده است و این را که آمدنت و بودنت دلیلی جز او و نزدیکی به او نداشته است. اما اگر در هوایی غیر از هوای او تنفس کنی باید بدانی که فرصت رویدنی دوباره را از خود گرفته‌ای و باید برای این خشکسالی کسی را جز خودت ملامت نکنی.

گذشتن از مانع دوم که معاصی و گناهان است. اگرچه در این سه روزه، معتکف از معصیت اجتناب می‌کند اما باید قصد کند این دوری را تا ملاقات محبوبش ادامه دهد؛ چرا که در این ایام ضیافت، به بند کشیدن هواها و کنترل اعضا را به دست آورده است و آن چیزی جز یاد میهماندار مهربان نیست، آنکه او را به این فضای روشن و معطر دعوت کرده است؛ آنکه به او اجازه داده است سه روز خودش را وقف دیدار و دلبری کند؛ آنکه خواسته است این عطر ملکوتی تا آخر عمر در مشام بنده‌اش بماند تا هر وقت رایحه‌ی مرموزی خواست ذائقه‌اش را تغییر دهد، یاد آن مشک، او را به خود آورد.

و مانع آخر دنیا و جلوه‌های رنگین آن است. زهد در عین مکنّت و دارایی، آزمایشی برای مدعیان دنیاگریزی و تلنگری برای کسانی است که گمان می‌کنند اگر در زمان پیامبران و ائمه‌ی اطهار^۱ بودند از هر آنچه داشتند برای یاری و نصرت آنها دریغ نمی‌ورزیدند.

اقسام اعتکاف

اعتکاف بر دو قسم است؛ مستحب و واجب که در اصل، یکی عملی مستحبی است؛ ولی ممکن است به سببی واجب شود که از جمله اسباب وجوب اعتکاف، این امور است:

نذر، عهد یا قسم. مثلاً انسان نذر کند یا با خدای خود عهد کند یا قسم بخورد که اگر در فلان کار موفق شد، یا از فلان بیماری شفا پیدا کرد چند روز در مسجد معتکف شود.

شرط ضمن عقد، مثلاً هنگام قرارداد اجاره منزل، صاحب خانه شرط کند که مستأجر هر سال پنج روز در مسجد معتکف شود و مستأجر نیز این شرط را می‌پذیرد. اجاره مثلاً شخصی اجیر می‌شود که با دریافت مزد - یا بدون دریافت مزد - از طرف میت در مسجد معتکف شود (مانند نماز استیجاری).

شرایط اعتکاف

در صحت اعتکاف، اموری شرط است که برخی از آنها مربوط به شخص معتکف و برخی مربوط به خود اعتکاف است که در اینجا به بیان آن شرایط و احکام لازم آنها می‌پردازیم.

شرایط معتکف

1. عقل (اعتکاف دیوانه صحیح نیست)؛
2. ایمان (اعتکاف غیر مؤمن صحیح نیست)؛
3. قصد قرب (هر گونه ریا و خودنمایی، اعتکاف را باطل می‌کند)؛
4. روزه داری در ایام اعتکاف؛
5. اجازه گرفتن از کسی که اجازه او لازم است.

شرایط اعتکاف

1. شرط زمانی (از سه روز کمتر نباشد)؛
2. شرط مکانی (در مسجد جامع باشد)؛
3. شرط استمرار (ادامه ماندن در مسجد و خارج نشدن از آن).

زمان اعتکاف

اعتکاف در هر زمانی که انسان بتواند حداقل سه روز در مسجد بماند صحیح است، و بهترین زمان برای آن، ماه مبارک رمضان و مخصوصاً در دهه آخر آن ماه می باشد.

نیت اعتکاف

اعتکاف، همانند سایر عبادات، باید با نیت و قصد قربت باشد و هر گونه ریا و خودنمایی و قصد غیرالهی آن را باطل می کند. در نیت اعتکاف، قصد وجه شرط نیست، یعنی لازم نیست قصد کند که اعتکاف واجب است یا مستحب. زمان نیت اعتکاف، وقت شروع اعتکاف است که شروع طلوع فجر می باشد و با استمرار نیت اول شب هم مانعی ندارد. اعتکاف را می توان به سه صورت به جای آورد: 1) برای خود 2) به نیابت از مردگان 3) به نیابت از زندگان.

اگر اعتکاف را به نیابت از کسی که از دنیا رفته به جای آورد، در این صورت اعتکاف را تنها به نیابت از یک نفر می توان انجام داد ولی اگر مقصود ثواب باشد، می توان ثواب اعتکاف را به چند نفر، زنده یا مرده، هدیه کرد.

در مورد نیابت از شخص زنده، در میان فقها اختلاف نظر وجود دارد؛ بسیاری از فقها در درستی چنین اعتکافی، تردید کرده اند؛ البته هر گاه نایب، اعتکاف را به قصد رجا، یعنی امید به مطلوب بودن عمل نزد خدا، نه به عنوان عبادتی حتمی انجام دهد مانعی ندارد.

شرایط اعتکاف

در صحت اعتکاف علاوه بر شرایط عامه تکلیف (ایمان، عقل و قدرت) اموری دیگری نیز شرط است که عبارت است از:

1. قصد قربت؛
2. روزه؛
3. سه روز روزه‌دار بودن؛
4. وقوف در چهار مسجد: مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد جامع کوفه و مسجد بصره؛ البته به قصد رجا (به امید پاداش) می‌توان در مسجد جامع هر شهر معتکف شد؛
5. اجازه شوهر و اجازه پدر و مادر؛
6. پیوستگی اعتکاف.

محرمات اعتکاف

1. پرداختن به امور جنسی به معنای وسیع آن که شامل هر نوع بهره برداری شهوانی می‌باشد؛
2. بوییدن عطر و هر نوع بوی خوش و گیاهان معطر به قصد لذت بردن؛
3. مجادله و مناقشه؛ حرمت جدال مربوط به اموری است که معتکف بخواهد فضل و برتری خود را به دیگران نشان دهد.
4. محرمات روزه؛ در حال روزه یعنی از طلوع تا غروب خورشید که معتکف روزه می‌گیرد باید از محرمات روزه نیز اجتناب نماید. بعضی از فقها اجتناب از محرمات احرام را بر معتکف مستحب دانسته‌اند.
5. خرید و فروش.

اعمال اعتکاف

اعمال شب سیزدهم

اعمالی را باید در این شب انجام داد؛ از جمله آن ده رکعت نماز است که اگر به درستی به جا آورده شود، دارای ثواب و پاداش بزرگی است. در روایتی از پیامبر ' می خوانیم: «کسی که در شب سیزدهم ماه رجب ده رکعت نماز بخواند؛ بدین گونه که در رکعت اول حمد یک مرتبه و سوره عادیات هم یک مرتبه و در رکعت دوم حمد یک مرتبه و سوره تکوین نیز یک مرتبه بخواند و رکعت ها را هم به همین نحو تمام کند، خداوند متعال گناهان او را می آمرزد و اگر عاق والدین هم باشد خداوند سبحان از او راضی می شود و همچنین در قبر نکیر و منکر به او نزدیک نمی شوند و او را نمی ترسانند. بر پل صراط هم چون برق خاطف (سریع) عبور می کند و نامه اعمالش را به دست راستش می دهند و میزان اعمالش سنگینی می کند و در بهشت فردوس هزار شهر به او اعطا می شود.»

روز سیزدهم

روژه این روز هم ثواب فراوان دارد و برای کسی که بخواهد اعمال ام داوود را به جای آورد، باید این روز و دو روز بعدش را روزه بگیرد.

نیابت در اعتکاف

انسان می تواند اعتکاف را برای خود یا برای دیگری به جای آورد. به قسم دوم، اعتکاف نیابتی گفته می شود.

اعتکاف به نیابت میت بی اشکال است ولی به نیابت از انسان زنده، بنابر احتیاط به قصد رجا اشکال ندارد. پس به طور خلاصه می توان در این بخش اعتکاف را این گونه تقسیم کرد:

اعتکاف

1. برای خود؛
2. برای دیگران؛
3. به نیابت از میت؛
4. به نیابت از زنده.

گرچه روزه به نیابت از انسان زنده صحیح نیست ولی روزه گرفتن در اعتکاف مانند نماز برای طواف است که به تبع عمل دیگر لازم می‌شود. همچنان که طواف و نماز آن به نیابت زنده‌ها صحیح است اعتکاف و روزه آن نیز صحیح است. اعتکاف به نیابت از دو یا چند نفر، صحیح نیست، ولی می‌تواند اعتکاف را به نیت خود به جا آورد و ثواب آن را به دیگران اهدا کرد؛ خواه یک نفر باشد یا چند نفر، زنده یا مرده.

شایسته توضیح است که آیت‌الله تبریزی نیابت از میت را بدون مانع و نیابت از حی (زنده) را محل اشکال می‌داند.

عدول از نیت اعتکاف

عدول از اعتکافی به اعتکاف دیگر جایز نیست و فرقی نیست که هر دو واجب باشد یا مستحب؛ مثلاً از اعتکاف استیجاری (که برای دیگری با دریافت مزد انجام می‌دهد) به نذر که هر دو واجب است و یا اعتکاف برای خود به اعتکاف نیابت تبرعی (داوطلبانه و بدون دریافت مزد) یا یکی واجب و دیگری مستحب، مثلاً از ابتدا به نیت اعتکاف نذری در مسجد مانده و در روز دوم نیت را از نذر به استحباب برگرداند.

همچنین عدول از نیابت شخصی به نیابت از شخص دیگر نیز جایز نیست، یعنی اگر قصد داشته که اعتکاف را برای خودش انجام دهد، پس از شروع نمی‌تواند نیت را برگرداند و به نیابت از دیگری به اتمام برساند همچنان که عکس این نیز جایز نیست.

روزه اعتکاف

انسان در ایام اعتکاف باید روزه بگیرد. بنابراین، کسی که نمی‌تواند روزه بگیرد، مانند مسافر، مریض، زن حایض یا نفسا و کسی که عمداً روزه نمی‌گیرد، اعتکافش صحیح نیست.

مسافر و مریض اگر معتکف شوند، اعتکاف آنها صحیح نیست ولی زن حایض یا نفسا نه تنها اعتکافش صحیح نیست بلکه به جهت توقف در مسجد گناهکار است. اعتکاف در روز عید فطر و قربان یا دو روز قبل از عید به طوری که روز سوم آن عید باشد صحیح نیست.

همچنین گفتنی است که لازم نیست که روزه معتکف، مخصوص به اعتکاف باشد، بلکه روزه او با هر نیتی باشد صحیح است؛ مثلاً در ایام اعتکاف، روزه قضا یا نذری یا استجاری به جا آورد.

اگر شخصی نذر کند که در ایام معینی معتکف شود و در همان ایام روزه نذری یا استجاری بر عهده او باشد، می‌تواند در همان اعتکاف، روزه نذری یا اجاره‌ای خود را به جا آورد ولی اگر نذر اعتکاف بدین گونه بوده است که روزه برای اعتکاف یا به خاطر اعتکاف باشد کفایت از روزه نذری یا اجاره‌ای نمی‌کند.

انسان می‌تواند نذر کند، در سفر روزه بگیرد و به نظر برخی مراجع معظم تقلید، حتی هنگام سفر هم می‌تواند نذر کند که روزه بگیرد در این صورت اعتکافش صحیح است.

اجازه اعتکاف

این افراد بدون اجازه، نمی‌توانند معتکف شوند:

زن بدون اجازه شوهرش، در صورتی که اعتکاف موجب از بین رفتن حق او باشد، بنا بر احتیاط واجب اجازه او لازم است.

فرزند بدون اجازه الدین، در صورتی که اعتکاف او موجب اذیت و آزار آنان باشد و اگر موجب اذیت و آزار آنان هم نباشد احتیاط مستحب است اجازه بگیرد.

کسی که در استخدام دیگری است مانند برخی از کارگران و کارمندان، در صورتی که قرارداد اجاره به گونه‌ای است که منفعت اعتکاف را نیز در بر می‌گیرد یعنی اعتکاف با عمل به اجاره منافات دارد. در اعتکاف، بلوغ شرط نیست، بنابراین اگر کودک ممیز معتکف شود صحیح است.

مدت اعتکاف

مدت اعتکاف حداقل سه روز است و کمتر از آن صحیح نیست ولی در زیاده حدی ندارد ولی اگر پنج روز معتکف شود، روز ششم را نیز واجب است بماند بلکه بنابر احتیاط واجب هر گاه دو روز اضافه کرد روز سومش هم باید بماند، پس اگر هشت روز معتکف شد روز نهم هم واجب است.

این سه روز از طلوع فجر روز اول تا مغرب روز سوم است بنابراین اگر بعد از طلوع فجر ولو با چند دقیقه تأخیر به مسجد برسد آن روز جزو اعتکاف به شمار نمی‌آید و چنانچه قبل از مغرب روز سوم، اعتکاف را قطع کند افزون بر آنکه کار حرامی کرده اعتکاف نیز باطل است.

سه روز اعتکاف با شب‌های آن است که حداقل سه روز و دو شب در وسط است بنابراین نمی‌تواند شب‌ها را از مسجد خارج شود یا نذر کند که سه روز بدون شب‌ها در مسجد معتکف شود.

اگر انسان نذر کند که دو روز معتکف شود نه بیشتر از آن، این گونه نذر باطل است ولی اگر مقید نکرده که بیشتر نباشد نذر صحیح است و واجب است که روز سوم را نیز بماند.

مکان اعتکاف

اعتکاف تنها در مسجد صحیح است، بنابراین اگر کسی در خانه خود یا در تکیه، یا حسینیه یا در حرم معتکف شود صحیح نیست و از مساجد نیز تنها در این مساجد (مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد جامع کوفه، مسجد بصره) اعتکاف صحیح

است؛ البته به قصد رجا (یعنی به نیت مطلوب بودن و به امید پاداش و ثواب) می‌توان در مسجد جامع هر شهر معتکف شد.

در این مسأله فرقی بین مردان و زنان نیست، بنابراین اگر دختران و بانوان بخواهند معتکف شوند باید در یکی از همین مساجد باشد.

در خصوص اعتکاف در غیر مساجد جامع مانند نمازخانه دانشگاه‌ها دیدگاه مراجع متفاوت است در این خصوص در پاسخ استفتایی مبنی بر این که آیا اعتکاف در غیر مساجد جامع، مثل نمازخانه دانشگاه‌ها رجا اشکال دارد یا نه؟ و در صورت صحت، آیا احکام اعتکاف، از قبیل ترک محرمات جاری می‌شد یا خیر؟ پاسخ‌های زیر ارایه شده است:

آیت‌الله خامنه‌ای: رجا اشکالی ندارد.

آیت‌الله بهجت: ظاهراً جایز نیست و احکام اعتکاف را ندارد.

آیت‌الله فاضل: اعتکاف در مسجد جامع رجا صحیح است و در غیر از مساجد جامع جایز نیست.

آیت‌الله سیستانی: مشروع نیست و احکام آن را ندارد.

آیت‌الله مکارم: اعتکاف باید فقط در مساجد جامع باشد و منظور از مسجد جامع مسجدی است که قشرهای مختلف شهر در آن شرکت کنند.

آیت‌الله تبریزی: اعتکاف باید در مسجد جامع شهر باشد و اعتکاف در غیر مساجد جامع صحیح نیست.

همچنین در پاسخ به این سؤال که آیا انسان می‌تواند نذر کند که در شهر دیگری معتکف شود؟

آیت‌الله تبریزی می‌فرمایند: مانعی ندارد، باید روزه اش در آنجا صحیح باشد و نذر اعتکاف در شهر دیگر، نذر روزه نیست.

گفتنی است که اگر در یک شهر، دو یا چند مسجد جامع وجود داشته باشد در هر

کدام که بخواهد می‌تواند معتکف شود ولی اگر جای خاصی از مسجد را برای اعتکاف خود مشخص کند، چنین قصدی لغو است و لازم نیست حتماً در آنجا معتکف شود. اگر معتکف جنب شود و با حال جناب در مسجد بماند اعتکاف او باطل است چون توقف او در مسجد، حرام است و اگر جای شخص دیگری را غصب کند یا عمداً بر فرش غصبی بنشیند هر چند گناه کرده است ولی اعتکافش باطل نیست. آیت‌الله بهجت: در فرض مذکور اعتکاف او صحیح است و در صورت بطلان کفاره ندارد.

آیت‌الله خامنه‌ای: اعتکاف صحیح است و کفاره هم ندارد.

آیت‌الله سیستانی: عمداً هم اگر باشد اعتکاف صحیح است.

آیت‌الله فاضل: علی‌ای حال اعتکاف صحیح است.

آیت‌الله مکارم: اگر جاهل به موضوع باشد اعتکافش صحیح است ولی اگر غصب بودن را می‌دانسته و حکم اعتکاف را نمی‌دانسته اعتکاف او صحیح نیست و توبه در اینجا مشکل را حل نمی‌کند.

آیت‌الله تبریزی: چنانچه غافل بوده اعتکافش صحیح است و اگر جاهل متردد بوده یا عامد بوده اعتکافش صحیح نیست لکن کفاره ندارد.

همچنین در خصوص این سؤال که اگر کسی را که زودتر از او در مسجد رفته بیرون کند و جایش را بگیرد، اعتکافش صحیح یا نه؟ نظر مراجع چنین است: آیت‌الله صافی گلپایگانی: بنابر احتیاط، اعتکاف او باطل می‌شود باید اگر اتمام اعتکاف بر او واجب شده، آن را تمام نماید و اگر اعاده آن واجب است، پس از اتمام اعاده نماید.

آیت‌الله بهجت: اگر مکان منحصر به آنجا باشد باقی اعتکافش باطل است.

آیت‌الله مکارم: خالی از اشکال نیست.

آیت‌الله فاضل: بلی اعتکاف او صحیح است و بطلان آن محل منع است.

سؤال: آیا گذاشتن وسایل یا نوشتن نام و امثال آن موجب سبقت در محلی از مسجد می شود؟

آیت الله مکارم: هر گاه به موقع در مسجد حضور یابند بعید نیست موجب حق سبق باشد.

آیت الله بهجت: می شود.

قطع اعتکاف

برای شناخت حکم قطع اعتکاف باید اقسام آن را شناخت.

اقسام اعتکاف

واجب معین: پس از شروع قطع آن جایز نیست.

واجب موسع: پس از تکمیل دو روز، قطع آن جایز نیست

مستحب: پس از تکمیل دو روز، قطع آن جایز نیست.

در توضیح موارد یاد شده باید گفت اگر اعتکاف، واجب معین باشد یعنی وقت مشخص داشته باشد مثلاً نذر کند از 21 تا 26 ماه رمضان در مسجد معتکف شود همین که اعتکاف را شروع کرد اتمام آن واجب و قطع آن غیر جایز است.

و اگر اعتکاف، واجب موسع باشد یعنی وقت آن وسعت دارد مثلاً نذر کرده باشد که امسال، یا در این ماه سه روز معتکف شود یا اعتکاف مستحب باشد تا قبل از تکمیل دو روز می تواند آن را رها کند. مثلاً در روز اول، شب اول یا روز دوم، ولی اگر اعتکاف را رها نکرد و در مسجد ماند تا طلوع فجر روز سوم در این صورت، بر او واجب است که اعتکاف را کامل کند و روز سوم را بماند.

انسان می تواند از آغاز، هنگام نیت، شرط کند که اگر مشکلی پیش آمد - مثلاً بگوید اگر هوا سرد شد - اعتکاف را رها می کنم در صورت پیش آمدن مانع، رها کردن اعتکاف اشکال ندارد حتی در روز سوم.

در اعتکاف نذری، انسان می‌تواند هنگام خواندن صیغه نذر شرط کند که اگر مانعی پیش آمد اعتکافم را رها کنم.

سؤال: آیا معتکف می‌تواند به هنگام نیت اعتکاف شرط کند که هر زمان خواست از اعتکاف خود رجوع کند؟ اگر بعد از نیت حکم شرط خود را ساقط نمود، آیا شرط او ساقط می‌شود یا خیر؟

آیت‌الله تبریزی: می‌تواند شرط کند و با اسقاط ساقط نمی‌شود.

سؤال: اگر شرط رجوع در وقت نذر کردن برای اعتکاف باشد چه حکمی دارد؟
آیت‌الله تبریزی: مثل شرط کردن در زمان نیت اعتکاف است و چنانچه اعتکاف را به عنوان وفای به نذر مزبور انجام دهد، حتی در روز سوم می‌تواند رجوع کند.

قضای اعتکاف

اگر در حال اعتکاف جماع کند - عمدأ باشد یا سهواً - پس اگر اعتکاف واجب معین باشد، باید قضای آن را به جا آورد و اگر واجب غیر معین باشد باید آن را از سر بگیرد.

اگر یکی دیگر از محرمات اعتکاف را سهواً انجام دهد و اعتکاف واجب معین باشد بنابر احتیاط واجب باید اعتکاف را به پایان ببرد و قضای آن را به جای آورد.
ولی اگر واجب غیر معین باشد اگر در دو روز اول باشد باید اعتکاف را از سر بگیرد و اگر روز سوم باشد اعتکاف را به پایان ببرد و از سر بگیرد.

اگر اعتکاف مستحب را بعد از روز دوم باطل کند باید قضای آن را به جا آورد ولی اگر قبل از اتمام روز دوم باطل کند چیزی بر عهده او نیست.
شایسته توضیح است که واجب نیست قضای اعتکاف را فوراً به جا آورد اگر چه احتیاط مستحب در این است.

سؤال: اگر کسی نذر کند ایام معینی را معتکف باشد و از آن ایام معین تخلف نماید - یک روز یا بیشتر - آیا قضا بر او واجب است یا خیر؟
آیت‌الله تبریزی: بنابر احتیاط، قضای آن واجب است.

کفاره اعتکاف

اگر اعتکاف واجب را با آمیزش (جماع) باطل کند، کفاره واجب است و در سایر محرمات کفاره لازم نیست، هر چند احتیاط مستحب بر آن است. اگر در دور روز اول اعتکاف مستحب آمیزش کند و اعتکاف را رها نکند بنابر احتیاط واجب کفاره لازم است.

کفاره بطلان اعتکاف، مانند کفاره روز ماه رمضان است یعنی باید:

- دو ماه روزه بگیرد؛
- به 60 مسکین، طعام بدهد؛
- یا یک برده را آزاد کند.

احتیاط مستحب است که اگر ممکن است یک برده را آزاد کند و در صورت ناتوانی دو ماه روزه بگیرد و چنانچه نتواند روزه بگیرد به 60 فقیر طعام بدهد.

توصیه‌هایی درباره اعتکاف

با توجه به استقبال گسترده مردم معمولاً مسؤولان برگزارکننده تا ظرفیتی که امکان دارد ثبت نام می‌کنند به همین دلیل در حد انداختن یک پتو به اندازه استراحت معمولاً فضا در اختیار خواهد بود. پس بهتر است معتکفان یک پتو، حوله، مسواک، ملحفه، شانه، مفاتیح، قرآن و یک دست لباس زیر و یا راحتی همراه داشته باشند. آوردن بیش از اندازه وسایل هم باعث مزاحمت دیگران می‌شود و هم کار را برای شما سخت می‌کند. با توجه به فرصت ویژه اعتکاف که بهترین فرصت برای فاصله گرفتن از زندگی همیشگی است پیشنهاد می‌شود تا حد امکان از وسایل الکترونیکی و تلفن همراه استفاده نشود تا بهتر بتوان طعم شیرین انس با خالق را در این سه روز چشید.

رشحاتی از قلم

فرمود: اگر بی خویشان نیستی، با خویشان هم مباش، تنها با من باش، با من! که تو را

بیشتر از خودت دوست می‌دارم.

با من باش، اگر شده حتی، سه روز! سه روز از ماهی که متعلق به من و به نام من است! پس بخوان! بخوان با تمام نیازت:

«یا من یملک حوائج السائلین و یعلم ضمیر الصامتین لكل مساله منك سمع حاضر و جواب عتید»

هر چند اعتکاف در «حرم دل» نیاز به زمان و مکان ندارد و این حرم ایمن تنها با وضوی اخلاص در کوثر عشق و سجود در مطرب ارادت، امکان‌پذیر است؛ اما چه زمانی بهتر از نیمه‌ی رجب و چه مکانی بهتر از مسجد حریم کوی یار، که آکنده از حضور مشتاقان وصال است.

«اللهم یا مذلّ کلّ جبار و یا معزّ المؤمنین أنت کهفی حین تغینی المذاهب ...»

منابع

1. آداب اعتكاف، غلامرضا عبادین زاده، رشت، کتیه گیل، اول، 1383.
2. آداب الاعمال، علی عطایی اصفهانی، قم، امیرالعلم و نورالنور، اول، 1390.
3. اثرات و برکات اعتكاف، معصومه حیدری، تهران، ناشر معصومه حیدری، سوم، 1389.
4. احکام اعتكاف، آیت الله ناصر مکارم شیرازی، قم، مدرسه امام علی بن ابیطالب ×، اول، 1384.
5. احکام اعتكاف، محمد انجم شعاع، بی جا، شرکت چاپ و نشر بین الملل، 1380.
6. احکام اعتكاف، محمد حسین فلاح زاده، قم، دلیل ما، پنجم، 1389.
7. اعتكاف آداب و شرایط آن، محمد علی خالی، بی جا، احسان، 1382.

نگاهی به آثار و برکات اعتکاف به ضمیمه احکام کاربردی اعتکاف



عیسی عیسی زاده^۱

چکیده

اعتکاف، آبشار زلال عبودیت بر کویر خسته از گناه است تا صفا و روشنی قلب را ارمغان آورد و نسیم عطرآگین آن روح را نوازش دهد و دستان گنهکار را، در دستان خدا قرار دهد؛ چنان که دیگر به استقبال گناه نرود. آری اعتکاف اگر با شرایط و آداب ویژه‌اش، اجرا گردد آنچنان در زندگی فردی و اجتماعی تحول ایجاد خواهد کرد، که قلم از بیان آن عاجز است و چنانچه این آثار برای افراد به شایستگی تبیین گردد، اقبال به اعتکاف به صورت یک فرهنگ، در جامعه تجلی خواهد یافت. بر این اساس در این مقاله تلاش شده تا به بعضی از آثار فردی، اجتماعی و آخرتی اعتکاف اشاره شده و بعضی از احکام کاربردی آن بیان شود.

واژگان کلیدی

اعتکاف، آثار و برکات اعتکاف، گناه، عبودیت، احکام اعتکاف

1. دکترای کلام و خارج حوزه و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. ایمیل

e.eisazadeh@isca.ac.ir:

معنای اعتکاف

اعتکاف در لغت به معنای اقبال به سوی چیزی همراه با تعظیم و بدون انصراف،^۱ و در اصطلاح به معنای اقامت سه روز یا بیشتر در مسجد به قصد عبادت یا قربت با شرایط مخصوص است.^۲

ارزش اعتکاف

در ارزش و عظمت اعتکاف همین بس، که خداوند بر اساس آیه ی ① وَعَهْدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهْرًا بَيْنِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ^۳ دو پیامبر بزرگ را مأمور تطهیر و آماده سازی خانه خویش برای معتکفین، نموده است.

اعتکاف فصلی است برای بارش باران رحمت الهی، شستشوی آلودگی های گناه، تطهیر صحیفه ایمان، نورانی ساختن دل، صفا بخشیدن به روح و مجالی برای بار یافتن به بارگاه جلال ربانی و بالاخره، اعتکاف برجسته ترین مظهر بندگی در پیشگاه الهی و به حقیقت، انقطاع عن الخلق و تربیت نفسانی است و اصل آن هم رسیدن به مقام اراده برای تربیت نفس است.

آیت الله جوادی آملی در اهمیت و ارزش اعتکاف می فرماید: «اعتکاف از هدایای الهی است؛ همان طور که پیامبر اکرم^۴ تسبیح صد ذکری را به دخترش هدیه داد، خداوند [نیز] اعتکاف را به امت اسلامی هدیه داد، پس باید از آن بهره برداری نماییم، اعتکاف چنان عظمتی دارد که یکی از شرایط و اجزای آن روزه است، این در حالی است که روزه از زیربنای اسلام است».^۴

1. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، «عکف».

2. گروه پژوهشگران، اعتکاف ابرار، ص 24.

3. سوره بقره، آیه 125.

4. پایگاه اطلاع رسانی حوزه، 89/3/27.

نیاز به اعتکاف

انسان در گریز از هوای نفس و فرار از اشتغالات زندگی، در طریقت انس با معبود همواره نیازمند خلوتی است تا در انزوای وجود خویش در آثار صنع پروردگارش با دیده عبرت بیندیشد و با سوزدل و اشک دیده، باطن خود را از زنگار گناهان بشوید و خانه‌ی دل را مصفای حضور خالق هستی بخش سازد و اعتکاف زمینه چنین خلوتی را فراهم می‌کند و فرصت و مجالی می‌دهد برای پرداختن به امور نفس و جلوه‌گری نور محبت خدا در اعماق سرای وجود، تا انسان بدون دلواپسی از کارهای انجام نشده و وابستگی‌های روزمره، جایگاه خود را در سرای معبود نظاره‌گر باشد.

اعتکاف یک قرنطینه معنوی است که هر انسانی برای پاک‌سازی روحی خویش از بیماری‌های آشکار و پنهان اخلاقی، نیازمند حضور در آن است تا با انجام اعمال عبادی مخصوص، نخست وجود خویش را از آن بیماری‌ها پالایش داده و سپس برای مقابله با آفت‌های آینده به سلاح محکم ایمان و تقوای الهی، مسلح گردد.

آثار اعتکاف در روایات

1. پاداش بی‌حساب

رسول خدا^۱ فرمود: «الْمُعْتَكِفُ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ وَيَجْزِي لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ عَامِلِ الْحَسَنَاتِ كُلِّهَا»؛^۲ معتکف، گناهان را متوقف نموده و از بین می‌برد و اجری مثل اجر تمام نیکی‌ها دریافت می‌دارد.

2. معادل دو حج و دو عمره

رسول خدا^۱ فرمود: «اعْتِكَافُ عَشْرِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ تَعْدِلُ حَجَّتَيْنِ وَعُمْرَتَيْنِ»؛^۲ اعتکاف ده روز در ماه رمضان معادل [ثواب] دو حج و دو عمره است.

1. متقی هندی، کنز العمال، ج 8، ح 24007.

2. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج 7، ص 397، ح 3.

3. آمرزش گناه

رسول خدا ¹ فرمود: «مَنْ اعْتَكَفَ اِيْمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ»؛¹ هر کس از روی ایمان و حسابگری معتکف شود، گناهان گذشته او بخشیده می شود. امیر مومنان علی [×] نیز در این باره فرمودند: «هر کس یک روز از ماه رجب را در اول یا وسط یا آخر آن روزه بگیرد، تمام گناهان گذشته او بخشیده می شود».²

4. مرگ همراه با توبه نصوح

پیامبر اکرم [ؐ] می فرمایند: «هر کس سه روز از وسط ماه رجب (سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم) را روزه بدارد و در شب هایش به نماز شب قیام کند، از دنیا رحلت نمی کند مگر با توبه نصوح».³

5 و 6. بهره‌مندی از ثواب روزه‌داری و شب زنده‌داری یک سال و ایمنی از آتش دوزخ

امام صادق [×] فرمود: «کسی که ایام البیض (سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم) از ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند به ازای هر روز، ثواب روزه‌داری و شب زنده‌داری یک سال را برای او بنویسد و در روز قیامت، در جایگاه ایمن شدگان از آتش دوزخ خواهد ایستاد».⁴

7. از زمره رجبیون

امام صادق [×] فرمود: «إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَادِي مُنَادٍ مِنْ بَطْنَانِ الْعَرْشِ أَيْنَ الرَّجَبِيُّونَ؟ يَقُومُ أُنْسٌ يُضِيئُ وُجُوهُهُمْ لِأَهْلِ الْجَمْعِ عَلَي رُؤُسِهِمْ تِيجَانُ الْمَلِكِ وَذَكَرَ ثَوَاباً جَزِيلاً إِلَي أَنْ قَالَ: هَذَا لِمَنْ صَامَ مِنْ رَجَبٍ شَيْئاً وَلَوْ يَوْماً مِنْ أَوَّلِهِ أَوْ وَسْطِهِ أَوْ آخِرِهِ»؛⁵

1. متقی هندی، کنز العمال، ج 8، ح 24007.

2. شیخ صدوق، امالی، ص 542، مجلس 81.

3. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج 7، ص 357، ح 21.

4. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج 7، ص 357، ح 22.

5. فتال نیشابوری، روض الواعظین و بصیره المتعظین، ج 2، ص 401، مجلس فی فضل رجب، ص 395.

وقتی روز قیامت شد، نداکننده‌ای از درون عرش صدا می‌زند کجایند «رجیون» (اهل ماه رجب)؟ پس گروهی که چهره آنان برای جمعیت درخشان است و تاج فرشتگان بر سر دارند به پا خیزند. آن گاه امام صادق × ثواب‌های زیادی نام برد و بعد فرمود: همه اینها برای کسی است که قسمتی از ماه رجب را روزه بگیرد؛ اگرچه یک روز در اول یا وسط یا آخر آن باشد.

آثار فردی اعتکاف

1. تقویت اراده

یکی از آثار ارزشمند و کلیدی اعتکاف در زندگی فردی انسان، تقویت اراده آدمی است. کسی که مدتی به خواست درونی خویش، خود را در محل مقدسی آن هم خانه خدا، حبس و از بسیاری از امور، چون حرف زدن در غیر امور عبادی که به طور طبیعی تمایل به آنها دارد پرهیزد، خود به خود دست به انجام تمرینی زده است که او را برای اجتناب از بسیاری از خواهش‌های نفسانی دیگر مهیا می‌سازد. برخورداری انسان از اراده قوی، نه تنها در مسایل اخلاقی و دینی بسیار مهم است، بلکه نقش آن در امور روزمره هم بر کسی پوشیده نیست.

2. انس با معنویت

یکی از برکات فردی اعتکاف، انس با معنویت است، چون انسان با ارتباطی که در ایام اعتکاف با عبادت و ادعیه پیدا می‌کند، حالات معنوی برای او لذت‌بخش می‌شود و به هیچ وجه حاضر نیست این حال و هوا را حتی بعد از اعتکاف به راحتی از دست بدهد، لذا تلاش می‌کند تا آن را استمرار بخشد که در نتیجه، وجود چنین حالتی منشأ برکات فراوانی در زندگی خواهد شد.

3. رشد آگاهی و بصیرت دینی

با توجه به برنامه‌های بسیار ارزشمندی که در این سال‌ها از سوی برگزارکنندگان اعتکاف اجرا می‌شود، مثل تشکیل حلقه‌های معرفتی بین معتکفین، دعوت از

دانشمندان و متخصصان در موضوعات گوناگون، برگزاری جلسات پاسخ به شبهات دینی، برگزاری مسابقات فرهنگی و... فرد معتکف با حضور در این برنامه، آگاهی‌های بسیار ارزشمندی نسبت به معارف دین پیدا می‌کند که این آگاهی و بصیرت می‌تواند چراغ هدایتی باشد در ادامه زندگی او.

4. پاک‌سازی روح

ترک گناهان، مکروهات و حتی بعضی از امور حلال، توبه از گناهان گذشته، انجام واجبات و مستحبات و جاری کردن اشک‌های ندامت در ایام اعتکاف، معتکف را از هر آلودگی روحی پاک می‌کند و این پاکی منشأ برکات فراوانی در زندگی او خواهد شد.

5. فرصت‌یافتن برای عبادت

یافتن فرصت برای انجام اعمال عبادی مثل نمازهای واجب، نمازهای مستحبی، دعاهای مختلف و تلاوت قرآن همراه با تدبیر، یکی از توفیقات الهی است که در سایه اعتکاف برای معتکف فراهم می‌شود که در نتیجه، آثار و برکات انجام این اعمال نیز در زندگی فرد آشکار می‌گردد.

6. فرصت‌یافتن برای تفکر و حسابرسی و برنامه‌ریزی

با فاصله گرفتن فرد معتکف از اشتغالات روزمره زندگی و انتخاب خلوت در خانه خدا، این فرصت برای او فراهم می‌شود تا در گذشته و آینده خود بیندیشد و خود را به نقد بکشانند و مروری بر اعمال گذشته خود داشته باشد و برای آینده‌ای زیباتر و مفیدتر، برنامه‌هایی را برای زندگی خویش تنظیم نماید.

7. انقطاع از غیر خدا

دست برداشتن از تعلقات دنیایی و روی آوردن به سوی خدا، یکی دیگر از آثار ارزشمند اعتکاف است. معتکف در طول زمان اعتکاف از کار، خانه، زن، بچه و اشتغالات دیگر دنیایی دست کشیده و تمام اوقات خود را صرف عبادت و بندگی خدا می‌کند و این خود تمرینی است بر ترک تعلقات دنیایی که می‌تواند راهی باشد

برای کنترل تعلقات دنیوی بعد از اعتکاف و سوق دادن معتکف به ارتباط بیشتر با خداوند سبحان.

آثار و برکات اجتماعی اعتکاف

1. آشنایی و برقراری ارتباط دوستانه

حضور مؤمنان یک شهر در مسجد جامع به صورت همزمان، فرصت مناسبی است تا مؤمنان با یکدیگر آشنا شوند و ارتباط دوستانه با هم برقرار نمایند که در سایه این اخوت اسلامی می‌تواند بسیاری از مشکلات جامعه را به آسانی برطرف کند. گفتنی است که تأثیر انتخاب دوست مؤمن و صالح بر سالم ماندن افراد از آسیب‌های اجتماعی و انحرافات فکری بر کسی پوشیده نیست و این نعمت را می‌توان در مراسم اعتکاف به دست آورد.

2. خنثی‌سازی توطئه‌های دشمنان در جنگ نرم

یکی از آثار بسیار مهم اعتکاف، خنثی‌سازی توطئه‌های دشمنان در جنگ نرم است زیرا آنها با استفاده از ابزار پیشرفته در صددانند تا اعتقادات و باورهای دینی مردم بویژه جوانان را سست نمایند و فرهنگ بیگانه را در جامعه اسلامی رواج دهند. اما اعتکاف که نقش بسیار مهمی در محکم کردن ایمان و باورهای مردم دارد می‌تواند یکی از بهترین راه مقابله و پیروزی بر توطئه‌های دشمنان باشد، زیرا هر فردی که در مراسم اعتکاف، طعم شیرین ایمان و انس با خداوند را می‌چشد، لذت‌های مادی و شهوانی در دیدگانش، حقیر و بی‌ارزش می‌شود و به آسانی در گرداب فساد و باورهای ضد دینی گرفتار نمی‌شود و خود را اسیر دشمنان در جنگ نرم نمی‌کند. سه روز کامل در دریای عشق و عبادت الهی غوطه‌ور شدن و امساک از هر گونه مسایل دنیوی و خلوت با خداوند متعال، نیرویی شگرف در انسان پدید می‌آورد که می‌تواند مسیر مقاومی در برابر تهاجمات بیگانگان ظاهری و باطنی باشد، به شرط

آنکه انسان از این نیرو محافظت کند و در مواقعی که باید، آن را به کار گیرد. بر همین اساس تمام کسانی که دلشان برای هدایت جامعه، مخصوصاً جوانان می‌تپد می‌بایست با تشویق مردم و جوانان، آنها به شرکت در این مراسم معنوی انسان‌ساز ترغیب نمایند.

3. کاهش جرم و فساد

همانگونه در ماه مبارک رمضان، آمار جرم و جنایت و فساد و فحشا، به صورت چشمگیری در جامعه کاهش می‌یابد، در ایام اعتکاف نیز این گونه است، زیرا به برکت انقلاب اسلامی در هر سال در تمام شهرهای کشور، صدها مسجد با برگزاری مراسم اعتکاف سبب نورانی شدن فضای جامعه می‌شوند و این فضا سبب می‌شود تا افراد شرور و گناهکار کمتر سراغ معصیت بروند.

4. رشد وحدت و همدلی

یکی دیگر از برکات اجتماعی اعتکاف، وحدت و همدلی بین مؤمنان است که در اثر کنار هم بودن و با مناجات و دعای جمعی، این روحیه در آنان ایجاد می‌شود به صورتی که بعد از اعتکاف هر کجا که همدیگر را ملاقات می‌کنند، آن خاطرات زیبای اعتکاف را یادآوری می‌کنند.

5. رونق مساجد

یکی از برکات مراسم اعتکاف، رونق پیدا کردن مساجد است که این خود منشأ برکات فراوانی در جامعه می‌باشد، زیرا هر چه مساجد پر رونق‌تر شود، ارزش‌ها در جامعه رشد بیشتری پیدا خواهد کرد.

6. رسیدگی به محرومان

گزارش‌های برگزار کنندگان مراسم اعتکاف، نشان دهنده آن است که مشکلات مالی و غیر مالی افراد زیادی از محرومان جامعه به وسیله معتکفان، خصوصاً معتکفان

خیر در ایام اعتکاف برطرف می‌شود و حتی مشکلات افراد نیازمند حاضر در مراسم اعتکاف نیز شناسایی و به وسیله اشخاص خیر حاضر در اعتکاف و یا خارج از اعتکاف برطرف می‌شود.

7. زنده نگه داشتن یاد شهدا

یکی دیگر از برکات اعتکاف در کشور عزیز ایران، زنده نگه داشتن یاد شهدای عزیز است که این امر می‌تواند منشأ برکات فراوانی در جامعه اسلامی شود. نگارنده خود در یکی از آیین‌های اعتکاف شاهد، عزیز جانبازی بوده است که خاطرات ارزشمند و تأثیرگذاری از هم‌سنگران شهیدش روایت می‌کرد و اگر در آن زمان به چشمان دیگر معتکفان می‌نگریستی، چیزی جز اشک‌های روان نمی‌دید، آیا این اشک‌ها انسان را و جامعه‌مان را بیمه نمی‌کند؟

آری یادمان باشد هر چه داریم حتی وجود همین مراسم‌های معنوی اعتکاف به برکت خون همان شهدای عزیز است که خداوند به ما اعطا کرده است. پس چه زیباست، در این مراسم‌ها، یاد آن ولی نعمتان را زنده نگه داریم تا خود زنده بمانیم چرا که آنها جاویدالآثر هستند و نیازی به ما ندارند و این ماییم که در تمام عرصه‌های زندگی محتاج توجه آن سفرکردگان وادی عشق هستیم.

8. ارتباط با روحانیت

یکی از برکات و آثار ارزشمند اعتکاف، ارتباط نزدیک معتکفان، خصوصاً جوانان با علما و روحانیت حاضر در اعتکاف می‌باشد که همین ارتباط تنگاتنگ می‌تواند در رشد و آگاهی جوانان و رفع شبهات دینی آنان، نقش بسیاری مهمی داشته باشد.

منابع بخش نخست

1. قرآن.
2. فتال نیشابوری، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، انتشارات رضی، قم، 1375 ش.
3. حسام الدین، متقی هندی، کنز العمال، مؤسسه الرساله، 1399 ق، بیروت.
4. ملا احمد نراقی، معراج السعاده، انتشارات نقش نگین، قم، 1387.
5. پایگاه اطلاع رسانی حوزه،
6. محمد بن علی، صدوق، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، قم، 1363 ش.
7. محمد بن حسن، حرّ عاملی، وسائل الشیعه، احیاء التراث العربی، بیروت، 1387 ق.
8. گروه پژوهشگران، اعتکاف ابرار، مؤسسه دار الهدی، قم، 1388 ش.
9. حسین بن محمد، راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، دارالعلم، دمشق، 1412 ق.

گلچینی از احکام کاربردی اعتکاف



عیسی عیسی زاده¹

آن چه در اینجا به صورت مسأله آورده شده بر اساس فتاوی امام خمینی & است که از ترجمه‌ی بحث اعتکاف کتاب عروة الوثقی با ملاحظه‌ی حواشی ایشان و کتاب تحریرالوسیله نقل شده است. فتاوی سایر مراجع تقلید نیز با استفاده از تعلیقات آن بزرگواران بر کتاب عروه و استفتاآتی که توسط معاونت فرهنگی مسجد مقدس جمکران و ستاد مرکزی اعتکاف قم تهیه شده، تدوین گردیده است.

کیفیت اعتکاف

انسان می‌تواند در حال اعتکاف بنشیند، بایستد، بخوابد یا راه برود.

اقسام اعتکاف

اعتکاف بر دو قسم است، مستحب و واجب که در اصل یک عمل مستحبی است؛ ولی ممکن است به سببی واجب شود که از جمله‌ی اسباب وجوب اعتکاف این امور است: نذر، عهد یا قسم؛ مثلاً انسان نذر کند یا با خدای خود عهد کند یا قسم بخورد که اگر در

1. دکترای کلام و خارج حوزه و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. ایمیل

e.eisazadeh@isca.ac.ir:

فلان کار موفق شد، یا از فلان بیماری شفا پیدا کرد، چند روز در مسجد معتکف شود.
(در بحث‌های آینده خواهد آمد که حداقل مدت اعتکاف سه روز است).

زمان اعتکاف

در طول سال در هر زمانی که انسان بتواند، حداقل سه روز در مسجد بماند و روزه بگیرد [اعتکاف] صحیح است (تفصیل این مسأله در بحث اعتکاف و روزهی اعتکاف خواهد آمد). ولی بهترین زمان برای اعتکاف ماه مبارک رمضان و در ماه رمضان، دهه‌ی آخر آن است.

سؤال: افضل اوقات اعتکاف چه زمانی است؟ آیا ایام البیض ماه رجب (سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم) فضیلت خاصی برای اعتکاف دارد؟
آیت‌الله مکارم: بهترین اوقات اعتکاف، ماه مبارک رمضان و از همه بهتر دهه‌ی آخر آن است.

آیت‌الله بهجت: افضل اوقات ماه رمضان است، خصوصاً در دهه‌ی آخر آن و ایام البیض رجب نیز تأکید شده است.

شرایط اعتکاف

در صحت اعتکاف، اموری شرط است که برخی از آنها مربوط به شخص معتکف و برخی مربوط به خود اعتکاف است که در این جا به بیان آن شرایط و احکام لازم آنها می‌پردازیم.

شرایط معتکف

1. عقل (از دیوانه صحیح نیست)؛
2. ایمان¹ (از غیر مؤمن صحیح نیست)؛
3. قصد قربت (هرگونه ریا و خودنمایی، اعتکاف را باطل می‌کند)؛
4. روزه داری در ایام اعتکاف؛

5. اجازه گرفتن از کسی که اجازه‌ی او لازم است.

شرایط اعتکاف

1. از سه روز کم‌تر نباشد (شرط زمانی)؛
2. در مسجد جامع باشد (شرط مکانی)؛
3. ادامه‌ی ماندن در مسجد و خارج نشدن از آن؛

نیت اعتکاف

اعتکاف، همانند سایر عبادات باید با نیت و قصد قربت باشد و هرگونه ریا و خودنمایی و قصد غیر الهی آن را باطل می‌کند.

در نیت اعتکاف قصد وجه شرط نیست، یعنی لازم نیست قصد کند که اعتکاف واجب است یا مستحب.

کسی که بخواهد در نیت اعتکاف قصد وجه کند، در اعتکاف واجب، نیت وجوب و در اعتکاف مستحب، نیت استحباب می‌کند و واجب بودن اعتکاف در روز سوم ضرری ندارد، هرچند بهتر است که از روز سوم نیت وجوب کند. از آغاز تا پایان اعتکاف باید با نیت و قصد قربت باشد بنابراین اگر به همین قصد اعتکاف را شروع کند صحیح است. هم چنین اگر به قصد این که فردا معتکف شود به مسجد برود و از اول وقت (طلوع فجر) در آن جا باشد، صحیح است.

سؤال: زمان نیت اعتکاف چه وقتی است؟ آیا اول شب می‌شود نیت کرد؟
آیت‌الله تبریزی: زمان نیت اعتکاف وقت شروع اعتکاف است که طلوع فجر است و با استمرار نیت اول شب هم مانعی ندارد.

سؤال: آیا در اعتکاف نیازی به قصد کردن عبادات دیگر هم هست؟
آیت‌الله صافی: احتیاط مستحب است.

آیت‌الله مکارم: قصد عبادت دیگری در آن شرط نیست.

آیت الله بهجت: ظاهراً معتبر است در اعتکاف منضم شدن [– ضمیمه شدن –]
 قصد عبادت دیگری که خارج از اوست.

سؤال: آیا تجدید نیت در روز سوم اعتکاف مستحب لازم است؟

آیت الله صافی: بهتر است که تجدید نیت وجوب کند.

آیت الله بهجت: تجدید نیت در روز سوم لازم نیست گرچه احوط است.

آیت الله مکارم: تجدید نیت لازم نیست.

نیابت در اعتکاف

انسان می تواند اعتکاف را برای خود یا برای دیگری به جای آورد. به قسم دوم،
 اعتکاف نیابتی گفته می شود.

اعتکاف به نیابت میت بی اشکال است ولی به نیابت از انسان زنده بنا بر احتیاط به
 قصد رجا اشکال ندارد.²

پس به طور خلاصه می توان در این بخش اعتکاف را این گونه تقسیم کرد:

1. اعتکاف برای خود؛

2. برادی دیگران؛

3. به نیابت از میت؛

4. به نیابت از زنده.

یادآوری

گرچه روزه به نیابت از انسان زنده صحیح نیست ولی روزه گرفتن در اعتکاف مانند
 نماز برای طواف است که به تبع عمل دیگر لازم می شود. هم چنان که طواف و نماز
 آن به نیابت زنده ها صحیح است، اعتکاف و روزهی آن نیز صحیح است.

اعتکاف به نیابت از دو یا چند نفر صحیح نیست، ولی می تواند اعتکاف را به نیت
 خود به جای آورد و ثواب آن را به دیگران اهدا کند؛ خواه یک نفر باشد یا چند

نفر، زنده یا مرده.

سؤال: آیا اعتکاف را به نیابت از کسی که مرده است و یا به نیابت از کسی که زنده است می‌توان انجام داد؟

آیت‌الله تبریزی: به نیابت از میت مانعی ندارد ولی به نیابت از حی اشکال دارد.

عدول از نیت اعتکاف

عدول از اعتکافی به اعتکافی دیگر جایز نیست و فرقی نیست که هر دو واجب باشد یا نه؛ مثلاً از اعتکاف استیجاری (که برای دیگری با دریافت مزد انجام می‌دهد) به اعتکاف نذری. یا هر دو مستحب، مثلاً از اعتکاف برای خود به اعتکاف نیابتی تبرعی (داوطلبانه و بدون دریافت مزد) یا یکی واجب و دیگری مستحب، مثلاً از ابتدا به نیت اعتکاف نذری در مسجد مانده و در روز دوم نیت را از نذر به استحباب برگرداند. همچنین عدول از نیابت شخصی به نیابت از شخص دیگر جایز نیست؛ مثلاً دو روز به نیابت علی معتکف بوده و روز سوم به نیابت از حسن اعتکاف کند. اگر قصد داشته که اعتکاف را برای خودش انجام دهد، پس از شروع نمی‌تواند نیت را برگرداند و به نیابت از دیگری به اتمام برساند، هم‌چنان که عکس این نیز جایز نیست.

روزه‌ی اعتکاف

انسان در ایام اعتکاف باید روزه بگیرد بنابراین کسی که نمی‌تواند روزه بگیرد، مانند مسافر، مریض و زن حائض یا نفسا و کسی که عمداً روزه نگیرد، اعتکافش صحیح نیست.

مسافر و مریض اگر معتکف شوند، صحیح نیست ولی زن حائض یا نفسا نه تنها اعتکافش صحیح نیست بلکه به خاطر توقف در مسجد گناهکار است.

اعتکاف در روز عید فطر و قربان یا دو روز قبل از عید به طوری که روز سوم آن

عید باشد صحیح نیست.

لازم نیست که روزه مخصوص به اعتکاف باشد بلکه هر روزه‌ای باشد صحیح است؛ مثلاً در ایام اعتکاف، روزه‌ی قضا یا نذری یا استیجاری³ به جا آورد. اگر شخصی نذر کند که در ایام معینی معتکف شود⁴ و در همان اعتکاف، روزه‌ی نذری یا استیجاری بر عهده‌ی او باشد، می‌تواند در همان اعتکاف، روزه‌ی نذری یا اجاره‌ای خود را به جای آورد. ولی اگر نذر اعتکاف بدین گونه بوده است که روزه برای اعتکاف یا به خاطر اعتکاف باشد، کفایت از روزه‌ی نذری یا اجاره‌ای نمی‌کند.⁵

انسان می‌تواند نذر کند، در سفر روزه بگیرد و به نظر برخی مراجع تقلید حتی هنگام سفر هم می‌تواند نذر کند که روزه بگیرد و در این صورت اعتکافش صحیح است.

به یک استفتاء توجه کنید:

سؤال: آیا در مسافرت می‌شود روزه در سفر را نذر کند؟

آیات عظام خامنه‌ای، سیستانی، بهجت: می‌تواند.

آیت‌الله مکارم: اشکال دارد ولی اگر نذر کرد، احتیاط آن است که به نذر خود عمل کند.

آیت‌الله فاضل: خیر.

سؤال: آیا هرگونه روزه ولو استیجاری و ... برای اعتکاف کافی است؟

آیت‌الله فاضل: خیر، بلکه روزه‌ی اعتکاف باید به نیت کسی باشد که اعتکاف به نیت او انجام می‌گیرد، لذا کفایت روزه‌ی استیجاری و غیره برای کسی که در نیت خود اعتکاف کرده محل تأمل و اشکال است.

آیت‌الله مکارم: کفایت روزه‌ی استیجاری برای اعتکاف مشکل است.

آیت‌الله بهجت: کافی است.

اجازه‌ی اعتکاف

این افراد بدون اجازه نمی‌توانند معتکف شوند:

زن بدون اجازه‌ی شوهرش⁶ در صورتی که اعتکاف موجب از بین رفتن حق او باشد، بنا بر احتیاط واجب اجازه‌ی او لازم است.⁷ فرزند بدون اجازه‌ی والدین،⁸ در صورتی که اعتکاف او موجب اذیت و آزار آنان باشد و اگر موجب اذیت و آزار آنان نباشد، احتیاط مستحب است اجازه بگیرد.⁹ کسی که در استخدام دیگری است مانند برخی از کارگران و کارمندان در صورتی که قرارداد اجاره به گونه‌ای است که منفعت، اعتکاف را نیز در بر می‌گیرد، یعنی اعتکاف با عمل به اجاره منافات دارد. در اعتکاف، بلوغ شرط نیست، بنابراین اگر کودک ممیز معتکف شود، صحیح است.

مدت اعتکاف

مدت اعتکاف حداقل سه روز است و در کم‌تر از آن صحیح نیست ولی در زیاده حدی ندارد. ولی اگر پنج روز معتکف شود، روز ششم را نیز واجب است بماند و بلکه بنا بر احتیاط واجب هرگاه دو روز اضافه کرد، روز سومش هم باید بماند. پس اگر هشت روز معتکف شد، روز نهم هم واجب می‌شود. این سه روز از طلوع فجر روز اول تا مغرب روز سوم است.¹⁰ بنابراین اگر بعد از طلوع فجر ولو با چند دقیقه تأخیر به مسجد برسد، آن روز جزو اعتکاف به شمار نمی‌آید و چنان چه قبل از مغرب روز سوم اعتکاف را قطع کند، افزون بر آن که کار حرامی کرده، اعتکاف نیز باطل است. سه روز اعتکاف با شب‌های آن است که حداقل سه روز و دو شب در وسط است. بنابراین نمی‌تواند شب‌ها را از مسجد خارج شود یا نذر کند که سه روز بدون شب‌ها در مسجد معتکف شود.

اگر انسان نذر کند که دو روز معتکف شود نه بیشتر از آن، این گونه نذر باطل است.¹¹ ولی اگر مقید نکرده که بیشتر نباشد نذر صحیح است و واجب است که روز سوم را نیز بماند.

سؤال: منظور از روز در اعتکاف چیست؟

آیات عظام تبریزی، بهجت، مکارم: منظور از روز، طلوع فجر است تا غروب آفتاب؛ چنان که در احکام نماز ذکر شده است.

سؤال: اگر کسی نذر کند سه روز منفصل اعتکاف کند، آیا نذرش منعقد می‌شود؟ نذر اعتکاف کم‌تر از سه روز چه؟

آیت‌الله بهجت: منعقد نمی‌شود.

آیت‌الله صافی: الف) منعقد نمی‌شود. ب) اگر مقید به کم‌تر از سه روز باشد منعقد نمی‌شود.

سؤال: آیا بیشتر از سه روز می‌توان اعتکاف کرد به طوری که آن زیاده، قسمتی از یک روز یا قسمتی از یک شب باشد؟
آیت‌الله تبریزی: مانعی ندارد.

سؤال: کسی که پنج روز در اعتکاف بوده آیا روز ششم بر او واجب است؟
آیت‌الله تبریزی: واجب است.

مکان اعتکاف

اعتکاف تنها در مسجد صحیح است بنابراین اگر کسی در خانه‌ی خود یا در تکیه یا حسینیه یا در حرم معتکف شود، صحیح نیست و از مساجد نیز تنها در این مساجد اعتکاف صحیح است: مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجد جامع کوفه، مسجد بصره.¹² و به قصد رجا (یعنی به نیت مطلوب بودن و به امید پاداش و ثواب) می‌توان در مسجد جامع هر شهر معتکف شد.¹³

در این مسأله فرقی بین مردان و زنان نیست؛ بنابراین اگر دختران و بانوان بخواهند معتکف شوند، باید در یکی از همین مساجد باشد.

سؤال: آیا اعتکاف در غیر مساجد جامع، مثل نمازخانه‌ی دانشگاه‌ها رجائاً اشکال دارد یا نه؟ در صورت صحت، آیا احکام اعتکاف از قبیل ترک محرمات جاری می‌شود یا خیر؟

آیت‌الله خامنه‌ای: رجائاً اشکال ندارد.

آیت‌الله بهجت: ظاهراً جایز نیست و احکام اعتکاف را ندارد.

آیت‌الله فاضل: اعتکاف در مسجد جامع رجائاً صحیح است و در غیر از مساجد جامع جایز نیست.

آیت‌الله سیستانی: مشروع نیست و احکام آن را ندارد.

آیت‌الله مکارم: اعتکاف باید فقط در مساجد جامع باشد و منظور از مسجد جامع، مسجدی است که قشرهای مختلف شهر در آن شرکت کنند.

آیت‌الله تبریزی: اعتکاف باید در مسجد جامع شهر باشد و اعتکاف در غیر مساجد جامع صحیح نیست.

سؤال: آیا انسان می‌تواند نذر کند که در شهر دیگری معتکف شود؟

آیت‌الله تبریزی: مانعی ندارد. باید روزه اش در آن جا صحیح باشد و نذر اعتکاف در شهر دیگر نذر روزه نیست.

اگر در یک شهر، دو یا چند مسجد جامع وجود داشته باشد، در هر کدام که بخواهد می‌تواند معتکف شود.

اگر جای خاصی از مسجد را برای اعتکاف خود مشخص کند، چنین قصدی لغو است و لازم نیست حتماً در آن جا معتکف شود.

اگر معتکف جنب شود و با حال جنابت در مسجد بماند اعتکاف او باطل است،

چون توقف او در مسجد حرام است.¹⁴

اگر جای شخص دیگری را غصب کند یا عمداً بر فرش غصبی بنشیند، هر چند گناه کرده است ولی اعتکافش باطل نیست.¹⁵

اگر کسی از روی فراموشی یا جهل به مسأله بر فرش غصبی بنشیند، اعتکاف او باطل نیست.

سؤال: اگر جای کسی را که معتکف بوده غصب کند، فرموده‌اند اعتکاف او باطل است، حال اگر جاهل بود یا عامد بود و حال پشیمان شده و جای خود را عوض کند، اعتکاف او صحیح است یا خیر؟ در صورت عمد آیا کفاره دارد یا خیر؟

آیت‌الله بهجت: در فرض مذکور اعتکاف او صحیح است و در صورت بطلان کفاره ندارد.

آیت‌الله خامنه‌ای: اعتکاف صحیح است و کفاره هم ندارد.

آیت‌الله سیستانی: عمداً هم اگر باشد، اعتکاف صحیح است.

آیت‌الله فاضل: علی ای حال اعتکاف صحیح است.

آیت‌الله مکارم: اگر جاهل به موضوع باشد، اعتکافش صحیح است ولی اگر غصب بودن را می‌دانسته و حکم اعتکاف را نمی‌دانسته، اعتکاف او صحیح نیست و توبه در این جا مشکل را حل نمی‌کند.

آیت‌الله تبریزی: چنان چه غافل بوده اعتکافش صحیح است و اگر جاهل متردد بوده یا عامد بوده اعتکافش صحیح نیست. لکن کفاره ندارد.

سؤال: اگر کسی را که زودتر از او در مسجد رفته بیرون کند و جایش را بگیرد، اعتکافش صحیح است یا نه؟

آیت‌الله صافی: بنا بر احتیاط اعتکاف او باطل می‌شود. باید اگر اتمام اعتکاف بر او واجب شده، آن را تمام کند و اگر اعاده‌ی آن واجب است، پس از اتمام اعاده کند.

آیت‌الله بهجت: اگر مکان منحصر به آن جا باشد، بنا بر اقوی اعتکافش باطل است.

آیت‌الله مکارم: خالی از اشکال نیست.

آیت الله فاضل: بلی، اعتکاف او صحیح است و بطلان آن محل منع است.

سؤال: آیا گذاشتن وسایل یا نوشتن نام و امثال آن موجب سبقت در محلی از مسجد می شود؟

آیت الله مکارم: هرگاه به موقع در مسجد حضور یابند، بعید نیست موجب حق سبق باشد.

آیت الله بهجت: می شود.

تعریف مسجد جامع

آیت الله گلپایگانی: مسجد جامع مسجدی است که اغلب اوقات بیشتر از سایر مساجد جمعیت داشته باشد.

آیت الله خامنه ای: مسجدی که برای اجتماع زیادی از اهالی آن جا ساخته شده و اختصاص به گروه خاصی یا اهالی محله ای نداشته باشد.

سؤال: مسجد جامعی در شهری ساخته شده، بعد از آن مسجد بسیار بزرگتری ساخته شده و آن نیز به مسجد جامع معروف شده، کدام یک از این دو مسجد شرعاً مسجد جامع است و ملاک در تعیین مسجد جامع چیست؟ با توجه به این که گاهی در این مسجد نماز جمعه خوانده می شود، حکم اعتکاف در این دو مسجد چیست؟

آیت الله خویی: در صدق جامع بودن مسجد شرط نیست که تنها یک مسجد باشد. پس تعدد مسجد جامع در یک شهر ضرری نمی زند و اعتکاف در هر دو صحیح است اگر جامع نامیده شود و اقامه ی نماز جمعه دخیلی در موضوع ندارد.

جامع بودن مسجد را از این راه ها می توان فهمید:

خود انسان یقین کند؛¹⁶ به طوری بین مردم مشهور باشد که جامع بودن آن معلوم شود؛¹⁷ دو نفر عادل بگویند.¹⁸ چنان چه دو نفر در جامع بودن مسجدی اختلاف داشته باشند، با حکم حاکم نیز معلوم می شود.¹⁹

اگر انسان در جایی به اعتقاد این که مسجد جامع است معتکف شود، بعداً معلوم

شود مسجد نیست (مثلاً تکیه یا حسینیه است) یا مسجد جامع نیست، اعتکاف باطل است.

حدود مسجد

پشت بام مسجد و سرداب و محراب مسجد و هر چه به سبب توسعه‌ی مسجد به آن افزوده شده جزو مسجد به شمار می‌آید مگر آن که بدانیم جزو مسجد نیست.²⁰ (در صورت شک چنین جاهایی حکم مسجد را دارد) به جز سه مکانی که در مسأله‌ی قبل گفته شد، جایی را که انسان نداند جزو مسجد است یا از متعلقات آن (مثل حیاط مسجد) حکم مسجد را ندارد²¹ و اعتکاف در آن جا صحیح نیست.

سؤال: مسجدی که علاوه بر شبستان، دارای حیاط و صحن و راهرو است و در عرف همه‌ی آن‌ها را جزو مسجد می‌خوانند، آیا احکام مسجد بر آن‌ها جاری است یا نه؟ در صورتی که قصد بانی معلوم نباشد، ساختن مستراح و امثال آن در یک طرف آن صحن چه صورتی دارد؛ دلیل و قرینه بر عدم مسجدیت لازم است یا نه؟ آیت‌الله گلپایگانی: با شک در آن که صحن را جزو مسجد قرار داده، اگر اماره‌ای (علامت یا نشانه‌ای) بر مسجد بودن نباشد، محکوم به مسجدیت نیست و اماره بر عدم لازم نیست.

اعتکاف در دو مسجد

یک اعتکاف باید در یک مسجد باشد، پس اعتکاف در دو مسجد که بخشی از وقت را در یکی و بخشی از آن را در دیگری بماند صحیح نیست؛ خواه آن دو مسجد متصل به هم باشند یا جدای از هم.²² البته اگر به گونه‌ای وصل به یکدیگر باشد که یک مسجد شمرده شود، صحیح است.

اگر در مسجد معتکف شود، ولی مانعی از ادامه‌ی ماندن در آن مسجد پیش آید، اعتکاف باطل است.²³ و چنان چه آن اعتکاف واجب باشد، باید در مسجدی

دیگر و اگر مانع برطرف شد، در همان مسجد بار دیگر معتکف شود یا قضا کند. اعتکافی را که به سبب پیش آمدن مانع به هم خورده است، نمی‌توان پس برطرف شدن مانع در همان مکان ادامه داد.

خروج از مسجد

در موارد ذیل معتکف می‌تواند از مسجد خارج شود: برای گواهی دادن در دادگاه؛ برای تشییع جنازه²⁵ در صورتی که میت یک نحو وابستگی به معتکف داشته باشد، به طوری که شرکت در تشییع جنازه‌ی او از ضرورت‌های عرفی او به شمار آید. برای انجام سایر کارهای ضروری عرفی یا شرعی، خواه واجب باشد یا مستحب، مربوط به امور دنیوی باشد یا اخروی ولی مصلحتی در آن نهفته باشد.²⁶

در این موارد، بر معتکف واجب است از مسجد خارج شود: برای انجام غسل جنابت؛ برای پرداخت طلب دیگران در صورتی که نتواند در مسجد آن را پردازد. و برای انجام کار واجب دیگری که لازم باشد از مسجد خارج شود.

کسی که خارج شدن از مسجد بر او واجب شده باشد، ولی تخلف کند و خارج نشود، هرچند گناه کرده است ولی اعتکافش باطل نیست؛ مگر کسی که با حال جنابت در مسجد توقف کند.

اگر به ضرورت از مسجد خارج شد، این امور را باید مراعات کند: بیش از مقدار ضرورت و نیاز بیرون مسجد نماند. در صورت امکان زیر سایه ننشیند²⁷ بلکه مطلقاً ننشیند، مگر در حال ضرورت. بنا بر احتیاط واجب نزدیک‌ترین راه را انتخاب کند.²⁸ اگر به ضرورت از مسجد خارج شود و به قدری طول بکشد که صورت اعتکاف بر هم بخورد، اعتکاف باطل است.

اگر به سبب فراموشی از مسجد خارج شود، اعتکافش باطل نیست.²⁹

سؤال: اگر کسی از روی فراموشی محل اعتکاف را ترک کند، اعتکافش چه حکمی دارد؟

آیت الله تبریزی: ظاهر این است که اعتکافش باطل می شود.

سؤال: در چه مواردی خروج از مسجد مبطل اعتکاف است؟ در چه مواردی مبطل نیست؟

آیت الله صافی: اگر عمدأ و اختیاراً بدون ضرورت عقلی و شرعی یا عادی، خارج شود؛ اعتکاف باطل می شود و اگر برای اموری که ذکر شد بیرون رود یا او را اجبار بر بیرون رفتن کنند، باطل نمی شود ولی اگر نسیاناً از راه فراموشی بیرون رفت، اگر اتمام آن واجب شده باشد، تمام کند و اگر اعاده واجب باشد، اعاده کند.

آیت الله بهجت: خروج از مسجد با عمد و اختیار مبطل است.

آیت الله مکارم: عمدأ و اختیاراً نباید از مسجد خارج شود، ولی در مواردی که ضرورت شرعی یا عرفی داشته باشد مانعی ندارد، مانند بیرون رفتن برای قضای حاجت و غسل جنابت و مانند آن یا امثال تشییع جنازه نزدیکانی که اگر در آن شرکت نکند امر شایسته ای نیست.

سؤال: در مواردی که می توان از مسجد خارج شد، آیا می توان نشست یا در سایه رفت یا در جماعت حاضر شد؟

آیت الله صافی: جواز بیرون رفتن برای جماعت مورد اشکال است.

سؤال: خارج شدن معتکف از مسجد در موارد ذیل چه حکمی دارد؟

الف) برای وضو و غسل مستحبی و مسواک زدن؛
ب) برای تلفن زدن به خانواده در موارد غیر ضروری و امور متعارف؛
ج) برای دیدار با خانواده در بیرون و در حیاط.

آیت الله خامنه ای: الف) جایز است؛ اما زیاد معطل نشود. ب) در موارد ضروری اشکالی ندارد و در موارد غیر ضروری اگر امور مستحبی را در بر بگیرد و طول هم نکشد اشکالی ندارد. ج) در بعضی موارد اشکالی ندارد مثل رسیدگی امور خانواده و

دیدن فرزندان که عدم دیدار باعث مفسده و اشکالاتی می شود.

آیت الله بهجت: ضابطه‌ی کلی در موارد جواز خروج نیست. هر کاری که خروج برای آن عقلاً یا شرعاً یا عادتاً لازم است، از امور واجبه باشد یا راجحه چه متعلق به امور دنیا باشد یا امور آخرت؛ ولی باید اقرب طریق را مراعات نماید و اقتصار کند بر مقدار حاجت و ضرورت. البته خروج هم به قدری طول نکشد که محو صورت اعتکاف شود.

آیت الله سیستانی: به احتیاط واجب جایز نیست مگر در مورد حاجت ضروری باشد.

آیت الله تبریزی: خارج شدن معتکف از مسجد در موارد مذکور جایز نیست.

آیت الله فاضل: مانعی ندارد ولی تلاش کنند این امور با سرعت انجام شده و هر چه سریع تر به مسجد برگردند.

آیت الله مکارم: الف) برای وضو و غسل مستحبی اشکالی ندارد و برای مسواک که مقدمه‌ی آن باشد نیز اشکالی ندارد. ب) اشکالی ندارد. ج) اشکال دارد.

محرمات اعتکاف

آن چه بر معتکف حرام است به طور اجمال بدین شرح است:

استفاده از عطریات و گیاهان خوش بو، خرید و فروش، مجادله، استفاده‌ی شهوانی از جنس مخالف، استمناء.

توضیح محرمات اعتکاف

بوییدن عطریات³⁰ و گیاهان خوش بو برای کسی که از آن لذت می برد در حال اعتکاف حرام است، پس برای کسی که حس بویایی ندارد اشکال ندارد.

در حال اعتکاف خرید و فروش و بنا بر احتیاط واجب هر نوع داد و ستدی، مانند اجاره و مضاربه حرام است.

هرچند داد و ستد در حال اعتکاف حرام است، ولی باطل کننده‌ی اعتکاف نیست.

اشتغال به امور دنیوی مانند خیاطی، نساجی، نقاشی، مطالعه و امثال آن اشکال ندارد. در حال اعتکاف مجادله در امور دنیوی و دینی در صورتی که به قصد غلبه بر طرف مقابل و اظهار فضیلت و برتری باشد، حرام است، اما اگر به قصد اظهار حق و بازداشتن طرف از طریق باطل باشد نه تنها حرام نیست بلکه از افضل طاعات و عبادات است.

هرگونه استفاده‌ی شهوانی از جنس مخالف نظیر لمس، بوسه³¹ و آمیزش حرام است و فرقی در این مسأله بین زن و مرد نیست.

در حال اعتکاف نگاه از روی شهوت به همسر خود اشکال ندارد، هرچند احتیاط مستحب ترک آن است.

استمنای نیز بنا بر احتیاط واجب از محرمات اعتکاف شمرده شده است، هرچند از راه حلال آن مانند بازی با همسر باشد. گرچه استمنای حرام در هر حال حرام و از گناهان بزرگ است ولی در حال اعتکاف گناهی بزرگ‌تر است.

معتکف باید روزها را روزه دار باشد و از هر کاری که روزه را باطل می‌کند پرهیز کند و هرآن چه روزه را باطل می‌کند اعتکاف را نیز باطل می‌کند.

اگر معتکف جماع کند، اعتکافش باطل است ولی اگر یکی دیگر از محرمات را مرتکب شود،³² احکام مفصلی دارد که در بحث قضا و كفاره‌ی اعتکاف خواهد آمد.

بر معتکف واجب نیست از کارهایی که بر محرم حرام است، مثل پوشیدن لباس دوخته و کندن مو از بدن و نگاه در آینه پرهیز کند، هرچند احتیاط مستحب است.³³

به جز مبطلات روزه، سایر محرمات اختصاص به روز ندارد، بلکه در شب نیز باید از آنها پرهیز کند.

سؤال: عطر و گلاب زدن یا بوکردن عطر و گلاب، اعتکاف را باطل می‌کند یا خیر؟
آیت‌الله تبریزی: استعمال عطر و گلاب، چنانچه مستلزم بوکردن آن باشد، هرچند بر معتکف حرام است، لکن بطلان اعتکاف از جهت آن محل اشکال است و اگر

معتکف در روز سوم این کار را کرده باید اعتکافش را تمام کند.

آیت الله سیستانی: بو کردن آن‌ها اعتکاف را باطل می‌کند.

آیت الله بهجت: اگر با تلذذ باشد بنا بر احتیاط باطل می‌شود و احتیاط واجب در صورت وجوب اعتکاف آن است که آن را تمام کند و سپس قضا کند.

سؤال: آیا در صورت نیاز می‌تواند خرید و فروش کند؟ آیا توکیل یا نقل به غیر بیع لازم است (یعنی به شخص دیگری وکالت دهد تا از طرف او خرید و فروش کند یا به غیر فروش، کتلاً با قرض یا بخشش نقل و انتقال کنند)؟

آیت الله مکارم: در صورت عدم امکان توکیل یا نقل به غیر بیع اشکالی ندارد.

آیت الله بهجت: در صورت اضطرار برای حاجت خودش مانعی ندارد.

سؤال: ارتکاب سهوی محرمات اعتکاف چه حکمی دارد؟

آیت الله فاضل: ارتکاب سهوی سایر محرمات غیر از جماع ضرری به اعتکاف نمی‌زند.

آیت الله مکارم: خالی از اشکال نیست.

آیت الله بهجت: ارتکاب سهوی حرام و مبطل نیست.

قطع اعتکاف

برای شناخت حکم قطع اعتکاف باید اقسام آن را شناخت.

اقسام اعتکاف

واجب معین: پس از شروع قطع آن جایز نیست؛

واجب موسع: پس از تکمیل دو روز، قطع آن جایز نیست؛

مستحب: پس از تکمیل دو روز، قطع آن جایز نیست.

توضیح: اگر اعتکاف واجب معین باشد، یعنی وقت مشخص داشته باشد، مثلاً نذر کند از 21 تا 26 ماه رمضان در مسجد معتکف شود، همین که اعتکاف را شروع کرد، اتمام آن واجب و قطع آن غیر جایز است. اگر اعتکاف واجب موسع باشد، یعنی وقت آن وسعت دارد، مثلاً نذر کرده باشد که امسال یا در این ماه سه روز

معتکف شود یا اعتکاف مستحب باشد، تا قبل از تکمیل دو روز می‌تواند آن را رها کند، مثلاً در روز اول، شب اول یا روز دوم، ولی اگر اعتکاف را رها نکرد و در مسجد ماند تا غروب روز سوم، در این صورت بر او واجب است که اعتکاف را کامل کند و روز سوم را بماند.

انسان می‌تواند از آغاز هنگام نیت شرط کند که اگر مشکلی پیش آمد، مثلاً بگوید اگر هوا سرد شد، اعتکاف را رها می‌کنم، در صورت پیش آمدن مانع، رها کردن اعتکاف اشکال ندارد حتی در روز سوم.

در اعتکاف نذری، انسان می‌تواند هنگام خواندن صیغه نذر شرط کند که اگر مانعی پیش آمد، اعتکاف را رها کنم.

سؤال: آیا معتکف می‌تواند هنگام نیت اعتکاف شرط کند که هر زمان خواست از اعتکاف خود رجوع کند؟ اگر بعد از نیت حکم شرط خود را ساقط نمود، آیا شرط او ساقط می‌شود یا خیر؟

آیت‌الله تبریزی: مثل شرط کردن در زمان نیت اعتکاف است و چنان چه اعتکاف را به عنوان وفای به نذر مزبور انجام دهد، حتی در روز سوم می‌تواند رجوع کند.

قضا و کفاره‌ی اعتکاف

اگر در حال اعتکاف جماع کند، عمدتاً یا سهواً پس اگر اعتکاف واجب معین باشد، باید قضای آن را به جای آورد و اگر واجب غیر معین باشد، باید آن را از سر بگیرد.³⁴

اگر یکی دیگر از محرمات اعتکاف را سهواً انجام دهد و اعتکاف واجب معین باشد، بنا بر احتیاط واجب باید اعتکاف را به پایان ببرد و قضای آن را به جا آورد³⁵ واجب غیر معین باشد: اگر در دو روز اول باشد باید اعتکاف را از سر بگیرد و اگر روز سوم باشد اعتکاف را به پایان ببرد و از سر بگیرد.

اگر اعتکاف مستحب را بعد از روز دوم باطل کند، باید قضای آن را به جا

آورد.³⁶ ولی اگر قبل از اتمام روز دوم باطل کند، چیزی بر عهده‌ی او نیست. واجب نیست قضای اعتکاف را فوراً به جا آورد، گرچه احتیاط مستحب است.³⁷

سؤال: اگر کسی نذر کند ایام معینی را معتکف باشد و از آن ایام معین تخلف کند یک روز یا بیشتر، آیا قضا بر او واجب است یا خیر؟
آیت‌الله تبریزی: بنا بر احتیاط قضای آن واجب است.

کفاره

اگر اعتکاف واجب را با آمیزش (جماع) باطل کند، کفاره واجب است و در سایر محرمات کفاره نیست، هر چند احتیاط مستحب است.

اگر در دو روز اول اعتکاف مستحب آمیزش کند و اعتکاف را رها نکند، بنا بر احتیاط واجب کفاره لازم است.

کفاره‌ی بطلان اعتکاف مانند کفاره‌ی روزه‌ی ماه رمضان است، یعنی باید:

- دو ماه روزه بگیرد؛
- به 60 مسکین طعام بدهد؛
- یک برده را آزاد کند.

احتیاط مستحب است که اگر ممکن است یک برده آزاد کند و در صورت ناتوانی دو ماه روزه بگیرد و چنان چه نتواند روزه بگیرد، به 60 فقیر طعام بدهد.³⁸

پی نوشت‌ها

1. آیت الله سیستانی: ایمان شرط صحت اعتکاف نیست، هر چند در استحقاق ثواب مؤثر است. آیت الله مکارم: ایمان شرط قبول اعتکاف است نه صحت آن؛ شرط ایمان در فتاوی حضرت آیت الله صافی ذکر نشده است.
2. آیت الله گلپایگانی: اعتکاف به نیابت از زنده بنا بر احتیاط واجب صحیح نیست. آیت الله مکارم: اعتکاف به نیابت از دیگری، زنده یا مرده به قصد رجا اشکال ندارد. حکم اعتکاف به نیابت از زنده در فتاوی حضرت آیت الله صافی ذکر نشده است.
3. آیت الله مکارم: روزهی استیجاری بنا بر احتیاط واجب کفایت نمی کند. آیت الله فاضل: بنا بر احتیاط واجب، روزه برای دیگری خواه استیجاری باشد یا مثلاً قضای روزه پدر که پسر بزرگ تر واجب است، باشد، اگر اعتکاف برای همان کسی که برایش روزه می گیرد، نیست کفایت نمی کند.
4. آیت الله فاضل: اگر نذر کرده باشد که ایام معینی معتکف شود، نمی تواند برای آن ایام روزهی استیجاری قبول کند.
5. آیت الله گلپایگانی: مگر آن که هر دو روزه را قصد کند که در این صورت اعتکافش صحیح است؛ هر چند به خاطر مخالف با نذر گناه کرده است. نظر حضرت آیت الله صافی به دست نیامد.
6. آیت الله اراکی: نسبت به دو روز اول اجازه لازم است.
7. آیت الله گلپایگانی و آیت الله صافی: اجازه لازم است و اگر موجب از بین رفتن حق او نباشد، اجازهی او برای اعتکاف لزومی ندارد، ولی بدون اجازهی شوهر نمی تواند از خانه بیرون رود. بنابراین جایز بودن اعتکاف بستگی به اجازهی شوهر دارد و چنان چه اجازه ندهد، اعتکاف باطل است.
- آیت الله خویی: اگر منافات با حق شوهر داشته باشد، اجازهی او لازم است و اگر منافات نداشته باشد، اجازهی او لازم است و اگر منافات نداشته باشد و روزهی او مستحبی باشد، بنا بر احتیاط واجب باز هم اجازه لازم است.
8. آیت الله گلپایگانی: بنا بر احتیاط واجب ولی اگر فرزند را نهی کنند و مخالفت با آنان سبب اذیت و آزارشان باشد، اعتکاف باطل است.
9. آیت الله اراکی: نسبت به فرزند اجازهی والدین شرط است و نسبت به زن اجازهی شوهر بنا بر

احتیاط واجب لازم است.

10. آیت الله خوئی و آیت الله سیستانی: بنا بر احتیاط واجب تا مغرب. آیت الله مکارم: تا غروب آفتاب.
11. آیت الله خوئی، آیت الله سیستانی: اگر همین اعتکاف مستحبی معروف را نذر کرده باشد، باطل است ولی اگر این اعتکاف نباشد، مثلاً مقصودش ماندن در مسجد باشد، صحیح است.
12. در روایتی آمده است اعتکاف تنها در مساجدی صحیح است که پیامبر یا وصی پیامبر در آن نماز جماعت خوانده باشد و در دو مسجد اول پیامبر ' و در دو مسجد دیگر حضرت علی × نماز جماعت خوانده اند و اعتکاف در مسجد جامع نیز در برخی روایات آمده است (وسائل الشیعه، ج 7، ص 406)
13. آیات عظام خوئی، گلپایگانی، اراکی، سیستانی، صافی و مکارم: اعتکاف در مسجد جامع نیز صحیح است، هر چند احتیاط آن است که در یکی از آن چهار مسجد معتکف شود.
14. آیت الله خوئی: هر چه با حال جنابت در مسجد توقف کند، جزو اعتکاف نیست.
15. آیات عظام گلپایگانی، اراکی، صافی: بنا بر احتیاط واجب اعتکافش باطل است.
- آیت الله خوئی: اگر جای کسی را غصب کند، اعتکافش اشکال دارد ولی اگر بر فرش غصبی بنشیند، اعتکاف باطل نیست.
- آیت الله مکارم: به احتیاط واجب، اعتکافش باطل نیست.
16. نظر آیت الله صافی در این مسأله به دست نیامد.
17. آیت الله سیستانی: با اطمینان حاصل شود.
18. آیات عظام خوئی، فاضل، مکارم: یک نفر عادل هم بگوید کفایت می کند.
19. آیت الله گلپایگانی، آیت الله اراکی: به هر حال حکم حاکم کفایت می کند. آیت الله مکارم: حکم حاکم بنا بر احتیاط واجب کافی نیست.
20. آیت الله سیستانی: در صورتی که نشانه ای بر این که جزو مسجد است وجود داشته باشد، حکم مسجد را دارد. آیت الله صافی: افزوده های مسجد تا معلوم نشود، جزو مسجد است و حکم مسجد را ندارد.
21. آیت الله سیستانی: اگر نشانه ای بر مسجد بودن آن وجود نداشته باشد. آیت الله مکارم: مگر آن که ظاهر حال دلالت داشته باشد که جزو مسجد است.
22. آیت الله مکارم: اعتکاف در دو مسجد متصل به هم اشکال ندارد.
23. آیت الله مکارم: اعتکاف باطل نیست و ادامه ی آن را در مسجد دیگری به پایان ببرد.

24. آیت الله مکارم: به حاشیه‌ی مسأله‌ی قبل مراجعه شود.
25. آیات عظام اراکی، گلپایگانی، خویی: خارج شدن از مسجد برای شرکت در تشییع جنازه مطلقاً جایز است.
26. آیت الله اراکی، آیت الله خویی: برای شرکت در نماز جماعت نیز می‌تواند از مسجد خارج شود. آیت الله سیستانی: در صورتی که ناچار باشد بیرون رود.
27. آیات عظام خویی، گلپایگانی، اراکی: زیر سایه راه نرود. آیت الله صافی: بنا بر احتیاط واجب زیر سایه راه نرود و مطلقاً زیر سایه ننشیند.
28. آیت الله مکارم: انتخاب نزدیک ترین راه واجب نیست، مگر آن که اختلاف دو راه بسیار زیاد باشد.
29. آیت الله خویی، آیت الله مکارم: نسبت به عطریات، لذت بردن معتبر نیست، پس اگر بوی آن را احساس کند، هرچند لذت نبرد، حرام است. آیت الله فاضل: اگر بو را احساس می‌کند ولی لذت نمی‌برد بنا بر احتیاط واجب باید پرهیز کند.
31. آیات عظام خویی، مکارم، سیستانی، صافی: لمس و بوسه، بنا بر احتیاط واجب حرام است.
32. آیت الله خویی، آیت الله اراکی: در غیر جماع اگر سهواً باشد اعتکاف باطل نیست.
- آیت الله گلپایگانی، آیت الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب اعتکاف باطل است.
- آیت الله سیستانی: جماع نیز حکم سایر محرمات را دارد.
33. آیت الله مکارم: نسبت به پوشیدن لباس دوخته و پوشیدن لباسی مانند لباس احرام، احتیاط مستحب نیست، بلکه بهتر است نپوشند، چون خلاف عمل افراد متشرع و ممکن است گمان بدعت نیز داشته باشد.
34. آیات عظام گلپایگانی، خویی، اراکی: اگر در اعتکاف واجب سهواً جماع کند، بنا بر احتیاط واجب اعتکاف را دوباره انجام دهد.
35. آیات عظام گلپایگانی: احتیاط در تمام موارد ترک نشود.
36. آیت الله سیستانی: بنا بر احتیاط واجب.
37. آیت الله سیستانی: ولی به قدری تاخیر نیندازد که سهل انگاری به شمار آید.
38. آیت الله خویی: بلکه واجب است به همین ترتیب عمل کند.

اعتكاف



امير حسين شمشيري كلوار

چكیده

اعتكاف، آمیزه‌ای از چند عبادت با فضیلت است؛ روزه که خود عبادتی ارزشمند است شرط اعتكاف است. حضور در مسجد و خواندن نماز هم شرط آن است. عاكف سه روز در مسجد جامع مقیم می‌گردد و جز برای ضروریات، کوی دوست را ترك نمی‌گوید. خود را از حلال باز می‌دارد تا با تمرین بندگی، جهاد با نفس را بیازماید. اعتكاف عهد مودّت و میثاق مجدد با پروردگار است. در فضیلت اعتكاف این بس که معادل طواف کعبه و همتای رکوع و سجود است.

کسی دقیقاً نمی‌داند که این عبادت، از چه زمانی آغاز و کیفیت اجزا و شرایط آن در بدو شکل‌گیری چه چیزهایی بده است. با توجه به آیه 125 سوره بقره، می‌توان نتیجه گرفت که اعتكاف عملی بوده که در شریعت ابراهیم از مناسک عبادات الهی محسوب می‌شده و پیروان ایشان به این عمل مبادرت می‌ورزیدند طبق روایات اهل سنت، در دوران جاهلیت هم عملی به عنوان اعتكاف در میان مردم رایج بوده است و مردم توسط این عمل به خدای خود تقرب می‌جسته‌اند. اجداد پیامبر اسلام ' از پیروان دین حنیف به شمار می‌روند. اعتكاف درغارها و بیابان‌ها و کوه‌ها، به عده‌ای از این حنفاء نسبت داده شده است.

اعتکاف دارای ارکانی است که عبارت است نیت؛ توقف در مسجد جامع شهر یا مساجد چهارگانه معروف؛ کمتر از سه روز نبودن اعتکاف و روزه‌دار بودن معتکف در ایام اعتکاف.

اعتکاف در هر زمانی که انسان بتواند حداقل سه روز در مسجد بماند صحیح است، و بهترین زمان برای آن، ماه مبارک رمضان و مخصوصاً در دهه آخر آن ماه می‌باشد.

واژگان کلیدی

اعتکاف، ارکان اعتکاف، احکام اعتکاف

سخن اول

یکی از سنت‌های حسنه و مستحبات اسلامی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی احیا گردید، سنت مبارک اعتکاف است. این سنت، در طول تاریخ اسلام و ادیان آسمانی طرفداران و عاملانی داشته و در بلاد اسلامی به طور عموم و شهرهای شیعه و مراکز حوزوی به طور خاص مورد توجه بوده است و مساجد شهرهای مقدس نجف، کربلا، کاظمین، سامرا، مشهد و قم و اصفهان و شیراز و بسیاری دیگر از شهرهای شیعه، خاطره حضور پر نور نیایشگران و معتکفان «ایام البیض» ماه رجب و حیانا دهه آخر ماه رمضان را در سینه دارد.

این عبادت که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی حالتی فراگیر و عمومی نداشت، در چند ساله‌ی اخیر در میان جمع کثیری از صاحب‌دلان و نیکان خواه و برادر از اقشار گوناگون اجتماع بویژه دانشجویان و طلاب، متداول گردیده و مساجد بسیاری از شهرهای ایران و جهان اسلام پذیرای مهمانان خدا در ایام البیض ماه پر برکت رجب است.

از آنجا که اشتغال انسان به کار و زندگی و مسؤولیت‌های اجتماعی، گاهی موجب غفلت می‌شود، انسان را از توجه به هدف باز می‌دارد و سبب می‌شود وظیفه بزرگ یاد خدا و توجه به خودسازی و مبدأ و منتهای هستی فراموش شود، اعتکاف فرصتی دوباره برای بازگشت به معبود و یادآوری هدف واقعی حیات است.

اعتکاف، آب حیات بخش در کویر غفلت‌هاست

غفلت از «خود» و «خدای خود» بستر مرگ ارزش‌های انسانی و نقطه سقوط از پایگاه بلند خردورزی و عشق عرفانی و عامل پیوستن به زندگی پست و حیوانی است؛ چنان که گاه انسان با غرق شدن در هیاهوی زندگی مادی از مرتبه حیوانات نیز پست‌تر می‌شود. ① **أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ** (اعراف/ 179)

اما اعتکاف، بستر مناسب اندیشه و فکر و خردورزی است. اعتکاف، تلاشی است برای این که انسان‌های فرو رفته در غرقاب روزمرگی‌ها از فضای پراشتهاب روزانه به سوی «خویش» و «خدای خویش» باز گردند.

اعتکاف زمینه توبه و بازگشت است. بازگشت به قرآن و معنویت، بازگشت به دعا و استمداد از عالم غیب، بازگشت از «خودمداری» به «خداگرایی» و از این رو آنها که مسؤولیت‌های حساس‌تر و بزرگ‌تری دارند، بیش از دیگران به اعتکاف و خودسازی نیاز دارند.

بی جهت نیست که شخص رسول پس از هجرت، همه ساله دهه اول یا دوم یا گاهی هر دو دهه و در سال‌های آخر زندگی به طور منظم دهه سوم ماه مبارک رمضان را به «اعتکاف» می‌پرداخت و این گونه با سیره رفتاری خود به همه دست اندرکاران، کارگزاران و رجال سیاسی، اجتماعی درس معنویت‌گرایی، ذکر و نیایش و روزه و تلاوت قرآن می‌دهد.

اعتکاف، توقیفی ناآگاهانه در مسجد نیست؛ درنگ و مکث و «حبس خویشتن» در مسجد، بدون عشق به عبادت و قصد قربت نیست؛ اعتکاف لمیدن، خوابیدن و چرت زدن و احياناً وقت‌گذرانی بیکاران و گردهمایی تفریحی - سیاحتی در مساجد بزرگ شهر نیست؛ بلکه اعتکاف نقطه‌ای عطف و درنگی برای گذر از بیهودگی‌هاست.

در اعتکاف کسانی که کار دارند و زیاد هم کار دارند چنان که غرق در دنیای اقتصاد، سیاست، هنر و مطبوعات و غیره هستند، باید از کار و زندگی فاصله بگیرند و به هماهنگی کار و تلاش و فعالیت‌ها، با رضای خدا و وظیفه مکتبی بیندیشند و تنظیم فکر و اندیشه و عمل را با معیارهای الهی تمرین کنند.

کار برای امت، تأمین حوایج نیازمندان، تشییع پیکر شهیدان و مؤمنان، عیادت بیماران و هر کاری که در آن، خود فرد مطرح نیست و برای انجام آن انگیزه الهی

لازم است، با اعتکاف سازگار است و حتی در برخی احادیث قضای حوایج مؤمنان از اعتکاف برتر شناخته شده است.

اعتکاف، دوره کوتاه مدت خودسازی است، که حداقل سه روز طول می کشد و انسان را از حاکمیت غریزه ها، عادت ها و اشتغالات معمول زندگی آزاد می سازد.

اعتکاف، محو خودخواهی در امواج بلندخداگرایی و خدمت به امت اسلامی است.

اعتکاف، برون رفتن از خانه خویش و مصمم شدن بر حضور در خانه حضرت حق است. عبادتی مستحبی و تقرب جویانانه و داوطلبانه است که روز سوم آن رنگ و جوب می گیرد.

اعتکاف، گریز از لذت گرایی و هر گوه التذاذ جنسی و مهار حس خودمحوری و برتری جویی و بازگشت از قبله دنیاگرایان به سمت و سوی قلب و قبله هستی است. خودسازی، محاسبه نفس، توبه و نیایش، نماز و تلاوت قرآن و استمداد از آستان قدس ربوبی از دیگر برکات «اعتکاف» است.

مفهوم اعتکاف

اعتکاف مصدر باب افتعال به معنی پیوستگی به چیزی داشتن و حبس کردن و در لغت درنگ کردن و ادامه دادن است.

لغت اعتکاف از کلمه عکف بر وزن فَعَلَ مشتق می گردد. اهل لغت برای این ماده، معانی گوناگونی را ذکر نموده اند ولی با دقت در کلام آنها می توان به این نتیجه رسید که همگی آنها تقریباً یک معنای کلی و جامع را در نظر داشته اند.

اعتکاف در لغت به معنای حبس بودن است و از همین روی به درنگ طولانی و همراه دائمی چیزی بودن، چه آن شی خوب باشد و چه بد معنا شده است. به مثل در قرآن آمده که به کفار گفته می شود چیست این بت هایی که شما در برابر آنها دائماً زانو زده اید و در جای دیگر می فرماید کفار و بت پرستان برابر بت های خود به

اعتکاف نشسته‌اند. معنای شرعی اعتکاف نیز مکث و درنگ طولانی برای عبادت و راز و نیاز با خدا در مسجد است. اگر بخواهیم به معنای لغوی اعتکاف پردازیم شاید بتوان ده‌ها معنی بر اساس کتب مختلف از اعتکاف بر شمرد؛ اعتکاف به معنای بازداشتن، مراقبت کردن، منع نمودن و ملازمت همراه با تعظیم است. در واقع، معنای ریشه‌ای عکف، ماندن بر محور چیزی است که مفاهیم ملازمت، مواظبت، بازداشتن، ماندن، مقابله و ... از آثار و نتایج آن است.

اعتکاف از این ریشه بر وزن افتعال است. لغویان آن را به ماندن بر چیزی و سکونت کردن در مکانی معنا کرده‌اند، البته مشروط به این که این سکونت و ماندن استمرار داشته باشد. برخی نیز، آن را به معنای زندانی کردن و نگه داشتن، معنا کرده‌اند؛ اما معنای دقیق‌تر و روان‌تر آن اقامت و ماندن طولانی است.

در جواهر کلام اعتکاف این‌گونه تعریف شده است: «الاعتکاف لغة هو الاحتباس و منه اللبث الطویل الذی هو احد افراد الزوم الشیء النفس علیه برأ کان او غیره قال الله تعالى: ﴿مَا هَذِهِ التَّمَاثِیلُ الَّتِیْ اَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ﴾^۱ ای لازمون لها و حلسبون انفسکم علیها نحو قوله: یعکفون علی اصنام لهم شرعا علی وجه النقل اوالمجاز الشرعی هو البث المتطاول للعبادة».

اعتکاف به حسب معنی لغوی یعنی مقیم‌شدن در یک محل معین و در اصطلاح فقهی عبارت است از نوعی عبادت که انسان سه روز یا بیشتر در مسجد مقیم باشد و پا بیرون نگذارد و هر سه روز، روزه بگیرد. این کار شرایط و احکامی دارد که در کتب فقهی مسطور است.

مفهوم اصطلاحی اعتکاف

اما در میان تعاریف موجود در خصوص اعتکاف، بهترین تعریف را حضرت امام + در تحریر الوسیله ارایه فرموده‌اند: «اعتکاف، عبارت است از ماندن در مسجد و

درنگ در آن به قصد اینکه بندگی خدا نماید».

آنچه از تعریف حضرت امام درباره‌ی اعتکاف آشکار است هدف از ماندن در مسجد، فقط و فقط برای بندگی و عبودیت می‌باشد و زمانی که با این قصد و نیت در مسجد حضور پیدا کنیم می‌توانیم بگوییم که معتکف شده‌ایم. پس تنها ماندن در مسجد کافی نیست بلکه این ماندن باید همراه با انجام اعمال و عبادت خاص خودش باشد. اعتکاف به خودی خود مستحب است، ولی به وسیله نذر کردن یا با خدا عهد بستن و یا سوگند یاد کردن واجب می‌شود.

به تعبیر کامل‌تر، یعنی وقوف و ماندن در مسجد، طبق شرایط و آداب خاص شرعی. به عبارت دیگر، اعتکاف عبارت است از ماندن در مکانی ویژه طبق شرایط خاص و برای مدت زمانی مخصوص به منظور عبادت و به طور دقیق‌تر می‌توان گفت: اعتکاف فقط ماندن در مسجد است به قصد تعبّد، هر چند قصد عبادت دیگر نداشته باشد، ولی احوط است قصد عبادت دیگر نیز داشته باشد.

اهمیت اعتکاف

اعتکاف، محو خودخواهی در امواج بلند خداگرایی و خدمت به امت اسلامی است. اعتکاف، بیرون رفتن از خانه خویش و مصمم شدن بر حضور در خانه حضرت حق است. عبادتی مستحبی و تقرب جویانانه و داوطلبانه است که روز سوم آن رنگ و جوب می‌گیرد. اعتکاف، گریز از لذت‌گرایی و مهار حس خودمحوری و برتری جویی و بازگشت از قبله دنیا‌گرایان به سمت و سوی قلب و قبله هستی است. خودسازی، محاسبه نفس، توبه، نیایش، نماز و تلاوت قرآن و استمداد از آستان قدس ربوبی از دیگر برکات اعتکاف است. اسلام، فکر جدایی از زندگی دنیا و گوشه‌نشینی و کناره‌گیری از مردم و به تعبیر دیگر رهبانیت را باطل و ناپسند دانسته است، اما اعتکاف را به عنوان فرصتی برای بازگشت به خویش و خدای خویش قرار داده، تا کسانی که از هیاهو و جنجال‌های زندگی مادی خسته می‌شوند، بتوانند

چند صباحی با خدای خود خلوت کنند و جان و روح خود را با خالق هستی ارتباط دهند. اعتکاف شرایطی را فراهم می‌کند تا انسان‌ها با توشه معنوی و اعتقادی راسخ و ایمان و امیدی بیشتر، به زندگی خود ادامه داده، خود را برای صحنه‌های خطر و جهاد در راه خدا آماده سازند؛ همیشه با یاد خدا تلاش کنند؛ خود را در محضر پروردگار ببینند و از نافرمانی او پرهیزند و به سوی سعادت دنیا و آخرت گام بردارند.

مهم‌ترین عامل در «اعتکاف» چیست؟

هر معتکفی در اعتکاف شروع به ختم قرآن کند و آن را به امام زمان هدیه کند، هدیه به او، هدیه به همه انبیا است. «من أراد أن ينظر إلى آدم و شيث فذا أنا آدم و شيث». شیت.

بالاترین کار در اعتکاف قرائت قرآن است، پس بهتر است معتکف از اول اعتکاف شروع به ختم قرآن کند و آنی از آن غفلت نرزد. پیامبر خدا به حضرت علی × این گونه وصیت کردند: «یا علی! اوصیک، بتلاوه القرآن علی کل حال»؛ به تو وصیت می‌کنم در هر حال قرآن را تلاوت کن. قرآن حرف ربط است بین ما و خدا. نماز حرف زدن ما با خداست و خواندن قرآن حرف زدن خدا با ماست.

راوی می‌گوید: یابن رسول الله! من ماه رمضان ختم‌های قرآن کردم، یک ختم قرآن برای جدت پیغمبر، یک ختم قرآن برای جدت امیرالمؤمنین، یک ختم قرآن برای جدت حضرت زهرا، تا رسید به اینکه ختم قرآنی برای تو کردم یا ابا الحسن، ما لی بهذا؟ آیا برای من در قبال این عمل چیست؟ این حدیثی است که گوهر قرائت قرآن را به آخر مرحله می‌رساند. ما لی بهذا؟ در مقابل این عمل برای من چیست؟ امام

فرمود: «لَکَ بِذَٰلِکَ اَنْ تَکُوْنَ مَعَهُمْ [یوم القیامة]»؛ جزای تو که قرآن خواندی، ختم قرآن را هدیه کردی به رسول خدا، به علی مرتضی، جزای تو این است که با او باشی و از او جدا نشوی.¹

افتتاح هر روز اعتکاف به دو امر باشد، یکی به سوره یاسین، یکی به زیارت آل یاسین. همه اینها ریشه فقهی دارد؛ اما سوره یاسین قلب قرآن است، آن سوره شخص خاتم است، آن سوره باید توأم بشود به زیارت آل یاسین. اگر اعتکاف به این جور تمام بشود، مس وجود را طلا می کند.

از اول صبح باید همه معتکفین نخست برنامه خود را با زیارت آل یاسین آغاز کنند و سرش این است که طبرسی در احتجاج نقل می کند که: هر گاه خواستی توجه کنی به خدا به وسیله ما، بگویند: سلام علی آل یاسین. این زیارت اکسیر اعظم است.

ظاهر و باطن خانه خدا را بشناسیم

معتکف به خانه خدا می رود؛ خانه خدا، ظاهری دارد و باطنی. خانه خدا ظاهرش همان مسجد است، اما باطنش چیست؟ باطنش: ﴿فِی بُیُوتٍ اِذْنُ اللّٰهِ اَنْ تُرْفَعَ وَ یَذْکَرَ فِیْهَا اِسْمُهُ﴾. آن بیوت، بیوت وحی و نبوت است. زیارت آل یاسین، فتح باب می کند برای معتکف به خدا. السلام علیک یا باب الله و دیان دینه.

اعتکاف در ادیان دیگر

کسی به درستی نمی داند که این عبادت، از چه زمانی آغاز و کیفیت اجزا و شرایط آن در بدو شکل گیری چه چیزهایی بوده است.

با توجه به آیه 125 سوره بقره، می توان نتیجه گرفت که اعتکاف عملی بوده که در شریعت ابراهیم از مناسک و عبادات الهی به شمار می آمده و پیروان ایشان به این

1. روایت شفاهی آیت الله وحید.

عمل مبادت می‌ورزیده‌اند و لذا ابراهیم و اسماعیل^۱ از طرف خداوند موظف شده بودند تا محیط لازم را برای برپایی این مراسم مهیا سازند. واگذاری این مسئولیت خطیر به آنها، گواه بزرگی بر اهمیت عبادتی چون حج، اعتکاف و نماز در پیشگاه خداوند است.

حضرت موسی[×] با آن که مسئولیت سنگین رهبری و هدایت امت را به دوش داشت، برای مدت زمانی آنان را ترک و برای خلوت با محبوب خویش به خلوتگاه کوه طور شتافت. او در پاسخ به پرسش خداوند که فرمود: چرا قوم رها کردی و با عجله به سوی ما شتافتی؟ عرض کرد: پروردگارا! به سوی تو آمدم تا از من راضی شوی. (طه/ 83 و 84)

بیت المقدس از مکان‌های بوده که همواره عده زیادی از انسان‌ها، برای اعتکاف در آن گرد می‌آمدند و به راز و نیاز با پروردگار خویش مشغول می‌شدند. بزرگ این گروه، حضرت زکریا[×] بود و از جمله کسانی که در امر اعتکاف سرپرستی می‌نمود حضرت مریم[÷] بوده است. قرآن در این باره می‌فرماید: ﴿وَكَلَّمَهَا رَبُّهَا رُكْرِيَا كَلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا الْمَحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا﴾؛ (آل عمران 37) کفالت او (مریم) را زکریا بر عهده گرفت و هر زمان که به محل عبادت او می‌رفت برای او غذایی مهیا می‌دید.

از قرآن مجید (مریم / 16 و 17) استفاده می‌شود که حضرت مریم[÷] آنگاه که به افتخار ملاقات با فرشته الهی نایل آمد از مردم بریده و در خلوت به سر می‌برد. علامه طباطبایی می‌فرماید: گویا مقصود از دوری مریم از مردم، بریدن از آنان و روی آوردن به اعتکاف برای عبادت بوده است.

طبق روایات اهل سنت، در دوران جاهلیت هم، عملی به عنوان اعتکاف در میان مردم رایج بوده است و مردم توسط این عمل به خدای خود تقرب می‌جسته‌اند. اجداد پیامبر اسلام[ؐ] از پیروان دین حنیف به شمار می‌رفتند، اعتکاف در غارها،

بیابان‌ها و کوه‌ها، به عده‌ای از این حنفا نسبت داده شده است. آنان در جاهای خلوتی که از مردم دور بود به اعتکاف پرداخته و خود را در آن محبوس می‌کردند و جز برای نیازهای شدید و ضرری، از آن خارج نمی‌شدند و در آن اماکن به عبادت و تأمل و تفکر در هستی پرداخته و در جستجوی راستی و حقیقت بودند. آنها در آن اماکن خاموش و آرام مثل غار حرا، به عبادت مشغول می‌شدند. پیامبر^۱ نیز مانند نیاکان خود بر دین حنیف یعنی دین حضرت ابراهیم^۲ بود و عبادات متداول آن دین و از جمله اعتکاف را بر پا می‌داشت.

قبل از بعثت حضرت محمد^۳ نیز غار حرا محل عبادت و راز و نیاز بود، حضرت رسول اکرم^۴ نیز به اعتکاف در آن مکان مشغول می‌شدند و در اندیشه سرنوشت بشریت فرو می‌رفتند.

زمان اعتکاف

اعتکاف در هر زمانی که انسان بتواند حداقل سه روز در مسجد بماند صحیح است، و بهترین زمان برای آن، ماه مبارک رمضان و مخصوصاً در دهه آخر آن ماه می‌باشد.

نیت اعتکاف

اعتکاف، همانند سایر عبادات، باید با نیت و قصد قربت باشد و هر گونه ریا و خودنمایی و قصد غیر الهی آن را باطل می‌کند. در نیت اعتکاف، قصد وجه شرط نیست، یعنی لازم نیست قصد کند که اعتکاف واجب است یا مستحب.

زمان نیت اعتکاف، وقت شروع اعتکاف است که شروع طلوع فجر می‌باشد و با استمرار نیت، اول شب هم مانعی ندارد. اعتکاف را می‌توان به سه صورت به جای آورد: (1) برای خود؛ (2) به نیابت از مردگان؛ (3) به نیابت از زندگان.

اگر اعتکاف را به نیابت از کسی که از دنیا رفته به جای آورد، در این صورت

اعتکاف را تنها به نیابت از یک نفر می‌توان انجام داد ولی اگر مقصود اهداف ثواب باشد می‌توان ثواب اعتکاف را به چند نفر، زنده یا مرده، هدیه کرد.

در مورد نیابت از شخص زنده، در میان فقها اختلاف نظر وجود دارد بسیاری از فقها در درستی چنین اعتکافی، تردید کرده‌اند. در این صورت، هر گاه نیابت، اعتکاف را به قصد رجا، یعنی امید به مطلوب بودن عمل نزد خدا، نه به عنوان حتمی انجام دهد، مانعی ندارد.

محرمات اعتکاف

1. پرداختن به امور جنسی به معنای وسیع آن که شامل هر نوع بهره برداری شهوانی می‌باشد؛
2. بوییدن عطر و هر نوع بوی خوش و گیاهان معطر به قصد لذت بردن؛
3. مجادله و مناقشه: حرمت جدال مربوط به اموری است که معتکف بخواهد فضل و برتری خود را به دیگران نشان دهد.
4. محرمات روزه؛ در حال روزه یعنی از طلوع تا غروب خورشید، که معتکف روزه می‌گیرد، باید از محرمات روزه نیز اجتناب کند. بعضی از فقها محرمات احرام را بر معتکف مستحب دانسته‌اند.
5. خرید و فروش.

اعمال اعتکاف

اعمال شب سیزدهم: اعمالی را باید این شب انجام داد؛ از جمله آن ده رکعت نماز است که اگر به درستی به جا آورده شود، دارای ثواب و پاداش بزرگی است. در روایتی از پیامبر ' می‌خوانیم: «کسی که در شب سیزدهم ماه رجب ده رکعت نماز بخواند؛ بدین گونه که در رکعت اول حمد یک مرتبه و سوره عادیات هم یک مرتبه و در رکعت دوم حمد یک مرتبه و سوره تکوین نیز یک مرتبه بخواند و بقیه

رکعت‌ها را هم به همین نحو تمام کند، خداوند متعال گناهان او را می‌آمرزد و اگر عاق والدین هم باشد خداوند سبحان از او راضی می‌شود و همچنین در قبر نکیر و منکر به او نزدیک نمی‌شوند و او را نمی‌ترسانند. بر پل صراط هم چون برق خاطف (سریع) عبور می‌کند و نامه اعمالش را به دست راستش می‌دهند و میزان اعمالش سنگینی می‌کند و در بهشت فردوس هزار شهر به او اعطا می‌شود». روزه روز سیزدهم هم ثواب فراوان دارد و برای کسی که بخواهد اعمال ام داوود را به جای آورد، باید این روز و دو روز بعدش را روزه بگیرد.

فلسفه اعتکاف

بخشی از مقررات دینی که «عبادت» نامیده می‌شود، برای تأمین نیازهای روحی انسان تشریع شده است؛ هر چند عبادت ممکن است جنبه‌های اجتماعی نیز داشته باشد. تنوع عبادت‌ها در اسلام دقیقاً به دلیل نیازهای گوناگون انسان است. هر عبادتی، بخش معینی از نیازهای روح را برآورده می‌کند؛ مثلاً نماز، زنگار غفلت از مبدأ آفرینش را از روح و روان می‌زداید.

روزه نیروی عقلانی و قوای روحانی انسان را در مصاف با کشش‌های مادی شهوانی تقویت می‌کند. حج، شرکت در آزمون مبارزه با تعلقات مادی و دل‌بستگی دنیوی است. و اعتکاف را می‌توان آمیزه‌ای از چند عبادت با فضیلت به شمار آورد. روزه که خود عبادتی بس ارزشمند است و به میهمانی خدا رفتن به شمار می‌آید، یکی از شرایط اعتکاف است.

حضور در معبد و سرای دوست که به خودی خود عبادت است و محرمات اعتکاف، یعنی چیزهایی که معتکف باید در طول اعتکاف از آن پرهیز کند، انسان را به یاد حج که یکی از ارکان اسلام است می‌اندازد. دقت در احکام و آداب اعتکاف نشان می‌دهد که شباهت‌های قابل توجهی میان «حج» و «اعتکاف» وجود دارد. اعتکاف با «جهاد» نیز بی‌شباهت نیست. شرکت در اعتکاف، همراه با مراعات آداب

و شرایط آن، در حقیقت ورود به عرصه‌ی «جهاد اکبر» و مبارزه با نفسانیت است که از جهاد با دشمن خارجی به مراتب سخت‌تر است. این عبادت اسلامی در عین حال از برخی جنبه‌های اجتماعی نیز برخوردار است.

خلوت نشینی که در اعتکاف محقق می‌شود، فرصتی مناسب برای عبادت و تفکر و انس با خداوند متعال است. غنیمت شمردن این فرصت استثنایی و بهره بردن از فضای معنوی اعتکاف، انسان مؤمن را در راه‌یابی به مراحل کمال یاری می‌کند.

اعتکاف در مسجد فرصتی است که انسان‌ها با تمام مشکلات و مشاغل اجتماعی چند روزی هر چند کوتاه از جامعه و مردم جدا شوند و به درون‌گرایی روی آورند. معتکف در فضای روحانی و تقدس مسجد، فرصتی مناسب می‌یابد تا به کاوش درباره‌ی انگیزه‌ها و روحیات خویش پردازد و در راستای رفع نقصان و تکامل خود بکوشد.

اصولاً هر دستوری از دستورهای آسمانی، بخش معینی از نیازهای روحی انسان را برآورده می‌کند و گرچه انجام مکروهات و ترک مستحبات، عقاب ندارد؛ ولی رسیدن به کمال والای انسانی تنها، با انجام واجبات و ترک محرمات حاصل نمی‌شود و همان گونه که بدن انسان برای بقا و سلامت خود، به مواد گوناگون اصلی و فرعی نیاز دارد؛ روح نیز در سایه عمل همه جانبه به مقررات و احکام اسلامی، به کمال مطلوب خواهد رسید.

سنت اعتکاف فرصت عبادت را برای انسان‌ها به وجود می‌آورد. وقتی معتکف اشتغالات روزمره زندگی را کنار بگذارد و شب و روز خود را در خانه خدا فقط برای انس و راز و نیاز با خداوند متعال صرف کند، فرصت و فراغتی برای عبادت به دست می‌آورد که در فرهنگ اهل بیت[^] جایگاه ویژه‌ای دارد و آثار و برکات فراوانی برای آن بیان شده است.

با تأمل در روایات اهل بیت[^] و کلمات بزرگان، این نکته به خوبی معلوم می‌شود

که حقیقت و روح همه عبادات همان توجه و یاد قلبی خداوند متعال است و فقط عبادتی که با توجه و یاد الهی انجام می‌گیرد، مطلوب درگاه احدیت است و مؤمن از آن بهره می‌برد و هر گاه عبادتی خالی از توجه قلبی باشد بهره‌ای برای مؤمن ندارد و به عکس هر چه قدر توجه در عبادات بیشتر گردد بهره و استفاده عبد از آن عبادت بیشتر خواهد شد.

پر واضح است که اعتکاف هم به عنوان یک عمل عبادی بزرگ از این قاعده مستثنا نیست و تا هنگامی که معتکف متوجه حضرت حق باشد و دل از غیر خدا برکند و مراقب اعمال و رفتار ظاهری و باطنی خود باشد در حال استفاده کردن از اعتکاف است والا جز گرسنگی و تشنگی و محبوس شدن در مسجد بهره‌ای نبرده است. هدف از اعتکاف را باید از دو منظر بررسی نمود؛ هدف از عبادت چیست؟ هدف از عبادت اعتکاف چیست؟

قرآن رمز و راز ایمان، تزکیه نفس و عبادت را این گونه معرفی می‌نماید:
 ① **وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ**؛ (آل عمران / 139) تقوا پیشه کنید، باشد که رستگار شوید.

در جای دیگر می‌فرماید: ① **قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا**؛ (شمس / 9) کسی رستگار شد که نفس را تزکیه کرد

① **قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ**؛ (مؤمنین / 1) به راستی که مؤمنان رستگاران‌اند.
 ① **وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ**؛ (جمعه / 10) خدا را بسیار یاد کنید شاید رستگار شوید.

① **قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى**؛ (اعلی / 14) به راستی که رستگار کسی است که تزکیه نفس کرده باشد.

و ① **وَأَفْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ**. (یونس / 52)

بنابراین قرآن فلاح و رستگاری را به عنوان هدف ایمان، تزکیه نفس و عبادت

ذکر می‌کند.

همه عبادات در یک هدف کلی مشترک‌اند اما برای هر یک از آنها اهداف جداگانه‌ای نیز وجود دارد؛ و گرنه دلیلی نداشت تا به صورت‌های گوناگونی از عبادت پدید آید.

عبادتی چون نماز باعث آرامش انسان می‌شود زیرا قرآن می‌فرماید: ﴿الْاِبْذَكَرُ اللهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ﴾.

عبادتی چون روزه انسان را صبور می‌کند و حتی قرآن از روزه به کلمه صبر تعبیر می‌نماید ﴿اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ﴾؛ از روزه و نماز کمک بگیرید. انسان صابر در برابر مشکلات تحمل بیشتری دارد و کسی که سختی عبادت را تحمل می‌نماید، تحت فشار معصیت سر خم نمی‌کند.

اما اعتکاف چه هدفی را دنبال می‌کند؟

اعتکاف عملی است مرکب از چند عبادت، پس در یک نگاه اهداف این عبادات در اعتکاف هم منظور گردیده؛ پس در اعتکاف اهدافی چون رسیدن به آرامش روحی، دستیابی به صبر، حضور در مسجد، دعا و توبه و استغفار مورد توجه قرار گرفته است. می‌توان از مجموعه این عبادات، هدفی دیگر و رای اهداف تک تک آنها، برای عبادت اعتکاف در نظر گرفت و آن تمرین انقطاع از غیر است. معتکف در طول مدت اعتکاف از همه تعلقات دنیایی بریده و تمام وقت، به حالت عبادت درآمده، از مسجد که خانه خداست به خانه خود و دیگران نمی‌رود و کلامی غیر از قرآن، دعا و نماز که کلام خداست بر زبان جاری نمی‌کند.

معتکف اراده خود را در مسیر اراده خدا قرار می‌دهد، در طول روز به خاطر او، دست از خوردن و آشامیدن کشیده و به روزه‌داری قیام می‌کند و... پس هدف از عبادت اعتکاف، همان است که ائمه معصومین در «مناجات شعبانیه» از خداوند خواسته‌اند «الهی هب لی کمال الانقطاع الیک»؛ پروردگارا مرا از غیر خود به نهایت بازدار.

بنابراین از اعمال مهم اعتکاف، روزه گرفتن در ایام اعتکاف است. معتکف

می‌تواند روزه واجب یا مستحب، برای خود یا به نیابت از دیگران، مثل پدر و مادر فوت شده، بگیرد و چنان چه اعتکاف در ماه رمضان باشد باید فقط روزه واجب ماه مبارک رمضان را ادا کند.

اعتکاف سبب دوستی و آشنا شدن مومنان، جدا گشتن از گناهان و گناهکاران و در نهایت سبب نزدیکی به خداوند است که همه این امور باعث نورانیت دل می‌گردد و به انسان فرصت حضوری عاشقانه و عارفانه را در محضر خداوند می‌دهد. به عمر برکت، به فکر نفوذ و تعمق و به زندگی معنا و سازندگی می‌بخشد.

روزه اعتکاف

انسان، در ایام اعتکاف باید روزه بگیرد، بنابراین، کسی که نمی‌تواند روزه بگیرد، مانند مسافر، مریض و زن حیض یا نفسا و کسی که عمداً روزه نگیرد، اعتکافش صحیح نیست.

مسافر و مریض اگر معتکف شوند صحیح نیست ولی زن حیض یا نفسا نه تنها اعتکافش صحیح نیست بلکه به جهت توقف در مسجد گناهکار است. اعتکاف در روز عید فطر و قربان یا دو روز قبل از عید به طوری که روز سوم آن عید باشد صحیح نیست.

لازم نیست که روزه، مخصوص به اعتکاف باشد، بلکه هر روزه‌ای باشد صحیح است؛ مثلاً در ایام اعتکاف، روزه قضا یا نذری یا استیجاری به جای آورد.

اگر شخصی نذر کند که در ایام معینی معتکف شود و در همان ایام روزه نذری یا استیجاری بر عهده او باشد، می‌تواند در همان اعتکاف، روزه نذری یا اجاره‌ای خود را به جای آورد ولی اگر نذر اعتکاف بدین گونه بوده است که روزه برای اعتکاف یا به خاطر اعتکاف باشد، کافیت از روزه نذری یا اجاره‌ای نمی‌کند. انسان می‌تواند نذر کند، در سفر روزه بگیرد و به نظر برخی مراجع معظم تقلید، حتی هنگام سفر هم می‌تواند نذر کند که روزه بگیرد. در این صورت اعتکافش

صحیح است.

سؤال: آیا در مسافرت می‌شود روزه در سفر را نذر کند؟

آیات عظام خامنه‌ای، سیستانی، بهجت: می‌تواند.

آیت‌الله مکارم: اشکال دارد ولی اگر نذر کرد، احتیاط آن است که به نذر خود عمل کند.
آیت‌الله فاضل: خیر.

سؤال: آیا هرگونه روزه ولو استیجاری و ... برای اعتکاف کافی است؟

آیت‌الله فاضل: خیر، بلکه روزه‌ی اعتکاف باید به نیت کسی باشد که اعتکاف به نیت او انجام می‌گیرد، لذا کفایت روزه‌ی استیجاری و غیره برای کسی که در نیت خود اعتکاف کرده محل تأمل و اشکال است.

آیت‌الله مکارم: کفایت روزه‌ی استیجاری برای اعتکاف مشکل است.
آیت‌الله بهجت: کافی است.

اجازه‌ی اعتکاف

این افراد بدون اجازه نمی‌توانند معتکف شوند:

زن بدون اجازه‌ی شوهرش در صورتی که اعتکاف موجب از بین رفتن حق او باشد، بنا بر احتیاط واجب اجازه‌ی او لازم است. فرزند بدون اجازه‌ی والدین، در صورتی که اعتکاف او موجب اذیت و آزار آنان باشد و اگر موجب اذیت و آزار آنان نباشد، احتیاط مستحب است اجازه بگیرد. کسی که در استخدام دیگری است مانند برخی از کارگران و کارمندان در صورتی که قرارداد اجاره به گونه‌ای است که منفعت، اعتکاف را نیز در بر می‌گیرد، یعنی اعتکاف با عمل به اجاره منافات دارد.

در اعتکاف، بلوغ شرط نیست، بنابراین اگر کودک ممیز معتکف شود، صحیح است.

مدت اعتکاف

مدت اعتکاف حداقل سه روز است و در کم‌تر از آن صحیح نیست ولی در زیاده حدی ندارد. ولی اگر پنج روز معتکف شود، روز ششم را نیز واجب است بماند و بلکه بنا بر احتیاط واجب هرگاه دو روز اضافه کرد، روز سومش هم باید بماند. پس اگر هشت روز معتکف شد، روز نهم هم واجب می‌شود.

این سه روز از طلوع فجر روز اول تا مغرب روز سوم است. بنابراین اگر بعد از طلوع فجر ولو با چند دقیقه تأخیر به مسجد برسد، آن روز جزو اعتکاف به شمار نمی‌آید و چنان چه قبل از مغرب روز سوم اعتکاف را قطع کند، افزون بر آن که کار حرامی کرده، اعتکاف نیز باطل است.

سه روز اعتکاف با شب‌های آن است که حداقل سه روز و دو شب در وسط است. بنابراین نمی‌تواند شب‌ها را از مسجد خارج شود یا نذر کند که سه روز بدون شب‌ها در مسجد معتکف شود.

اگر انسان نذر کند که دو روز معتکف شود نه بیشتر از آن، این گونه نذر باطل است. ولی اگر مقید نکرده که بیشتر نباشد نذر صحیح است و واجب است که روز سوم را نیز بماند.

سؤال: منظور از روز در اعتکاف چیست؟

آیات عظام تبریزی، بهجت، مکارم: منظور از روز، طلوع فجر است تا غروب آفتاب؛ چنان که در احکام نماز ذکر شده است.

سؤال: اگر کسی نذر کند سه روز منفصل اعتکاف کند، آیا نذرش منعقد می‌شود؟ نذر اعتکاف کم‌تر از سه روز چه؟

آیت‌الله بهجت: منعقد نمی‌شود.

آیت‌الله صافی: الف) منعقد نمی‌شود. ب) اگر مقید به کم‌تر از سه روز باشد منعقد نمی‌شود.

سؤال: آیا بیشتر از سه روز می‌توان اعتکاف کرد به طوری که آن زیاده، قسمتی از یک روز یا قسمتی از یک شب باشد؟
آیت‌الله تبریزی: مانعی ندارد.

سؤال: کسی که پنج روز در اعتکاف بوده آیا روز ششم بر او واجب است؟
آیت‌الله تبریزی: واجب است.

مکان اعتکاف

اعتکاف تنها در مسجد صحیح است بنابراین اگر کسی در خانه‌ی خود یا در تکیه یا حسینیه یا در حرم معتکف شود، صحیح نیست و از مساجد نیز تنها در این مساجد اعتکاف صحیح است: مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجد جامع کوفه، مسجد بصره. و به قصد رجا (یعنی به نیت مطلوب بودن و به امید پاداش و ثواب) می‌توان در مسجد جامع هر شهر معتکف شد.

در این مسأله فرقی بین مردان و زنان نیست؛ بنابراین اگر دختران و بانوان بخواهند معتکف شوند، باید در یکی از همین مساجد باشد.

سؤال: آیا اعتکاف در غیر مساجد جامع، مثل نمازخانه‌ی دانشگاه‌ها رجائاً اشکال دارد یا نه؟ در صورت صحت، آیا احکام اعتکاف از قبیل ترک محرمات جاری می‌شود یا خیر؟

آیت‌الله خامنه‌ای: رجائاً اشکال ندارد.

آیت‌الله بهجت: ظاهراً جایز نیست و احکام اعتکاف را ندارد.

آیت‌الله فاضل: اعتکاف در مسجد جامع رجائاً صحیح است و در غیر از مساجد جامع جایز نیست. آیت‌الله سیستانی: مشروع نیست و احکام آن را ندارد.

آیت‌الله مکارم: اعتکاف باید فقط در مساجد جامع باشد و منظور از مسجد جامع، مسجدی است که قشرهای مختلف شهر در آن شرکت کنند.

آیت‌الله تبریزی: اعتکاف باید در مسجد جامع شهر باشد و اعتکاف در غیر مساجد جامع صحیح نیست.

سؤال: آیا انسان می‌تواند نذر کند که در شهر دیگری معتکف شود؟
 آیت‌الله تبریزی: مانعی ندارد. باید روزه اش در آن جا صحیح باشد و نذر اعتکاف در شهر دیگر نذر روزه نیست.
 اگر در یک شهر، دو یا چند مسجد جامع وجود داشته باشد، در هر کدام که بخواهد می‌تواند معتکف شود.
 اگر جای خاصی از مسجد را برای اعتکاف خود مشخص کند، چنین قصدی لغو است و لازم نیست حتماً در آن جا معتکف شود.
 اگر معتکف جنب شود و با حال جنابت در مسجد بماند اعتکاف او باطل است، چون توقف او در مسجد حرام است.
 اگر جای شخص دیگری را غصب کند یا عمداً بر فرش غصبی بنشیند، هر چند گناه کرده است ولی اعتکافش باطل نیست.
 اگر کسی از روی فراموشی یا جهل به مسأله بر فرش غصبی بنشیند، اعتکاف او باطل نیست.

سؤال: اگر جای کسی را که معتکف بوده غصب کند، فرموده‌اند اعتکاف او باطل است، حال اگر جاهل بود یا عامد بود و حال پشیمان شده و جای خود را عوض کند، اعتکاف او صحیح است یا خیر؟ در صورت عمد آیا کفاره دارد یا خیر؟
 آیت‌الله بهجت: در فرض مذکور اعتکاف او صحیح است و در صورت بطلان کفاره ندارد.

آیت‌الله خامنه‌ای: اعتکاف صحیح است و کفاره هم ندارد.
 آیت‌الله سیستانی: عمداً هم اگر باشد، اعتکاف صحیح است.
 آیت‌الله فاضل: علی‌ای حال اعتکاف صحیح است.
 آیت‌الله مکارم: اگر جاهل به موضوع باشد، اعتکافش صحیح است ولی اگر غصب بودن را می‌دانسته و حکم اعتکاف را نمی‌دانسته، اعتکاف او صحیح نیست و توبه در این جا مشکل را حل نمی‌کند.

آیت الله تبریزی: چنان چه غافل بوده اعتکافش صحیح است و اگر جاهل متردد بوده یا عامد بوده اعتکافش صحیح نیست. لکن کفاره ندارد.

سؤال: اگر کسی را که زودتر از او در مسجد رفته بیرون کند و جایش را بگیرد، اعتکافش صحیح است یا نه؟

آیت الله صافی: بنا بر احتیاط اعتکاف او باطل می شود. باید اگر اتمام اعتکاف بر او واجب شده، آن را تمام کند و اگر اعاده ی آن واجب است، پس از اتمام اعاده کند. آیت الله بهجت: اگر مکان منحصر به آن جا باشد، بنا بر اقوی اعتکافش باطل است. آیت الله مکارم: خالی از اشکال نیست.

آیت الله فاضل: بلی، اعتکاف او صحیح است و بطلان آن محل منع است.

سؤال: آیا گذاشتن وسایل یا نوشتن نام و امثال آن موجب سبقت در محلی از مسجد می شود؟

آیت الله مکارم: هرگاه به موقع در مسجد حضور یابند، بعید نیست موجب حق سبق باشد. آیت الله بهجت: می شود.

اقسام اعتکاف

واجب معین: پس از شروع قطع آن جایز نیست؛

واجب موسع: پس از تکمیل دو روز، قطع آن جایز نیست؛

مستحب: پس از تکمیل دو روز، قطع آن جایز نیست.

توضیح:

اگر اعتکاف واجب معین باشد، یعنی وقت مشخص داشته باشد، مثلاً نذر کند از 21 تا 26 ماه رمضان در مسجد معتکف شود، همین که اعتکاف را شروع کرد اتمام آن واجب و قطع آن غیر جایز است. و اگر اعتکاف، واجب موسع باشد، یعنی وقت آن وسعت دارد، مثلاً نذر کرده باشد که امسال، یا در این ماه سه روز معتکف شود، یا اعتکاف مستحب باشد، تا قبل از تکمیل دو روز می تواند آن را رها کند، مثلاً در روز

اول، شب اول یا روز دوم، ولی اگر اعتکاف را رها نکرد و در مسجد ماند تا غروب روز سوم در این صورت، بر او واجب است که اعتکاف را کامل کند و روز سوم را بماند. انسان می‌تواند از آغاز، هنگام نیت، شرط کند که اگر مشکلی پیش آمد - مثلاً بگوید اگر هوا سرد شد اعتکاف را رها می‌کنم، در صورت پیش آمدن مانع، رها کردن اعتکاف اشکال ندارد؛ حتی در روز سوم. در اعتکاف نذری، انسان می‌تواند هنگام خواندن صیغه نذر شرط کند که اگر مانعی پیش آمد اعتکافم را رها کند.

سؤال: آیا معتکف می‌تواند به هنگام نیت اعتکاف شرط کند که هر زمان خواست از اعتکاف خود رجوع کند؟ اگر بعد از نیت حکم شرط خود را ساقط نمود، آیا شرط او ساقط می‌شود یا خیر؟ اگر شرط رجوع در وقت نذر کردن برای اعتکاف باشد چه حکمی دارد؟

آیت‌الله تبریزی: مثل شرط کردن در زمان نیت اعتکاف است و چنانچه اعتکاف را به عنوان وفای به نذر مزبور انجام دهد، حتی در روز سوم می‌تواند رجوع کند.

قضای اعتکاف

اگر در حال اعتکاف جماع کند - عمدأ باشد یا سهواً - پس اگر اعتکاف واجب معین باشد، باید قضای آن را به جا آورد و اگر واجب غیر معین باشد باید آن را از سر بگیرد. اگر یکی دیگر از محرمات اعتکاف را سهواً انجام دهد و اعتکاف واجب معین باشد بنابر احتیاط واجب باید اعتکاف را به پایان ببرد و قضای آن را به جای آورد. ولی اگر واجب غیر معین باشد اگر در دو روز اول باشد باید اعتکاف را از سر بگیرد و اگر روز سوم باشد اعتکاف را به پایان ببرد و از سر بگیرد. اگر اعتکاف مستحب را بعد از روز دوم باطل کند باید قضای آن را به به جا آورد ولی اگر قبل از اتمام روز دوم باطل کند چیزی بر عهده او نیست. شایسته توضیح است که واجب نیست قضای اعتکاف را فوراً به جا آورد اگر چه احتیاط مستحب در این است.

سؤال: اگر کسی نذر کند ایام معینی را معتکف باشد و از آن ایام معین تخلف نماید - یک روز یا بیشتر - آیا قضا بر او واجب است یا خیر؟
 آیت الله تبریزی: بنابر احتیاط، قضای آن واجب است.

کفاره اعتکاف

اگر اعتکاف واجب را با آمیزش (جماع) باطل کند، کفاره واجب است و در سایر محرمات کفاره لازم نیست، هر چند احتیاط مستحب بر آن است. اگر در دو روز اول اعتکاف مستحب آمیزش کند و اعتکاف را رها نکند بنابر احتیاط واجب کفاره لازم است.

کفاره بطلان اعتکاف، مانند کفاره روز ماه رمضان است یعنی باید:

- دو ماه روزه بگیرد؛
- یا به 60 مسکین، طعام بدهد؛
- یا یک برده را آزاد کند.

احتیاط مستحب است که اگر ممکن است یک برده را آزاد کند و در صورت ناتوانی دو ماه روزه بگیرد و چنانچه نتواند روزه بگیرد به 60 فقیر طعام بدهد.

محرمات اعتکاف

1. پرداختن به امور جنسی به معنای وسیع آن که شامل هر نوع کار شهوانی است؛
2. بوییدن عطر و هر نوع بوی خوش و گیاهان معطر به قصد لذت بردن؛
3. مجادله و مناقشه؛ حرمت جدال مربوط به اموری است که معتکف بخواهد فضل و برتری خود را به دیگران نشان دهد؛
4. محرمات روزه؛ در حال روزه یعنی از طلوع تا غروب خورشید، که معتکف روزه می گیرد، باید از محرمات روزه نیز اجتناب نماید. بعضی از فقها محرمات احرام را بر معتکف مستحب دانسته اند؛
5. خرید و فروش.

احکام اعتکاف با تکیه بر آرای فقهی امام خمینی +



دکتر مجتبی محمدی مزرعه شاهی* حمید متولی زاده نائینی**

چکیده

اعتکاف در اصطلاح عبارت است از ماندن در مسجد برای عبادت همراه با قصد تقرّب به خداوند. اعتکاف یکی از مظاهر عرفان اسلامی به شمار می‌رود که از جایگاه والایی برخوردار است و با راهنمایی معصومان، اصحاب ایشان و فقهای شیعه از تحریف و بدعت حفظ شده است و تاکنون آثار متعددی درباره آن به چاپ رسیده است. از آن جا که موضوع اعتکاف یکی از مسایل مهم فقهی نزد تمام فرق اسلامی است بر آن شدیم تا با استفاده از کتب فقهی فقهای سلف و کتب روایی، مقاله‌ای جداگانه در این باره نگاشته و در اختیار عموم قرار دهیم تا بتوانند درباره احکام آن اطلاعاتی کسب کنند و وظایف خود را در این زمینه بدانند. در این مقاله پس از تعریف اعتکاف و بررسی جایگاه آن در میان سایر عبادت‌ها، به تحلیل احکام و شرایط آن با تکیه بر آرای امام خمینی + پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی

اعتکاف، احکام، امام خمینی +

*. عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده علوم قرآنی میبد)، ایمیل:

.mojtaba63mohammadi@gmail.com

**. دانشجوی دکترای زبان و ادبیات عرب، دانشگاه یزد.

مقدمه

اعتکاف، عبادتی مستحب است که با نذر و امثال آن واجب می‌شود (تذکره الفقهاء، ج 6، ص 284). این عمل در ادیان گذشته نیز سابقه داشته و در منابع اسلامی فضیلت فراوانی برای آن شمرده شده است. روح این عبادت در همه ادیان، دوری از مظاهر دنیا و قرار گرفتن در مکانی محدود به منظور عبادت خالصانه‌ی پروردگار است. در چند آیه از قرآن کریم این موضوع طرح شده و بیان جزییات آن به سنت محوّل شده است.

اعتکاف یکی از مظاهر عرفان اسلامی و زهد مشروع است که با راهنمایی معصومان، اصحاب ایشان و فقهای شیعه از تحریف و بدعت حفظ شده است و تاکنون آثار خوب و متعدّدی درباره آن به چاپ رسیده که برخی همانند باب الاعتکاف به جمع آوری روایات در منابع حدیثی پرداخته و بعضی دیگر بعد فقهی آن را لحاظ کرده‌اند. نگاشته‌هایی مانند «خلوت انس» اثر سید حمیدرضا محمودنژاد، «اعتکاف ابرار» نوشته‌ی گروهی از پژوهشگران مؤسسه فرهنگی دارالهدی، «اعتکاف سنتی محمدی» نوشته‌ی رحیم نوبهار در شیعه و «جامع الأحادیث الصحیحة فی الصیام و القیام و الإعتکاف» اثر حمدی حامد صبح و «قیام رمضان فضله و کیفیة أدائه و مشروعیة الجماعة فیه و معه بحث قیم من الإعتکاف البانی» اثر محمد ناصرالدین در اهل سنت از کتاب‌های ارزشمند در این موضوع هستند.

از آن جا که موضوع اعتکاف یکی از مسایل مهم فقهی نزد تمام فرق اسلامی است و رهبر معظم انقلاب تأکید بسزایی در این باره فرموده‌اند بر آن شدیم تا با استفاده از کتب فقهی فقهای سلف و کتب روایی مقاله‌ای جداگانه در این باره نگاشته و در اختیار عموم قرار دهیم تا بتوانند درباره‌ی احکام آن اطلاعاتی کسب کنند و وظایف خود را در این امر بدانند.

مفهوم‌شناسی اعتکاف

اعتکاف از ماده «عکف» است. صاحب معجم مقاییس اللغة برای ریشه «ع ک ف» اصلی معنایی قرار داده که بر مقابله و حبس دلالت دارد (معجم مقاییس اللغة، ج 4، ص 108). خلیل فراهیدی در العین آن را به توقف و ثبوت در مکانی معنا کرده (العین، ج 1، ص 205، ماده عکف) و ابن منظور معنای مقیم شدن در مکان یا در کنار شیئی را ذکر کرده است که در حقیقت، برگرفته از همان ریشه «حبس» است (لسان العرب، ج 9، ص 255). مؤلف مصباح المنیر نیز معنای مواظبت و مراقبت را بیان کرده است (المصباح المنیر، ج 2، ص 242). با جمع‌بندی اقوال و بررسی کاربردهای آن روشن می‌شود که در همه استفاده‌های لغوی مشتق از «عکف»، معنای «ملازمت» و «حبس» وجود دارد. معانی دیگر مانند: اقبال، اقامت، مواظبت و توقف که لغویون بیان کرده‌اند، مصادیق کاربردی معنای اصلی است که در همه‌ی آنها نوعی ملازمت وجود دارد.

مفاهیم دیگری همچون «عزلت» و «خلوت‌نشینی» با معنای لغوی اعتکاف بی‌ارتباط نیستند؛ فردی که مسلک گوشه‌نشینی و عزلت اختیار می‌کند، به نوعی خود را در مکانی محبوس کرده و ملازم آن مکان شده است (ریاض السالکین، ج 4، ص 211). اما این مفهوم با آنچه از معنای اصطلاحی اعتکاف در اسلام وجود دارد، متفاوت است. «اعتکاف» در اصطلاح چنین تعریف شده است: «ماندن در مسجد برای عبادت همراه با قصد تقرّب به خداوند» (ر.ک: الفقه علی المذاهب الاربعه و مذهب اهل البيت، کتاب الصیام، ج 1، ص 755). از جمله قیودی که در تعریف اعتکاف مورد توجه و تأکید شیعه و سنی قرار گرفته، «ماندن در مسجد» و «قصد قربت» است؛ البته در مفاهیمی مانند خلوت‌نشینی و عزلت از دنیا و مردم، این دو قید همیشه همراه یکدیگر نیستند و این، ویژگی اعتکاف اسلامی است.

مفهوم دیگری که با اعتکاف شباهت دارد «رهبانیت» است که بعد از حضرت

عیسی × در مسیحیت به وجود آمد. ریشه این کلمه از «رهب» به معنای خوف است و راهب کسی است که از عقوبت خداوند بیم دارد. ممکن است وجه شباهت رهبانیت مسیحی با اعتکاف اسلامی در اقامت و ملازمت با معابد و محروم کردن نفس از برخی لذت‌های دنیا باشد، اما یکی از تفاوت‌های راهب مسیحی با معتکف مسلمان این است که راهب، رهبانیت را مسلک و پیشه خود برگزیده، اما مسلمانان برای زدودن پلیدی‌هایی که بر نفسشان عارض می‌شود، مدتی را با خدای خویش خلوت می‌کنند و پس از آن با بهره‌های معنوی‌ای که از اعتکاف برده‌اند، دوباره به محیط زندگی باز می‌گردند.

جایگاه اعتکاف در میان عبادات

در قرآن و سنت تأکید فراوانی بر پای‌بندی مردم به اعمال عبادی دیده می‌شود، تا جایی که عمل به اوامر الهی به عنوان وجه تمایز «مؤمن» با «مسلمان» معرفی شده است (کافی، ج 2، ص 38). عبادات، بخشی از احکام اسلام را تشکیل می‌دهد و تفاوت آن با معاملات در توقیفی بودن عبادات است. توقیفی بودن به این معناست که انجام و چگونگی عبادت، متوقف بر امر شارع است (ذخیره المعاد، ج 1، ص 266). همه فقها عبادت بودن عمل را متوقف بر بیان شریعت دانسته‌اند. آیت‌الله وحید بهبهانی & می‌گوید: «علما بر توقیفی بودن عبادات اتفاق نظر دارند.» (الفوائد الحائریه، ص 475). برخی از اصولیون، (الفوائد الحائریه، ص 477)، توقیفی بودن عبادات را این گونه بیان کرده‌اند که بنا بر ثبوت حقیقت شرعی، معنایی را که شارع در عبادات اراده کرده - با لحاظ جزئیات - غیر از معنای لغوی آن است؛ بنابراین بیان ماهیت عبادات - علاوه بر بیان احکام آن - بر عهده‌ی شارع است؛ به خلاف معاملات که شارع در آن معنای لغوی و عرفی را اراده کرده است؛ مانند ماهیت بیع که همان بیع عرفی است و شارع فقط احکام آن را بیان کرده است، مثل تفکیک بیع از ربا.

خود عبادات نیز به واجبات و مستحبات تقسیم می‌شود که هر دو قسم آن توقیفی است. یکی از این مستحبات توقیفی، اعتکاف است که ماهیت و احکام آن در کتاب و سنت با دقت بیان شده است. از فایده‌های توقیفی بودن عبادات، پیش‌گیری از وقوع انحراف در آن است. گاهی افراط و تفریط افراد، عبادت را از مسیر خود خارج کرده و ایجاد بدعت می‌کند. رهبانیت مسیحی در آغاز راه مسیری نیکو داشت، اما دخالت برداشت‌های شخصی، موجب انحراف این آیین عبادی شد. به همین جهت، توقیفی بودن عبادت، راه انحراف را می‌بندد و عاملان به عبادتی را در مسیر درست، استوار می‌دارد.

در صدر اسلام، عثمان‌به مظعون دچار یکی از این انحرافات شد. او با ترک خانه، زندگی و همسر خویش، در مسجد بیتوته کرد و به عبادت پرداخت. همسرش نزد رسول‌الله^ص گله کرد و پیامبر، عثمان را مورد عتاب قرار داد (کافی، ج 5، ص 494). این قبیل خطرات و انحرافات موجب شد تا معصومان^ع در سخن و سیره خویش با معرفی جنبه اجتماعی اسلام، روش صحیح بیتوته در مسجد را بیان کنند.

نمونه‌ای از الگوهای صحیح اعتکاف در سیره امام مجتبی^ع دیده می‌شود. در یکی از اعتکاف‌های مسجدالحرام خبر گرفتاری مسلمانی به حضرت رسید و ایشان برای برآورده کردن حاجت آن شخص به سرعت قصد خروج از مسجد کردند و در برابر یادآوری دیگران درباره عدم جواز خروج از مسجد برای معتکف، چنین فرمودند:

اعتکاف را فراموش نکرده‌ام، اما از پدرم شنیدم که از جدّم رسول خدا^ص نقل کرد که فرمودند: کسی که برای برآورده کردن نیاز برادر مسلمانش تلاش کند، مانند آن است که نه هزار سال خداوند را عبادت کرده باشد، در حالی که روزهایش را روزه و شب‌هایش را به عبادت گذارنده است (الفقیه، ج 2، ص 189، ح 2108).

این سیره معصومان^ع نشان می‌دهد که اسلام در کنار عبادات فردی، تکالیف اجتماعی را نیز قرار داده است که در بسیاری از موارد تکالیف اجتماعی بر عبادات فردی برتری دارد.

زمان و مدت اعتکاف

الف) زمان

صاحب جواهر & به نقل از المنتهی می‌فرماید: «إِنَّ أَفْضَلَ أَوْقَاتِهِ الْعَشْرُ الْأَوَّخِرُ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ»؛ (جواهر الکلام، ج 17، ص 160) بهترین زمان اعتکاف دهه آخر ماه رمضان است. و از مجموع روایات که در مستدرک الوسائل، من لا یحضر الفقیه و تهذیب الاحکام آمده است، همین مطلب که دهه آخر ماه رمضان اهمیت خاصی برای اعتکاف دارد، استنباط می‌شود. «ابی العباس» از امام صادق همان روایت دوم که از مستدرک الوسائل نقل شد را روایت می‌کند و در پایان می‌فرماید: «ثُمَّ لَمْ يَزَلْ يَعْتَكِفُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّخِرِ»؛ (جواهر الکلام، ج 17، ص 160) پس پیوسته پیامبر ' در دهه آخر ماه رمضان اعتکاف می‌کردند.

صاحب جواهر اضافه می‌کند: ظاهرترین دلالت بر فضیلت دهه آخر رمضان این روایت است: «بَلْ فِي قَوْلِهِ × فِي حَبْرِ دَاوُدَ بْنِ سَرْحَانَ: لَا اعتكاف إِلَّا فِي الْعَشْرِ الْأَوَّخِرِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ»؛ (جواهر الکلام، ج 17، ص 160 - 161 و تهذیب، ج 4، ص 291) از فرمایش امام صادق × به روایت داوود بن سرحان که: اعتکافی نیست مگر در دهه آخر ماه رمضان؛ معلوم می‌شود که دهه آخر با فضیلت‌ترین ایام برای اعتکاف است.

مؤید بر این مطلب، شیخ طوسی در تهذیب الاحکام، روایتی را با اسناد آن از حلبی و او هم از امام صادق × ذکر می‌کند که «... إِذَا كَانَ الْعَشْرُ الْأَوَّخِرُ اعتكف في المسجد...»؛ (تهذیب الأحکام، ج 4، ص 287) پیامبر در دهه آخر ماه رمضان اعتکاف می‌کرد.

امام خمینی + می‌فرماید:

«و يَصِحُّ فِي كُلِّ وَقْتٍ يَصِحُّ فِيهِ الصَّوْمُ وَ أَفْضَلُ أَوْقَاتِهِ شَهْرُ رَمَضَانَ وَ أَفْضَلُهُ الْعَشْرُ الْأَوَّخِرُ مِنْهُ»؛ (تحریر الوسیله، ج 1 با ترجمه، ص 555 - 556) در هر زمانی که

روزه گرفتن صحیح باشد، اعتکاف نیز صحیح است، ولی با فضیلت ترین اوقات آن ماه رمضان است و برترین ایام ماه رمضان دهه آخر آن است.

در کتاب شرح لمعه نیز آمده است: «هُوَ مُسْتَحَبُّ اسْتِحْبَاباً مُؤَكَّدًا - خُصُوصاً فِي الْعَشْرِ الْآخِرِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ تَلَسِّيًّا بِالنَّبِيِّ ﷺ ، فَقَدْ كَانَ يُوَظَّبُ عَلَيْهِ فِيهَا»؛ (شرح لمعه، ج 1، ص 202) اعتکاف مستحب است؛ آن هم مستحب مؤکد بخصوص در دهه آخر ماه رمضان که انسان تأسی نماید به فعل پیامبر اسلام چون آن حضرت بر اعتکاف در دهه آخر ماه رمضان دقت نظر داشت.

همچنین در خصوص ایام دیگری از سال که اعتکاف در آن ممکن است آمده است: «مستحب است تمام ایام سال به غیر از عید قربان و عید فطر به طور مطلق و ایام تشریق (سه روز پس از عید قربان) برای کسی که در منا اعمالی از حج را انجام می دهد. ایامی از سال که اعتکاف در آنها تأکید شده است عبارت اند از اولین و آخرین پنجشنبه هر ماه قمری، چهارشنبه اول دهه دوم هر ماه - قضای این ایام اگر اعتکاف در آنها فوت شود - ایام بیض از هر ماه که روز سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم ماههای قمری است، عید غدیر - روز هیجدهم ذیحجه - روز ولادت پیامبر - هفدهم ربیع الاول - عید مبعث - روز بیست و هفتم رجب - روز دحو الارض (گسترش زمین) - روز بیست و پنجم ذی قعدة - روز عاشورا به خاطر حزن و اندوه این روز، روز مباهله - هر پنجشنبه و هر جمعه، اول ذیحجه، تمام ماه رجب و ماه شعبان». (سلسلة الینایع الفقیه، ج 29، ص 142 کتاب صوم)

ب) مدت

حداقل ایام اعتکاف سه روز است و کمتر از سه روز نمی شود. صاحب جواهر راجع به تعداد روزهای اعتکاف می فرماید: «لَا يَصِحُّ الْإِعْتِكَافُ إِلَّا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ»؛ اعتکاف صحیح نیست مگر این که سه روز باشد و در دنبال آن به روایاتی اشاره می شود:

1. في خبر أبي بصير و موثق عمر بن يزيد: «لا يكون الإعتكاف أقل من ثلاثة أيام»؛ (جواهر الكلام، ج 17، ص 166) در خبر ابن بصیر و موثق عمر بن یزید آمده است که: اعتکاف کمتر از سه روز نمی باشد و همچنین در خبر داوود بن سرحانی که از امام صادق ذکر می کند، اعتکاف سه روز در سال است.
2. در من لا يحضره الفقيه روایت ابی عبیده از امام باقر × نقل کرده است: «... مَنْ اعْتَكَفَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فَهُوَ فِي يَوْمِ الرَّابِعِ بِالْخِيَارِ، إِنْ شَاءَ زَادَ ثَلَاثَةً أُخْرَى وَ إِنْ شَاءَ خَرَجَ مِنَ الْمَسْجِدِ وَ إِنْ قَامَ يَوْمَيْنِ بَعْدَ الثَّلَاثَةِ فَلَا يَخْرُجُ مِنَ الْمَسْجِدِ حَتَّى يَتِمَّ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ أُخْرَى»؛ (من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 121 و 122) هر کس سه روز اعتکاف کرد، در روز چهارم می تواند از مسجد خارج شود یا سه روز دیگر بر آن بیفزاید ولی اگر دو روز بعد از سه روز یعنی پنج روز ماند باید سه روز دوم را کامل کند و بعد از مسجد خارج شود (همین روایت در جواهر الکلام، ج 17، ص 166 نیز آمده است).
3. صاحب شرایع نیز همین نظر را دارد. (شرایع الاسلام، ج 1، ص 216).
4. امام خمینی همین رأی را انتخاب کرده اند و می فرماید: «أَنْ لَا يَكُونَ أَقْلٌ مِنْ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ بِأَيِّهَا الْمُتَوَسِّطَةُ وَ أَمَّا الْأَزِيدُ فَلَا بَأْسَ بِهِ وَ لَا حَدٌّ لَأَكْثَرِهِ وَ إِنْ وَجِبَ الثَّلَاثُ لِكُلِّ الْإِثْنَيْنِ فَإِذَا اعْتَكَفَ خُمْسَةَ أَيَّامٍ وَجِبَ السَّائِسُ وَ إِذَا صَارَ ثَمَانِيَةً وَجِبَ التَّلْبِغُ عَلَي الْأَحْوَطِ وَ هَكَذَا»؛ (تحریر الوسیله، ج 1، ص 556 - 557) اعتکاف باید کمتر از سه روز و شب های مابین آنها نباشد، اما بیشتر از آن مانعی ندارد و محدود به حد معینی نیست، اگرچه بعد از هر دو روز، سومین روز آن واجب است. پس اگر پنج روز اعتکاف کند، روز ششم واجب است و اگر هشت روز اعتکاف کند، روز نهم بنابر احتیاط واجب، واجب است و همچنین. [اگر دو روز دیگر را به آن اضافه کرد روز سوم آن را باید به پایان رساند].

شرایط اعتکاف

اعتکاف در صورتی محقق می شود که معتکف از شرایط زیر برخوردار باشد:

1. معتکف باید مسلمان باشد؛ بنابراین از غیر مسلمان پذیرفته نیست. صاحب

شرایط الإسلام می گوید: «لَا يَصِحُّ إِلَّا مِنْ مُكَلَّفٍ مُسْلِمٍ»؛ (جواهر الکلام، ج 1، ص 215) فقط اعتکاف مسلمان به سن تکلیف رسیده صحیح است.

شهید محمد بن جمال الدین مکی عاملی - شهید اول - در کتاب «دروس» می گوید: «يَشْتَرِطُ الْإِسْلَامُ، فَلَا يَصِحُّ مِنَ الْكَافِرِ»؛ (سلسلة النبايع الفقيه، ج 29، ص 167) یکی از شرایط اعتکاف، اسلام است بنابراین از کافر قبول نیست.

2. معتکف به سن تکلیف رسیده باشد. همان طور که در شرط اول ذکر شد، مکلف بودن یک مسلمان نیز شرط صحت اعتکاف است و صاحب شرایع و صاحب جواهر نظرشان در این باره یکی می باشد. شهید ثانی هم در شرح لمعه نظر شهید اول را پذیرفته است و می فرماید «فَلَا يَصِحُّ إِلَّا مِنْ مُكَلَّفٍ...»؛ (شرح لمعه، ج 1، ص 202) اعتکاف غیر مکلف صحیح نیست. البته صاحب تذکره، اعتکاف طفل ممیز را همانند روزه اش که صحیح است جایز می داند (جواهر الکلام، ج 17، ص 161).

شهید ثانی نیز بعد از نقل قول شهید اول، اعتکاف طفل ممیز را برای تمرین دادن او به این سنت حسنه جایز می داند و می گوید: «لَا شُبْهَةٌ فِي صِحَّتِهِ»؛ (شرح لمعه، ج 1، ص 203) شبهه ای در صحت اعتکاف او نیست.

امام رضوان الله تعالی علیه در تحریر الوسيله می فرماید: «لَا يَشْتَرِطُ فِي صِحَّةِ الْإِعْتِكَافِ الْبُلُوغُ، فَيَصِحُّ مِنَ الصَّبِيِّ الْمُمَيِّزِ عَلَى الْأَقْوَى»؛ (تحریر الوسيله، ج اول، ص 558 - 559) برای صحیح بودن اعتکاف، بلوغ شرط نیست و بنا بر اقوا از کودک ممیز هم صحیح است.

بنابراین اعتکاف از غیر مکلف ممیز بر اساس فرمایش بعضی بزرگان فقه شیعه قابل قبول است و شرط دوم آنچنان لزومی هم ندارد.

3. عقل؛ یکی از شرایط صحت اعتکاف عقل است. بنابراین از انسان مجنون، بیهوش شده و مست قبول نیست. «وَأَمَّا التَّكْلِيفُ فَلَا رَيْبَ فِي اعْتِبَارِهِ مِنْ حَيْثُ الْعَقْلُ

لِمَعْلُومِيَّةٍ عَدَمِ وَقُوعِهَا مِنْ فَاقِدِهِ حَتَّى السَّكَرَانِ»؛ (جواهرالکلام، ج 17، ص 161) شکی نیست که اعتبار تکلیف از جهت عقل می‌باشد برای اینکه روشن و مسجل است حتی انسان مست و بیهوش که فاقد عقل است تکلیفی بر او نیست.

امام خمینی + در تحریر الوسيله می‌فرماید: «يَشْتَرِطُ فِي صِحَّتِهِ أُمُورٌ: الْأَوَّلُ: الْعَقْلُ، فَلَا يَصِحُّ مِنْ مَجْنُونٍ وَلَوْ أَدَارًا فِي دَوْرٍ جُنُونِهِ وَ لَا مِنْ سَكْرَانٍ وَ غَيْرِهِ مِنْ فَاقِدِي الْعَقْلِ»؛ (تحریر الوسيله، ج 1، با ترجمه، ص 556 - 557) برای صحیح بودن اعتکاف چند چیز شرط است: اول عقل، بنابراین اعتکاف از شخص دیوانه اگرچه ادواری باشد در زمان دیوانگی و از شخص مست و مانند او از کسانی که فاقد عقل می‌باشد، صحیح نیست

4. نیت؛ یکی دیگر از شرایط صحت اعتکاف نیت است یعنی شخص معتکف لازم است نیت اعتکاف کند. امام خمینی نیز آن را یکی از شرایط شمرده است و می‌فرماید: بعد از مشخص کردن اینکه می‌خواهد اعتکاف نماید فقط قصد قربت و اخلاص - برای خدا نه برای ریا انجام دادن - لازم است ولی اینکه آیا اعتکاف واجب - بر اثر نذر و امثال آن را به جای می‌آورد - یا اعتکاف مستحبی را انجام می‌دهد، نیازی به معین کردن این دو وجه همانند عبادات که برای واجب قصد واجبات و برای مستحبات قصد مستحبی می‌نماید، نیست. همان نیت اعتکاف (قصد قربت و اخلاص) کفایت می‌کند. اگرچه اعتکاف مستحبی در روز سوم بر معتکف واجب می‌شود و بهتر است از همان روز اول اعتکاف، توجه به وجوب روز سوم داشته باشد بلکه در روز سوم نیتش را - به قصد وجوب - تجدید نماید. (تحریر الوسيله با ترجمه، ج 1، ص 556).

صاحب شرایع الاسلام درباره نیت می‌گوید: «يَجِبُ فِيهِ، نِيَّةُ الْقُرْبَةِ، ثُمَّ إِنْ كَانَ مَذْنُورًا نَوَاهُ وَاجِبًا وَ إِنْ كَانَ مَذْنُوبًا نَوَى النَّدْبَ وَإِذَا مَضَى لَهُ يَوْمَانِ وَجِبَ الثَّلَاثُ، عَلَي الْأَظْهَرِ، وَ جَدَّدَ نِيَّةَ الْوُجُوبِ»؛ (شرایع الاسلام، ج 1، ص 215) در اعتکاف واجب است نیت قربت نمودن؛ اگر اعتکاف او نذری است نیت وجوب می‌خواهد و اگر مستحبی است نیت استحبابی می‌نماید و بعد از دو روز از اعتکاف برای روز سوم نیت واجب را تجدید می‌کند.

صاحب جواهر هم که کتابش شرح شرایع است قول صاحب شرایع را پسندیده است. (جواهر الکلام، ج 17، ص 162)

شیخ طوسی در کتاب مبسوط به نیت وجوب روز سوم اشاره نکرده و فقط می‌فرماید: اگر دو روز اعتکاف تمام شد، واجب است روز سوم را بجای آورد: «فَبَن مَضَيَّ بِهِ يَوْمَانِ وَجَبَ عَلَيْهِ تَمَامُ الثَّالِثِ». (سلسله الینایع الفقهیه، ج 29، ص 100 کتاب صوم).

صاحب تلخیص المرام علامه حلی نیز نیت با قصد قربت و مشخص کردن اعتکاف مستحبی یا واجب را شرط اعتکاف دانسته و برای نیت روز سوم فرموده است: «نَدَبَ إِلَى يَوْمَيْنِ فَقِيلَ يَجِبُ الثَّالِثُ...»؛ (سلسله الینایع الفقهیه، ج 29، ص 136 کتاب صوم) گفته شده برای روز سوم باید نیت واجب کرد و روشن است نیت واجب را قبول ندارد.

ولی در «الرسالة الفخرية» درباره نیت نظر دیگری عنوان شده است: اعتکاف مستحبی قصد قربت می‌خواهد و در روز سوم آن نیت وجوب شرط است: «و نِيَّةُ الْمَنْدُوبِ اعْتَكَفَ كَذَا يَوْمًا لِنُدْبَةٍ قُرْبَةٍ إِلَى اللَّهِ وَ يَتَوَيُّ الْوُجُوبَ فِي الْيَوْمِ الثَّالِثِ مَعَ نُدْبِيهِ الْإِعْتِكَافِ». (سلسله الینایع الفقهیه، ج 29، ص 142 و 167، کتاب صوم) شهید اول در «دروس» فقط نیت ابتدای اعتکاف را شرط دانسته است: «تَشْتَرِطُ النَّيَّةُ فِي ابْتِدَائِهِ». (سلسله الینایع الفقهیه، ج 29، ص 142 و 167، کتاب صوم)

زمان نیت

امام خمینی درباره وقت نیت می‌فرماید: «وَقْتُهَا فِي ابْتِدَاءِ الْإِعْتِكَافِ أَوَّلُ الْفَجْرِ مِنْ يَوْمِ الْأَوَّلِ بِهِ يَعْنِي عَدَمَ جَوَازِ تَأْخِيرِهَا عَنْهُ وَ يَجُوزُ أَنْ يَشْرَعَ فِيهِ، فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ أَوْ أَثْنَائِهِ فَيَتَوَيَّهُ حِينَ الشَّرُوعِ بَلِ الْأَحْوَطُ إِدْخَالُ اللَّيْلِ الْأَوَّلِيِّ أَيْضاً وَ النَّيَّةُ مِنْ أَوَّلِهَا؛ (تحریر الوسیله با ترجمه، ج 1، ص 556-557)

وقت نیت در آغاز اعتکاف، اول طول فجر روز اول است، یعنی، تأخیرش از آن

جایز نیست ولی جایز است که در اوایل شب یا در بین شب، اعتکاف را شروع کند و از همان زمان شروع نیت اعتکاف می‌کند، بلکه احتیاط آن است که شب اول را نیز در اعتکاف داخل کند و از اول شب نیت کند.

شهید اول در «دروس» وقت نیت را قبل از طلوع فجر روز اول می‌داند: «شَتَرْتُ النِّيَّةَ فِي ابْتِدَائِهِ وَ هُوَ قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ». (سلسلة الينايع الفقهية، ج 29، ص 167).

1. روزه گرفتن؛ یکی دیگر از شرایط صحت اعتکاف، روزه گرفتن است و بدون روزه، اعتکاف تحقق نمی‌یابد.

امام خمینی + می‌فرماید: پس اعتکاف بدون روزه صحیح نیست و لازم نیست که روزه برای اعتکاف باشد، بلکه روزه غیر اعتکاف هم کفایت می‌کند، چه واجب باشد، چه مستحب؛ خواه برای خودش انجام دهد و خواه از دیگری به عهده گرفته باشد، بدون این که فرقی بین اقسام اعتکاف و انواع روزه باشد، حتی صحیح است که اعتکافی را که نذر کرده یا برای انجام آن اجیر شده است در ماه رمضان انجام دهد؛ اگر قرینه‌ای که آن را منصرف به غیر ماه رمضان کند در بین نباشد، بلکه اگر اعتکافی در روزهای معینی را نذر کند و روزه نذر هم به گردنش باشد، اگر روزه نذری را در ایام اعتکاف بگیرد، مجزی است. (تحریر الوسیله، ج 1، با ترجمه، ص 556 و 557)

از امام جعفر صادق × روایت شده: «لَا اِعْتِكَافُ إِلَّا بِصَوْمٍ»؛ (المستدرک الوسائل، ج 7، ص 561، چند روایت در این باره از ائمه^ع در آن آمده است) اعتکاف فقط با روزه [صحیح] است.

اجماع علمای شیعه، اعتکاف را با روزه ذکر کرده‌اند و همه آنان تصریح کرده‌اند که امکان انجام اعتکاف در ایامی حاصل می‌شود که انسان بتواند روزه بگیرد؛ نه مثل عید اضحی و عید فطر و... که روزه گرفتن در آنها حرام است. این یک امر متفق^ع علیه از طرف همه علمای امامیه است.

شیخ طوسی در کتاب «الخلاف» نظر علمای اهل سنت را نیز ذکر کرده و به غیر

از شافعی، بقیه نظرشان با امامیه یکی است. شافعی اعتکاف بدون روزه را صحیح می‌داند و می‌گوید: روزهای دو عید و ایام تشریق را نیز می‌توان معتکف شده و ادله‌ای ذکر می‌کند. شیخ در پایان دلایلش را بر رد نظر شافعی می‌آورد و حتی از عایشه روایت پیامبر ' که می‌فرماید: «لَا اِعْتِكَافُ إِلَّا بِصَوْمٍ» را یادآور می‌شود. (سلسلة الینابیع الفقهیه، ج 29، ص 61 و 62 کتاب صوم)

شیخ طوسی در کتاب «مبسوط» نیز می‌گوید: اعتکاف در روزهایی که روزه گرفتن در آن صحیح نیست مثل دو روز عید جایز نمی‌باشد زیرا شرط اعتکاف روزه گرفتن است: «لَا يَجُوزُ الْاِعْتِكَافُ فِي الْاَيَّامِ الَّتِي لَا يَصِحُّ صَوْمُهَا كَالْعِيدَيْنِ لِأَنَّ مِنْ شَرْطِهِ الصَّوْمُ». (سلسلة الینابیع الفقهیه، ج 29، ص 100 کتاب صوم)

صاحب جواهر درباره‌ی اعتکاف دو عید بزرگ مسلمانان که روزه در آن صحیح نیست اشاره دارند و حتی اعتکاف زن حایض در ایام عادت و نفاس - زنی که خون نفاس می‌بیند - و مسافری که در ایام سفر نمی‌تواند روزه بگیرد را درست نمی‌داند. (جواهر الکلام، ج 17، ص 165 و 166)

2. اعتکاف نباید کمتر از سه روز و شب‌های بین آن سه روز باشد؛ در غیر این صورت اعتکاف تحقق پیدا نمی‌کند.

3. مکان: مکان اعتکاف باید مسجد جامع باشد.

اکثر علما مساجد چهارگانه - مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد کوفه و مسجد بصره - را محل اعتکاف دانسته‌اند و به روایاتی استناد کرده‌اند. بعضی مسجد مدائن - بغداد فعلی - را نیز ضمیمه کرده‌اند.

امام خمینی + می‌فرماید: آن که اعتکاف در یکی از مساجد چهارگانه - مسجد الحرام - مسجد النبی ' مسجد کوفه و مسجد بصره - باشد و در غیر این مساجد محل اشکال است، پس در سایر مساجد جامع بنابر احتیاط واجب باید به قصد رجا و احتمال مطلوبیت آورده شود اما در غیر مساجد جامع، مانند مسجد قبله یا بازار جایز نیست. (تحریر الوسیله، ج 1، با ترجمه، ص 558 و 559).

مستدرک الوسائل روایتی از فقه‌الرضا آورده: «لَا يَجُوزُ الْإِعْتِكَافُ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ الْمَسْجِدِ الرَّسُولِ وَ الْمَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ الْمَسْجِدِ الْمَدَائِنِ، وَ لَعَلَّهُ فِي ذَلِكَ: أَنَّهُ لَا يُعْتَكَفُ إِلَّا فِي مَسْجِدٍ جُمِعَ فِيهِ إِمَامٌ عَدْلٌ وَ جُمِعَ رَسُولُ اللَّهِ فِي مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةِ وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فِي هَذِهِ الثَّلَاثَةِ الْمَسَاجِدِ، وَ قَدْ رُوِيَ فِي مَسْجِدِ الْبَصْرَةِ». (مستدرک الوسائل، ج 7، ص 562)

در این روایت مشاهده می‌کنید:

نخست، پنج مسجد آمده است.

دوم، مسجدی که در آن امام عدل نماز جماعت برپا داشته باشد، که امام عدل را نکره آورده و آن یک نظریه است لذا می‌توان استنباط کرد که اعتکاف منحصر در آن چهار مسجد مذکور نیست.

بنابراین حصر چند مسجد مذکور را نمی‌رساند که فقط اعتکاف در آنها واجب باشد. در روایت بعدی غیر مسجدالحرام و مسجدالرسول و مسجد کوفه، گفته است: «مسجد جماعه». (مستدرک الوسائل، ج 7، ص 562) مسجد جامع، بدون اینکه قید امام عدل را برای آن آورده باشد. بنابراین هر مسجد جامعی را در هر شهری و منطقه‌ای می‌رساند که اعتکاف در آن جایز است.

از این دو روایت برداشت می‌شود که ایرادی ندارد اعتکاف در مساجد جامعی همانند مساجد ایران انجام شود، علاوه بر این می‌توان برداشت کرد تأکید ائمه بر روی این مساجد مشخص شده و خاص، برای زنده کردن یاد پیامبر اسلام و حضرت امیر × است تا مساجد بنا شده توسط حاکمان از چشم مؤمنان بیفتند و کم توجهی به آنها شود نه این که فقط اعتکاف در آن چند مسجد صحیح باشد و در غیر آن درست نباشد. مؤید بر این مطلب در من لا یحضره الفقیه روایتی از امام صادق است که سندش به حلبی می‌رسد: «لَا اِعْتِكَافَ إِلَّا بِالصَّوْمِ فِي مَسْجِدِ الْجَامِعِ». (من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 119)

همانطور که معلوم است اعتکاف در مسجد جامع را صحیح می‌داند و غیر مسجد جامع را از دلیل خارج می‌کند.

در جواهر الکلام نیز مؤید بر قول مختار ما آمده است: «فَمِنْ ابْنِ أَبِي عَقِيلٍ أَنَّهُ كُلُّ مَسْجِدٍ، قَالَ: "الإِعْتِكَافُ عِنْدَ آلِ الرَّسُولِ لَا يَكُونُ إِلَّا فِي الْمَسَاجِدِ وَأَفْضَلُهُ الْمَسْجِدُ الْحَرَامُ وَمَسْجِدُ الرَّسُولِ وَمَسْجِدُ الْكُوفَةِ وَسَائِرُ الْأَمْصَارِ مَسَاجِدُ الْجَمَاعَاتِ»؛ (جواهر الکلام، ج 17، ص 170). ابن ابی عقیل می‌گوید: اعتکاف در هر مسجدی ممکن است. نظر آل رسول الله ' این است که اعتکاف در غیر از مساجد صحیح نیست و بهترین مسجدها برای اعتکاف، مسجد الحرام، مسجد النبی و مسجد کوفه و در سایر شهرها مساجد جامع است.

صاحب جواهر روایت داوود بن سرحان از امام صادق را آورده که: «لَا أَرَى إِلَّا عِتِكَافَ إِلَّا فِي مَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَسْجِدِ الرَّسُولِ أَوْ فِي مَسْجِدِ جَامِعٍ». (جواهر الکلام، ج 17، ص 172) اعتکاف فقط در مسجد الحرام و مسجد الرسول یا در مسجد جامع امکان‌پذیر است.

او همچنین روایت یحیی بن العلا رازی را در تأیید نظرش آورده است: «لَا يَكُونُ إِلَّا عِتِكَافُ إِلَّا فِي مَسْجِدِ جَمَاعَةٍ»؛ (جواهر الکلام، ج 17، ص 172) اعتکاف صحیح نیست مگر اینکه در مسجد جامع باشد. صاحب جواهر نتیجه‌گیری می‌کند که برای اعتکاف مسجد جامع ضرورت دارد و باید مسجد جامع برای فرقه حقه باشد. (جواهر الکلام، ج 17، ص 173) بنابراین اعتکاف در مسجد جامع فرقه ناجیه صحیح است. شهید اول و شهید ثانی نظر اکثر فقها را پیرامون مساجد اربعه که اعتکاف فقط در آنها صحیح است رد می‌کنند و می‌فرمایند: انحصار محل اعتکاف به چهار مسجد - مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد کوفه و مسجد بصره یا مسجد مدائن به جای بصره - که پیامبر ' و امام × در آنها اقامه نماز جمعه و جماعت کرده‌اند و این نکته را شرط مسجد برای اعتکاف دانسته‌اند، ضعیف است زیرا ذکر این مساجد بر حصر دلالت نمی‌کند. (شرح لمعه، ج 1، ص 203).

ایشان نظرشان این است: در مسجد جامعی که اهل شهر در آن برای جماعت تجمع می‌کنند، اعتکاف صحیح است حتی اگر مسجد بزرگی هم نباشد: «المَسْجِدُ الْجَامِعُ وَهُوَ مَا يَجْتَمِعُ فِيهِ أَهْلُ الْبَلَدِ لَمْ يَكُنْ اعْظَمَ». (شرح لمعه، ج 1، ص 203). شهید اول در کتاب «دروس» هم نظرشان اعتکاف در مسجد جامع است و اعتکاف را حصر به مساجد چهارگانه یا پنجگانه مذکور در روایات ندانسته‌اند. (سلسلة الينابيع الفقهية، ج 29، ص 167 کتاب صوم) در «تهذیب» نیز مسجد اعظم برای اعتکاف ذکر شده است و استناد به روایتی از علی بن حسن کرده که از احمد بن صبیح، از علی بن عمران و او هم از امام صادق × و آن حضرت از پدر بزرگوارش × نقل فرموده: «المُعْتَكِفُ يَعْكَفُ فِي الْمَسْجِدِ الْجَامِعِ». (تهذیب الأحكام، ج 4، ص 290)

1. استمرار اقامت در مسجد؛ شخص معتکف در ایام اعتکاف خود نمی‌تواند از مسجد خارج شود مگر به ضرورت و اضطرار در غیر این صورت اعتکاف او باطل می‌شود.

امام خمینی + درباره استمرار داشتن ماندن در مسجد می‌فرماید: بنابراین اگر عمداً و با اختیار برای غیر آن جهاتی که بیرون رفتن را تجویز می‌کند از مسجد بیرون رود، اعتکاف باطل می‌شود؛ اگرچه جاهل به حکم باشد. البته اگر از روی فراموشی یا اکراه بیرون رود، باطل نمی‌شود. همچنین است اگر به حکم عقل یا شرع و یا به حسب متعارف ناچار باشد و بیرون رود. مانند اینکه قضای حاجت، بول یا غایط کند و یا برای غسل جنابت و مانند اینها خارج شود (اعتکافش باطل نمی‌شود) و غسل کردن در مسجد الحرام و مسجد النبی ' جایز نیست و بر او واجب است تیمم کند و برای غسل کردن از مسجد خارج شود و در سایر مساجد هم اگر لازمه غسل کردن توقف یا آلوده کردن مسجد باشد، جایز نیست، و گرنه جایز است. بلکه (در این صورت) غسل کردن در مسجد احوط است، اگرچه برای غسل بیرون رفتن جایز

است. (تحریر الوسیله، ج 1، با ترجمه، ص 558 - 559).

علمای شیعه درباره لبث - توقف - در مسجد در ایام اعتکاف اجماع دارند. همه بزرگان فقط خروج اضطراری یا ضروری را مبطل اعتکاف نمی دانند. حتی برای تشییع جنازه، عیادت مریض، اقامه شهادت یا نماز جمعه اگر در مسجد دیگری اقامه شود، خروج از محل اعتکاف را جایز می دانند. امور ضروری مثل قضای حاجت، غسل واجب و... می باشد. (شرایع الاسلام، ج 1، ص 217).

در جواهر الکلام به روایاتی استناد شده است که امام صادق × به داوود بن سرحان فرمود: «معتکف درست نیست از مسجد جامع خارج شود مگر این که برای حاجتی باشد که ناچار باید آن را انجام دهد و نباید در مکانی بنشیند تا وقتی که به مسجد بر می گردد و برای زن نیز چنین است». (این روایت در تهذیب، ج 4، ص 291، و در من لا یحضره الفقیه ج 2، ص 120 آمده است)

همچنین در خبر صحیح حلبی اضافه بر مطالب روایت قبل این نکات آمده است: «معتکف نباید از مسجد برای چیزی بیرون رود مگر برای تشییع جنازه یا عیادت مریض و تا وقتی که به مسجد بر می گردد نباید جایی بنشیند». امام صادق × به داوود بن سرحان در خبر دیگری می فرماید: «از مسجد بیرون مرو مگر برای حاجتی که به ناچار باید آن را انجام دهی و در زیر سایه ای ننشین تا وقتی که به مسجد مراجعت می کنی».

پر مسلّم است اگر انسان معتکف غیر از مواردی که براساس دلیلی شرعی مجوز خروجی از مسجد داده شده است، از آن خارج شود، اعتکاف او باطل می شود. صاحب شرایع می فرماید اگر سهواً از مسجد خارج شود اعتکافش باطل نمی شود (شرح لمعه، ج 1، ص 203) ولی اگر عمدأ یا از روی اجبار بیرون رود اعتکاف باطل می شود. (شرایع الاسلام، ج 1، ص 217). ولی صاحب جواهر نظر محقق حلی صاحب شرایع را رد می کند و می فرماید: بیان او، با ادله ای که اجازه خروج می دهند

منافات دارد و خروج از مسجد برای امور ضروری بسا آسان‌تر از خروج اجباری است. (جواهرالکلام، ج 17، ص 178)

همانطور که صاحب جواهر می‌فرماید شیخ در کتاب مبسوط خود آورده است: «اگر حاکم معتکف را به زور از مسجد خارج کند، مبطل اعتکاف نیست ولی آنچه را از او فوت شده باید قضا کند ولی اگر برای اجرای حد شرعی یا ادا کردن دین و قرضی خارج شود که می‌تواند قضای آن را به جای آورد اعتکافش باطل است چون این اخراج همانند خروج اختیاری می‌باشد. (سلسلة الینابیع الفقهیة، ج 29، ص 105 کتاب صوم).

2. اذن کسی که بر معتکف ولایت دارد مانند زوجه انسان که باید از زوج خود برای اعتکاف اجازه بگیرد تا به منافع زندگی اشتراکی آنها ضرری واقع نگردد و حتی از شوهرش ضایع نشود. فقها در این باره اتفاق نظر دارند. (جواهرالکلام، ج 17، ص 157) ولی بعید نیست که زوجه هم چنین حقی داشته باشد اگرچه دلیلی بر این نظر نداریم. البته از ظاهر آیه 19 سوره نسا که می‌فرماید: ﴿وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ با آنان خوشرفتاری نمایید و آیه 238 بقره: ﴿وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ نظیر همان حقوقی که مردان بر زنان دارند، زنان نیز - به طور متعارف - بر مردان دارند. (ازدواج در اسلام، حضرت آیت‌الله مشکینی، ص 116)، می‌شود در این باره استفاده کرد، اگر معتکف، اعتکافش باعث اذیت و آزار و زحمت زوجه‌اش شود از نظر عقل بعید است اعتکاف او صحیح باشد. رسول اکرم ' می‌فرماید: «مَنْ كَانَ لَهُ امْرَأَةٌ تُوْذِيهِ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهَا وَ لَا حَسَنَةً مِنْ عَمَلِهَا حَتَّى تُعِيْنَهُ وَ تُرْضِيَهُ وَ إِنْ صَلَّاتِ الدَّهْرِ... وَ عَلَي الرِّجَالِ مِثْلُ ذَلِكَ الْوِزْرِ إِذَا كَانَ لَهَا مُؤْنِيًا ظَالِمًا»؛ (میزان‌الحکمه، ج 4، ص 287 روایت از وسائل‌الشیعه، ج 14، ص 116 می‌باشد) هر کسی همسرش را اذیت کند خداوند نماز و حسنه‌ای از اعمالش را نمی‌پذیرد حتی اگر عمر خود را روزه‌دار باشد مگر این که او را مورد توجه قرار دهد و خشنودش کند... و مرد هم اگر به همسرش ظلم نماید و او را اذیت و آزاد دهد، همین وزر و

گناه بر اوست. از این روایت استفاده می‌شود اگر عمل مستحبی انسان باعث اذیت و آزار زوجه او شود، صحت آن بعید است و مقبول درگاه حضرت احدیت نخواهد بود.

امام خمینی + درباره این شرط می‌فرماید: اذن کسی که اذنش معتبر است، مانند مستأجر نسبت به اجیر خاص که اگر اجاره طوری باشد که مالک منفعت اعتکاف باشد و گرنه اعتبار اذن او معلوم نیست، بلکه در بعضی موارد معتبر نبودن آن معلوم است. و مانند شوهر نسبت به زن اگر اعتکاف با حق شوهر منافات داشته باشد اگرچه محل اشکال است، لیکن بنا بر احتیاط رعایت اذن شوهر ترک نشود و مانند پدر و مادر نسبت به فرزندشان اگر باعث اذیت آنان باشد و گرنه اذن آنان معتبر نیست، اگرچه احتیاط (مستحب) است. (تحریر الوسیله، ج 1، ص 558 - 559).

مبطلات اعتکاف

1. عدم شرایط عنوان شده در قبل؛ چنان که یکی از شرایط استمرار توقف در ایام اعتکاف بود بنابر این اگر بین روزهای آن فاصله بیفتد یا دو شب آن را در مسجد نماند اعتکاف باطل می‌شود؛

2. مباشرت با زنان و بالعکس؛

3. لمس کردن زنان و بالعکس با شهوت؛

4. بوسه با شهوت؛ (تحریر الوسیله، ج 1، با ترجمه، ص 565، جواهر الکلام، ج 17، ص 199 تا 201) - هر عمل شهوت‌انگیز و لذت جنسی مبطل اعتکاف است.

-

5. استمنا؛ در تحریر الوسیله امام خمینی + استمنا را بنابر احتیاط واجب مبطل می‌داند و صاحب جواهر می‌گوید نصی مخصوص بر آن نداریم. شرایع الاسلام که آن را مبطل اعتکاف می‌داند از شیخ طوسی پیروی کرده است. (شرایع

الاسلام، ج 17، ص 202).

6. بوییدن گل و بوی خوش برای لذت بردن. امام + نیز نظرشان در تحریر همین است و همچنین صاحب شرایع.

7. خرید و فروش؛ امام + درباره سایر انواع کسب و تجارت مثل صلح و اجاره و... احتیاط واجب فرموده‌اند.

صاحب جواهر با استناد به صحیحه ابی عبیده از ابی جعفر × کرده است: «الْمُعْتَكِفُ لَا يَشْتُمُ الطَّيِّبَ وَ لَا يَتَلَدَّدُ بِالرَّيْحَانِ وَ لَا يُمَارِي وَ لَا يَشْتَرِي وَ لَا يَبِيعُ»؛ (جواهر الکلام، ج 17، ص 202) معتکف نباید بوی خوشی را ببوید و گلی را برای لذت بردن بو کند، جدال ننماید و خرید و فروش نکند.

8. جدال کردن؛ فرق نمی‌کند در امور دنیوی باشد یا دینی؛ البته اگر برای غلبه یا اظهار فضل باشد ولی اگر برای اظهار حق باشد اشکالی ندارد. نظر صاحب جواهر و امام + هر دو یکی است (جواهر الکلام، ج 17، ص 203 و تحریر الوسیله، ج 1، ص 564). فقط صاحب جواهر آن را از افضل اطاعات می‌داند. جدال کردن حتی بنا به فرمایش بعضی از بزرگان شامل فحش دادن نیز می‌شود - شهید اول در دروس - .
9. هر چه مبطل روزه است؛ مثل دروغ بستن بر خداوند، پیامبر، ائمه ^ و... که فقها در بحث صوم به آن پرداخته‌اند. صاحب جواهر الکلام می‌فرماید: «در باره هر چه روزه را باطل می‌کند مسأله خلافی و اشکالی از فقها مطرح نشده یعنی همه بر آن اتفاق دارند». (جواهر الکلام، ج 17، ص 207)

10. جنب ماندن در مسجد؛ اگر معتکف در مسجد جنب شد، نمی‌تواند در مسجد بماند، باید برای غسل از مسجد خارج شود، در غیر این صورت اعتکافش باطل می‌شود؛ البته اگر در مسجد بتواند غسل کند و مسجد را آلوده یا نجس نکند می‌تواند در آنجا غسل کند ولی غسل کردن در مسجد الحرام و مسجد النبی هم مبطل اعتکاف است.
نظر امام + قبلاً مطرح شد.

به این بند اضافه می‌شود زنی که در حال اعتکاف حیض می‌شود و باید از مسجد خارج شود.

11. طولانی شدن خروج مجاز در حال اعتکاف از مسجد؛ امام + در مسأله 12 فرموده‌اند که خروج از روی ناچاری اگر طولانی شود به طوری که صورت اعتکاف محو گردد اعتکاف باطل می‌شود. صاحب جواهر نیز می‌گوید: برای امور ناچاری اقرب طرق را انتخاب کند. (جواهرالکلام، ج 17، ص 180)
12. خروج اختیاری و عمدی؛ قبلاً گذشت که خروج اختیاری از مسجد برای معتکف جایز نیست و مبطل آن است -.

13. احتیاط از چیزهایی که بر شخص محرم در ایام حج حرام است: امام + می‌فرماید: «بنا بر احتیاط کسی که اعتکاف می‌کند باید از چیزهایی که محرم اجتناب می‌کند، اجتناب نماید، لیکن بنا بر اقوا اجتناب لازم نیست مخصوصاً پوشیدن لباس دوخته و برطرف کردن موی بدن و گوشت شکار و عقد نکاح، که تمام اینها بر او جایز است. (تحریرالوسیله، ج 1، ص 565 - 567).

همانطور که قبلاً اشاره شد اعتکاف در اصل عمل مستحبی است ولی اگر انسان نذر کند واجب می‌شود لذا دو نوع اعتکاف داریم: مستحبی و واجب. و در نیت آن مشخص می‌شود. (جواهرالکلام، ج 17، ص 162).

موارد كفاره اعتكاف

انسان معتکف اگر اعتکاف خود را باطل کند باید با شرایطی که مطرح می‌شود كفاره بدهد. كفاره اعتكاف مانند كفاره ماه رمضان است.

شیخ طوسی در کتاب الاقتصاد می‌فرماید: «مجامعت معتکف در روز دو كفاره دارد، مثل كفاره انسان مفطر روزه در ماه رمضان؛ یک كفاره به خاطر روزه و دیگری برای اعتکاف. اگر در شب این عمل را انجام داد، یک كفاره برای حرمت

اعتکاف بر او واجب می‌شود». (سلسلة الینایع الفقہیة، ج 29، ص 15 و 16 کتاب صوم). در مبسوط نیز نظر شیخ همین است: «اعتکاف با جماع باطل می‌گردد و کفاره و قضای آن واجب می‌شود ولی ابطال اعتکاف به غیر از مجامعت فقط کفاره دارد اگر در روز اعتکاف، مباشرت کرد دو کفاره دارد و در شب یک کفاره». (سلسلة الینایع الفقہیة، ج 29، ص 106 کتاب صوم).

علامه حلی در تبصرة المتعلمین می‌گوید: «اگر در اعتکاف مجامعت کرد مثل ماه رمضان، کفاره بر او واجب می‌شود البته در شب و در روز ماه رمضان کفاره دو برابر می‌شود، اگر اعتکاف واجب - به وسیله نذر - باشد، کفاره دارد و اعتکاف مستحبی در روز سوم کفاره دارد. (سلسلة الینایع الفقہیة، ج 29، ص 120 کتاب صوم).

در کتاب تلخیص المرام نیز علامه معتقد به کفاره رمضان در اعتکاف واجب است (سلسلة الینایع الفقہیة، ج 29، ص 136 کتاب صوم).

شهید اول در دروس: کفاره اعتکاف بعد از گذشت دو روز اول آن است و کفاره به خاطر جماع یا انزال و غیر آن که روزه را فاسد می‌کند، لازم می‌شود... و اعتکاف واجب نیز - در دو روز اولش هم - اگر جماع صورت گرفت کفاره دارد (سلسلة الینایع الفقہیة، ج 29، ص 170 کتاب صوم).

صاحب جواهر در کتابش می‌گوید: «در روز اول یا دوم، اعتکاف مفطری را انجام دادن کفاره ندارد مگر اینکه اعتکاف واجب باشد... ولی اکثر علما کفاره را فقط برای مفطر مجاهدت مطرح کرده‌اند و من خلافی بر این نظر ندیدم، روایات مستفیضة و صحیح نیز دلالت بر این مطلب می‌کنند». ایشان نظر سید مرتضی و مفید را ذکر می‌کند هر مفطری که روزه را باطل می‌کند کفاره دارد. ولی این قول را رد می‌کند و می‌گوید: «دلیلی که به آن استناد کرده‌اند به دست نیاوردم و نظرم به تفصیل است یعنی کفاره برای مبطلی چون مجامعت می‌باشد و اگر در ماه رمضان اعتکاف صورت

گرفت کفاره بر هر مبطلی مطرح است و در اعتکاف واجب معین نیز که چنین حکمی دارد کفاره واجب می‌شود و اگر اعتکاف مستحبی یا واجب غیر معین در یک زمان مخصوص بود کفاره واجب نمی‌شود مگر این که بوسیله مجامعت باطل شود. در شب اعتکاف و در روز غیر رمضان یا غیر روزه قضای ماه رمضان یک کفاره دارد. ولی در ماه رمضان یا در ایام اعتکاف اگر روزه قضای ماه رمضان را می‌گرفت برای مجامعت که مبطل است دو کفاره واجب می‌شود. همچنین اگر روزه نذری باشد حکمش همین است. خبر عبدالاعلی که از امام صادق × سؤالی کرده است درباره معتکفی که با همسرش در روز ماه رمضان مجامعت داشته؟ امام × در پاسخ می‌فرماید: **عَلَيْهِ الْكَفَارَةُ**؛ بر معتکف کفاره واجب می‌شود. سپس می‌پرسد در روز مباشرت کرده؟ امام × می‌فرماید: **عَلَيْهِ كَفَارَتَانِ**؛ دو کفاره باید بدهد.

... اجماع علما بر کفاره اعتکاف، کفاره ماه رمضان است و دلیل آن در موثق سماعه است که از امام صادق × درباره معتکفی که مباشرت با همسرش نموده است؟ می‌فرماید: «بر چنین معتکفی کفاره روز ماه رمضان است که یک برده آزاد کند یا دو ماه پی‌درپی روزه بگیرد یا شصت مسکین را اطعام نماید».

این روایت وجوب کفاره و برتری مراعات ترتیب نوع کفاره را می‌رساند ولی علما اجماع دارند که معتکف در انجام یکی از این سه نوع کفاره مخیر است. (جواهر الکلام، ج 17، ص 208 تا 210)

پس از نقل اقوال بزرگان نتیجه می‌گیریم:

1. اعتکاف کفاره دارد (اگر مطلبی چون مجامعت و مانند آن انزال، استمنای آن را باطل کند)؛

2. کفاره اعتکاف همان کفاره مبطل روزه ماه رمضان است؛

3. کفاره اعتکاف در ارتباط با مسایل جنسی است؛

4. مبطلات دیگر کفاره آور نیست؛

5. مجامعت در روز سوم اعتکاف چه واجب و چه مستحب باشد دو كفاره دارد؛
6. مجامعت روزه ماه رمضان یا قضای آن و اعتکاف واجب نیز دو كفاره دارد؛
7. مجامعت در دو روز اول اعتکاف مستحبی اگر غیر از روزه رمضان و قضای آن باشد كفاره ندارد؛
8. مجامعت در شب يك كفاره دارد.

منابع

1. تذكرة الفقهاء، حسن بن يوسف مطهر اسدي (علامه حلي)، قم: آل البيت، اول، بی تا.
2. معجم مقاييس اللغة، احمد بن فارس، قم: مكتب الاعلام الاسلامي، اول، 1404 ق.
3. كتاب العين، خليل بن احمد الفراهيدي، قم: مؤسسه دار الهجره، دوم، 1409 ق.
4. لسان العرب، ابن منظور، بيروت: دار الفكر، سوم، 1414 ق.
5. المصباح المنير في غريب شرح الكبير، احمد بن محمد فيومي، قم: مؤسسه دار الهجره، دوم، 1414 ق.
6. رياض السالكين في شرح صحيفة سيد الساجدين، قم: دفتر انتشارات اسلامي، اول، 1409 ق.
7. الفقه على المذاهب الأربعة و مذهب اهل البيت، غروي-جزيري-ياسر مازح، بيروت: دار الثقلين، اول، 1419 ق.
8. الكافي، شيخ كليني، تهران: دارالكتب الإسلامية، چهارم، 1407 ق.
9. ذخيرة المعاد، محقق سبزواري، قم: مؤسسه آل البيت، ی تا.
10. الفوائد الحائرية، الوحيد البهبهاني، قم: مجمع الفكر الإسلامي، اول، 1415 ق.
11. جواهر الكلام، محمد حسن نجفی، تهران: دار الكتب الإسلامية، هفتم، 1400 ق.
12. شرايع الاسلام، جعفر حلي، تهران: استقلال، چهارم، 1373 ش.
13. مستدرک الوسائل، حسين نوري، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، اول، 1407.

14. تهذيب الأحكام، محمد طوسی، بیروت: دار الأضواء، دوّم، 1413ق.
15. تحرير الوسیله، روح الله خمینی (محمد باقر موسوی همدانی)، قم: دار العلم، اوّل، 1369ش.
16. ازدواج در اسلام، علی مشکینی (احمد جنتی)، قم: نشر الهادی، ششم، 1366ش.
17. الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، زین الدین الجبعی العاملی، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، دوّم، 136ش.
18. سلسلة النبايع الفقهيّة، علی اصغر مروارید، بیروت: الدار الإسلامیة، اوّل، 1410ق.

آداب، احکام و زمان اعتکاف



ابوالحسن بارانی - عصمت نیری

چکیده

اعتکاف در اصطلاح فقهی، اقامت گزیدن در مسجد برای عبادت خداوند متعال است. اعتکاف همانند سایر عبادات، دارای فضیلت و ارزش بسیار والایی است. اعتکاف تنها یک عبادت به شمار نمی آید، بلکه مجموعه ای از عبادات از جمله تفکر، روزه، نماز، قرائت قرآن، دعا، تهجد، حضور در مسجد، جماعت، ذکر خداوند متعال، غسل، خواندن سوره ی توحید و... است که همچنین می توان آنها را آداب ظاهری اعتکاف به شمار آورد. از آداب باطنی اعتکاف نیز می توان به اخلاص در عبودیت، اشتغال به امور آخرت، رعایت حال دیگر معتکفان و... اشاره نمود. صحت اعتکاف، شرایط و احکامی را می طلبد که برخی مربوط به عمل اعتکاف و برخی مربوط به شخص معتکف می باشد که از جمله آن شرایط، کم تر از سه روز نبودن اعتکاف، انجام آن در مسجد جامع و ... می باشد. اعتکاف در روز عید فطر و عید قربان جزو موانع اعتکاف به شمار می آید و همچنین از جمله محرمات دیگر اعتکاف، استمنا، خرید و فروش و.... می باشد. زمان اعتکاف طبق احادیث، در ماه مبارک زمان و ماه رجب المرجب است.

واژگان کلیدی

اعتکاف، آداب اعتکاف، مسجد جامع، روزه، نماز، احکام اعتکاف، زمان اعتکاف.

مقدمه

انسان به عنوان اشرف مخلوقات همه‌ی تلاش و کوشش خود را به کار می‌بندد تا بتواند به کمال برسد و عبادت بهترین راهی است که او می‌تواند انتخاب کند تا از این طریق بتواند محبوب واقعی را ملاقات نموده و از چشمه سار عشق و معرفت او سیراب گردد.

اعتکاف یکی از جامع‌ترین عبادات و نمادی از پیوند محکم و ناگسستی انسان با مبدأ هستی به شمار می‌آید، زیرا در این نوع عبادت، انسان جسم و جان خود را برای رسیدن به مبدأ هستی، پرورش می‌دهد.

اعتکاف، آمیزه‌ای است از چند عبادت همانند نماز، روزه، دعا، قرائت قرآن، حضور در مسجد و... است که انجام هر کدام از این عبادات، می‌تواند جوابگوی نیازی از نیازهای معنوی انسان باشد و زنگار از روان او بزداید و او را سیر دهد تا از مسیر اخلاص و خودسازی صعود کند و به مرحله‌ی تهی نمودن خانه‌ی دل از اغیار برسد و نور الهی را در دل و جان متجلی سازد.

این عبادت از چنان فضیلتی برخوردار است که انجام آن در یک دهه از ماه ضیافت خدا، همانند به جای آوردن دو حج و دو عمره است. اعتکاف فرصتی است تا انسان بتواند، خدایی بودن را در همه‌ی حالات، تمرین کند و خود را از مادیات و تعلقات دنیوی برهاند.

اعتکاف اگر چه عبادتی مستحب اما راهی است برای بریدن دل از غیر خدا و خود را یافتن. انجام این عبادت در شریعت‌های پیش از اسلام نیز وجود داشته است؛ اگر چه ممکن است شیوه و روش برگزاری آن متفاوت بوده باشد. در دین اسلام نیز انجام سنت پسندیده اعتکاف از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و پیامبر اکرم^ص و ائمه اطهار^ع و همچنین فقهای نامدار شیعه، برای برگزاری آن اهمیت خاصی قائل بوده‌اند؛ چنان آن که اگر به هر دلیل انجام آن در ماه مبارک رمضان میسر نمی‌شد، قضای آن را در سال بعدی به جا می‌آوردند.

امروزه نیز، این عبادت در اکثر کشورهای اسلامی، از جمله ایران، در ماه رمضان و رجب و ایام البیض، به صورت بسیار گسترده برگزار می‌گردد. بنابراین لازم است با توجه به اهمیت اعتکاف، با آداب، شرایط و احکام آن آشنا شویم تا هر چه بهتر به قرب الهی و کسب معنویت برسیم.

الف) معنای لغوی اعتکاف

کلمه‌ی اعتکاف از ماده «عکف» است و اهل لغت برای این ماده، معانی گوناگونی ذکر نموده‌اند، اما با دقت در کلام آنان می‌توان به این نتیجه رسید که همگی تقریباً یک معنای واحد را در نظر داشته‌اند ولی هنگام بیان، عبارات‌های گوناگونی به کار برده‌اند، مهم‌ترین این تعابیر عبارت‌اند از:

1. اقامت در مسجد، التزام به اقامت، حبس نمودن و خارج نشدن مگر برای ضرورت.^۱
2. حبس نمودن نفس از تصرفات عادی.^۲
3. اقبال بر چیزی و بر آن مواظبت نمودن.^۳
4. اقبال به سوی چیزی همراه با تعظیم و بدون انصراف، و از این قبیل است: «اقبال به چیزی بی آن که از آن روی برگردد» و همچنین «التزام به یک مکان و اقامت در آن و نیز لزوم آن دو».^۴

1. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، منشورات دار مکتبه الحیاه، بیروت، لبنان، ج 6، ص 303.

2. م‌قری فیومی، احمد بن محمد بن علی، مصباح المنیر، درالکتب العلمیه، قم، چاپ هفتم، 1928 ق، ج 1-2، ص 58.

3. فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، قاموس اللغة (نسخه خطی)، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی‌تا، ص 366.

4. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، بی‌تا، ج 9، ص 340-341.

5. رویکرد به چیزی با توجه به مواظبت.^۱
 6. اقامت داشتن و احتباس.^۲
 7. اعتکاف مصدر باب افتعال و از ریشه‌ی (ع-ک-ف) گرفته شده است و در لغت به معنای حبس کردن، درنگ نمودن و توقف طولانی آمده است چنان که در قرآن کریم آمده است (عاکفین فی المساجد مقیمین فیها).^۳
 8. ماده‌ی عکف، با حرف «فی» به معنای «ایستادن در» و «ماندن در» همراه با «علی» به معنای ایستادن حول چیزی و با «لام» به معنای ایستادن برای چیزی.^۴
 9. توقف طولانی.^۵
 10. خود را از هر چیزی باز داشتن و از همه چیز بریدن و در مسجد یا عبادتگاه یا کلیسا برای عبادت گوشه گرفتن.^۶
 11. گوشه‌نشین شدن درجایی، ماندن، خود را بازداشتن و گوشه‌نشینی برای عبادت.^۷
- با یک نظر کلی به تمامی تعاریف، می‌توان به این جمع بندی رسید که «عکوف»،

-
1. جوهری، ابونصر اسماعیل بن حماد، الصحاح اللغه، ج 47، ص 1046.
 2. لغتنامه دهخدا، ج 7، ص 2944.
 3. طریحی، فخرالدین، مجمع الجرین، تحقیق سید احمد حسینی، چاپ دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1368 ش، ج 6، ص 103.
 4. مصطفوی، حسین، التحقيق فی کلمات القرآن کریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1360 ش، ج 8، ص 201.
 5. حلی، حسن بن یوسف بن المطهر، تذکره الفقها، قم: موسسه ی آل بیت، ج 6، ص 329.
 6. فرهنگ لاروس عربی به فارسی، ترجمه طیبیان، سیدحمید، تهران: انتشارات امیرکبیر، 1370 ش، ج 1، ص 236.
 7. عمید، حسین، فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر، 1369 ش، ج 1، ص 201.

به معنای اقامت گزیدن درجایی است به طوری که فرد مقیم، خود را محبوس و ملتزم به آن مکان بداند و این التزام ناشی از اهمیت و عظمت آن موضوع باشد، نکته‌ای که باعث تفاوت جدی میان «اعتکاف» و سایر اقامت‌ها می‌گردد این است که در اعتکاف یک نحوه توجه و اقبال وجود دارد که مانع از اشتغال فرد به امور دیگر می‌شود و قابل ذکر است که در تمام موارد، ماده‌ی «عکف» استعمال شده است و به معنای روی آوردن و منصرف نشدن و چیزی را حبس کردن است، لذا اگر انسان چند روزی از عمر خویش را برای عبادت وقف کند و از امور دیگر دست بکشد، یک نوع حبس را پذیرا شده است، در نتیجه معنایی که صاحب جواهر برای اعتکاف برگزیده است، لفظ مشترکی برای تمام موارد مذکور می‌باشد و معنای دیگر، استنباط شده از همان مفهوم «احتباس» است.¹

ب) معنای اصطلاحی اعتکاف

اعتکاف در اصطلاح فقهی، عبارت است از ماندن در مسجد و درنگ در آن به این قصد که با این کار خدا را بندگی نماید و لازم نیست عبادت دیگری غیر از ماندن در مسجد به آن ضمیمه گردد، اگر چه ضمیمه کردن عبادت‌های دیگر به اعتکاف، احتیاط مستحب است.

لازم به ذکر است که اعتکاف، ذاتاً در شرع مقدس اسلام مستحب است اما گاهی انجام آن به دلیل نذر، عهد، قسم یا اجازه ولی و مانند آن واجب می‌شود. برای اعتکاف در اصطلاح فقهی، معانی متعددی آمده که به شرح ذیل بیان شده است:

1. «اقامت سه روزه یا بیشتر در مسجد با قصد قربت یا عبادت با شرایط

1. علی مصباح نها وندی، خلعت اعتکاف، قم: بیت الاحزان، 1389، چاپ اول، صص 17،

مخصوص^۱».

2. «اعتکاف» اقامتی مخصوص است برای عبادت، چه به صورت عادی و چه به صورت غیر عادی، و اگر شخص قصد اقامت بدون قصد عبادت داشته باشد یا قصد عبادت بدون قصد اقامت نماید، معتکف محسوب نمی‌شود.^۲

3. «اعتکاف عبارت است از نشستن در مسجد جامع برای عبارت سه روز یا بیشتر».^۳ و معانی دیگری هم وجود دارد که به دلیل طولانی شدن بحث اشاره نمی‌گردد. اعتکاف در معنای «اقامت گزیدن در مسجد برای عبادت خداوند متعال»، در آیاتی از قرآن کریم آمده است، همانند:

① وَعٰهَدْنٰ اِلٰى اِبْرٰهِيْمَ وَاِسْمٰعِيْلَ اَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِيْنَ وَالْعَاكِفِيْنَ وَالرُّكَّعِ السُّجُوْدِ ۝^۴ و به ابراهیم و اسماعیل فرمان دادیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع و سجود کنندگان پاکیزه کنند.

① وَلَا تُبَشِّرُوْهُمْ وَاَنْتُمْ عَاكِفُوْنَ فِی الْمَسٰجِدِ ۝^۵ و در حالی که در مساجد، معتکف هستید با زمان در نیامیزید.

در نهایت در بررسی آیاتی که به موضوع اعتکاف اشاره دارند و همچنین با نگاهی به نظرات فقهای بزرگ امامیه، به این نتیجه می‌رسیم که اعتکاف در اصطلاح

1. نجفی، محمد حسین، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم، 1412ق، ج 17، 159

2. جناحی، جعفر، کشف الغطاء، اصفهان: علوی، بی تا، ص 323

3. فقه کامل فارسی، ص 42

4. بقره، 125

5. همان، آیه 287.

فقهی عبارت است از: «اقامت گزیدن در مسجد برای عبادت خداوند متعال».^۱

ج) فضیلت اعتکاف

یکی از معیارهای فضیلت هر کار، مطابقت آن با هدف کلی نظام آفرینش است. یعنی هر مقدار به این هدف نزدیک تر باشد، دارای ارزش بیشتری خواهد بود. قرآن کریم، هدف از آفرینش انسان را عبادت و بندگی خداوند متعال می داند.^۲ اعتکاف از آن جا که عبادت است، همانند سایر عبادت ها، دارای فضیلت و ارزش بسیار والایی است اما نکته‌ی قابل توجه این است که در واقع، اعتکاف تنها یک عبادت نیست بلکه مجموعه‌ای از بهترین عبادات را به همراه دارد.

عباداتی که هریک به تنهایی برای پیشبرد انسان در مسیر بی انتهای کمال، دارای آثار و برکات فراوان و فضیلت بسیارند، تنها بخشی از این عبادت به شمار می آیند؛ تفکر، روزه، نماز، قرائت قرآن، دعا، تهجد، حضور در مسجد و جماعت، ذکر خداوند متعال، و ... از جمله کارهایی هستند که معتکفان در طول روزهای اعتکاف به آنها مشغول اند. علاوه بر این، بسیاری از کارهایی که بر انسان محرم در حج حرام اند بر معتکف نیز حرام می باشد.

روزه که یکی از ارکان دین اسلام به شمار می رود، خود جزیی از اجزای مقوم اعتکاف است، بنابراین، با وجود فضیلت بی شمار روزه که بر طبق روایت شریف قدسی، خداوند متعال می فرماید: «الصوم لی وانا اجزی علیه»^۳ و با وجود بسیاری روایات دیگر در این زمینه، فضیلت آن بخشی از فضایل بیکران اعتکاف محسوب می شود. یکی از ویژگی های اعتکاف، که نشانگر فضیلت آن است، مشروط بودن آن به برگزاری در خانه‌ی خاص خداوند یعنی مسجد می باشد. آن هم نه هر مسجدی، بلکه

1. علی مصباح نهاوندی، خلعت اعتکاف، همان، ص 21-22.

2. ① و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون ﴿١﴾، الذاریات، آیه 56.

3. فروع کافی، ج 4، ص 63، روزه برای من است، و من پاداش آن را می دهم.

بهترین و برترین مساجد.^۱

این ویژگی، خود نشان از عظمت و بالا بودن قدر و منزلت این عبادت پر فیض دارد. براساس همین ارزش والاست که در روایت شریف نبوی، ثمره و نتیجه‌ی اعتکاف، آمرزیده شدن تمامی گناهان عنوان شده است.

«من اعتکف ایمانا واحتسابا غفر له ما تقدم من ذنبه»؛^۲ هر کس با ایمان و اعتقاد

و از روی اخلاص معتکف شود، همه‌ی گناهان گذشته‌اش آمرزیده می‌شود.

نکته‌ی دیگری که در روایات برای فضیلت اعتکاف ذکر شده است، برابر دانستن آن با برخی از عبادات اساسی و اصلی دین اسلام می‌باشد. علاوه بر آن که دو پیامبر بزرگ الهی مامور خدمت و آماده سازی مقدمات برگزاری اعتکاف شده‌اند، اعتکاف در ردیف طواف و رکوع و سجود آمده است.

اعتکاف نه تنها در ردیف بهترین عبادات می‌باشد، بلکه در دسته‌ای از روایات، برتر از برخی عبادات بزرگ شمرده شده است.

به عنوان مثال، اعتکاف در ماه مبارک رمضان که با فضیلت‌ترین اعتکاف، از جهت زمانی است بالاتر از حج که یکی از ارکان اسلام به شمار می‌رود، ذکر شده است؛ چنان که امام سجاد، از پدر بزرگوارش نقل می‌کند که رسول خدا^۱ فرمودند: «هر کسی که در ماه رمضان ده روز معتکف شود، ارزش آن معادل دو حج و دو عمره می‌باشد».^۳ به هر حال، از اهتمام اولیای الهی به انجام این عبادت زیبا، به ارزش و منزلت و میزان نقش آن در تکامل روحی و تقرب به درگاه الهی پی برده می‌شود. از این رو از دست دادن توفیق انجام آن در هر سال، خسروانی بزرگ محسوب می‌شود. به همین دلیل، بنابر آن چه نقل شده است، در سالی که جنگ بدر در ماه مبارک رمضان واقع شد و رسول

1. سیدحیدم، محمودزاده‌ی حسینی، اعتکاف در خلوت انس، چاپ اول، قم: انتشارات قدس،

1375 ش، ص 35.

2. فاضل هندی، کنز العمال، ج 8، ص 530.

3. درالمشور ج 1، ص 202.

خدا ' فرصت معتکف شدن را نیافتند، در فرصت دیگری، این ایام از دست رفته را جبران نموده و در سال بعد دوباره سال‌های گذشته به اعتکاف پرداختند.^۱

1. سید حمید محمود زاده حسینی، اعتکاف در خلوت انس، همان، ص 39 به نقل از فروغ کافی، ج 4، ص 175.

آداب ظاهری و باطنی اعتکاف

اعتکاف، یک برنامه‌ی عبادی است و هر برنامه‌ی عبادی، آدابی دارد و چنان چه معتکف بخواهد از اعتکافش بهره‌برد و گامی در جهت تهذیب نفس و سلوک الی الله بردارد، رعایت این آداب ضروری است. از آن جا که این سنت حسنه در ماه رجب و ماه مبارک رمضان برگزار می‌گردد، در این فصل سعی شده در ضمن آداب اعتکاف، اعمال این دو ماه نیز بیان بیان شود.

آداب ظاهری اعتکاف

الف) اعمال مشترک: اعمالی که در تمام ماه می‌توان انجام دارد

1. غسل

شست و شوی بدن از گناهان، زمینه‌ی صفای روحانی را فراهم می‌آورد و بدن که با روح ترکیب شده، باید هیچ آلودگی نداشته باشد تا روح سبک‌تر به منزل مقصود برسد. از این رو، در مناسبت‌های مختلف، شرع مقدس اسلام، دستور داده که مسلمانان غسل کنند. غسلی که در ماه رجب مستحب است، آثاری دارد؛ در روایاتی از پیامبر اکرم^ع می‌خوانیم: «هر کس که در اول، وسط و آخر ماه رجب غسل کند، از گناهانش خارج می‌شود؛ همانند روزی که از مادرش متولد شده است»^۱ (و گویی اگر گناهی ندارد).

2. نماز

نماز روح عبادت و مهر قبولی تمام اعمال است. نماز معراج مؤمن است و فرد با ایمان می‌تواند با نماز به بارگاه معبود پرواز کند و با ذات حق صحبت کند. این

1. عاملی، شیخ حر، وسائل الشیعه، دارالاسلامیه، 1409ق، ج 2، ص 959

عبادت باید با توجه، خوانده شود و ائمه^ه بر حضور قلب در نماز تأکید فرموده‌اند.^۱ در روایتی از امام باقر[×] و امام صادق[×] می‌خوانیم: «بهره‌ی بنده از نمازش، تنها آن مقداری است که قلبش بر خداوند متعال رو کرده و حضور قلب داشته باشد. پس اگر در تمام نماز یاد خدا غافل باشد، آن پیچیده شده، و به روی صاحبش زده می‌شود».^۲ البته حضرت امام صادق[×] در سخنی به حکمت تشریع نوافل (نمازهای مستحبی) اشاره می‌کند و می‌فرماید: «همانا گاهی از نماز بنده‌ای نصف یا ثلث یا ربع و یا خمس آن بالا می‌رود و آن چه حضور قلب داشته، قبول می‌شود و به نافلة‌ها بدان علت امر شده تا نقص نمازهای واجب را جبران کند».^۳ در ماه رجب هم نمازهایی وارد شده است که به آن اشاره می‌کنیم.

2/1. شصت رکعت نماز: که در هر شب دو رکعت و در هر رکعتی سوره حمد را یک مرتبه، سوره‌ی کافرون را سه مرتبه و سوره‌ی توحید را یک مرتبه تلاوت کند.

2/2. ده رکعت نماز: که در هر رکعت حمد و کافرون و توحید را سه مرتبه تلاوت کند.

2/3. دو رکعت نماز: پیامبر اکرم[ؐ] فرمودند: «هر کس در شبی از شب‌های ماه رجب، صد مرتبه سوره‌ی توحید را در دو رکعت بخواند، همانند کسی است که صد سال در راه خداوند روزه گرفته و خداوند متعال صد قصر در جوار یکی از پیامبر

1. موسسه‌ی دارالهدی، اعتکاف ابرار، چاپ چهارم، قم، خلق، 1386 ش، ص 63-64.

2. «انما للعبد من صلاته ما اقبل علیه منها فاذا اوهمها كلها لغت فضررب بها وجهه»، طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، تحقیق موسسه آل بیت^ه، چاپ دوم، 1408 ه ق، ج 3، ص 57.

3 «ان العبد لیرفع له من صلاته نصفها اوثلثها او ربعها او خمسها فما یرفع له الا ما اقبل علیه بقلبه و انما امرنا بالنافلة لیتم لهم بها ما نقصوا من الفریضه»، شیخ صدوق، علل الشرایع، نجف: مکتبه الحیدریه، 1386 ه ق، ج 2، ص 238.

الهی به او عطا می‌کند».^۱

2/4. چهار رکعت نماز: در رکعت اول بعد از حمد، صد مرتبه آیت الکرسی و در رکعت دوم بعد از حمد، دویست مرتبه توحید را بخواند، دو رکعت بعد هم به این کیفیت خوانده شود.^۲

3. روزه

روزه هم یکی از احکام انسان ساز اسلام است که آگاهی ما از تمام فواید و حکمت تشریع آن، ممکن نیست و دانش محدود ما نمی‌تواند راهگشای رازهای نهفته‌ی آن باشد؛ اما توجه به این نکته ضروری است که ثواب و پاداشی که در روایات برای روزه و شخص روزه‌دار بیان شده، فقط برای پرهیز از خوراکی‌ها نیست، بلکه همراه با این پرهیز باید از خواهش‌های نفسانی خود چشم‌پوشد و به اصطلاح هم جوارح و هم جوانح روزه باشند. در غیر این صورت به جز گرسنگی و تشنگی، بهره‌ی دیگری از روزه نمی‌برد.^۳

در روایتی از حضرت امام کاظم × آمده است: «هر کس که سه روز از ماه رجب را روزه بگیرد، بهشت بر او واجب می‌شود».^۴

4. دعا

دعا امری فطری و ضروری است که خداوند متعال به آن امر فرموده و از اخلاق انبیای الهی قلمداد شده است. اهمیت و ارزش دعا و آثار آن به قدری است که حتی دانشمندان غیر مسلمان هم براساس هدایت فطری خود، آن را عامل حرکت و از

1. سیدین طاووس، اقبال، ج 3، ص 180.

2. همان ص 200.

3. مؤسسه دارالهدی، اعتکاف ابرار، همان ص 69.

4. سید بن طاووس، اقبال، همان، ج 3، ص 191.

ضروری ترین نیازهای بشری می‌دانند و حتی برخی از دردها را با دعا درمان پذیر می‌شمارند.

قرآن کریم به دعا کردن امر فرموده و وعده پاسخ داده^۱ و دعا را یک عبادت شمرده است. اهل بیت^۲ در روایات، آثاری هم چون «گشایش کارها، رستگاری، رحمت، چراغ تاریکی‌ها، برگرداندن قضای حتمی، دفع بلا، دفع اندوه و غم و غصه، تقرب به خدا و...» برای دعا ذکر کرده‌اند.^۳

در ماه رجب هم دعاهایی از ائمه^۴ نقل شده است که آثار و فواید فراوانی دارد؛ مثل دعای روز اول ماه رجب، دعای هر روزه‌ی ماه رجب و...

5. استغفار

پشیمانی از بدی‌ها و گناهان انجام شده و عزم جدی به ترک آن‌ها که همان روح و رکن بازگشت به خداست، در قالب ذکر استغفار انعکاس یافته است. استغفار، ترجمان روح توبه و ثمره‌ی آن، دریافت مغفرت الهی و پاک شدن از آلودگی‌های روحی و پناه گرفتن در بارگاه ربوبی است و تا روح انسان از گناه و آلودگی تطهیر نشود، هم نشینی با اولیا و بهره بردن از عبادت ذات حق، میسر نمی‌شود. کدورت‌ها و کینه‌ها زنگار قلب است و استغفار، این زنگارها را برطرف می‌سازد و قلب را صاف و آینه‌ی حق‌بین می‌کند. در روایات آثار زیادی هم چون دفع بلا، رزق و روزی فراوان و رفع غم و غصه برای استغفار بیان شده است.^۵ در ماه رجب بر استغفار تأکید و آثاری برای آن ذکر شده است. پیامبر اکرم^۶ می‌فرماید: «کسی که در ماه رجب

1. غافر، 60

2. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الوفا، 1403 ه ق، ج 90، ص 295.

3. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، چاپ چهارم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، 1371 ه ش، ج 7، ص 246.

صد مرتبه بگوید: **استغفر الله الذی لا اله الا هو لا شریک له و أتوب الیه** و بعد از آن صدقه دهد، خداوند متعال او را به رحمت و آمرزش ختم می کند.^۱

6. تهلیل

ذکر «**لا اله الا الله**»، همان کلمه‌ی توحید است و بر این معناست که خدایی جز خدای یگانه نیست. گفتن این ذکر را تهلیل گویند.

تهلیل سه مرحله دارد تهلیل تکوینی، تهلیل اعتقادی و تهلیل لفظی. تهلیل تکوینی، همان دلالت ذات موجودات، بر وجود خداوند یگانه و شهادت آنها به وحدانیت اوست. تهلیل اعتقادی، ایمان و اعتقاد قلبی به وحدانیت خداوند متعال است. تهلیل لفظی، یعنی گفتن «**لا اله الا الله**» و یا هر لفظ دیگری که بر این معنا دلالت کند.^۲

در ماه رجب گفتن «**لا اله الا الله**» بسیار ثواب دارد. در روایت آمده است: «کسی که در ماه رجب هزار مرتبه «**لا اله الا الله**» بگوید، خداوند متعال صد هزار حسنه برای او می نویسد و صد شهر در بهشت برای او بنا می کند.»^۳

7. خواندن سوره‌ی توحید

سراسر قرآن کریم، دعوت به خدای یگانه است، ولی سوره‌ی اخلاص، سمبل توحید است. از این رو، خواند این سوره فضیلت بسیار دارد. پیامبر اکرم ^ص می فرمایند: «کسی که هزار مرتبه سوره‌ی «قل هو الله احد» را

1. مؤسسه دارالهدی، اعتکاف ابرار، ص 73 و 94.

2. اقتباس از: تجلیل، ابوطالب، ارزش ها و ضد ارزش ها در قرآن، قم: انتشارات جامع مدرسین، 1366 هـ ش، ص 113.

3. سید بن طاووس، اقبال، ج 3، ص 216.

بخواند، روز قیامت با عمل هزار پیامبر و هزار ملک وارد می‌شود و هیچ کس از او نزدیک‌تر به خدا نیست، مگر کسی که این سوره را بیشتر خوانده باشد، و اگر این عمل در ماه رجب انجام شود، ثواب آن مضاعف می‌شود.^۱

ب) اعمال اختصاصی ایام البیض

اگر چه بعضی امور مانند اجزای زمان شبیه یکدیگراند، ولی خداوند متعال به برخی حرمت و قداست افزون‌تر داده و از ویژگی خاصی برخوردار ساخته که دیگر امور از آن بی‌بهره‌اند. ماه رجب و ایام البیض، از جمله زمان‌هایی است که مورد توجه ائمه^۲ بوده است. در روایتی از حضرت امام جعفر صادق^۳ می‌خوانیم: «کسی که ایام البیض از ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند متعال برای او در ازای هر روز، پاداشی یک سال روزه‌ی همراه با عبادت می‌نویسد و در روز قیامت در جایگاه آمین می‌ایستد».^۴

همچنین اعمال دیگری نیز در شب سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم وارد شده و مفاتیح الجنان به آن پرداخته که به دلیل طولانی شدن بحث فقط به ذکر آن اشاره می‌کنیم؛ مانند زیارت امام حسین^۵، نماز حضرت سلمان و خواندن دعای ام داوود.

آداب باطنی اعتکاف

۱. اخلاص در عبودیت؛ یکی از مهم‌ترین آداب باطنی هر عبادتی، توجه به فروتنی در عبودیت و دریدن حجاب خودبینی و خودپرستی است و هر چه انسان به این نکته بیشتر توجه کند، عظمت و عزت پروردگار عالم، برایش بیشتر روشن می‌شود و به

۱. همان، ص 217.

۲. مؤسسه دارالهدی، اعتکاف ابرار، ص 98.

۳. سید بن طاووس، اقبال، ج 3، ص 233.

روح و هدف عبادت و در نتیجه به هدف غایی خلقت و کمال، نزدیک‌تر می‌شود. رسول مکرّم اسلام¹ می‌فرماید: «من اعتكف ايمانا و احتسابا غفر له ما تقدم من ذنبه»؛ هر کس با ایمان و اخلاص معتکف شود، گناهان گذشته‌اش آمرزیده می‌شود.

2. اشتغال به امور آخرت؛ کسی که چند روز را در خانه‌ی خدا به اعتکاف می‌گذراند و قصد کرده تا تمامی لحظات آن را در راستای حیات ابدی خویش صرف کند، دیگر نمی‌تواند مانند روزهای دیگر وقت خود را تقسیم نموده، بخشی را برای معاش و امور دنیوی و استراحت و بخشی را هم برای عبادت اختصاص دهد. چنین فردی در طول اعتکاف، باید تمامی لحظات خود را صرف رسیدگی به امور اخروی نموده و برای کارهای دیگر به حدّ ضرورت اکتفا نماید. فرد معتکف گمان نکند که چون در مسجد اقامت کرده، کار مهمی انجام داده و همین مقدار نیز می‌تواند اثر قابل توجهی در رشد او داشته باشد، بلکه صرف ماندن در مسجد بدون یاد و ذکر خدا و عبادت او، مطلوبیتی ندارد. امام علی[×] وظایف فرد معتکف را چنین بیان می‌فرمایند: «فرد معتکف ملتزم به مسجد می‌شود و تنها به ذکر خدا و تلاوت قرآن و نماز می‌پردازد و از دنیا سخن نمی‌گوید و شعر نمی‌خواند، خرید و فروش نمی‌کند، به تشییع جنازه یا عیادت مریضی نمی‌رود و داخل خانه‌ای نمی‌شود، با هیچ زنی خلوت نمی‌کند و در مورد مسایل قبیح (جنسی) کلامی نمی‌گوید و با کسی بحث و مجادله نمی‌نماید؛ هر چه کمتر با مردم صحبت کند برای او بهتر است.»¹ این کلام حضرت، کلامی است جامع که ضمن تأکید بر پرداختن به کارهای اخروی، به پرهیز از امور دنیوی نیز توصیه می‌نماید.

3. رعایت حال دیگر معتکفان؛ از آن‌جا که معمولاً مراسم اعتکاف در زمان

1. قاضی نعمان، دعائم الاسلام، ج 1، ص 286.

خاص و مکان معینی برگزار می‌شود، عده‌ی زیادی از مؤمنان در یکی از مساجد جامع گرد هم می‌آیند و اعتکاف می‌کنند، به طوری که اعتکاف به یک عبادت جمعی تبدیل می‌شود.

پس اگرچه اعتکاف، خود عبادتی فردی است ولی معمولاً به صورت دسته جمعی برگزار می‌شود. یکی از مهم‌ترین مسائلی که در هر اجتماعی باید مورد توجه قرار گیرد، رعایت حقوق و احترام و توجه به دیگران است.^۱ در چنین شرایطی دیگر کسی حق ندارد هرگونه که خواست عبادت کند و گاه و بیگاه با سروصدای خود مزاحم دیگران شود.

در یکی از روزهایی که رسول خدا^۲ در مسجدشان معتکف بودند و در پس پرده‌ای به راز و نیاز با خالق یکتا می‌پرداختند، شنیدند که برخی از افراد بی‌ملاحظه، با صدای بلند به قرائت قرآن یا نماز مشغول‌اند، این مسأله ایشان را ناراحت نموده، پرده را کنار زده، فرمودند: «**الا ان کلکم یناجی ربه و فلا یؤذ بعضکم بعضا و لا یرفعن بعضکم علی بعض فی القرائه**» (او قال : فی الصلاه)؛^۲ بدانید! همگی شما با خدای خود راز و نیاز می‌کنید، پس بعضی از شما، بعضی دیگر را آزار ندهد و گروهی صدای خود را بر صدای گروه دیگر در هنگام قرائت بلند نکنند. (ابوسعید که راوی این روایت است، در مورد ذیل روایت تردید دارد که حضرت فرمودند: صدای خود را در قرائت بلند نکنید یا در نماز. ولی به هر حال هر دو به یک معنی بازگشت دارند).

4. آویختن پرده: یکی از فلسفه‌های تشریع اعتکاف، ایجاد فضایی مناسب برای خلوت عبد با خدای خویش می‌باشد؛ اگرچه با جدا شدن معتکفان از صحنه‌ی

1. سید حمید محمود زاده‌ی حسینی، اعتکاف در خلوت انس، همان ص 97-111-105

2. فاضل هندی، کنز العمال: ج 2، ص 324، حدیث 414

پرهیاهوی اجتماع و آمدن به بارگاه الهی و اعتکاف در مسجد، این هدف، تا حدودی به دست می‌آید، ولی باز حضور در جمع اعتکاف کنندگان و توجّه به نگاه‌ها، دعاها و سخن آنان، می‌تواند مانعی بزرگ بر سر راه آن خلوت مطلوب به شمار آید.^۱

این مشکل را نیز می‌توان با آویختن پرده و مانند آن، تا حدّ زیادی حلّ نمود. از برخی روایات استفاده می‌شود که رسول خدا^۱ هرگاه می‌خواستند معتکف شوند، برای ایشان در مسجد خیمه‌ای برپا می‌شد تا حضرت، درون آن به عبادت پردازند.^۲ بنابراین می‌توان آویختن پرده را برای پوشش و ایجاد فضایی مناسب برای تهجّد و عبادت در تنهایی، یکی از آداب اعتکاف برشمرد؛ البته آویختن پرده به معنی شرکت نکردن در نمازهای جماعت و سایر اجتماعات و فعالیت‌های مشترک معتکفان نیست.

۵. شرط گذاشتن: از برخی روایات باب اعتکاف استفاده می‌شود که بهتر است انسان پیش از وارد شدن در اعتکاف و به هنگام نیت، بین خود و خداوند شرط کند که اگر در بین روزهای اعتکاف مشکلی پیش آمد که در حدّ ضرورت نبود، ولی می‌خواست اعتکافش را به خاطر آن به هم بزند، از آن برگردد، تا به هنگام ضرورت حتی در روز سوم اگر لازم شد بتواند اعتکاف را (اعتکاف در روز سوم بر او واجب شده است)، ترک کند.

در روایتی از امام صادق[×] این مطلب به وضوح بیان شده است: «و اشترط علی ربک فی اعتکافک کما تشترط فی احرامک أن یحلیک من اعتکافک عند عارض ان

۱. سید حمید محمودزاده حسینی، اعتکاف در خلوت انس، ص ۱۱۱-۱۱۶.

۲. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، فروع کافی، تصحیح و مقابله، علی اکبر غفاری، تهران؛ دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، بی تا، ج ۴، ص ۱۷۵، حدیث ۱.

عرض لک من علہ تنزل یک من امر لله»؛^۱ و در اعتکاف خود با پروردگارت شرط کن به گونه‌ای که در احرامت شرط می‌کنی که اگر عارضه‌ای از نزد خداوند متعال برای پیش آمد، تو را از اعتکاف آزاد و رها نماید.

اگرچه اکثر مراجع تقلید، این شرط را که معتکف اگر بخواهد، می‌تواند بدون دلیل هم از اعتکاف خارج شود صحیح دانسته‌اند، ولی گروهی دیگر این امر را، تنها در صورت پیش آمدن مشکل یا مسأله‌ای، اگرچه غیر مهم، صحیح می‌دانند.^۲

احکام اعتکاف

الف) شرط صحت اعتکاف

در صحت اعتکاف، اموری شرط است که برخی از آنها مربوط به عمل اعتکاف و برخی مربوط به شخص معتکف است.

شرایط اعتکاف

۱. از سه روز کم‌تر نباشد

اعتکاف نباید از سه روز کم‌تر باشد و اعتکاف در کم‌تر از سه روز، باطل است اما بیش از سه روز مانعی ندارد؛^۳ اگرچه یک روز کامل یا قسمتی از روز یا یک شب یا قسمتی از شب باشد. در اعتکاف برای بیش از سه روز حدی وجود ندارد. اگر معتکف، نیت اعتکاف مثلاً پنج روز را داشته باشد، اعتکاف روز ششم نیز بر او واجب می‌گردد، حتی بعضی از فقها بیان داشته‌اند، هر دو روزی که بر ایام اعتکاف

۱. شیخ طوسی، استبصار، ج ۲، ص ۱۲۹، حدیث ۲.

۲. سید حمید محمودزاده حسینی، اعتکاف در خلوت انس، ص ۱۱۹.

۳. نجفی، محمد حسین، جواهرالکلام، بیروت: دارالحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۷، ص ۱۶۶.

افزوده شود، اعتکاف روز سوم آن هم واجب است، پس اگر هشت روز اعتکاف کند، واجب است روز نهم هم در اعتکاف بماند و همین طور هر چه ایام آن بیشتر شود.

منظور از «روز» در اعتکاف محدوده‌ی بین طلوع فجر تا غروب و محو سرخی شرق است و اعتکاف شب اول یا شب چهارم، جزو آن سه روز نیست اگرچه داخل کردن آن دو شب در آن سه روز جایز است، اما دو شب وسط (شب دوم و سوم) حتماً داخل در زمان اعتکاف است.^۱

سه روز اعتکاف، از طلوع فجر روز اول تا مغرب روز سوم است، بنابراین اگر بعد از طلوع فجر ولو با چند دقیقه تأخیر به مسجد برسد، آن روز جزو اعتکاف به شمار نمی‌آید و چنانچه قبل از مغرب روز سوم، اعتکاف را قطع کند، افزودن بر آن که کارحرامی کرده، اعتکاف نیز باطل است.

سه روز اعتکاف با شب‌های آن است که حداقل سه روز و دو شب در وسط است، بنابراین معتکف نمی‌تواند شب‌ها از مسجد خارج شود یا نذر کند که سه روز بدون شب‌ها در مسجد معتکف شود.^۲

اگر انسان نذر کند که دو روز معتکف شده نه بیشتر از آن، این نذر باطل است، ولی اگر مقید نکرده که بیشتر نباشد، نذر او صحیح است و واجب است که روز سوم را نیز بماند.^۳

امام صادق × می‌فرماید: «هنگامی که شخصی یک روز اعتکاف کند و شرط نکرده باشد که بیشتر از آن بماند، می‌تواند از مسجد خارج شود و اعتکاف را فسخ نماید و اگر دو روز در اعتکاف بماند و شرط بیشتر در آن هم نکرده باشد در این

1. همان ص 167

2. همان، ص 166

3. همان، ص 166

صورت نمی تواند اعتکاف را فسخ نماید، تا سه روز آن کامل شود».¹

2. در مسجد جامع باشد

اعتکاف بایستی در مسجد جامع شهر باشد و در سایر مساجد مانند مسجد قبیله، محله، طائفه، و بازار کافی نیست و احوط آن است که یکی از مساجد چهارگانه (مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجد کوفه و مسجد بصره) را برای اعتکاف برگزیند.²

امام صادق × می فرماید: «لا اعتکاف الا بصوم فی مسجد الجامع...»؛³ اعتکاف جز در مسجد جامع و همراه با روزه داری صحیح نمی باشد.

3. پیوستگی اعتکاف

در اعتکاف بایستی توقف در مسجد به طور مداوم و پیوسته باشد، پس اگر معتکف از روی عمد و با اختیار در غیر موارد مجاز از مسجد خارج شود، اعتکاف او باطل می گردد و در حکم، فرقی بین عالم و جاهل نیست، ولی اگر از روی فراموشی و یا به اجبار، مسجد را ترک کند، به نظر اکثر فقهاء، اعتکافش باطل نمی شود و نیز اگر برای امری که عقلاً یا شرعاً و یا عرفاً ضروری است، مثل قضای حاجت یا انجام دادن غسل جنابت یا استحاضه و امثال آن، از مسجد خارج شود، اعتکاف باطل نمی گردد؛ البته اگر خارج شدن او به خاطر ضرورت، مقداری طول بکشد که عرفاً صورت اعتکاف او به هم بخورد، اعتکاف او باطل خواهد شد.⁴

1. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، بیروت: مؤسسه آل البیت[^]، الاحیاء التراث، چاپ چهارم، 1411 ق، ج 10، ص 543

2. العروه الوثقی، ج 2، ص 248

3. وسائل الشیعه، پیشین، ج 10، ص 538

4. العروه الوثقی، ج 2، ص 249-250، جواهر الکلام، ج 17، ص 178.

امام صادق × فرمودند: «سزاوار نیست معتکف از مسجد جامع خارج شود مگر برای رفع حاجتی که در انجام آن ناچار است و (معتکف) نمی‌نشیند تا زمانی که به مسجد برمی‌گردد، و حکم زن و مرد یکی است».^۱

هم چنین معتکف مجاز نمی‌باشد نمازش را خارج از مسجدی که در آن معتکف شده بدون ضرورت به جای آورد (به دلیل اطلاق ادله) مگر در مگه که معتکف در مسجد الحرام می‌تواند در هر خانه‌ای نمازش را به جای آورد.^۲

شرایط معتکف

شخص معتکف برای به جا آوردن سنت اعتکاف، باید شرایطی داشته باشد، در غیر این صورت، اعتکاف او باطل می‌باشد لذا برای صحت اعتکاف شخص معتکف، شرایط ذیل، لازم و ضروری است:

1. اسلام

در شروط اولیه شخص معتکف جهت برپایی سنت اعتکاف، اسلام می‌باشد و انجام اعتکاف از شخص غیرمسلمان، صحیح نمی‌باشد.^۳ صاحب عروه الوثقی می‌گوید: «....در صحت اعتکاف اموری شرط شده است، اولین شرط از این شروط، ایمان می‌باشد و اعتکاف بدون ایمان (از غیر مؤمن) صحیح نمی‌باشد...».^۴

2. عقل

انجام اعتکاف توسط شخص دیوانه صحیح نمی‌باشد، البته افرادی که دارای جنون

1. وسائل الشیعه، ج 10، ص 549.

2. جواهر الکلام، ج 17، ص 186.

3. اعتکاف تطهیر صحیفه اعمال، ص 35.

4. عروه الوثقی، ج 2، ص 246.

5. علی مصباح نهاوندی، خلعت اعتکاف، ص 48-50.

ادواری هستند (یعنی بعضی اوقات در حال جنون و بعضی اوقات سالم هستند) اگر در حال سلامت معتکف شوند اعتکاف آنان صحیح است و هر عاملی مانند بیهوشی، مستی و... که موجب از کار افتادگی عقل شود، اعتکاف را باطل می‌کند.^۱ صاحب عروه الوثقی می‌نویسد: «دومین شرط از شرایط صحّت اعتکاف، عقل می‌باشد، بنابراین از فرد مجنون، اگرچه جنونش ادواری و در دوره‌ای خاص باشد و هم‌چنین از شخص مست و غیر آن مانند فاقد عقل، پذیرفته شده نیست».^۲

3. قدرت

یکی از شرایط عام تکلیف، قدرت و توانایی شخص مکلف در انجام آن می‌باشد. پس شخص معتکف باید توانایی انجام برنامه‌های اعتکاف را داشته باشد، در غیر این صورت اگر باعث اذیت و آزار دیگران گردد، اعتکافش صحیح نمی‌باشد.

5. قصد قربت

اعتکاف نیز مانند سایر عبادات به قصد قربت نیاز دارد و هرگونه ریا و خودنمایی اعتکاف را باطل می‌کند، زمان نیت قبل از طلوع فجر است مگر آن که شروع اعتکاف از اول شب یا اثنای آن باشد، که در این صورت اگر در همان وقت نیت کند کافی است.^۳ معتکف باید از آغاز تا پایان اعتکاف، با نیت و قصد قربت باشد، بنابراین اگر به همین قصد، اعتکاف را شروع کند، صحیح است. هم‌چنین اگر به قصد این که فردا معتکف شود به مسجد برود و از اول وقت (طلوع فجر) در آن جا باشد، صحیح است.^۴

5. اجازه گرفتن از صاحب اجازه (مانند اجازه شوهر یا پدر و مادر)

از آن جا که اعتکاف به خودی خود واجب نیست و انجام آن مستلزم خروج از منزل

1. درویش گفتار، احمد، باراهیان کوی دوست، قم: انتشارات مؤسسه فرهنگ طه، 1378 ش، ص 45.

2. عروه الوثقی، ج 2، ص 246.

3. جواهر الکلام، ج 17، ص 161.

4. علی مصباح نهاوندی، خلعت اعتکاف، ص 153.

و صرف وقت نسبتاً زیادی است و ممکن است موجب پایمال شدن حق کسی شود، لذا یکی از شرایطی که برای آن ذکر می‌کنند؛ اجازه‌ی صاحب اجازه است. به عنوان مثال اگر فرزندی بخواهد معتکف شود و این کار او موجب آزار و اذیت پدر و مادر شود و یا به هر علتی به او اجازه اعتکاف ندهند، اعتکافش صحیح نیست. همچنین اگر زنی بخواهد معتکف شود و این کار با حق شوهرش منافات داشته باشد یا بدون اجازه‌ی شوهر از خانه خارج شود، اعتکاف او اشکال دارد. افزون بر آن اگر کسی طبق قراردادی مانند اجاره باید مدت زمانی را در اختیار فرد یا سازمانی باشد نمی‌تواند بدون اجازه صاحب (کار) به اعتکاف برود زیرا حق او با اعتکاف او ضایع می‌گردد. شهید اول در دروس، فرزند، اجیر و میهمان را به آنها اضافه کرده است.^۱

موانع اعتکاف

۱. الزام یا اجبار به خروج

هرگاه معتکف دچار مرض جنون یا حیض یا بیهوشی شود و یا سلطان ظالم او را طلب کند طوری که بر جان یا مالش بیم داشته باشد؛ می‌تواند خارج شود و اگر خروجش بعد از گذشتن اکثر مدت اعتکاف باشد، بعد از زوال عذر که به مسجد برگشت، باید بنا بگذارد بر آنچه انجام داده و اعتکاف را ادامه دهد و اگر بیشتر از نصف را نگذرانده، باید اعتکافش را استیناف کند چه اعتکافش واجب باشد چه مستحب و چه همراه با شرط رجوع باشد و چه نباشد و هر کس از اعتکاف خارج شود چه به خاطر عذر و چه غیر عذر، واجب است آن را قضا کند چه اعتکافش واجب باشد چه مستحب، زیرا، دخول در اعتکاف واجب می‌شود، مگر این که شرط رجوع کند.^۲

۱. عاملی، ابو عبدالله شمس الدین محمد بن مکی (شهید اول) الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه،

تصحیح سید مهدی حسنی، قم؛ انتشارات صادقی، بی تا، ص ۸۰-۸۱.

۲. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۱۸۰.

2. طلاق رجعی زن

زن باید حتماً در مسجد جامع معتکف شود نه در غیر آن، حتی اگر زنی در خانه خود مکانی را برای نماز قرار داده باشد حق ندارد در آن جا اعتکاف کند و باید حتماً در مسجد جامع معتکف شود ولی بعضی از اهل سنت، اعتکاف زن را در جایگاه مخصوص نماز در خانه‌اش تجویز کرده‌اند.

اگر معتکفه طلاق رجعی داده شود باید از مسجد به سوی منزلش خارج شود، این حکم مورد اتفاق همه‌ی علما است و عمده دلیل نیز همین اتفاق علماست.

3. نذر اعتکاف بدون شب‌های میانی

صاحب جواهر بیان نموده‌اند: «اگر شخصی نذر کند سه روز بدون شب‌های میانی، اعتکاف کند صحیح نیست»¹ ولی مرحوم شیخ در کتاب خلاف معتقدند صحیح است، زیرا هر که بگوید: «برای خدا بر عهده‌ی من است که سه روز معتکف شوم برای او سه روز بدون شب، لازم می‌شود و اگر بگوید سه روز متعاقباً و پشت سر هم معتکف شوم، آن گاه بر او لازم است دو شب میانی را هم اعتکاف کند ولی بدون شرط متابعت، اعتکاف سه روز بدون شب‌هایش جایز است»².

اعتکاف در روز عید فطر و عید قربان

اعتکاف در روز عید فطر و عید قربان و دو روز قبل از عید به طوری که روز سوم آن عید باشد صحیح نیست، زیرا اعتکاف بدون روزه صحیح نمی‌باشد و روزه در اعیاد فطر و قربان باطل می‌باشد.³

1. کسانی که نمی‌توانند به دلیلی روزه بگیرند

1. علی مصباح نهاوندی، خلعت اعتکاف، ص 61

2. جواهر الکلام، ج 17، ص 169

3. همان، ص 164

2. کسی که نمی‌تواند روزه بگیرد مانند مسافر، مریض، زن حائض یا نفسا و کسی که عمدأ روزه نگیرد، اعتکافش صحیح نیست.

اقسام اعتکاف^۱

اعتکاف دارای اقسامی به شرح ذیل است:

1. واجب معین؛ آن است که پس از شروع، قطع نمودن آن جایز نیست. اگر اعتکاف، واجب معین باشد یعنی وقت مشخصی داشته باشد مثلاً نذر کرده از بیست و یکم تا بیست و ششم ماه رمضان در مسجد معتکف شود، همین که اعتکاف را شروع کرد، اتمام آن واجب و قطع آن واجب نیست.
2. واجب موسع؛ آن است که پس از تکمیل دو روز، قطع نمودن آن جایز نیست. اگر اعتکاف واجب موسع باشد، یعنی وقت آن وسعت داشته باشد مثلاً نذر کرده باشد که امسال یا در این ماه سه روز معتکف شود و یا این که اعتکاف مستحب باشد، تا قبل از تکمیل دو روز می‌تواند آن را رها کند مثلاً در روز اول، شب اول یا روز دوم، ولی اگر اعتکاف را رها نکرد و در مسجد ماند تا غروب روز دوم، در این صورت بر او واجب است که اعتکاف را کامل کند و روز سوم را بماند.
3. مستحبی؛ آن است که پس از تکمیل دو روز، قطع نمودن آن جایز نیست.^۲ آن چه مشخص است این است که اعتکاف در اصل مستحب می‌باشد، اما بعد از اتمام دو روز اول، ادامه‌ی آن واجب می‌گردد.

کیفیت اعتکاف

انسان می‌تواند اعتکاف را برای خود یا برای دیگران به جای آورد، که به قسم دوم

1. علی مصباح نهاوندی، خلعت اعتکاف، ص 65.

2. جواهرالکلام، ج 17، ص 190، العروه الوثقی، ج 2، ص 241.

(برای دیگران) اعتکاف نیابتی گفته می‌شود و در واقع می‌توان اعتکاف را به سه صورت ذیل به جای آورد:

1. به اصالت و از جانب خود؛
2. به نیابت شخص که زنده است؛
3. به نیابت از میت.

در صورت اول، بدون تردید (انجام اعتکاف) جایز و صحیح است، اما در مورد نیابت از شخص زنده، در بین فقها، اختلاف نظر وجود دارد و بسیاری از فقها در درستی چنین اعتکافی، تردید کرده‌اند و اگر اعتکاف را به نیابت از کسی که از دنیا رفته به جای آورد، در این صورت اعتکاف را تنها به نیابت از یک نفر می‌تواند انجام دهد، ولی اگر مقصود، اهدای ثواب باشد، می‌تواند ثواب اعتکاف را به چند نفر زنده یا مرده اهدا کند.^۱

اسباب وجوب اعتکاف

اعتکاف در اصل مستحب می‌باشد، ولی ممکن است به سبب نذر، عهد یا قسم واجب گردد. این نوع از اعتکاف بدین صورت می‌باشد که مثلاً انسان نذر کند یا با خدای خود و یا دیگری عهد کند و یا قسم بخورد که اگر در فلان کار موفق شد، یا از فلان بیماری شفا پیدا کرد، چند روز در مسجد معتکف شود.^۲

شرط ضمن عقد بدین صورت است که مثلاً هنگام قرارداد اجاره منزل، صاحب خانه، شرط می‌کند که مستأجر هر سال پنج روز در مسجد معتکف شود و مستأجر نیز این شرط را می‌پذیرد.^۳

اجاره: بدین صورت که مثلاً شخص اجیر می‌شود که با دریافت مزد یا بدون

1. علی مصباح نهاوندی، خلعت اعتکاف، ص 85.

2. العروه الوثقی، ج 2، ص 246.

3. همان.

دریافت مزد از طرف میّت در مسجد معتکف شود، که این اعتکاف نیز همانند نماز استیجاری واجب است.^۱

امام خمینی + می فرمایند: «اعتکاف در اصل شرع مقدس اسلام، مستحب می باشد و چه بسا به واسطه ی نذر، عهد، قسم، اجاره و مانند آن واجب گردد».^۲

محرمات اعتکاف

از وجوه تمایز اعتکاف در اسلام با سایر ادیان، محرمات اعتکاف است، زیرا ممکن است بسیاری از کارهایی که در اسلام بر معتکف حرام است در سایر ادیان حرام نباشد اما امور متعددی که بر شخص معتکف حرام است عبارت اند از:

1. مباشرت زوجین همراه با شهوت

مباشرت، هم بستری، لمس و تقبیل (بوسیدن) زوجین، اگر همراه با شهوت و تهییج شهوانی باشد از محرمات اعتکاف می باشد. این حرمت هم چنان که شامل مردان است، شامل زنان معتکف نیز می شود، یعنی چه از طرف زوج شروع شود و چه از طرف زوجه در حرمت تفاوتی نمی کند و نگاه کردن همراه با تهییج از طرف هر کدام باشد مخالف احتیاط است.^۳ قرآن کریم می فرماید: ﴿وَلَا تَبْلُثِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ...﴾^۴؛ در حالی که در مساجد به اعتکاف پرداخته اید، با زنان آمیزش نکنید.

حرمت این عمل از سه جهت است:

الف) مکان عبادت؛

1. همان، ج 2، ص 246

2. موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، مترجم علی اسلامی، قم؛ دفتر انتشارات اسلامی

1387 ش، ج 1، ص 304.

3. جواهر الکلام، ج 17، ص 545.

4. بقره، 187.

ب) روزه؛

ج) اعتکاف.

2. استمنا

یعنی انسان با خود کاری کند که از او منی بیرون آید؛¹ و دلیل حرام بودن استمنا در حین اعتکاف، به این دلیل است که فرد روزه‌دار می‌باشد و عمل استمنا افزون بر حرمت ذاتی در زمان روزه‌داری به سبب ایجاد جنابت و ابطال روزه، حرام است.

3. استمشام بوی خوش با نیت لذت

استمشام بوی خوش با نیت لذت حرام است و حتی بعضی از فقها استمشام بدون قصد لذت آن را نیز منع نموده‌اند.²

4. خرید و فروش

انواع تجارت و معامله بر متکلف حرام است، مگر این که ضرورتی پیش آید، اما اشتغال به امور مباح دنیوی هم چون خیاطی، کندن مو، صید و عقد نکاح بر معتکف حرام نمی‌باشد.³

5. مجادله و مناقشه

مجادله و مناقشه در امور دنیوی یا دینی به قصد غلبه بر طرف مقابل و اظهار فضل و برتری حرام می‌باشد، اما به قصد روشن شدن حقیقت و نجات طرف مقابل از اشتباه و خطا مانعی ندارد.⁴ زیرا در حین انجام اعتکاف باید اخلاص شخص در حد اعلی

1. جواهر الکلام، ج 17، ص 202

2. همان.

3. همان، ص 202 - 203.

4. جواهر الکلام ص 203.

باشد و یکی از فلسفه‌های انجام اعتکاف مهرورزی به هم نوع و کمک به مردم در رفع گرفتاری است.

6. محرّمات روزه

آنچه بر روزه دار حرام است بر شخص معتکف نیز حرام می‌باشد. صاحب جواهر بیان می‌کند: در حال روزه، یعنی از طلوع تا غروب خورشید که معتکف روزه می‌گیرد باید از محرّمات روزه نیز اجتناب نماید؛ این محرّمات عبارت‌اند از جماع، خوردن و آشامیدن، استمنا و همانند آن در مفطرات روزه.^۱

قضا و كفاره اعتكاف

اگر اعتکاف با یکی از مبطلات باطل شود، سه صورت پیدا می‌کند:

1. اگر اعتکاف از نوع واجب معین باشد واجب است قضای آن را به جای آورد.^۲
 2. اگر اعتکاف واجب غیر معین باشد، واجب است اعتکاف را از سر بگیرد یعنی در روزه باید اعتکاف را به پایان ببرد، سپس دوباره آن را از سر بگیرد.^۳
 3. اگر اعتکاف مستحب بوده و فساد آن بعد از پایان دو روز اول باشد، واجب است آن را قضا کند و اگر فساد آن قبل از پایان روز دوم باشد چیزی بر عهده‌اش نیست بلکه در مشروع بودن قضای اعتکاف در صورت اخیر، اشکال است.^۴
- در قضای اعتکاف فوریت واجب نیست؛ اگر چه احتیاط مستحب آن است که فوراً قضا کند. اگر شخص معتکف در اثنای اعتکافی که به جهت نذر یا مثل آن بر

1. همان، ص 204.

2. همان، ص 207-208.

3. همان، ص 208.

4. جواهر الکلام ص 208.

او واجب بوده بمیرد، قضای آن بر ولی او واجب نیست؛ اگر چه احوط است ولی اگر نذر کرده باشد که در حال اعتکاف روزه بگیرد (یعنی متعلق نذر او روزه باشد) بر ولی او واجب است قضای آن را به جای آورد زیرا آن چه برای او واجب بوده روزه است و اعتکاف از باب مقدمه بر او را واجب می‌گردد؛ به خلاف وقتی که نذر او متوجه اعتکاف باشد که در این صورت روزه اصالتاً بر او واجب نیست، بلکه وجوب آن از این جهت است که یکی از شروط صحت اعتکاف روزه داشتن است و فرض این است که آن چه از میت بر ولی او واجب است فقط نماز و روزه است نه تمامی عباداتی که از او ترک شده است.^۱

فرع اول) حکم اعتکاف زن معتکف در حال حیض

هر گاه زن دچار قاعدگی شود بر وی لازم است از مسجد بیرون بیاید. زن معتکف اگر حائض شد باید به خانه برگردد و وقتی که پاک شد، دوباره به مسجد مراجعه کرده و قضای آن را به جای آورد.

فرع دوم) موت معتکف در حین اعتکاف

هر کس قبل از انقضای اعتکاف واجب از دنیا برود و این وجوب اعتکاف به واسطه‌ی مجرد شروع باشد یا به واسطه‌ی گذشتن دو روز یا به واسطه‌ی نذر یا عهده یا امثالهم؛ بعضی گفته‌اند که بر ولی او واجب است به اعتکاف او قیام کند و آن را انجام دهد و بعضی گفته‌اند می‌تواند برای این امر اجیر بگیرد، ولی نظر اول در نزد مرحوم محقق و علامه شبیه‌تر به اصول مذهب و قواعد آن است و اصل در این مساله همان چیزی است که در مبسوط گفته شده است: «در میان علمای امامیه افرادی معتقداند که هر کس قبل از پایان مدت اعتکاف بمیرد، باید ولی او، آن اعتکاف را قضا کند یا از مال خود برای انجام اعتکاف اجیر بگیرد...»^۲

1. مصباح نهاوندی، علی، خلعت اعتکاف، ص 93-94

2. جواهر الکلام، ج 17، ص 205 و مصباح نهاوندی، خلعت اعتکاف، ص 94-95.

کفاره‌ی اعتکاف

اکثر فقها کفاره‌ی اعتکاف را مثل کفاره‌ی ماه رمضان می‌دانند؛ یعنی آزاد کردن یک بنده یا روزه گرفتن شصت روز پیاپی و یا اطعام شصت فقیر، ولی عده‌ی اندکی هم ترتیب را لازم شمرده‌اند که اول باید یک بنده آزاد کند و در صورت عدم استطاعت، شصت روز پشت سر هم روزه بگیرد و اگر بر این نیز قدرت ندارد، شصت فقیر را اطعام کند.

اگر اعتکاف بر او واجب باشد و در ماه رمضان نیز واقع شده باشد و آن را در روز با جماع باطل کند، دو کفاره بر عهده‌ی اوست: یک کفاره برای اعتکاف و کفاره‌ی دیگر برای افطار در روز ماه رمضان و نیز اگر اعتکاف او همراه با قضای روزه ماه رمضان باشد و با جماع در بعد از ظهر آن روز، روزه‌اش را باطل کند، هم کفاره‌ی اعتکاف و هم کفاره‌ی قضای ماه رمضان بر او واجب است.^۱

زمان اعتکاف

اعتکاف از نظر زمان، محدود به وقت خاصی نیست و تنها از آن رو که لازمه‌ی اعتکاف روزه گرفتن است، باید در زمانی معتکف شد که شرعاً بتوان روزه گرفت و بهترین زمان برای انجام آن ماه رمضان بخصوص دهه‌ی آخر این ماه مبارک به تأسی از سیره نبی گرامی اسلام^۲ است زیرا آن حضرت بر اعتکاف در دهه‌ی آخر رمضان توجّهی خاص داشته‌اند.^۲

1. مؤسسه فرهنگی دارالهدی، اعتکاف ابرار، ص 212.

2. وسائل الشیعه، ج 10، ص 533-534. طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، المبسوط فی فقه الامامیه، تصحیح و تعلیق، سید محمد تقی کشفی، نشر مکتبه المرتضویه الاحیاء و الآثار الجعفریه، بی تا، ج 1، ص 289.

1. برترین اوقات اعتکاف در احادیث

اگرچه برگزاری اعتکاف در همه‌ی روزهای سال، مستحب می‌باشد اما برترین زمان برای برگزاری اعتکاف، مطابق با روایات متعدد، ماه مبارک رمضان، بخصوص دهه‌ی سوم این ماه می‌باشد.

امام صادق × فرمودند: «رسول خدا^۱ در ماه رمضان اول، در دهه‌ی اول به اعتکاف پرداختند و در ماه رمضان دوم، در دهه‌ی دوم معتکف شدند و در ماه رمضان سوم در دهه‌ی آخر به اعتکاف مشغول شدند و آن‌گاه دائماً در ماه‌های رمضان تا آخر عمر شریفشان در دهه‌ی آخر به اعتکاف قیام نمودند».^۱

هم‌چنین امام صادق × از پدرانش به نقل از پیامبر^۲ نقل نموده‌اند: «ده روز اعتکاف در ماه رمضان معادل است با دو حج و دو عمره».^۲

شایان ذکر است که لازمه‌ی اعتکاف روزه گرفتن است پس باید زمانی معتکف شد که بتوان شرعاً روزه گرفت و هر گاه روزه گرفتن صحیح باشد، اعتکاف نیز صحیح است و در کنار دهه‌ی آخر ماه مبارک رمضان، ایام البیض (سیزدهم، چهاردهم، پانزدهم) ماه رجب از جمله ایامی است که روزه گرفتن و اعتکاف در آن ایام از فضیلت بالایی برخوردار می‌باشد زیرا ماه رجب دارای فضیلت خاصی است، چنان که از حضرت امام موسی کاظم × نقل شده است: «رجب نام نه‌ری در بهشت است که از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر است، هر کس یک روز از ماه رجب را روزه بگیرد از آن نهر می‌آشامد».^۳

2. برترین اوقات اعتکاف در سخن فقهای امامیه

اگرچه اعتکاف و گوشه‌نشینی، دوری از قیل و قال‌های مردم، و راز و نیاز با معبود

1. جواهر الکلام، ج 17، ص 160.

2. وسائل الشیعه، ج 10، ص 543.

3. همان، ص 473.

واقعی در همه‌ی زمان‌ها، کاری پسندیده و نیکوست، اما در بعضی از روزها و ساعات از ویژگی خاصی برخوردار می‌باشد که بزرگان دین به برترین اوقات جهت سنت اعتکاف اشاره نموده‌اند:

صاحب عروه الوثقی می‌نویسد: «اعتکاف در همه‌ی زمان‌هایی که روزه در آن صحیح می‌باشد درست است و برترین وقت اعتکاف ماه رمضان می‌باشد و افضل ایام رمضان جهت اعتکاف دهه‌ی آخر این است».^۱ در پایان با عنایت به سیره‌ی پیامبر گرامی اسلام و اهل بیت عصمت و طهارت^۲، نتیجه می‌گیریم که برترین زمان برای انجام اعتکاف، دهه‌ی آخر ماه مبارک رمضان می‌باشد.^۳

نتیجه‌گیری

اعتکاف در لغت به معنای اقامت گزیدن در جایی است به طوری که فرد مقیم، خود را محبوس و مستلزم به آن مکان بداند و این استلزام ناشی از اهمیت و عظمت آن موضوع باشد. و اعتکاف در اصطلاح به معنای اقامت گزیدن در مسجد برای عبادت خداوند متعال است.

اعتکاف از آن جهت که عبادت است همانند سایر عبادات، دارای فضیلت و ارزش بسیار والایی است. عباداتی که هر یک به تنهایی برای پیشبرد انسان در مسیر بی‌انتهای کمال، دارای آثار و برکات فراوان و فضیلت بسیارند و تنها جزیی از این عبادت (اعتکاف) به شمار می‌آیند.

تفکر، روزه، نماز، قرائت قرآن، تهجد، دعا، حضور در مسجد، جماعت، ذکر خداوند متعال و... از جمله کارهایی هستند که معتکفان در طول روزهای اعتکاف به آنها مشغول‌اند.

1. العروه الوثقی، ج 2، ص 244.

2. علی مصباح نهاوندی، خلعت اعتکاف، ص 78-79.

در اعتکاف رعایت آدابی ضروری است و از جمله آداب ظاهری آن، اعتکاف در ماه رجب و رمضان است که اعمال مشترک و مخصوصی هم دارند که در اعتکاف به آنها نیز پرداخته می‌شود. از جمله آداب باطنی اعتکاف، نیز می‌توان اخلاص در عبودیت، استغفار، اشتغال به امور آخرت و رعایت حال دیگر معتکفان را می‌توان برشمرد.

در صحت اعتکاف اموری شرط است که به عنوان شرایط اعتکاف و شرایط معتکف بیان شد و از جمله شرایط اعتکاف این است که از سه روز کم‌تر نباشد، در مسجد جامع برگزار گردد و دارای پیوستگی باشد.

معتکف هم باید دارای شرایطی باشد؛ از جمله اعتقاد به اسلام، عقل و قدرت و با قصد قربت اعتکاف را شروع نماید و از صاحب اجازه، اجازه داشته باشد مانند فرزند که باید از پدر و مادر اجازه بگیرد و موجب آزار آنها نشود.

از شمار موانع اعتکاف این است که اگر معتکفه، طلاق رجعی داده شود باید از مسجد به سوی منزلش خارج شود که این حکم مورد اتفاق همه‌ی علماست. همچنین نذر اعتکاف بدون شب‌های میانی صحیح نمی‌باشد و اعتکاف در روز عید فطر و عید قربان، باطل است.

اعتکاف در اصل مستحب است، ولی ممکن است به سبب نذر، عهد یا قسم، شرط ضمن عقد، اجاره واجب گردد. همچنین بعد از اتمام دو روز اول، ادامه‌ی آن واجب می‌گردد.

انسان می‌تواند اعتکاف را برای خود یا برای دیگران به جای آورد، که به قسم دوم (برای دیگران) اعتکاف نیابتی گویند.

از محرمات اعتکاف، مباشرت زوجین همراه با شهوت، استمنا و استشمام بوی خوش با نیت لذت، خرید و فروش و مجادله و مناقشه است.

در مبسوط گفته شده است: «در میان علمای امامیه افرادی معتقداند که هر کس

قبل از پایان مدّت اعتکافش بمیرد، باید ولی او، آن اعتکاف را قضا کند یا از مال خود برای انجام اعتکاف اجیر بگیرد.^۱ و هم چنین اکثر فقها، کفّاره‌ی اعتکاف را مثل کفّاره‌ی ماه رمضان می‌دانند؛ یعنی آزاد کردن یک بنده یا روزه گرفتن شصت روز پیایی و یا اطعام شصت فقیر ولی عده‌ی اندکی هم ترتیب را لازم شمرده‌اند و بر هر کدام که قدرت ندارد بعدی را انجام دهد. و اعتکاف از نظر زمان، محدود به وقت خاصی نیست تنها از آن رو که لازمه‌ی اعتکاف روزه گرفتن است، باید در زمانی معتکف شود که شرعاً بتوان روزه گرفت و بهترین زمان برای انجام آن ماه رمضان به خصوص دهه‌ی آخر این ماه مبارک به تأسی از سیره‌ی نبی اکرم^۲ می‌باشد زیرا آن حضرت بر اعتکاف در دهه‌ی آخر ماه رمضان توجّهی خاص داشتند.

1. جواهر الکلام، ج 17، ص 205.

2. وسائل الشیعه، ج 10، ص 533-534.

منابع

قرآن کریم

1. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، لبنان؛ دارالاحیاء التراث العربی، چاپ اول، بی تا.
2. تجلیل، ابوطالب، ارزش ها و ضد ارزش ها در قرآن، قم: انتشارات جامعه مدرسین، 1366 هـ.ش.
3. درویش گفتار، احمد، با راهیان کوی دوست، قم؛ انتشارات مؤسسه فرهنگ طه، 1378 هـ.ش.
4. طبیبیان، سید حمید، فرهنگ لاروس عربی به فارسی، تهران؛ انتشارات امیرکبیر، 1370 هـ.ش.
5. عمید، حسین، فرهنگ فارسی عمید، تهران؛ انتشارات امیرکبیر، 1369 هـ.ش.
6. کلینی، ابی جعفر، محمد بن یعقوب بن اسحاق، فروع کافی، تصحیح و مقابله، علی اکبر غفاری، تهران؛ دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
7. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، چاپ دوم، بیروت؛ مؤسسه الوفا، 1403 هـ.ش.
8. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، چاپ چهارم، قم؛ دفتر تبلیغات اسلامی، 1371 هـ.ش.
9. محمودزاده حسینی، سید حمید، اعتکاف در خلوت انس، چاپ اول، قم؛ انتشارات قدس، 1375 هـ.ش.

10. مصباح نهاوندی، علی، خلعت اعتکاف، قم؛ بیت‌الاحزان، چاپ اول، 1389 هـ.ش.
11. مؤسسه دارالهدی، اعتکاف ابرار، چاپ چهارم، قم؛ خلق، 1386 هـ.ش.
12. موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، مترجم علی اسلامی، قم؛ دفتر انتشارات اسلامی، 1387 هـ.ش.
13. مؤیدی، مهدی، اعتکاف (عبادتی فراگیر و گامی به سوی مسجدشناسی) قم؛ نشر معروف، 1386 هـ.ش.

منابع عربی

1. جناحی، جعفر، کشف الغطاء، اصفهان؛ علوی، بی‌تا.
2. حلّی، حسن بن یوسف بن المطهر، تذکره الفقهاء؛ قم، مؤسسه‌ی آل‌البیت^ع، بی‌تا.
3. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت؛ منشورات دار مکتبه الحیاء، بی‌تا.
4. شیخ صدوق، علل الشرایع، نجف؛ مکتبه الحیدریه، 1386 هـ.ق.
5. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، چاپ دوم، تهران؛ دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1368 هـ.ش.
6. طوسی، ابی جعفر بن الحسن، المبسوط فی فقه الامامیه، تصحیح و تعلیق؛ سید محمد تقی کشفی، نشر مکتبه المرتضویه الاحیاء و الآثار الجعفریه، بی‌تا.
7. عاملی، ابو عبدالله شمس الدین محمد بن مکی (شهید اول)، الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، تصحیح سید مهدی حسینی، قم؛ انتشارات صادقی، بی‌تا.
8. عاملی، حر، وسائل الشیعہ، دارالاسلامیه، 1409 هـ.ق.
9. فیروز آبادی، مجد الدین محمد بن یعقوب، قاموس اللغه، بیروت؛ دارالحیاء التراث العربی، بی‌تا.
10. مصطفوی، حسین، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر

کتاب، 1360 هـ.ش.

11. مقری فیومی، احمد بن محمد بن علی، مصباح المنیر، قم؛ دار المکتب العلمیه، چاپ هفتم، 1928 هـ.ق.

12. نجفی، محمد حسین، جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام، بیروت؛ دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، 1412 هـ.ق.

13. نوری طبسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، تحقیق مؤسسه آل البيت^ع، چاپ دوم، 1408 هـ.ق.

اعتکاف، یاد حقّ تعالی، آرامش روان



آفرین قائمی*

چکیده

اعتکاف بهترین فرصتی است که برای بهره‌برداری از ارتباط با خالق هستی، از طریق عبادت و ذکر و یاد آن ذات اقدس فراهم شده است. در محافل اعتکاف تنها چیزی که اصالت می‌یابد، ذکر و یاد خدا - جلّ جلاله - می‌باشد. لکن باید توجه نمود که اذکار، انواع و جایگاه‌های متفاوتی دارند و هر ذکر متناسب با شرایط و حالات ویژه فرد یا جامعه ارایه شده و در شرایط و آداب مربوط به خود مؤثر واقع می‌شود. این مختصر در پی آن است که با بیان اهمیت و جایگاه ذکر حقّ تعالی در تعالی و آرامش روحی و روانی بشر و اتصال وی به هدف نهایی خلقتش، یعنی بر سر نهادن تاج کرامت خلافت الهی، اهمیت و جایگاه اعتکاف را با استناد به کرام قرآنی، تبیین و نقش آن در خودسازی و دیگرسازی را بررسی نماید.

* دکتری مدرسی معارف (گرایش اخلاق اسلامی)؛ از دانشگاه باقرالعلوم قم و سطح 4 اسلام شناسی از جامعه الزهرا؛ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز و دانشگاه علوم پزشکی شیراز vqaimi@gmail.com

واژگان کلیدی

اعتکاف، ذکر، تهجد، آرامش روحی و روانی، خلافت الهی انسان.

مقدمه

انسان در طول زندگی خویش مبتلا به انواع مختلف مشکلات گشته و باید با آنها دست و پنجه نرم نماید، تا توان جسمی و روحی خود را به امتحان نهد و نفس خویش را متعالی نماید. این مصائب و مشکلات در واقع تنور آدم‌سازی است که انسان در آن پخته شده و مهیای ورود به مراحل بعدی می‌گردد. واژه «امتحان» از «محن و محنت و غم» آمده و واژه «بلا» از «بَلَى الثَّوب» (پوسیده شد لباس) گرفته شده است. سرافراز بیرون آمدن از ابتلاآت و امتحانات الهی کار ساده‌ای نیست، چنان‌که رسیدن به مقام قرب الهی و محبوب آن بارگاه شدن نیز هزینه‌ی بسیار دارد؛ هر سفری و هر کسبی توشه و سرمایه‌ی خاص خود را طالب است. سرمایه مهم و مناسب توفیق در این میدان نیز «ذکر الهی» است.

با توجه به معنای لغوی ذکر و کاربردهای قرآنی آن چنان‌که ذکر مسبوق به غفلت یا نسیان است، که آن دو نیز مسبوق به علم قبلی حصولی یا حضوری (مغفول عنه) اند؛ می‌توان گفت ذکر و نسیان از باب عدم و ملکه است و به همین جهت انتساب «ذکر» به موجودات تکوینی غیر ذی‌شعور و بلکه ملائکه و ... بی‌مورد است و در خصوص قدسیان هیچ کاربردی در قرآن ندارد. آنچه در قرآن کریم به موجودات تکوینی و هم‌چنین به ملائکه و قدسیان حول عرش نسبت داده شده صرفاً «تسبیح» است که گاه به تنهایی و گاه همراه با «حمد» آمده است. ﴿إِذْ قَالَ رَبِّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي ... قَالُوا ... وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ﴾¹ (بقره 30/2؛ و نیز مؤمن 7/40؛ نور 41/24؛ اولین

1. به جهت محدودیت صفحات مقاله از ترجمه و تفسیر آیات و ... منصرف شده و خلاصه همه، در قسمت آخر می‌آید.

آیه سور مسبّحات ۱؛ اسرا 44/7؛ ص 19/38-17؛ انیا 79/21)
 پس ذکر تنها مخصوص انسان است، چنان که به نقلی ریشه واژه انسان از «نسیان»
 (فراموشی) است، پس نیازمند به یادآوری و نیز همدمی با آنی است که واقعاً همدم
 اوست، چنان که به نقلی دیگر ریشه‌ی انسان از «انس» است. از سوی دیگر واژه
 اعتکاف از «عکف و عکوف» به معانی بازداشتن و بند کردن و گوشه‌نشین شدن و
 خلوت گزیدن گرفته شده است. در اصطلاح، اعتکاف بست نشستن مؤمن برای
 عبادت در مسجد یا یکی از حرم‌ها، به مدت سه روز همراه با روزه و با رعایت
 شرایط خاص است و از آن جا که اعتکاف ذکر حقّ تعالی است، این نوشتار عهده-
 دار تبیین مصادیق مختلف ذکر و کاربردهای هر یک در مواضع خاصّ خود - در
 حال اعتکاف - است تا آثار هر یک به طور مناسب و کامل حاصل آید. بنابراین
 مسأله محوری و سؤال اساسی این نوشتار مختصر این است که: «ذکر دارای چه
 مصادیق و کاربردهایی است و هریک چگونه در تعالی وجودی و آرامش روانی
 انسان معتکف مؤثر واقع می‌شوند؟»

گونه‌های ذکر

الف) تسبیح و حمد تکوینی؛ به سان سایر موجودات (ساختار جسمانی و روحی
 انسان بر کمالات حقّ تعالی و مبرّا بودن آن ذات اقدس از هر عیب و نقص گواهی
 می‌دهند)؛

ب) ذکر قلبی؛ دائماً به یاد خدا بودن و خدا را مدّ نظر داشتن و به فکر عواقب
 اخروی اعمال بودن؛

ج) ذکر لسانی؛ گفتن تکبیر، تهلیل، تسبیح و حمد و استغفار و ... با زبان؛

1. یعنی حشر 59، حدید 57، صف 61، جمعه 62، تغابن 64، اعلی 87.

(د ذکر جوارحی؛ انجام واجبات و طاعات و عبادات، همراه با ترک محرمات و قبايح و ... (تقوا و ورع با احساس حضور و نظارت الهی، در هر وضعی و موقعیتی).
آن چه مصطلح و معروف است همان ذکر لسانی است؛ لکن آن چه مؤثرتر است ذکر جوارحی و جوانحی است. از ذکر قلبی و جوارحی است که به تقوا و نیز خلوص می توان تعبیر نمود. در قرآن کریم از میان اذکار لسانی به تسبیح، تکبیر و استغفار امر شده و از میان افعال به نماز، تلاوت زکات و ... به عنوان ذکر جوارحی حقّ امر شده است.

اسباب و مصادیق ذکر:

- 1) تلاوت قرآن کریم: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ (حجر 9/15 و 6 و نیز انبیا 50/21 و 1 و ...؛
- 2) یاد و توجه به اوصاف خداوند متعال: ﴿وَأَذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبْتَئِلْ إِلَيْهِ تَبْتِئِلًا﴾ (مزمل 8/73) ﴿أَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ ... وَ لَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ﴾ (عنکبوت 45/29)؛
- 3) یاد قیامت: ﴿إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ﴾ (ص 46/38 و فجر 23/89)
- 4) نماز: ﴿فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾ (طه 14/20) ؛ ﴿وَذِكْرُ اسْمِ رَبِّهِ فَصَلِّ﴾ (اعلی 15/87) و ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ﴾ (جمعه 62/9) ؛
- 5) ابلاغ پیام الهی (رسول): ﴿قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا * رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ﴾ (طلاق 10/65-11 و مرسلات 5/77)؛

1. از آن جا که مصادیق ذکر به لحاظی ابزار و راه های ذکر نیز هستند، به جهت عدم تکرار یا تداخل مباحث، با هم مورد بررسی قرار می گیرند.

(6) توجّه به خلقت و نعمات الهی: ﴿تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا * وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَن أَرَادَ أَن يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا﴾ (فرقان 62/25 و 61؛ نیز: زمر 21/39 و ...)؛

(7) ایام الله: ﴿وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾ (ابراهیم 5/14)؛

(8) عبرت و درس و الگوگیری از جریانات تاریخ (قصص انبیا و سرگذشت انسان‌های دیگر): ﴿لَوْ أَنَّنَا ذُكِّرْنَا مِّنَ الْأَوَّلِينَ * لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمَخْلُصِينَ﴾ (صافات 168-169/37) و ﴿فَلَسْتَجِيبُنَا لَهُ ... رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَذِكْرَىٰ لِلْعَابِدِينَ﴾ (انبیا 84/21 و 24 و بلکه کل سوره انبیا)؛

(9) سجده و حمد و ثنای الهی: ﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ﴾ (حجر 98/15)؛

(10) توکل علی الحیّ الذی لایموت و سبّح بحمده ﴿(فرقان 58/25)؛

(11) صبر: ﴿فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ﴾ (طه 130/20).

محل‌های ممتاز برای ذکر

(1) مساجد: «مَن أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَن يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ» (بقره 114/2؛ نیز: جن 18/72)

(2) بیوت خاص: ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ ... فِي بُيُوتِ أَذُنَ اللَّهِ أَن تَرَفَّعَ وَيُذْكَرَ فِيهِ اسْمُهُ يَسْبِّحُ لَهُ بِالْغَدَقِ وَالْإِصَالِ * رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ ...﴾ (نور 24/35-37). بنا به روایات و تفاسیر مختلف مراد از این بیوت خاص، مشاهد مشرفه (حرم‌ها) و اماکن متبرکه به قبور یا حضور اولیاء الله می‌باشد، چنان‌که برای اعتکاف نیز مساجد جامع شهرها، مسجد الحرام، مسجد النبی و حرم‌های ائمه^ع معرفی شده‌اند.

زمان‌های ممتاز برای ذکر

1) کلّ عمر و آنات زندگی: ① **أولم نَعْمَرَكُم ما يَتَذَكَّر فيه من تَذَكَّر و جاءكم النذير** (یس 37/35)؛ بنا به این کریمه کل عمر فرصت متذکر شدن و به خود آمدن است، بخصوص دوران رشد و جوانی؛ اما ذکر در ازمنه‌ی خاصی دارای ویژگی و رجحان ویژه است.

2) صبحگاهان و غروب: ① **بالغدوّ و الاصال** (احزاب 42/33-41) و ① **بالعشی** و ① **و الإبکار** (غافر 55/40)؛ ① **قبل طلوع الشمس و قبل الغروب * من اللیل فسیحه و أدبار السجود** (ق 40/50-39)؛ ① **و اصبر لحکم ربک فانک باعیننا و سیح بحمد ربک حین تقوم * و من اللیل فسیحه و أدبار النجوم** (طور 52/49-48) و نیز انسان 26/76 - 25؛ طه 130/20 و... در روایات شریف نیز بر اوقاتی مثل سحر، شب و روز جمعه، اعیاد و مناسبت‌های دیگر اسلامی، شب‌های ماه رمضان بخصوص شب قدر و مانند اینها تأکید بسیاری شده است چنان‌که برای اعتکاف نیز بر اوقاتی خاصّ مثل ایام البیض رجب، شعبان، ذی‌الحجه و کلّ ماه رمضان، بخصوص دهه آخر آن تأکید خاصی گردیده است؛ لکن بسان خود ذکر، در سایر ایام نیز اگر شرایط فراهم باشد، مناسب است.

شرایط تأثیرگذاری ذکر و تذکر

1. ذاکر ایمان داشته باشد: ① **ذکر فان الذکری تنفع المؤمنین** (الذاریات 51/55)
2. ذاکر صاحب دل بوده و گوش شنوا داشته باشد: ① **إن فی ذلک لذكر لمن کان له قلب أو ألقى السمع و هو شهید** (ق 37/50 و الحاقه 12/69)
3. عبد، منیب باشد، یعنی طالب قرب الهی از در زاری و توبه وارد شود: ① **تبصرة و ذکری لكل عبد منیب** (ق 8/50)
4. ترس از معاد و عقاب بر جاننش نشسته باشد: ① **فذکر بالقرآن من یخاف و عید** (ق 45/50 و مدثر 74/53-49)

5. خاشعانه ذاکر شود: ① أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿١٦٥/٥٧﴾ (حدید 16/57)

6. متقی گردد تا متذکر شود: ① إِنَّهُ لَتَذَكَّرُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٤٨/٦٩﴾ (الحاقه 48/69)

7. اذن الهی و اراده خود فرد در تأثیر نهایی ذکر دخیل است: ① كَلَّا إِنَّهُ تَذَكَّرْهُ * فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ * وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ ﴿٥٤-٥٦/٧٤﴾ (مدثر 54-56/74 و دهر 30/76-31)

8. قلب او مملوّ از خشیت حقّ تعالی باشد: ① فَذَكِّرْ أَنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَى * سَيَذَكِّرْ مَنْ يَخْشَى ﴿٩/٨٧﴾ (اعلیٰ 9/87-10)

با این مشخصه‌های مذکور برای ذکر و ذاکر، شخص معتکف نیز باید تمامی این شرایط را در تمامی مراحل و لحظات اعتکاف رعایت نماید تا بتواند از ذکر که لازمه‌ی لاینفک اعتکاف است، ثمره‌ی کامل و مناسب تعالی خویش را به دست آورد. بدین ترتیب مؤمن متقی با انابه و توبه، همراه با قلبی خاشع و جوارحی خاضع و ترسان و لرزان از مقام ربوبی و خوف عقاب از گناهان در اعتکاف حاضر می‌شود تا به اذن الهی و تمنای واقعی خویش چشم و گوش دل را بر الهامات الهی بگشاید، باشد که در آخرت وارث جنّات نعیم و ناظر بر جمال و جلال حقّ تعالی گردد. وصول بدین مقام همان مقام خلافت الهی است که سبب تمکین و اطاعت ماسواه از این عبد به خدا پیوسته می‌شود.

موانع ذکر و تذکر

1) وسوسه‌های شیطان؛

2) قمار و شراب: ① إِنَّمَا يَرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَ

الْمَيْسِرِ وَيَصَدِّكُمُ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ عَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ ﴿٩١/٥﴾ (مائده 91/5؛ انعام

68/6 و مجادله 19/58)

(3) عدم عزم و اراده قوی: ① **لَقَدْ عٰهَدْنَا اِلٰی اٰدَمَ مِنْ قَبْلِ، فَنَسٰی وَ لَمْ يَجِدْ لَهٗ عِزْمًا** (طه 115/20)

(5) هواپرستی: ① **لَا تَطْعُ مِنْ اَغْلٰنَا قَلْبَهٗ عَنْ ذِكْرِنَا وَ اَتَّبِعْ هَوٰیَهٗ وَ كَانَ اَمْرُهٗ فَرطًا** (کهف 18/28 و 57)

(6) تغافل (کری و کوری باطنی): ① **الَّذِیْنَ کَانَتْ اَعْيُنُهُمْ فِی غِطَآءٍ عَنْ ذِکْرِیْ وَ کَانُوْا لَا یَسْتَطِیْعُوْنَ سَمْعًا** (کهف 101/18)

(7) حبّ افراطی اموال و اولاد: ① **یٰۤاَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا لَا تَلْهٰکُمْ اَمْوَالُکُمْ وَ لَا اَوْلَادُکُمْ عَنْ ذِکْرِ اللّٰهِ** (منافقون 9/63) و ① **لٰکِنْ مَّتَّعْتَهُمْ وَ اَبَآءَهُمْ حَتّٰی نَسُوْا الذِّکْرَ وَ کَانُوْا قَوْمًا بَوْرًا** (فرقان 18/25)

(8) هم نشین بد: ① **یٰۤاِیُّهَا وَلِیَّتٰی لَیِّتٰی لِمَ اَتَّخِذْتُ فُلَانًا خَلِیْلًا** * **لَقَدْ اَضَلّٰنِیْ عَنْ الذِّکْرِ بَعْدَ اِذْ جِئْتِنِیْ** (فرقان 25/29-28)

(9) تمسخر: ① **فَاتَّخَذْتُمُوْهُمْ سَخِرَیًّا حَتّٰی اُنْسُوْکُمْ ذِکْرِیْ وَ کُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحٰکُوْنَ** (مؤمنون 110/23)

(10) اسراف: ① **اَفَنْضَرْبُ عَنْکُمُ الذِّکْرَ صَفْحًا اَنْ کُنْتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِیْنَ** (زخرف 5/43)

(11) قساوت قلب: ① **فَوَیْلٌ لِّلْقَلْبِیْۤهٗ قُلُوْبُهُمْ مِنْ ذِکْرِ اللّٰهِ اُولٰٓئِکَ فِی ضَلٰلٍ مُّبِیْنٍ** (زمر 22/39 و حدید 16/57)

(12) دنیا محوری و فراموشی آخرت: ① **فَاَعْرِضْ عَنْ تَوَلّٰی عَنْ ذِکْرِنَا وَ لَمْ یَرِدْ اِلَّا الْحَیٰوةَ الدُّنْیَا** (نجم 29/53)

با توجّه به این رهنمودها، یک معتکف ذاکر، برای رسیدن به اهداف اعتکاف، باید با اراده‌ای راسخ و ساوس شیطانی را از خود دور نموده و با گزینش مصاحبی مناسب وارد این محفل گردد. در مدّت اعتکاف خود سعی نماید فکر خود را از توجّه به مشکلات یا تعلّقات دنیوی به شغل، اموال، خاندان و مانند اینها فارغ ساخته

و از اسراف در مواقع افطار یا سحری خوردن یا اشتغال به امور بی فائده و بلکه مضرّ به این حالات معنوی پرهیز نماید. در غیر این صورت نباید متوقّع تحقق دستاوردهای اعتکاف که در ذیل با عنوان رهاورد ذکر می آیند، باشد. برعکس نباید خود را از عواقب ترک ذکر مصون بشمارد.

رهاورد ذکر

(1) افزایش ایمان، توکّل و خشوع قلب: ① إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذَكَرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تَلَيَّتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٢٨﴾ (انفال 2/8 و زمر 23/39)

(2) جلب نصرت و عنايات الهی (دریافت امدادهای غیبی): ① فَأَذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ ﴿١٥٢﴾ (بقره 2/152)

(3) آرامش و اطمینان قلب با امید به خداوند برای حلّ مشکلات دنیوی، معنوی و اخروی: ① الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ﴿٢٨﴾ (رعد 28/13)

(4) صبر، اعمال صالح و سبقت بر خیرات: ① الَّذِينَ إِذَا ذَكَرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ الصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمْ وَ الْمَقِئِمِ الصَّلَاةِ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿٣٥﴾ (حجّ 22/35)

(5) طلب خیر و امید برکت: ① فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي ﴿٣٨﴾ (ص 32/38)

(6) مغفرت و ثواب و اجر عظیم: ① وَ الذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَ الذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٣٥﴾ (احزاب 33/35 و یس 36/11)

(7) الگوگیری از نمونه های برجسته: ① لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا ﴿٣٣﴾ (احزاب 33/21)

(8) اقامه دین به وسیله نماز: ① وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى ﴿٨٧﴾ (اعلی 15/87)

(9) راهی جستن به سوی خدا: ① إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ﴿٢٩﴾ (دهر 29/76)

(10) بصیرت (روشن دلی و خوش فهمی با تشخیص صحیح و مناسب): ① تَبَصَّرَةٌ وَ ذَكْرَى ﴿٨٥﴾ (ق 8/50)

(11) رزق خاص الهی (دست گیری و هدایت در مواضع تحیر و شک): ① رَجَالٌ لَا تُلَهِیْهِمْ تِجَارَةٌ وَ... عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ * لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَ يَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ وَ اللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٧﴾ (نور 38/24-37).

معتکف ذاکر که شرایط و آداب ذکر را رعایت و موانع آن را برطرف نموده، پس از خروج از اعتکاف احساس آرامش، اطمینان و معنویت و لذتی شگرف وجود او را فرا می گیرد، لذتی که با تمامی لذات دنیا که در طول عمرش چشیده برابری کرده و بلکه با آنها قابل مقایسه نیست. بنابراین معتکف اگر مراقب باشد و رهاورد اعتکافش را به مرور زمان و اشتغال به امور روزمره از دست ندهد، این عنایات و برکات در طول عمر همراه او بوده و در آخرت دست او را خواهد گرفت. پس بر معتکفان لازم است تا هم فرصت اعتکاف را غنیمت شمرده و از آنات آن بهره ی وافر ببرند و هم با تمرین و تکرار که حداقل در طول سه روز داشته اند، پس از خروج از اعتکاف هم چنان سعی نمایند با انجام واجبات و ذکر دائم و نیز ترک گناه، برکات و آثار آن را حفظ نمایند.

عواقب ترک ذکر

(1) تحریف کتاب آسمانی: ① فَبِمَا نَقْضُهِمْ ... يَحْرِفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَ نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ ﴿١٣٥﴾ (مائده 13/5)

(2) عداوت و دشمنی: ① فَتَنَسَوْا حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ﴿١٤٥﴾ (مائده 14/5)

(3) زندگانی سخت و پیچیده: ① مَن أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا ﴿٣٧﴾

(طه 124/20)

- (4) کور محشور شدن: ﴿وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾ (طه 124/20)
- (5) رها شدن در قیامت (دوری از رحمت الهی): ﴿قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى﴾ (طه 126/20)
- (6) عذاب قیامت: ﴿مَنْ يَعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا﴾ (جن 17/72)
- (7) انتقام الهی: ﴿مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذَكَرَ بآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا وَ إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنْتَقِمُونَ﴾ (سجده 22/32)
- (8) ورود در حزب شیطان و خسران دنیا و آخرت: ﴿إِسْتَحْوِذْ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَانْسِيهِمْ ذَكَرَ اللَّهُ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ، أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ (مجادله 19/58)

- (9) شقاوت: ﴿يَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى﴾ (اعلی 11/87)
- (10) میل به بی بندوباری و انکار آخرت: ﴿فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ... بَلْ يَرِيدُ كُلُّ امْرِءٍ مِنْهُمْ أَنْ يُوْتَى صُحُفًا مِّنْشُورَةً * كَلَّا بَلْ لَّا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ﴾ (مدثر 49/74 - 53)
- (11) تنفّر و انزجار از ذکر خدا: ﴿إِذَا ذَكَرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ (زمر 45/39).

با توجه به آنچه گزارش شد می توان گفت بهترین ذکر، ذکر قلبی و دائمی است که آثار آن در اخلاق، رفتار و گفتار نمود پیدا کند و بالتبع انسان را نورانی می نماید، لکن نورانیت ذکر و تذکر و پیروی از آن، وقتی محقق شود که بصیرت و شنوایی و قلب منیب باشد، یعنی جواج آدمی به سوی حضرت حق بازگشته باشد و لا ذکر به توجه و توبه، فایده ی چندانی نداشته و بلکه بیش تر حجت را بر ذاکر تمام کرده و بالتبع بر ظلمات او می افزاید. بنا براین تحقق اهداف اعتکاف و تحصیل محبت خدا و تقویت آن با ذکر مشروط به دو چیز است:

نخست تحصیل معرفت خدا و تقویت و توسعه آن و مسلط ساختن آن بر دل و دوم پاک ساختن دل از مشاغل و دلبستگی‌های دنیا و بریدن از ماسوی الله و پیوستن به خدا با تأمل و تفکر؛ زیرا هر که چیزی را دوست دارد، ناگزیر آن را و آن‌چه را که متعلق به آن است، بسیار «یاد» می‌کند. پس دوست خدا از یاد خدا و یاد رسول او و یاد قرآن (که کلام او است) و تلاوت آن غافل نمی‌ماند و از مناجات او لذت می‌برد. وقتی معرفت و ذکر و ابراز محبت از سوی عبد آشکار و بر آن اصرار شود، هم محبت الهی در دلش تعمیق می‌یابد و هم جلوه‌های ارتباط و محبت حق تعالی به او، از طرق مختلف مثل سکونت نفس، گشایش کارها و مشکلات و برآورده شده حاجات و از این قبیل برکات نمودار می‌شود.

پس متذکر شدن نفس در پی تکرار ذکر و استمرار آن می‌باشد. این مداومت محبت طرفینی (بین خداوند متعال و بنده) را لحظه به لحظه می‌افزاید.

محبت و انس ناگزیر هم‌رنگی می‌آورد، زیرا محبت واقعی دائماً مراقب است تا از وی چیزی سر نزنند که محبوب را از وی برنجانند و نتیجه چندی ارتباطی، تهذیب نفس، خداگونه شدن و آیت حق گشتن نصیب ذاکر می‌گردد و دیگران از دیدن او به یاد خداوند متعال می‌افتند. پس ملاقات با او نیز سبب سکونت و آرامش می‌گردد. بدین ترتیب بین ذکر با محبت و معرفت حق تعالی و تزکیه‌ی نفوس تعاملی طرفینی برقرار بوده و هر یک، دیگری را ارتقا کمی و کیفی می‌بخشد. یکی از بهترین و برترین فرصت‌های ذکر و عبادت، ایام اعتکاف است، پس می‌توان گفت اعتکاف بهترین فرصت خودسازی و دگرسازی از طریق محبت و محبوب خداوند متعال شدن است.

حقیقت ذکر و رابطه آن با لقاء الله (خلیفه‌ی الهی شدن)

روح انسان در اثر اعمال خاصی رابطه‌ی وجودی قوی‌تری با خدای متعال پیدا می‌کند و این امری است حقیقی و وضعی که اکتسابی بوده و با اراده و خواست و

تلاش انسان محقق می‌شود. در اثر این رابطه، خودِ جوهرِ نفسِ انسان کامل‌تر می‌شود و هر قدر کمال نفس بیش‌تر شود، لذیذ معنوی‌اش هم بیش‌تر خواهد بود. این لذت‌پایدار نفس که سعادت نامیده می‌شود، تنها و تنها به وسیله عمل به دستورات شرع حاصل می‌شود و همه‌ی دستورات شرع به خاطر همین هدف نهایی نازل و به بشر ابلاغ شده است؛ البته اهداف دیگری هم وجود دارد، ولی هدف نهایی همه‌ی آنها همین است. پس کمال نهایی انسان در تقویت رابطه وجودی او با خدای متعال است و این رابطه با تداوم ذکر و لذت بردن از ذکر محبوب واقعی یعنی ربّ العالمین حاصل می‌آید.

نقش اساسی و مهمّ تلقین را هیچ‌یک از روانشناسان انکار نکرده‌اند، از این رو یکی از مؤثرترین راه‌های ورود حقایق و معارف به قلب «تلقین و تکرار زبانی» است. این ذکر است که القای آن در قلب و مداومت آن سبب مکاشفه و علم حضوری به ملکوت خواهد شد. بخصوص در پی توجّه به مفاهیمی که به قلب تلقین می‌شود مثل **الله اکبر، لاحول و لا قوة إلا بالله العلیّ العظیم، سبحان الله، الحمد لله و لا اله إلا الله.** این عبارات و مفاهیم آن از یک سو اوج توحید را و از سوی دیگر اوج وابستگی بنده را به قلب القا می‌نمایند. پس نقش تلقین در این خصوص بی‌بدیل است. روانشناسان تلقین را یکی از مؤثرترین راه‌ها برای مبارزه و تضعیف یک صفت ناهنجار و جای‌گزینی خلقی پسندیده در روان آدمی می‌دانند. ایشان با ایمان به این روش، به مداوای بیماران روحی و روانی و حتّی جسمانی خویش می‌پردازند.

نقش تلقین در تربیت و دیگرسازی نیز اساسی و پراهمیت است و تأثیر آن بر دیگری کمتر از خود تلقین نیست. علت تأکید معصومین^ع بر ذکر زبانی، همین نقش تلقین (القا) به قلب و نرم کردن و جلابخشی آن و صفابخشی روح است، تا جایی که رؤیت این عبد، رؤیت وجه‌الله شود که «إليه يتوجه الأولیاء». این همان منزلتی است که از آن به «قرب الهی» تعبیر می‌شود.

در این جا مقصود از قرب، تکامل روح، با رهایی از تیرگی گناه، عصیان و جهالت، اکتساب شفافیت ایمان، علم و سایر کمالات است. خودآگاهی در انسان، گاهی به حدّی می‌رسد که می‌یابد از خود وجودی ندارد و برای خود جدای از خداوند، وجودی قایل نیست. هرچه هست از او دارد و با اراده‌ی اوست و با نیروی او حرکت، درک و زندگی می‌کند. نتیجه این که آدمی می‌تواند به مرحله‌ای از خودآگاهی برسد که بین خود و خدا واسطه و حجابی را نبیند. انسانی که به این مقام می‌رسد دیگر چشم و گوش و اراده‌ی او نیز خدایی می‌شود. اعتکاف، یعنی حداقل سه روز عزلت گزیدن از مردمان و اشتغالات روزمره و دریچه‌ای به انس، تفکر و ذکر حق تعالی که برترین فرصت را برای کامل شدن و به اوج رسیدن در اختیار انسان می‌نهد.

رابطه‌ی ذکر و دعا و اعتکاف

«دعا» خواندن خدا و معبود است که بدون توجه قلبی (ذکر) حاصل نیاید. اگر دعا از روی عبودیت و اخلاص و همراه با تذکر و تفکر باشد، اصل و مخ عبادت و خود نوعی ذکر و بلکه بالاترین مصادیق ذکر است که همان درک نیاز، ضعف، محدودیت و فقر خود در برابر غنا، قدرت، علم، عطا و فیض نامحدود حق تعالی است. پس دعا چون ارتباط با خداست، فی نفسه مصداق ذکر به معنی عام است و بدون ذکر (حضور قلب) مؤثر نیست، در عین این که متضمن اذکار مصطلح، امثال حمد و ثنا و تسبیح و تقدیس حق و صلوات خالصانه بر رسول^ص و آل الله^ع و یاد نعم و معاد و ... نیز هست.

اساساً تقاضا از بطن حمد و ثنا متولد می‌شود و شکل می‌گیرد - چه انقطاع از اسباب و تعلقات دنیوی عامل این حمد و ثنا باشد و یا نباشد - زیرا وقتی بنده متوجه غنا، قدرت، علم مطلق و سایر کمالات خدا از یک سو و فقر، ضعف و نیاز خود از سوی دیگر شد، خود به خود از یک سو زبان به تحمید، تقدیس و تمجید می‌گشاید

و از سوی دیگر تقاضا و نیازش را مطرح می‌کند. این جریان طبیعی تفکر و تدبّر یا پیدایش و نمود جدّی نیاز و وابستگی است که در پی آن عبد مشتاق ذکر و انس پی‌درپی و بیش‌تر و عمیق‌تر می‌شود. به همین جهت است که ادعیه و بویژه سوره‌ی حمد که در هر نماز دو بار تکرار می‌شود، ترکیبی از هردو هستند.

آنچه مسلم است آن که اگر بنده هم چیزی طلب هم نکند، کریم رحیم و دود خود رسم بنده‌پروری می‌داند و قطعاً در پی دعا اجابتی است: ① **إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ اجِيبْ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَا فَاسْتَجِبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِي**؛ (بقره/186) یعنی دعا کنید و از تقاضای از خداوند جلیل ابا و استکبار ننمایید و مطمئن و در امانیت باشید که حتماً و لزوماً دعای شما اجابت می‌شود. دقت شود که حتماً اجابتی در کار است، هم به دلیل عقلی چون:

(1) خدا وعده داده و صادق است؛

(2) عالم و قادر و غنی مطلق است؛

(3) رحیم و ودود و عطوف است (دلیل نقلی).

پس حتماً می‌دهد و اجابت می‌کند و ردّ کلی دعا محال است، مگر آن که مانع فیضی، سدّ راه باشد و دعا بالا نرود یا طلب، واقعی و حقیقی نبوده باشد. اجابت و اعطا نیز لزوماً عطای دنیوی و عین تقاضای عبد نیست، بلکه اصل، انس و توفیق دعا و ایجاد مودّت در قلوب است و ذکر در اعلیٰ علّیین، نیز از جمله ثمرات دعاست، زیرا لیبیک خدا انحای مختلفی دارد و اعطای اصل خواسته فوراً یا متأخراً خود موجب اجابت مضاعف است.

از جمله شروط اجابت دعا توبه، صلوات و طلب غفران و قصد عدم تکرار گناه است و همین نیز توفیقات روز افزون و تهذیب نفس را به دنبال می‌آورد. در پی دعا و ارتباط، دل نرم شده و یقین و ایمان فرد روز افزون می‌گردد. ② **إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَ جِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَ إِذَا تَلَّيْتُ عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَ عَلَى رَبِّهِمْ**

یَتَوَكَّلُونَ ﴿٢٢﴾. (انفال/2 و زمر/39 و 22)

ذکر و دعا، با زبان خدا یا معصوم، با خدا سخن گفتن است، زیرا سخن باید متناسب با شأن شنونده و مخاطب تنظیم شود! روشن است که در پی نرمی دل و افزایش ایمان و توکل، عمل صالح تحقق خواهد یافت، زیرا دعا، ذکر و توجه؛ هم نمایانگر مقصد است و هم زاد و توشه‌ی راه تا وصول به مقصد. ذکر که نوعی تجدّد و تحوّل است به واسطه شناخت، محبّت و دلدادگی، انسان را به اصل خویش برمی گرداند.

امام رضا ×: «مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ وَلَمْ يَسْتَبِقْ إِلَى لِقَائِهِ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ»^۱ ذکر عملی نیز هم سبب تزکیه و تطهیر نفس و جان انسان و تطهیر مال فرد می‌شود و هم تطهیر جامعه از عوارض سوء فقر، فاصله طبقاتی و ... را در پی دارد. با این همه اصل انس و گفت‌وگوی با محبوب واقعی - گرچه خواسته و حاجتی در بین نباشد - خود مطلوب است و سبب لذّت و تعالی روح بشر تا ملکوت هستی می‌شود، پس ① اذکر اسم ربّک و تبتّل الیه تبتیلاً ﴿٢٣﴾. (مزمل 73/8)

با اعتکاف عبد خود را از اشتغالات و تعلّقات روزمره می‌رهاند تا فارغ از هر چیز و هر کس، از همه منقطع و به خدا پیوسته، با آن ذات اقدس از راه دعا و ذکر و عبادت متّصل گردد.

«اللهم قوّ علی خدمتک جوارحی و اشدد علی العزیمه جوانحی و هب لی الجدّ فی خشیتک و الدوام فی الإتّصال بخدمتک حتّی اسرح إلیک فی میادین السّابقین و اسرع إلیک فی البارزین و اُشّاق إلی قریبک فی المشتاقین و ادنو منک دنوّ المخلصین و أخافک مخافة الموقنین و اجتمع فی جوارک مع المؤمنین»^۲ اوج تحقّق این مطالبات با تمام وجود در حجّ و اعتکاف قابل لمس و حسّ است و بی‌جهت نیست که بسیاری از

1. مجلسی، بحار، ج 75، ص 356.

2. قمی، مفاتیح الجنان، دعای کمیل.

احکام حجّ و اعتکاف به هم شبیه‌اند و نیز بر اعتکاف در دههٔ اوّل ذی‌الحجه تأکید خاصی شده است.

تأکید بر تلاوت قرآن و اذکار قرآنی

① فَاَتَمَّا يَئْتِرْنَاهٗ بِلِسَانٍ لِّعَلَّهٖمْ يَتَذَكَّرُوْنَ ﴿٥٨﴾ (دخان / 58 و...)

تجربه نشان داده است که به زبان آوردن «افکار» سبب تصحیح، تکمیل و تعمیق آن شده و «تکرار» مطالب با زبان به گونه‌ای که خود فرد آن را بشنود و نیز گفت‌وگوی علمی (مباحثه) اثری شگرف بر جافتادن مطالب علمی، فرهنگی، اخلاقی و مذهبی دارد و آن را در حافظه ثابت می‌نماید. تکرار کلمات حکیمانه سبب رسوخ در روح و ملکه شدن آن شده و موجب عمل به فضایل و ترک رذایل می‌گردد. درست بسان کودکی که تازه زبان باز کرده و از راه انس و تکرار بر گنجینه‌ی لغات خود و اصلاح آنها می‌افزاید. به همین جهت در قرآن بر اصل «اصل اقرا و تلاوت» تأکید شده است: ① فَاَقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ ﴿٢٠﴾ (مزمل 73/ 20 و 4)

«سیر» تا وقتی در سریان و جریان است که توجه قلبی تامّ حاصل باشد و الا سیر متوقف می‌شود و اگر غفلت شود، رو به به قهقهه می‌رود. به علاوه قرائت با ترتیل قرآن سبب تقویت هوش و حافظه و بالا بردن اندیشه و فکر و توان استدلال گشته و علاوه بر این که توشه‌ی آخرت و سبب ارتقای درجات است، آرامش‌بخش دنیا و نورانی‌کننده مکان و انسان نیز می‌باشد. نور حسّی، چشم را متأثر می‌کند و نور معنوی و روحی، جان و دل را متأثر و رقیق و جلی می‌نماید و چون روح محدودیت جسم را ندارد، در طیّ مسیر بسی توسعه و سرعت می‌یابد.

اگرچه اساس ذکر، توجه متفکرانه قلب است، اما خداوند متعال آثار فوق العاده مهمّی را در خود الفاظ قرار داده است، زیرا الفاظ مرتبه‌ی نازله معانی و آنها مرتبه نازله حقایق و مصادیق‌اند و الفاظ ناظر به معانی وضع شده‌اند و حقایق نورانی از آنها کسب نور،

جذابیّت و لطافت می‌کنند و بالعکس. همین امر علّت تأکید بر عربی خواندن نماز و ادعیه است، زیرا هرچه الفاظ به آن معانی نزدیک‌تر باشند، اثرشان بیش‌تر است. لفظی که نورش را از معنا می‌گیرد، خودش هم منور است و نور الفاظ هم به تبع نور معانی و حقایق آنها، دارای مراتب تشکیکی می‌شوند و متفاوت‌اند و امثال کربلایی کاظم، نور الفاظ قرآن را تشخیص می‌دهند و از این طریق قرآن کریم را تلاوت می‌نمایند و تمیز می‌دهند!

انتقال نور الفاظ و کلمات به اوراق و اصوات منحصر نیست، بلکه جان‌ذاکر نیز نورانی شده و در قیامت آن را در پوششی از نور وارد محشر می‌کنند، تا آن‌جا که گرفتاران ظلمت نفاق و جهالت و غفلت از ایشان طلب نور می‌نمایند. (حدید 12/57-17).
ایام اعتکاف مناسب‌ترین فرصت زدودن تاریکی‌های نفاق، غفلت و جهالت از قلب و فکر انسان و نورانی شدن به ایمان و علم و عبادت و ذکر حقّ تعالی می‌باشد. پس باید فرصت پیش آمده برای اعتکاف را غنیمت شمرد، چه بسا در همین ایام رهاوردی نصیب انسان شود که تا آخر عمر انسان را از گناه و لغزش نگه دارد، چنان‌که ممکن است اگر این فرصت از دست برود، دیگر برای انسان چنین میدانی میسور نیفتد. نبی اکرم^۱ فرماید: «أَلَا فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتُ أَلَا فِتْنَةٌ لَهَا»^۱.

تأثیر گونه‌های ذکر معتکفان بر معنویّت فرد و امنیّت جامعه

سلام و تحیت و احوالپرسی

از جمله اذکار مهمّ اسلامی که مورد توجّه تامّ واقع نمی‌شود: «سلام علیکم و رحمة الله و برکاته» می‌باشد. «سلام» از جمله نام‌های خود خداوند متعال و سبب سلامتی طرفین است: «الملك القدوس السلام المؤمن». (حشر 23/59) «تحیت» از ریشه حیات است، پس حیات‌بخش و معدّ و ممدّ حیات است. «سلام» نیز اگر چه مقدّمه و شروع ارتباط

1. مجلسی، بحار، ج 68، ص 221؛ نیز: همان، ج 80، ص 352؛ ج 84، ص 267؛ ج 87، ص 95.

است و کم و کیف آن بر نحوه‌ی ادامه‌ی ارتباط تأثیر مستقیم می‌نهد؛ لکن صرفاً یک احوالپرسی و ایجاد ارتباط نیست، بلکه ذکرِی متضمّن دعا و حقیقت آفرین است، یعنی سلامت می‌آورد. بدین روست که انسان فهیمی مثل مسیح × بر خود نیز سلام می‌فرستد: ① السّلام علیّ یوم ولدت و یوم أُموت و یوم أبعث حیّاً (مریم 33/19) پس سلام بر خود هم بی‌مورد نیست! سلام مخصوص زندگان نیز نیست؛ زیرا سلام بر انبیای عظام^ در قرآن کریم، بخصوص سوره‌ی صافات، مکرّر آمده است.

سلام، سیره همه انبیا بوده و ابتدا به سلام نشانه‌ی تواضع و مودّت است که غالب اجر را به خود اختصاص می‌ده و جواب سلام، از واجبات است تا مودّت و رحمت اسلامی تحکیم گردد و آرامش و امنیت برقرار شود. آرامش از طریق تقوا و تقرّب و اصلاح نفس و اصلاح جامعه ایجاد می‌شود و کم هزینه‌ترین و ساده‌ترین راه ایجاد آن سلام است. اگر سلام در میان همه‌ی آحاد جامعه نهادینه شود و جایگاه مناسب و شایسته‌ی خود را بیابد، سلامت و امنیت در جامعه نیز فراگیر خواهد شد. بدین ترتیب سلام و احوالپرسی میان معتکفان اوّلین ذکر خداوند متعال و نخستین گام آشنایی و ارتباط آنان با سایر رهروان طریق الی الله است. همانان که چه بسا ممکن است اولیاء الله نیز در میان‌شان مخفی باشند.

اذکار توکل بر خداوند متعال

توکل بر خداوند متعال به معنای تکیه بر خداوند و احساس پشت گرمی به حمایت‌ها و امدادهای الهی در حلّ معضلات و مشکلات دنیوی و معنوی است و هرچه مشکل و معضل، سنگین‌تر و پیچیده‌تر باشد، این تکیه و اعتماد نیز جایگاه و عمق و شدّت بیشتری پیدا می‌کند. معتکفان محفل انس با حقّ تعالی از همه بیشتر نیازمند تقویت این احساس و این امیدبخشی‌اند. بدون توکل، امیدی حاصل نیاید و بدون امید، تحرّک و بازسازی خود و جامعه در کار نخواهد بود. هر معتکف که احیاناً احساس

دلتنگی یا ناامیدی نماید، بجا است که اذکار مرتبط با توکل را با خود تکرار نماید تا دلش با یاد قدرت و رحمت و عنایت خدا، توان و نیروی لازم برای خودیابی و تحرّک و بازسازی و ادامه‌ی بهینه‌ی سیر معنوی را کسب نماید.

برای این وضعیّت اذکار مختلفی وارد شده است: ① ما توفیقی إلاّ بالله، علیه توکلّت و إليه أنیب ﴿هود 88/11 و نیز شورا 10/42 و رعد 30/13﴾ و ② اللهم إلیک وجّهت وجهی و إلیک فوّضت أمری و علیک توکلّت یا ربّ العالمین ﴿یا ③ أفوّض أمری إلی الله إنّ الله بصیر بالعباد﴾ (مؤمن و غافر) 44/40؛ ④ حسبی الله لا إله إلاّ هو علیه توکلّت و هو ربّ العرش العظيم ﴿توبه 129/9﴾؛ ⑤ توکلّت علی الحیّ الذی لا یموت ﴿؛ ⑥ توکلّت علی الله و ...

اذکار نیرو بخش

هرگاه معتکف با توجّه به بار گناهان، سختی جان‌دادن، دشواری برزخ و قیامت و امثال آن، توان جبران و ادامه‌ی مسیر را سخت یا غیرممکن پندارد، بجا است که از اذکار نیرو بخش مثل: ① إیاک نعبد و إیاک نستعین ﴿(حمد 5/1) یا حوقله: ② لا حول و لا قوّة إلاّ بالله العزیز الحمید﴾ و یا ③ قل اللهم مالک الملك تؤتی الملك من تشاء و تنزع الملك ممّن تشاء و تعزّ من تشاء و تذلّ من تشاء بیدک الخیر إنّک علی کلّ شیء قدير ﴿(آل عمران 26/3) و تکرار و تلقین آنها استمداد طلبد.

همچنین می‌تواند از اذکار استغاثه، مثل: ④ أم من یجیب المضطرّ إذا دعاه و یكشف السوء ﴿(نمل 62/27) یا ⑤ یا غیاث المستغیثین أدرکنی﴾ و همچنین در توسّل به ائمه‌ی اطهار^ع: «یا مولاتی یا فاطمة الزّهراء ÷ أغیثینی» یا «یا مولای یا جواد الأئمة^ع أدرکنی» یا «یا کشف الكرب عن وجه الحسین ×»، «کشف کربی بحقّ مولاک الحسین ×» (در توسّل به ابا الفضل العباس ×) و مانند اینها را مکرّر بگوید تا امیدش افزون شده، قلبش تسکین یافته و بر ادامه‌ی مسیر و غلبه‌ی بر شیاطین و نفس اماره احساس قوّت بنماید.

اذکار تحمّل مصایب

بی‌تابی پس از مصایب و بخصوص از دست‌دادن نزدیکان، آن‌هم اگر متعدّد باشند، امری طبیعی است و بسی زمان می‌برد تا فرد به نبود آنان خو گیرد و به زندگی عادی برگردد. فراموش کردن عزیزان از دست‌رفته، امکان ندارد و گه‌گاه خاطرات، انسان را به گذشته و یاد آنان بر می‌گرداند. اگر معتکف از این جهت در رنج و ناراحتی است، بهتر است آن‌گاه که یاد آنان برایش جانکاه می‌گردد با اقامه‌ی نماز و تلاوت قرآن کریم در حدّ توان بلکه ختم آن در ایّام اعتکاف، بخصوص تلاوت سوره‌های توصیه شده‌ای مثل: یاسین، الرّحمن، واقعه، تبارک (ملک) و حمد و سوره، سه بار قل هو الله احد (توحید) یا چهار قل (فلق، ناس، کافرون، توحید)؛ آیت الکرسی و دیگر سوره؛ و همچنین تکرار اذکاری مثل صلوات، تسبیحات، حوقله، تسبیح یا عبارت استرجاع: ﴿إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ (بقره 2/156) و خواندن ادعیه و زیارات به نیابت از ایشان، بخصوص زیارت عاشورا با صد لعن و صد سلام و مانند اینها و هدیه‌ی ثواب آن به درگذشتگان؛ علاوه بر این که توشه‌ای را برای رفتگان می‌فرستد و روح آنان را شاد و از اعتکاف خود بهره‌مند می‌نماید، در آرامش روحی و روانی، امیدواری، توان‌بخشی و تقویت روحیه، نورانیت دل و فکر خود بکوشد و خود را مهیای جبران فقدان آن عزیزان در خانواده و جامعه‌ی اسلامی بنماید.

تلاوت قرآن کریم، بخصوص ختم یاسین و انعام؛ اقامه‌ی نماز صبر؛ تأمل در معانی آیات قرآن مجید و اذکار نماز و ادعیه، زیارت‌نامه‌ها، روضه‌ها و مانند اینها، خود اثر تعلیمی و تربیتی بالایی برای بازسازی روحی - عاطفی و تسکین نفوس مصیبت دیده یا زخم‌خورده و ناامید دارد. متون این اذکار مشتمل بر مفاهیمی چون رحمت، قدرت بی‌انتهای ربّ، بی‌وفایی و گذرا و فانی بودن دنیا و متعلّقات آن، لزوم صبر و اجر بسیار صابران، لزوم پس‌دادن امتحان در کشاکش دهر به جهت سنجش میزان توکل و ایمان افراد، کفاره گناهان بودن بلایا و مصایب - چه برای رفتگان و چه برای بازماندگان -، تقویت و تعالی روح و... بوده و فرد را در مقام مقایسه با کسانی قرار می‌دهد که مصایبی بدتر از مصیبت او را تحمّل کرده و باعث

می‌شود که فرد مصیبت خود در مقابل مصائب آل الله بسیار نانگارَد.

نظر و عنایت به این همه برکات اذکار، سبب می‌شود که روحیه‌ی شکر، جای گله و شکایت و جزع و فزع و العیاذ بالله کفرگویی را بگیرد. پس افراط در ناله و شکایت و جزع و فزع، نیازمند تکرار ذکر استغفار: «**اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّی وَاَتُوبُ اِلَیْهِ**» یا «**اللّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِیْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ**» و مانند اینهاست. این روحیه‌ی شکر پس از مصیبت هم، درسی است که مرور عاشورا و وقایع پس از آن به شیعه می‌دهد. چرا که وقتی فرد می‌بیند همان زینب که امّ المصائب ÷ است در کوفه یا مجلس عیدالله یا یزید خطبه می‌خواند و در جای جای سخن او «**الحمد لله**» تکرار می‌شود دیگر از مصیبت روی داده شکوه نمی‌کند

شکر حیات و نعمت‌های فرارو

در جهان معاصر معنویّت اصیل شیعی از هر سو مورد تاخت و تاز دشمنان قرار گرفته و برخی با بزرگ‌نمایی بیش از حدّ این تهاجمات فرهنگی بر کوس ناامیدی می‌کوبند و مدعی می‌شوند که دیگر معنویّت مرده و خواهان و میدانی ندارد. متأسفانه انسان منفی-نگر در این گونه مواقع، تحت تأثیر تبلیغات دشمنان دانا یا دوستان نادان، دچار ناامیدی و زبونی و خودباختگی بیشتری می‌شود. منفی‌نگرها فقط نیمه‌ خالی لیوان را می‌بینند، در حالی که انسان‌های منطقی دارای دید مثبت، هر دو را با هم می‌بینند و در موازنه می‌یابند که گرایش به اسلام و معنویّت، علی‌رغم همه‌ کارشکنی‌ها روزافزون است.

برگزاری مراسم اعتکاف به طور فراگیر، حتّی در مراکز دانشجویی که همه‌ی شرکت‌کنندگان را قشر جوان تشکیل می‌دهند، مشّت محکمی بر همه‌ی این یاهو‌سرای‌هاست. استقبال جوانان کثیری از این مراسم که برگزارکنندگان را به تنگنای جوابگویی به نیاز و درخواست همه می‌کشاند، پاسخی دندان‌شکن به تهاجمات فرهنگی دشمنان معنویّت شیعی است. این استقبال شایان در عین این که

ردّ همهٔ اباطیل است، مسؤولیت برگزار کنندگان و گردانندگان دینی - فرهنگی و نیز توفیق‌یافتگان به شرکت در این مراسم (خود معتکفان) را مضاعف می‌نماید. بدین ترتیب هم بر معتکفان و هم بر دست‌اندرکاران اعتکاف لازم است تا به پاس این موهبت ارزنده‌ی الهی و این میدان سبقت بر خیرات و سلوک الی الله شاکر حقّ تعالی بوده و قدر آن را با بهره‌گیری بهینه از همین امکانات موجود بدانند.

برکات شرکت جمعی در اعتکاف

جمع‌شدن سالکان کوی دوست برای مراسم اعتکاف، از برکات نهضت و انقلاب اسلامی به دست با کفایت رهبر کبیر انقلاب در ایران اسلامی است. هم‌نوا شدن معتکفان در نمازهای جماعت، دعا‌های کامل، ندبه، توسّل، زیارت عاشورا، زیارت جامعه و امثال اینها و نیز گوش جان سپردن ایشان به بیانات عالمانه، سنجیده و مناسب و عاظم، خطبا و روضه‌های مدّاحان اهل بیت^ع سبب بالا رفتن و به اجابت نزدیک‌تر شدن دعاها و تخلیه‌ی درون از راه‌گریه آزادانه و احساس سبکی و آرامش پس از آن است.

به علاوه ممکن است در این جمعیت معتکف ولیّ الهی یا یک دل‌سوخته صادق باشد که به برکت وجود و دعای وی، به دیگران نیز عنایت شده و دعای دیگران نیز به اجابت رسیده و سایرین نیز از برکات اعتکاف بهره‌مند شوند. بدین جهات است که امام علی^ع فرمود: «الزموا السواد الأعظم فإنّ يد الله مع الجماعة»؛ به مراکز بزرگ انسان‌ها پیوندید، زیرا دست خدا همراه جماعت است.¹ هم‌چنین خروج این عزیزان معتکف از اعتکاف و به همراه بردن معنویات به دست آمده از راه ذکر و عبادت در ایام اعتکاف و انتشار دادن آن در میان خانواده‌ها و سایر معاشران و آحاد جامعه، کلّ جامعه را رو به صلاح و سداد خواهد برد.

1. نهج البلاغه خطبه 127.

نتیجه‌گیری

اعتکاف، اختصاص مکان و وقتی خاص - فارغ از تعلّقات و اشتغالات روزانه - برای ذکر و عبادت و ارتباط بهینه با حقّ تعالی است، پس اعتکاف از ذکر انفکاک‌ناپذیر است. با بکارگیری اذکار مأثوره در مواضع و حالات مناسب و به جا می‌توان از حدّ اکثر فرآیند مفید آن در رسیدن به آرامش و بازیابی نفوس مستعدّ بهره‌مند شد. این امر در مواردی که زمینه مساعدتر باشد، بخصوص در ایّام الله و امکنه‌ی متبرّکه که عنایات حقّ تعالی معطوف به آنهاست، جایگاه و اهمّیت خود را باز یافته، برآیند آن نیز بسی چشم‌گیرتر خواهد بود. پس باید اذکار مختلف و کاربرد بهینه‌ی هر یک را شناسایی نمود و با تکرار و تلقین آنها آرامش یافت و با امید و نیرویی تازه به جبران گذشته و از دست‌رفته‌ها پرداخت.

اذکار پیشنهادی برای ایّام اعتکاف

1. هنگام یاد عظمت و هیبت و نعمت، الله تعالی: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله أكبر».
2. «لا اله الا الله و الله أكبر کبیرا و الحمد لله کثیرا و سبحان الله بکرة و أصیلا» .
(مأخوذ از أحزاب 41/33-42)
3. «سُبُّوحٌ قَدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ»؛ «الحمد لله الَّذی هدانا لهذا وما کُنَّا لنهتدی لولا أن هدانا الله» . (أعراف/43)
4. «ما شاء الله» و «لا حول و لا قوّة الا بالله (العزیز الحمید) (العلیّ العظیم)» .
5. «بسم الله و بالله و فی سبیل الله و علی ملة رسول الله و توکلت علی الله» .
6. یاد خاندان نبوت، به خصوص در شب و روز جمعه: «اللهم صلّ علی محمّد و آل محمّد و عجل فرجه» .
7. هنگام سفر یا ورود و خروج از مرکوب یا مکان: «فالله خیر حافظاً و هو أرحم

الرَّاحِمِينَ». (یوسف 12/64)

8. «سبحان الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا مَا كُنَّا لَهُ مَقْرِنِينَ * وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ»

(زخرف 13-14)

9. «رَبِّ أَدْخِلْنِي مَدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مَخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا

نَصِيرًا». (آسراء 17/80)

10. «رَبِّ أَنْزِلْنِي مَنَازِلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرَ الْمُنْزِلِينَ». (مؤمنون 23/29)

11. هنگام یاد نعمت و شکر توفیقات: «ما تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ».

(هود 88/11)

12. «الْحَمْدُ لِلَّهِ بِجَمِيعِ مُحَامَدِهِ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعَمِهِ كُلِّهَا» «شَكَرًا لِلَّهِ» یا «شَكَرًا شُكْرًا

غَفَوًا غَفَوًا».

13. هنگام یاد گناه و طلب مغفرت و توبه: «رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي، فَاعْفُ رُبِّي».

(قصص 16/28).

14. یا ذِکْر یُونُسَیَّةَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ». (انبیاء 87/21)

15. یا «یَا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِی ...» (دعای کمیل) یا «أَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ وَ أَسْأَلُكَ التَّوْبَةَ

و أَحْسَنَ الْأَوْبَةِ؛ یا «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ»؛ یا «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ

الْقَيُّومُ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ، مِنْ جَمِيعِ ظُلْمِي وَ جَرْمِي وَ إِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ».

16. «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لَوَالِدَيَّ وَ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا؛ اجْزُهُمَا بِالْإِحْسَانِ

إِحْسَانًا وَ بِالسَّيِّئَاتِ غُفْرَانًا».(مأخوذ از اسراء 24/17) «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ

الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ... لَا سِيَّما مِنْ التَّمَسُّ مِنْ الدَّعَاءِ».

17. هنگام استعاذه از شر شیطان درون و برون: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ». (مأخوذ

از نحل 98/16)

18. «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ يَحْضُرُونِ، إِنَّ اللَّهَ

هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ». (همان)

19. «أعوذ بك من شرّ نفسي، إنّ النفس لأَمارة بالسّوء إلا من رحم ربّي» (مأخوذ از:

یوسف 53/12)

20. «إلهی لا تكلنی إلى نفسی طرفة عين أبداً و لا تنزع منی صالح ما أعطيتنی».

(حدیث نبوی ')

21. هنگام گرفتاری و حاجت و اضطرار: «أم من یجیب المضطرّ إذا دعاه و یكشف

السّوء». (نمل 62/27)

22. هنگام ترس از دشمن و خطر و گرفتاری: «إلهی و ربی من لی غیرک ...» (دعای

کمیل)

23. «و جعلنا من بین أیدیهم سداً و من خلفهم سداً فأغشیناهم فهم لا یبصرون».

(یس 9/36)

24. «اللّهمّ و من أرادنی بسوء فأرده و من کادنی فکده ...» ، چهار قل و آیت

الکرسی (بقره 255-257)

25. «أفوض امری إلى الله، إنّ الله بصیر بالعباد». (مؤمن 40/44)

26. «حسبنا الله و نعم الوکیل». (آل عمران 173/3) «نعم المولی و نعم النصیر». (أنفال 40/8)

27. هنگام احساس خستگی و سستی و بیماری: «اللّهمّ قوّ علی خدمتک جوارحی ...».

(دعای کمیل)

28. «اللّهمّ أعنّی علی ذکرک و شکرک و حسن عبادتک».

29. هنگام احساس لذّات و دلبستگی به دنیا و تجارت: «اللّهمّ ارزقنی التّجافی عن

دار الغرور و الإستعداد للموت قبل حلول الفوت». (دعای شب 27 رمضان/ از امام سجّاد ×)

منابع

1. قرآن کریم.
2. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، نشر آئمه، قم، ج 80، 3.
3. سبحانی، جعفر، سیمای انسان کامل در قرآن، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ج 71، 4.
4. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت، دارالفکر، 1983م..
5. شبّر (حسینی)، سیّد عبدالله بن محمد رضا، السلوک إلى الله، نشر دارالکتب الاسلامیه، ج 2، قم، 1425ه.ق.
6. طباطبائی، محمد حسین، انسان کامل، مطبوعات دینی، قم، 84.
7. -----، المیزان، ت: سید محمد باقر موسوی همدانی، انتشارات اسلامی، قم، ج 5، 74.
8. طیب، سیّد عبدالحسین، أطيّب البیان، تهران، ج 2، انتشارات اسلام، 78.
9. قزوینی، سیّد حسین (علامه بحر العلوم)، دو رساله در سیر و سلوک، بنیاد فرهنگی امام رضا، 1401ق..
10. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، مؤسسة الوفاء، بیروت، 1403ق..
11. مشکینی، علی، تکامل در قرآن، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ت: ق. حسین نژاد، تهران، -.
12. مطهری، مرتضی، سلسله یادداشت‌های استاد مطهری، ج 2 و 1، صدرا، تهران، 79.

13. نراقی، مولی محمد مهدی، علم اخلاق اسلامی، ت: سید جلال الدین مجتبوی، ج 3 و 1، حکمت، تهران، ج 8، 85.
14. نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، هجرت، قم، ج 11، 84.
15. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، ت: حسین اعلمی، الصدر، تهران، ج 2، 1415 ق.
16. -----، راه روشن (ترجمه المحجّة البيضاء)، ت: سید محمد صادق عارف، آستان قدس رضوی، مشهد، ج 1، 72.
17. یثربی، یحیی، عرفان عملی، بوستان کتاب، قم، ج 90، 2.

اعتکاف در مذاهب اسلامی و ادیان آسمانی



محترم صفر لو*

چکیده

یکی از سنت‌های حسنه و مستحبات اسلامی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی احیا گردید، سنت مبارک اعتکاف است. این سنت، در طول تاریخ اسلام و ادیان آسمانی طرفداران و عاملانی داشته و در بلاد اسلامی به طور عموم و شهرهای شیعه و مراکز حوزوی به طور خاص مورد توجه بوده است.

انسان در گریز از هوای نفس و فرار از اشتغالات زندگی، در طریقت انس با معبود همواره نیازمند خلوتی است تا در انزوای وجود خویش در آثار صنع پروردگارش با دیده‌ی عبرت بیندیشد و با سوز دل و اشک دیده، باطن خود را از زنگار گناهان بشوید و خانه دل را مصفای حضور خالق هستی بخش سازد، و اعتکاف زمینه چنین خلوتی را فراهم می‌کند و فرصت و مجالی برای پرداختن به تهذیب نفس و جلوه‌گری نور محبت خدا در اعماق سرای وجود انسان فراهم می‌سازد، تا انسان بدون دلوپسی از کارهای انجام نشده و وابستگی‌های روزمره، خود را در سرای معبود نظاره گر باشد.

* کارشناسی ارشد تعلیم و تربیت.

غفلت از «خود» و «خدای خود» بستر مرگ ارزش‌های انسانی و نقطه سقوط از پایگاه بلند خردورزی و عشق عرفانی و عامل پیوستن به زندگی پست و حیوانی است و اعتکاف، آب حیات بخش در کویر غفلت‌هاست.

واژگان کلیدی

اعتکاف، تفکر، خلوت، فرصت

مقدمه

اعتکاف در لغت به معنای حبس و توقف و رو کردن به چیزی همراه با تعظیم و تکریم است؛ اعتکاف در اصطلاح، به معنای توقف و ماندن سه روز و بیشتر از آن در مسجد جامع می‌باشد. (اصفهانی، 1404)

اعتکاف، در فرهنگ دینی خصوصاً دین اسلام از جایگاه والا و عظیمی برخوردار است. گفتنی است که واژه «اعتکاف» در قرآن کریم استعمال نشده است اما قرآن کریم در آیاتی به مسأله اعتکاف اشاره داشته و اصطلاح اعتکاف را به صورت «عکف» به کار برده که هم به معنای لغوی و هم به معنای اصطلاحی استعمال شده است.

قرآن کریم در آیه 125 سوره بقره می‌فرماید: ﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى ۖ وَوَعَدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهْرًا بَيْنِي لِّلطَّائِفِينَ ۖ وَالْعَاكِفِينَ ۖ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ۖ﴾؛ و هنگامی که خانه کعبه را محل بازگشت و مرکز امن برای مردم قرار دادیم (برای تجدید خاطره) از مقام ابراهیم عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان، معتکفان و رکوع و سجده کنندگان پاک و پاکیزه کنید.

این آیه شریفه با صراحت از اعتکاف در مسجد الحرام سخن به میان آورده است، ولی از آنجا که همه مساجد خانه‌های خداوند در روی زمین هستند (مجلسی، 1111) اعتکاف در هر یک از آنها در صورت جامع بودن مورد توجه خداوند است و دارای پاداش فراوان؛ البته با حفظ مراتب و درجات مساجد.

روایات و احادیث زیادی پیرامون اعتکاف و مسایل مربوط به آن، در جوامع روایی وارد شده است که برخی از آنها چنین است:

حضرت امام صادق × می‌فرماید: «إِلَىٰ طَلَبِكَ وَ عَلَىٰ أَنْ لَسَدَ فَاقْتِكَ»؛ در تورات نوشته شده است: ای فرزند آدم! برای انجام عبادت من فراغت به وجود بیاور تا من دل تو را از بی‌نیازی سرشار سازم و بدون اینکه تو طلب کنی، حاجتت را برآورده

کنم و من خود را ملتزم می‌دانم که حوایجات را برطرف نمایم. و نیز آن حضرت نقل نموده که پیامبر اکرم ^۱ فرمودند: «أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ فَعَانَقَهَا وَ أَحَبَّهَا بِقُلُوبِهِ وَ بَشَرَهَا بِجَسَدِهِ وَ تَفَرَّغَ لَهَا»؛ با فضیلت ترین مردم کسی است که عاشق عبادت باشد و با اشتیاق تمام عبادت را به آغوش بکشد و با جسمش آن را دوست بدارد و برای آن فراغت به وجود بیاورد. رسول خدا ^۱ فرمود: «هر کس از روی ایمان و حسابگری معتکف شود، گناهان گذشته او بخشیده می‌شود و مانند انسانی که تازه از مادر تولد یافته، خواهد بود». (متقی هندی، 1402)

از امام صادق [×] روایت شده است که: «رسول خدا ^۱ وقتی ده روز آخر ماه (رمضان) فرا می‌رسید، در مسجد اعتکاف می‌کرد و مؤمنان برای او خیمه‌ای بر پا می‌کردند و ایشان کمر همت بر عبادت می‌بست و بستر خود را جمع می‌کرد [وبعضی گفته‌اند] و از زنان کناره می‌گرفت». (کلینی، 328) پس (در ادامه) امام صادق [×] فرمود: «اما کناره گرفتن از زنان؛ پس این طور نبود، (بلکه) حضرتش ایشان را از مکالمه، خدمت و همنشینی خود باز نمی‌داشت». مرحوم صدوق در این باره می‌گوید: «معنای سخن امام [×] که می‌فرماید: «اما کناره رفتن از زنان، پس چنین نبود»؛ این است که ایشان را از خدمت و همنشینی با ایشان منع نمی‌کرد ولی از مجامعت امتناع می‌کرد، همان طور که آن را منع فرمود؛ و از جمله «و بستر خود را جمع می‌کرد»؛ ترک مجامعت دانسته می‌شود. (شیخ صدوق، 381).

در قرآن و روایات در مورد اهمیت و فضیلت اعتکاف مطالب چندی بیان شده است که برخی از آنها چنین است:

اعتکاف مجموعه‌ای مرکب از مهم‌ترین عبادات واجب و مستحب است؛ لذا معجونی است شفاعت‌بخش و سازنده؛ هم اثر نماز در آن است - که یاد خدا و بازدارندگی از گناهان - است و هم روزه - که سرّی از اسرار الهی است - چنان که

حضرت رضا × فرمود: «الصَّوْمُ سِرٌّ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْعَبْدِ»؛ روزه سری بین خدا و بنده است. و روزه برای خداست و پاداش آن با خداست: «الصَّوْمُ لِيَأْتَا اجْزَى بِهِ»؛ روزه برای من است و من جزا می‌دهم (و یا من جزای او هستم). (مجلسی، 111)

مخصوصاً روزه ایام البیض در ماه رجب آثار ویژه‌ای دارد. پیامبر اکرم ' فرمودند: «هر کس سه روز از وسط ماه رجب (سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم) را روزه بدارد و در شبهایش به نماز شب قیام کند، از دنیا رحلت نمی‌کند مگر با توبه‌ی نصوح. (حر عاملی، 1391).

علی × فرمود: «هر کس یک روز از ماه رجب را در اول یا وسط یا آخر آن روزه بگیرد، گناهان او بخشیده می‌شود.» (همان)

امام صادق × فرمود: «کسی که ایام البیض ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند به ازای هر روز، ثواب روزه داری و شب زنده داری یک سال را برای او می‌نویسد و در روز قیامت، در جایگاه ایمن شدگان از آتش دوزخ خواهد ایستاد.» (همان)

راستی اگر این مجموعه عبادات، با زمزمه نماز شب و اعتراف به گناهان همراه شود، چه آثار گرانبگی در پی خواهد داشت. انسان اگر کمترین توجهی به پرونده خویش داشته باشد، می‌بیند کوله باری از گناهان، آن را پر کرده است. اعتکاف فرصتی است برای تخفیف بار گناهان و باید در اعتکاف عرضه داریم که:

ای عفو تو شامل گناهان	کوی تو پناه بی پناهان
ای مرهم قلب خسته من	ای راز دل شکسته من
برخسته دلان شفای دردی	محروم نکرده دردمندی
بنگر ز گنه چه تیره روزم	چون شمع به در گهت بسوزم

و در روایت می‌خوانیم که «مَنْ اعْتَكَفَ اِيْمَانًا وَ احْسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ»؛

هر کس از روی ایمان و محاسبه نفس معتکف شود، گناهان گذشته او بخشیده می‌شود» و همچون انسانی که تازه از مادر تولد یافته، خواهد بود. این نشان می‌دهد

که اعتکاف آن قدر اهمیت دارد که می‌تواند گناه گذشته انسان را پاک کند. (متقی هندی، 977).

عاقبت به خیری یا رهایی از آتش جهنم آرزوی تمام اولیا و بزرگان است. در دعای جوشن کبیر با آن عظمتش که مشتمل بر هزار اسم خداوند (و شاید اسم اعظم الهی) است، بعد از هر ده اسم مبارک خداوند، فریاد می‌کشیم: منزهی تو ای کسی که معبودی جز تو نیست ما را از آتش نجات بده! ای پروردگارم. (مفاتیح الجنان، ص 144)

و در دعای مبارک مجیر که در ایام البیض هم وارد است. بعد از هر دو اسم مبارک خداوند می‌گوییم «**اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرٌ**»؛ ما را از آتش (جهنم) پناه ده، ای پناه دهنده» (مفاتیح الجنان، ص 132).

از فضیلت و عظمت اعتکاف است که انسان می‌تواند در این چند روز توقف در مسجد، آینده خود را بیمه کند و خود را از آتش جهنم برهاند. چنان که در حدیث نبوی می‌خوانیم «من اعتكف يوما ابتغاء وجه الله جعل الله بينه وبين النار ثلاثة خنادق؛ هر کسی روزی را برای خدا اعتکاف کند، خداوند بین او و آتش (جهنم) سه خندق فاصله قرار می‌دهد (و او را از آتش دوزخ نجات می‌دهد) (متقی هندی، 977).

خداوند برای برخی اعمال دو برابر پاداش قرار داده و برای برخی ده برابر و برای انفاق در راه خدا هفتصد برابر؛ **﴿سَبْعُ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ﴾** و برای جهاد در راه خدا، پاداش بدون حساب، یعنی پاداش بی حد و مرز قرار داده است.

یکی از اعمالی که چنین پاداش فراوان دارد، اعتکاف است. در حدیثی آمده است که «**المعتكف يعكف الذنوب و يجري له من الاجر كاجر عامل الحسنات كلها**»؛ (متقی هندی، 977) معتکف گناهان را متوقف نموده (و از بین می‌برد) و اجرای همسان اجر تمام نیکی‌ها دریافت می‌دارد.

و این پاداش آنگاه دو چندان خواهد شد که در کنار اعتکاف، روزه ماه رجب را هم اضافه کنیم، و آنگاه معنای «این الرجیون» روشن می‌شود. حضرت صادق ×

فرمود «إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَادَىٰ مُنَادٌ مِنْ بَطْنَانِ الْعَرْشِ أَيْنَ الرَّجَبِيُّونَ؟ يَقُومُ أُنْثَىٰ يَضِيئُ وَجُوهُهُمْ لِأَهْلِ الْجَمْعِ عَلَىٰ رُؤُوسِهِمْ تِيجَانِ الْمَلِكِ وَ ذَكَرَ ثَاباً جَزِيلاً إِلَىٰ أَنْ قَالَ: هَذَا لِمَنْ صَامَ مِنْ رَجَبٍ شَيْئاً وَلَوْ يَوْماً مِنْ أَوَّلِهِ أَوْ وَسْطِهِ أَوْ آخِرِهِ»؛ وقتی روز قیامت شد، ندا کننده‌ای از درون عرش صدا می زند کجایند «ای رجبیون» (اهل ماه رجب) پس گروهی که چهره آنان در مقابل دیگران درخشان است و تاج شاهی بر سر دارند به پا خیزند. آن گاه امام صادق × ثواب‌های زیادی نام برد و بعد فرمود: همه اینها برای کسی است که قسمتی از ماه رجب را روزه بگیرد؛ اگرچه یک روز در اول یا وسط یا آخر آن باشد».

البته همه این پاداش‌ها برای کسانی است که اعتکاف جامع شرایط داشته باشند؛ هم احکام آن را مراعات نماید و هم آداب باطنی و ظاهری آن را و در واقع در اعتکاف به اوج رسیده باشند.

سید بن طاووس & می گوید: «بدان که اوج و کمال اعتکاف آن است که انسان عقل و دل و دیگر اعضای بدن خویش را تنها بر اعمال صالح وقف کند و آنها را بر درگاه خداوند و اراده مقدس او حبس نماید. معتکف باید فکر و جان و اعضای خود را با افسارهای مراقبت به خوبی مهار کند و از چیزهایی که روزه‌دار باید از آن پرهیزد، کاملاً خودداری کند. بلکه دقت و مراقبه معتکف باید به مراتب بیشتر از روزه‌دار باشد؛ زیرا او هم روزه دار است و هم معتکف، و هر معتکفی خود را ملزم نموده است که با تمام وجود به خداوند متعال روی آورد و رویگردانی و غفلت از حق را یکسره کنار نهد.

بنابراین هر گاه معتکف نور عقل و جانش را به غیر خدا مشغول کند، یا عضوی از اعضای بدنش را به غیر خدا مشغول کند، یا عضوی از اعضای بدنش را در کاری که طاعت پروردگار نیست به کار گیرد، به همان میزانی که غفلت نموده، یا کوتاهی کرده، از حقیقت اعتکاف خود کاسته است.» (سید بن طاووس، 644)

آنچه از ثواب‌ها و پاداش‌ها بیان شد، مربوط به مطلق اعتکاف بود و اشاره شد که این پاداش‌ها در ماه رجب افزایش می‌یابد و در ماه مبارک رمضان - مخصوصاً دهه آخر- چندین برابر می‌شود؛ زیرا اعتکاف همراه با زمانی می‌شود که در آن نفس‌های انسان تسبیح است و خوابش عبادت، و طاعتش پذیرفته شده، و خواندن یک آیه برابر با ختم قرآن. آنگاه اگر این ثواب‌ها همراه با ثواب‌های شب‌ها و روزهای قدر شود، سر به عرش می‌زند.

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان اذعان کرد که اعتکاف در ماه رمضان از ویژگی خاصی برخوردار است که یک نمونه از ثواب آن است در روایتی از صادق × به نقل از پیامبر اکرم ' آمده است: «اعْتِكَافُ عَشْرِ فَيَ شَهْرِ رَمَضَانَ تَعْدِلُ حَجَّتَيْنِ وَ عُمْرَتَيْنِ»؛ اعتکاف ده روز در ماه رمضان معادل (ثواب) دو حج و دو عمره است. (مبلغان، 1384).

اعتکاف یک فرصت مناسب است

در منابع دینی توصیه شده است که اوقات زندگی و شبانه روز خویش را به سه قسمت تقسیم کنید؛ بخشی برای کار و تلاش، بخشی برای استراحت و تفریح و بخشی برای عبادت و بندگی خدا (نهج البلاغه حکمت 390).

متأسفانه حرص و ولع بشر باعث شده که کار و تلاش برای دنیا و زندگی، تمام اوقات او را پر کند و نتواند آن چنان که باید و شاید با خدا و خویشتن خویش خلوت و گفتگو داشته باشد.

اسلام برای غفلت زدایی و تقویت ارتباط انسان با خدا، علاوه بر عبادت‌های روزانه مانند نمازهای یومیه، عبادت هفتگی همچون نماز جمعه و نیز عبادت‌های فصلی و سالانه همچون حج و روزه ماه رمضان، عبادت‌های مستحبی خاصی نیز در نظر گرفته است که از آن جمله می‌توان به اعتکاف اشاره کرد و چنان چه به فضیلت

و اهمیت اعتکاف از نظر قرآن و روایات در توضیحات قبل دقت شود، بهتر می‌توان جایگاه اعتکاف را به عنوان یک فرصت طلایی دریافت.

اعتکاف دو فرصت مهمی ایجاد می‌کند؛ یک ارتباط قوی با خداوند متعال و دوم تفکر در بازبینی، بررسی، تقویت و تحکیم اعمال و افکار خود انسان.

در فرصت اول اینکه در تنهایی و خلوت، انسان به اعمال و عبادت سفارش شده در روایات، قرآن و سخنان بزرگان دین می‌پردازد که منجر به قرب به معبود می‌شود؛ در این حال معبود خود را درک کرده و بیشتر می‌شناسد، درد دل‌ها و حاجت خود را با معبود خویش در میان می‌گذارد و با اندیشیدن به کلام و دعاهای مخصوص، جواب درددل‌ها، حاجت و ضعف‌های خود را در می‌یابد.

در فرصت دوم اینکه خلوت اعتکاف زمینه تفکر است. بزرگان باور دارند که در تربیت، داشتن استاد، برنامه، عزم و اراده، تمرین و مداومت، از اصول اولیه است؛ اما از آنجا که یافتن استاد و مربی مناسب در این زمانه میسر همگان نیست؛ نسخه‌ای را برای تربیت - در صورت فقدان استاد - بیان نموده‌اند که عبارت است از:

اعمال ظاهری: خلوت، صمت (سکوت)، جوع (گرسنگی)، سحرخیزی و...

اعمال باطنی: توکل، صبر، همت (عزیمت)، صدق و...

خلوت بهترین زمینه تفکر است؛ البته اگر خوراک درست برای تفکر یافت نشود، نه تنها مفید نیست بلکه مضر هم خواهد بود و اعتکاف بهترین موقعیت برای خلوت کردن است و در این خلوت می‌توان به تفکر پرداخت.

محورهای اصلی تفکر

- 1- تفکر در آثار خداوند؛
- 2- تفکر در خود (قوت‌ها، ضعف‌ها، روحیات، وظایف، اختیارات، رسالت‌ها و...)
- 3- تفکر در دین (قرآن و عترت، عمق و محتوا، برکات و آثار دین، دستورات دین و...)

- 4- تفکر در دنیا (پوچی، ظاهر و باطن، موقتی بودن، امانتی بودن، دو چهره بودن)؛
- 5- تفکر در جهان آخرت (دائمی بودن، عمق و ظاهر و باطن آن، مراحل، احوال و ...)
- 6- تفکر در طبیعت (زیبایی‌ها، پیچیدگی‌ها، توانمندی‌ها، درس‌ها و ...)
- 7- تفکر در مردم (دسته بندی‌ها، تنوع، نوع استفاده و ...)
- 8- تفکر در دشمن (درون و بیرون، حيله‌ها، راه‌های مقابله و ...).

جدول یک: برخی تفکرات و نتایج آن

تفکر	نتیجه	ردیف
تفکر در صفات و اسمای الهی	توکل، ایمان و اتکای به خدا	1
تفکر در قیامت و جهان آخرت	تقوا، پرهیز از گناهان، توجه به زندگی اخروی و کم رنگ شدن دنیا	2
تفکر در حسابرسی اعمال	دقت در اعمال (افکار، نیات، گفتار، کردار)	3
تفکر در پاداش‌های الهی	اخلاص، سرعت و سبقت در انجام عمل صالح	4
تفکر در مصنوعات الهی	تقویت ایمان و اعتقاد به خدا، قوت در توحید	5
تفکر در امدادهای الهی	تقویت روحیه و توکل استغاثه به درگاه الهی	6
تفکر در بهشت و نعمات آن	رغبت و انگیزه شدید در انجام عمل صالح و خیرات	7
تفکر در عفو و بخشش الهی	تقویت در روحیه استغفار و توبه و امید به رحمت الهی	8
تفکر در وسعت رحمت الهی	تقویت امید به خداوند	9

تفکر در عظمت الهی	1 0	خوف و خشیت نسبت به خداوند تبارک و تعالی
تفکر در عظمت الهی	1 1	خشیت و خضوع در برابر خداوند
تفکر در ویژگی‌های معصومین [^]	1 2	اقتدای کامل به ایشان و الگوگیری
تفکر در عصمت معصومین [^]	1 3	توسل همه جانبه نسبت به معصومین [^]
تفکر در تاریخ معصومین [^]	1 4	صبر و استقامت در مسیر حق
تفکر در نظارت الهی	1 5	حیا، عفت نسبت به اعمال خود در محضر خداوند
تفکر در عمق گناهان	1 6	پرهیز از معاصی
تفکر در باطن عبادات	1 7	تعمیق، تداوم در عبادات (واجبات و مستحبات)
تفکر در بی وفایی دنیا	1 8	زهد، عدم وابستگی نسبت به دنیا
تفکر در حقیقت دنیا	1 9	استفاده درست از دنیا برای آخرت بهتر
تفکر در موقتی بودن دنیا	2 0	برنامه‌ریزی دقیق از فرصت‌ها برای ثمرات اخروی
تفکر در آیات قرآن	2 1	به کارگیری فرمول‌های الهی در زندگی
تفکر در جامعیت قرآن و عترت	2 2	تداوم اتصال به آنها در مراحل زندگی
تفکر در طولانی بودن سفر آخرت	2 3	جمع آوری آذوقه متناسب این سفر (تقوا)
تفکر در مرگ (جدایی از وابستگی‌ها)	2 4	بیداری و هوشیاری در ارتباط با دنیا

تفکر در تنوع روحیات انسان‌ها	2 5	برقراری ارتباط درست با گروه‌ها و روحیات مختلف
تفکر در ظاهر و باطن عالم	2 6	تعمیق و پرهیز از سطحی نگری
تفکر در مکر و حيله شیطان	2 7	اعتصام به حبل الله
تفکر در شیوه‌های شیطان	2 8	مراقبت، مواظبت، احتیاط در کردار، گفتار و نیت
تفکر در الطاف الهی	2 9	شدت وابستگی به خدا (اشد حباً لله)
تفکر در عاقبت به خیرها و عاقبت به شرها	3 0	مواظبت دایمی، استعاده و استغاثه دایمی
تفکر در ابتلاآت و فلسفه آنها	3 1	تقویت ایمان به خدا، صبر در برابر بلاها و استعاده از آنها
تفکر در نعمات الهی	3 2	شکر متناسب با هر نعمت
تفکر در برکات انفاق	3 3	سرمایه گذاری معنوی
تفکر در فلسفه دستورات الهی	3 4	تسلیم در برابر اولیای دین و دستورات الهی
تفکر در فطری بودن دین	3 5	استحکام در عمل
تفکر در فرصت‌ها در هر مقطع	3 6	استفاده دقیق از فرصت‌ها و اغتمام از آنها
تفکر در کوتاهی عمر	3 7	برنامه‌ریزی، اولویت بندی
تفکر در برنده‌ها و بازنده‌های عالم	3 8	حرکت در مسیر برنده‌های مسابقه عالم هستی
تفکر در برنامه سحرخیزی	3 9	رها نکردن بیداری سحر و استفاده از

برکات آن		

بحث و نتیجه‌گیری

اعتکاف یکی از سنت‌هایی است که پیامبران ما قبل از اسلام هم از طرف خدا به این امر دعوت شده‌اند و پیامبر اسلام نیز اهل بیت و اصحاب خود را به این امر دعوت کرده و روایات زیادی در این مورد بیان شده است چنان که پیامبر ' فرمود: «هنگامی که حضرت آدم، خدا را نافرمانی کرد، او را از عرش خود دور ساخت. او گریست و جبریل آدم را به زمین آورد، در حالی که سیاه شده بود. ندایی از آسمان شنید که روزه بگیر. آدم در آن روز که سیزدهم ماه بود روزه گرفت و بدن او سفید شد. به این جهت، این سه روز از هر ماه را ایّام البیض می‌نامند. سپس منادی نداد داد: ای آدم! این سه روز را برای تو و فرزندانت قرار دادیم. هر کس این سه روز در هر ماه را روزه بگیرد، مانند این است که تمام عمرش را روزه گرفته است». (مجلسی، 1384).

اعتکاف یک امر مستحبی است که مانند مستحبات دیگر هیچ اجباری در انجام آن نیست ولی با توجه به اهمیت و فضیلت‌های بیان شده برای آن از اهمیت فراوان برخوردار است.

اعتکاف خلوتگاهی است که فرصت‌های فراوانی برای فرد معتکف به وجود می‌آورد که با استفاده از این فرصت‌ها زندگی دنیوی و اخروی خود را می‌سازند و این سه روز که با گرفتن روزه در یک خلوتگاه و فرصت‌های تفکر به وجود آمده جبرانی است برای روزهای از دست رفته در طول زندگی.

منابع

1. قرآن.
2. جملات پایانی اقتباس از جواد محدثی، خیمه، ویژه نامه اعتکاف، رجب 1424.
3. جواد آملی، عبدالله، اعتکاف و حکمت آن، مجله اخلاق و تعلیم و تربیت اسلامی، 1388.
4. حر عاملی، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی چاپ چهارم، 1391.
5. راغب اصفهانی، المفردات، تهران، دفتر نشر الکتاب، چاپ دوم، 1404.
6. سید بن طاووس، الاقبال الاعمال، 644/قیومی اصفهانی، جواد 1342.
7. صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، محقق/مصحح: غفاری، علی اکبر، ج 2، 1389.
8. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، محقق/مصحح: غفاری علی اکبر و آخندی، محمد، ج 4، 1392.
9. ماندگار، محمد مهدی، اعتکاف زیباترین خلت نورانی، 1391، بی تا.
10. متقی هندی، علی بن حسام، کنز العمال، ج 8، ح 24007؛ به نقل از حوزه نت، 1394.
11. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، بیروت، ج 83 و 70، 1404.
12. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1370، ج 13.
13. مفاتیح الجنان، دعای جوشن کبیر، 1359.

اعتکاف و بایسته‌های آن از نگاه امام خامنه‌ای (زیده عمره)



محمد علی طاهری نژاد*

چکیده

هدف اساسی پژوهش حاضر، معرفی موضوع اعتکاف و تبیین گستره و ملاک‌های آن با استفاده از بیانات امام خامنه‌ای است. براین اساس، سؤال اصلی پژوهش درباره «اعتکاف و بایسته‌های آن از نگاه امام خامنه‌ای (زیده عمره)» در بیاناتشان مورد مطالعه قرار می‌گیرد. روش انجام پژوهش، تحلیلی-توصیفی و از نوع مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ساختار هندسی فکری - اعتقادی رهبری معظم (زیده عمره) درباره اعتکاف برخوردار از اسلوب‌های اعتقادی - انقلابی همچون؛ نشانه‌ی جهت‌گیری صحیح، رویش انقلاب و اعتکاف مسؤولانه و انقلابی است و باید اذعان نمود که منظومه فکری امام خامنه‌ای مکتبی مستقل از حیث اسلوب و شیوه با الهام‌گیری از مکتب و حیانی، نبوی و علوی بوده و بخشی از آن در

* استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده تربیت مدرس قرآن کریم مشهد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، خیابان سناباد، نبش سناباد 33، کد پستی 9183693135 ، تلفن 051338449700 و 09131575227، پست الکترونیکی m41taherynejad@gmail. Com.

دامنه بایسته‌های موضوع اعتکاف تبلور داشته و اصل و فرع شجره طیبه آن را می‌توان در اصول هدفدار اعتکاف با مواردی مانند: برنامه‌ریزی، انس با خدا در خلوت، مراقبت از خود و تعمیق معرفت دینی و همچنین آثار و برکات آن در مواردی از قبیل حذف بدبینی‌ها، تقویت مردم سالاری، علم و عمل و دشمن هراسی دید.

نتیجه‌گیری

نتیجه‌ی پژوهش روشنگر این است که ساختار هندسی و منظومه فکری - اعتقادی معظم‌له با الهام از آموزه‌های وحیانی و نبوی - علوی نقش مهمی در معنای صحیح و تحلیل درست از عباداتی همچون اعتکاف دارد که ضمن تقویت جایگاه دین و فرهنگ آن، می‌تواند تأثیر بسزایی بر مخاطبان دین داشته باشد.

واژگان کلیدی

امام خامنه‌ای، اعتکاف و بایسته‌های آن، ساختار و منظومه فکری - اعتقادی، آثار و برکات اعتکاف

مقدمه

یکی از برکت‌ها و رویش‌های انقلاب اسلامی ایران، اقبال عمومی، بویژه جوانان به معارف دینی در حوزه‌هایی همچون «اعتکاف» است. این اقبال، حکایت از معنویت‌گرایی در میان مردم، بویژه جوانان این کشور در رویارویی با خلأهای معنوی و عرفان‌های کاذب و نوظهور است که به طور هدفمند به دنبال مهار کردن نسل جوان و قرار دادن آنان در منجلاب شهوت‌ها می‌باشند. از طرفی گرایش‌های معنوی مانند اعتکاف در راستای تقویت بیان رهبری معظم مبنی بر رویش‌های طویه انقلاب است که می‌تواند پاسخی صریح بر تفکر باطل کسانی باشد که معنویت‌گرایی را در نسل بانشاط جوان بعد انقلاب اسلامی تخطأ می‌نمایند. در واقع، افزایش چنین اقبالی نشان از کارکردهای دین در مدیریت جامعه اسلامی با بهره‌گیری از آموزه‌های طلایی تعطیل شده در دوران قبل از انقلاب دارد. لذا این باور، یعنی روی آوردن مردم، بویژه نسل جوان به معنویت و تبدیل آن به یک جنبش اجتماعی مقدس از امری فردی به هنجاری اجتماعی نشان از ظرفیت فراشناکی دارد که مسئولیت دست اندرکاران نظام را در تربیت جوانان با آموزه‌های وحیانی دو چندان می‌کند و دیگر جای مجالی برای غفلت از دین و بهره‌گیری از آموزه‌های آن در اصلاح کشور برای کسی بر جای نخواهد داشت. از این جهت به دلیل ضرورت و اهمیت موضوع اعتکاف و مسؤولانه برخورد کردن نظام در قبال مردم، این موضوع از منظر رهبری معظم انقلاب اسلامی که در رأس مسؤولان نظام است، در این مقاله بررسی می‌گردد.

1. کاربرد واژه اعتکاف در قرآن

این واژه نه مرتبه با مشتقات آن در قرآن کریم آورده شده است (عبدالباقی، 1383، ص 595)، که به طور کلی به معنای عبادت برای خدا و بت‌ها می‌باشد. آیاتی که

دلالت بر معنای عبادت برای خدا دارد عبارت‌اند از: بقره/125 و 187، حج/25 و فتح/25؛ اما آیات اعراف/138، انبیا/52، طه/91 و 97 و شعرا/71 نشان دهنده پرستش بت‌هاست. اعتکاف برای بت‌ها از نگاه قرآن ریشه در جهالت مردم و متأثر از محیط زندگی آنان (مکارم شیرازی، 1371 ش، ج 6، ص 335) و قوم جاهل بی ایمان و نه مؤمنین بوده است (فضل الله، 1419 ق، ج 10، ص 226). اما اعتکاف برای خداوند باید خالص (بقره/125) و خالی از هر گونه پیرایش و اجرای فرمان الهی با دوری گزینی از همسر شرعی (بقره/187) و اقامت در مسجد باشد (طباطبایی، 1374 ش، ج 14، ص 517).

2. کلید واژه‌های گستره و مصادیق اعتکاف در بیانات رهبری معظم (زیده‌عمره)

این کلید واژه‌ها را می‌توان از بخشی از بیانات معظم‌له که در مباحث زیر مطرح شده، استخراج نمود. این کلیدواژه‌ها، راه را بر آشنایی با فضای گفتمانی این اصل عبادی هموار می‌سازد.

- نزدیک شدن به خدا؛
- ارتباط‌گیری با خدا؛
- پاکیزه و با طهارت شدن؛
- انقطاع از دنباله‌های متعارف زندگی؛
- توجه به خدای متعال؛
- توجه به معنویات و معارف؛
- توجه به توحید؛
- کار فردی؛
- حال خلوت و حال ارتباط فردی و قلبی با خدا؛
- خواندن قرآن، نهج‌البلاغه و بویژه صحیفه‌ی سجادیّه؛

- مراقبت از خود؛
- تعمیق معرفت دینی؛
- به جان خریدن ریاضتی همراه با شوق و رغبت برای ارتقای معنویت؛
- سنت حسنه؛
- منشأ قضاوت در پیشرفت معنویت؛
- حذف دیوارهای سیاسی؛
- مصداق عمل به اسلام؛
- خوب بودن اعتکاف؛
- ترسیدن دشمن؛
- علامتی خوب و رضایت بخش برای جامعه اسلامی (ر.ک: سایت رهبری معظم).

3. ساختارهندسی فکری - اعتقادی رهبری معظم (زیدعمره) درباره اعتکاف
هرچند که مؤلفه‌های زیادی در ساختار فکری - اعتقادی رهبری معظم وجود دارد ولی بر حسب موضوع به سه مورد از آنها اشاره می‌گردد:

1-3. اعتکاف، نشانه‌ی جهت‌گیری صحیح

در ایام اعتکاف در ماه مبارک رجب، در بسیاری از مساجد سراسر کشور، جوانان ما، زنان و مردان از قشرها و سنین مختلف، رفتند و در مسجد ماندند؛ سه روز، روزه گرفتند و با خدا مأنوس شدند. بعد از آن هم با گریه و اشک و آه، مسجد را وداع گفتند و بیرون آمدند، تا برای سال آینده آماده شوند. عزیزان من! این برای یک جامعه، علامت خوبی است. ① **الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ** علامت یک حکومت الهی، علامت یک حرکت صحیح و دارای جهت‌گیری صحیح است. این را جدی بگیرید و تقویت کنید (ر.ک: دیدار با طلاب و مردم قم به مناسبت ۱۹ دی ماه ۱۳۷۵).

2-3. اعتکاف، نشانه‌ی رویش انقلاب

خوشا به حالتان معتکفین عزیز. پدیده‌ی اعتکاف یکی از رویش‌های انقلابی است. ما اول انقلاب این چیزها را نداشتیم. اعتکاف همیشه بود. زمان جوانی ما وقتی ایام ماه رجب فرا می‌رسید، در مسجد امام قم - آن‌هم فقط قم؛ در مشهد من اصلاً اعتکاف ندیده بودم - شاید پنجاه نفر، صد نفر فقط طلبه اعتکاف می‌کردند. این پدیده‌ی عمومی؛ این که ده‌ها هزار نفر در مراسم اعتکاف شرکت کنند، آن‌هم اغلب جوان، جزو رویش‌های انقلاب است. من یک وقت عرض کردم که انقلاب ما ریزش دارد، اما رویش هم دارد؛ رویش‌ها بر ریزش‌ها غلبه دارند. پس خوشا به حالتان معتکفین عزیز (ر.ک: خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران 1384/05/28).

3-3. اعتکاف مسؤولانه انقلابی

در دوران جوانی ما، در حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ایام نیمه‌ی رجب که روزهای معروف اعتکاف است، شاید در مسجد امام آن روز، ده نفر، پانزده نفر، بیست نفر طلبه - آن‌هم در مرکز حوزه‌ی علمیه، که قم باشد - اعتکاف می‌کردند؛ این کار معمول نبود، بلد نبودند. امروز در دانشگاه‌های کشور، هزاران نفر از جوانان دانشجوی - دختران و پسران - در مساجد دانشگاه‌ها اعتکاف می‌کنند، سه روز عبادت می‌کنند، خلوت می‌کنند، با خدای خود ارتباط برقرار می‌کنند؛ مساجد بزرگ و مجامع بزرگ که جای خود دارد. اینها معنویت است. کشور ما اهل معنویت است، اما معنویت ما همراه و هم‌روال است با احساس مسؤولیت. این معنویت به هیچ وجه نباید ما را از مسؤولیت عظیم انقلابی خودمان جدا کند، بلکه کمک به حرکت انقلابی است. آن کسانی که با تکیه‌ی به دینداری و با عنوان کردن دینداری، سعی می‌کنند جامعه را سیاست‌زدایی کنند، جوانان را سیاست‌زدایی کنند، جوانان را از حضور در عرصه‌های کشور دور نگه دارند، اشتباه می‌کنند، راه خطا می‌روند، دچار انحراف‌اند؛ این ابعاد با همدیگر است (ر.ک: بیانات در بیست و دومین سالگرد امام خمینی + 1390/03/14).

4. مفهوم‌شناسی

اعتکاف از کلمه «عکف» به معنای حبس و نگه داشتن و «عکف، یعکف و یعکف، عکوفاً» به معنای روی آوردن به چیزی و روی گردان نشدن از آن می‌باشد (ابن فارس، 1390ش، 696) و مصدر آن به معنی گوشه‌گیری کردن برای عبادت، در مسجد مقیم شدن برای عبادت و بازداشتن خود از خروج به غیر ضرورت از مسجد (دهخدا، 1385ش، 181/1) و ثبات بر آن به صورت بزرگداشت و تعظیم آن و به قصد قربت و عبادت در مسجد است (راغب، 1412ق، 579) و در اصطلاح فقهی عبارت است از نوعی عبادت که لازم نیست قصد عبادت دیگری کند (امام خمینی، 1378ش، 170). انسان سه روز یا بیشتر در مسجد مقیم می‌شود و پا بیرون نمی‌گذارد و هر سه روز، روزه می‌گیرد، این کار شرایط و احکامی دارد که در کتاب‌های فقهی مسطور است (مطهری، 1372ش، 114/3).

از منظر دیگر، اعتکاف جای عبادت است؛ [چون] عبادت فقط نماز خواندن نیست؛ تماس خوب با معتکفین، ارتباط دوستانه و برادرانه، فراگیری از آنها، تعلیم‌دهی به آنها، معاشرت اسلامی را تجربه کردن و آموختن؛ همه‌ی اینها فرصت‌هایی است که در اعتکاف ممکن است پیش بیاید (ر.ک: بیانات در دیدار اعضای ستاد مرکزی اعتکاف و اعضای سومین جشنواره‌ی سراسری علمی فرهنگی اعتکاف 15/02/1393).

5. بایسته‌های اعتکاف از نگاه امام خامنه‌ای (زیده عمره)

دنیای بیرون با جلوه‌های رنگارنگ و محرک‌های پرجاذبه، انسان را در سراب فریبنده مادی گرفتار کرده (آل عمران/14) و از سویی دنیای درونش با تزئین نفس سرکش هویتش را به مخاطره‌انداخته (یوسف/96) و او را دچار خودفراموشی نموده (مجادله/19) و فضای زندگی، انسان‌ها را به طرف پوچ‌گرایی سوق داده است

(نور/39 و 40). لذا برای رستن از اسیری دنیای نفس و یافتن حقیقت خود، راهی جز آشتی با معارف دین و دستورالعمل‌های آن نیست. به عنوان نمونه در ادیان گذشته (مریم/17 و 49) و بویژه در اسلام توصیه شده فرد هر چند روزی را در زمان‌های معین یا نامعین (ر.ک: سایت رهبری معظم انقلاب) و با انگیزه الهی با زبان روزه در مسجد بیتوته کند (کلینی، 1407ق، ج4/ص176)، تا زمینه‌های غفلت از میان برود و شرایط یاد خدا و توجه به او در جانش فراهم شود.

1.5. اصول هدفدار برنامه‌های اعتکاف

تمامی ادعیه و اعمالی که در قالب عبادت وارد شده، از جنبه‌های مختلف قابل بررسی می‌باشد. گرچه بسیاری از اعمال و فرایض عبادی در اجرا متفاوت می‌باشند، اما حقیقت تمامی آنها، توجه باطنی، قلبی و عملی به ذات اقدس الهی می‌باشد. از جمله این اعمال، عمل عبادی اعتکاف است. غرض و اهداف این عمل مستحبی که می‌تواند کارکردهای اثربخشی را برای فرد و اجتماع به ارمغان آورد، از نگاه رهبری معظم، دارای اصولی به شرح زیر است:

1.1.5. اصل برنامه‌ریزی

برنامه‌ریزی از نظر رهبری معظم برای اعتکاف کنندگان دارای دو شاخصه؛ هوشمندانه و توجه به معنای اعتکاف می‌باشد که به مسؤولان برگذار کننده این مراسم‌های مقدس توصیه شده است. ایشان برای روشن نمودن این شاخصه‌ها می‌فرمایند: برنامه‌ریزی، هم باید هوشمندانه باشد، هم با توجه به معنای اعتکاف باشد. حالا فرض کنیم مثلاً یکی بیاید برنامه‌ریزی کند که برای این اعتکاف فیلم نشان بدهیم! خب، فیلم که همه جا آدم می‌بیند؛ فیلم که احتیاج به روز آیام‌البیض و در مسجد و مانند اینها ندارد. اعتکاف برای نزدیک شدن به خداست. شما ببینید چه کار می‌توانید بکنید که هم دل او به خدا نزدیک بشود، هم مغز و ذهنش به خدا

نزدیک بشود؛ که طبعاً وقتی انسان در درون، در دل، در باطن با خدای متعال انس پیدا کرد، در ظاهر او هم اثر می‌گذارد و در ظاهر هم نشان داده می‌شود. وقتی حالت خشوع به انسان دست داد، خضوع هم به دنبال خشوع می‌آید؛ و این، آن وقت در زندگی اثر می‌گذارد؛ این جوانی که بعد از این سه روز از اعتکاف آمد بیرون، پاکیزه می‌شود، شستشو می‌شود و می‌آید بیرون؛ طهارتی پیدا می‌کند معنای او؛ این برایش ذخیره است. این خیلی چیز با عظمت و مهمی است؛ سه روز روزه‌داری و انقطاع از دنباله‌های متعارف زندگی، و توجه به خدای متعال و به معنویات و به معارف و به توحید؛ اینها خیلی با ارزش است. مراقب باشید این درست انجام بگیرد، درست هدایت بشود؛ گویندگان خوبی باشند، بروند حرف بزنند، معارف دینی را به آنها یاد بدهند. از جنجال‌های گوناگونی [هم] که در حاشیه‌سازی‌های معمول جامعه نقش دارند، پرهیز بشود و این سه روز را بگذاریم برای جهات معنوی. حالا بعد آمدند بیرون، خیلی میدان‌های دیگر و عرصه‌های دیگر زندگی هست که انسان در آن عرصه‌ها در جامعه وارد می‌شود، اما در این سه روز، ارتباط‌گیری با خدا اصل باشد و [برای آن] برنامه‌ریزی بشود؛ این آن چیزی است که [اصل است] و ان شاء الله بیشتر هم خواهد شد. (ر.ک: بیانات در دیدار اعضای ستاد مرکزی اعتکاف و اعضای سوّمین جشنواره‌ی سراسری علمی فرهنگی اعتکاف 15/02/1393).

2-1-5. اصل انس با خدا در خلوت

من همین جا به مسؤولین مربوط - در این اموراتکاف ها - یک سفارشی بکنم: اگرچه که اجتماع هزاران نفر در جاهای مختلف یک فرصت خوبی است و شنیده‌ایم بعضی از مسؤولین مساجد، در این فرصت‌ها برنامه‌های جمعی‌ای می‌گذارند که مثلاً افراد، بیشتر استفاده بکنند؛ لکن من می‌خواهم عرض بکنم این برنامه‌های جنبی مراکز اعتکاف، جوری نباشد که با خلوت هر کدام از معتکفین منافات پیدا کند. این

اعتکافی که جوان‌ها انجام می‌دهند، در واقع دارند با خدا خلوت میکنند. اعتکاف بیشتر یک کار فردی است؛ ایجاد یک ارتباط با خداست. جوری نشود که برنامه‌های جمعی این مراکز اعتکاف، حال خلوت و حال ارتباط فردی و قلبی با خدا را در افراد ضعیف بکند یا بگیرد. مجال بدهند؛ وقت بگذارند؛ بگذارند این جوان‌ها قرآن بخوانند، نهج البلاغه بخوانند، صحیفه‌ی سجادیّه بخوانند. بخصوص من در این ایام اعتکاف، صحیفه‌ی سجادیه را توصیه می‌کنم. این صحیفه‌ی سجادیه واقعاً کتاب معجزنشانی است. خوشبختانه حالا ترجمه هم شده و ترجمه‌هایی هست. سال گذشته ترجمه‌ی خوبی از صحیفه‌ی سجادیه را به من دادند و آن را دیدم؛ ترجمه‌ی بسیار خوبی است. از این معارف موجود در دعاهاى حضرت علی بن حسین^۱ در صحیفه‌ی سجادیه، استفاده کنند؛ بخوانند؛ تأمل کنند. اینها فقط دعا نیست؛ درس است؛ این کلمات امام سجاد - و همه‌ی ادعیه‌ای که از ائمه^(ع) مأثور است و به دست ما رسیده است - پر است از معارف. پس ماه رجب است، ماه عبادت است، ماه توسل به پروردگار است، ماه تضرع است؛ و در این راه، ماه تشبه به امیرالمؤمنین است. با خدا ارتباطمان را قوی کنیم تا در میدان‌های زندگی بتوانیم با اراده‌ی محکم، با قدم استوار و با ذهن روشن، وارد هر میدانی بشویم (ر.ک: دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت علی × (۱۳۸۷/04/26)).

3-1-5. اصل مراقبت از خود

توصیه‌ی من این است که در این سه روزی که شما در مسجد هستید، تمرین مراقبت از خود بکنید. حرف که می‌زنید، غذا که می‌خورید، معاشرت که می‌کنید، کتاب که می‌خوانید، فکر که می‌کنید، نقشه‌ای که برای آینده می‌کشید، در همه‌ی این چیزها مراقب باشید رضای الهی و خواست الهی را بر هوای نفستان مقدم بدارید؛ تسلیم هوای نفس نشوید. تمرین این چیزها در این سه روز می‌تواند درسی باشد برای خود آن عزیزان و برای ماها که این جا نشسته‌ایم و با غبطه نگاه می‌کنیم به حال جوانان عزیزمان

که در حال اعتكاف هستند. با عمل خودتان به ما هم یاد بدهید (ر.ک: 04/26/1387).

4-1-5. اصل تعمیق معرفت دینی

دوستان عزیز! من به شما عرض بکنم؛ انس با قرآن و تدبر در قرآن، همچنین تدبر در ادعیه‌ی مأثورهای که اعتبار دارد - مثل صحیفه‌ی سجاده و بسیاری از دعاها - در تعمیق معرفت دینی خیلی نقش دارد. تعمیق معرفت دینی خیلی مهم است. یک وقت یک کسی همین طور روی احساسات، در نماز جماعت هم ممکن است شرکت کند، در اعتكاف هم شرکت کند، در مجلس عزای حسینی هم شرکت کند، در فلان تظاهرات دینی هم شرکت کند، اما این معرفت در عمق جان او وجود نداشته باشد؛ لذا سر یک پیچی، سر یک دست‌اندازی، یک هو می‌بینید که از جا در می‌رود؛ این به خاطر این است. ما نظایرش را زیاد دیدیم. توی همین مجموعه‌های انقلاب، اوایل انقلاب کسانی بودند که از ماها که ریش داشتیم و عمامه داشتیم و اینها، به نظر می‌رسید که اینها متدین‌تر و مقیدتر و پابندتر و نسبت به دین متعصب‌تراند؛ بعد یک وقت - همان طوری که عرض کردم - یک دست‌اندازی پیش آمد، یک هو دیدیم تایش در رفت! خوب، پیداست که چفت و بست محکمی نداشته. بنابراین تعمیق معرفت دینی، خیلی مهم است؛ انس با معارف اسلامی، خیلی مهم است. این هم یک بخش کار فرهنگی است که باید ترویج شود. اینها متولی می‌خواهد، متولی‌اش هم شما باشید؛ هیچ کس دیگر نیست. یعنی شما مدیران و رؤسای گروه‌های تحقیقی، متولی این کار هستید. این کار را نمی‌شود به شکل اداری درست کرد و مثلاً تزریق کرد به یک مرکز علمی و محیط علمی؛ این را باید بنشینید برایش فکر کنید؛ اینها خیلی مهم است (ر.ک: بیانات در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران 1388/11/13).

5-1-5. اصل ارتقای معنویت و گستره آن

متصدیان و مباحثان این سنت نبوی باید با برنامه‌ریزی هوشمندانه و همچنین شناسایی آسیب‌ها و تهدیدها، زمینه هر چه نزدیک‌تر شدن ذهن و دل معتکف به خداوند و طهارت روحی او را فراهم کنند ... عشق و صف ناپذیر جوانان به اعتکاف پس از انقلاب اسلامی که امروز در مساجد و دانشگاه‌های سراسر کشور نمود دارد، باید به عنوان فرصتی ارزشمند قدر دانسته شود ... آموختن و تجربه‌ی معاشرت اسلامی، ارتباط دوستانه و برادرانه با معتکفین و همچنین تعلیم و تعلّم معارف دینی از جمله‌ی فرصت‌های این مراسم نورانی است... در برنامه‌ریزی‌ها اصل باید بر نزدیک کردن ذهن و دل معتکف به خداوند و در مقابل انقطاع از جنجال‌ها و حاشیه‌های متعارف جامعه و زندگی باشد. (ر.ک: دیدار اعضای ستاد مرکزی و جشنواره اعتکاف 1393/02/15).

5-1-6. اصل سنت شکنی بر محور سنت نبوی

در نیمه‌ی این ماه، جوانان ما سال‌هایی است که این سنت حسنه را در کشور رایج کرده‌اند؛ سنت اعتکاف را، رفتن در مساجد را، روزه گرفتن را. واقعاً چقدر منظری زیبا و معطری است که جمع کثیری از جوان‌های ما برخلاف سیره‌ی متعارف جوان‌های دنیا که غرق در شهوات و تمایلات نفسانی هستند، روزها و شب‌هایی را روزه بگیرند؛ بروند در یک مسجدی بنشینند، اعتکاف کنند؛ شب و روزشان را ذکر و فکر و شنیدن معارف الهی و شنیدن احکام و مذاکره‌ی علم حقیقی - که علم توحید است - قرار دهند؛ این خیلی چیز مهمی است. اینها از برکت انقلاب است. قبل از انقلاب، ما در این ایام نیمه‌ی ماه رجب ندیده بودیم یا خیلی به ندرت می‌دیدیم که کسانی بروند اعتکاف کنند. غالباً همه‌ی ماها، همه‌ی مردم غافل بودیم از این روزنه‌ی رحمت الهی. بنده در مشهد که اصلاً ندیده بودم؛ در قم هم یک تعداد معدودی، یک چند نفر طلبه در مسجد امام می‌رفتند و ایام نیمه‌ی ماه رجب

اعتکاف می‌کردند. امروز شما نگاه کنید؛ نه فقط مساجد جامع، نه فقط مساجد بزرگ، نه فقط در یک شهر و دو شهر، بلکه در همه‌ی کشور، در همه‌ی شهرها، در همه‌ی مساجد، جوان‌های ما، مردان ما، زنان ما، دختران ما، پسران ما می‌روند صف می‌کشند، اسم می‌نویسند، برای این که به آنها فرصت داده شود که در این مسجد، در آن مسجد، سه روز روزه بگیرند و اعتکاف کنند؛ این خیلی برای یک ملت حائز ارزش است، این خیلی مهم است. اینها هست. این ماه رجب است؛ از این فرصت‌ها استفاده کنید. جوان‌ها! شما بیشتر استفاده کنید. دل‌های پاک شما، جان‌های باصفا و نورانی شما آماده‌ی تالّوآت و تشعّصات رحمت الهی و توجهات الهی است؛ این را قدر بدانید (ر.ک: بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۲/۰۲/۲۵).

7-1-5. اصل اعتکاف و قضاوت صحیح

در تهذیب و تطهیر روحیه هم همین جور؛ بعضی‌ها نگاه می‌کنند به یک مظاهری، می‌بینند یک چند تا جوان، یک چند تا زن یا مرد، یک عمل خلافی انجام دادند، فوراً ریش یک قضاوت کلی می‌گذارند؛ این غلط است. مردم به معنویات توجه دارند. شما همین روزها به مساجد دانشگاه‌ها بروید، ببینید در این روزهای اعتکاف چه خبر است. از فردا جوان‌های ما می‌روند در مساجد اعتکاف می‌کنند. یکی از شلوغ‌ترین، گرم‌ترین و پرشورترین مراکز اعتکاف، مساجد دانشگاه‌های ماست؛ غیر از مساجد عمومی و مساجد بزرگ، که همه در آن شرکت می‌کنند. این نشان‌دهنده‌ی حرکت مردم به سمت معنویت است. با اینهاست که ما می‌توانیم تشخیص بدهیم، قضاوت کنیم، حکم کنیم به این که کشور ما، ملت ما، در حال پیشرفت است. در همه‌ی ابعاد، کشور دارد پیشرفت می‌کند؛ و همه در زیر پرچم اسلام و در سایه‌ی دعوت الهی این مرد بزرگ (ر.ک: بیانات در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی & 1391/03/14).

6. آثار و برکات اعتکاف از نظر رهبری معظم

1-6. حذف فاصله‌های کاذب سیاسی

رهبری معظم با اشاره به همکاری تشکل‌های مختلف دانشجویی در برگزاری مراسم مذهبی نظیر اعتکاف می‌فرمایند: تشکل‌های دانشجویی که ظاهراً با دیوارهای سیاسی از هم فاصله گرفته‌اند، در مقابل گرمای خورشید دین، این مرزهای مصنوعی را از یاد می‌برند (دیدار دانشجویان و دانشگاهیان استان زنجان با رهبر انقلاب 1382/07/21).

2-6. حذف بدبینی‌ها

رهبر معظم انقلاب اسلامی با توصیه به روحانیان برای گسترش ارتباط با مردم می‌فرمایند: به رغم تلاش‌های مستمر دشمنان اسلام برای بدبین کردن ملت ایران به اسلام و روحانیت، پدیده‌هایی همچون اعتکاف^۱ بخش عظیمی از جوانان دانشگاهی، نشان می‌دهد که ملت ایران دلبستگی خود را به دین مبین پروردگار بیشتر کرده است و همین واقعیات ارتباط با این مردم مؤمن و پرفضا را بسیار شیرین می‌کند (ر.ک: دیدار علما و روحانیان و طلاب استان زنجان با رهبر انقلاب 1378/06/7).

3-6. تقویت مردم سالاری

مقام معظم رهبری بر رسوخ ایمان اسلامی در اعماق جان مردم تأکید دارند؛ ایشان می‌فرمایند: عده‌ای تلاش می‌کنند ایمان مردم را که منشأ قدرت در نظام اسلامی است، متزلزل کنند. اما بدون تردید تلاش آنها همانند تلاش 50 ساله خاندان پهلوی بی‌ثمر خواهد بود. مردم و بویژه جوانان امروز ما در هر نقطه‌ای از ایران اسلامی اهل تعبد، دعای کمیل، اعتکاف، توسل و تضرع و اهل ایستادگی در میدان جنگ هستند و با عمل به اسلام برای ایجاد دنیایی که متضمن سعادت جامعه بشری است تلاش می‌کنند (ر.ک: سخنرانی رهبر انقلاب در اجتماع بزرگ مردم نهبندان 1378/05/14).

4-6. تقویت علم و عمل

رهبر معظم انقلاب اسلامی، وجود برخی تلاش‌ها برای حذف قید اسلامی از انجمن‌های اسلامی و نیز حذف بار ارزشی کلمه جهاد از جهاد دانشگاهی را همراه با تأکید بر ضرورت مقابله و مبارزه با این تلاش‌ها می‌فرماید: دانشجویان مؤمن و انقلابی ما می‌توانند با گسترش فرهنگ عمیق اسلامی، جهاد خود را در دانشگاه‌ها به بهترین وجه انجام دهند. توجه به دین و اقبال به عباداتی مانند نمازهای جماعت و مراسم دعا و اعتکاف بسیار خوب است، اما دایره تأثیر و مدت تأثیر محدودی دارد، بنابراین برای گسترش این دایره و نیز اثر گذاشتن بر دل‌های اهل تحقیق، انجام کار عمیق و علمی یک ضرورت است (ر.ک: دیدار جمع زیادی از دانشجویان و اعضای جهاد دانشگاهی ۱۳۷۷/۰۲/۰۹).

5-6. تقویت دشمن‌هراسی

امروز دستگاه استکبار حقیقتاً با همه وجود، از هیمنه و هیبت این انقلاب عظیم و این ملت بزرگ، خائف و لرزان است. ملتی با این عظمت؛ همین ملتی که نوزده سال با این همه سختی‌ها مقاومت کرده است، دیدید که امسال بیست و دوم بهمن - سالگرد انقلاب - را با چه شکوهی برگزار کرد! دیدید که این ملت، مظاهر انقلاب را چگونه گرامی می‌دارد! دیدید که علی‌رغم آن همه تلاش دشمنان، جوانان ما، دانشجویان ما، کارگران ما و قشرهای مختلف مردم، چگونه مظاهر مذهب را، دین را و تعبد را بزرگ می‌شمارند! اینها را دشمن هم دید. دشمن هم اعتکاف دانشجویان در مسجد دانشگاه را دید؛ مساجد پُر از معتکفان را که اکثر آنها جوانان بودند، دید. دشمن از اینها می‌لرزد. همه اینها ابعاد مختلف عظمت این انقلاب، عظمت آن پیام و عظمت آن امام است (ر.ک: بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان ۱۳۷۵/۱۰/۱۹).

6-6. تقویت نقش جایگاه مسجد

رهبری معظم به نقش تعیین‌کننده مسجد در به ثمر رسیدن نهضت‌های بزرگ اسلامی در نقاط مختلف جهان اشاره کرده و می‌فرماید: مسجد در طول تاریخ منشأ آثار

بزرگ و حرکات عظیم اسلامی بوده است و شکست انقلاب ملت‌های مسلمان و از دست رفتن استقلال آنان از آن هنگام شروع شد که مردم ارتباط خود را با مساجد، دین و ایمان اسلامی قطع کردند. بنا بر این مسجد به عنوان یک پایگاه دین، عبودیت و معرفت می‌تواند برای جوامع اسلامی سر آغاز نهضت‌های بزرگ و برکات ماندگار باشد... مسجد جایی است که انسان خود را به منبع لایزال فیض الهی متصل می‌کند. مسجد مدرسه و دانشگاهی برای تفکر و تأمل و مرکزی برای تصفیه روح و خلوص و اتصال به خداست و آنچه که در ایام اعتکاف در مساجد شاهد آن بودیم، علامت خوبی برای جامعه اسلامی ایران و حرکت و جهت‌گیری صحیح این حکومت الهی محسوب می‌شود (ر.ک: دیدار جمع کثیری از مردم قم با رهبر انقلاب 09/24/۱۳۷۵).

نتیجه‌گیری

فرهنگ غنی مکتب اسلام دارای ظرفیت‌های زیادی در ابعاد مختلف حیات بشری است و مؤلفه‌ها و ساختارهای معرفتی - انگیزه‌ای و رفتاری را در گذر زمان می‌توان در سکانداران دین یعنی عالمان متعهد و سلیم النفس پس از حیات نورانی معصومان^۱ و در عصر غیبت صغرا و کبرای حضرت ولی عصر (عج) مشاهده نمود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد؛ بعد از حرکت عظیم ملت ایران به رهبری امام امت^۲ و سپس به سکانداری جانشین صالح ایشان امام خامنه‌ای این ظرفیت‌ها در ساختار هندسی فکری - اعتقادی رهبری معظم (زیدعمره) در همه ابعاد مشعشع گردیده است. ایشان درباره اعتکاف، قائل به اسلوب‌های اعتقادی - انقلابی همچون جهت‌گیری صحیح، رویش انقلاب و اعتکاف مسؤولانه و انقلابی هستند که باید اذعان نمود؛ منظومه فکری ایشان دارای مکتبی مستقل از حیث اسلوب و شیوه با الهام‌گیری از مکتب و حیانی، نبوی و علوی است که بخشی از آن در دامنه بایسته‌های موضوع اعتکاف تبلور داشته است و اصل و فرع شجره طیبه آن را می‌توان در اصول هدفدار اعتکاف با مواردی مانند برنامه‌ریزی، انس با خدا در خلوت، مراقبت از خود و تعمیق معرفت دینی و آثار و برکات آن در حذف

اعتکاف و بایسته‌های آن از نگاه امام خامنه‌ای (زیده عمره) ♦ 213

بدینی‌ها، ت قویت مردم سالاری، علم و عمل و دشمن هراسی مشاهده کرد.

منابع

1. ابن فارس، 1390ش، ترتیب مقایس اللغة، ترتیب و تنقیح: علی عسکری، سعید رضا و حیدر مسجدی، چاپ دوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
2. خمینی، سید روح الله، 1378ش، رساله نجاه العباد، چاپ اول، قم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
3. دهخدا، علی اکبر، 1385ش، فرهنگ متوسط دهخدا، ج اول، به کوشش: غلامرضا ستوده، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
4. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، 1412ق، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، الطبعة الاولى، دمشق، دارالقلم.
5. طباطبایی، محمدحسین، 1374ش، تفسیر المیزان، مترجم: موسوی، محمدباقر، چاپ پنجم، قم، نشر دفتر انتشارات اسلامی.
6. عبدالباقی، محمد فواد، 1383ش، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم بحاشیه المصحف الشریف، چاپ پانزدهم، تهران، انتشارات حرّ.
7. فضل الله، محمدحسین، 1419ق، من وحی القرآن، چاپ اول، بیروت، نشر دارالملاک.
8. کلینی، محمد بن یعقوب، 1407ق، الکافی، محقق: غفاری، علی اکبر، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
9. مطهری، مرتضی، 1372ش، آشنایی با علوم اسلامی، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات صدرا.
10. مکارم شیرازی، 1371ش، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران، نشر دارالکتب

اعتكاف و بایسته‌های آن از نگاه امام خامنه‌ای (زیده عمره) ♦ 215

الاسلامیة.

11. سایت آیت الله خامنه‌ای.

اعتکاف



یداله قائم پناه

انسان موجودی است سالک و پویا که ره به سوی معبود حقیقی خویش می‌برد و از هر راهی که برود و هر مسیری را که در زندگی انتخاب کند، سرانجام به لقای معبود خویش می‌رسد: ① یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحا فملاقیه ﴿۶﴾ (انشقاق / 6)؛ ای انسان! تو با تلاش و رنج به سوی پروردگارت می‌روی و او را ملاقات خواهی کرد.

اگر انسان راه ایمان، خود سازی و تهذیب نفس را بیوید، جمال و مهر خداوند را مشاهده می‌کند و اما اگر راه کفر و آلودگی را در پیش گیرد، با جلال و قهر او را روبه‌رو خواهد شد. بنابراین اگر مقصد و غایت سلوکش لقای محبت و مهر خدا باشد، باید راه تهذیب نفس و عبادت حقیقی را در پیش گیرد و از هوای نفس بگریزد و در طریقت انس با معبود گاهی به گوشه‌ای خلوت پناه ببرد و دور از همه عنوان‌ها و تعلقات مادی، لختی بر حال زار خویش بگریزد و با سوز دل و اشک چشم، کدورت و زنگار را از چهره جان خود بزدايد و در زاد و توشه آخرت اندیشه کند.

ادیان الهی با توجه به همین نیاز روحی، با آن که انسان را به حضور در جامعه و شرکت در فعالیت‌های اجتماعی فرا می‌خوانند، فرصت‌هایی را نیز برای خلوت نمودن او با خداوند فراهم نموده‌اند، یکی از این فرصت‌ها «اعتکاف» است.

مفهوم اعتکاف

اعتکاف در لغت به معنی اقامت کردن و ماندن در جایی و ملازم بودن با چیزی است، ولی در شرع اسلام، اقامت در مکانی مقدس به منظور تقرب جستن به خداوند متعال اعتکاف نامیده می‌شود.

اعتکاف فرصت بسیار مناسبی است تا انسانی که در پیچ و خم‌های زندگی مادی غرق شده، خود را باز یابد و به قصد بهره بردن از ارزش‌های معنوی از علایق مادی دست بکشد و خود را در اختیار پروردگار بگذارد و تقاضا کند که او را در راه راست ثابت نگهدارد تا بتواند به دریای بیکران انس و مهر خداوند که یکسره مغفرت و رحمت است، متصل شود.

در اعتکاف می‌توان خانه دل را از اغیار تهی کرد و نور محبت خدا را در آن جلوه گر ساخت؛ می‌توان خود را وقف عبادت کرد و لذت میهمان شدن بر سر سفره احسان و لطف الهی را چشید؛ می‌توان زمام دل و جان را به دست خدا سپرد و همه اعضا و جوارح را در حصار اراده حق به بند کشید؛⁽¹⁾ می‌توان به خویشتن پرداخت و معایب و کاستی‌های خود را شناخت و در جست و جوی معالجه بود؛ می‌توان نامه عمل را مرور کرد و به فکر تدارک و جبران فرصت‌های از دست رفته بود؛ می‌توان به مرگ اندیشید و خود را برای حضور در پیشگاه خدای «ارحم الراحمین» آماده کرد.

آری! اعتکاف فصلی است برای گریستن، برای ریزش باران رحمت، برای شستن آلودگی‌های گناه، برای تطهیر صحیفه اعمال، برای نورانی ساختن دل و صفا بخشیدن به روح.

پیشینه اعتکاف

اعتکاف تنها مخصوص دین اسلام نیست بلکه در ادیان الهی دیگر نیز وجود داشته و در اسلام استمرار یافته است؛ اگر چه ممکن است در شرع مقدس اسلام پاره‌ای از خصوصیات و احکام و شرایط آن تغییر یافته باشد. درباره حدود و شرایط این عبادت در

دیگر ادیان، اطلاعات قابل توجهی در اختیار ما نیست. مرحوم علامه مجلسی در بحارالانوار به نقل از طبرسی آورده است که: «حضرت سلیمان × در مسجد بیت المقدس به مدت یک یا دو سال و یا یک یا دو ماه و کمتر و بیشتر اعتکاف می کرد و آب و غذا برای آن حضرت فراهم می شد و او در همان جا به عبادت می پرداخت.»⁽²⁾

برخی از آیات قرآن نیز دال بر این است که اعتکاف در ادیان الهی گذشته وجود داشته است. خداوند متعال می فرماید:

①...و عهدنا الی ابراهیم و اسماعیل ان طهرا بیته للطائفین و العاکفین و الرکع السجود؛ (بقره / 125) به حضرت ابراهیم و اسماعیل × سفارش نمودیم تا خانه ام را برای طواف کنندگان، معتکفان و نماز گزاران تطهیر کنند.

از این آیه استفاده می شود که در زمان حضرت ابراهیم و اسماعیل × عبادتی به نام اعتکاف وجود داشته و پیروان دین حنیف گرداگرد کعبه معتکف می شده اند.

حضرت مریم ÷ آن گاه که به افتخار ملاقات با فرشته الهی نایل آمد، از مردم فاصله گرفته و در خلوت به سر می برد چرا که باید در مکانی خالی و فارغ از هر گونه دغدغه به راز و نیاز با خدای خود می پرداخت و چیزی او را از یاد محبوب غافل نمی کرد. به همین جهت طرف شرق بیت المقدس را که شاید محلی آرام تر و یا از نظر تابش آفتاب پاک تر و مناسب تر بود برگزید.⁽³⁾

مرحوم علامه طباطبائی & در المیزان می نویسد: هدف حضرت مریم ÷ از دوری نمودن از مردم، بریدن از آنان و روی آوردن به سنت اعتکاف بوده است.⁽⁴⁾

همچنین برخی از روایات اهل سنت مبین این نکته است که در دوران جاهلیت هم عملی عبادی به عنوان اعتکاف در میان مردم رایج بوده است.⁽⁵⁾

افزون بر آن علامه حلی در کتاب «تذکره الفقهاء» به مشروعیت اعتکاف در ادیان پیشین تصریح نموده است.⁽⁶⁾

اما از زمانی که پیامبر اسلام^ص اعتکاف را به مسلمانان آموزش داد، این سنت اسلامی در میان مسلمانان رواج پیدا کرد. در حال حاضر مراسم اعتکاف در دهه پایانی ماه مبارک رمضان در بسیاری از کشورهای اسلامی از جمله عربستان (بویژه شهر مکه) با شکوه خاصی برگزار می‌شود. همه ساله خیل عظیم مسلمانان، که بخش قابل توجهی از آنان را جوانان تشکیل می‌دهند، از سراسر جهان به سوی مسجد الحرام می‌شتابند و در کنار خانه خدا معتکف می‌شوند و حتی بسیاری از زائران خانه خدا به منظور دستیابی به فضیلت اعتکاف در دهه آخر ماه رمضان، این ایام پر برکت را برای انجام عمره مفرده برمی‌گزینند.

شبهه این مراسم در مسجد النبی و در کنار مرقد مطهر پیامبر^ص نیز برگزار می‌شود. مسجد کوفه در عراق نیز سال‌های متمادی، محل برپایی مراسم اعتکاف در دهه آخر ماه مبارک رمضان بوده و انبوه شیعیان و پیروان مکتب اهل بیت^ع در این مسجد مقدس معتکف می‌شده‌اند و بسیاری از عالمان بزرگ شیعه نیز همراه با مردم در این مراسم شرکت می‌کرده‌اند.

اعتکاف در کشور ایران تاریخچه‌ای پرفراز و نشیبی دارد در هر عصری که عالمان برجسته دینی به اعتکاف اهتمام ورزیده‌اند، مردم مسلمان نیز از آنان پیروی کرده و به اعتکاف بها داده‌اند.

در عصر صفوی، در سایه تلاش‌های دو عالم بزرگ آن زمان، مرحوم شیخ بهایی (1030-952 ه.ق) و شیخ لطف الله میسی عاملی اصفهانی (م 1032 یا 1034 ه.ق)، اعتکاف در شهرهای ایران، بویژه قزوین و اصفهان، رونق خاصی یافته است.

خوشبختانه اکنون در بسیاری از شهرهای کشورمان مراسم اعتکاف در روزهای 13، 14 و 15 ماه رجب (ایام البیض) برگزار می‌شود. این سنت حسنه ابتدا در شهر مقدس قم، توسط عالم ربانی میرزا مهدی بروجردی صورت گرفت و رفته رفته در شهرهای دیگر رواج یافت.

ارزش معنوی اعتکاف

انقطاع از مادیات و امور دنیوی و ملازمت مسجد و دوام ذکر و عبادت خدا، به تنهایی و بدون اعتکاف نیز دارای ارزشی والا و اهمیتی فراوان است که در این زمینه آیات، روایات و احادیث زیادی را با چنین مضمونی می‌توان یافت، اما اهمیت اعتکاف به طور مشخص در قرآن و احادیث مورد تأکید قرار گرفته است.

در بنیاد اولین خانه توحید (کعبه) به دست دو پیامبر الهی، حضرت ابراهیم و اسماعیل^۱ سخن از عهد و پیمانی به میان می‌آید که از جانب خداوند، جهت تطهیر «بیت‌الله» برای طواف کنندگان، معتکفان و نمازگزاران از آنان گرفته شده است. مطالعه در تعالیم ادیان الهی نشان می‌دهد که همواره شیوه‌هایی از درون گرای و دوری از جمع در ادیان آسمانی وجود داشته است که شاید دلیل اصلی آن بازسازی معنوی بوده و این چیزی جز اعتکاف نیست.

اعتکاف در قرآن

از کلام وحی استفاده می‌شود که در میان بنی اسرائیل نوعی روزه همراه با سکوت (صمت) رایج بوده است.⁽⁷⁾ حضرت موسی[×] با آن که مسؤولیت سنگین رهبری و هدایت امت را بر دوش داشت، برای مدت زمانی آنان را رها کرد و برای خلوت کردن با محبوب خویش به خلوتگاه کوه طور شتافت. او در پاسخ به پرسش پروردگار فرمود: ① **وَعَجَلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَى**؛ (طه / 84) پروردگارا به سوی تو آمدم تا از من راضی شوی.

قرآن مجید در جایی دیگر از «رهبانیت» و گوشه گیری پیروان حضرت عیسی[×] سخن به میان آورده، و می‌فرماید: ① **... وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَائِهَا...**؛ (حدید / 27) و رهبانیتی را که خود ابداع نمودند، از این رو برایشان مقرر نمودیم تا خشنودی خداوند را کسب کنند.

پس حق آن را چنان که باید مراعات نکردند.

مفسر بزرگ قرآن، علامه طباطبایی & فرموده است: «لحن آیه شریفه نشان می‌دهد که خداوند، ابتدائاً رهبانیت را بر پیروان حضرت عیسی × مقرر ننموده، ولی آن را مورد تأیید قرار داده است».⁽⁸⁾ هر چند آنان به دلیل این که در رهبانیت زیاده روی نمودند و حد و مرز آن را مراعات نکردند، مورد نکوهش خداوند قرار گرفتند. اسلام با پیش بینی عبادتی به نام «اعتکاف» که در واقع نوعی خلوت و درون گرایی است، برای ساختن انسان‌ها و جلوگیری از آفت خدا فراموشی و خودفراموشی، چاره‌اندیشی نموده است. اینها همه نشان می‌دهد با آن که روح تعالیم ادیان، دعوت به جمع و اجتماع است، انسان به برنامه‌هایی که او را با درون خود پیوند دهد نیز محتاج است.

راز این امر روشن است؛ معمولاً حضور پیوسته و دائمی در عرصه اجتماع و کار و تلاش عملی، رفته رفته روحیه عمل گرایی را در انسان تقویت می‌کند و پیدایش این روحیه چه بسا انسان را از درون تهی کند تا آن جا که به چیزی جز عمل بیشتر نیندیشد. شخص عمل گرا و عمل زده حتی گاه فرصت نمی‌یابد نتایج کارها و تلاش‌های خود را هم به درستی ارزیابی کند لذا اعتکاف زمینه مناسبی است تا انسان به کاوش درباره انگیزه‌ها و شرایط روحی خویش پردازد و برای رفع نقصان و تکامل آن بکوشد. بنابراین اعتکاف با ویژگی‌هایی که اسلام برای آن در نظر گرفته، پاسخی است به این نیاز روحی، و فرصتی است مغتنم برای رو آوردن به خود و خدا.

اعتکاف در احادیث

میزان توجه پیامبر ' به برپایی اعتکاف، بسیار در خور دقت و تأمل است. خداوند متعال، پیامبر خویش را به داشتن خلق و خویی عظیم و بزرگ ستوده است: ① **وَ اِنَّكَ لَعَلٰی خَلْقٍ عَظِيْمٌ**؛ (قلم / 4) و در حقیقت تو به اخلاق نیکو و عظیم آراسته هستی.

با این حال، آن حضرت با وجود مسؤولیت بزرگ اجتماعی که بر دوش داشت، خود را از اعتکاف بی نیاز نمی دانست؛ چنان که در حدیثی از امام صادق × آمده است: «رسول خدا در دهه آخر ماه مبارک رمضان در مسجد معتکف می شدند و برای آن حضرت خیمه ای که از مو بافته شده بود، در مسجد برپا می شد. پیامبر⁹ برای اعتکاف آماده می شدند و بستر خویش را جمع می کردند».

در حدیث دیگری از امام صادق × آمده است: «کانت بدر فی شهر رمضان و لم یعتکف رسول الله¹⁰، فلما ان کان من قابل اعتکف عشرين. عشرين لعامة و عشرين قضاء لما فاتته»؛ (10) جنگ بدر در ماه رمضان رخ داد، از این رو رسول خدا موفق به اعتکاف نشدند. آن حضرت در ماه رمضان سال آینده یک دهه را به عنوان همان سال اعتکاف نمودند و یک دهه را نیز به عنوان قضای سال قبل.

رسول خدا افزون بر اهتمام عملی نسبت به اعتکاف، با بیان فضایل و پاداش بزرگ آن، مؤمنان را به انجام این عمل تشویق می نمودند. در حدیثی از آن حضرت آمده است: «اعتکاف عشر فی شهر رمضان تعدل حجتین و عمرتین»؛ (11) یک دهه اعتکاف در ماه رمضان همچون دو حج و دو عمره است.

گرچه این حدیث ناظر به اعتکاف به مدت ده روز و در ماه مبارک رمضان است، ولی اعتکاف در کمتر از این مدت (به شرط آن که از سه روز کم تر نباشد) در غیر ماه مبارک رمضان مخصوصاً «ایام البیض» به اندازه خود، فضیلت و ثواب دارد.

زمان اعتکاف

اعتکاف از نظر زمان محدود به وقت خاصی نیست؛ تنها از آن رو که لازمه اعتکاف، روزه گرفتن است، باید در زمانی اعتکاف شود که شرعاً بتوان روزه گرفت. پس هر گاه روزه گرفتن صحیح باشد، اعتکاف نیز صحیح است، ولی بهترین زمان برای اعتکاف دهه آخر ماه مبارک رمضان و ایام البیض ماه رجب است. اعتکاف در دهه آخر ماه رمضان، با آماده سازی انسان برای درک لیلۃ القدر و بهره برداری از فیض

این شب گرانقدر، بی ارتباط نیست. در کشور ما اکنون اعتکاف در سه روز از ماه رجب بیش از اعتکاف در دهه پایانی ماه رمضان رواج دارد؛ و این سه روز از چند نظر حایز اهمیت است:

اول آن که ماه رجب، ماه حرام است و از روایات استفاده می شود که اعتکاف در ماه های حرام، نسبت به دیگر ماه ها از فضیلت بیشتری برخوردار است.

دوم روزه در ماه رجب دارای فضیلتی خاص است، زیرا ماه رجب ماه بزرگی است که مردم حتی در جاهلیت نیز حرمت آن را پاس می داشتند. اسلام نیز بر احترام و منزلت آن افزود.⁽¹²⁾ ظاهراً چنین رفتار و باوری نسبت به ماه رجب از دیگر ادیان الهی در میان مردم به جای مانده بود. مالک بن انس (پیشوای مذهب مالکی) گفته است: سوگند به خدا، چشمانم تاکنون کسی را که از نظر وارستگی، فضیلت و عبادت و پرهیزگاری برتر از امام صادق × باشد، ندیده است. من به حضور ایشان می آمدم و او مرا مورد توجه قرار می داد و احترام می نمود. روزی به ایشان عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! پاداش کسی که یک روز از ماه رجب را با ایمان و اخلاص روزه بگیرد، چیست؟ امام صادق × فرمود: پدرم از پدرش و او از جدش و ایشان از رسول خدا¹ برایم روایت کرد که هر کس یک روز از ماه رجب را از سر ایمان و اخلاص روزه بگیرد، گناهانش آمرزیده می شود.⁽¹³⁾

بر پایه حدیثی دیگر از پیامبر¹ هر کس سه روز از ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند میان او و آتش جهنم به اندازه هفتاد سال فاصله می اندازد. پروردگار مهربان به کسی که سه روز از ماه رجب را روزه گرفته، خطاب می کند که حق تو بر من واجب شد و دوستی و ولایتم برایت حتمی شد. ای فرشتگان! در حضور شما شهادت می دهم که گناهان بنده ام را آمرزیده ام.⁽¹⁴⁾

علاوه بر روایاتی که به طور عام نسبت به فضیلت روزه ی ماه رجب تأکید می نماید، درباره روزه گرفتن در روزهای 13، 14 و 15 و انجام اعمال «ام داوود» نیز تأکید شده است.

مکان اعتکاف

اعتکاف از نظر مکانی دارای محدودیت خاصی است؛ نظریه معروف آن است که اعتکاف تنها در یکی از مساجد چهارگانه (مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجد کوفه و مسجد بصره) جایز است. امام رضا × فرموده‌اند: «اعتکاف لیلة فی مسجد الرسول و عند قبره يعدل حجة و عمرة»؛⁽¹⁵⁾ یک شب اعتکاف در مسجد پیامبر و نزد قبر او معادل یک حج و یک عمره است ولی گروهی از فقها اعتکاف در مسجد جامع هر شهر و منطقه را نیز روا دانسته‌اند.⁽¹⁶⁾

البته در مورد مسجد جامع نیز برخی برآنند که باید به قصد رجا و به امید این که شاید مطلوب درگاه الهی باشد، اعتکاف نمود.⁽¹⁷⁾ اعتکاف در سایر مساجد مانند مسجد محله و بازار تنها به نظر شمار اندکی از فقیهان شیعه جایز است.⁽¹⁸⁾ مقصود از مسجد جامع در هر شهر و منطقه، مسجدی است که معمولاً مردم بیشتری در آن گرد می‌آیند⁽¹⁹⁾؛ به عبارت دیگر، مسجدی که اغلب اوقات بیشتر از سایر مساجد جمعیت داشته باشد.⁽²⁰⁾

شیخ لطف الله میسی اصفهانی در کتاب «رساله اعتکافیه» به نقل احادیثی در باب اعتکاف پرداخته و ضمن بیان احادیث، شواهدی را در جواز اقامه اعتکاف در مسجد جامع، نصب قبه و نیز احیای دهه آخر ماه رمضان ذکر کرده است.

روشن است که در محل اعتکاف اختلافی در میان فقهای شیعه وجود دارد. این اختلاف ناشی از این روایت است که اعتکاف در مسجدی جایز است که امام عدل، جماعتی در آن برگزار کرده باشد. برخی از فقها صرفاً همین چند مسجد (کوفه، بصره، مدینه و مکه) را برای اعتکاف جایز شمرده‌اند و برخی دیگر مساجد دیگر را نیز برای اعتکاف مجاز شمرده‌اند.

از این دسته دوم، گروهی تنها مساجد جامع را معین کرده‌اند و برخی همه مساجد جماعات را. شیخ لطف الله بر این باور بوده که در تمامی مساجد جامع و حتی

جماعت اعتکاف جایز است، ولی درباره‌ی روایتی که «امام عدل» را مطرح کرده چنین اظهار نظر می‌کند که مقصود از امام عدل، اعم از امام معصوم و غیر معصوم است. شیخ تأکید دارد که اصولاً سؤال درباره مساجد بغداد بوده و روشن است که وجه عدل نمی‌توانسته ارتباطی با امام معصوم برای اقامه نماز در آن مساجد داشته باشد.

وی با اشاره به آرای برخی از فقهای متقدم در این که تنها در مساجد اربعه اعتکاف رواست، اسامی جمعی از علمای عصر خود را که اغلب علمای جبل عامل هستند، ذکر کرده و رأی آنان را چنین دانسته که در هر مسجد جمعی اعتکاف جایز است. از جمله آنان مرحوم شیخ بهایی است که در هنگام تألیف این رساله در قید حیات بوده است و نیز شیخ علی بن عبدالعالی میسی، جد نویسنده، و نیز شهید ثانی و بسیاری دیگر.⁽²¹⁾

در این جا ممکن است این پرسش مطرح شود که با توجه به آثار سازنده اعتکاف آیا بهتر نیست اعتکاف در هر مسجدی را جایز بدانیم تا همگان به آسانی بتوانند از این عبادت بهره‌مند شوند؟

در پاسخ باید گفت: عبادت‌های دینی کاملاً توقیفی هستند؛ بدین معنا که شرایط و احکام آن را باید از متون اسلامی و دستورهای شرعی اخذ کرد. هرگاه از ادله معتبر استفاده شود که محل اعتکاف، مسجد جامع است، نمی‌توان از روی ذوق و سلیقه‌ی شخصی در شرط عبادت تصرف نمود و دامنه آن را توسعه داد و اساساً برخی عبادت‌ها از نظر مکان، دارای محدودیت خاصی هستند.

مثلاً مراسم و اعمال حج باید در مکان‌های معینی انجام شود؛ از این رو انجام دادن اعمال حج در غیر از محل‌های مقرر بی‌معناست.

در مورد اعتکاف نیز هرگاه با ادله معتبر ثابت شود که جایگاه آن مسجد جامع است، می‌فهمیم که شارع مقدس این عبادت را تنها در این ظرف مکانی معین از ما

خواسته است. البته در تشریع این حکم حتماً مصالحی مورد نظر بوده که شاید عقل ما نتواند به طور یقین بدان دست یابد. شاید اسلام با منحصر نمودن اعتکاف در مسجد جامع بخواهد نوعی کنترل بر کمیت و کیفیت آن وجود داشته باشد و در کنار این عبادت، ارزش‌های دیگری مانند وحدت و همراهی و همدلی نیز مطرح شود.⁽²²⁾

انسان معتکفی که به آداب اعتکاف پایبند است؛ در هر موردی از نماز خواندن، دعا کردن، اندیشیدن، شب زنده‌داری و گریستن، به گنجینه‌هایی از رحمت خاص خدا دست می‌یابد که گرانباترین سرمایه زندگانی و بهترین زاد و توشه آخرت او خواهد بود.

هم چنین گاهی خداوند به خاطر تأدیب انسان‌ها یا به خاطر عقوبت آنان نسبت به ستمکاری‌ها و معاصی، اراده نزول عذاب می‌کند و بلایی چون خشکسالی یا زلزله و یا بیماری عمومی و مانند آن را تقدیر می‌نماید، ولی عمل صالح گروهی از آنان باعث دفع بلا می‌گردد؛ به گونه‌ای که خود نیز متوجه نیستند از تحقق عذاب و عقاب الهی جلوگیری می‌کنند: ﴿... وَ مَا كَانَ اللَّهُ مَعْذِبُهُمْ وَ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾ (انفال/33)؛ و خداوند آنان را عذاب نمی‌کند تا زمانی که استغفار می‌کنند.

اعتکاف خالصانه جمع کثیری از مردم جامعه ما، می‌تواند چنین نقشی را در اجتماع اسلامی داشته باشد؛ یعنی زمانی که قدرشناسی مردم نسبت به نعمت‌های الهی اوج می‌گیرد و غفلت از خدا به شکل‌های گوناگون در بین مردم رواج می‌یابد و پول پرستی و شهوترانی، بخش عظیمی از جامعه را از عبادت خدا دور و به حقوق دیگران بی‌توجه می‌سازد، خطر نزول بلا نزدیک می‌شود؛ اما گریه‌ها و تضرع‌ها و نمازها و روزه‌های معتکفان، رحمت خدا را بر می‌انگیزاند و به آبروی آنان، عاصیان نیز در امان می‌مانند.

مقابله با تهاجم فرهنگ بیگانه

در فرهنگ اسلامی روی آوردن به اعتکاف، علاوه بر بهره برداری از فیض معنوی

آن، جهاد مقدس نیز هست؛ زیرا این مراسم عبادی - معنوی، نقش بسیار مهمی در رویارویی با نفوذ فرهنگ بیگانه ایفا می کند.

جوانی که در مراسم اعتکاف، طعم شیرین ایمان و انس با خداوند را می چشد، لذت های مادی و شهوانی در دیدگانش، حقیر و بی ارزش می شود و به آسانی در گرداب فساد و باورهای ضد دینی گرفتار نمی شود.

از سوی دیگر، چنین مراسمی خود پیامی عملی و درسی عبرت آمیز برای مردم است. حضور جمعی از مؤمنان در مسجد برای عبادت، در حقیقت نوعی دعوت به خدا پرستی و دین مداری است و آثار سازنده ای بر جامعه خواهد داشت، از همین رو، در رویارویی با تهاجم فرهنگی دشمن نباید نقش مؤثر سنت هایی که در باور عمومی مردم ریشه های عمیق دارند، نادیده گرفته شود. بی تردید مساجد، حسینیه ها، تکایا، هیأت های مذهبی، زیارت و اعتکاف، نقش مهمی در تربیت جامعه و گسترش فرهنگ دینی ایفا کرده و می کنند. این مقوله ها با آثار مثبت جانبی که دارند، اهرم های توانمندی در مقابله با فرهنگ بیگانه اند.

در دوران ما تهاجم دشمن ابعادی گسترده یافته، ولی این حرکت استعماری، دست کم ریشه ای چند صد ساله دارد و همین پدیده های سنتی هم چون اعتکاف، مردم ما را در طول سال های متمادی در برابر نفوذ فرهنگ بیگانه مصونیت بخشیده است؛⁽²³⁾ اما اهمیت آن و نقش بسزایی که در تصفیه و تزکیه انسان دارد برای بسیاری از مسلمانان ناشناخته مانده است.

از این رو جا دارد مبلغان اسلامی بیش از پیش بر نقش مهم آن تأکید ورزند تا این سنت دیرینه محمدی آن گونه که شایسته است، جایگاه خود را در جامعه اسلامی حفظ کند.

در عصر ما که زندگی ماشینی و پیچیدگی های آن، دیده گان انسان را به خود خیره کرده، روابط اجتماعی گسترده شده و خلاصه دامنه سرگرمی انسان به جلوه ها و مظاهر مادی توسعه یافته است، تأکید بر نقش سازنده اعتکاف، ضرورتی دو چندان

می‌یابد؛ زیرا اعتکاف انس با معشوق است که زمینه را برای گسستن فرد از سرگرمی‌های پوچ فراهم می‌آورد؛ انسان را با خداوند پیوند می‌دهد و از آفت خدا فراموشی و از خود بیگانگی نگه می‌دارد.

پی نوشت ها

1. عطار نیشابوری، تذکره الاولیاء، ص 785.
2. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج 14، ص 141.
3. تفسیر نمونه، ج 13، ص 33.
4. علامه طباطبائی، المیزان، ج 14، ص 34.
5. سید مرتضی، المسائل الناصریات، ص 119.
6. علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج 6، کتاب اعتکاف، ص 239.
7. حر عاملی، وسائل الشیعه؛ ج 7، ص 116.
8. المیزان، ج 19، ص 173.
9. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 7، ص 397، روایت 1.
10. همان، روایت 2.
11. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، کتاب الاعتکاف، ص 188.
12. شیخ صدوق، فضائل الاشهر الثلاثة، ص 24، روایت 12.
13. همان، ص 38، روایت 16.
14. همان، ص 25، بخشی از روایت 12.
15. بحار الانوار، ج 98، ص 151.
16. سید محمد کاظم طباطبائی، العروة الوثقی، کتاب الاعتکاف، ص 399.
17. امام خمینی +، تحریر الوسیله، ج 1، ص 305.

18. شیخ محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج 17، ص 170.
19. همان، ص 171.
20. آیت الله گلپایگانی، مجمع المسائل، ج 1، ص 154.
21. فصلنامه فرهنگ اصفهان، شماره 1، پائیز 1374، ص 38. رحیم نوبهار، اعتکاف؛ سنت محمدی، صص 78 و 88.
22. بحار الانوار، ج 33، ص 542.
23. اعتکاف، سنتی محمدی، صص 50 و 51.

گونه‌شناسی روایات فضیلت اعتکاف



محمدجواد حسنی*

چکیده

اعتکاف یکی از عبادات پرفضیلت به‌شمار می‌آید که در ادیان گذشته نیز، عباداتی شبیه آن وجود داشته است. روح این عبادت در همه ادیان، دوری از مظاهر دنیا و قرار گرفتن در مکانی محدود به منظور عبادت خالصانه پروردگار است. این موضوع در چند آیه از قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته اما بیان جزییات آن به سنت محوّل شده است. غلبه مسایل فقهی در این موضوع سبب شده که به ابعاد دیگر مانند فضیلت آن کمتر پرداخته شود. گسترش عرفان‌های نوظهور در عصر حاضر، ضرورت تبیین جایگاه عباداتی از این دست را دوچندان می‌کند. هدف این پژوهش گردآوری و گونه‌شناسی روایات فضل اعتکاف است تا در این رهگذر به مفهوم‌شناسی این معارف پرداخته شود. به طور قطع سیره و کلمات پیامبر اعظم^ص و اهل بیت^{علیهم‌السلام} منبعی مهم و راهگشا برای درک بهتر فضیلت اعمال محسوب می‌شود. این نوشتار با گردآوری و دسته‌بندی روایات در قالب چهار عنوان که برخی از آنها صرفاً به بیان ثواب اعتکاف پرداخته، دسته دیگر به معرفی ثواب اعتکاف به عنوان

*. مدرّس مرکز تخصصی حدیث حوزه؛ کارشناس ارشد حدیث.

شاخص دیگر عبادات اهتمام ورزیده، گروه سوم به سیره پیامبر ' در اعتکاف و گونه چهارم نیز به اعتکاف ناتمام پرداخته است.

واژگان کلیدی

اعتکاف، معتکف، قضای اعتکاف، سیره پیامبر '، معارف حدیث.

مقدمه

اعتکاف از ریشه «ع ک ف» است. ابن فارس برای این ماده یک اصل معنایی قرار داده که بر مقابله و حبس دلالت دارد.^۱ فراهیدی آن را به توقف و ثبوت در یک مکان، معنا کرده^۲ و ابن منظور معنای مقیم شدن در مکان یا در کنار شیئی را به عنوان معنای این ماده ذکر کرده که در حقیقت، برگرفته از همان ریشه «حبس» است.^۳ در مصباح المنیر نیز معنای مواظبت و مراقبت بیان شده است.^۴ با جمع‌بندی نظرات و بررسی استعمالات روشن می‌شود که در همه کاربردهای لغوی مشتق از «عکف»، معنای «ملازمت» و «حبس» وجود دارد. معانی دیگر مانند اقبال، اقامت، مواظبت و توقف که در منابع لغت ارایه شده درواقع، مصادیق استعمالی معنای اصلی است که در همه آنها نیز نوعی ملازمت وجود دارد.

اعتکاف یکی از مظاهر عرفان اسلامی و زهد مشروع است که با راهنمایی معصومان^۵، اصحاب ایشان و فقیهان شیعه از تحریف و بدعت حفظ شده است. امروزه عرفان‌های ساختگی و زهدهای ظاهری گسترش یافته و گاه، لباس اسلامی پوشیده است. در این شرایط بررسی نمادهای حقیقی عرفان و زهد اسلامی که به تبیین جایگاه عبادت و رابطه‌ی صحیح بین خلق و خالق می‌انجامد، ضروری است. هدف این نوشتار، تبیین جایگاه و فضیلت اعتکاف در اسلام است که برای نیل به این هدف به دسته‌بندی کاربردی و دلالت‌شناسی احادیث پرداخته است. یکی از بهره‌های این نگرش و تبیین روایات، ترغیب به این عبادت و افزایش معرفت اهالی

1. ر.ک: معجم مقاییس اللغة، ج 4، ص 108.

2. ر.ک: العین، ج 1، ص 205.

3. ر.ک: لسان العرب، ج 9، ص 255.

4. ر.ک: المصباح المنیر، ج 2، ص 242.

اعتکاف درباره‌ی این عمل مهم عبادی است.

تاکنون آثار خوب و متعددی درباره در این موضوع به چاپ رسیده است که برخی همانند باب الاعتکاف در کتاب‌های فقهی به جمع‌آوری روایات در منابع حدیثی پرداخته و بعضی دیگر بعد فقهی آن را لحاظ کرده‌اند.^{*} ویژگی نوشتار حاضر، گونه‌شناسی تحلیلی روایات این موضوع است که نگاه تازه‌ای را ارائه داده است. نگاه به متون اسلامی غیر شیعی نیز برای تأیید مباحث در دستور کار بوده است. در این مقاله روایات مرتبط با فضیلت اعتکاف در چهار دسته تقسیم‌بندی و به دلالت آنها پرداخته شده است.

الف) روایات ثواب اعتکاف

فراوانی ثواب اعتکاف سبب شده تا پاداش آن با حج تمتع و عمره سنجیده شود که این چنین فضایی، شوق انجام این عبادت را بیشتر می‌کند. در ادامه، چهار نمونه از این روایات مرور می‌شود.

نمونه نخست) ثوابی برابر یک حج تمتع و یک عمره

بزنطی از امام رضا × روایت می‌کند که فرمودند:

«اعْتَكُافُ لَيْلَةٍ فِي مَسْجِدِ الرَّسُولِ وَ عِنْدَ قَبْرِهِ يَعْدِلُ حَجَّةً وَ عُمْرَةً ... وَ مَنْ اعْتَكَفَ عِنْدَ قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ كَانَ ذَلِكَ أَفْضَلَ لَهُ مِنْ حَجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ»^۱ یک شب اعتکاف

* . نگاشته‌هایی مانند خلوت انس اثر سیدحمیدرضا محمود نژاد، اعتکاف ابرار نوشته گروهی از پژوهشگران مؤسسه فرهنگی دارالهدی، اعتکاف، سنتی محمدی نوشته رحیم نوبهار در شیعه و جامع‌الاحادیث الصحیحة فی الصیام والقیام والاعتکاف اثر حمدی حامد صبح و قیام رمضان فضله و کیفیة ادائه و مشروعیة الجماعة فیہ و معه بحث قیم من الاعتکاف البانی، محمد ناصرالدین در اهل سنت از کتاب‌های ارزشمند در این موضوع هستند.

1. اقبال الاعمال، ج 1، ص 195؛ بحارالانوار، ج 95، ص 151.

در مسجد النبی و نزد قبر رسول الله معادل یک حج و یک عمره است... و کسی که در کنار قبر رسول الله معتکف شود، فضیلت این اعتکاف برای او از یک حج و یک عمره بیشتر است.

امام رضا × در دو بخش از این روایت، به پاداش اعتکاف اشاره کرده‌اند؛ نخست ثواب یک شب اعتکاف در مسجد النبی را معادل یک حج تمتع و یک عمره دانسته‌اند. سپس ثواب اعتکاف در کنار قبر پیامبر ^۱ را از یک حج و یک عمره بیشتر شمرده‌اند. ظاهراً تفاوت این دو ثواب مربوط به مکان اعتکاف است؛ در تعبیر اول، مجموعه مسجد النبی مورد نظر است و در تعبیر دوم، جایی خاص از مسجد النبی؛ یعنی کنار قبر پیامبر ^۱ مورد تأکید قرار گرفته است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که فضیلت اعتکاف با توجه به مکان آن، تفاوت پیدا می‌کند.

نمونه دوم) ثوابی برابر دو حج تمتع و دو عمره
برخی از روایات، ثوابی افزون‌تر را برای اعتکاف بیان کرده‌اند؛ برای نمونه حدیثی از (نقل شده که فرمودند:

«إِعْتِكَافُ عَشْرِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ يَعْدِلُ حَجَّتَيْنِ وَ عُمْرَتَيْنِ»^۱؛ اعتکاف ده روز در

ماه مبارک رمضان، معادل دو حج و دو عمره است.

در این روایت، اجر معتکفی که ده روز از ماه رمضان را در مسجد به اعتکاف پرداخته، برابر با کسی است که دو حج تمتع و دو عمره انجام داده، شمرده شده است. این که اعتکاف مستحبی با حج تمتع که تکلیفی واجب است، مقایسه می‌شود، نشان‌دهنده میزان اهمیت اعتکاف است. این نکته از روایات دیگر بویژه سیره رسول ^۱ قابل برداشت است که منظور از ده روز از ماه رمضان، همان دهه پایانی ماه است.

1. الفقیه، ج 2، ص 188.

نمونه سوم) بخشش گناهان

در نمونه دیگر، برای فرد معتکف پاداش روشن و مشخصی با عنوان بخشش گناهان بیان شده است. از پیامبر^۱ روایت شده:

«مَنْ إِيْتَمَنَ إِيْمَانًا وَ إِحْسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ»^۱؛ کسی که از روی ایمان و با قصد قربت معتکف شود، گناهان گذشته او بخشیده می شود.

در این حدیث، بخشش گناهان گذشته معتکف، پاداش او عنوان شده است. تأکید روایت بر خلوص نیت نیز همانند سایر عبادات است که قصد قربت در آن شرط صحت عمل به شمار می آید.^۲

نمونه چهارم) دوری از آتش جهنم

یکی از موضوعاتی که در بسیاری از دعاها و مآثور مانند دعای جوشن کبیر مورد تأکید قرار گرفته، محافظت و رهایی از آتش جهنم است. این موضوع که پاداش معتکفان نیز دوری از آتش دوزخ است در روایتی از پیامبر^۳ چنین بیان شده است:

«مَنْ إِيْتَمَنَ يَوْمًا إِيْتِمَاءً وَجَّهَ اللَّهُ وَجْهَهُ جَعَلَ اللَّهُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّارِ ثَلَاثَ خَنَاقٍ كُلُّ خَنْقٍ أَبْعَدَ مِمَّا بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ»^۳؛ کسی که یک روز را به قصد تقرب به خداوند معتکف شود، خدا بین او و آتش دوزخ سه خندق قرار می دهد که اندازه هر کدام، از فاصله بین خاور تا باختر بیشتر است.

در این روایت به یکی دیگر از ثمرات اخروی اعتکاف اشاره شده که فاصله گرفتن معتکف از آتش جهنم و جایگاه عذاب است. نکته جالب این که میزان فاصله معتکف از آتش، بیش از فاصله غرب و شرق بیان شده است.

1. الجامع الصغیر، ج 2، ص 575؛ کنز العمال، ج 8، ص 530، ح 24007؛ هر دو به نقل از: الفردوس،

2. ر.ک: وسیلة الوصول، ص 206.

3. المعجم الاوسط، ج 7، ص 221.

در این دسته از روایات، پاداش‌هایی برای اعتکاف بیان شده و در ضمن بیان ارزش اعتکاف، به زمان‌هایی مانند ماه رمضان و دهه پایانی آن و یا مکانی‌هایی مانند مسجد النبی و مجاورت قبر پیامبر^۱ اشاره شده که بر فضیلت و ثواب اعتکاف می‌افزایند.

ب) اعتکاف، میزان سنجش ثواب اعمال دیگر

بخش عمده‌ای از روایات مربوط به فضیلت اعتکاف، به صورت مستقیم فضیلتی را برای آن بیان نکرده‌اند، بلکه اجر برخی اعمال، مانند برآورده شدن حاجت برادر دینی را معادل یک یا چند اعتکاف قرار داده و یا ثواب آن عمل را برتر از اعتکاف شمرده تا مردم را به انجام این اعمال تشویق کنند. به طور قطع عبادتی که به عنوان شاخص ثواب عبادات دیگر معرفی می‌شود، خود از جایگاه و اهمیت فراوانی برخوردار است و اگر چنین نبود معصومان^۲ از آن برای ایجاد انگیزه در انجام دیگر عبادات استفاده نمی‌کردند. در ادامه به چند نمونه از این روایات اشاره می‌شود.

نمونه نخست) معاشرت با خانواده، برتر از اعتکاف

در کلمات معصومان^۳ تأکید فراوانی بر حفظ و تقویت بنیان خانواده وجود دارد. پیامبر اکرم^۴ برای نشان دادن اهمیت هم‌نشینی با خانواده، آن را با عبادت پرفضیلتی همچون اعتکاف مقایسه کرده است.

«جُلُوسُ الْمَرْءِ عِنْدَ عِيَالِهِ أَحَبُّ إِلَيَّ إِلَهَ تَعَالَى مِنْ اعْتِكَافٍ فِي مَسْجِدِي»؛^۱ نشستن انسان در کنار اعضای خانواده، نزد خداوند از اعتکاف در مسجد من، دوست داشتنی‌تر است.

ایجاد فضای محبت و دوستی در میان اعضای خانواده مورد توجه خداوند است و هم‌نشینی و گفتگوی افراد سبب گرم شدن کانون خانواده خواهد شد. آنچه در این

1. نزهه الناظر و تنبيه الخواطر، ج 2، ص 122.

روایت مشهود است، میزان بودن ثواب اعتکاف و شهرت آن است. اگر ثواب این عمل عبادی، مشهور و مورد رغبت مردم نبود، پیامبر برای بیان اهمیت موضوع خانواده آن را با اعتکاف مقایسه نمی کردند.

نمونه دوم) نگاه به چهره عالم، برتر از یک سال اعتکاف

در اسلام، علم و صاحبان آن از احترام فراوانی برخوردارند و روایات فراوانی در این خصوص صادر شده که ثقه الاسلام کلینی حجم قابل توجهی از آنها را ذیل عنوان «کتاب فضل العلم»^۱ گردآوری نموده است. عالمان دینی به دلیل این که در جایگاه هدایت مردم و معرفی اسلام قرار دارند، بیشتر مورد توجه هستند. امام علی × می فرماید:

«النَّظَرُ إِلَى الْعَالِمِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الْإِعْتِكَافِ سَنَةً فِي بَيْتِ الْحَرَامِ»^۲؛ نگاه کردن به عالم نزد خداوند از یک سال اعتکاف در مسجدالحرام محبوب تر است.

حضرت در این سخن، مردم را به نگاه کردن به چهره عالمان تشویق کرده و آن را از یک سال اعتکاف، محبوب تر شمرده اند. اگرچه نگاه کردن به تنهایی می تواند متعلق ثواب قرار گیرد اما به طور قطع این مراودت با عالمان تأثیرات معنوی و رفتاری مثبتی در افراد ایجاد خواهد کرد که شاید تأکید روایات به این خاطر بوده است. در حقیقت، امام × برای نشان دادن اهمیت هم نشینی با اهل علم و توجه به آنان، اعتکاف را به عنوان شاخص ثواب این عمل انتخاب کرده اند.

نمونه سوم) رفع حاجت مؤمن معادل دو ماه اعتکاف

دین اسلام به جنبه های اجتماعی زندگی انسان توجه ویژه ای دارد و همواره درصدد

1. الکافی، ج 1، ص 30.

2. عدة الداعی، ص 66؛ ارشادالقلوب، ج 1، ص 166.

محکم کردن پیوندهای اجتماعی و ایجاد امنیت روانی در جامعه اسلامی است. یکی از زمان‌هایی که افراد جامعه بیشتر نیازمند احساس آرامش هستند، هنگام نیاز و گرفتاری است. خداوند از مؤمنان دیگر انتظار دارد که در چنین زمان‌هایی، حاجت برادر مؤمن خود را برآورده کرده و او را از وضعیت سخت برهانند. امام صادق × می‌فرماید:

کسی که در رفع حاجت برادر مؤمن خویش اقدام و تلاش کند و خداوند به دست او حاجت آن مؤمن را برآورده سازد، برای وی حج و عمره و دو ماه اعتکاف در مسجدالحرام و روزه در آن را می‌نویسند و اگر او تلاش کند اما خداوند به دست او حاجت آن مؤمن را برآورده نکند، برای وی حج و عمره‌ای می‌نویسد.^۱

چنین محتوایی به‌صورت مکرر در منابع روایی شیعه و سنی وجود دارد که نشان‌دهنده توجه معصومان^۲ به دستگیری و یاری‌رساندن مؤمنان به یکدیگر است. ایشان با شاخص قرار دادن اعتکاف به بیان ثواب این رفتار و دغدغه دینی پرداخته‌اند که نشان از جایگاه و اهمیت ثواب اعتکاف در ذهن مسلمانان است.

نمونه چهارم) زیارت امام حسین × معادل دو ماه اعتکاف

پس از شهادت امام حسین ×، ائمه اطهار^۳ تأکید فراوانی به زیارت ایشان داشتند، به‌گونه‌ای که در برخی روایات، زیارت امام حسین × واجب شمرده شده است.^۴ امام صادق × در سخنی برای این که میزان ثواب زیارت حسین بن علی × را بیان کنند، از ثواب اعتکاف و مقایسه این دو با یکدیگر بهره می‌گیرند. ایشان یکی از زنان عراقی را که برای زیارت شهدا به مدینه آمده بود، مورد عتاب قرار می‌دهند که چرا مردم عراق این مسیر طولانی را برای زیارت شهدا طی می‌کنند اما به زیارت سید شهیدان نمی‌روند؟ در ادامه، حضرت پاداش زیارت امام حسین × را معادل دو ماه اعتکاف

1. کافی، ج 2، ص 198.

2. کامل‌الزیارات، ص 121.

در مسجدالحرام بیان فرمودند.¹

در این دسته روایات، اعتکاف میزان و معیار سنجش ثواب برخی از اعمال قرار گرفته و این نکته، نشانه‌ی عظمت فضیلت اعتکاف است چرا که برای ترغیب و تشویق به انجام کاری، باید جایزه و پاداش آن ارزشمند باشد و از این روایات می‌توان به ارزش و جایگاه اعتکاف پی برد. قرار گرفتن اعتکاف در سطح عباداتی چون حج تمتع و عمره در برخی از این روایات، دلیل دیگری بر این فضیلت ویژه است.

ج) اعتکاف، پیروی از سیره رسول الله^ص

پیامبر اعظم^ص در بسیاری از عبادات، نه فقط با سخن، بلکه با اهتمام و تقید بسیار به انجام آن، اهمیت و فضیلت آن عبادت را به اصحاب نشان می‌دادند و از آنجا که خداوند حکیم در قرآن، پیامبرش را به عنوان «اسوه حسنه» معرفی می‌کند،² همواره مسلمانان در حفظ و عمل به سیره ایشان تلاش می‌کردند؛ زیرا می‌دانستند هر عملی را که حضرت بر آن تأکید می‌کنند، قطعاً دارای مصلحت و ثوابی افزون است. اعتکاف، یکی از عباداتی است که رسول الله^ص بر انجام آن تأکید و استمرار داشتند. بر این اساس، انجام عمل عبادی اعتکاف، پیروی از سیره پیامبر و تمسک به اسوه حسنه خواهد بود. در ادامه چند نمونه از روایاتی که نشان‌دهنده میزان تقید پیامبر به اعتکاف است، ارایه می‌گردد.

نمونه نخست) اقامه اعتکاف

توجه خاص پیامبر^ص به انجام باشکوه اعتکاف در روایتی از امام صادق^ع × این گونه بیان

1. همان، ص 110.

2. احزاب، آیه 21.

شده است: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا كَانَ الْعَشْرُ الْأَوَّلُ اعْتَكَفَ فِي الْمَسْجِدِ وَضُرِبَتْ لَهُ قُبَّةٌ مِنْ شَعَرٍ وَشَمَّرَ الْمِنْرَةَ وَطَوَى فِرَاشَهُ»^۱؛ زمانی که دهه آخر ماه مبارک رمضان می‌شد، پیامبر اکرم^۱ در مسجد معتکف می‌شدند و خیمه‌ای از جنس مو برای ایشان برپا می‌کردند و حضرت دامن به کمر می‌بست و بسترشان را جمع می‌کردند.

عبارت «إِذَا كَانَ الْعَشْرُ الْأَوَّلُ» نشانه استمرار است؛ یعنی رسم هر ساله پیغمبر اکرم (اعتکاف در این ایام بوده است. عبارت «شَمَّرَ الْمِنْرَةَ» به معنای بالا زدن و بستن دامن به کمر، کنایه از نهایت تلاش در عبادت است.^۲ تعابیر دیگری همچون جمع کردن بستر و به پا کردن خیمه برای اعتکاف، نشان از اهمیت و فضیلت عملی است که زندگی عادی شخص اول جامعه اسلامی را معطوف خویش کرده تا نه به صورت عادی انجام پذیرد، بلکه برای ادای آن، اقامه و قیامی صورت گیرد.

نمونه دوم) اعتکاف هر ساله در ماه رمضان

امام صادق[×] در بیان سیره پیامبر^۱ درباره اعتکاف می‌فرمایند: «اعْتَكَفَ رَسُولُ اللَّهِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّلِ ثُمَّ اعْتَكَفَ فِي الثَّانِيَةِ فِي الْعَشْرِ الْوُسْطَى ثُمَّ اعْتَكَفَ فِي الثَّلَاثَةِ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّلِ ثُمَّ لَمْ يَزَلْ يَعْتَكِفُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّلِ»^۳؛ رسول خدا در ماه رمضان در دهه اول معتکف شدند؛ سپس در ماه رمضان دوم در دهه میانی و در ماه رمضان سوم در دهه آخر معتکف شدند. پس از آن همیشه در دهه آخر معتکف می‌شدند.

پیامبر اسلام^۱ پیش از بعثت نیز در غار حرا، گونه‌ای از اعتکاف را داشته‌اند اما

1. الکافی، ج 4، ص 175.

2. المصباح المنیر، ج 2، ص 322.

3. کافی، ج 4، ص 175.

درباره اعتکاف ایشان در مکه و بعد از رسالت گزارشی یافت نشد. با بررسی روایات روشن می‌شود که پیامبر ^۱ بعد از هجرت به مدینه، از همان سال اول اعتکاف در مسجد را آغاز کرده و گاهی زمان‌های دیگری اعتکاف می‌کردند اما کم‌کم دهه آخر ماه مبارک رمضان زمان ثابتی برای انجام این عبادت شد. تثبیت این زمان شاید به خاطر درک شب قدر در حالت اعتکاف بوده است.^۱

با توجه به اینکه گزارشی از اعتکاف عمومی در دوران حضور پیامبر در مکه وجود ندارد این نکته قابل توجه است که هم‌زمانی تشکیل حکومت اسلامی با اعتکاف هرساله و جمعی، شاید نشان از وظیفه حکومت در برپایی شعائر دینی و سنت اعتکاف باشد.

نمونه سوم) انجام قضای اعتکاف سال گذشته

برخی از مستحبات، را می‌توان خارج از زمان متعارف انجام داد و یا به اصطلاح قضای آن را به جا آورد. فقیهان این قبیل اعمال را جزو مستحبات مؤکد می‌دانند؛^۲ اعتکاف، از این گروه عبادات به شمار می‌آید چنان که زمان رخداد غزوه بدر که در سال دوم هجرت اتفاق افتاد برابر با ماه مبارک رمضان بود و رسول خدا ^۳ به دلیل حضور در غزوه بدر، موفق به انجام اعتکاف در ماه رمضان نشدند؛ لذا ایشان در سال بعد، قضای اعتکاف سال گذشته را به جا آورده و دهه دوم و سوم ماه مبارک؛ یعنی 20 روز را در مسجد معتکف شدند.^۳ انجام قضای اعتکاف سال گذشته، با توجه به این که این عمل به خودی خود مستحب است، اهمیت و جایگاه این عبادت را در نظر پیغمبر اکرم ^۴ نشان می‌دهد.

1. ر.ک: صحیح مسلم، ج 3، ص 172.

2. ر.ک: تهذیب الاحکام، ج 1، ص 103.

3. ر.ک: کافی، ج 4، ص 175.

سیره عملی پیغمبر اکرم^۱ برای مسلمانان جایگاه ویژه‌ای دارد و صحابه نیز به حفظ و عمل به آن اهتمام می‌ورزیده‌اند و وقتی اصحاب، توجه حضرت را به عملی مشاهده می‌کردند، برایشان درباره فضیلت ویژه آن عمل، یقین پیدا می‌شد و انجام آن را بخشی از برنامه عبادی خود قرار می‌دادند. اعتکاف هر ساله پیامبر موجب شد تا مسلمانان برای درک این فضیلت بزرگ با ایشان همراه شده و اعتکافی جمعی را سامان دهند.^۱ این سیره اکنون نیز بین مسلمانان رایج است که پیروی از روش رسول خداست.

د) روایاتی برای اعتکاف ناتمام

اسلام برای برخی انجام برخی عبادات شرایط ویژه‌ای تعیین کرده که در کنار تشریع کفار و یا قضا، نشان از اهمیت این عبادات در نگاه خداوند دارد. برای نمونه، شارع مقدس زمینه‌ای فراهم کرده تا هیچ کس از درک فضیلت غسل جمعه محروم نشود؛ لذا این امکان را قرار داده که از ظهر پنج‌شنبه تا غروب جمعه، این غسل با نیت ادا و در غیر این زمان با نیت قضا انجام شود.^۲ همچنین برای برخی از اعمال، کفار تعیین کرده تا جبران کوتاهی در عمل باشد؛ مانند قربانی در حج که برخی از حجاج با شرایط خاص باید به عوض آن ده روز به عنوان کفاره روزه بگیرند.^۳ درباره اعتکاف نیز راه‌هایی برای درک فضیلت و یا برای جبران بطلان آن در نظر گرفته شده است که در ادامه، نمونه‌هایی از آن گزارش می‌شود.

1. صحیح بخاری، ج 1، ص 198.

2. شرایع الاسلام، ج 1، ص 36.

3. ر.ک: کافی، ج 4، ص 506؛ بقره، آیه 196: ﴿فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ﴾.

نمونه نخست) تعیین کفاره ظهار برای ابطال اعتکاف

کسی که در حال اعتکاف، جماع کند علاوه بر بطلان اعتکافش باید کفاره هم بدهد. یکی از روایات مرتبط با این موضوع چنین است:

عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ الْمُعْتَكِفِ يُجَامِعُ أَهْلَهُ، قَالَ: إِذَا فَعَلَ فَعَلَيْهِ مَا عَلَى الْمُظَاهِرِ»؛^۱ زراره نقل می‌کند: که از امام باقر × از حکم معتکفی که با همسرش نزدیکی کند، پرسیدم؛ حضرت فرمودند: اگر این کار را انجام داد، هرچه بر گردن مہارکنده است، بر او نیز تکلیف می‌شود.

برای معتکفی که این عمل را مرتکب می‌شود، کفاره ظهار تعیین شده که شامل آزاد کردن یک بنده، یا شصت روز روزه گرفتن و یا اطعام شصت فقیر است که باید به صورت ترتیبی انجام شود.^۲ تعیین کفاره ظهار علاوه بر جنبه جریمه، نشان دهنده قبح آن است که آن را در کنار فعل حرامی مانند طلاق ظهار قرار داده است. البته در برخی روایات کفاره جماع برای فرد معتکف، این چنین تعیین شده:

«اگر معتکف در ماه رمضان، در روز با همسرش جماع کند، باید هم کفاره اعتکاف را بدهد و هم کفاره افطار روزه ماه رمضان را پرداخت کند».^۳

از آنجا که بیشتر روایات بر اعتکاف دهه سوم ماه مبارک رمضان تأکید دارند، برای مسلمانان این فرض مشخص بوده که معتکف هم‌زمان روزه دار ماه مبارک نیز هست؛ لذا در صورت جماع، افزون بر اعتکاف، روزه ماه رمضان معتکف هم ابطال شده و باید دو کفاره پرداخته شود.

1. کافی، ج 4، ص 179.

2. ر.ک: جواهرالکلام، ج 33، ص 169.

3. ر.ک: الفقیه، ج 2، ص 188.

نمونه دوم) قضای اعتکاف حائض

در کلمات معصومان ^۱ درباره اعتکاف بانوان نهی صریحی مشاهده نمی‌شود. در مواردی بانوان به علت عارض شدن حیض، نمی‌توانند معتکف بمانند و در این شرایط نمی‌توانند در مسجد باقی مانده و اعتکاف خود را به پایان برسانند. اسلام چنین شرایطی را تدبیر کرده و برای بهره‌مند شدن بانوان از فضیلت اعتکاف، قضای مقدار باقی مانده را مشروع دانسته است. جناب کلینی روایتی را این چنین گزارش می‌کند:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي الْمُعْتَكِفَةِ إِذَا طَمِثَتْ قَالَ تَرْجِعُ إِلَى بَيْتِهَا وَ إِذَا طَهَّرَتْ رَجَعَتْ فَقَضَتْ مَا عَلَيْهَا»؛^۱ امام صادق × درباره زن معتکفی که خون حیض دیده فرمودند: که به خانه‌اش بازگردد و زمانی که طاهر شد به مسجد برگردد و آنچه برگردن دارد، قضا کند.

روزه و ماندن در مسجد از اصلی‌ترین شرایط اعتکاف است که وقوع حیض مانع ادامه این شرایط است. در این حالت، توقف زنان در مسجد و انجام برخی عبادات مانند نماز و روزه برای آنان حرام است.^۲ این شرایط با روح اعتکاف که خلوت‌گزینی برای عبادت است تناسب ندارد؛ لذا تدبیری صورت گرفته تا در این وضعیت امکان تدارک بخش باقی مانده از این عبادت وجود داشته باشد. این امکان نشان از اهمیت و فضیلت اعتکاف به عنوان یک عمل مستحب است که شارع برای جبران و تکمیل آن، فرصتی تعیین نموده است.

نمونه سوم) وجوب اعتکاف روز سوم

فقیهان، اعتکاف روز سوم را برای کسی که دو روز در مسجد به اعتکاف گذرانده،

1. کافی، ج 4، ص 179.

2. ر.ک: وسائل الشیعه، ج 2، ص 343.

واجب دانسته‌اند^۱ و یکی از مستندات این فتوا، روایتی از امام باقر × است که شیخ

کلینی در کتاب کافی آورده است:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: «إِذَا اعْتَكَفَ يَوْمًا وَلَمْ يَكُنْ لَشَرْطٍ فَلَهُ أَنْ يَخْرُجَ وَيُفْسَخَ
الْإِعْتِكَافُ وَ إِنْ أَقَامَ يَوْمَيْنِ وَلَمْ يَكُنْ لَشَرْطٍ فَلَيْسَ لَهُ أَنْ يَفْسَخَ اعْتِكَافَهُ حَتَّى يَمُضِيَ
ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ»؛^۲ امام باقر × فرمودند: زمانی که شخص یک روز را اعتکاف کرد و
اگرچه هنگام نیت شرط خروج هم نکرده باشد، می‌تواند از مسجد خارج شود و
اعتکافش را فسخ کند و اگر دو روز را در مسجد ماند و شرط خروج نکرده باشد،
نمی‌تواند اعتکافش را رها کند تا روز سوم هم به پایان برسد.

هم‌چنین در روایت دیگر از امام صادق × درباره سه روز دوم پس از اتمام سه

روز اول چنین آمده است:

«وَمَنْ اعْتَكَفَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فَهُوَ يَوْمَ الرَّابِعِ بِالْخِيَارِ إِنْ شَاءَ زَادَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أُخَرَ وَ إِنْ
شَاءَ خَرَجَ مِنَ الْمَسْجِدِ فَإِنْ أَقَامَ يَوْمَيْنِ بَعْدَ الثَّلَاثَةِ فَلَا يَخْرُجُ مِنَ الْمَسْجِدِ حَتَّى يُتِمَّ ثَلَاثَةَ
أَيَّامٍ أُخَرَ»؛^۳ کسی که سه روز را متعکف باشد، درباره روز چهارم مختار است که در
مسجد بماند؛ اگر بخواهد سه روز دیگر را اضافه کند و اگر نخواهد که از مسجد
خارج شود. پس اگر بعد از سه روز اول، دو روز دیگر را در مسجد ماند، نباید از
مسجد خارج شود تا سه روز دوم کامل شود.

از کنار هم قرار دادن روایات، این نکته قابل برداشت است که دو روز اول امکان

خروج از مسجد و رها کردن اعتکاف وجود دارد اما در روز سوم بر هم زدن

اعتکاف، مقتضی قضا کردن آن است.^۴

1. ر.ک: کشف‌الرموز، ج 1، ص 319.

2. کافی، ج 4، ص 177.

3. کافی، ج 4، ص 177.

4. ر.ک: مختلف‌الشیعه، ج 3، ص 581.

این نکته که عبادتی مستحب با شروع اختیاری و انجام دادن مقداری از آن، تبدیل به تکلیفی واجب شود، دالّ بر اهمیت عمل است. اعتکاف به دلیل فواید مهمی که دارد و رابطه انسان با معبود را تقویت می‌کند، به صورت‌های مختلف مورد عنایت معصومان × بوده و انجام آن جزو شؤونات ایمانی قرار گرفته است. این که برای عملی، استحباب خاص و مؤکد تشریع شود و برای قطع آن در برخی حالات، کفاره یا قضا لازم گردد نشان‌دهنده توجه شارع به آن عمل است.

نتیجه‌گیری

اعتکاف به معنی «ملازمت» است و در اصطلاح شرعی «ماندن در مسجد به نیت عبادت و تقرب به خداوند اعتکاف گفته می‌شود». اعتکاف عبادتی توقیفی است و در قرآن و روایات جزئیات و شرایط آن بیان شده است تا از مسیر صحیح خارج نشده و معتکف گرفتار انحرافات نشود. معتکف در حال اعتکاف از امور دنیایی باید پرهیز کند تا بتواند از فرصت اعتکاف نهایت استفاده را برای پاک کردن جان و نزدیک شدن به خدا ببرد. اعتکاف دهه آخر ماه مبارک رمضان از زمان‌های دیگر فضیلت بیشتری دارد و شاید هدف از تأکید بر این زمان، درک شب قدر در بهترین مکان و بهترین حالت بندگی باشد.

در موضوع فضیلت اعتکاف، چهار دسته روایت قابل شناسایی است که برخی به‌طور مستقیم، ثواب اعتکاف را معرفی کرده‌اند، بعضی پاداش عباداتی را با میزان اعتکاف سنجیده‌اند، گروهی دیگر اعتکاف را سیره پیامبر (شمرده‌اند و دسته چهارم، تدابیری برای اعتکاف ناتمام اندیشیده‌اند. مجموعه این روایات، فضیلتی را برای اعتکاف تصویر می‌کند که در عبادت مستحبی کمتر دیده می‌شود.

منابع

1. قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان، قم: نشر اسوه، اول، 1383 ش.
2. ارشاد القلوب، حسن بن محمد دیلمی، قم: الشریف الرضی، اول، 1412 ق.
3. اقبال الاعمال، علی بن موسی ابن طاووس، تهران: دارالکتب الاسلامیه، دوم، 1409 ق.
4. بحار الانوار، علامه محمد باقر مجلسی، بیروت: دار الاحیاء تراث، سوم، 1403 ق.
5. تفصیل وسائل الشیعہ الی تحصیل مسائل الشریعہ، شیخ حر عاملی، قم: مؤسسه آل البیت ^، اول، 1409 ق.
6. تهذیب الاحکام، محمد بن حسن طوسی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، سوم، 1364 ش.
7. جامع الصغیر، جلال الدین سیوطی، بیروت: دار الفکر، اول، 1401 ق.
8. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، محمد حسن نجفی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، هفتم، بی تا.
9. شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، جعفر بن حسن (محقق حلی)، قم: انتشارات اسماعیلیان، دوم، 1408 ق.
10. صحیح مسلم، مسلم نیشابوری، بیروت: دارالفکر، بی تا.
11. صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، بیروت: دارالفکر، 1401 ق.
12. عدة الداعی، ابن فهد حلی، تهران: دار الکتب الاسلامی، اول، 1407 ق.

13. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چهارم، 1407 ق.
14. کامل الزیارات، ابن قولویه، نجف: دار المرتضویه، اول، 1356 ش.
15. کتاب العین، خلیل بن احمد الفراهیدی، قم: مؤسسه دارالهجره، دوم، 1409 ق.
16. کشف الرموز فی شرح مخنصر النافع، حسن بن ابی طالب یوسفی (فاضل آبی)، قم: دفتر انتشارات اسلامی، سوم، 1417 ق.
17. کنز العمال، متقی هندی، بیروت: مؤسسه الرساله، 1409 ق.
18. لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، بیروت: دارالفکر، سوم، 1414 ق.
19. مختلف الشیعہ فی احکام الشریعہ، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (علامه حلی)، قم: دفتر انتشارات اسلامی، دوم، 1413 ق.
20. المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر، احمد بن محمد فیومی، قم: مؤسسه دار الهجره، دوم، 1414 ق.
21. معجم مقاییس اللغه، احمد بن فارس، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، اول، 1404 ق.
22. المعجم الاوسط، طبرانی، دار الحرمین، 1415 ق.
23. من لایحضره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، دوم، 1413 ق.
24. نزهة الناظر و تنبيه الخواطر (مجموعه الورام)، ورام بن ابی فراس، قم: مکتبه فقیه، اول، 1410 ق.
25. وسیله الوصول الی حقائق الاصول، میرزا حسن سبزواری، قم: مؤسسه نشر اسلامی، اول، 1419 ق.

درمان آسیب‌های اجتماعی در پرتو اعتکاف



معصومه سادات حسینی

چکیده

ما در قرنی زندگی می‌کنیم که عصر شکوفایی علم و صنعت و عصر ارتباطات نامیده می‌شود اما به رغم همه‌ی این پیشرفت‌ها، بشر سرگردان و مضطرب است و حتی عده‌ای از مسلمانان به دستورهای حیاتبخش اسلام توجهی ندارند و آرامش حقیقی را در غیر آن چه خداوند قرار داده می‌جویند. روی همین جهت مردم به دنبال سفینه نجاتی هستند که آنها را به ساحل آرامش برساند. این در حالی است فرصت‌های فراوانی در دین اسلام وجود دارد که مسیر سعادت را برای ما آشکار می‌سازد و ما را در عبادات فردی به تقویت روح بندگی و وصول به آرامش فردی و اجتماعی راهنمایی می‌کند. اعتکاف فرصت مناسبی برای بازیابی خویشتن است. معتکف در ایام اعتکاف با تمسک به ثقلین گامی بزرگ در سلوک الی الله بر می‌دارد و افرادی که با او معتکف‌اند همنشینان صالحی هستند که فضا را با عطر معنویت معطر می‌سازند. این مهم خود می‌تواند سهم بسزایی در اشاعه و احیای فرهنگ ناب محمدی ' و کاهش آلام بشری و در نتیجه درمان آسیب‌های اجتماعی داشته باشد.

واژگان کلیدی

اعتکاف، آسیب‌های اجتماعی، درمان

پیشگفتار

انسان به عنوان اشرف مخلوقات همه‌ی تلاش و کوشش خود را به کار می‌بندد تا بتواند به کمال برسد. برای گذر از این طریق عبودیت و رسیدن به مقصود حقیقی، برنامه معنوی اعتکاف می‌تواند مسیر سعادت را فرا روی ما بگشاید تا با طلوع خورشید حیات بخش اعتکاف بر کویر عطش زده دل‌ها مس وجود را به کیمیا مبدل سازیم.

اعتکاف را می‌توان نمادی از پیوند محکم و ناگسستنی انسان با مبدأ هستی برشمرد زیرا معتکف با انتخاب این نوع عبادت، جسم و جان خود را برای رسیدن به مبدأ هستی پرورش می‌دهد.

اعتکاف یکی از جامع‌ترین عبادات به شمار می‌آید، زیرا این نوع عبادت آمیزه‌ای است از چند عبادت، همانند روزه، نماز، دعا، قرائت قرآن، حضور در مسجد و... که انجام هر کدام از این عبادات می‌تواند پاسخگوی نیازهای معنوی انسان باشد و زنگار از روان او بزداید و او را سیر دهد تا از مسیر اخلاص و خودسازی صعود کند و به مرحله‌ی تهی نمودن خانه دل از اغیار برسد و نور الهی را در خانه جان متجلی سازد.

اعتکاف گرچه عبادتی است مستحب، اما راهی است برای بریدن دل از غیر خدا و یافتن خود؛ ذکر این نکته نیز ضروری است که روی آوردن به اعتکاف، علاوه بر بهره بردن از فیوضات معنوی آن می‌تواند از مصادیق جهادی مقدس و الهی باشد؛ زیرا انجام این عبادت و حضور یافتن در مساجد جامع در کنار سیراب نمودن روح و روان معتکفین بخصوص نسل جوان از چشمه زلال معرفت الهی، می‌تواند نقش مهمی در مقابله با نفوذ فرهنگ بیگانه ایفا نماید و در تربیت نسل آسیب‌پذیر جامعه و گسترش فرهنگ اسلامی و دینی، عهده‌دار نقشی ویژه شود.

لذا ما بر آن شدیم تا در این مجموعه، ضمن آشنایی هر چه بیشتر با عبادت معنوی اعتکاف و ابعاد آن یکی از تأثیرات اعتکاف را با عنوان «انس با معنویات و درمان آسیب‌های اجتماعی» که کمتر مورد توجه دوستان اهل قلم بوده مورد بررسی و کاوش قرار دهیم.

این مقاله که به صورت کتابخانه‌ای تدوین یافته است.

تاریخچه‌ی اعتکاف

اعتکاف عبادتی است که در ادیان دیگر نیز وجود داشته است و کسی دقیقاً نمی‌داند این عبادت از چه زمانی آغاز شده و با چه کیفیتی بوده است اما می‌توان با استناد به آیات قرآن به این حقیقت پی برد که انبیا و اولیای الهی قبل از اسلام در سیره خود به اعتکاف در مفهوم عام آن (یعنی خلوت گزینی برای عبادت خداوند) توجه بسیار داشتند. از جمله این آیات نورانی، می‌توان به این آیه اشاره نمود: ﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَاً وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّیً وَ وَعَدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾^۱ و به خاطر بیاورید هنگامی که خانه‌ی کعبه را محل بازگشت و مرکز امن و امان برای مردم قرار دادیم. از مقام ابراهیم عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان و سجود کنندگان پاک و پاکیزه کنید.

این آیه افزون بر این که نشان می‌دهد سنت اعتکاف در شریعت حضرت ابراهیم × از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار بوده، استفاده می‌شود که اعتکاف نه تنها در شریعت حضرت ابراهیم × بلکه در ادیان توحیدی دیگر نیز که نشأت گرفته از آیین ابراهیمی هستند از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. در این زمینه می‌توان به روایتی که درباره حضرت نوح × آمده اشاره کرد: «خداوند حضرت نوح × را به

1. سوره بقره، آیه 125.

دلیل اطاعت و گوشه‌نشینی‌اش برای عبادت خود گرامی داشت.^۱ همچنین حضرت سلیمان نبی × با وجود ملک عظیمش، لباس پشمی می‌پوشید و شب هنگام به راز و نیاز با پرودگار مشغول می‌شد و تا صبح به گریه و عبادت می‌پرداخت. گفته شده آن حضرت در بیت المقدس، گاهی دوسال و گاه کمتر به اعتکاف مشغول بود و برای ایشان آب و غذا می‌بردند.^۲

حضرت موسی × کوه طور را برای مناجات خود برگزیده بود و در آن جا به مناجات با محبوب خود مشغول بود و گاهی این عبادت‌ها روزها طول می‌کشید. در آیه‌ای از سوره اعراف آمده: **﴿وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتٍ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً﴾**^۳؛ و با موسی سی شب وعده گذاشتیم، سپس آن را با ده شب دیگر تکمیل نمودیم. حضرت یحیی × چنان خشیتی از دوزخ به دل داشت که حضرت زکریا × در حضور او از عذاب جهنم سخن به میان نمی‌آورد و همیشه مراعات حال او را می‌نمود، و حضرت یحیی × در پایان عمر سوگند یاد کرده بود که زیر سایه‌ای به جز سایه بیت المقدس نرود و آنجا به عبادت مشغول بود و همواره چنین بود تا به فیض شهادت نائل شد.^۴ هم چنین اصحاب کهف، یکتاپرستانی بودند که در فضای شرک آلود جامعه، راه حق را تشخیص دادند و از مردم زمان خویش جدا شدند و خلوت عبادت را به شرک و بت پرستی ترجیح دادند. خداوند در سوره کهف می‌فرماید: **﴿وَإِذْ اخْتَرْنَا لَهُمْ وَ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْوَا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيُهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مِرفَقًا﴾**^۵.

1. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج 11، ص 341.

2. همان، ج 14، ص 83.

3. سوره اعراف، آیه 142.

4. بحار الانوار، ج 14، ص 166.

5. سوره کهف، آیه 16.

در سیره‌ی پیامبر اکرم^۱ و ائمه اطهار^۲ هم که الگوی به حق مسلمانان‌اند و کردار و گفتارشان برای پیروانشان حجت می‌باشد، راز و نیاز با پروردگار و چگونگی این ارتباط می‌تواند سهم بسزایی در جهت دهی در راهیابی به هدف مطلوب داشته باشد. پیامبر اسلام^۳ حتی در دوران قبل از رسالت هم به دور از غوغای مکه به غار حرا می‌رفت و به پرستش معبود حقیقی مشغول می‌شد. پیامبر اکرم^۴ بعد از رسالت هم به اعتکاف اهمیت ویژه‌ای می‌دادند؛ در روایتی از امام صادق^۵ می‌خوانیم: «رسول خدا^۶ در ده روز آخر ماه مبارک رمضان در مسجد معتکف می‌شدند و برای آن حضرت خیمه‌ای موین برپا می‌کردند و ایشان در این ده روز بستر خود را برمی‌چیدند و به اعتکاف مشغول می‌شدند»^۱.

با نگاهی گذرا به زندگانی معصومین^۲ نیز می‌بینیم عبادت و مناجات با پروردگار جزو لاینفک زندگی این بزرگواران بوده است. مناجات امیرالمومنین علی^۳ و از خود بی خود شدن حضرت در عبادت و بعضاً بی هوش شدن آن بزرگوار از خوف الهی زبانزد خاص و عام بوده است. امام حسن و امام حسین^۴ نیز به تأسی از جد بزرگوارشان در مسجد معتکف می‌شدند. مناجات اسوه عارفان حضرت زین العابدین^۵ نیز در روایات تاریخی مشهور و ماندگار می‌باشد. منتهای آرزوی عالمان و عارفان، واقعی‌انس با معبود بوده است. گاهی برخی از آنان می‌توانسته‌اند زندگی توأم با آسایشی را برای خود و خانواده‌شان فراهم سازند ولی گمنامی را بر شهرت و ساده زیستی را بر زندگی در قصرهای پادشاهی ترجیح داده‌اند.

در ذیل به برخی از سیره عالمان و عارفان در برپایی اعتکاف می‌پردازیم:

«مقدس اردبیلی & یکی از اولیای الهی بود که جود و سخاوتی مثال زدنی داشت. او حتی خوراک خانواده‌اش را هم تقسیم می‌نمود. در یک سال، همسرش به ایشان اعتراض کرد و گفت: تو اولاد خود را فقیر می‌گذاری تا ناچار شوند از دیگران کمک بگیرند؛ ولی آن مرحوم چیزی نفرمود و برای اعتکاف به مسجد کوفه رفت و در آن جا به دعا و مناجات پرداخت. روز دوم اعتکاف بود که شخصی مقداری گندم اعلا و آرد نرم به خانه آن مرحوم آورد و گفت: صاحب منزل اینها را برای شما فرستاده و خودش در مسجد کوفه معتکف است. مرحوم مقدس اردبیلی بعد از اتمام اعتکاف به خانه آمد. همسرش گفت آذوقه‌ای که به وسیله آن مرد عرب برای ما فرستادی بودی بسیار عالی بود؛ مرحوم مقدس اردبیلی که چیزی نفرستاده بود متوجه شد که این امر عنایتی از جانب پروردگار و اثر همان اعتکاف و اعمال و عبادت در مسجد کوفه بوده است. به همین دلیل حمد الهی را به جای آورد و خداوند را به خاطر این لطف و عنایتش سپاسگزاری نمود.¹ اعتکاف در ایران نیز قدمتی طولانی دارد، از جمله در جایی چنین آمده: سال 1355 هجری شمسی آیت‌الله ناصری ایام البیض ماه رجب را از اصفهان به قم می‌آمد و در مسجد امام معتکف می‌شدند. آن زمان تعداد اندکی معتکف بودند، اما شور و حال معنوی عجیبی موج می‌زد. یکی از معتکفیان، آیت‌الله اصطفا‌ی، پدر آقای فاطمی‌نیا بود، ایشان سیدی جلیل‌القدر و با حقیقت بود. ایشان بعد از چند سال از طرف آیت‌الله گلپایگانی برای آگاهی از تعداد معتکفان آمده بودند، وقتی تعداد افراد را شمارش کردند 313 نفر بودند. این تفألی به خیر بود و معتکفان از اینکه تعدادشان به تعداد اصحاب و سپاهیان بقیت الله الاعظم # بود نشاطی وصف‌ناپذیر بدیشان دست داد. نکته لازم ذکر دیگر این که اعتکاف ایرانیان در آن زمان در شهرهایی مانند قزوین و اصفهان در سایه‌ی تلاش‌های دو عالم بزرگوار یعنی

1. خلعت اعتکاف، علی مصباح نهاوندی، ص 32.

مرحوم شیخ بهایی و شیخ لطف الله میسی عاملی اصفهانی رواج پیدا کرد.^۱ اکنون به برکت انقلاب حضرت امام + در سراسر ایران اسلامی مراسم اعتکاف با شور و معنویت زاید الوصفی برگزار می‌شود. رهبر معظم انقلاب آیت الله العظمی خامنه‌ای در این باره می‌فرماید: «این حرکت در دنیا نظیر ندارد؛ هیچ وقت در این کشور در طول سال‌های گذشته، از دوران جوانی و نوجوانی به یاد نداریم که در ماه رمضان، در مساجد کشور یا در مسجد گوهرشاد مشهد، مردم بیایند اعتکاف بکنند. در ایام البیض سه روز متعارف ماه رجب یا ماه شعبان، ما شمار معدودی را دیده بودیم که در قم اعتکاف می‌کردند. آن هم غالباً طلبه، در غیر آن معمول نبود. امروز در ایام اعتکاف، دانشگاه‌ها و مساجد و سرتاسر کشور و مساجد جامع مملو از معتکفین است.»^۲

مفهوم‌شناسی آسیب‌های اجتماعی

آسیب‌های اجتماعی به عنوان اموری که نظم جامعه را به هم می‌زند و هنجارهای آن را مورد تعرض قرار می‌دهد بسیار حایز اهمیت می‌باشد؛ چرا که افزایش ناهنجاری‌ها نشانه‌ای از وجود بحران محسوب می‌شود و نظم جامعه را تهدید می‌کند. با توجه به اهمیت آسیب‌های اجتماعی و روند رو به رشد آن، بی‌شک مداخله در آسیب‌های اجتماعی نیاز به تفکر جامع دارد که زیان‌های آن در سطوح مختلف قابل پیشگیری می‌باشد.

مفهوم‌شناسی اعتکاف

کلمه‌ی اعتکاف از ماده عکف می‌باشد، اهل لغت برای این ماده، معانی گوناگونی ذکر کرده‌اند. اعتکاف مصدر باب افتعال و از ریشه‌ی عکف است و در لغت به معنی حبس کردن، درنگ نمودن و توقف طولانی آمده است.^۳ اما با دقت در کلام لغویان می‌توان

1. اعتکاف ابرار، گروهی از پژوهشگران/موسسه دارالهدی، ص 56.

2. بیانات مقام معظم رهبری، پایگاه اطلاع رسانی حوزه/ <http://www.hawzah.net>

3. خلعت اعتکاف، ص 18.

به این نتیجه رسید که همه‌ی معانی ذکر شده برای آن، مشتمل بر مفهوم واحدی است: اقبال به سوی چیزی، همراه با تعظیم؛^۱ حبس نمودن نفس از تصرفات عادی؛^۲ گوشه‌نشینی در جایی مانند خود را باز داشتن و گوشه‌نشینی برای عبادت.^۳ اعتکاف در اصطلاح فقهی عبارت است از ماندن در مسجد و درنگ در آن به قصد بندگی خدا. صاحب عروه بیان می‌کند که: اعتکاف در اصطلاح دو معنا دارد: معنای اول توقف در مسجد به قصد عبادت و معنای دوم نفس توقف در مسجد حتی بدون قصد عبادت دیگر و احوط کفایت معنای اول در تحقق است.^۴

اعتکاف در آینه آیات و روایات

اعتکاف در معنی «ملازمت و عبادت» در چهار آیه از قرآن کریم آمده است. که عبارت‌اند از:

- ۱) وَ جَاوِزْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ﴿٥﴾
- ۲) وَ انْظُرْ إِلَى إِلَهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا ﴿٦﴾
- ۳) وَ تَلَّاهُ لَا كَيْدَنَ أَصْنَامُكُمْ بَعْدَ أَنْ تُولُوا مُدْبِرِينَ ﴿٧﴾
- ۴) قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى ﴿٨﴾

1. راغب اصفهانی، معجم الفاظ قرآن، ماده عکف.

2. علی مصباح نهاوندی خلعت اعتکاف، ص 17.

3. فرهنگ فارسی عمید، ج 1، ص 201.

4. عروه الوثقی، ج 2، ص 90.

5. سوره اعراف، آیه 138.

6. سوره طه، آیه 90.

7. سوره انبیاء، آیه 57.

8. سوره طه، آیه 91.

با تأمل در کتب روایی و احادیث ائمه معصومین^۱ در می‌یابیم که اعتکاف مورد توجه این بزرگواران بوده است به طوری که ده‌ها روایت بر انجام اعتکاف تأکید نموده است:

امام علی^۲ فرمودند: «باید معتکف ملازم مسجد شود، به ذکر خدا، تلاوت قرآن و خواندن نماز مشغول باشد و به سخن در مورد دنیا نپردازد. خود را سرگرم سرودن و خواندن شعر نکند و از خرید و فروش پرهیزد و بر جنازه‌ای حاضر نشود و مریضی را عیادت نکند و... از سخنان زشت پرهیز کند و با هیچ کس مجادله نکند و هر قدر از گفتگو با مردم دوری کند برایش بهتر است»^۱.

پیامبر اسلام^۲ فرمودند: «یک دهه اعتکاف در ماه رمضان هم چون حج و عمره است»^۲.

امام صادق^۳ فرمودند: «رسول اکرم^۴ هرگاه دهه آخر ماه رمضان فرا می‌رسید در مسجد معتکف می‌شدند و یک خیمه موئین برای حضرت زده می‌شد و حضرت کمر به عبادت می‌بستند و با جدیت آماده می‌شدند و بستر خود را بر می‌چیدند». امام صادق^۳ افزودند: «یک بار غزوه‌ی بدر در ماه رمضان واقع شد و حضرت رسول اکرم^۴ معتکف نشدند. در سال بعد بیست روز معتکف شدند؛ ده روز بابت همان سال و ده روز قضای سال قبل»^۳.

اعتکاف در دیدگاه برخی از فقها

اعتکاف به عنوان یک سنت حسنه، مورد قبول همه‌ی فقهای امامیه می‌باشد؛ اگر چه در مسایل و جزئیات آن اختلافاتی وجود دارد اما همگی اعتکاف را در اصل شرع، مستحب می‌دانند. در ذیل به برخی از دیدگاه‌های آنان اشاره می‌شود:

1. بحار الانوار، ج 94، ص 130.

2. وسائل الشیعه، ج 10، ص 534.

3. فروع کافی، ج 4، ص 175.

صاحب جواهر &: «اعتکاف در اصل شرع مقدس اسلام مستحب است».^۱

صاحب عروه الوثقی &: «اعتکاف ذاتاً و در اصل شرع اسلام مستحب است».^۲

امام خمینی &: «اعتکاف ذاتاً و در اصل شرع اسلام مستحب است».^۳

علامه حلی &: «اعتکاف عملی است شرعی در شریعت ما و شریعت‌های سابقه و به اتفاق علما مستحب می‌باشد».^۴

شیخ طوسی &: «اعتکاف عملی است مستحبی که افراد به انجام آن دعوت و ترغیب شده‌اند».^۵

همچنین این پرسش مطرح شده است که آیا می‌توان هنگام اعتکاف به جای نیت روزه اعتکاف، روزه‌های دیگری نیت کرد؟ که در پاسخ به این پرسش دیدگاه‌های زیر مطرح شده است:

آیت‌الله مکارم: لازم نیست روزه برای اعتکاف باشد، بلکه می‌توان روزه ماه مبارک رمضان یا روزه قضا و مانند آن را به جا آورد، ولی روزه استیجاری مشکل است.

آیت‌الله وحید خراسانی: چنان که معتکف روزه قضا دارد نباید نیت روزه مستحبی کند بلکه باید نیت روزه قضا کند و نیت هر روزه‌ای فی نفسه در اعتکاف مانعی ندارد، ولی باید شرایط آن رعایت شود.

سایر مراجع عظام: معتکف می‌تواند به جای نیت روزه اعتکاف، روزه دیگری را چه واجب یا مستحب نیت کند؛ مانند روزه قضای ماه رمضان، نذر یا استیجاری.^۶

1. جواهر الکلام، ج 17، ص 160.

2. عروه الوثقی، ج 2، ص 75.

3. تحریر الوسیله، ج 2، ص 554.

4. تذکره الفقهاء، ج 6، ص 239.

5. النهایه و نکته‌ها، ج 1، ص 415.

6. احکام نموداری اعتکاف، تهیه و تنظیم حامد طالبی/ <http://nahad.um.ac.ir/>

راهکارها و عوامل پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی

از مهم‌ترین عوامل پیشگیری از رشد آسیب‌های اجتماعی و نفوذ فرهنگ بیگانگان، اهتمام به مقوله معنویت و دین‌می‌باشد. از جلوه‌های بارز این معنویت، می‌توان به مراسم اعتکاف اشاره نمود. در واقع می‌توان از مراسم معنوی اعتکاف به عنوان راهکار مؤثر جلوگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی نام برد. اسلام جدایی از زندگی و گوشه‌گیری از مردم و اجتماع را ناپسند می‌شمارد ولی اعتکاف را فرصتی برای بازگشت به سوی خویشتن و خدای خویش می‌داند تا بتوان با اعتقاد و ایمانی راسخ، امیدی بیشتر به زندگی یافت و خویشتن را همواره در محضر الهی دید؛ البته زمانی که انسان از اعتکاف باز می‌گردد امید به آینده را با خودباوری و حالت معنوی تقرب پروردگار به همراه می‌آورد که یقیناً این امر کاهش آسیب‌های اجتماعی را به دنبال دارد.

اثر معنوی اعتکاف در کاهش آسیب‌های اجتماعی

اعتکاف مصدر عبودیت و بندگی است که خود تلفیق شده از چند عبادت دیگر و شخص معتکف با انجام این عبادات می‌تواند به نتایج و آثار بسیار سازنده‌ی آن دست یابد. به تعبیر رساتر اعتکاف، دانشگاه انسان‌سازی است که در همه ابعاد آن درس‌های هدایت‌بخشی متصور است که شاگردان مکتبش را به مقامات عالیه و معنوی می‌رساند. اعتکاف ترکیبی است از عبادت‌های مختلف که هر کدام تأثیر بسزایی در انسان‌سازی دارد؛ بنگرید:

• نماز

می‌دانیم که نماز و روزه از ارکان اصلی اعتکاف است، توفیقاتی که در این ایام نصیب شخص می‌شود شاید کمتر در ایام دیگر بدان دست یابد. به عنوان مثال نماز جماعت اول وقت و حضور در مسجد آن هم در میان نمازگزاران روزه دار و معتکف، توفیق نماز شب که یکی از برجسته‌ترین و بافضیلت‌ترین عبادات در اسلام

است و در آیات و روایات تأکید فراوانی بر آن صورت گرفته، اهمیت تهجد در اعتکاف زمانی آشکار می‌شود که بدانیم خلوت از مراحل سیر و سلوک می‌باشد و به انسان جویای کمال کمک می‌کند تا به کمال برسد. ^① **وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا** ^②. خواندن نوافل یومیه یکی دیگر از فیوضات اعتکاف است که انسان معتکف در سایه دوری از کارهای روزمره فرصتی می‌یابد تا با اقامه نوافل یومیه یا نوافل مخصوصه ماه‌های مبارک رجب و رمضان زلال جان را با انوار الهی معطر سازد.

اما چگونه نماز می‌تواند در درمان و کاهش آسیب‌های اجتماعی موثر واقع شود؟ برای پاسخ به این پرسش به این آیه از کلام وحی استناد می‌کنیم که می‌فرماید:

① اَنْلُ مَا اُوْحِيَ اِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَ اَقِمِ الصَّلَاةَ اِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهٰى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرِ اللّٰهِ اَكْبَرُ وَ اللّٰهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ^②؛ آن چه را از کتاب به تو وحی شده تلاوت کن، و نماز را برپا دار که نماز انسان را از زشتی‌ها و گناه باز می‌دارد و یاد خدا بزرگتر است. و خداوند می‌داند شما چه کارهایی انجام می‌دهید. از آن جا که طبیعت نماز، انسان را به یاد نیرومندترین عامل بازدارنده، یعنی اعتقاد به مبدأ و معاد می‌اندازد، دارای اثر بازدارندگی از فحشا و منکر است. انسانی که به نماز می‌ایستد تکبیر می‌گوید، خدا را از همه چیز بالاتر و برتر می‌شمرد، به یاد نعمت‌های او می‌افتد، حمد و سپاس او را می‌گوید؛ او را به رحمانیت و رحیمیت می‌ستاید و نیز به یاد جزای می‌افتد. اعتراف به بندگی خدا می‌کند و از او یاری می‌جوید، صراط مستقیم را از او می‌طلبید؛ راه کسانی که به آنها نعمت داده شده و نه آنان که مغضوب واقع شده و گمراه شده‌اند.

بدون شک در قلب و روح چنین انسانی، جنبشی به سوی حق و حرکتی به سوی

1. سوره اسراء، آیه 79.

2. سوره عنکبوت، آیه 45.

پاکی و جهشی به سوی تقوا پیدا می‌شود. برای خدا رکوع می‌کند و در پیشگاه او پیشانی بر خاک می‌نهد، غرق در عظمت او می‌شود و خودخواهی‌ها و برتری‌ها را فراموش می‌کند. شهادت به یگانگی او و گواهی به رسالت پیامبر^ص می‌دهد، بر پیامبرش درود می‌فرستد و دست به درگاه خدای برمی‌دارد که در زمره بندگان صالح او قرار گیرد. همه این امور موجی از معنویت در وجود او ایجاد می‌کند موجی که سد نیرومندی در برابر گناه محسوب می‌شود. ممکن نیست کسی نماز بخواند و هیچ گونه اثری در او نبخشد. منتها هر نمازی به همان اندازه که از شرایط کمال و روح عبادت برخوردار است، نهی از منکر می‌کند؛ گاه نهی کلی و جامع و گاه نهی جزئی و محدود. گرچه نماز چیزی نیست که فلسفه‌اش بر کسی مخفی باشد ولی دقت در متون آیات و روایات اسلامی ما را به ریزه‌کاری‌های بیشتری در این زمینه رهنمون می‌گردد.

1) روح و اساس، هدف و پایه و مقدمه و نتیجه و بالاخره فلسفه نماز همان یاد خداست؛ همان ذکر الله است که در آیه فوق به عنوان برترین نتیجه بیان شده است. البته ذکر که مقدمه فکر است و فکری که انگیزه عمل است. در حدیثی از امام صادق^ع در تفسیر جمله «وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ» فرمود: «یاد خدا کردن به هنگام انجام حلال و حرام»¹.

2) نماز وسیله شستشوی از گناهان و مغفرت و آمرزش الهی است؛ چرا که خواه ناخواه نماز انسان را دعوت به توبه و اصلاح گذشته می‌کند، لذا در حدیثی از پیامبر اکرم^ص می‌خوانیم، پیامبر^ص از یاران خود سؤال فرمودند: اگر بر در خانه یکی از شما نهری از آب صاف و پاکیزه باشد و در هر روز پنج بار خود را در آن شستشو دهد آیا چیزی از آلودگی در بدن او می‌ماند؟ در پاسخ عرض کردند: نه، فرمودند: نماز

1. بحار الانوار، ج 82، ص 200.

درست همانند این آب جاری است هر زمان که انسان نمازخواند، گناهایی که میان دو نماز انجام شده است از میان می‌رود.¹

(3) نماز سدی در برابر گناهان آینده است، چرا که روح ایمان را در انسان تقویت می‌کند و نهال تقوا را در دل پرورش می‌دهد و می‌دانیم ایمان و تقوا نیرومندترین سد در برابر گناه است. و این همان تقویت اراده و باور است که از جمله آثار اعتکاف است که بخشی از آن از طریق نماز حاصل می‌شود. و همان است که در احادیث می‌خوانیم افراد گناهکاری بودند که شرح حال آنان را برای پیشوایان اسلام بیان کردند فرمودند: غم مخورید، نماز آنها را اصلاح می‌کند و اینچنین شد.

(4) نماز غفلت زداست، از بزرگترین مصیبت‌ها برای رهروان راه حق آن است که هدف آفرینش خود را فراموش می‌کنند و غرق در زندگی مادی و لذات زودگذر می‌گردند اما نماز به حکم این که در فواصل مختلف و در هر شبانه روز پنج بار انجام می‌شود، مرتباً به انسان اخطار می‌دهد که هدف آفرینش او چیست و این نعمت بزرگی است.

(5) نماز خود بینی و کبر را در هم می‌شکند، چرا که انسان در هر شبانه روز در هفده رکعت و در هر رکعت در برابر خداوند دوبار پیشانی بر خاک می‌گذارد و خود را ذره کوچکی در برابر عظمت او می‌بیند پرده‌های غرور و خودخواهی را کنار می‌زند و تکبر و برتری جویی را در هم می‌شکند.

امام علی بن موسی الرضا[×] در پاسخ نامه‌ای که از فلسفه نماز در آن سؤال شده بود، چنین فرمودند: «علت تشریع نماز این است که توجه به اقرار و ربوبیت پروردگار باشد؛ مبارزه با شرک و بت پرستی؛ قیام در پیشگاه پروردگار در نهایت خضوع؛ نهایت تواضع در اعتراف به گناهان و تقاضای بخشش از معاصی گذشته و

1. وسایل الشیعه، ج 3، ص 7.

نهادن پیشانی بر زمین و [این] همه برای تعظیم پروردگار است تا انسان مولا و مدبر و خالق خود را فراموش نکند و روح سرکشی و طغیانگری بر او غلبه ننماید. و همین توجه به خداوند و قیام در برابر او انسان را از معاصی باز می‌دارد و از انواع فساد حفظ می‌کند»¹.

• قرآن نور هدایت

در پرتو اعمالی هم چون اعتکاف، ارتباط روانی خاصی بین انسان و شاخص‌هایی چون مسجد، قرآن و نماز به وجود می‌آید به نحوی که انسان مشتاق ارتباط با آنها شده و دوری از آنها برایش سخت می‌شود. در ایام اعتکاف فرد معتکف توفیق پناه بردن به ساحت مقدس قرآن کریم و تلاوت همراه با تدبر می‌یابد و این خود وسیله‌ای برای رسیدن به مقامات عالیّه خواهد بود.

بدون شک بیماری‌های روحی و اخلاقی انسان، شباهت زیادی با بیماری‌های جسمی او دارد. هر دو آسیب‌زاست، هر دو باید ریشه‌یابی شود و پس از شناخت ریشه اصلی، باید به درمان هر دو پرداخت و هر دو نیاز به طبیب و درمان دارد. اما در مورد بیماری‌های روحی و اخلاقی نیاز به طبیب معنوی داریم. یکی از آنها کتاب معجز نشان قرآن کریم است که با تدبر در آن می‌توان بسیاری از ناراحتی‌های روحی و اخلاقی را درمان نمود. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «و قرآن آن چه شفا و رحمت است برای مؤمنان نازل می‌کنیم».

قرآن نسخه حیات بخشی است برای آنها که می‌خواهند با جهل، کبر، غرور و حسد و نفاق به مبارزه برخیزند.

قرآن نسخه شفا بخشی است برای برطرف ساختن ضعف‌ها و ترس‌های بی دلیل و اختلاف‌ها و پراکندگی‌ها.

1. وسایل الشیعه / ج 3 / ص 4

قرآن داروی شفا بخشی است برای آنها که از بیماری عشق به دنیا، وابستگی به مادیات و تسلیم بی قید و شرط در برابر شهوات رنج می‌برند. قرآن نسخه شفا بخشی است برای دنیایی که آتش جنگ‌ها در هر سوی آن افروخته است و در زیر بار مسابقه تسلیحاتی کمر خم نموده و مهم‌ترین سرمایه‌های اقتصادی و انسانی خود را پای غول جنگ و تسلیحات می‌ریزد. و سرانجام قرآن نسخه شفابخشی است برای آنها که پرده‌های ظلمانی شهوات، مانع رسیدن آنها به قرب پروردگار شده است.

قرآن نه فقط شفا می‌بخشد که بعد از بهبودی یعنی دوران نقاهت بیماران را با پیام‌های گوناگونش تقویت می‌کند چرا که بعد از شفا رحمت است. حضرت علی (ع) در سخن بسیار جامع خود در نهج البلاغه این حقیقت را به شیوا ترین عبارات بیان فرموده‌اند:

«قرآن نوری است که خاموشی ندارد؛ چراغی است که درخشندگی آن زوال نپذیرد؛ دریایی است که ژرفای آن درک نشود، راهی است که رونده آن گمراهِ نگرده؛ شعله‌ای است که نور آن تاریک نشود؛ جدا کننده حق و باطلی است که درخشش برهانش خاموش نگردد؛ بنایی است که ستون‌های آن خراب نشود؛ شفا دهنده‌ای است که بیماری‌های وحشت انگیز را بزدايد. قدرتی است که یاورانش شکست ندارند و حقی است که یاری کنندگانش مغلوب نشوند. قرآن معدن ایمان و اصل آن است، چشمه‌های دانش و دریا‌های علوم است؛ سرچشمه عدالت و نهر جاری عدل است؛ پایه‌های اسلام و ستون‌های محکم آن است؛ نهرهای جاری زلال حقیقت و سرزمین‌های آن است؛ دریای است که تشنگان آن آبش را تمام نتوانند کشید و چشمه‌ای است که آبش کم ندارد و محل برداشت آبی است که هر چه از آن بگیرند کاهش نمی‌یابد. منزلی است که مسافران راه آن را فراموش نخواهند کرد

و نشانه‌هایی است که روندگان از آن غفلت نمی‌کنند؛ کوهسار زیبایی است که از آن نمی‌گذارند. خدا قرآن را فرو نشانده عطش علمی دانشمندان و باران بهاری برای قلب فقیهان و راه گسترده و وسیع برای صالحان قرار داده است. قرآن دارویی است که با آن بیماری وجود ندارد، نوری است که با آن تاریکی یافت نمی‌شود. ریسمانی است که رشته‌های آن محکم؛ پناهگاهی است که قله آن بلند و توان و قدرتی است برای آنان که قرآن را برگزینند. محل امنی است که برای هر کس که در آن وارد شود؛ راهنمایی است تا از او پیروی کنند؛ وسیله انجام وظیفه است برای آن که قرآن را راه و رسم خود قرار دهد. برهانی است برای آن کس با آن سخن بگوید؛ عامل پیروزی است برای آن کس که استدلال کند؛ نجات دهنده‌ای است برای آن کس که حافظ آن باشد و به آن عمل کند و راهبر آن که آن را به کار گیرد و نشانه هدایت است برای آن کسی که به او بنگرد. سپر نگهدارنده است برای آن کسی که آن را به خاطر بسپارد و حدیث کسی است که از آن روایت کند و فرمان کسی است که با آن قضاوت کند»^۱.

و در جایی دیگر فرمودند: «و قرآن را بیاموزید که بهترین گفتار است و آن را نیک بفهمید که بهار دل‌هاست. از نور آن شفا و بهبودی بخواهید که شفای سینه‌های بیمار است و قرآن را نیکو تلاوت کنید که سود بخش‌ترین داستان‌هاست»^۲.

اعتکاف فرصت مناسبی است تا خود را متعهد به پیروی از این نسخه شفا بخش کنیم و فرمانش را در زمینه علم، آگاهی، عدل و داد و تقوا و پرهیزگاری پذیرا گردیم.

1. نهج البلاغه/ ترجمه محمد دشتی/ خطبه 198

2. نهج البلاغه، خطبه 110.

• روزه

یکی از ارکان اعتکاف و فروع دین و نشان خلوص بندگی روزه‌داری است. روزه در عین سکوت، هزاران فضیلت ناگفته را در گوهر خویش می‌پروراند، روح تقوا و پرهیزگاری را در انسان زنده می‌کند و شخص را به مقامات عالیه می‌رساند

روزه عامل بازدارنده از گناه

تقوا و پرهیزکاری در تربیت و اخلاق اسلامی نقش بسیار مهمی دارد و برای رسیدن به این صفت شایسته که بهترین عبادت در ماه صام مبتنی بر آن است خداوند می‌فرماید: ﴿لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ و این نشان می‌دهد که نتیجه و رهاورد روزه همان تقوا از محارم الله است. وقتی پیامبر اکرم ^ع در خطبه شعبانیه فضایل ماه رمضان و روزه را بر می‌شمرد. امیرالمومنین علی ^ع از ایشان می‌پرسد بهترین عمل در این ماه چیست؟ پیامبر ^ع در پاسخ می‌فرماید: «الْوَرَعُ عَنْ مُحَارِمِ اللَّهِ» یعنی پرهیز و اجتناب از معاصی و گناهان است.

بنابراین روزه عامل باز دارنده از گناه و عامل سرکوب کننده نفس عصیانگر است. روزه دار با انجام این فریضه الهی به نحو احسن، روح تقوا و پرهیزگاری را در خود زنده می‌کند زیرا به هنگام روزه، اصلاح نفس، تربیت آن و تقوا پیشه کردن به مراتب آسان تر است چرا که گرسنگی و تشنگی و دیگر محرومیت‌های روزه، شعله‌ی سرکش غرایز و هواهای نفسانی را خاموش می‌سازد. حضرت امام جعفر صادق ^ع ریس مکتب تشیع در باز داشتن نفس از معاصی و کنترل اعضا و جوارح از گناه و معصیت الله هنگام روزه می‌فرماید: «هرگاه روزه گرفتی در حالی که صائم، هستی پس باید گوش و چشم تو نیز از حرام صائم باشد. باید جوارح و جمیع اعضای تو از قبیح‌ها و زشتی‌ها پاک باشد و آنها را از خود دور کنی. باید خود را از کارهای بیهوده و لغو و اذیت خدمتگزارانت برهانی و البته بر تو لازم است حلم و وقار و خشوع روزه واقعی، و ملزم کن نفست را در حد امکان به سکوت و خاموشی مگر از

ذکر خدا، و روز روزه داری را با افطارت یکسان قرار نده...»^۱

امام رضا × فرمودند: «(ای روزه دار!) خدایت رحمت کند، همانا روزه حجابی است که خداوند آن را بر زبان‌ها، گوش‌ها، چشم‌ها و سایر جوارح و اعضا قرار داده و به راستی خداوند بر تمام اعضا و جوارح بدن حقی را برای روزه دار مقرر فرموده است. پس هر کس حقوق اعضای بدن را در روزه‌داری خویش ادا کند هر آینه صائم و روزه‌دار است و حق روزه خویش را ادا نموده، و آنانی که به هر اندازه این حقوق را نادیده گرفته باشند به همان اندازه از فضل و ثواب روزه آنان کاسته می‌گردد، و روزه اینان دارای ثواب کامل و ابعاد وسیع معنوی نمی‌باشد»^۲.

روزه مصداق صبر و مقاومت

صبر از اوصافی است که در اخلاق اسلامی بسیار بدان تأکید شده است. شخص مسلمان در خلال زندگی با فراز و نشیب‌ها و با مشکلات، سختی‌ها، محرومیت‌ها و نقایص فردی و اجتماعی دست و پنجه نرم می‌کند؛ از این رو باید به خصلت گرامی صبر متصف باشد تا در برابر مشکلات از پای در نیاید و قدرت تحمل در برابر سختی‌ها و شداید را داشته؛ لذا خداوند متعال در قرآن برای صبر و صابران امتیاز فوق‌العاده‌ای قائل شده است. خداوند در آیه 10 سوره زمر می‌فرماید: «جز این نیست که پاداش صابران بی حد و شمار داده می‌شود». در تعریف لغت صبر نیز وارد شده که صبر نگه داشتن نفس بر مکروه است؛ یعنی چیزی که نفس از آن خوشش می‌آید و برای امتثال و اطاعت از امر پروردگار عالم از آن اجتناب می‌شود. روزه بهترین زمینه برای تمرین صبر و شکیبایی در راه رضای الهی و اطاعت از فرمان الهی است. امام صادق × می‌فرماید: «هیچ روزه‌داری نیست که حاضر گردد بر قومی که

1. بحار، ج 96، ص 292.

2. فقه الرضا/ ص 23

مشغول روزه‌خواری هستند مگر اینکه اعضا و جوارحش به تسبیح پروردگار مشغول هستند و حال آن که ملائکه برای او درود و رحمت می‌فرستند و صلوات و درود ملائکه هم برای آنان استغفار و طلب بخشش از خداوند می‌باشد.^۱ در حدیثی پیامبر اکرم^۲ فرمود: «اگر کسی یک روز روزه مستحبی بگیرد؛ پس اگر زمین را پُر از طلا نموده و به او بدهند حق او را ادا نکرده و اجر او را نداده‌اند و حق او فقط روز قیامت ادا می‌گردد».^۲

مسجد دانشگاه انسان ساز

تاریخ تمدن بشری نشان می‌دهد که انسان از روزگارانی بس قدیم همواره در این فکر بوده است، تا روزه‌هایی از دیوار طبیعت را بر بی نهایت باز کرده و از رصد خانه این کالبد خاکی، آن سوی جهان را نظاره کند و به پیوندی روحانی و ارتباط قلبی با معبود و کمال مطلوبش دست یابد. از این رو هر گاه فرصت مناسبی یافته است در گوشه خلوتی به دور از غوغای جهان مادی سرود نیایش سر داده و به راز و نیاز با معبود خویش پرداخته است و از این طریق حلاوت انس با او را طلبیده و تابش بارقه ربوبی را در دل آرزو کرده است. و چون به مراحل بالاتری از فرهنگ و تمدن راه یافته به تدریج جایگاهی را برای عبادت و پرستش برگزیده و معبدی بنیان نهاده است. قرآن کریم خانه کعبه را نخستین جایگاهی دانسته که برای عبادت مردم بنا نهاده شده است: ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ﴾^۳ کعبه از آن پس همواره مورد تقدیس و احترام بوده است؛ چنان که در طول قرن‌ها همواره مردم از هر قوم و طایفه‌ای برای زیارت این مکان مقدس می‌شتافتند و در آن

1. سفینه البحار، ج 2، ص 62.

2. بحار الانوار، ج 96، ص 252.

3. سوره آل عمرا، آیه 96.

جا به عبادت می‌پرداختند. تا این که پس از گذشت سال‌ها این خانه مقدس دستخوش ویرانی شد و حضرت ابراهیم مأموریت یافت که این خانه را بازسازی کند. پس از حضرت ابراهیم × داوود پیامبر^۱ به فرمان خداوند ساختن بنای قدس را به عنوان خانه خدا و عبادتگاه مومنان در سرزمین فلسطین آغاز کرد و چون فرصت اتمام این بنا برایش فراهم نشد؛ اتمام آن به فرزند بزرگوارش حضرت سلیمان × واگذار شد. بدین ترتیب می‌توان دریافت که ادیان الهی که رسالت ارشاد مردم و هدایت آنان و ایجاد همبستگی و اتحاد جامعه را بر عهده داشتند برای نیل به این هدف، ساختن جایگاهی را برای گردهمایی پیروان خود برای عبادت امری ضروری می‌دانستند. بر همین اساس اسلام پس از دست یافتن به امکانات لازم، برای تحقق بخشیدن به این هدف، مسجد را به عنوان خانه خدا و کانون ایمان و طهارت و تقوا بنیان نهاد. در آموزه‌های اسلامی ما در قالب آیات و روایات سفارش‌های فراوانی در باب فضیلت و جایگاه رفیع مسجد، اهمیت احترام گذاردن به آن و آباد نگاه داشتن مساجد، و حضور یافتن و نماز در آن وجود دارد که مبین نقش مؤثر آن در درمان آسیب‌های اجتماعی در جامعه اسلامی است.

واژه‌ی مسجد جمعاً 28 بار در قرآن کریم آمده است. در مجموعه آیاتی که در آنها از مسجد یاد شده، در برخی از اهمیت و جایگاه رفیع و فضیلت مسجد سخن به میان آمده و در پاره‌ای دیگر احکام مسجد بیان شده است و در بعضی دیگر به جایگاه مساجد خاصی به عنوان مسجدالحرام، مسجد الاقصی و مسجد اصحاب کهف اشاراتی شده است؛ بنگرید:

مسجد نخستین خانه توحید

در بینش اعتقادی مسلمانان، مسجد از آغاز به عنوان خانه خدا و محبوب‌ترین مکان‌ها از ارزش و قداست خاصی برخوردار بوده است. اهتمام خاص رسول خدا^۱ به برگزاری نماز جماعت در مسجد، سبب می‌شد که مسلمانان جملگی در هر شبانه

روز پنج بار برای شرکت در این آیین عبادی سیاسی در مسجد حضور یابند و با برپایی صف‌هایی منظم، همه با هم به عبادت خدا پردازند. بدیهی است چنین اجتماع و گردهمایی که در آن کوچک و بزرگ، ضعیف و نیرومند، فقیر و غنی در کنار یکدیگر به نماز می‌ایستادند تا چه حد نفاق و کینه‌ها، بدبینی و بدخواهی‌ها و همچنین اختلافات طبقاتی را از میان برده و جای خود را به مهر و صفا، برادری و برابری می‌داد و تا چه اندازه این صفوف به هم فشرده مؤمنان سبب ایجاد وحشت و هراس در دل منافقان و دیگر مخالفان آیین نوین می‌گردید. به این ترتیب مسجد به عنوان نخستین کانون عبادی نقش بسیار مؤثری در سازندگی فردی و اجتماعی مسلمانان و بالطبع پیدایش جامعه‌ای هماهنگ، متحد نیرومند و مقاوم بر عهده داشت.

در قرآن کریم آمده است: ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ﴾^۱؛ همانا نخستین خانه‌ای که برای عموم مردم نهاده شده همان است که در مکه است و مایه هدایت جهانیان است. ﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَ عَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾^۲. نکته مهمی که از این دو آیه مبارکه به خوبی بر می‌آید و آیات و روایات دیگر نیز آن را تأیید می‌کنند، این است که مسجد نخستین پایگاهی است که به منظور عبادت و پرستش خدای یگانه بنا نهاده شده است و پیش از آن عبادتگاه دیگری که کانون عبادت و نیایش برای موحدان بوده باشد وجود نداشته است. چنان که از ابوذر روایت شده که از رسول اکرم راجع به نخستین مسجدی که در زمین بنیان نهاده شده سؤال کردند حضرت فرمود: مسجد الحرام و سپس مسجد الاقصی بوده است.^۳

1. سوره آل عمران، آیه 96.

2. سوره بقره، آیه 125.

3. طبرسی، مجمع البیان، ص 204.

نماز و آباد کردن مساجد

① إِنَّمَا يَغْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ۝^۱

شایسته‌ترین مکان برای عبادت

② لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ ۝^۲ آن مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا بنا نهاده شده شایسته‌تر است که در آن به عبادت و نماز بایستی، در آن مردانی هستند که دوست دارند پاکیزه باشند و خدا پاکیزگان را دوست دارد.

بردن نام خدا در مساجد

③ فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَ الْأَصَالِ ۝^۳ در خانه‌هایی که خدا رخصت داده که آنها رفعت یابد و نامش در آنها یاد شود و در آن هر بامداد و شبانگاه او را نیایش می‌کنند.

مسجد نخستین جایگاه دانش

زمانی که اسلام در جزیره العرب ظهور کرد، جهل و بی خبری بخش گسترده‌ای از جهان آن روز را فرا گرفته و امواج ظلمت حتی محیط‌های نیمه درخشان را سخت می‌کوبید. حجاز که به مهبط وحی مفتخر شد، چنان در شرک، خرافه‌پرستی و سنت‌های زشت جاهلی غوطه‌ور بود که چیزی به نام دانش و کسب آگاهی در آن

1. سوره توبه، آیه 18.

2. همان، آیه 108.

3. سوره نور، آیه 36.

محیط مفهومی نداشت. امام علی × که شاهد چنین روزگاری بوده آن را این گونه وصف می کند: «هنگامی که [خداوند] پیامبرش ' را برانگیخت، مردم جهان در وادی حیرت و گمراهی و در میان امواج فتنه ها سرگردان بودند؛ هوس های کشنده عقل های آن ها را ربوده بود و در میان اضطراب و جهل به سرگردانی گرفتار بودند».^۱ در چنین محیط تیره ای، اسلام دعوت خویش را با علم آغاز کرد و در نخستین آیاتی که بر پیامبر اکرم ' نازل شد اولویت دانش و معرفت مورد تأکید قرار گرفت و در آیات دیگر تعلیم و تربیت از مهم ترین اهداف رسالت پیامبر ' و وظایف اصلی آن حضرت برشمرده. بر اساس این دیدگاه؛ این آیین الهی فراگیری دانش را پیشاپیش هر کاری قرار داد و نشر علم را از مهم ترین اهداف خود دانست. در پرتو این ایدئولوژی مساجد که جایگاه های اصلی عبادت بودند به عنوان نخستین کانون های دانش مورد استفاده قرار گرفتند و قرآن نیز به صورت کتاب و متن آموزشی مسلمانان درآمد. حضرت محمد ' در مسجد شخصاً به کار تعلیم و ارشاد مسلمانان مشغول بود و در پرتو تعالیم وحی فصل های نوینی از اصول و مبادی دانش های اسلامی را بر ایشان عرضه می کرد. از صفوان بن غسان روایت شده: «به حضور پیامبر اکرم ' رسیدم در حالی که آن حضرت بر بُرد سرخ فام خویش تکیه داده بود. عرض کردم: ای رسول خدا '، من برای فراگیری دانش و کسب معرفت بدین مسجد روی آوردم. رسول خدا × فرمودند: آفرین بر تو، تویی که پویای علم و دانش هستی، فرشتگان با پر و بال خویش وجود جوینده ی دانش را در بر گرفته و چنان در پیرامون او انباشته می شوند که آسمان دنیا را از محبت خود به جوینده دانش سرشار می سازند...».^۲

1. نهج البلاغه، خطبه 91، ص 282.

2. شهید ثانی، منیه المرید، ص 26.

بحمدلله امروزه در جامعه ما نیز مسجد به عنوان یک پایگاه فرهنگی چه قبل از انقلاب و چه پس از پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت‌های درخشان و موفقیت‌های چشمگیری در راه نشر ارزش‌های اسلامی داشته است. شخصی که در مسجد حضور پیدا می‌کند، علاوه بر بهره‌مندی از فیوضات و برکات روحی و معنوی مسجد که خانه خداست، با شرکت در جلسات مذهبی در قالب سخنرانی‌های مذهبی و یا کلاس‌های قرآنی علاوه بر استفاده از اوقات و ساعات فراغت بر علم و دانش دینی و مذهبی خود می‌افزاید. بدون شک چنین عنصر ارزشمندی می‌تواند در درمان آسیب‌های اجتماعی در مقابله با جنگ نرم دشمنان مفید و مؤثر واقع شود.

• ذکر

آموزه‌ها و تعالیم و حیانی اسلام و ذکر و یاد خداوند از عوامل مؤثر تقویت ایمان و نزدیکی به ذات اقدس متعال می‌باشد و موجبات اطمینان قلب و آرامش روح را فراهم می‌سازد.

اعتکاف که مصداق بارز و آمیزه‌ای از تجلی ذکر الهی است در درمان آسیب‌های روحی و اجتماعی تأثیر بسیاری دارد. در آیات متعددی از کلام الله مجید به موضوع ذکر اشاره گردیده است. خداوند متعال می‌فرماید: ① **فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَ اشْكُرُوا لِي وَ لَا تَكْفُرُونِ** ۱.

مسلم است که منظور از ذکر خدا تنها یادآوری زبانی نیست، که زبان ترجمان قلب است. هدف این است با تمام قلب و جان به ذات پاک خدا توجه نمود، همان توجهی که انسان را از گناه باز می‌دارد و به اطاعت فرمان او دعوت می‌کند. مفسران

1. بقره، آیه 152.

در شرح این جمله و این که منظور از یاد آوری و تذکار بندگان چیست و یاد آوری خداوند چگونه است، تفسیرهای متنوعی ارایه کرده‌اند که فخر رازی در تفسیر کبیر خود آن را در ده موضوع خلاصه کرده است:

1. مرا به اطاعت یاد کنید تا شما را به رحمت یاد کنم؛
2. مرا به دعا یاد کنید تا شما را به اجابت یاد کنم؛
3. مرا به ثنا و طاعت یاد کنید تا شما را به ثنا و نعمت یاد کنم؛
4. مرا در دنیا یاد کنید تا شما را در جهان دیگر یاد کنم؛
5. مرا در خلوت گاه‌ها یاد کنید تا شما را در جمع یاد کنم؛
6. مرا به هنگام وفور نعمت یاد کنید تا شما را در سختی‌ها یاد کنم؛
7. مرا به عبادت یاد کنید تا شما را به کمک یاد کنم؛
8. مرا به مجاهدت یاد کنید تا شما را به هدایت یاد کنیم؛
9. مرا به صدق و اخلاص یاد کنید شما را به خلاص و مزید اختصاص یاد می‌کنم؛
10. مرا به ربوبیت یاد کنید تا شما را به رحمت یاد کنم.¹

بدون شک هر گونه توجه به خداوند اثری تربیتی دارد که در پرتو یاد خدا در وجود انسان پرتو افکن می‌شود و روح و جان او بر اثر این توجه آمادگی نزول برکات جدیدی که متناسب با نحوه یاد اوست پیدا می‌کند.

غفلت از یاد حق و پیامدهای آن

گاه می‌شود درهای زندگی به روی انسان به کلی بسته می‌شود و دست به هر کاری می‌زند با درهای بسته روبه‌ور می‌گردد و گاهی به عکس به هر جا روی می‌آورد

1. تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، ج 1، ص 514.

خود را در برابر درهای گشوده می‌بیند و مقدمات هر کار فراهم می‌بیند و بن بست و گرهی در برابر او نیست. از این حال به وسعت زندگی و از اولی به ضیق یا تنگی معیشت تعبیر می‌شود. گاهی تنگی معیشت به خاطر این نیست که درآمد کمی دارد، ای بسا پول و درآمدش هنگفت است ولی بخل و حرص زندگی را بر او تنگ می‌کند. راستی؛ چرا انسان گرفتار این تنگناها می‌شود؟ قرآن می‌فرماید: عامل اصلی گرفتاری‌ها اعراض از یاد حق است: ① **وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا**؛^۱ یاد خدا، مایه آرامش جان، تقوا و شهامت است و فراموش کردند او مایه اضطراب و ترس و نگرانی است. هنگامی که انسان مسؤولیت-هایش را به دنبال فراموش کردن یاد خدا به فراموشی بسپارد غرق در شهوات حرص و طمع می‌گردد و پیداست که نصیب او معیشت ضنک خواهد بود نه قناعتی که جان او را پر کند؛ توجهی به معنویت که به او غنای روحی دهد و اخلاقی که او را در برابر طغیان شهوات باز دارد. اصولاً تنگی زندگی بیشتر به خاطر کمبودهای معنوی و نبودن غنای روحی به خاطر عدم اطمینان به آینده، ترس از نابود شدن امکانات موجود، و وابستگی بیش از حد به جهان ماده است و آن کس که ایمان به خدا دارد و دل به ذات پاک او بسته، از همه این نگرانی‌ها در امان است.

تفکر در آفرینش از آثار ذکر

نقشه دلربا و شگفت‌انگیزی که در گوشه و کنار جهان و در پهنه‌ی هستی به چشم می‌خورد آن چنان قلوب صاحبان خرد را به خود جذب می‌کند، که در جمیع حالات خود چه ایستاده و چه نشسته و یا در حالی که در بستر آرمیده و یا به پهلو خوابیده‌اند به یاد پدیدآورنده‌ی این نظام و اسرار شگرف آن افتند و لذا در آیه‌ای از قرآن کریم می‌فرماید: ② **الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا وَ عَلَى جُنُوبِهِمْ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ**

1. طه، آیه 124.

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿١٠٠﴾؛ همان‌ها که خدا را در حال ایستاده و نشسته و آنگاه که به پهلو خوابیده‌اند یاد می‌کنند و در اسرار آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند و می‌گویند بارالها! اینها را بیهوده نیافریدی؛ منزهی تو؛ ما را از عذاب آتش نگه دار. یعنی همیشه و در هر حال غرق این تفکر حیات بخش‌اند. در این آیه، نخست اشاره به ذکر و سپس اشاره به فکر شده است یعنی تنها یادآوری خدا کافی نیست، آن گاه این یادآوری، ثمرات ارزنده‌ای خواهد داشت که آمیخته با تفکر باشد؛ همان‌طور که تفکر در خلقت آسمان و زمین اگر آمیخته با یاد خدا نباشد جایی نمی‌رسد. چه بسیاراند دانشمندانی که در مطالعات فلکی خود و تفکر مربوط به خلقت کرات آسمانی این نظام شگفت‌انگیز را می‌بینند اما چون به یاد خدا نیستند و عینک توحید بر چشم ندارند و از زاویه شناسایی مبدأ هستی به آنها نگاه نمی‌کنند از آن نتیجه لازم تربیتی و انسانی نمی‌گیرند، همانند کسی که غذایی می‌خورد که تنها جسم او را قوی کند و در تقویت اندیشه و فکر و روحش اثر ندارد. تفکر و اندیشه در اسرار آفرینش آسمان‌ها و زمین‌ها به انسان آگاهی خاصی می‌دهد که نخستین اثر آن توجه به بیهوده نبودن خلقت این جهان است.

یاد خدا آرام بخش دل‌ها

همیشه اضطراب و نگرانی یکی از بزرگترین بلاهای زندگی انسان‌ها بوده و هست و عوارض ناشی از آن در زندگی فردی و اجتماعی کاملاً محسوس است. همیشه آرامش یکی از گمشده‌های مهم بشر بوده است و آدمی به هر دری می‌زند تا آن را پیدا کند و اگر تلاش و کوشش انسان‌ها در طول تاریخ برای پیدا کردن آرامش از طرق صحیح و کاذب را جمع‌آوری کنیم خود کتاب مفصلی خواهد شد. تاریخ بشر پر است از

صحنه‌های غم‌انگیزی که انسان برای تحصیل آرامش به هر چیزی دست انداخته و در هر وادی گام نهاده و تن به انواع اعتیادها داده است. ولی قرآن با یک جمله کوتاه و پر مغز مطمئن‌ترین و نزدیک‌ترین راه را نشان داده و می‌گوید: « بدانید که یاد خدا آرامش بخش دل‌هاست». برای روشن شدن این حقیقت قرآنی به توضیح زیر توجه کنید:

1) گاهی اضطراب و نگرانی به خاطر یک آینده تاریک و مبهم است که در برابر فکر انسان خود نمایی می‌کند، احتمال زوال نعمت‌ها، گرفتاری در چنگال دشمن، ضعف و بیماری و ناتوانی و احتیاج، همه‌ی این‌ها آدمی را رنج می‌دهد، اما ایمان به خداوند قادر متعال، خداوند رحیم و مهربان، خدایی که همواره کفالت بندگان خویش را بر عهده دارد، می‌تواند این گونه نگرانی‌ها را از میان ببرد و به او آرامش بدهد که تو در برابر حوادث آینده درمانده نیستی، و خدایی توانا و مهربان از تو حمایت می‌کند.

2) گاه گذشته تاریک، زندگی و فکر انسان را به خود مشغول می‌دارد و همواره او را نگران می‌سازد. نگرانی از گناہانی که انجام داده از کوتاهی‌ها و لغزش‌ها؛ اما توجه به این که خداوند غفار، توبه‌پذیر و رحیم و غفور است به او آرامش می‌دهد به او می‌گوید: عذر تقصیرت را به پیشگاهش ببر و از گذشته عذرخواهی کن و در مقام جبران برآی که او بخشنده است.

3) ضعف و ناتوانی انسان در برابر عوامل طبیعی و گاه در مقابل انبوه دشمنان داخلی و خارجی، او را نگران می‌سازد اما هنگامی که به یاد خدا می‌افتد و متکی به قدرت و رحمت او می‌شود که برترین قدرت‌هاست و هیچ چیز در برابر آن یارای مقاومت ندارد قلبش آرام می‌گیرد و با خود می‌گوید آری من تنها نیستم، من در سایه خدا، بی نهایت قدرت دارم.

4) دنیا پرستی و دلباختگی در برابر زرق و برق زندگی مادی یکی از بزرگترین عوامل اضطراب و نگرانی انسان‌هاست تا آن جا که گاه عدم دستیابی به رنگ خاصی از لباس و کفش و یا یکی از هزاران وسایل زندگی، ساعت‌ها و روزها فکر دنیا پرستان را ناآرام و مشوش می‌سازد اما ایمان به خدا و توجه به آزادگی مؤمن که همیشه با زهد و پارسایی سازنده و عدم اسارت در چنگال زرق و برق زندگی مادی همراه است به همه‌ی این اضطراب‌ها پایان می‌دهد، هنگامی که روح انسان «علی وار» آن گونه وسعت یابد که بگوید: «دنیای شما در نظر من بی ارزش تر از برگ درختی است که در دهان ملخی باشد که آن را می‌جود».¹

البته عوامل نگرانی منحصر به اینها نیست بلکه می‌توان عوامل فراوان دیگری نیز بر آن افزود، ولی بیشتر نگرانی‌ها به عوامل فوق باز می‌گردد و هنگامی که دیدیم این عوامل در برابر ایمان به خدا ذوب، بی رنگ و نابود می‌گردد تصدیق خواهیم کرد که یاد خدا مایه آرامش دل‌هاست.

حسن ختام این بخش را با کلام گهرباری از پیشوای اول شیعیان امام علی علیه السلام در رابطه با صفات اهل ذکر به پایان می‌بریم: «همانا مردمی هستند که ذکر خدا را به جای دنیا برگزیدند، که هیچ تجارتی یا خرید و فروشی، آنها را از یاد خدا باز نمی‌دارد. با یاد خدا روزگار می‌گذرانند و غافلان را با هشدارهای خود، از کیفرهای الهی می‌ترسانند و به عدالت فرمان می‌دهند، و خود عدالت گسترانند. از بدی‌ها نهی می‌کنند و خود از آن پرهیز دارند، با این که در دنیا زندگی می‌کنند، گویا آن را رها کرده‌اند و به آخرت پیوسته‌اند. سرای دیگر را مشاهده کرده، گویا از مسایل پنهان برزخیان و مدت طولانی اقامتشان آگاهی دارند و گویا قیامت، وعده‌های خود را برای آنان تحقق بخشیده است. آنان پرده‌ها را برای مردم دنیا برداشته‌اند، می‌بینند آن چه مردم دنیا

1. نهج البلاغه، خطبه 224.

نمی‌بینند، و می‌شنوند آن چه را که مردم نمی‌شنوند. اگر اهل ذکر را در اندیشه خودآوری و به مقامات ستوده آنان و مجالس آشکارشان بنگری، می‌بینی که آنان نامه‌های اعمال خود را گشوده، و برای حسابرسی آماده‌اند، که همه را جبران کنند و در اندیشه‌اند که در کدام یک از اعمال کوچک و بزرگی که به آنان فرمان داده شده، کوتاهی کرده‌اند یا چه اعمالی که از آن نهی شده بودند مرتکب گردیده‌اند؛ بار سنگین گناهان خویش را بر دوش نهاده و در برداشتن آن ناتوان شده‌اند. گریه در گلویشان شکسته و با ناله و فریاد می‌گیرند و با یکدیگر گفتگو دارند و در پیشگاه پروردگار خویش به پشیمانی اعتراف آرند. آنان نشانه‌های هدایت و چراغ‌های روشنگر تاریکی می‌باشند، فرشتگان آنان را در میان گرفته و آرامش بر آنها می‌بارند. درهای آسمان برویشان گشوده و مقام ارزشمندی برای آنان آماده کرده‌اند، مقامی که خداوند با نظر رحمت به آن می‌نگرد و از تلاش آنها خشنود، و منزلت آنها را می‌ستاید. آنان دست به دعا برداشته، و آمرزش الهی را طلب می‌کنند. در گرو نیازمندی فضل خدا، و اسیران بزرگی اویند. غم و اندوه طولانی‌شان دل‌هایشان را مجروح و گریه‌های پیایی، چشم‌هایشان را آزرده است. دست آنان به طرف تمام درهای امیدواری خدا دراز است، از کسی درخواست می‌کنند که بخشش او را کاستی، و درخواست کنندگان را [از درگاهش] نومیدی نیست، پس اکنون به خاطر خودت حساب خویش را بررسی کن زیرا دیگران حسابرسی غیر از تو ندارند»¹.

• سلاهی به نام دعا و نیایش

یکی از وسایل ارتباط بندگان با خدا دعا و نیایش است؛ چرا که روح هر عبادتی قرب به خدا و راز و نیاز با اوست. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «و هنگامی که بندگان من از تو درباره من می‌پرسند، بگو من نزدیکم؛ دعای دعا کننده

1. نهج البلاغه، خطبه 222.

را به هنگامی که مرا می خواند پاسخ می گویم پس آنها باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا راه یابند؛ ﴿وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾^۱

کسی از پیامبر ' پرسید: آیا خدای ما نزدیک است تا آهسته با او مناجات کنیم؟ یا دور است تا با صدای بلند او را بخوانیم؟ آیه فوق نازل شد و به آنها پاسخ داد که خدا به بندگانش نزدیک است. آنها که حقیقت و روح دعا و اثرات تربیتی و روانی آن را نشناخته اند، ایرادهای گوناگونی به مسأله دعا دارند: گاه می گویند: دعا عامل تخدیر است، چرا که مردم را به جای فعالیت و کوشش و استفاده از وسایل پیشرفت و پیروزی، به سراغ دعا می فرستد، و به آنها تعلیم می دهد که به جای تلاش دعا کنند و گاه می گویند اصولاً آیا دعا کردن فضولی در کار خدا نیست؟ خدا هر چه مصلحت بداند انجام می دهد، او به ما محبت دارد، مصالح ما را بهتر از خود ما می داند، پس چرا هر ساعت مطابق دلخواه خود از او چیزی بخواهیم؟ آنها که چنین ایرادهایی را مطرح می کنند از آثار روانی، اجتماعی و معنوی دعا و نیایش غافل اند؟ زیرا انسان برای تقویت اراده و برطرف کردن ناراحتی ها به تکیه گاهی احتیاج دارد، دعا چراغ امید را در وجود انسان روشن می کند. مردمی که دعا و نیایش را فراموش کنند، چه بسیار مواقع که در هنگام رخدادها با عکس العمل های نامطلوب و آنی عنان امور را از دست خواهند داد و به تعبیر یکی از روان شناسان معروف: «فقدان نیایش در میان ملتی برابر با سقوط آن ملت است؛ اجتماعی که احتیاج به دعا و نیایش را در خود کشته است معمولاً از فساد و زوال مصون نخواهد بود البته نباید این مطلب را فراموش کرد که تنها صبح نیایش کردن و بقیه روز همچون یک وحشی به سر بردن بیهوده است، باید نیایش را پیوسته انجام داد و در همه حال با

1. سوره بقره، آیه 186.

توجه بود تا اثر عمیق خود را در انسان از دست ندهد.» آنان که برای دعا قائل به اثری تخدیری هستند، معنی دعا را نفهمیده‌اند زیرا معنی دعا این نیست که از وسایل و علل طبیعی دست بکشیم و به جای آن دست به دعا برداریم، بلکه مقصود این است بعد از آن که نهایت کوشش خود را در استفاده از همه وسایل موجود به کار بستیم آن جا که دست ما کوتاه شد و به بن بست رسیدیم به سراغ دعا برویم، و با توجه و تکیه بر خداوند روح امید را در خود زنده کنیم و از کمک‌های بی دریغ آن مبدأ بزرگ کمک بگیریم. بنابراین دعا مخصوص به نارسایی‌ها و بن بست‌هاست، نه عاملی به جای عوامل طبیعی. «نیایش در همین حال که آرامش را پدید می‌آورد در فعالیت‌های مغزی انسان یک نوع شکفتگی و انبساط باطنی ایجاد کرده و گاهی روح قهرمانی و دلاوری را تحریک می‌کند. نیایش خصایل خویش را با علامات بسیار مشخص و منحصر به فرد نشان می‌دهد. صفای نگاه، متانت رفتار، انبساط و شادی درونی چهره، اطمینان و یقین، و نیز استقبال از حوادث، اینهاست که از وجود یک گنجینه پنهان در عمق روح ما حکایت می‌کند و تحت این قدرت حتی مردم عقب مانده و کم استعداد نیز می‌توانند نیروی عقلی و اخلاقی خویش را بهتر به کار ببندد و از آن بهره بیشتر بگیرند اما متأسفانه در دنیای ما کسانی که نیایش را در چهره حقیقی‌شان بشناسد کم‌اند. از آن چه گفتیم پاسخ این ایراد که می‌گویند دعا بر خلاف رضا و تسلیم است نیز روشن می‌شود، زیرا دعا همان طور که ذکر شد یک نوع کسب قابلیت برای تحصیل سهم زیادتری از فیض بی پایان پروردگار است؛ به عبارت دیگر انسان به وسیله دعا توجه و شایستگی بیشتری برای درک فیض خداوند پیدا می‌کند. بدیهی است کوشش برای تکامل و کسب شایستگی بیشتر همان تسلیم در برابر قوانین آفرینش است؛ نه چیزی بر خلاف آن. از همه گذشته دعا یک نوع عبادت و خضوع و بندگی است و انسان به وسیله دعا توجه تازه‌ای به خدا پیدا می‌کند و همان طور که همه عبادات اثر تربیتی دارد دعا هم دارای چنین اثری است

لذا می‌بینیم امام صادق × می‌فرماید: در نزد خداوند مقاماتی است که بدون دعا کسی به آن نمی‌رسد.^۱ پس از آن که دانستیم دعا در مورد نارسایی‌های قدرت ماست نه در مورد توانایی و قدرت، و به عبارت دیگر دعای مستجاب دعایی است که به مضمون ① **أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ**  ^۲ به هنگام اضطرار و عقیق ماندن تمام تلاش‌ها و کوشش‌ها انجام گیرد. روشن می‌شود که مفهوم دعا درخواست فراهم شدن اسباب و عواملی است که از دایره قدرت انسان بیرون باشد؛ آن هم از کسی که قدرتش بی پایان و هر امری برای او آسان است ولی این درخواست نباید تنها از زبان صادر شود بلکه از تمام وجود او برخیزد، و زبان در این قسمت نماینده و ترجمان تمام ذرات وجود انسان و اعضا و جوارح اوست. قلب و روح از طریق دعا پیوند نزدیکی با خدا پیدا می‌کند و همانند قطره‌ای که به اقیانوس بی پایان پیوندد، اتصال معنوی با آن مبدأ بزرگ قدرت می‌یابد. کوتاه سخن اینکه دعا یک نوع خود آگاهی و بیداری دل و اندیشه و پیوند باطنی با مبدأ همه نیکی‌ها و خوبی‌هاست.

در روایات اسلامی شرایطی برای استجاب دعا ذکر شده است:

1) برای اجابت دعا باید قبل از هر چیز در پاکی قلب و روح کوشید و از گناه توبه کرد، و خودسازی نمود و از زندگی رهبران الهی الهام گرفت. از امام صادق نقل شده که فرمود: «مبادا هیچ یک از شما از خدا تقاضایی کند مگر این که نخست حمد و ثنای او را به جای آورد و بر پیامبر و آل او درود بفرستد و بعد به گناه خود نزد او اعتراف کند سپس دعا نماید».^۳

1. اصول کافی، ج 2، ص 388.

2. سوره نمل، آیه 62.

3. سفینه البحار، ج 1، ص 448-449.

(2) در پاکی زندگی از اموال غصب و ظلم و ستم بکوشد و تغذیه او از حرام نباشد. از پیامبر اسلام نقل شده که فرمود: کسی که دوست دارد دعایش مستجاب شود باید غذا و کسب خود را پاک کند.¹

(3) از مبارزه با فساد و دعوت به سوی حق خودداری نکند زیرا آنها که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند دعای مستجاب ندارند چنان که از پیامبر اسلام نقل شده: «باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و الا خداوند بدان را بر نیکان شما مسلط می‌کند و هر چه دعا کنید مستجاب نخواهد شد».²

(4) ایمان، عمل صالح و امانت و درستکاری یکی دیگر از شرایط اجابت دعاست زیرا آن کس که به عهد خویش در برابر پروردگارش وفا نکند نباید انتظار داشته باشد که مشمول وعده اجابت از ناحیه پروردگار باشد. کسی نزد امیرمومنان علی × از عدم استجابت دعایش شکایت کرد و گفت: با اینکه خداوند فرموده دعا کنید من اجابت می‌کنم. چرا ما دعا می‌کنیم ولی به اجابت نمی‌رسد؟ امام × در پاسخ فرمود: «قلب و فکر شما در هشت چیز خیانت کرده لذا دعایتان مستجاب نمی‌شود:

1) شما خدا را شناخته‌اید اما حق او را ادا نکرده‌اید به همین دلیل شناخت شما سودی به حالتان نداشته؛

2) شما به فرستاده او ایمان آورده‌اید سپس با سنتش به مخالفت برخاسته‌اید، پس ثمره ایمان شما کجاست؟

3) کتاب او را خوانده‌اید ولی به آن عمل نکرده‌اید. گفتید شنیدیم و اطاعت کردیم سپس به مخالفت برخاستید.

1. سفینه البحار، ج 1، ص 448 - 449.

2. همان.

- 4) شما می گوئید از مجازات و کیفر الهی می ترسید اما همواره کارهایی می کنید که شما را به آن نزدیک می سازد.
- 5) می گوئید به پاداش الهی علاقه دارید اما همواره کارهایی انجام می دهید که شما را از آن دور می سازد.
- 6) نعمت خدا را می خورید و حق شکر او را ادا نمی کنید.
- 7) به شما دستور داده دشمن شیطان باشید و شما ادعای دشمنی با شیطان را دارید اما عملاً به مخالفت با او بر نمی خیزید.
- 8) شما عیوب مردم را نصب العین خود ساخته اید و عیوب خود را پشت سر افکنده اید با این حال چگونه انتظار دارید دعایتان به اجابت برسد؟ در حالی که خودتان درهای آن را بسته اید؟
- تقوا پیشه کنید اعمال خویش را اصلاح کنید امر به معروف و نهی منکر کنید تا دعای شما به اجابت برسد.¹

نتیجه گیری

1. یکی از مهم ترین معضلات در جامعه امروز آسیب های اجتماعی است و طبق تحقیقات به عمل آمده، گرایش به معنویات مؤثرترین عامل درمان آن می باشد.
2. اعتکاف به عنوان یک سنت حسنه که آمیزه ای از چند عبادت است می تواند در درمان آسیب های اجتماعی سودمند واقع گردد.
3. برخی از مصادیق و راهکارهای رفع و درمان آسیب های اجتماعی از رهگذر اعتکاف قابل دستیابی است.

1. سفینه البحار، ج 1، ص 448 - 449.

4. همان‌طور که مذکور گردید، بیشتر راهکارها در بُعد فردی قابل استفاده است زیرا مهم‌ترین و اساسی‌ترین عامل رشد و تعالی جامعه اسلامی خودسازی‌های فردی و بازیابی هویت خویشتن است.

منابع

1. قرآن کریم
2. نهج البلاغه
3. مجلسی، محمد بن باقر بن محمد تقی، بحار الانوار/ بیروت، دار احیاء التراث العربی/1403ق.
4. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البيت^، 1409ق.
5. کلینی، محمد بن یعقوب/ اصول کافی/ غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد/ تهران/ دارالکتب اسلامیة/1407 ق
6. مکارم شیرازی، ناصر/ تفسیر نمونه/ تهران/ دارالکتب اسلامیة/1383ش.

پدیدار شناسی اعتکاف دانشجویی با تأکید بر ارتباطات میان فردی



حدیثه اسفندیار *

چکیده

در این جستار پدیده‌ی اعتکاف با تأکید بر ارتباطات میان فردی مورد بررسی قرار گرفته است. مقوله‌ی اعتکاف مقوله‌ای فردی و عبادی تلقی شود و به نظر می‌رسد که جنبه‌های اجتماعی در آن لحاظ نشده است اما سؤال این مقوله درباره‌ی این است که آیا این پدیده جمعی است؟ و در صورت جمعی بودن، تأثیر آن در ارتباطات میان فردی چیست؟ و آیا این ارتباطات به اثر بخشی منجر می‌شود؟ در پاسخ به این سؤالات با بررسی پدیدار شناختی پدیده‌ی اعتکاف از نگاه معتکفین پرداخته می‌شود و با واکاوی جنبه‌های آشکار و پنهان آن تلاش می‌شود تا پاسخی روشن در این باره به دست آید.

واژگان کلیدی

اعتکاف، انسان شناسی، ارتباطات میان فردی

* . کارشناس ارشد تبلیغ و ارتباطات فرهنگی دانشگاه باقرالعلوم ×.

مقدمه

گرچه انسان فطرتاً کمال جو و خداگراست و به علم و تجربه دریافته است که آرامش کامل روحی و روانی در گرو پیروی از تعالیم الهی و تزکیه و تهذیب درون است ولی عادت پذیری، فراموشکاری، و تأثیر از محیط و فعالیت‌های اجتماعی از طرفی و آلودگی‌های فکری و فساد و گناه از سوی دیگر به تدریج غبار غفلت بر فطرت آدمی می‌نشانند و او را از معرفت نفس و خداپرستی دور می‌سازد. اسلام به منظور عادت شکنی و اعتدال بخشی به روح و جسم انسان و ایجاد وفاق میان تفکرات و فعالیت‌های فردی - اجتماعی انسان، راه‌هایی را پیش‌بینی کرده است که «اعتکاف» یکی از آنهاست. (وفا، 1388: 77).

1. مفهوم اعتکاف

1. معنای اعتکاف: اعتکاف از ماده «عکف» به معنای اقامت کردن در جایی و ملازم بودن با چیزی، و نیز به معنای حبس و توقف است. در اصطلاح فقهی عبارت است از: «اللبث فی مسجد جامع ثلاثة ایام فصاعداً صائماً للعبادة»؛ توقف در مسجد جامع برای عبادت به مدت سه روز و بیشتر در حال روزه. بنابراین معتکف شخصی است که به جهت تقرب به خدا، ایامی را در مسجد اعتکاف می‌کند. (وفا، 1388: 77)

2. پیشینه تاریخی اعتکاف: اعتکاف به معنای عام خود، اقامت در یک معبد و یا مسجد برای عبادت خدا؛ نه تنها در دین اسلام بلکه در ادیان پیشین الهی نیز وجود داشته است: ① وعهدنا الی ابراهیم واسماعیل أن طهرا بیتنا للطائفین والعاکفین والركع السجود (بقره: 125)، در این آیه شریفه به صراحت از وجود معتکفین در زمان انبیای الهی «ابراهیم و اسماعیل» خبر داده شده است (وفا، 1388: 78). این سنت پسندیده، به تدریج از زمان‌های گذشته به ساکنان سرزمین حجاز و سرزمین مکه منتقل و حتی در زمان جاهلیت نیز به عنوان یک عبادت رایج گردید. گرچه شکل و کم و کیف آن عوض شده و چه بسا رنگ جاهلی به خود گرفته بود؛ ولی در هر حال نشان

از دیرینگی تاریخی آن دارد. با ظهور اسلام این عبادت به صورت صریح و با ابعاد گسترده، در میان مسلمانان رسمیت یافت و به عنوان سنتی مهم تلقی شد، از آن رو که رسول خدا سالیانه در ماه مبارک رمضان ده روز را در مسجد مدینه به اعتکاف می‌پرداخت و برای او خیمه‌ای زده می‌شد و به تبع ایشان، مسلمین نیز در مسجد الحرام و مسجد نبوی و سپس در مسجد کوفه، به اعتکاف می‌نشستند (وفا، 1388: 78-79). این سنت حسنه با این جایگاه رفیع به عللی در ایران متروک بود و جز خواص به آن توجهی نمی‌کردند. در عصر صفوی که گرایش مذهبی حاکمان و همگامی آنان با عالمان دینی زمینه را برای پیاده کردن احکام فقهی فراهم آورد، اعتکاف نیز چون دیگر مسایل فقهی جان گرفت. با غروب قدرت صفوی، این موضوع نیز به افول گرایید و مخصوصاً در دوره پهلوی، در جهت مبارزه دولت وقت با همه سنن و آداب اسلامی می‌رفت که به فراموشی سپرده شود؛ اما با پیگیری مراجع عظام تقلید در دوران پهلوی، خواسته شوم استعمار عملی نگردید و در نهایت در پی انقلاب اسلامی و ظهور دولت جمهوری اسلامی و پیگیری‌های روز افزون رهبر انقلاب؛ این مسأله بیش از پیش مورد توجه اقشار جامعه و خصوصاً جوانان قرار گرفت تا جایی که امروزه به طور وسیعی در میان مردم بویژه جوانان و نوجوانان گسترش یافته است و کمتر مساجدی در شهرها پیدا می‌شود که سالیانه شاهد حضور خیل مشتاقان و عاشقان نباشد (وفا، 1388: 79).

3. جایگاه و ارزش اعتکاف: اعتکاف در فرهنگ دینی و خصوصاً دین اسلام از جایگاهی بس والا و عظیم برخوردار است. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَاذْجَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَ ءَءَءَدْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتُنَا لِّلطَّائِفِينَ وَ الْعَاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾؛ و به خاطر بیاورید هنگامی را که خانه کعبه را محل بازگشت و مرکز امن برای مردم قرار دادیم، و برای تجدید خاطره از مقام ابراهیم، عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع

کنندگان و سجده کنندگان پاک و پاکیزه کنید. در حدیث نبوی می‌خوانیم: «المعتكف يعكف الذنوب و يجري له من الاجر كاجر عامل الصنات كلها»؛ معتكف [با اعتكاف خود] گناهان را متوقف نموده و از بین می‌برد و اجر و اجری بسان انجام دهنده تمام نیکی‌ها دریافت می‌دارد. (حسینی، 1387: 63).

در فضیلت این عمل عبادی همین بس که پیامبر اکرم^ص هر سال در دهه آخر ماه مبارک رمضان، در مسجد خود معتكف می‌شدند و در گوشه‌ای از آن خیمه زده و بستر خود را جمع می‌کردند و مانند روزهای عادی استراحت نمی‌فرمودند. در بعضی سال‌ها که به دلیل جهاد یا غیر از آن فرصت اعتكاف نمی‌یافتند قضای آن را در سال آینده انجام می‌دادند (وفا، 1388: 79).

از همین رو، اعتكاف از جنبه‌ی اخلاقی و عرفانی اهمیت ویژه‌ای دارد و راه را برای خودشناسی خداشناسی، تزکیه و تطهیر باطن می‌گشاید. معتكف در چند روز اعتكاف و با رعایت محرمات و مبطلات آن، سعی در تخلیه روح و ذهن خود از غیر خدا می‌نماید و تمامی قوا و حواس خود را برای تمرکز بر عبادت و عبودیت حق آماده می‌سازد و به تدریج به توحید نظری و عملی نزدیک می‌شود، اما از جهت اجتماعی نیز اعتكاف، دارای فواید بسیاری است، از جمله آن که اعتكاف با تزکیه و تطهیر و پالایش روح از آلودگی‌ها، زمینه حضور افراد سالم و صالح را در جامعه فراهم می‌سازد. اعتكاف هرگز به معنای انزوا، رهبانیت، زهد کاذب و فرار از مشکلات جامعه نیست، بلکه اعتكاف مظهري از عرفان اجتماعی و رهیافت شعورمندانه به حل و فصل مشکلات و نیازمندی‌های مردم است (وفا، 1388: 81).

2. روش پژوهش

این پژوهش از زمره پژوهش‌های کیفی به شمار می‌آید، زیرا به شرح و بیان یک پدیده دینی به نام اعتكاف پرداخته است و با چگونگی تعبیر درک تجربه و سرانجام فضای اجتماعی سروکار دارد. (محمدی، 1387: 24) این پژوهش درک همه جانبه

موضوع بر اساس داده‌هایی است که محتوا همراه با ظرافت‌هایش در آن منظور شده است. براین اساس برای گردآوری داده‌ها از سه روش مصاحبه، مشاهده مشارکتی و مراجعه به اسناد استفاده شده است؛ که روش مصاحبه با توجه به اینکه بهترین روش برای آگاهی از گرایش‌ها و دیدگاه‌های افراد، چگونگی شکل‌گیری ادراکات آنها و آگاهی از انگیزه‌ها، تصمیم‌ها و ادراک تجارب ویژه آنان است؛ (بشیر: 2)، بیشترین حجم این پژوهش را به خود اختصاص داده است.

1-3- مصاحبه: روش انجام مصاحبه‌ها به صورت مصاحبه نیمه ساخت یافته بود که برای مصاحبه چند محور مشخص با تعدادی سؤال در نظر گرفته شد بود (ضمیمه شماره 1)، اما با توجه به اطلاعات اخذ شده از افراد و نیز شرایط و موقعیت‌ها، سؤال‌ها به تناسب انتخاب و یا با تغییراتی طرح شد. این مصاحبه‌ها با هماهنگی مسئولان برگزاری اعتکاف و اجازه رسمی آنان صورت پذیرفت. البته در مراجعه به افراد برخی حاضر به مصاحبه نبودند که عمدتاً به دلیل آنکه می‌خواستند حضورشان صرفاً برای خدا باشد و احساس می‌کردند با پاسخ به سؤالات به نوعی ممکن است عملشان از روی اخلاص و بندگی صرف نباشد، از انجام مصاحبه امتناع می‌ورزیدند. از سوی دیگر معمولاً دانشجویان معتکف متاهل چندان تمایلی به مصاحبه نداشتند. تعداد 22 مصاحبه در کل صورت گرفت که در نهایت 21 مصاحبه مورد ارزیابی قرار گرفت. در این مصاحبه‌ها یک مصاحبه به صورت گروهی (5 تا 6 نفر) انجام پذیرفت و سعی شده است افراد طوری انتخاب شوند که گویای کل مشارکت کنندگان باشد.

2-3- مشاهده مشارکتی: هم‌چنان که در بخش گزارش اعتکاف بیان خواهد شد، با حضور نگارنده در جمع معتکفین در طول سه شبانه روز اعتکاف، به عنوان یکی از معتکفین و مشارکت در برنامه‌های اعتکاف؛ نحوه رفتار افراد و تعامل آنها با هم و نیز نحوه برگزاری نمازها، دعاها و مراسم مختلف و حضور در کلاس‌های آموزشی مورد مشاهده قرار گرفت. هم‌چنین با گرفتن تعدادی عکس با استفاده از

دوربین نیمه حرفه‌ای از زوایای آشکار و پنهان، تلاش شد تا به عنوان اسناد تصویری، گوشه‌هایی از مراسم و برنامه‌ها در پژوهش مورد استفاده قرار گیرد.

3-3- بررسی اسناد: علاوه بر دو شیوه ذکر شده، برای تکمیل برخی از جنبه‌های اعتکاف به ناچار به تعدادی از منابع مکتوب مراجعه شد، که برخی از آنها مربوط به روش تحقیق و نحوه انجام مصاحبه و برخی درباره خود اعتکاف و تاریخچه آن بود. بعد از جمع آوری داده‌ها به کمک سه روش ذکر شده به تحلیل و بررسی آنها پرداخته شد که در این جا ابتدا با استفاده از روش تحلیل شماتیک (یا موضوعی) به طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی در داده‌ها دست یافتیم و سپس با استفاده از روش پدیدار شناسانه که روشی است برای درک رویه‌های عمیق معنایی، تجربه‌های زیستی برخی افراد درباره یک پدیده، به بررسی معنای پدیده از نظر آنها پرداخته شد (محمد پور، 1389: 86).

3. گزارش توصیفی اعتکاف دانشجویی*

مراسم اعتکاف دانشجویی هر ساله در ایام البیض در مساجد دانشگاه‌های سراسر کشور برگزار می‌شود. اعتکاف دانشجویی استان قم نیز در سال‌های قبل در مساجد جامع، یا مسجد مقدس جمکران و در سه سال اخیر به صورت منسجم در دانشگاه‌های پردیس قم و دانشگاه قم برگزار شده است. روند کمی و کیفی اعتکاف دانشجویی که از سال 89 در دانشگاه پردیس برگزار شده بود، به صورت صعودی در حال افزایش بوده، به طوری که در سال جاری، مسجد دانشگاه قم میزبان تقریباً 800 نفر دانشجوی معتکف از سراسر دانشگاه‌های استان بوده است.

پذیرش اعتکاف از ساعت شش عصر الی ده شب اعلام شده بود. دانشجویان به

* . اعتکاف دانشجویی دانشگاه قم در سال 1390 در مسجد این دانشگاه برگزار شد.

همراه خانواده‌های خود وارد دانشگاه قم می‌شدند و بعد از خداحافظی با خانواده‌های خود به طرف محل پذیرش مسجد می‌رفتند. در قسمت پذیرش بر اساس نام و نام خانوادگی و با تحویل کارت شماره داری که قبلاً در دانشگاه در هنگام اعتکاف دریافت کرده بودند، پذیرش می‌شدند. در هنگام ورود به مسجد بسته فرهنگی شامل کتابچه توشه معتکف (آداب و اعمال اعتکاف) و نشریه سه قدم مانده به صبح (ویژه نامه فرهنگی مهدوی اعتکاف) را از خدام فرهنگی دریافت کردند. صحن مسجد به صورت منجسم و دقیق با نوار چسب تقسیم بندی شده بود و برای هر معتکف میزان مشخصی در نظر گرفته شده بود. دانشجویان دسته دسته وارد می‌شدند و بر اساس شماره جایگاهی که از پذیرش گرفته بودند، در جای خود قرار می‌گرفتند. بعضی از دانشجویانی که به صورت گروهی آمده بودند، در تلاش بودند تا به صورتی تعویض جا کنند تا در کنار گروه دوستان خود قرار بگیرند. در نزدیکی نگارنده گروه دوستانی قرار گرفتند که همگی ورزشکار بودند و با لباس های ورزشی خاص و مشابه هم در حالی که با ادبیات خاص صمیمانه‌ای در حال گفت و گو بودند، قرار گرفتند. در طرف دیگر اقوامی بودند که همراه هم شرکت کرده بودند؛ مادری به همراه دختر نوجوان خود، و دو برادرزاده جوان خویش در مراسم در کنار یکدیگر بودند.

مسئول بخش پشتیبانی اعتکاف خواهران گفت: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری (مد ظله) در دانشگاه قم، فراخوان شرکت در اعتکاف دانشجویی را دهم خرداد ماه سال جاری به صورت بنر و پوستر برای تمامی دانشگاه‌های استان قم ارسال کرده است. برای هر دانشگاه متناسب با تعداد افراد ثبت نامی، سهمیه‌ای اختصاص داده شد، و قرعه کشی در دانشگاه‌ها انجام گرفته بود. در این میان سهمیه دانشگاه قم به دلیل داوطلبان بیشتر نسبت به دانشگاه‌های دیگر بیشتر بود. به طور کلی از این سهمیه تقریباً 60 درصد مخصوص خواهران دانشجویی برای اعتکاف در مسجد

دانشگاه قم و 40 درصد برای برادران دانشجو در مسجد مقدس جمکران اختصاص داده شده است.

مدیریت مراسم تا حدودی در اختیار دانشجویان بود و اکثر خدام معتکفین نیز از دانشجویان علاقه‌مند و داوطلب انتخاب شده بودند.

روز اول اعتکاف سیزدهم رجب

صبح روز اول اعتکاف، در مسجد دانشگاه قم سکوت کاملی حکم فرما بود؛ عده‌ی خیلی مشغول تلاوت قرآن و نماز بودند، با توجه به نزدیکی ایام امتحانات پایان ترم نیز عده‌ای مشغول مطالعه دروس خود. در گوشه‌ای از مسجد برگه‌های ختم قرآن برای هدیه به روح پاک و مطهر امیرالمؤمنین × پخش می‌شود. حدود ساعت ده صبح با پخش زمزمه (مهدی یا) از بلندگوهای مسجد، معتکفین کم‌کم از خواب بیدار می‌شوند. مسؤول فرهنگی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری (مدظله)، برنامه‌های فرهنگی را اعلام می‌کند. بعد از سخنان ایشان جلسه‌های معرفت با موضوع سلوک معنوی، عرفان‌های نو ظهور، تفسیر دعای مکارم الاخلاق و مباحث آزاد همزمان با هم برگزار می‌شود و معتکفین بر اساس علاقه خود در این حلقه‌ها شرکت می‌کنند. نماز ظهر و عصر به امامت حجّت الاسلام آخوند زاده برگزار می‌شود.

بعد از ظهر نشست مشاوره‌ای ازدواج در قالب حلقه‌های معرفت برگزار شد. به جز حلقه مشتاق و متراکم پیرامون خانم دکتر حسینی - با توجه به سکوت نسبی حکم فرما در مسجد - بقیه‌ی حاضرانی که در حال استراحت نبودند، کم و بیش گوش می‌کردند. از موضوعات مهم نشست، بحث خواستگاری‌های رسمی و غیررسمی و تفکیک جنسیتی در دانشگاه بود که به صورت پرسش و پاسخ گروهی برگزار شد. بعد از اتمام این نشست مشاوره‌ی فردی به مدت دو ساعت برگزار شد. ویژه برنامه‌ی افطار شامل پخش مناجات امیرالمؤمنین و اقامه‌ی نماز مغرب و عشا به امامت حجّت الاسلام و المسلمین آخوند زاده بود. بعد از نماز نیز دعای فرج و

زیارت رجبیه به صورت دسته جمعی برگزار شد. نکته‌ی قابل توجه در این بین، سرعت و تعجیل امام جماعت در اقامه‌ی نماز مغرب و عشا نسبت به نماز صبح و ظهر و عصر بود.

به مناسبت میلاد با سعادت امیرمؤمنان علی [×]، مراسم سخنرانی با حضور حجت الاسلام و المسلمین فرحزاد برگزار شد. ایشان ضمن پرداختن به شخصیت بزرگوار امام علی [×] بر قرائت چهارده مرتبه حدیث کسا و دوازده هزار مرتبه ذکر یا علی مدد به صورت دسته جمعی، برای برآورده شدن حاجات مادی و معنوی تأکید کرد.

روز دوم اعتکاف چهاردهم رجب

حدود ساعت ده صبح، با پخش زمزمه مهدی بیا، معتکفین کم کم از خواب بیدار شدند. مسؤول واحد پاسخگویی به سؤالات شرعی، احکام وضو و غسل را بیان کرد. حلقه‌های معرفت مانند روز قبل در چهار گروه قبلی ادامه پیدا کرد؛ با این تفاوت که حلقه‌ی تفسیر سوره‌ی حمد جایگزین حلقه‌ی تفسیر دعای مکارم الاخلاق شده بود. بعد از اقامه نماز ظهر و عصر، حدود ساعت دو بعد از ظهر، خدمه‌ی مسجد با همکاری خدّام افتخاری و تعدادی از معتکفین داو طلب، مشغول نظافت مسجد شدند. به مناسبت نزدیک شدن به شب وفات حضرت زینب [ؓ] خدّام، مسجد را برای مراسم عزاداری آماده می کردند و در جلوی محراب پارچه‌های سیاه می زدند. اکثریت خدّام و تعدادی از معتکفین با توجه به نزدیک شدن شب وفات، لباس‌های خود را به رنگ سیاه تغییر دادند.

نشست مشاوره‌ای ازدواج و مشاوره‌ی فردی باحضور خانم دکتر حسینی برگزار شد. به واسطه‌ی درخواست مکرر معتکفین، قرائت حدیث شریف کسا به صورت دسته جمعی انجام شد. در ادامه برنامه، ختم صلوات و ختم قرآن در جلوی مسجد با حضور تعدادی از معتکفین برگزار شد. ویژه برنامه‌ی افطار شامل پخش دعای مجیر، زیارت آل یاسین و تواشیح الاسماء الحسنی بود. بعد از صرف افطار، به مناسبت

وفات حضرت زینب، مداح اهل بیت، حاج مجید بنی فاطمه، به قرائت دعای توسل و روضه خوانی پرداخت. با توجه به این که به احیای شب نیمه‌ی رجب بسیار سفارش شده، تعدادی از معتکفین آن شب را تا سحر به عبادت و راز و نیاز پرداختند.

روز سوم اعتکاف پانزدهم رجب

برنامه روز آخر اعتکاف با دو روز قبل متفاوت بود. حجت الاسلام والمسلمین ماندگاری به ایراد سخنرانی پرداخت و در ضمن سخنرانی داستان تولد مقدس اردبیلی را بیان کرد که شور و تأثیر خاصی را در بین معتکفین برانگیخت. یکی از خدام فرهنگی، از معتکفین برای تزئین درب خروجی و آمادگی برای برنامه بدرقه دعوت به همکاری کرد.

بعد از اقامه نماز ظهر و عصر، اجرای مراسم اعمال ام داوود با حضور دو قاری بین المللی آغاز شد. این مراسم تا حدود ساعت شش عصر ادامه داشت. در اثنای این مراسم بعضی از معتکفین وقتی خسته می‌شدند، استراحت می‌کردند. حتی در گوشه و کنار مسجد معتکفینی بودند که از فرط خستگی در حالی که قرآن به دست بودند خوابشان برده بود. یکی از معتکفین در هنگام مراسم در حالی که مقداری گندم در دست داشت به اطرافیانش می‌گفت: هر سوره را که می‌خوانی به یکی از این گندم‌ها فوت می‌کنی، در حالی که به حاجت خود فکر می‌کنی، اگر بعداً همه گندم‌ها را بر پشت بام بریزی ان شاء الله که حاجت روا خواهی شد.

با حضور حجت السلام والمسلمین آخوند زاده و سرکار خانم فراهانی از برندگان مسابقات حفظ قرآن و دل‌گویه با خدا و امام زمان تقدیر و تشکر شد و هدایایی به رسم یادبود از طرف نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دانشگاه قم به آنها اهدا شد. خانم فراهانی از طرف همه خدام فرهنگی و اجرایی اعتکاف حلالیت طلبید، وی همچنین به نیابت از نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری (مد ظله) از همه‌ی

خدام و همچنین معتکفینی که در طول این سه روز نهایت همکاری را داشتند، تقدیر و تشکر کرد. در ادامه برنامه یکی از خدام بیانیه اعتکاف دانشجویی را قرائت کرد. صحیفه سجاده و کتاب احکام بانوان به رسم یادبود بین همه معتکفین پخش شد. مراسم «وداع با اعتکاف» نیز با حضور مداح اهل بیت در میان شور و حال خاص معتکفین برگزار شد. بعد از اقامه آخرین نماز مغرب و عشا، مراسم بدرقه معتکفین آغاز شد. در قسمت خروجی مسجد، درحالی که یکی از خدام معتکفین را از زیر قرآن کریم بدرقه می کرد؛ آنها افطاری بسته بندی شده خود به همراه یک شاخه گل از یکی دیگر از خدام دریافت می کردند. معتکفین در حالی که با دوستان خود خداحافظی می کردند و برای اعتکاف سال آینده قرار می گذاشتند؛ به آغوش گرم خانواده های خود که با دسته گل های زیبا به استقبال آنها آمده بودند، می رفتند.

4. یافته های تحقیق

1-4- معنا کاوی آشکار مناسک

مصاحبه شوندگان در اعتکاف دانشجویی دانشگاه قم، به طور میانگین در سن بیست و سه سالگی بودند. کوچکترین معتکف 18 ساله، دانش آموز پیش دانشگاهی و بزرگترین معتکف 38 ساله، پزشک افتخاری این مراسم بود. چهار نفر از شرکت کنندگان فارغ التحصیل مقطع کارشناسی بودند و از این میان دو نفر از آنها فارغ التحصیل دورشته دانشگاهی بودند. پزشک افتخاری اعتکاف نیز فارغ التحصیل دکترای علوم پزشکی بود. ده نفر از معتکفین دانشجوی مقطع کارشناسی و چهار نفر دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد بودند. دو نفر نیز دانش آموز بودند. سیزده نفر از شرکت کنندگان از دانشجویان یا فارغ التحصیلان رشته های علوم انسانی، سه نفر از رشته های فنی و مهندسی، دو نفر از رشته های علوم پزشکی و یک نفر از رشته هنر بود. از نظر دانشگاه محل تحصیل، 9 نفر از معتکفین از دانشگاه پیام نور استان قم، چهار نفر از دانشگاه علمی کاربردی، سه نفر از دانشگاه قم، یک نفر از دانشگاه

پردیس قم، یک نفر دانشگاه باقر العلوم قم و یک نفر دانشگاه شریعتی تهران بودند. در این میان شانزده نفر از معتکفین بومی استان قم و 5 نفر ساکن استان‌های دیگر بودند.

برداشت و تعریف اعتکاف از دیدگاه دانشجویان معتکف حول دو محور زمان و مکان دور می‌زند. آقاییگی دانش آموز پیش دانشگاهی است که در آستانه کنکور سراسری قرار دارد او می‌گوید: به نظر من اعتکاف یک مسافرت کوتاه مدت به درون خود آدم است، همیشه فکر می‌کنیم مسافرت یعنی اینکه حتماً باید جای خاصی رفت، اما در اعتکاف آدم می‌تواند با خودش خلوت کند، به نظر من اعتکاف سه روز نیست بلکه یک عمر است.

سجادی با تأکید بر بعد زمانی اعتکاف گفت: ... همین قضیه که می‌گویند گناهان آدم پاک می‌شود، انگار از مادر متولد می‌شود، خلاصه یک شروع دوباره‌ای است برای زندگی، انگار یک جورایی اعتکاف باز گشت دوباره به خداست...

در خصوص انگیزه‌های شرکت کنندگان، رنجبریان دانشجوی فلسفه و کلام اسلامی گفت: فکر کردم انسان نیاز دارد که چند روز را برای خودش باشد، برای خودش وقت بگذارد و برای خودش خلوت داشته باشد. انسان باید ببیند اساساً برای چه به مسجد آمده و در اعتکاف شرکت کرده، گمشده‌ی من کیست و آنچه می‌خواهم چیست، به این نتیجه رسیدم که در واقع دلم برای خودم تنگ شده است. دلم می‌خواهد یک ذره خودم را پیدا کنم، گمشده‌ی انسان در وهله اول خود اوست. احساس کردم که انسان احتیاج به نیرو دارد و برای زندگی در این دنیا احتیاج به قدرت دارد، این اعتکاف این قدرت را به انسان می‌دهد که یک انرژی و قدرتی در حل مشکلات و مسایل زندگی داشته باشد.

خانم دکتر مرادی پزشک افتخاری اعتکاف، با اشاره به دستاوردهای اعتکاف گفت: در اعتکاف، قفل‌هایی که به خاطر روزمرگی‌ها و دغدغه‌ها به روح انسان زده

می‌شود، جلوی بازاندیشی و آزاداندیشی آدم را می‌گیرند، [اینها] به خاطر خلوت با خودت و خدا باز می‌شوند...، اینکه شما یک بازیابی از خودتان انجام می‌دهید و نمی‌گذارید شخصیتتان در لابه‌لای کشمکش‌های زندگی خرد شود، دوباره می‌توانید باز سازی کنید، گاهی در طول زندگی، افکار و اعتقاداتتان و ایمانتان مورد هجوم قرار می‌گیرد. حربه‌های شیطان که می‌خواهد روح شما را قطعه قطعه کند قسم خورده‌ای که از چپ و راست و از پشت و جلو می‌خواهد به انسان حمله کند، همین دغدغه‌های شغلی و خانوادگی و معمول، اینها حربه‌های شیطان است، برای قطعه کردن و متشت کردن روحتان و اعتکاف مکان مناسبی برای بازیابی خودتان است.

حاجی رحیمی دانشجوی رشته معماری در این مورد گفت: اعتکاف فقط نماز و صلوات نیست، بلکه آمدن و آزاد شدن ذهن است، این که به فکر آینده باشیم، کی بودیم و چی هستیم، چه چیزهایی را از دست دادیم و چه می‌خواهیم به دست آوریم... به خاطر همین، آدم با به فکر بودن در این شب‌ها یاد می‌گیرد که به خودش بیاید، به خودش و اطرافیانش فکر کند، فکر کند به این که چه چیزی یاد می‌گیرد و چه چیزی می‌خواهد، به فکر توشه آخرتش باشد و این که آن دنیا اهمیت بسزایی دارد و باید به فکر آن دنیا هم باشیم... چون واقعاً آدم یک تحولی برایش ایجاد می‌شود و وقتی بچه‌های دیگر کردار و رفتار و برخورد ما را می‌بینند، حتماً رویشان تأثیر می‌گذارد.

حسنى فارغ‌التحصیل رشته الهیات گفت: از نظر بعد ارتباط با دیگران و مراعات حال دیگران کردن را در اینجا خوب می‌فهمیم؛ زیرا در اینجا شرایط طوری است که جا کم هست، جا تنگ است، وسایل جا به جا می‌شود مثل مفاتیح، اما همه با هم با لبخند و روحیه و خوب برخورد می‌کنند و این مراعات حال دیگران و ارتباط با دیگران برقرار کردن در اینجا خوب اجرا می‌شود؛ حتی کسانی که روابط عمومی قوی ندارند، اینجا برخوردها عوض می‌شود، می‌گویند و می‌خندند و جو خوبی

درباره کمک کردن به دیگران وجود دارد و نیز رعایت کردن حال دیگران...

کریمی دانشجوی مدیریت بازرگانی، شاغل در یکی مراکز خدمات پیشخوان دولت می گوید: هدف از ارتباط با دیگران، آشنایی و صحبت کردن با دیگران است. بعد اینکه یک چیز از دوست یاد بگیری یک چیز خوب، من دوست دارم با کسی که ارتباط برقرار می کنم، کسی باشد که دست آدم را بگیرد و کمک کند و در لغزش ها و خطاهایی که انسان انجام می دهد مواظب انسان باشد، من به این گونه دوست پیدا کردن خیلی علاقه دارم.

2-4. معناوی کاوی پنهان

در این قسمت به بررسی پدیده ی اعتکاف از نگاه مشارکت کنندگان در اعتکاف دانشجویی دانشگاه قم می پردازیم. با توجه به سؤالات مطرح شده در مصاحبه ها که پیرامون چهار محور طراحی شده بودند، پاسخ های داده شده را نیز به چهار گروه تقسیم کردیم تا بتوان به طور جزئی تر پدیده ی اعتکاف را از منظر مشارکت کنندگان بررسی نمود و نوع نگاه آنها به این پدیده را دریافت.

1-2-4. انگیزه و چرایی حضور افراد در اعتکاف

اعتکاف یک مراسم دینی است که در طول سال فقط یکبار و به مدت سه روز انجام می پذیرد، بر این اساس از آن دسته فعالیت های دینی شمرده می شود که مشارکت کنندگان، بر حسب عادت و یا رفع تکلیف به سراغ آن نمی آیند. دیدن شوق و ذوق عموم مشارکت کنندگان هنگام ثبت نام و انجام مقدمات آن و نیز در طول برگزاری مراسم و صحنه های پایانی مراسم علاوه بر اخلاص و نیت های پاک، دلالت بر وجود امور مهمتری دارد که انگیزه ها و اشتیاق افراد را برای شرکت در مراسم دو چندان می کند. شناخت این انگیزه ها اولین گام در پدیدار شناسی اعتکاف به شمار می رود و زوایای پنهان این پدیده را به تصویر می کشد؛ چرا که در پس رفتار ها و اعمال انسان دلالت هایی وجود دارد، که با دستیابی و بررسی آنها می توان به نوع نگاه و نگرش

افراد به آن پدیده رسید. این انگیزه‌ها به دودسته تقسیم می‌شود:

الف) انگیزه‌های درونی

1. نیاز به آرامش روحی و رسیدن به آن و دور شدن از محیط ناآرام زندگی؛
2. خلوت با خدا (ارتباط با خدا)؛
3. تفکر به خود و خودسازی و در نتیجه خودیابی؛
4. حس کنجکاوی؛
5. رشد معنوی؛
6. احساس نیاز؛
7. تخلیه روانی؛
8. پاک شدن از گناهان؛
9. تجربه‌ی مثبت قلبی؛
10. عشق الهی.

ب) انگیزه‌های بیرونی

1. پیشنهاد دوستان و همراهی با آنها؛
2. لطف الهی و هدایت او و خواست او؛
3. خانواده و اطرافیان؛
4. موقعیت شغلی؛
5. حضور در جو معنوی؛
6. خدمت به دیگران؛
7. نهادینه شدن دین در درون افراد.

همانگونه که مشاهده می‌شود، بخشی از انگیزه‌های شرکت‌کنندگان درونی و شخصی است و بخشی بیرونی و غیر شخصی؛ که با توجه به میزان فراوانی و تکرار آنها برخی بیشتر و برخی کمتر مد نظر بوده است. از مهمترین دل‌مشغولی‌های انسان،

رفع نیازهایی است که در زندگی با آنها روبه‌رو می‌شود، به صورتی که می‌توان گفت بیشتر وقت و سرمایه‌ی انسان صرف رفع نیازهایش می‌شود. از جمله‌ی آنها نیازهای معنوی انسان است که به آرامش روحی و روانی منجر می‌شود. آن نیازها، انگیزه‌ی بسیار قوی‌ای برای حضور در مراسمی مثل اعتکاف است که در بین مراسم‌ها و آیین‌های اسلام از ظرفیت بالایی برای ایجاد آرامش در انسان برخوردار است. این مسأله در مصاحبه‌ها به وضوح دیده می‌شود و رسیدن به آرامش و تخلیه‌ی روحی و روانی از انگیزه‌هایی است که اکثر مشارکت‌کنندگان به آن اشاره کردند. توجه به خود و نگاهی به درون که در قالب‌های خودسازی و یا خودیابی مطرح شده است، از دیگر انگیزه‌های مهمی بوده که بخشی از معتکفین به آن اشاره داشتند. از سوی دیگر نکته‌ی مهمی که از لابلای گفته‌های معتکفین به دست می‌آید، این است که اعتکاف بستری را برای خلوت کردن با خدا فراهم می‌سازد و انسان می‌تواند با او ارتباط برقرار نماید. عموم افراد بر این نکته تأکید داشتند که چون اعتکاف از ظرفیت ایجاد خلوت برای خدا برخوردار است به اینجا آمده‌اند و این امر در آیین‌های دیگر کمتر به دست می‌آید. با توجه به این که در انجام آیین‌ها در مراسم‌های دینی، مسأله در خواست و عرض حاجت و نیازها به درگاه الهی مطرح می‌شود و به طور طبیعی افراد خواسته‌های دنیایی و اخروی خود را مطرح می‌کنند؛ اما نکته‌ای که در مصاحبه‌ها به چشم می‌خورد بیان این امر از سوی معتکفین بود که اعتکاف برای حاجت گرفتن نیست، گویا بین مراسم اعتکاف با سایر مراسم‌ها تفاوت در این مسأله وجود دارد. به نظر می‌رسد معتکفین بر این باوراند که اعتکاف و حضور سه روزه صرفاً برای خداست و تقویت رابطه و نزدیکی هر چه بیشتر با او، این مراسم نوعی حضور در محضر دوست و تمرین با او بودن است تا چیزهای دیگر. از سوی دیگر از مهم‌ترین انگیزه‌های بیرونی و غیر شخصی برای حضور در اعتکاف، همراهی با جمع دوستان و مشارکت دسته جمعی بوده است. افراد معمولاً

تجربه‌های مفید و مؤثری را که در اعتکاف‌های قبلی به دست آورده‌اند، با دوستان خود در میان گذاشته و آنها را به شرکت در اعتکاف تشویق کرده بودند.

2-2-4. نگاه معتکفین به اعتکاف

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در نگاه معتکفین پدیده اعتکاف را به سه شکل کلی می‌توان تعریف کرد؛ در نگاه اول، اعتکاف مراسمی معنوی و روح افزا تلقی می‌شود و ویژگی‌های متفاوتی در آن مشاهده می‌شود، در واقع کارکردهایی که این مراسم برای شرکت‌کنندگان فراهم می‌کند، آن را به مراسمی ویژه تبدیل می‌کند که موجب تحکیم هنجارها و ارزش‌های اساسی می‌شود و نیازهای معین افراد و جامعه را برطرف می‌سازد. کلود ریویر در کتاب درآمدی بر انسان‌شناسی برای دین که بنا به تعریف گیرتز نظامی از نمادهاست، به سه کارکرد اصلی آن یعنی سازمان دهنده‌گی و ایجاد نظم، ایمنی دهنده و انسجام دهنده‌گی اشاره می‌کند، بر این اساس اعتکاف هم در زمان مشخص و برنامه‌های معین، هم ایجاد آرامش در افراد، و هم تحکیم پیوندهای میان افراد از هر سه کارکرد برخوردار است. بر همین اساس در این مراسم، معتکف با تجدید عهد کردن با خدا، از گناهان خویش توبه کرده و با فاصله گرفتن از زشتی‌ها، خوبی‌ها را آموخته و در یک کلام به معشوق خود نزدیکتر می‌شود. در این صورت اعتکاف هدیه‌ای از جانب خدا به انسان تلقی می‌شود.

در نگرشی جامعه‌شناسانه، اعتکاف را می‌توان به جامعه‌ای کوچک تشبیه کرد که تمامی عناصر موجود در جامعه اصلی نیز در آن - جامعه کوچک معتکفین - دیده می‌شود. آنها با فرهنگ‌های گوناگون و قومیت‌های مختلف در کنار هم جمع می‌شوند و با هم به تعامل می‌پردازند. در این تعامل تلاش بر این است که با یکدیگر آشنا شده و آداب و رسوم و اخلاق دیگران را مشاهده و بررسی نمایند که این می‌تواند در تغییر نگرش‌ها، پیش‌داوری‌ها و... تاثیر داشته باشد.

در دید برخی از مصاحبه‌شوندگان، اعتکاف فرآیندی مکانی و زمانی است. بدین

صورت که اعتکاف را محیط و مکانی برای برقراری ارتباط با خدا و انس با او می‌دانند. در عین حال اعتکاف یک فرصت و زمان کوتاه برای خلوت با خداوند در نظر گرفته می‌شود و با تشبیه آن به سفر، سفری به درون خود است که در آن انسان تنها به خدا می‌اندیشد و فکرش از سایر امور آزاد می‌گردد و فرصتی برای تأمل در خود، بازنگری و بازسازی خویشتن فراهم می‌شود.

3-2-4. تأثیرات اعتکاف

اعتکاف دستاوردهایی برای انسان به ارمغان می‌آورد و اثرات فراوانی در جنبه‌های مختلف برای او ایجاد می‌کند که این امر مورد اتفاق همه مصاحبه‌شوندگان بود و آنها بر مفید و مؤثر بودن آن در تمامی شئون زندگی تأکید داشتند. برخی از ابعاد و دستاوردهای اعتکاف عبارت‌اند از:

1-3-2-4. بعد گرایش‌ها و تمایلات

ایجاد آرامش روانی از طریق ارتباط برقرار کردن با خدا، احساس نزدیکی بیشتر به او، رشد حالات روحی و روانی در انسان و نیز احساس پیوند عاطفی با دیگر شرکت‌کنندگان در اعتکاف مشاهده می‌شود.

2-3-2-4. بعد شناختی و معرفتی

خداشناسی، خودشناسی و شناخت دیگران، و در کل تفکر کردن و اندیشیدن از پیامدهای مهم اعتکاف در بعد معرفتی به شمار می‌رود.

3-3-2-4. بعد رفتاری

از مهمترین تأثیرات اعتکاف، تغییر و بهبود بخشی رفتارها و اعمال افراد است. از نکاتی مهمی که از سوی معتکفین به آنها اشاره شد مسأله جبران گذشته توسط اعمال و رفتارهای پسندیده و نیز تحول یافتن و بهتر شدن رفتارها در همه زمینه‌هاست. با تغییر و تحول رفتار در جهت مثبت فرد در نهایت به کسب رضایت الهی نائل شده و ایمان، امید و توکل به خدا در او افزایش می‌یابد.

4-2-3-4. بعد آموزشی

یادگیری و آموختن دانش‌ها و فراگیری تجربه‌های دیگران در طول اعتکاف می‌تواند کمک مؤثری در بالا بردن سطح دانش و آموخته‌ها، مخصوصاً در زمینه‌های معنوی داشته باشد و طبعاً با درک بهتر از شرایط فردی، می‌توان به برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تر در طول سال در امور مختلف از جمله امور معنوی دست یافت و دستاوردهای اعتکاف را حفظ نمود.

4-2-3-5. بعد اجتماعی

حضور در یک جمع، خود به خود مسائل مربوط به جامعه و اجتماع افراد را به میان می‌کشد. بر همین اساس در جمع اعتکاف دانشجویی، مسایل مرتبط با جامعه‌ی دانشجویی و دغدغه‌های آنان مطرح می‌گردد. از دستاوردهای اعتکاف در این بعد می‌توان به آماده‌سازی و مصونیت در برابر تهاجم فرهنگی اشاره کرد. اعتکاف به نوعی برای افراد، شرایطی را فراهم می‌سازد که در برابر توطئه‌های فرهنگی و دینی و شبهات، آمادگی و مصونیت یابند. از سوی دیگر با برقراری ارتباط با دیگران در اعتکاف و پیوند با آنها به تحکیم پایه‌های اجتماعی بر مبنای ارزش‌های دینی و ایجاد جمعی همگون نزدیک می‌شوند. که در صورت تداوم و برنامه‌ریزی مناسب، کم‌کم هسته‌های قوی و مقاوم در برابر هجوم دینی و فرهنگی و با دغدغه‌های مشترک در زمینه ایجاد جامعه سالم و هم‌سو با ارزش‌های دینی فراهم می‌شود.

4-2-4. ارتباط با دیگران در اعتکاف

در اعتکاف، فرد معتکف به منظور انجام یک مراسم عبادی سه روزه راهی خلوتگاهی می‌شود که او را برای چند روزی از فضای شلوغ و پر از دغدغه و با روابط اجتماعی گسترده و توأم با نوعی سرگشتگی دور می‌سازد و در مکانی آرام و فارغ از آنچه که در زندگی روزمره و در محیط‌های اجتماعی گوناگون، انسان را در بر گرفته و عرصه را بر او تنگ کرده و به تعبیری «فرصت سرخاراندن» باقی نگذاشته، به عبادت و نیایش پردازد و فرصتی کوتاه به فرد بدهد تا با خدایش و

خودش دیداری داشته باشد و دریابد که خالقی مهربان و رفیقی دوست داشتنی و نیز «خودی» زیبا دارد که می‌بایست با آنها خلوتی سازنده داشت.

بر این اساس در اعتکاف نباید مانند غیر اعتکاف به مسایلی غیر از خود و خدا پرداخت و حال آنکه اسلام دینی است که در بیشتر دستورات و برنامه‌هایش، غیر از جنبه فردی و شخصیتی به جنبه‌های اجتماعی اهمیت تام و برابر با جنبه فردی می‌دهد. این مسأله در پاسخ‌هایی که معتکفین در خصوص لزوم ارتباط با دیگران در اعتکاف گفته‌اند، به خوبی دیده می‌شود. تقریباً نظر اکثریت مصاحبه‌شوندگان آن است که اعتکاف پدیده‌ای است که علاوه بر جنبه فردی، جنبه اجتماعی هم دارد، و داشتن روابط با دیگران در آن ضروری است. هر چند که در کم و کیف آن و گستره و شدت آن دیدگاه‌هایی بعضاً متفاوت ارایه شده است. نکات زیر که از محتوای مصاحبه‌ها استخراج شده است، در روشن‌تر شدن این امر به ما یاری می‌رساند:

1-4-2-4. ساخت روابط و نوع آن در اعتکاف

روابط اجتماعی بین معتکفین راحت و صمیمی است و ماهیت پیچیده‌ای ندارد. افراد خود را باهم تطبیق می‌دهند و وظایف را بین خود تقسیم می‌کنند. نکته دیگر آنکه این ساخت، عمودی و از بالا نیست و از زیر دست و بالا دست خبری نیست بلکه روابط از الگوی ساخت افقی پیروی دارد که بنا به تعریف افراد در چنین ساختی با یکدیگر روابط صمیمی و دوستانه‌ای پیدا می‌کنند و در جهت اهداف مطرح شده بدون چشم‌داشتی با جان و دل تلاش می‌کنند (رفیع پور، 1377، 75). باتوجه به این نکته می‌توان ماهیت روابط در اعتکاف را شبیه ماهیت روابط در جبهه‌های جنگ و راهیان نور دانست که روابط براساس تقوا، برادری و نیز همبستگی بود.* در پاسخ برخی از مصاحبه‌شوندگان به این سؤال که هدف‌های ارتباط در اعتکاف چیست؛ برقراری ارتباط با هدف کمک به یکدیگر، به هم نزدیک‌تر شدن، مشارکت در

*. یکی از مصاحبه‌کنندگان اعتکاف را مانند راهیان نور می‌دانست که هر دو برنامه‌هایی هستند که افراد در آن باهم همسو و صمیمی و یکدل می‌باشند.

امور مربوط به اعتکاف و نیز تشبیه افراد به یک خانواده شنیده شد؛ البته ذکر این نکته هم لازم است که مهم ترین جنبه ارتباط در اعتکاف ارتباط انسان با خداست که در مصاحبه به آن اشاره شده است. از آنجا که این نوع رابطه در بحث اهداف اعتکاف بیان شده در اینجا به جنبه ارتباطات بین انسانی، پرداخته شده است.

2-4-2. ارتباط گسترده و دامنه ارتباط

علی رغم آنکه در تصور اولیه، رابطه با خدا هدف اصلی و اولیه اعتکاف است؛ اکثر پاسخ دهندگان بر لزوم ارتباط با دیگران تأکید داشتند و آن را ضروری می دانستند. هر چند که گستره این ارتباط و مزایای آن کم و از نظر زمانی کوتاه مدت است و تبعاً تداوم نمی یابد، زیرا افراد تلاش دارند که بخش بیشتر وقت خود را صرف عبادت و نیایش نمایند. به هر حال ارتباط اجتماعی هر چند کم دامنه و کوتاه مدت باشد در امر ارضای نیازها تأثیر دارد. بر این اساس است که ارتباط برقرار کردن در اعتکاف را مثبت تلقی کرده و آن را حتی نوعی سرگرمی و گذران اوقات فراغت دانستند. البته نکته ای که موجب احتیاط برخی در برقراری ارتباط گسترده می شد آن بود که ارتباطات نباید به اصل برنامه های اعتکاف صدمه بزنند.

3-4-2. شدت روابط

منظور از شدت روابط، احساس دوری و نزدیکی افراد نسبت به هم یا احساس پیوند قوی در روابط افراد است. این امر در کارهای جامعه شناسانی مثل دور کیم اهمیت زیادی دارد* (رفیع پور، 1377: 78). در اعتکاف روابط افراد بسیار نزدیک است، خصوصاً که اعتکاف جنبه دینی و مذهبی دارد و شرکت کنندگان نیز از خود و دیگران تصویر فرد مذهبی و مؤمن دارند و بر اساس آموزه های دینی، مؤمنان با هم

* . دور کیم در مطالعاتش درباره خودکشی به این نتیجه رسید که هر قدر شدت روابط بین افراد بیشتر باشد احتمال خودکشی کمتر است.

برادرند و این امر در رفتارهای آنها و احساس نزدیکی بین آنها و نیز پیوندهای قوی و محکم نمود دارد. در گفته‌های برخی از معتکفین دیده می‌شود که این پیوند نزدیک می‌تواند آنها را در بهره‌گیری از امور معنوی و افزایش «حال معنوی» کمک کند و حس معنوی را بالا ببرد.

4-4-2. اهداف ارتباط

اهداف و مقاصد زیادی برای ارتباط با دیگران از سوی مشارکت کنندگان در اعتکاف بیان شد که عبارت‌اند از یادگیری و بهره‌بردن از تجربیات دیگران، فهم دغدغه‌های دیگران، تقسیم خوبی‌ها و مهربانی در جمع، تحکیم پیوندها و عدم جدایی و دسته‌دسته شدن، بحث و گفتگو با دیگران در زمینه‌های مختلف علمی و غیر علمی، کمک به یکدیگر و مراقبت از هم، آشنایی با فرهنگ‌های مختلف و اخلاق و معیارهای گوناگون دیگران.

5. اثر بخشی در ارتباطات میان فردی

اثر بخشی ارتباطات میان فردی شامل دو بعد است؛ بعد عمل گرایانه که متوجه دستاوردها و موفقیت رسیدن به اهداف ارتباط گیرندگان است و بعد دوم، خشنودی افراد در کنش ارتباطی آنهاست که از این ارتباط لذت و شعف برای آنها حاصل می‌شود (فرهنگی، 1388: 111-112). پس یک ارتباط میان فردی موفق آن است که هم به اهداف و دستاوردهای مد نظر برسد و هم آن ارتباط لذتبخش و رضایت آفرین باشد. دکتر علی اکبر فرهنگی در کتاب ارتباطات انسانی مدلی درخصوص نقش پنج ویژگی ارتباطات میان فردی در محیط اجتماعی را، ترسیم کرده است که به صورت زیر است (فرهنگی، 1388: 113) که در ادامه به بررسی عملکرد آنها در ارتباطات میان فردی در اعتکاف می‌پردازیم.

ویژگی اول، در ارتباطات میان فردی گشودگی است که به معنی آن است که در ارتباطات بین فردی، افراد بایست اطلاعاتی را درباره خود به دیگری بدهند که در

گسترش ارتباط میان آنها مفید باشد و آن را تسهیل کند و صادقانه در برخورد با دیگری نظرات خود را بیان دارند (فرهنگی، 1388، 114). این نکته در گفتگوهای انجام شده به شکل‌های مختلف ابراز شد:

در ارتباط با دیگران نسبت به آنها شناخت پیدا می‌کنیم؛ با مسایل آنها آشنا می‌شویم؛ از نظرات یکدیگر آگاه می‌شویم، که گستره این مسایل می‌تواند به مسال روز و مطرح شدن شبهات نیز بیانجامد. از سوی دیگر با فرهنگ‌های مختلف و آداب و رسوم و اخلاقیات دیگران نیز آشنا می‌شویم.

ویژگی دوم همدلی و درک کردن احساس دیگران در ارتباطات میان فردی است. در واقع همدلی به معنای ایجاد احساس مشترک با یکدیگر و رسیدن به یگانگی در احساس است. برای دستیابی به همدلی بایست از ارزیابی و قضاوت درباره رفتار دیگری پرهیز کرد. در مرحله دوم بایست احساسات و عواطفش را درک کرد و در وهله سوم باید کوشید تجربیاتی را که فرد به آن دست یافته، تجربه کرد (فرهنگی، 1388، 117). به باور معتکفین، اعتکاف در ایجاد همدلی و ایجاد حس مشترک در بین افراد مؤثر است. از هم جدا نشدن و همه با هم یکی بودن؛ تقسیم خوبی‌ها و مهربانی‌ها با هم؛ مناجات‌های هماهنگ و در افطاری‌ها با هم بودن می‌تواند از جلوه‌های همدلی و احساس مشترک باشد. به بیان یکی از معتکفین در این زمینه فهم دغدغه‌های دیگران و فهمیدن اینکه تنها من نیستم که به خدا گرایش دارم و یا اینکه تنها من نیستم که عبادت می‌کنم و... به نوعی به همدلی در همه مراحل آن اشاره دارد.

حمایتگری به عنوان ویژگی سوم؛ یک رابطه میان فردی مؤثر و قابل اتکا رابطه‌ای است که در یک فضای حمایت‌گرانه شکل گرفته باشد. در آن فضا شرکت‌کنندگان بایست در فرایند ارتباطی احساس کنند که به آنها اهمیت داده می‌شود و سخنان و کردار آنها تأیید می‌شود و از آنها حمایت به عمل می‌آید تا

اینکه در خود، گشودگی ایجاد کنند و رابطه با دیگران شکل گرفته و تقویت شود (فرهنگی، 1388: 118). برای انجام چنین حالتی توجه به چند امر مهم لازم است: اول، سکوت بستری مناسب برای ایجاد فضای حمایت گرانه ارتباطی است، چراکه از آن به عنوان محملی برای القای مفاهیم و پیام‌های غیر کلامی استفاده می‌شود که در اعتکاف سکوت کردن و تفکر کردن و در خود فرو رفتن امری کاملاً واضح و روشن است. برخی از مصاحبه شوندگان وجود این ویژگی در اعتکاف دانشجویی را نسبت به سایر اعتکاف‌ها علت حضور خود در اعتکاف دانشجویی بیان داشتند. نقش «حال معنوی دیگران» در ایجاد حال و هوای معنوی در دیگران به وضوح در گفتار شرکت کنندگان مشاهده می‌شود.

دوم آن که از عوامل مؤثر در ایجاد فضای حمایت گرانه در ارتباطات می‌توان از تساوی با دیگران یاد کرد؛ که در آن فرد خود را از نظر رفتاری و پایگاه اجتماعی در ردیف دیگران قرار داده و از تظاهر به خود برتری پرهیزد. معتکفین در مصاحبه‌های خود به خوبی این را در قالب جملاتی مثل خود را ندیدن، توجه به دیگران، یکسان بودن همگان با هم و... بیان می‌داشتند. از نظر رفتاری هم در رفتار همه آنان چنین حالتی دیده می‌شود.

مثبت‌گرایی به عنوان ویژگی چهارم نیز در ایجاد ارتباط میان فردی مؤثر نقش زیادی دارد، مثبت‌گرایی حداقل به جنبه مثبت‌پنداری در مورد خویشتن، انتقال احساس خود به دیگران و مشاهده تمایل و اشتیاق دیگران برای برقراری ارتباط تکیه دارد (فرهنگی، 1388: 119). هر سه مورد در اعتکاف کنندگان به وضوح مشاهده می‌شود؛ علاوه بر آن که در مصاحبه‌ها هم به آنها اشاره شده است. آنها بیان می‌داشتند که حضور آنها در جمع معتکفین به طور ارادی نبوده بلکه توفیق الهی شامل حال آنها شده است و از سوی خداوند برای حضور در این جمع انتخاب شده‌اند، که به خوبی، مثبت‌پنداری را به نمایش می‌گذارد. تلاش برای انتقال حالات

معنوی به دیگران و یا بهره بردن از حالات معنوی دیگران جنبه دوم را متبلور می‌سازد؛ و نهایتاً اینکه می‌توان گفت همگان در ارتباط برقرار کردن با دیگران مشتاق و فعال بودند که این امر را از کمک کردن به دیگران، احترام قائل شدن برای آنها، آنها را مانند خانواده و یا همسایگان خود تلقی کردن و تقسیم خوبی‌ها و مهربانی‌ها با یکدیگر می‌توان به خوبی دریافت.

تساوی به عنوان آخرین ویژگی مؤثر در ارتباطات میان فردی به این مساله اشاره دارد که از آنجا که افراد باهم متمایزاند و در زمینه‌های مختلفی مثل هوش، زیبایی، ثروت، قدرت و... با هم مساوی نیستند، با این همه؛ ارتباطات میان فردی زمانی مؤثر است که فضای حاکم نزدیک به تساوی باشد. برای ایجاد فضای تساوی در ارتباطات میان فردی می‌بایست سعی شود به نقاط مشترک که نوعی تساوی است بیشتر تأکید شود (فرهنگی، 1388: 120). در مراسم‌های دینی خصوصاً نوع جمعی آن معمولاً شرایط و فضای تساوی وجود دارد که این امر در نمازهای جماعت، حج و... به وضوح دیده می‌شود. اعتکاف هم از جمله همین برنامه‌هاست که در آن فضای تساوی برقرار شده است. در اعتکاف دانشجویی به دلیل ماهیت آن که همگان دانشجو هستند فضای تساوی برای ارتباطات میان فردی بهتر و بیشتر فراهم است. به این نکته در مصاحبه‌ها تأکید می‌شد که از علل انتخاب اعتکاف دانشجویی آن است که در این فضا می‌توان راحت تر ارتباط برقرار کرد.

نتیجه‌گیری

اعتکاف علی‌رغم آنکه در نگاه ابتدایی امری صرفاً عبادی به نظر می‌آید و حداکثر در جهت رابطه انسان - خدا کارآیی دارد. در نگاهی موشکافانه پدیده‌ای است که در یک فرایند ارتباطی، هر سه نوع رابطه انسان - خدا، انسان - خود و انسان - دیگران را پوشش می‌دهد.

علاوه بر آن، پدیده اعتکاف در ارتباطات میان فردی اثر بخش است و موجب بهتر شدن ارتباطات میان فردی می‌شود. این اثر بخشی زمانی افزایش می‌یابد که بین اعضا در فرآیند ارتباطات میان فردی، با یکدیگر تشابه وجود داشته باشد. بسیاری از محققین برآنند که هر اندازه این تشابه بیشتر باشد و ویژگی‌های مشابه بیشتری با هم داشته باشند ارتباط راحت و سهل‌تر برقرار می‌گردد. ویژگی‌هایی از قبیل گشودگی، همدلی، حمایتگری، مثبت‌گرایی و تساوی که در اعتکاف وجود دارند در شکل‌گیری ارتباطات میان فردی اثر بخش نقش اصلی دارند.

منابع

1. بشیر، حسین، امامی، سید مجید، نگاهی نو به روش مصاحبه در پژوهش‌های اجتماعی.
2. حسینی، سید جواد، اعتکاف تقویت سه رابطه، فصلنامه مبلغان، تیر و مرداد 1387، شماره 105.
3. خان محمدی، کریم، بررسی پدیدار شناختی پدیده چنار خون بار الموت قزوین، فصلنامه شیعه شناسی، 1388، شماره 26.
4. رفیع پور، فرامرز، آناتومی جامعه، تهران، شرکت سهامی انتشار، 1377.
5. ریویر، کلود، درآمدی بر انسان شناسی، ترجمه ناصر فکوهی، تهران، 1385.
6. فرهنگی، علی اکبر، ارتباطات انسانی، تهران، انتشارات رسا، 1388.
7. محمد پور، احمد، ضد روش (منطق و طرح در روش شناسی کیفی) جلد اول، تهران، انتشارات جامعه شناسان، 1389.
8. محمدی، بیوک، درآمدی بر روش تحقیق کیفی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1387.
9. وفا، جعفر، اسرار و آداب اعتکاف، فصلنامه پیام، تابستان 1388، شماره 95.

ضمیمه 1)

سؤالات مصاحبه :

محور اول : انگیزه‌ها و اهداف

علت شرکت شما در اعتکاف چیست؟

آیا تبلیغات دستگا‌های تبلیغاتی در انتخاب شما موثر بوده است؟

چرا اعتکاف دانشجویی را انتخاب کردید؟

آیا بازهم در اعتکاف شرکت می‌کنید؟ حتی اگر به آن چه که می‌خواستید نرسیدید؟

محور دوم : نگاه به اعتکاف

تعریف و برداشت شما از این مراسم چیست؟

آیا اعتکاف عبادت فردی است یا اجتماعی؟

ویژگی‌های اعتکاف چیست؟

محور سوم : دستاورد های اعتکاف

مهم ترین پیامد و دستاورد اعتکاف چیست؟

چگونه این دستاورد ها را میتوان حفظ کرد؟

میزان تاثیر اعتکاف در رفتارها و نگاه شما به زندگی چیست؟

آیا اعتکاف میتواند در برابر تهاجم فرهنگی مصونیت ایجاد کند؟

محور چهارم: ارتباطات میان فردی

آیا در اعتکاف با دیگران ارتباط برقرار می‌کنید؟

هدف شما از ارتباط با دیگران چیست؟

آیا در جمع ها و نشست های گروهی شرکت می کنید؟

آیا ارتباط با دیگران موجب از دست رفتن وقت عبادت نمی شود؟

اعتکاف و معنویت گرایی مدرن



محمد کاظم کریمی

چکیده

پاسخ به نیازهای درونی و معنوی انسان، از دغدغه‌های مهم جوامع بشری در عصر جدید است و از گذشته‌های دور گزینه‌های مختلفی برای تأمین این نیازها در میان جوامع و ملل مختلف مرسوم و متداول بوده است. در دوره معاصر، متأثر از خلأ معنوی ناشی از انقلاب صنعتی و گسترش مدرنیته، اقبال به معنویت گرایی وجه گوناگونی پیدا کرد است و موضوع معنویت‌های کاذب که نشان از بی هویتی و بی مبنایی انسان در جامعه مدرن است نیز در همین فضا مطرح و عده‌ای را به سمت خود کشانده است. در برابر این گرایش، اسلام برنامه‌های منطقی و موجهی برای تأمین نیازهای معنوی انسان در نظر گرفته است که در صیقلی دادن روح انسان و رشد و کمال آن نقش مهمی به عهده دارند و در آن عبادت و ارتباط با معبود واقعی رکن اصلی است. اعتکاف در زمره برنامه‌ها و عبادت‌هایی است که از طریق آن افراد به روش صحیح شرعی، به خلوت و ارتباط با معبود همت گمارده و به این وسیله حس کمال جویی، پرستش و خداجویی را در خود پرورش داده و به نیازهای معنوی‌شان پاسخ مثبت می‌دهند.

واژگان کلیدی

اعتکاف، معنویت، سیر و سلوک، معنویت کاذب، معنویت مدرن، معنویت اعتکاف، مبنای اعتکاف.

مقدمه

پرستش امری نهادینه در وجود آدمی است و معنویت، نیاز درونی انسان که منبعث از روح پرستش اوست و پیام آوران الهی با الهام از همین زمینه‌های گرایشی فطری در وجود انسان‌ها به ابلاغ دعوت خداوند مبادرت ورزیده‌اند. با وجود این، انسان‌ها به دلایل گوناگون کم و بیش در شناخت و گرایش به معبود حقیقی دچار تزلزل شده و اسباب انحراف آنها فراهم گردیده است. امروزه انسان‌های سرگشته در بی‌هویتی دنیای مدرن به دنبال ملجأ و پناهگاهی حصین برای یافتن گمشده وجود خویش‌اند تا از طریق آن عطش وجودی خود را تسکین داده و آمال خود را تحقق بخشند. پیشنهاد نظام سرمایه‌داری غرب برای درمان این سرگشتگی، معنویت‌های کاذب است. اوشو، سای بابا، عرفان سرخ پوستی و مانند آن که ارمغان‌های دنیای شرق و غرب برای جبران ناتوانی‌های خود در رشد و تعالی انسان مدرن هستند، به دلیل خالی بودن از محتوا و نداشتن مبنای نظری متصل به غیب، دیر یا زود پیروان سرگردان خود را با انبوهی از ابهام و سؤال رها خواهند کرد. این در حالی است که اسلام رشد و کمال انسان را در گروه برنامه‌های معنوی مبتنی بر آموزه‌های دینی دانسته و معتقد است، کام تشنه انسان مدرن تنها بر چشمه‌سار عرفان ناب و متصل به غیب که توسط فرستادگان الهی معرفی گردیده است امکان سیرابی خواهد داشت.

اعتکاف برترین گزینه منتخب اولیای دین برای راز و نیاز و خلوت با محبوب است که در فراسوی مشکلات و مسایل پیچیده زندگی ماشینی عصر جدید، فرصتی برای خلوت، تفکر، درددل، عبادت و توجه به خالق خوبی‌ها در اختیار بشر قرار می‌دهد تا چند شبانه روز را به دور از دغدغه‌های زندگی روزمره سپری نموده و از طریق خلوت و ارتباط با معبود، زنگارهای ناشی از فشارها، استرس‌ها و آلودگی‌های زندگی مدرن را زدوده و با خاطری آرام و ذخیره‌ای از معنویت، واجد نگاهی نو به زندگی شود.

چیستی معنویت

انسان متشکل از دو بعد روحانی و جسمانی است؛ جسم انسان برای بقا نیاز به خوراک، پوشاک و مراقبت دارد و روح نیز که اسباب کمال و سعادت انسان را فراهم می‌سازد، نیازمند توجه و مراقبت خاص است. گرایش به معنویت، مسیری برای پاکیزگی، تصفیه، حفظ و مراقبت روح است و از آن جا که این گرایش برآمده از نیازهای درونی و حقیقی انسان است از گذشته تاکنون کم و بیش مورد توجه ادیان و ملت‌ها بوده و بویژه در ادیان مختلف لایه‌هایی از آن به صورت آشکار و پنهان وجود داشته است. برای نمونه دین بودایی، ریاضت‌های سختی برای نیرومند سازی روح توصیه کرده است. (انوری، ج 7، ص 6872) و دین مسیحیت ترک دنیا و دوری جستن از تنعمات آن را که به «رهبانیت» شهرت یافته، مورد تأکید قرار داده است (همان، ج 4، ص 3760).

مفهوم «معنویت» مصدر جعلی از کلمه «معنوی» است. (معین، ج 4، ص 4245) معنوی منسوب به «معنی»، به معنای مقصود و مراد، در برابر مادی، ظاهری و صوری است و در معانی دیگری مانند حقیقی، باطنی و روحانی نیز استعمال می‌شود و در اصطلاح به شخصی که در عالم معنی و باطن سیر می‌کند، اطلاق گردد (همان، ص 4244) این مفهوم در لاتین معادل spirituality است که از اسم spirit به معنی روح، روان، دل و ذهن اخذ شده است (حق شناس، ص 1641).

معنویت‌گرایی به معنای خاص، امروزه در سطح جهانی به عنوان یک پدیده نوظهور، ذهن و اندیشه برنامه‌ریزان اجتماعی را به خود مشغول ساخته و انواع و اقسام مختلفی از اعمال به ظاهر معنوی در میان اقشار مختلف جوامع شرقی و غربی رواج یافته است که حتی بخش عمده‌ای از آن اسباب راه‌اندازی دکان‌های بزرگی در سطح بین‌المللی است. بدیهی است این امر ناشی از وجود تشنگی در زمینه معنویت است و روشن است که انسان تشنه اگر به آب گل آلود هم دسترسی پیدا کرد از آن استفاده می‌کند.

از این رو باید گفت معنویت به دو بخش دینی و انسانی قابل تقسیم است. معنویت‌های انسانی ساخته دست انسان‌ها و فاقد پشتوانه‌های دینی و نظری هستند و متأسفانه امروزه به صورت چشمگیری رو به گسترش‌اند اما معنویت دینی، معنویتی است که متخذ از دین حق باشد و بر سفره عرفان ناب به فعلیت رسیده باشد. خداخواهی، عشق و پرستش، کمال طلبی و گرایش به معنویت همه از تعالیم دینی است که ریشه در فطرت انسانی دارد. انسان از درون خویش احساس می‌کند که به معنویت و قرب به خدا نیاز دارد و هنگامی هویت خویش را باز می‌یابد که رابطه‌ای عمیق و عاشقانه‌ای با خداوند برقرار کرده باشد.

در سنت اسلامی، دستیابی به معنویت از مسیر و مجرای عرفان حقیقی میسر است. عرفان عبارت است از شناخت باطن عالم از طریق کشف و شهود، و کشف و شهود نیز با ابزار سیر و سلوک حاصل می‌شود و به دو بخش عرفان نظری و عرفان عملی تقسیم می‌گردد. عرفان نظری تبیین عقلانی کشف و شهود و عرفان عملی نیز همان سیر و سلوک است (کریمی، 1392، ص 74-75). بر این اساس، اگر عرفان از مسیر صحیح و مبتنی بر دین حق به دست آید، عرفان حقیقی و معنویت اصیل خواهد بود، و در صورتی که از مسیر غیر دینی یا مبتنی بر دین محرف باشد، به عرفان غیر حقیقی و معنویت کاذب منجر می‌شود (همان، ص 76).

در فرهنگ شیعی به طور خاص، درون مایه‌های بزرگی در زمینه معنویت وجود دارد و نموده‌های آن در گفتار و آثار عارفان و شاعران مشهور به گونه‌های مختلف تجلی و عینیت یافته، به گونه‌ای که نه تنها در حوزه‌های روابط اجتماعی و فردی، بلکه در حوزه‌های بین المللی نیز می‌توانند ظرفیت بزرگی ایجاد کنند؛ بویژه اگر این درون مایه‌ها، متصل به اهل بیت عصمت و طهارت^۱ که اعلام التقی و مصایح الدجی (مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره) هستند، بشوند؛ می‌توانند تأثیر معنوی عمیق‌تری از خود بر جای بگذارند.

اسباب و ابزار معنویت

کسب معنویت از راه‌های گوناگون و با ابزار و وسایل مختلف قابل حصول است. یکی از طرق اطمینان بخش برای تحقق معنویت صادق، گام نهادن در مسیری است که مورد توصیه و تأکید عارفان حقیقی و به حق پیوستگان باشد که از آن به سیر و سلوک تعبیر می‌شود. تجسم واقعی چنین معنویتی در بیان شهید مطهری، وجود مقدس امام زین العابدین $\times$ است چون به خاطر خوفی که از خداوند داشت وقتی به نماز می‌ایستاد، گویا اصلاً روح از کالبدشان بیرون می‌رفت و از این جهت او را باید قهرمان معنویت به معنی صحیح آن دانست. (مطهری، ج 18، ص 31).

خواجه نصیرالدین طوسی & در کتاب اوصاف الاشراف، احوال و اسباب سیر و سلوک را در شش مرحله بیان کرده است: «لا ریب أنّ من نظر الی جوده و احواله علم أنه محتاج الی غیره و کلّ محتاج الی غیره فهو ناقص فی نفسه و اذا علم نقصان نفسه انبعث فی باطنه شوق ای کماله یدعوه الی طلبه فیحتاج فی ذلک الطلب الی حرکه تسمّیها اهل الطریقه السلوک و کل من رغب فی هذه الحرکه یلزمه سته اشیاء...» (طوسی، ص 31).

هر کسی با نظر در وجود خود متوجه احتیاج خود به غیر می‌شود و هر محتاج به غیری، ناقص است، به این سبب، در درونش شوقی به سوی کمال برانگیخته می‌شود که او را به سوی طلب آن سوق می‌دهد. در این صورت، برای این طلب، نیاز به حرکتی است که اهل طریقت آن را سلوک گویند و خواهان آن باید به شش چیز ملتزم باشد. وی در ادامه ضمن بیان مراحل این سیر، به شرح و بسط متعلقات هر کدام پرداخته و هر یک را دارای شش جزء دانسته که سالکان طریق حقیقت معنویت برای رسیدن به مقام قرب الهی می‌بایست نسبت به رعایت آنها همت گمارند:

1. شروع حرکت؛ شامل ایمان، ثبات، نیت، صدق، انابه و اخلاص؛
2. دفع موانع حرکت؛ شامل توبه، زهد، فقر، ریاضت، محاسبه و تقوا؛
3. حرکت یا سیر و سلوک؛ شامل خلوت، تفکر، خوف، رجا، صبر و شکر؛

4. مسیر سلوک؛ شامل مراحل اراده، شوق، محبت، معرفت، یقین و سکون؛
5. آثار و نتایج سلوک؛ شامل توکل، رضا، تسلیم، توحید، اتحاد و وحدت؛
6. غایت سلوک؛ که فنای در توحید است. (همان، ص 31-33)

اسلام برای تقویت و گسترش معنویت در جامعه، دستورات و برنامه‌های گوناگونی را تعیین کرده است تا از آن طریق، ارتباط بندگان با خالق محفوظ بماند و زمینه برای ارتقا و سعادت معنوی آنها فراهم گردد. پای بندی به واجبات و انجام مستحبات در حد توان، نماز اول وقت و حتی الامکان به جماعت و در مسجد خواندن، انجام نوافل نمازها، قرائت قرآن، توسل و ارتباط با معصومین^۱ و زیارت ایشان؛ بویژه زیارت جامعه کبیره که ریشه‌های مودت و کرامت را مطرح می‌کند، استمداد از مقام ولایت به خصوص امام عصر^۲، دائم الوضو بودن و خواندن دعا، مناجات و اعتکاف در اماکن مقدس در زمره اموری است که ارتباط عبد و معبود را به شکل صحیح برقرار می‌کند و ارتقای معنویت در جامعه را به دنبال دارد و زمینه رشد و تعالی در دنیا و حسن عاقبت و سرافرازی در آخرت را فراهم می‌سازد.

پیشنهاد غرب

نظام سرمایه داری غرب، متکی بر رفاه مادی، جمع ثروت و آزادی مطلق است و معیارهای غیر مادی و معنوی در این نظام جایگاهی نداشته و مجال برای تعالی انسان از طریق معنویت اصیل در آن وجود ندارد. مع الوصف، به دلیل اذعان به نیازهای درونی انسان، اسباب تأمین این نیازها را از طریق رو آوردن به معنویت‌های منفعل و کنترل شده فراهم ساخته‌اند؛ معنویت‌هایی که فاقد بنیان دینی است و به جز ارضاهای کاذب، رهاوردی برای انسان ندارد. از این رو، گرایش به معنویت در غرب تنها محملی برای انحراف افکار عمومی از درک واقعیت‌های جامعه و سرپوشی برای غفلت از نیازهای واقعی و درونی از طریق ارضای ناصحیح روحی و روانی است. به این سبب، رواج و گسترش معنویت‌های تحریف شده غیر واقعی با عنوان جعلی «عرفان»، برنامه‌ای

حساب شده برای مدیریت نیازهای روحی و معنوی جامعه در غرب معاصر است و برای بسط و گسترش آنها سرمایه‌گذاری‌های کلانی نیز صورت می‌گیرد.

امروزه آن چه با عنوان عرفان‌های انحرافی یا معنویت‌های کاذب در غرب رایج است، به چهار دسته عمده تقسیم می‌شوند:

اول، معنویت‌های آمریکایی؛ مانند اکنکار (eckankar)، پست مدرن (TM) و عرفان سرخپوستی که از آمریکای لاتین وارد شده‌اند.

دوم، معنویت‌های شرقی، مانند تائوئیسم در چین و هندوئیسم در هند که اصلی‌ترین و قدیمی‌ترین معنویت‌های شرقی هستند و دست کم از قرن پنجم پیش از میلاد، متون و آموزه‌هایی دارند و امروزه با شکل‌های جدیدی وارد دنیای معاصر و بخصوص ایران شده‌اند. بعضی از اشکال این معنویت‌ها مثل اوشو، سای بابا، مهربابا، رام الله و گشنا نیز جدید هستند.

سوم، معنویت‌های فراوان شناختی؛ مثل NLP، طالع بینی و معنادرمانی. چهارم، معنویت‌های منبعث از ادیان دیگر مثل مسیحیت، زرتشت و یهود (کریمی: همان، 70 و 80-81). اشکال عمده تمام این معنویت‌ها آن است که منبع سیر و سلوک‌شان منبعث از دین الهی نیست و اگر هم از دین گرفته شده باشد از دین تحریف شده است.

اعتکاف؛ معنوبیتی ویژه

اعتکاف از ماده «عکف» در لغت به معنی مقیم شدن، ماندن و حبس در یک محل معین گرفته شده است (ابن منظور، ج 9، ص 255) و در اصطلاح فقهی گفته شده است: «هو اللبث فی المسجد بقصد التعبد به»؛ (امام خمینی، ج 1، ص 304) اعتکاف عبارت است از ماندن در مسجد به قصد عبادت. بر اساس این تعریف، منظور از ماندن در مسجد، فقط برای بندگی و عبودیت است و باید همراه با انجام اعمال و عبادات خاص باشد و صرف ماندن در مسجد کافی نیست. از این رو می‌توان گفت اعتکاف ماندن به طور خاص در مسجد برای عبادت به مدت حداقل

سه شبانه روز است که به طور مداوم و به قصد تقرب به خداوند طبق شرایط خاص انجام می گیرد. از شرایط صحت آن عقل، قصد قرب، ماندن حداقل سه روز در مسجد، روزه داری و خارج نشدن بدون عذر از مسجد است (امام خمینی، همان، ص 304-306).

اعتکاف در قرآن کریم نیز به طور خاص مورد اشاره واقع شده است و مشتقات آن 9 بار در قرآن آمد است. از جمله می فرماید: ﴿مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ﴾؛ (انبیا (21): 52) این تصویرها چیست که شما آنها را عبادت می کنید. و نیز فرمود: ﴿وَجَاوِزْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ﴾؛ (اعراف (7): 138) چون بنی اسرائیل را از دریا گذرانیدیم به قومی برخورد کردند که بت های خویش را پرستش می کردند. همچنین است: ﴿وَلَا تَبْشُرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ﴾؛ (بقره (2): 187) هنگامی که در مساجد معتکف هستید با زنانتان آمیزش نکنید.

به هر صورت، اعتکاف عبادتی مستحب است که جوهر آن خلوت گزیدن با معبود است و الزاماً باید با قصد تقرب انجام گیرد. بریدن از خود و خلق در فضایی آکنده از معنویت در جمع دلشدگان و مشتاقان حضرت دوست و به دور از دغدغه های دنیا و دنیا گرایان، از اختصاصات این عمل عبادی است. سیر معنوی از خلق به سوی حق به قصد بهره مندی از فیض وجود حضرت حق و مأمواف گرفتن در جوار حضرتش تا جلب رضایتش و راه یافتن به حریم امن و بارگاه لطف و کرمش تا با اندوخته ای گرانسنگ از امید سرشار به الطاف بیکرائش سیر خود از حق به سوی خلق را با نگاهی تازه به زندگی و هستی آغاز کند.

آن چه بر قدر اعتکاف می افزاید، فاصله گرفتن از همه تعلقات دنیوی و قطع ارتباط با خلق و ارتباط کامل با خالق است. ارتباطی که محصول آن گریز از لذایذ دنیوی، مهار خود محوری و برتری جوی، بازگشت به خویشستن خویش و حضور در

حریم معبود است و خانه تکانی دل، خودسازی، محاسبه نفس، توبه و نیایش، صیام و قیام و تلاوت قرآن و استمداد از آستان قدس ربوبی.

گرچه ترک دنیا و کناره‌گیری از مردم که در ادیان دیگر «رهبانیت» نام گرفته در اسلام مردود است، اما معتکف شدن در زمان و مکان معین به عنوان فرصتی برای بازگشت به خویش و خدای خویش و تربیت نفس سرکش تلقی شده است تا بندگان، فارغ از تعلقات زندگی مادی، ایامی با خدای خود خلوت کرده و جان و روح خود را در ارتباط با خالق هستی جلایی تازه بخشیده و از آن زنگارزدایی کنند. این فرصت شرایطی را فراهم می‌آورد تا معتکف با توشه‌ی معنوی و اعتقادی راسخ و امیدیه مضاعف، زندگی تازه‌ای آغاز کند و بیش از پیش خود را در محضر پروردگار احساس کرده و از نافرمانی او پرهیزد و در مسیر سعادت و کمال واقعی قرار دهد.

اعتکاف فرصتی است برای پاک ساختن دل از دل‌بستگی و وابستگی به دنیا و مظاهر آن. کناره‌گیری و دور شدن از تنعمات دنیا و کام‌جویی از لذت‌های آن؛ هر چند در مدت زمانی کوتاه و ممارستی برای دل‌کندن و عدم وابستگی به دنیا. به این سبب، امام صادق (ع) زیاده‌خواهی و طمع نسبت به دنیا را موجب خروج ایمان از دل دانسته و در برابر آن، چشم‌پوشی و خود‌نگهداری نسبت به وسوسه‌های دنیوی را باعث تحکیم و تثبیت ایمان در دل بیان کرده است.

به سخن خواجه شیراز:

ما درس سحر در ره میخانه نهادیم	محصول دعا در ره جانانه نهادیم
در خرمن صد زاهد عاقل زند آتش	این داغ که ما بر دل دیوانه نهادیم
چون می‌رود این کشتی سرگشته که آخر	جان در سر آن گوهر یک دانه نهادیم
در دل ندهم ره پس از این مهر بتان را	مهر لب او بر در این خانه نهادیم

ویژگی‌های اعتکاف

1. اعتکاف به معنی گوشه‌گیری و جدایی از جامعه نیست؛ و هر چند به ظاهر بریدن از بخشی از جامعه است، اما در واقع اتصال به بخش دیگری از آن برای لبیک‌گویی به دعوت معبود است؛
2. اعتکاف تنها خلوت‌گزینی نیست؛ بلکه تکلیف‌مدار است و باید علاوه بر خلوت‌گزینی، به اعمال و عبادات ویژه آن همت گمارد؛
3. اعتکاف فرار از مسئولیت نیست؛ بلکه افراد در حین اعتکاف نیز دارای مسئولیت اجتماعی هستند و برای اقامه شهادت، قضای حاجت مؤمن، عیادت بیمار و تشییع جنازه برادران دینی، شرکت در نماز جمعه و حتی بدرقه و استقبال مسافر مشروط به رعایت شرایط آن می‌توان از محل اعتکاف خارج شد (نوری، ج 7، ص 564 و امام خمینی، ج 1، ص 307).
4. اعتکاف زمان‌مند است و معتکف پس از خانه‌تکانی دل و گام نهادن در مسیر خودسازی در مدت زمان معین، به زندگی عادی بر می‌گردد تا اندوخته‌اش از این سفر معنوی، چراغ راه آینده‌اش باشد؛
5. اعتکاف دارای پویایی است و آثار و نتایج آن در وجود فرد آشکار می‌شود، جان تشنه انسان مشتاق را از معنویت سیراب می‌سازد و از این رهگذر، زمینه گسترش معنویت در جامعه نیز فراهم می‌گرداند.

بعد عبادی اعتکاف

عبادت و پرستش پل ارتباطی بنده با خداوند و یگانه راه تقویت ایمان و معرفت به اوست. اعتکاف که مستلزم دوری‌گزینی از مظاهر و تجلیات زندگی مادی و خلوت با معبود است ارزشمندترین موقعیت عبادت و بندگی خداوند را برای معتکف فراهم می‌آورد تا فارغ از دغدغه‌های زندگی روزمره، خالصانه‌ترین عبادت خود را به درگاه الهی تقدیم نماید. اعتکاف در هر زمانی که انسان بتواند حداقل سه روز در

مسجد بماند و به عبادت خداوند مشغول شود صحیح است و بهترین زمان برای آن، ماه مبارک رمضان و بخصوص دهه آخر آن است (حر عاملی، ج 10، ص 534). بر اساس مفاد آیات قرآن کریم، اعتکاف در زمره عباداتی است که در میان پیامبران و شرایع پیشین نیز وجود داشته و مطالعه تاریخ زندگی انبیای الهی، به این واقعیت دلالت دارد که آنان به اعتکاف توجه ویژه‌ای نشان می‌دادند. چنانکه که خداوند به حضرت ابراهیم × پس از بنیانگذاری کعبه دستور می‌دهد تا آن را برای طواف کنندگان و معتکفین آماده سازد: ﴿وَعَهْدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ الرُّكْعَ السَّجْدَ﴾؛ (بقره (2): 125) از ابراهیم و اسماعیل پیمان گرفتیم تا خانه خدا را برای طواف کنندگان، آنها که معتکف می‌شوند و نمازگزاران که رکوع و سجود می‌کنند پاک کنید.

در احوال حضرت موسی × و یارانش نیز میقات چهل روزه وی در کوه طور گزارش شده است که حکایت از نوعی خلوت‌گزینی و اعتکاف در محضر پروردگار دارد: ﴿وَوَاعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمِ مِيقَاتٍ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً﴾؛ (اعراف (7): 142) و با موسی سی شب وعده کردیم و آن را به ده شب دیگر کامل کردیم، و وعده پروردگارش چهل شب تمام شد. این دیدار چنان برای موسی × لذت بخش بود که خود را با شتاب و پیش از رسیدن اصحاب، به کوه طور رساند، به گونه‌ای که مورد خطاب خداوند قرار گرفت که چرا با شتاب و پیش از آمدن قومت آمدی؟ عرض کرد: ﴿وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَىٰ﴾؛ (طه (20): 83 و 84) خدایا برای جلب رضایت تو شتاب کردم.

مرحوم طبرسی در تفسیر شریف مجمع البیان درباره اعتکاف حضرت سلیمان × آورده است: «وَقِيلَ أَن سُلَيْمَانَ كَانَ يَعْتَكِفُ فِي مَسْجِدِ بَيْتِ الْمُقَدَّسِ السَّنَةَ وَالسَّنَتَيْنِ وَالشَّهْرَ وَالشَّهْرَيْنِ وَأَقَلُّ وَأَكْثَرُ يَدْخُلُ فِيهِ طَعَامَهُ وَشَرَابَهُ وَيَتَعَبَّدُ فِيهِ»؛ (طبرسی، ج 8، ص 600) گفته‌اند که حضرت سلیمان × یک سال و دو سال و یک ماه و

دوماه و کمتر و بیشتر در مسجد بیت المقدس اعتکاف می کرد و از آن خارج نمی شد و غذای او را از آب و خوراک، برایش به مسجد می بردند و او در آنجا مشغول به عبادت بود.

در ادامه این روایت آمده است که حتی مرگ حضرت سلیمان × نیز در همان جا و در حال اعتکاف اتفاق افتاد (همان، ص 601).

خداوند درباره حضرت مریم ÷ نیز می فرماید: ① **وَأَذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ اتَّخَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْفِيًّا فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا**؛ در این کتاب، مریم را یاد کن، آن زمان که در مکانی در طرف شرقی مسجد از کسان خود کناره گرفت، پس در مقابل آنان پرده ای آویخت. (مریم (19): 16 - 17).

علامه طباطبایی & با اشاره به کلمه «حجاب» در این آیات می گوید: «این کلمه به معنای هر چیزی است که چیزی را از غیر بپوشاند و از آن بر می آید که گویا مریم خود را از اهل خویش پوشیده داشت تا از آنها کناره گیرد و برای عبادت معتکف شود» (طباطبایی، ج 14، ص 34 و 35).

یکی از رایج ترین آداب و مناسک مسیحیان، رهبانیت به معنی خلوت نشینی، گوشه گیری و پرهیز از دنیا و پرداختن به عبادت است. قرآن کریم درباره این کار مسیحیان می فرماید: ② **وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ**؛ (حدید (57): 27) و در دل پیروانش (حضرت عیسی) رأفت، رحمت و رهبانیتی که خودشان بدعت نهاده بودند قرار دادیم و ما بر آنان واجب نکرده بودیم، اما منظور آنان هم جز رضای خدا نبود، اما آن طور که باید آن رهبانیت را رعایت نکردند و در نتیجه به کسانی که از ایشان ایمان آورده بودند، اجرشان را دادیم و بسیاری از ایشان فاسق شدند.

کلمه «رهبانیت» از ماده «رهب» به معنای خشیت و خوف است و عرفا بر این که

انسان به خاطر ترس از خدا رابطه‌اش را با مردم قطع کند تا به عبادت خدا بپردازد، اطلاق می‌شود (طباطبایی، ج 19، ص 173).

همان گونه که از این آیه کریمه استفاده می‌شود مسأله رهبانیت از تعالیم حضرت مسیح × نبوده - اگر چه زمینه پرهیز از دنیا و زهد‌گرایی در آیین آن حضرت وجود داشته - ولی گروهی از مسیحیان به خاطر رضای خدا به آن روی آوردند و قرآن کریم هم کار آنها را رد نکرده است، ولی آنان خودشان به این سنت پای بند نماندند.

همچنین رسول خدا ' پیش از بعثت هر سال چند ماه را در غار حرا اعتکاف می - کردند. در کتاب شریف کافی از حضرت صادق × در خصوص اعتکاف پیامبر خدا × ' نقل شده است که فرمود: «لَمْ يَزَلْ يَعْتَكِفُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ»؛ (کلینی، ج 4، ص 175) رسول خدا همواره دهه آخر ماه رمضان در حال اعتکاف بود . و نیز از آن حضرت نقل است: «رسول خدا ' چون دهه آخر ماه رمضان می‌شد، در مسجد اعتکاف می‌کرد و برایش خیمه‌ای از مو بر پا می‌کردند و آن حضرت کمرش را برای عبادت می‌بست و بستر خوابش را جمع می‌کرد». (کلینی، ج 4، ص 175).

فلسفه اعتکاف

بر خلاف معنویت‌های کاذب که فاقد مبنا بوده و ارمغان دنیای غرب هستند، اعتکاف دارای معنویتی صادق است و معیار صدق آن، ابتنائش بر مبانی معرفتی متخذ از دین حق است، این مبانی دارای ابعاد هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، روش‌شناسی، ارزش‌شناسی و غایت‌شناسی است که به اختصار مورد اشاره قرار می‌گیرند:

هستی‌شناسی

اعتکاف عالی‌ترین جلوه خدا‌باوری در وجود انسان متبلور است. در خلوتگاه

اعتکاف، معتکف هم ندا با سایر ملکوتیان و پرده نشینان سرادق قدس سر تعظیم بر آستان جانان و بارگان قدس ربوبی فرود می‌آورد و در جوار فرشتگان الهی و دوش به دوش دیگر بندگان مخلص، شب و روزهایی میمون و مبارک را در مکانی مقدس به مناجات و راز و نیاز می‌پردازد و با دل و زبان وجود خالق آسمان و زمین را که عظمت و کبرایی مختص اوست، گواهی می‌دهد و جز او را سزاوار تسبیح و تحمید نمی‌داند. از این رو، اعتکاف دارای هستی‌شناسی قدسی و توحیدی است و در همنوایی با سایر کائنات تجلی و عینیت می‌یابد.

معرفت شناسی

عبادت زمانی دارای قدر و اعتبار است که با معرفت عجین گردد و بدون آن چیزی بیشتر از حالت‌ها و حرکت‌های جسمانی نخواهد بود. معرفت به سالک بصیرتی اعطا می‌کند که با آن می‌توان راه را از بیراهه تشخیص داد. آن چه انسان را به سمت اعتکاف می‌کشاند معرفتی عمیق نسبت به جلال و جمال حق است؛ معرفتی که در سایه‌سار شریعت غنا یافته و به دل راه می‌یابد و اعضا و جوارح را با خود به حرکت در می‌آورد. به لحاظ معرفت‌شناسی، اعتکاف عبادتی متخذ از وحی است و از تأیید عقل بهره گرفته و بر سفره شهود بسط پیدا کرده است. شناختی شهودی که فراتر از توان فهم عقل ابزاری، معتکف را به مشاهده آثار معنویت و خلوص باطن در هستی و حیات خود رهنمون می‌سازد و چراغ هدایت او از سرگشتگی و تحیر است.

انسان شناسی

خداوند انسان را مرکب از روح و جسم خلق کرده است و هر یک دارای نیازهایی است که برای برطرف ساختن آنها مسیرهایی قرار داده شده است و همچنان که جسم انسان برای بقا نیاز به خوراک، پوشاک و مراقبت دارد، روح نیز برای رسیدن به کمال و سعادت نیازمند توجه و مراقبت است. اعتکاف کام‌عطشناک انسان سرگشته در دنیای مدرن را با معنویت ناب سیراب ساخته و به ساحل امن تصفیه روح

و پاکیزگی باطن هدایت می‌کند و یاری‌گر روح در طی مسیر سعادت، کمال و لقای الهی است. آثار وجودی این حرکت که در حیات فردی انسان اتفاق می‌افتد، الهام بخش قرار گرفتن جامعه انسانی در مسیر کمال تعالی خواهد بود.

روش شناسی

اعتکاف دارای روش شناسی ملهم از شریعت است و دو منبع کتاب و سنت در چارچوب بخشی و و روشمند ساختن اعتکاف ایفای نقش می‌کنند. معتکف حقیقت را از مسیر شریعت و با الهام از عقل و نقل به روش عرفانی جست و جو می‌کند و هر چند روش عرفانی مبتنی بر مشاهده قلبی است، اما عارف علاوه بر شهود، به برهان عقلی و آیات و روایات دینی نیز دل بسته است، زیرا شهود عرفانی نیازمند منطق و ملاک صدق است و این مهم را از طریق مطابقت با قرآن، گفتار معصومین^۱ و عقل تأمین می‌کند. شهود عارفانه باعث می‌شود انسان به مرور حضور خدای متعال را در سراسر هستی و در درون خود حس کند و خویش را در محضر او ببیند و در هنگام عبادت ارتباط بسیار عمیق و سازنده‌ای با او برقرار نماید.

ارزش شناسی

کمال طلبی، خداخواهی، عشق، پرستش و گرایش به معنویت ارزش‌هایی برآمده از فطرت انسانی و نیاز درونی اوست و اعتکاف عالی‌ترین نمود معنویت و قرب به خداست که انسان را در تحقق حیات طیبه و جامه عمل پوشاندن به این ارزش‌ها مدد می‌رساند. برقراری رابطه‌ای عمیق و عاشقانه با خداوند در قالب اعتکاف، به انسان هویتی دوباره بخشیده و او را برای درک فضایل و دوری جستن از رذایل مهیا می‌سازد.

غایت شناسی

اعتکاف بر باورمندی به معاد استوار گشته و جلب رضای الهی قرب به درگاه ربوبی

هدف غایی آن است. اتصال به عامل قدس و خلوص باطن که از مسیر دعا، نیایش و راز و نیاز با معبود بی همتا حاصل می‌شود، فرجام نیکی برای این عبادت رقم می‌زند. مع الوصف آثار فردی و اجتماعی اعتکاف مانند تقویت اراده، معاشرت با مومنان، انس با معنویات و یاد خداوند و نیز آثار اخروی آن از جمله بخشش گناهان، جلب رضایت پروردگار و امید به رحمت او، افق این عبادت را تابناک می‌سازد.

امام صادق × رسیدن به مقام قرب ربوبی را اساس و حقیقت عبودیت بیان کرده و می‌فرماید: «العبودية جوهر کنهها الربوبية»؛ (مصباح الشریعه، ص 7) عبودیت گوهری است که ذات و حقیقت آن ربوبیت است. و در تفسیر آن، منظور از آن را دست برداشتن از همه علایق و صرف کردن آنها در راه خدا دانسته که اسباب آن بازداشتن نفس از خواهش‌ها و واداشتن آن به اموری است که موافق میل او نیست و کلید این امر، ترک راحت طلبی و اختیار، عزلت و کناره‌گیری از معاشرت دیگران و پی بردن به این است که وجود او سراپا محتاج به خداوند متعال است و هر خواسته‌ای داشته باشد باید تنها از او بخواهد. (همان، ص 7)

به تعبیر شیخ بهایی &:

رفتم به در صومعه عابد و زاهد دیدم همه را پیش رخت راکع و ساجد
در میکده رهبانم و در صومعه عابد گه معتکف دیرم و گه ساکن مسجد
یعنی که تو را می‌طلبم خانه بخانه

نتیجه‌گیری

بر خلاف معنویت‌های ساختگی عصر مدرن که به دلیل خالی بودن از مبنای معرفتی ملهم از شریعت، انسان را در کمال بی‌هویتی و سرگشتگی رها می‌سازند، اعتکاف به دلیل برخورداری از مبانی معرفتی ملهم از منابع دین حق، به حیات فردی و اجتماعی انسان معنایی دوباره بخشیده و خلأ معنوی عصر مدرن را به روش صحیح پر می‌کند. اعتکاف عبادتی در جامعه است و به هیچ روی معتکف را به خمودی، خفتگی و

انزوا نمی‌کشاند، بلکه دارای پویایی است و با توجه به تأثیری که بر وجود و زندگی فرد بر جا می‌گذارد، به تدریج آثار معنوی آن جامعه را نیز با خود همراه می‌سازد و شیوع عام پیدا می‌کند. عبادتی به منظور سیراب ساختن جان و دل انسان تشنه معنویت و عرفان که مبتنی بر مبانی دین حق است و در مکتب شریعت پربار گشته و نه تنها بدان توصیه شده، که انبیای الهی خود پیشگام این عرصه بودند.

اعتکاف عبادتی است که نه به صورت کاذب و غیر واقعی، بلکه به صورت حقیقی و از مسیر صحیح به نیاز فرد و جامعه امروز پاسخ می‌دهد و او را در دستیابی به اهداف والای انسانی یار می‌دهد.

اعتکاف تکلیف مدار است، نه سرگرمی و تفریح؛ تکلیفی حاکی از ارتباط عبد و معبود و دلبستگی و دلدادگی که موجب سربلندی در برابر معبود بوده و معنابخشی به زندگی را به ارمغان می‌آورد.

منابع

1. قرآن مجید.
2. مفاتیح الجنان.
3. دیوان حافظ.
4. امام صادق[×]، جعفر بن محمد، مصباح الشریعه، چاپ اول، اعلمی، بیروت، 1400 ق.
5. امام خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، 2 ج، چاپ اول، موسسه دارالعلم، قم، بی تا.
6. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، 8 جلدی، چاپ اول، انتشارات سخن، تهران، 1381.
7. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، 30 ج، چاپ اول، موسسه آل البيت[^]، قم، 1409 ق..
8. حق شناس، علی محمد و دیگران، فرهنگ هزاره، دو جلدی، چاپ هفتم، فرهنگ معاصر، تهران، 1386.
9. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، 20 ج، چاپ پنجم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1417 ق.
10. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، با مقدمه محمد جواد بلاغی، 10 ج، چاپ سوم، ناصر خسرو، تهران، 1372.
11. طوسی، نصیرالدین محمد، اوصاف الاشراف، ترجمه رکن الدین علی جرجانی، کتابفروشی اسلامیة، تهران، بی تا.

12. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الکافی، 8ج، چاپ چهارم، دارا کتب الإسلامیه، تهران، 1407 قم.
13. کریمی، محمد کاظم، روحانیت و اقتضائات جامعه معاصر، چاپ اول، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، 1392.
14. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری، مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری، 27ج، انتشارات صدرا، تهران، 1380.
15. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چهار جلدی، چاپ نهم، امیر کبیر، تهران، 1375.
16. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، 28 ج، چاپ اول، موسسه آل البيت ^، قم، 1408 ق.

آثار فردی و اجتماعی اعتکاف



فاطمه مزیدی شرف آبادی

چکیده

سنت حسنه اعتکاف یکی از برنامه‌های عبادی دین مبین اسلام است که آثار و برکات فراوانی به صورت فردی و اجتماعی به دنبال دارد .

انسانی که درگیر روزمرگی شده و در پی برآوردن خواسته‌های شهوانی و مادی خود است، گرفتار پدیده‌ای به نام غفلت شود که با شرکت در این مراسم عبادی و خلوت چند روزه با خود می‌تواند خود را از آن رها کند و به توبه و بازگشت دست پیدا کند و با توجه و تضرع به درگاه احدیت جایگاه ویژه‌ای را برای خود رقم بزند.

همچنین با کنترل نفس و تقویت اراده می‌تواند به حضور قلب دست یابد و عنایات ویژه الهی را دریافت نماید. انسانی که مدام در حال ذکر و یاد خداوند باشد خدا هم او را یاد می‌کند و باعث می‌شود که فرد به آرامش روحی و روانی برسد.

هدف برپایی مراسمی چون اعتکاف که از شعائر اسلام است و حتماً باید به صورت علنی برگزار گردد - تا از شرایط عبادت برخوردار شود - این است که جوانان را برای حضور در مسجد و پرداختن به عبادت بی‌ریا و خود سازی تشویق کند. جوانان با حضور در اعتکاف با افراد خاص و مؤمن رابطه برقرار کرده و از

بعضی جرائم و بزهکاری‌هایی که در جامعه انجام می‌شود دور می‌شوند و می‌توانند مسیر درست را از نادرست تشخیص دهند.

واژگان کلیدی

اعتکاف، اعتقاد، درجات معنوی، مشکلات روحی، عنایات خداوند، آبادی
مساجد، تهاجم فرهنگی

مقدمه

دین اسلام دین جامع و کاملی است که برای سعادت و تکامل انسان وضع شده است. اسلام با برنامه‌های اعتقادی و مذهبی همچون برپا داشتن مراسم مذهبی و شعائر دینی، به تبیین و تبلیغ ارزش‌های دینی و انتقال آن به نسل جوان تاثیر اهتمام دارد. یکی از این مراسم عبادی و شعائر، برپایی سنت حسنه اعتکاف است.

در واقع انسان با حضور در اعتکاف و انجام اعمال و افعال عبادی این سنت حسنه، که به صورت جمعی صورت می‌پذیرد، با دعا، نماز، تضرع و توبه و انابه، توجه خداوند را به خود جلب نموده و با حضور قلب در مسیر رسیدن به شهود و یقین قرار می‌گیرد، چنان که نسبت به دنیا و مادیات بی رغبت شده و در پی کسب عنایات الهی برمی‌آید.

همچنین برپایی چنین مراسمی در مساجد باعث آشنایی جوانان با مسجد شده و رفت و آمد در این مکان مقدس، انتخاب دوستانی مناسب و مؤمن و شایسته را به دنبال خواهد داشت.

اهمیت و ضرورت تحقیق

انسان در جامعه‌ی امروز به هرکاری دست می‌زند تا بتواند به بهترین امکانات برای آسایش و آرامش برسد و این در حالی است که به هیچ چیز قانع نمی‌شود و شعله‌های زیادی خواهی‌اش زبانه می‌کشد. اگر انسان به شناخت خود برسد و هدف از آفرینش خود را در یابد آرامش و راحتی روح خود را در عبادت و رسیدن به لقای خداوند می‌یابد که این می‌تواند در خلوت چند روزه با اعمال و افعال خاصی که دارد صورت بگیرد و تلنگری برای درست ادامه دادن راه و حرکت به سوی رستگاری باشد.

سنت حسنه اعتکاف یکی از مراسم های جمعی عبادی است که فرد در خلوت چند روزه با رعایت حدود و ثغوری می‌تواند به خود شناسی و خود سازی دست

یابد و لذا اگر افراد جامعه بخصوص جوانان با این پدیده که از شعائر اسلام است آشنا شوند و از نتایج و بهره ها و برکات آن اطلاع پیدا کنند ، با حضور خود در این مراسم جلوی بسیاری از انحرافات و جرم ها و انتقال فرهنگ های بیگانه در بین آنها گرفته می شود .

بررسی مفهوم اعتکاف

شرط اصلی رسیدن به عبودیت بیداری و توبه و انابه است . گریه زمانی ارزشمند است که انسان را از انانیت در آورده و او را به سوی بارگاه احدیت عروج دهد .
مهمترین لحظات زندگی زمانی می تواند باشد که انسان به عبادت خالصانه بپردازد، یکی از این زمان ها که انسان می تواند در جمع به عبادت فردی بپردازد حضور در اعتکاف است که بهترین فرصت برای پرش از سکوی منزل توبه می باشد.

توبه یعنی اعتراف به نقایص وجودی خود ، محدودیت ها و خالق بی نظیر همچون الله ، که رحمانیت او شامل بندگان خواهد شد . پس حضور در اعتکاف و پرداختن به این عمل عبادی چیزی جز اعتراف در پیش خداوند متعال نیست . انسانی که در فرازو نشیب های زندگی مادی در حرکت است ، با بهره گیری از این سنت الهی می تواند از علایق مادی خود کاسته و خود را در اختیار پروردگار متعال قرار دهد .

حضور در مسجد به مدت سه روز ، گرفتن روزه ، برپایی نماز و دعا و نیایش از اعمال و افعال این فریضه عبادی است و حدود و ثغوری هم دارد که باید رعایت شود از جمله منع نزدیکی و ملاعبه با همسر ، خرید و فروش غیر ضروری ، استمنا ، بوییدن عطر و گیاهان خوشبو به قصد لذت ، بحث و مجادله به منظور اظهار فضل .

مفهوم اعتکاف در لغت

اعْتَكَفَ يَعْتَكِفُ اعتكافاً في المكان : در آن مکان ماند و از آن بیرون نرفت^۱ و نیز اعتكاف از ماده عكوف به معنای روی آوردن و گرایش به چیزی یا کاری همراه با کوشش و بزرگداشت می باشد^۲ و بیان شده ، توجه و روی آوردن به چیزی با همراهی و احترام و بزرگداشت آن.^۳

مفهوم اعتکاف در اصطلاح

اعتکاف عبارت است از ماندن در مسجد برای عبادت خداوند با شرایط خاص^۴ و همچنین عملی عبادی است که معتکف باید دست کم سه روز ، با روزه گرفتن در مسجد جامع که در آن نماز جماعت معتبر اقامه می شود، بماند و جز برای ضرورت از آنجا بیرون نرود و همچنین باید در این مدت از گناه خودداری کند و به طاعت و عبادت به سر برد.^۵ و بیان شده : اعتکاف به معنای اقامت گذریدن در جایی است به طوری که فرد معتکف خود را محبوس و ملتزم به آن مکان بداند و این التزام ناشی از اهمیت و عظمت آن مواضع باشد^۶ و نیز گفته شده : اعتکاف ماندن مخصوص برای عبادت است ، خواه آن عبادت متعارف باشد یا نه ، و اگر قصد ماندن کند ،

1. لوئیس معطوف ، مترجم : محمد بند ریگی ، 1384، ج 2، ص 1163.

2. راغب اصفهانی 1412 ق ، ص 579 ، احمد بن فارس ، 1404 ق ، ج 4 ، ص 108، جوادی آملی ، 1394، ص 23.

3. موسسه علمی و فرهنگی دار الحديث ، 1389، ص 8.

4. امام خمینی & ، 1392، ج 1 ، ص 287.

5. محمد بن محمد بن النعمان العکبری ، 1413 ق ، ص 362، 363، جوادی آملی ، 1394، ص 23.

6. حسین مظاهری، 1389، ص 9.

بدون نیت عبادت با بالعکس معتکف نیست.^۱

1. آثار فردی اعتکاف

سنت حسنه اعتکاف یکی از سازنده ترین برنامه های معنوی در اسلام است. و در جهت حرکت و تکامل انسان به سوی مقصد نهایی یعنی رسیدن به کمال مطلوب می باشد.

فرد معتکف با حضور در مراسم پرشکوه و با عظمت اعتکاف اثراتی را برای خود رقم می زند که می توان به موارد زیر در خصوص آن اشاره نمود:

1-1 تاثیر اعتکاف بر اعتقاد

انسان قبل از آنکه به شناخت اطراف خود و نیک بد آن پردازد باید به شناخت خود رسیده و جهان وجودی خود را کشف کند تا بتواند استعداد های دورنی خود را پرورش داده و به کمال برساند. امیال و شهوات را کنترل نموده تا در مرتبه حیوانی خود باقی نماند. یکی از سفارش های مهمی که پیامبران، عارفان، عالمان اخلاق، به انسان داشته اند توجه به همین شناخت خود می باشد. امیر المومنین علی[×] می فرماید: «نَالُ الْفَوْزِ الْأَكْبَرِ مَنْ ظَفَرَ بِمَعْرِفَةِ النَّفْسِ»^۲؛ کسی که موفق به خود شناسی شود، به بزرگترین پیروزی دست یافته است...

خود شناسی مقدمه ی شناخت و محبت به خداوند می باشد. با دقت در آیات و روایات مشاهده می شود که خداشناسی یک امر فطری است که در وجود هر کس معرفت به خداوند وجود دارد و ممکن است که آن را فراموش کرده باشد. چنان که قرآن کریم می فرماید: ① فَاقْصِرْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ

1. حمید رضا روشن بین بروجردی، 1391، ص 62.

2. عبدالواحد بن محمد آمدی، 1366.

عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١﴾، پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدای تغییرپذیر نیست. این است همان دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند»

همه انسان‌ها حتی فرزندان مشرکان، هنگام تولد، معرفت خدا را همراه دارند و با فطرت الهی متولد می‌شوند.^۲ آفرینش انسان به گونه‌ای است که در اعماق قلب خود با خداوند رابطه دارد چرا که هر جا انسان از همه قطع امید کرد به خداوند روی می‌آورد. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ﴾^۳؛ هنگامی که بر کشتی سوار می‌شوند، خدا را پاکدلانه می‌خوانند، و چون به سوی خشکی رساند و نجاتشان داد، به ناگاه شرک می‌ورزند.

اگر انسان بتواند قلب و دل خود را صیقل دهد و به اعماق جان خود راه یابد این رابطه را پیدا می‌کند. دعوت همه پیامبران الهی در طول تاریخ شناخت و پرستش خدای یگانه و نهی انسان از پرستش موجودات دیگر بوده است قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ﴾^۴ و در حقیقت، در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگوید: «خدا را پرستید و از طاغوت [فریبگر] پرهیزید. پس، از ایشان کسی است که خدا [او را] هدایت کرده، و از ایشان کسی است که گمراهی بر او سزاوار است. بنابراین

1. روم، آیه 30.

2. جعفر سبحانی، 1384، ص 63.

3. عنکبوت، 65، جعفر سبحانی، 1384، ص 66.

4. نحل، 36، جعفر سبحانی، 1384، ص 150.

در زمین بگردید و ببینید فرجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است. بنابراین روش معقول و مشروع در اعتقاد به یک آیین آن است که انسان گام نخست را با عقل و اندیشه بردارد و با دلایل کافی و قانع کننده، به خدا و پیامبر او معتقد شود و حقانیت وحی را بپذیرد.^۱ و با تلفیق عقل و نقل در مباحثی چون نبوت و امامت و ولایت فقیه بتواند درر تحکیم اعتقاد خود حرکت کند. امیر مومنان حضرت علی × می فرماید: «بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي لَقَدْ انْقَطَعَ بِمَوْتِكَ مَا لَمْ يَنْقُطْ بِمَوْتِ غَيْرِكَ مِنْ النَّبُوءَةِ وَ الْإِنْبَاءِ وَ الْأَخْبَارِ».^۲ اسلام طرحی است کلی و جامع و همه جانبه و معتدل و حاوی همه طرح های جزئی و کارآمد در همه موارد.

با توجه به سخن امیر مومنان حضرت علی ×، اسلام دینی است که برای زندگی دنیوی و اجتماعی انسان ها برنامه دارد و آموزه های دینی آن برای سعادت اخروی انسان جهت داده شده است.

خداوند حکیم برای معبود شدن بشر را نیافریده است که از نافرمانی آنها به هدف خود نرسد. او چون حکیم است کار بیهوده انجام نمی دهد. او جهان هستی را که فعل وی می باشد هدفدار آفریده تا همه چیزها به کمال مطلوب خود برسند، خداوند سبحان می خواهد که انسان در پرتو دین، امور عقلی عملی، همچون اراده، نیت، اخلاص، پرستش و عبادت و مانند آن را اصلاح کند^۳ و انسان را به فرشته خو شدن نزدیک بگرداند.

قرآن کریم در تبیین جایگاه عبادت، آن را هدف آفرینش می داند و می فرماید:

1. حسین عزیزی، علی غفارزاده، 1384، ص 31.

2. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (1403 ق)، ج 37، باب 53، ص 164، امام خمینی، 1389، ج 3، ص 131.

3. (جوادی آملی، 1394، ص 54)

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^۱؛ و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند.

بنابراین عبادت زمینه ساز تقواست و تقوا ره توشه و بسته دستیابی به فلاح و لقای الهی است. پس تقوا از یک سو هدف عبادت و از سوی دیگر، مقدمه ای برای رستگاری عبادت کننده است.^۲

یکی از عباداتی که اگر طبق نظر شرع مقدس صورت می‌پذیرد و از ارزش فوق العاده ای برخوردار است سنت حسنه اعتکاف می باشد.

اعتکاف از منظر اسلام، امری مقدس و ارزشمند است که باید قدر آن را دانست و باید در جامعه به خوبی شناسانده شود. اعتکاف فرصت بسیار مناسبی است تا انسان با خواندن قرآن و دعا و نماز، خود را در محضر خدای تعالی یافته و با توبه و انابه و بازگشت رحمت خداوند را شامل حال خود نماید.

همچنین فرصت بسیار ارزشمندی است که انسان به ائمه توسل جسته و با چنگ زدن به ریسمان الهی سعادت دنیا و آخرت خود را تامین نماید.

معتکف در نزد پروردگار جایگاه ویژه ای دارد زیرا در قرآن کریم می فرماید: ﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّی وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾^۳؛ و چون خانه [کعبه] را برای مردم محل اجتماع و [جای] امنی قرار دادیم، [و فرمودیم:] در مقام ابراهیم، نمازگاهی برای خود اختیار کنید، و به ابراهیم و اسماعیل فرمان دادیم که: خانه مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع و سجود کنندگان پاکیزه کنید. اگر انسان دقت کند پی می برد که فرد معتکف چقدر عزیز می باشد که خداوند

1. ذاریات، 65، جوادی آملی، 1394، ص 56.

2. جوادی آملی، 1394، ص 57.

3. بقره، 125، حسین مظاهری، 1389، ص 30.

به نبی خود دستور می دهد که در خدمت معتکفین باشد ، پس تلاش و همت خود را بیشتر می گمارد تا فیوضات بیشتر در این سه روز کسب نماید و قطعاً هم حضرت ابراهیم در این راه به او یاری خواهد رساند .

کسی که می خواهد معتکف شود باید تامل کند و با خود بیندیشد که همانطور که از قبل در تکاپو برای ثبت نام و حضور در اعتکاف است از نظر معنوی هم باید مقدماتی را آماده کند و با توجه به انابه به درگاه خداوند متعال اجازه ورود خود را از صاحب مسجد بگیرد و با اذن او داخل شود . اگر شخصی هدفی جز رسیدن به لقای الهی را دنبال کند و معتکف شود ، بهره ای از آن نخواهد برد و ضرر می کند . معتکف پس از انجام اعمال و افعال اعتکاف ، خود را بنده حقیقی خداوند احساس کرده و افتخار می کند که توانسته چنین جایگاهی را به دست آورد ، ولی مهم تر از این حس آن است که بتواند این مقام و عزتی را کسب کرده حفظ نماید . انسان به این نتیجه می رسد که هیچ گناهی را کوچک و سبک نشمارد چون ممکن است که آن گناه در نزد بنده کوچک باشد ولی خشم و غضب الهی را به دنبال داشته باشد همچنین وقتی فرد معتکف ارتباط خود را با خدای خویش محکم نمود باید در زمینه ی ارتباط با خلق هم کوشا باشد چون در قرآن کریم به داشتن ارتباط با مخلوق سفارش شده است.¹

انسان معتکف پی می برد که باید مواسات را رعایت نماید یعنی هر کس باید از آنچه دارد به دیگران انفاق کند حال می تواند مال ، علم ، قلم توانا ، یا استفاده از وجاهت خود برای برطرف کردن مشکلات دیگران باشد و همچنین می تواند برای دیگران دعا کند و برای مؤمنان خیر و خوشی را از خداوند بخواهد .

1 . حسین مظاهری، 1389، ص 81.

فرد معتکف می داند که باید بیش از گذشته مراقب گفتار و رفتار و کردار خویش باشد تا علاوه بر قرب خود به خدا از ارزش اعتکاف نکاسته و موجب ننگ دین و اعمال عبادی نشود. امام صادق × می فرماید: «مَعْلَمُ الشَّيْعَةِ! كُونُوا لَنَا رِيْنًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا، ...»^۱ ای گروه شیعه! زینت ما باشید نه باعث ملامت و سرزنش ما،

توجه و توبه، تقوا، عبادت، انجام دادن واجبات و مستحبات در اعتکاف باعث خود سازی فرد شده و او را نسبت به جامعه بی تفاوت باقی نمی گذارد و فرد تشویق و ترغیب دوست و نزدیکان خود به اعمالی چون نماز اول وقت، نماز جماعت، روزه، خدمت به خلق و را وظیفه خود دانسته و در این راستا کوشش و همت می نماید.

1-2 تاثیر پذیری روح و تقویت درجات معنوی

اعتکاف آثار و برکات فروانی دارد و چون عبادتی است مرکب و سامان یافته، که حضور در مسجد، نماز و روزه، قرآئت قرآن، دعا و نماز شب تفکر و ... را در بردارد در ساختن انسان نقش بی بدیلی را اجرا می کند.

در دوران اعتکاف، انسان فرصت و زمان بیشتری دارد تا با خود و خدای خود خلوت نموده و به محاسبه اعمال و افعال خود بپردازد و نقص های خود را شناخته و در جهت اصلاح آنها گام بردارد. همچنین با دور بودن از هیاهو و درگیری های روزمره زندگی می تواند با عبادت در تفکر و قلب خود تمرکز به وجود آورده و با حضور قلب خالصانه با خدای خویش خلوت نماید.

1. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (1403 ق)، ج 65، ص 151، حسین مظاهری، 1389، ص 86.

امیر مؤمنان حضرت علی × می فرمایند: «**لَا فِرَادَ رَا حَهُ الْمُتَعَبِدِينَ**»؛¹ خلوت گزیدن آسایش عبادتگراان است.

در اسلام تفکر در آیات و نعمت‌های الهی و تاریخ گذشتگان، تأمل در نفس خود و به عنوان روح عبادات مطرح شده است چون نیاز به علم، تمرکز و قدرت نفس دارد و همچنین انسان برای این که بتواند مالکیت تمام وجودش را به دست آورد باید بتواند بر قوای دورنی خود تسلط یافته و خواسته‌های آنها را تحت نظارت و کنترل و اراده خود درآورد. در جایی دیگر امیرمؤمنان حضرت علی × می فرمایند: «**اِنَّكَ اِنْ مَلَكَتْ نَفْسَكَ قِيَادَكَ اَفْسَدْتَ مَعَادَكَ وَ اَوْرَدْتَكَ بِلَاءٍ لَا يَنْتَهَى وَ شَقَاءٍ لَا يَنْقُضِي**»؛² تو اگر رهبری خود را در اختیار نفست قرار دهی، آخرت خود را خراب کرده ای و نفست تو را به بلایی بی انتها و بد بختی بی پایان وارد خواهد نمود.

تقویت اراده، علاوه بر این که انسان را در طاعت محض از حضرت حق جلال و علا یاری می‌دهد، در اثر قوت و ارتقای که به نفس و روح انسان می بخشد، دستیابی او به بسیاری از کمالات روحانی و درک معارف الهی و حضور قلب در عبادت و بسیاری از توفیقات دیگر را در پی خواهد داشت.³

کسی که بتواند چندین روز نفس خود را کنترل کند تا از خوردن و آشامیدن در ساعات معین منع شود و بهرمندی از شهوات جنسی در طول چند روز را نداشته و همچنین بحث و جدل یا انجام معامله و سود و زیان و استفاده از بوی خوش را نداشته و ملزم به رعایت آن باشد و همچنین به ذکر و یاد خدا مشغول شده و با انجام

1. عبدالواحد بن آمدی، 1366، ص 661، محمد علی موظف رستمی، 1387، ص 231.

2. محمد علی موظف رستمی، 1387، ص 233.

3. محمد علی موظف رستمی، 1387، ص 234.

اعمال عبادی ریاضتی را به بدن تحمیل نماید، می‌تواند به تقویت اراده و حصول ملکه تقوا و پرهیز از محرّمات دست یابد.

اعتکاف در حقیقت، گام برداشتن برای حصول نفس زکیه و پاک است که معتکف برای عروج الهی به در خانه‌ی خدا و به میزبانی او توقف می‌نماید و در این مدت، تنها نگاه و توجه او به خداست و غیر از او کسی را نمی‌بیند و تمام حرکات، سکّات و رفتارش را مراقبت می‌کند و بدین طریق صعود عرفانی خود را سبکبال، برای پذیرفتن رنگ خدایی آغاز می‌کند.^۱

افرادی می‌توانند از برکات اعتکاف بهره گیرند که داری ایمان واقعی باشند و وقتی همگان در خواب هستند آنها به راز و نیاز با خدا و تسبیح و حمد پروردگارشان مشغول بوده و با شنیدن و خواندن بعضی آیات به سجده می‌افتند. شهید مطهری در این باره می‌گوید: «ما یک سلسله لذت‌های معنوی داریم که ما را بالا می‌برد. برای کسی که اهل تهجد و نماز شب است و جزء صادقین و صابرین و مستغفرین بالاسحار باشد، نماز شب لذت و بهجت دارد. آن لذتی که یک نفر نماز شب خوان حقیقی و واقعی از نماز شب خودش می‌برد از آن «استغفر الله ربی واتوب الیه» ها می‌برد از آن «العفو» گفتن‌ها و یاد کردن و دعا کردن‌های حداقل چهل مؤمن می‌برد و آن لذتی که از آن «یارب یارب» گفتن‌ها می‌برد، هیچ وقت یک آدم عیاش که در کاباره‌ها می‌گردد، احساس نمی‌کند. لذت آن نماز شب خوان خیلی عمیق‌تر، نیرومندتر و نشاط بخش‌تر است اگر انسان بخواهد لذت‌های معنوی و الهی را در این دنیا درک کند، چاره‌ای ندارد جز این که از لذت‌های مادی کسر کند.»^۲

1. محمد علی موظف رستمی، 1387، ص 236.

2. گروهی از پژوهشگران، 1388، ص 165، مرتضی مطهری، 1362، ص 171.

چنین بنده ای آنقدر روحش بزرگ می شود که هیچ موجودی را در جهان غیر از خدای تبارک و تعالی نمی بیند و نمی تواند کسی دیگر را جایگزین او نماید. در این حال است که قلب انسان به نور خداوند تجلی می یابد. قرآن کریم می فرماید:

﴿أَوَمَنْ كَانَ مِيتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾^۱، آیا کسی که مرده [دل] بود و زنده اش گردانیدیم و برای او نوری پدید آوردیم تا در پرتو آن، در میان مردم راه برود، چون کسی است که گویی گرفتار در تاریکی هاست و از آن بیرون آمدنی نیست؟ این گونه برای کافران آنچه انجام می دادند زینت داده شده است.

بنابراین اگر اعمال خیر بالا رود روح انسان که عامل این اعمال خیر است هم یقیناً بالا می رود هر چه عبد در درگاه خدا خود را ذلیل تر و کوچک تر ببیند در پیش خدا عزیز تر و جایگاهش بالاتر می رود و عروج می یابد و در آسمان توحید اوج بیشتری می یابد.

1-3 تاثیر اعتکاف بر عنایت الهی

اعتکاف مجموعه ای از مهمترین عبادات و اجب و مستحب می باشد، هم نماز در آن خوانده می شود که نمازهای پنج گانه آن واجب و نمازهای نافله و شب و ... در آن مستحب می باشد و وسیله ای است برای یاد خدا و دور شدن از گناهان و همچنین گرفتن روزه که اعمال واجب آن می باشد که سرّی است از اسرار الهی، چنان که امام رضا × می فرماید: «الصَّوْمُ سِرٌّ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْعَبْدِ»^۲؛ روزه سرّی بین خدا و بنده است.

1. انعام، 122، حسین مظاهری، 1389، ص 55.

2. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (1403 ق) ج 96، ص 254، محمد علی موظف رستمی، 1387، ص 244.

معتکف وقتی تصمیم گرفت که به اعتکاف برود و این توفیق نصیبش شد و همچنین در حال اعتکاف همواره باید تلاش بسیاری برای تنزیه قلب و دل خویش داشته باشد و خود را به فضایل اخلاقی آراسته کند تا به مرحله‌ی اخلاص و خلوص نیت رسیده و اعتکافش مقبول حق گردد. اعتکاف تمرینی است که در این سه روز با قیام و شب زنده داری انجام می‌شود و بعد تلاش خود را درخشندگی و رضای پروردگار مشاهده خواهد کرد.

پیامبر گرامی اسلام^۱ می‌فرماید: «هرکس سه روز از ایام البیض ماه رجب را روزه بدارد و در شب‌هایش به نماز قیام کند از دنیا رحلت نمی‌کند مگر با توبه نصوح»^۱.

پس مؤمنان واقعی به خاطر عشق و محبتی که به پروردگار خود دارند، از خود تواضع و فروتنی نشان داده و در دل شب موقعی که اکثر مردم در خواب‌اند به عبادت بی‌ریا و با حضور قلب می‌پردازند، در مقابل خداوند برای آنان پاداشی عظیم قرار داده است. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾؛^۲ هیچ کس نمی‌داند چه چیز از آنچه روشنی‌بخش دیدگان است به [پاداش] آنچه انجام می‌دادند برای آنان پنهان کرده‌ام.

اگر انسان حقیقتاً به دنبال راه سعادت واقعی باشد و هدفی جز رسیدن به کمال و تعالی الهی نداشته باشد، راه به روی او باز خواهد شد. که در قرآن این مسأله به صورت یک تعهد الهی ذکر شده است. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾^۳؛ و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند،

1. شیخ حر عاملی، 1416 ق، ج 7، ص 357.

2. سجده، 17، گروهی از پژوهشگران، 1388، ص 166.

3. عنکبوت، 69، مرتضی مطهری 1394، ص 156.

به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نماییم و در حقیقت، خدا با نیکوکاران است. در اعتکاف ساعات بسیاری در بیان ذکر و یاد خداوند متعال سپری می‌شود. سیر و سلوک معنوی داشتن بدون داشتن ذکر امکان پذیر نیست به همین خاطر هم است که می‌بینم بعضی از اذکار مخصوص بعضی از پاکان و مقربین درگاه الهی بیان شده است. اولیای خدا به ذکر اهمیت بسیاری می‌دادند و در عبادات و حالات معنوی خود آنها را زمزمه می‌فرمودند. زیرا کسی که ذکر خداوند را می‌گوید خدای سبحان نیز از او یاد می‌کند و کسی که می‌تواند به این توفیق دست یابد امکان ندارد که به ورطه غفلت سقوط کند. معتکفی که در هر حال زبان از ذکر خدا بر نمی‌دارد چه در حضور، چه در خلوت، چه در جلوت، اودر همه حال خود را در محضر حق تعالی دیده و ادب در پیشگاه خداوند را رعایت می‌نماید. چنان که امام خمینی (ره) مکرر می‌فرمودند: «عالم محضر خداست در محضر خدا معصیت نکنید». از چنین افرادی با نام اولیای خدا نامبرده شده و خداوند محبت خاصی به آنها عنایت می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾؛ آگاه باشید، که بر دوستان خدا نه بیمی است و نه آنان اندوهگین می‌شوند. همچنین تاثیر اعتکاف بر تحول معرفتی انسان قابل انکار نیست. انسانی که بتواند در اعتکاف با آداب و شروطی که برای آن معین شده به عبادت خالصانه دست یابد زمینه رسیدن به شهود و یقین را در خود ایجاد نموده است. خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾؛^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از خدا پروا دارید، برای شما [نیروی] تشخیص [حق از باطل] قرار می‌دهد؛ و گناهانتان را از شما می‌زداید؛ و شما را می‌آمرزد؛ و خدا دارای بخشش بزرگ است.

1. یونس، 62، جوادی آملی، 1394، ص 237.

2. انفال، 29، جوادی آملی، 1394، ص 240.

این گونه عنایت و معرفت در هر فردی باشد، قلبش گشوده می‌شود و به اندازه استعداد خود حقایق هستی را می‌شناسد و همین شهود است.^۱ پس هر چند خدای متعال به همه نزدیک است ولی به روزه داران، دعاکنندگان، نمازگزاران و مهمانان خود که معتکفین جزو آنها می‌باشند نزدیک تر می‌باشد و این اعتکاف ابزاری است که انسان می‌تواند با رعایت حدود و ثغور آن به خدای خود تقرب جسته و از مقربین خاص الهی گردد.

1-4 بازدارندگی از مشکلات روحی

بسیاری از مشکلات اخلاقی و روحی و روانی انسان از آن جا نشأت می‌گیرد که انسان نتوانسته خودش را بشناسد و هدف از آفرینش خود را درک کند و همچنین رابطه‌ی خود را با خدای متعال گسترش نداده و در مصیبت‌ها، خوشی‌ها، مشکلات، تنهایی‌ها از او کمک نگرفته و طبق فرامین او عمل ننموده است. اگر انسان خود را موجودی مادی بداند به این تحلیل می‌رسد که با مردن و متلاشی شدن جسمش نابود می‌شود و موجودی فنا پذیر است. اما اگر علاوه بر جسم مادی، پدیده‌ای به نام روح را برای خود قائل باشد می‌پذیرد که بعد از مرگ و متلاشی شدن جسم، انسان از بین نرفته بلکه حیاتی جاودانه در جهان آخرت دارد.

قرآن کریم می‌فرماید: ﴿ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ﴾^۲؛ آنگاه او را درست‌اندام کرد، و از روح خویش در او دمید، و برای شما گوش و دیدگان و دل‌ها قرار داد؛ چه اندک سپاس می‌گزارید.

در جهان امروز علی‌رغم پیشرفت‌ها و امکانات مادی و رشد صنعت و ارتباطات،

1. جوادی آملی، 1394، ص 242.

2. سجده، 9، جعفر سبحانی، 1384، ص 28.

انسان احساس تنهایی می کند و به مشکلات روحی و روانی مانند اضطراب و افسردگی و پوچ گرایی می رسد . این مشکلات ناشی از آن است که انسان نتوانسته هویت و حقیقت وجودی خود را بشنايد و ارتباط خود را با معبودش قوی گرداند و در مشکلات و فراز و نشیب های زندگی و روحی از او کمک بگیرد . در این باره قرآن کریم می فرماید: ① **وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى**؛^۱ و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت، زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت، و روز رستاخیز او را نابینا محسوس می کنیم.

زندگی مادی به گونه ای است که انسان را وسوسه می کند تا از ورود و انجام اعمال دینی سرباز زند اما انسانی که بتواند تعادلی بین مادیات و معنویات برقرار نموده و در مسیر دین پای بگذارد، با تمرین و تکرار و توجه به اعمال خویش، آن را به صورت یک رفتار دورنی در می آورد . خداوند در قرآن کریم می فرماید: ② **لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِّنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ**؛^۲ برای او فرشتگانی است که پی در پی او را به فرمان خدا از پیش رو و از پشت سرش پاسداری می کنند. در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند. و چون خدا برای قومی آسیبی بخواهد، هیچ برگشتی برای آن نیست، و غیر از او حمایتگری برای آنان نخواهد بود.

یکی از جاهایی که انسان می تواند به شناخت خود رسیده و به خود سازی پردازد اعتکاف می باشد . انسان معتکف پرورش می یابد، پس از آنکه مدت های طولانی در گرداب غفلت و بی خبری سیر نمود و به وجدان پاک خویش رجعت کرد ،

1. طه، 124، جعفر سبحانی، 1384، ص 39.

2. رعد، 11، محمد علی موظف رستمی، 1387، ص 234.

معتقد می شود که باید سه روز با معبود خویش خلوت نماید . اسیر عشق رب جلیل شود . زیرا اعتکاف واقعی آن است که معتکف تمام تعلقات را از خود زدوده و یگانه با خدا و بیگانه با غیر شود.^۱

انسان معتکف از این طریق به وظایف انسانی و الهی خود آشنا شده و در برابر فرمان خدا سر تسلیم فرود می آورد . زشتی ها و پلیدی ها را از خود دور کرده و سعی در داشتن طهارت جسم و روح می کند . فرد معتکف به توبه می پردازد و زمینه بازگشت خود را از خود مداری به خدا گرایی فراهم می کند . کسی که در اعتکاف شرکت کرده با توجه به فضای معنوی که حاکم بر مسجد است او هم تحت تاثیر آن فضا قرار گرفته باعث می شود که از وابستگی او به دنیا و زرق و برق آن کاسته شود.

از اعتکاف به عنوان یکی از مهمترین عبادات یاد شده است . مغز و مخ عبادت دعا می باشد.^۲ قسمت قابل توجهی از برنامه های اعتکاف حول محور دعا برنامه ریزی شده است که وسیله قرب و نزدیکی بنده به پروردگار می باشد و زمینه ساز آرامش روح و روان انسان است، در دعا معتکف تمام نگاه خود را به خداوند معطوف داشته و در واقع یگانه پرستی خود را اعلام می دارد .

مداومت بر دعا و نیایش به درگاه احدیت باعث به وجود آمدن نفسی روحانی و با آرامش در انسان می شود قرآن کریم می فرماید : ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾^۳؛ همان کسانی که ایمان آورده اند و دل -

1 . محمد علی موظف رستمی ، 1387 ، ص 235 ، حسین علی احمدی ، 1380 ، ص 24 .

2 . همان ، 1387 ، ص 228 .

3 . رعد ، 28 ، حسین مظاهری ، 1389 ، ص 68 .

هایشان به یاد خدا آرام می گیرد. آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می یابد. از این آیه می توان فهمید که راه نجات از گرفتاری‌ها و مشکلات و رهایی از بیماری- های روحی و روانی در سایه یاد خدا، دعا و توکل صورت خواهد پذیرفت. نیاز کنونی کشور و خانواده برای حفظ جوانان از بی دینی و رهایی از افکار شبهه افکنان برگزاری چنین مراسم جمعی و معرفی هر چه بیشتر اعتکاف در زمان‌های مختلف می باشد. جوانی که بتواند با برنامه ریزی اعتقادی به حقیقت آفرینش خود دست یابد و با انتخاب مسیر دین مناسب قدم در بندگی خداوند نهد، هرگز اسیر مشکلات دنیوی و مادیات نشده و روح و روان سالمی را خواد داشت و از پوچ گرایی محفوظ می ماند.

2. آثار اجتماعی اعتکاف

اعتکاف علاوه بر اثرات فردی که برای شخص معتکف در خود دارد برای اجتماع هم مفید بوده و نقش سازنده ای را در جامعه ایفا می کند، که می توان به موارد زیر اشاره کرد.

2-1 آبادی مساجد

در دین مقدس اسلام شایسته است که عباداتی چون نماز جماعت، جمعه، عید فطر، عید قربان و... به صورت دسته جمعی صورت پذیرد. این امور از آغاز تا کنون به عنوان اجتماع و تعاون و وحدت مـنـین محسوب شده و در اکثر مواقع در مکان مقدسی به نام مسجد صورت می پذیرد.

مسجد به عنوان بستر و جایگاه اعمال و افعال عبادی مسلمانان از تقدس خاصی برخوردار است، این تقدس نه به معنای بعد مکانی، بلکه به اعتبار فضای معنوی

مسجد است که در آن پرستش و نیایش در آن انجام می گیرد^۱ و باعث رغبت انسان به عبادت می شود.

خداوند متعال می فرماید: ﴿إِنَّ بُيُوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ تُضِيءُ لِلْأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ النُّجُومُ لِلْأَهْلِ الْأَرْضِ أَلَا طُوبَى لِمَنْ كَانَتْ الْمَسَاجِدُ بُيُوتَهُ﴾^۲؛ خانه‌های من در زمین، همان مساجد است که برای اهل آسمان می‌درخشند؛ آن‌گونه که ستارگان برای اهل زمین می‌درخشند. خوشا به حال آنان که مساجد را خانه‌ی خویش قرار داده‌اند. از آنجا که سنت حسنه اعتکاف هم باید در مسجد صورت پذیرد توفیق مضاعفی را برای فرد معتکف پدید می‌آورد.^۳

امیر مومنان علی × می فرماید: «مِنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ؛ أَخَا مُسْتَفَاداً فِي اللَّهِ، أَوْ عِلْماً مُسْتَطَرَفاً أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً أَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تَذُلُّ عَلَى هُدًى، أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً، أَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَنِ رَدًى، أَوْ يَتْرُكُ ذَنْباً حَشِيئَةً أَوْ حِيَاءً»^۴ کسی که به مسجد رفت و آمد می‌کند، یکی از منافع هشت گانه نصیب او می‌شود: برادری مفید و بارزش در راه خدا، یا علم و دانش نو، یا دلیل و برهان محکم [برای تثبیت عقاید]، یا کلماتی که موجب هدایت شود [می‌شنود]، یا رحمت مورد انتظاری [شامل حال او می‌شود]، یا مواعظی که او را از فساد و گناه بازدارد، [می‌شنود]، یا به خاطر ترس یا حیا و آبروی خود گناهی را ترک می‌کند. انسان هنگامی که معتکف می‌شود و سه روز را در مسجد به سر می‌برد می‌تواند تعریف حقیقی مسجد را دریابد و بفهمد که همانقدر که به خانه و خانواده

1. محمد علی موظف رستمی، 1387، ص 20.

2. حر عاملی، 1416ق ج 1، ص 268، باب 10 از ابواب الوضوء، ح 5.

3. گروهی از پژوهشگران، 1388، ص 160.

4. حر عاملی، 1416ق، ج ۳، ص ۴۸۰، گروهی از پژوهشگران، 1388، ص 160.

خود نیازمند است به این مکان مقدس که تعبیر به خانه خداوند می‌شود هم نیاز مبرم دارد. پس اعتکاف نقشه‌ای برای آشنایی و غربت زدایی ما با خداوند می‌باشد.

2-2 تقویت مبانی اعتقادی و اجتماعی

انسان کامل اسلام، انسان جامع است؛ برون گراست، جامعه گراست، همیشه سر در گریبان خود فرو نبرده است.^۱ در متن جامعه حضور یافته و فقط مسلمانی را زیاد مسجد رفتن و دعا خواندن نمی‌داند و یا اینکه فقط به جنبه های اجتماعی نمی‌پردازد بلکه تعادل بین این دو امر را حفظ می‌نماید.

گاه انسان اجتماعی باید غربت را بپذیرد تا فرصتش را برای تدبیر در عالم هستی و آغاز و فرجامش، خالق وجود و چیستی انسان و چگونگی ارتباط این ساخته با آن سازنده پیدا کند.^۲

رسیدن به حقیقت این مطلب میتواند از طریق حضور در مراسمی مانند اعتکاف باشد که انسان در خلوت به بازشناسی مبانی اعتقادی خود پرداخته و مقدمه‌ای برای رسیدن به کمال مطلوب می‌یابد. همچنین اعتکاف‌هایی که در ماه رمضان و رجب صورت می‌پذیرد پر رمز و راز است.

پیامبر گرامی اسلام^۳ می‌فرماید: «اعْتِكَافُ عَشْرِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ يَعْدِلُ حَجَّتَيْنِ وَ عُمْرَتَيْنِ»؛ (پاداش) اعتکاف ده روز (آخر) در ماه رمضان، معادل دو حج و دو عمره می‌باشد.

عبادت، دعا و خضوع و خشوع، مبارزه با نفس و ... در همچنین مراسم عبادی باعث می‌شود که فرد اگر قبلاً احساس ناامیدی در وجودش بوده و ازیاری خداوند

1. مرتضی مطهری، 1374، ص 145.

2. حمید رضا روشن بین بروجردی، 1391، ص 14.

3. حر عاملی، 1416ق، ج 7، ص 397، ح 3. و محمدی ری شهری، 1395، ص 9.

غافل، اکنون نسبت به آینده در وجودش نور امیدی می‌یابد و با خدای خود رابطه جدیدی برقرار می‌کند و همچنین با معتکفین دیگر با تواضع رفتار نموده و قوای شیطانی دورنی او در برابر جنود رحمانی تضعیف خواند شد.

در واقع انسان بعد از این که توانست به خودسازی دست یابد می‌تواند با حضورش در اجتماع با فضایل حسنه اخلاقی خود جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده و در جهت تذهیب نفس هموعان خود تمام تلاش خود را به کار گیرد. همان طور که رسول گرامی اسلام^۱ با دست یابی به مقام عبودیت، عهده‌دار رسالت تذهیب نفس و تزکیه روح و جان بشریت شد.

2-3 بزرگداشت شعائر اسلام

هر ملتی در هر عصر و زمانی برای برانگیختن عواطف و احساسات افراد خود و دعوت آنها به وظایف فردی و اجتماعی، شعائری داشته است و این موضوع در دنیای امروز به صورت گسترده تری دیده می‌شود.^۱

در اسلام بعضی از عبادات باید موقوف به ظاهر و اعلان باشد و اگر به صورت پنهانی صورت پذیرد دیگر عبادت نخواهد بود چون از جنبه شعاریت خود خارج گشته است. به عبارت دیگر، عبادتی که به وسیله آن راه را به دیگران نشان داده شود.^۲ اذان و اقامه یکی از عبادت‌های شعاری است که از امور دینی می‌باشد و برای تحقق آن باید در معرض استماع همگان واقع گردد تا اینکه جنبه‌ی شعاریت آن تحقق یابد و همچنین مناسک حج که باید در معرض دید دیگران تحقق یابد چون از شعائر اسلامی می‌باشد.

1. علی محمد حیدری نراقی، 1388، ص 165.

2. راغب اصفهانی، 1412ق، ص 289.

خداوند متعال می فرماید: ① نَلِكْ وَمَنْ يُعْظِمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ؛^۱ این است [فرايض خدا] و هر کس شعایر خدا را بزرگ دارد در حقیقت، آن [حاکمی] از پاکی دل هاست.

به طور مثال شرکت در نماز جماعت مستحب است اما علنی بودن نماز جماعت واجب است. حال اگر کسی بگوید نماز جماعت را پنهانی به جا می آورم، معنا نخواهد داشت.^۲ و همچنین مجلسی که برای مراسم عزاداری یک مؤمن برگزار می-شود، سفارش کرده اند که در آن شرکت کرده و خود را به صاحب عزان نشان دهید و تسلیت بگویید تا عبادت محسوب شود چون برای تحقق جنبه‌ی شعاریت آن باید در حضور دیگران این کار صورت گیرد.

پیامبر به بلال امر کرد: «اعل فوق الجدار و ارفع صوتک بالاذان»؛^۳ بالای دیوار برو و صدای خود را به وسیله اذان بلند کن. بنابراین برای تحقق شعاریت اذان و اقامه این عمل باید با صدای بلند صورت پذیرد. حال اعتکاف هم که یکی از سازنده-ترین برنامه‌های معنوی اسلام است و جایگاه ویژه‌ای در تعالی و تکامل انسان دارد، باید جنبه‌ی شعاریت آن حفظ شود تا فرهیختگان و بخصوص نسل جوان با آن آشنا شده و از برکات آن بهرمند گردند.

2-4 فرصتی برای دوستیابی

از مهمترین دغدغه‌های هر خانواده و جامعه همنشینی اعضای آن با افراد صالح و خیراندیش است که می‌تواند فرد را به بهترین نقطه بندگی و موفقیت دنیوی و

1. سوره حج، آیه 32.

2. علی محمد حیدری نراقی، 1388، ص 173.

3. علی محمد حیدری نراقی، 1388، ص 174، حر عاملی، 1416ق، ج 5، ص 46.

اخروی برساند . یکی از خصوصیات اعتکاف حضور در مسجد جامع است که پر رفت و آمدترین مسجد هر شهر می باشد .

از برکات اعتکاف همنشینی با نیکان و انس با آنهاست که خود مایه تقرب به حق است، انس با نیکان و ابرار در واقع انس با خدای سبحان است.^۱

یکی از عوامل موثر در بهتر شدن کیفیت و مقبول شدن اعتکاف به درگاه احدیت ، انتخاب دوست و همراهی مناسب و شایسته در این سفر معنوی می باشد چنانکه امیر مؤمنان علی × می فرماید : «مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَخَا مُسْتَفَاداً فِي اللَّهِ»^۲؛ کسی که به مسجد رفت و آمد می کند..... نصیب او می شود: برادری مفید و باارزش در راه خدا، ولی اگر در انتخاب دوست غفلت شود و فرد مناسب و صالحی انتخاب نگردد به جای حرکت به سوی قرب الهی ، خشم اقدس الهی را در پی خواهد داشت. خداوند می فرماید : ① يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاؤُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ^۳؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ... و البته نباید کینه‌توزی گروهی که شما را از مسجد الحرام باز داشتند، شما را به تعدی وادارد. و در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید، و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید، و از خدا پروا کنید که خدا سخت کیفر است.

لذا اعتکاف می تواند زمینه ای برای رهایی از دشمنان دوست نما باشد و رفاقت های نادرست را پایان بخشد . چون زمانی که انسان یک مؤمن با صفا و با اخلاص را در کنار خود می بیند و او را به عنوان الگویی مناسب انتخاب می کند، راه رسیدن به سعادت برایش فراهم می شود .

1 . جواد آملی ، 1394، ص 268.

2 . همان ، ص 270.

3 . سوره مائده آیه 2.

2-5 کاهش جرم و بزه کاری

یکی از ویژگی‌های انسان این است که خواسته‌های او در زمینه ثروت و شهرت و شهوت حد و مرزی ندارد. انسان در پی برآوردن خواسته‌هایش از هیچ تلاش و تقلایی دست بر نمی‌دارد اما به آنچه که می‌رسد او را قانع نمی‌کند اگر ثروت کارون را هم داشته باشد باز شعله‌ای زیادی خواهی‌اش زبانه می‌کشد.

عالم مادی و خاکی با همه جلوه‌های رنگارنگ آن دریایی پرموج و گرداب است که انسان باید از دل موج‌هایش به سوی ساحل آرامش بتازد و وجودش را با هستی مطلق پیوند زند.¹

امیر مومنان علی × می‌فرماید: «لَا يَتْرُكُ النَّاسُ شَيْئاً مِنْ أَمْرِ دِينِهِمْ لِاسْتِصْلَاحِ دُنْيَاهُمْ إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُوَ أَضَرُّ مِنْهُ»؛² مردم برای اصلاح دنیا چیزی از دین را ترک نمی‌گویند، جز آن که خدا آنان را به چیزی زیانبارتر از آن دچار خواهد ساخت.

حب دنیا و رفاه طلبی به انسان آسیب‌هایی وارد می‌کند که مهمترین آن را می‌توان غفلت از یاد خدا و معاد نام برد.

برای زدودن غفلت از راه‌های چون مراقبت ذهن و خیال و انس با مسجد، قرأت قرآن، انجام عبادت‌های مانند روزه و نماز، توسل به اهل بیت، دعا و نیایش، تفکر و اندیشه درباره مرگ می‌توان نام برد.³ که همه این اعمال و عبادات در اعتکاف جمع گردیده و باعث رسیدن انسان به اخلاص و قرب خداوند می‌شود. کسی که به این توفیقات دست یابد در جهت حفظ آن کوشش خواهد نمود. بنابراین سعی خود را بر این می‌دارد که در راه خطا و اشتباه قدم نگذارد و یا اگر فردی بر اثر عقده

1. مرکز بررسی و تحقیقات عقیدتی سیاسی، 1367، ص 65.

2. محمد دشتی، حکمت 106.

3. معاونت فرهنگی و هنری موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، 1395، ص 16.

حقارت به بزه کاری دست زد، راه بازدارنده او ایجاد احساس کرامت و طبع بلند در وجودش می باشد تا اینکه دیگر جرم و گناه اجتماعی را با شخصیت خود سازگار نداند و احساس شرم و حیا در او ایجاد شود که این می تواند از طریق مساجد و رونق آن در برگزاری مراسمی چون اعتکاف به دست آید.

2-6 مقابله با تهاجم فرهنگی

فرهنگ و ادب اسلامی در هر زمان و دوره ای مورد توجه مستکبرین بوده و از ضربه زدن و تضعیف مبانی اعتقادی از هیچ کاری دریغ نشده است. جهان کفر از دو طریق همواره به اسلام حمله می کند یکی از طریق شهوات و دیگری شبهات.¹ انسان از طریق اعمال عبادی همچون روزه و نماز و حضور در اعتکاف می تواند بر شهوات خود تا حد زیادی غلبه کرده و آن را کنترل نماید.

امام صادق × می فرماید: «صاحب العزله متحصن بحسن الله تعالى و متحرس بحراسته، فیاطوبی لمن نفرد به سرا و علانیه.... و فی العزله صیانه الجوارح و فراغ القلب و سلامه العیش و کسر سلاح الشیطان و المجانبه من کل سوء و راحه القلب و ما من نبی و لاوصی الا و اختار العزله فی زمانه اما فی ابتدائه و اما فی انتهائه»² کسی که گوشه گیری از خلق اختیار کرد در حصار محکم پروردگار متعال متحصن گشته و در تحت حمایت و حفظ و توجه خداوند محفوظ و نگهداری شده است، پس خوشا به حال کسی که تمام توجه او در ظاهر و در باطن به سوی خدای مهربان باشد.... و در عزلت فوایدی هست - اعضا و جوارح انسان از معاصی محفوظ می ماند-. در اثر انقطاع از خلق و رفع خیالات بیهوده فراغت قلب حاصل می شود. در اثر نبودن اختلاط با مردم و رفع تعارفات، سلامتی در زندگی و

1. حمید رضا روشن بین بروجردی، 1391، ص 64.

2. حمید رضا روشن بین بروجردی، 1391، ص 13 و 14.

خوشی در معشیت پیدا خواهد شد، در اثر نبودن وسائل معصیت، اسلحه و دام‌های شیطانی شکسته می‌شود، در اثر دور بودن از مردم و اجتماع از شرور و فتنه‌ها محفوظ می‌ماند، در اثر نبودن آمیزش و توقعات و رسومات دل انسان آسوده می‌شود.

وقتی که این عمل عبادی پایان پذیرفت، انسان به سوی خانواده و جامعه باز می‌گردد و اولین نکته ای که باید مورد توجه قرار دهد این است که دستاوردهای معنوی را که توانسته تحصیل کند، صیانت و حفظ نماید. زیرا همان گونه که با یک توجه و بیداری می‌تواند در صراط مستقیم قدم نهد و منازل سیرو سلوک را یکی پس از دیگری طی کند تا به سر منزل مقصود برسد یک غفلت و بی توجهی هم می‌تواند او را از مسیر خارج کند و نه تنها به جای خود برگرداند، بلکه به عقب براند.^۱

انسان استرس‌ها و فشارهای روحی و روانی گوناگونی را در طول زندگی دنیوی تجربه می‌کند که ممکن است عقاید و باورهای دینی او را نشانه گرفته و دچار تزلزل کند. شیوع خرافاتی، مانند کف بینی، فال بینی، طالع بینی، انرژی درمانی و وارد کردن شبهاتی در اصول اعتقادی مسلمانان و ... از آن جا که ما در کشور اسلامی زندگی می‌کنیم و جامعه ما در طول سال معطر به معصومین و برنامه های مذهبی می‌باشد مانند ایام محرم، فاطمیه، دهه صفر، لیالی قدر، اعتکاف، عرفه و ... عملاً این فضا، ظرفیت را برای ما مهیا می‌سازد تا معتکفین استفاده حداکثری را از اساتید و روحانیون برجسته‌ای که در اعتکاف شرکت دارند داشته و این خود یکی از بهترین انواع مبارزه و مقابله با تهاجم فرهنگی می‌باشد.^۲

1. حسین مظاهری، 1389، ص 78.

2. مصطفی گل محمدی شورکی، 1391، ص 173.

نتیجه گیری

شرط اصلی رسیدن به عبودیت بیداری و توبه و انابه است. گریه زمانی ارزش دارد که بتواند انسان از درجه انانیت خارج نموده و به قرب الهی برساند. انسانی که در فرازو نشیب زندگی مادی در تلاش و تکاپو و حرکت است باید به شناخت خود رسیده و استعداد های درونی خود را کشف نماید، تا بتواند آنها را پرورش داده و به کمال برساند. امیال و شهوات خود را کنترل نموده تا بنده و اسیر آنها نگردد. آفرینش انسان به گونه ای است که در اعماق قلب خود نیاز به خداوند را احساس کرده و با او رابطه دارد چون هر جا که مضطر می شود، ناخود آگاه خدا را به عنوان کمک و یاری دهنده می خواند. ممکن است این خداجویی بر اثر تربیت غلط یا تاثیر محیط و ژنتیک تضعیف شده باشد، ولی انسان می تواند با صیقل دادن روح و قلب خود این رابطه را در اعماق جان خود بیابد.

هدف همه ی انبیا و دعوت آنها به یکتا پرستی در طول تاریخ، شناساندن خداوند به انسان و هدایت او به شناخت خود است. خداوند حکیم برای معبود شدن، بشر را نیافریده است که از نافرمانی آنها به هدف خود نرسد بلکه به خاطر حکیم بودن، کار بیهوده انجام نمی دهد و آفرینش جهان برای سیر تکامل انسان می باشد و دین را برای انسان ها خواست تا بتواند در پرتو آن امور عقلی عملی، نیت، اخلاص، پرستش و عبادت و مانند آن را اصلاح نموده و به پروردگار خود نزدیک گردند.

در دین اعمال و افعال عبادی زیادی برای سعادت بشر وضع شده است، یکی از مهم ترین آنها را می توان سنت حسنه اعتکاف برشمرد.

اعتکاف از منظر اسلام ، امر مقدسی و ارزشمندی می باشد که انسان باحضور در مسجد ، خواندن قرآن ، دعا ، نماز جماعت ، نماز شب ، گرفتن روزه و خود را در محضر خدای تعالی یافته و با توبه و تضرع به درگاه او رحمتش را شامل حال خود می کند ، همچنین با توسل به ائمه اطهار و چنگ زدن به ریسمان الهی سعادت دنیا و آخرت را برای خود تامین می نماید .

فرد متکف در نزد خداوند جایگاه ویژه و خاصی دارد . چنانکه خداوند به نبی خود حضرت ابراهیم × دستور می دهد که در خدمت معتکفین باشد و قطعاً حضرت ابراهیم × در این راه یاری دهنده معتکفین خواهند بود . کسی که در مسجد حضور می یابد و معتکف می شود و به انجام اعمال عبادی می پردازد ، در خود احساس افتخار می کند که توانسته چنین جایگاهی را به دست آورد ، ولی نکته مهم این است که بتواند این مقام و عزتی را که در پیشگاه خداوند کسب کرده حفظ نماید . پس تلاش می کند که هیچ گناهی را کوچک و سبک نشمارد چون ممکن است در نزد بنده کوچک باشد ولی خشم و غضب الهی را به دنبال داشته باشد و همچنین در می یابد که باید موااسات را رعایت نموده و از علم ، مال ، قلم توانا و وجاهت خود و... درنفع رساندن به دیگران کوتاهی نکند .

در این فرصت سه روزه ، انسان با دور بودن از هیاهو و درگیری های روزمره زندگی ، زمان بیشتری را برای خلوت با خدا و محاسبه اعمال و کردار خود دارد و با عبادت می تواند در فکر و قلب خود تمرکز ایجاد کرده و حضور قلب پیدا کند . همچنین با تسلط بر قوای درونی خود و حفظ و کنترل کردن آنها می تواند به تقویت اراده برسد که در اثر قوت و ارتقای که به نفس و روح انسان می بخشد ، دستیابی او به بسیاری از کمالات روحانی و درک معارف الهی و حضور قلب در عبادات را در بر خواهد داشت .

افرادی می توانند از برکات اعتکاف و سحرهای آن بهره ببرند که دارای ایمان

واقعی باشند. مومنان واقعی به خاطر عشق و محبتی که به پروردگارشان دارند از خود تواضع و فروتنی نشان داده و دردل شب موقعی که اکثر مردم در خوابند به عبادت بی ریا و با حضور قلب می پردازد که در مقابل ، خداوند برای آنها پاداشی عظیم قرار داده است .

سیرو سلوک معنوی داشتن بدون داشتن ذکر امکان پذیر نیست . کسی که ذکر خداوند را می گوید خدای سبحان نیز از او یاد می کند . معتکفی که در هر حال زبان از ذکر خدا بر نمی دارد چه در حضور ، چه در خلوت چه در جلوت ، او در همه حال خود را در محضر حق تعالی دیده و ادب در پیشگاه خداوند را رعایت می کند . چنین فردی امکان ندارد که به ورطه ی غفلت سقوط کند بلکه زمینه شهود و یقین را در خود ایجاد می کند .

در جهان امروز علی رغم پیشرفت ها و امکانات مادی و رشد صنعت و ارتباطات، انسان احساس تنهایی می کند و به مشکلات روحی و روانی و اضطراب و افسردگی دچار می شود . ولی آن که توانسته در این برنامه های اعتقادی و عبادی شرکت نموده و از آنها بهره برد این مشکلات را نخواهد داشت، زیرا اعتکاف واقعی آن است که معتکف تمام تعلقات را از خود زدوده و یگانه با خدا و بیگانه با غیر شود و از این طریق به آرامش روحی و روانی برسد .

همچنین علاوه بر نتایج فردی که اعتکاف برای انسان به ارمغان می آورد از نظر اجتماعی نیز اثرات مطلوبی را در جامعه بر جای خواهد گذاشت. زمانی که عبادتی چون نماز جماعت، جمعه، عید فطر، عید قربان و اعتکاف به صورت دسته جمعی صورت می پذیرد ، این امور به عنوان اجتماع و تعاون و وحدت مؤمنین حساب شده و برنامه ای است برای دوری انسان از غربت و درخود فرو رفتن و برگزاری چنین مراسمی در مساجد و اماکن مذهبی باعث آبادی و رونق آنها می شود. فرد معتکف علاوه بر حضور خود در مسجد و پرداختن به خودشناسی و خودسازی در پایان

اعتکاف در جامعه حضور یافته و با دستیابی به فضایل اخلاقی جایگاه ویژه ای در بین مردم می یابد. که می تواند نقش موثری در تهذیب نفس هموعان خود داشته باشد همانگونه که رسول گرامی اسلام بعد از دستیابی به مقام عبودیت، رسالت تهذیب نفس و تزکیه روح و جان بشریت را عهده دار شد.

در هر عصر و زمانی برای برانگیختن عواطف و احساسات افراد و دعوت آنها به وظایف فردی و اجتماعی شعائری وجود داشته است؛ در اسلام نیز بعضی از عبادات باید موقوف به ظاهر و اعلان باشد اگر به صورت پنهانی صورت پذیرد دیگر عبادت به حساب نمی آید، بنابر این برگزاری مراسمی چون اعتکاف، نماز جماعت، جشن ها و عزاداری معصومین در طول سال جزو شعائر اسلام محسوب شده که باید به صورت جمعی و گروهی صورت پذیرد تا نسل جوان با آنها آشنا شده و ادامه دهنده این شعائر باشند. برپایی چنین مراسم مذهبی جمعی باعث می شود زمینه ای برای رهایی فرد از دشمنان دوست نما باشد و رفاقت های نادرست را پایان بخشد. چون زمانی که انسان، یک مومن با صفا و با اخلاص را در کنار خود می بیند او را به عنوان الگویی مناسب انتخاب کرده و به معاشرت و دوستی با او می پردازد و مسیر هدایت و تکامل برایش هموار می گردد.

انسانی که در پی برآوردن خواسته هایش، از هیچ کوشش و تلاش دست برنمی دارد و به هر چه می رسد او را قانع نمی کند و اسیر شعله های زیاده خواهی می باشد و سراسر وجودش را غفلت فرا گرفته، با حضور در اعتکاف و آشنایی با انسان ها وارسته و مشغول شدن به عبادت خداوند، حقارت هایی را که در وجود خود می دیده و احساس می کرده را فراموش می کند و به جایگاه و ارزش معنوی خود واقف می شود و برای حفظ و از دست ندادن آن سعی می کند که دنبال هیچ گناه و بزه ی نرفته و خلوص خود را پاسداری نماید. معتکف با حضور در اعتکاف، خود را واکنش نموده و با تقویت خود در اعتقاد و باورها و انجام اعمال عبادی در برابر

شبهه ها و فرهنگ‌های غربی که هر روز با عناوین مختلف وارد اجتماع می شود ،
ایستادگی کرده و پاسخ کوبنده ای در برابر این تهاجمات خواهند داشت .

منابع

1. قرآن کریم
2. طباطبایی ، سید محمد حسین ،(1350)، تفسیر المیزان ، برگرداننده :سید محمد باقر موسوی همدانی ،قم ، انتشارات اسلامی.
3. امام علی × (1379ش)، نهج البلاغه ، گردآوری :شریف الرضی ، محمد حسین ، مترجم :دشتی ، محمد ، قم ، مشهور.
4. سخنان امام علی × (1366) ، غرر الحکم و درر الکلم ، گردآوری :آمدی ، عبدالواحد بن محمد ، محقق: داریتی مصطفی،قم، مرکز نشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی.
5. احمد بن فارس ، (1404ق) ، معجم مقائیس اللغة، تحقیق عبد السلام محمد هارون ، قم ، دفتر تبلیغات اسلامی.
6. جوادی آملی ، چاپ دوم (1394)،بربال اعتکاف ،قم ، مرکز نشر اسراء.
7. حر عاملی ، محمد حسن ،(1416ق)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه،محقق: حسینی جلالی ،محمد رضا،قم،موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
8. خمینی ، سید روح الله ، 1392،تحریر الوسیله ، تهران ، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی &.
9. خمینی، سید روح الله ،چاپ پنجم (1389)،مجموعه آثار امام خمینی &،تهران ، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی &.
10. راغب اصفهانی، حسین بن محمد ، (1412 ق)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ترجمه :غلامرضا خسروی، تهران : مرتضوی.

11. روشن بین بروجردی، حمیدرضا، چاپ هفتم (1391)، اعتکاف بریدن از غیر خدا، قم، انتشارات موسسه فرهنگی مصباح الخیر.
12. سبحانی، سید جعفر، (1384)، اندیشه اسلامی (1)، محقق: دکتر محمد محمد رضایی، قم.
13. شیخ مفید، محمد بن محمد بن النعمان العکبری، چاپ یکم (1413ق)، المقنعه، قم، کنگره شیخ مفید.
14. عزیزی حسین، غفارزاده علی، (1384)، اندیشه اسلامی (2)، قم.
15. علی احمدی، حسین، چاپ اول (1380)، اعتکاف، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
16. گروهی از پژوهشگران، (1388)، اعتکاف ابرار، قم، انتشارات خلق.
17. گل محمدی شورکی، مصطفی، چاپ اول (1391)، کژراهه مدرن، تهران، نشر عط.
18. لوئیس معطوف، ترجمه محمد بند ریگی - چاپ ششم (1386)، فرهنگ المجد عربی به فارسی، تهران، انتشارات تهران.
19. معاونت فرهنگی هنری موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، چاپ اول (1395)، قم.
20. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (1403 ق)، بحار الأنوار، مصحح: جمعی از محققان، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
21. موظف رستمی، محمد علی، چاپ اول (1387)، مسجد و اعتکاف، کرج، انتشارات پرهیب.
22. مطهری، مرتضی، چاپ سوم، (1362)، حق و باطل به ضمیمه احیای تفکر اسلامی، تهران، انتشارات صدرا.
23. مطهری، مرتضی، (1394)، معرفت شناسی، تهران، پیش مطهر.

24. مطهری، مرتضی، چاپ چهارم (1374)، طهارت روح، گردآورنده: حسین واعظی، قم، ستاد اقامه نماز.
25. محمدی ری شهری، محمد، چاپ اول (1395)، فرهنگ نامه اعتکاف، مترجم: مسعودی، عبدالهادی، قم، دارالحديث.
26. حیدری نراقی، محمد علی، چاپ اول (1388)، نماز راه پیروزی بر مشکلات، قم، انتشارات مهدی نراقی.
27. مرکز بررسی و تحقیقات عقیدتی سیاسی سپاه، چاپ اول (1367)، قم، ستاد مرکزی واحد آموزش عقیدتی سیاسی.

اعتکاف راهبردی جامع در رشد و ارتقای معنوی

مدیران جامعه اسلامی



هادی دشن*

مقدمه

جامعه دینی جامعه‌ای است که تمام ابعاد انسانی (جسمی و روحی، مادی و معنوی) را در تصمیم‌گیری‌ها، مدیریت‌ها و اجراییات مورد توجه قرار می‌دهد و برای رشد و تعالی انسان‌ها و مردم جامعه خود برنامه‌ریزی و بسترسازی می‌نماید و با هر چیزی که باعث آفت و آسیب اجتماعی افراد در تمام ابعاد می‌شود مقابله می‌کند.

از آنجایی که جامعه دینی قائم به شخص نیست بلکه وابسته تعالیم معرفتی و الهی می‌باشد و افراد در هر مقام و جایگاهی مسئولیت اجرای احکام شریعت را بر عهده دارند و همه با هم در مسیر رشد معنوی جامعه خود مسئول هستند «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (در اداره جامعه دینی) همه شما فرمان‌روایید و همه شما نسبت به فرمان‌برانتان مسؤولید^۱. اما بنابر فرموده امیرالمومنین که «النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِإِئْتَائِهِمْ» مردم به کارگزاران و مدیران جامعه خود شبیه‌ترند از پدران‌شان^۲.

*. کارشناسی ارشد تفسیر روایی.

1. بحار الأنوار، ج 72، ص 38.

2. تحف العقول، ص 208.

مدیران ارشد جامعه از مسؤولیت بالاتری برخوردارند و باید در تمام امور پیشرو و پیشتاز باشند.

امور معنوی اسلام دارای تنوع و گونه‌گونی زیبایی می‌باشد و در زمینه رشد جامعه خود در زمان‌ها و مکان‌های مختلف برنامه‌های معنوی خاصی را مد نظر گرفته است و مردم را به سمت این امور سوق و جهت داده است که برخی مانند نماز بر تمام امت لازم و ضروری است و برخی برای عده‌ای با ویژگی خاص مثل استطاعت برای حج لازم و ضروری قلمداد شده است و برخی عبادات به صورت فراگیر بدون محدودیت زمان و مکان و برخی هم با محدودیت زمان و مکان توصیه و سفارش نموده است تا بستر معنوی جامعه را پررنگ جلوه دهد و شاخصه جامعه دینی که «معنویت گرایی» می‌باشد به نمایش بگذارد.

اعتکاف از جمله برنامه‌های فراگیر با محدودیت زمانی و مکانی می‌باشد که جامع تمام امور معنوی اسلام می‌باشد که کمک شایانی در ترویج و گسترش معنویت گرایی در جامعه دینی می‌کند. لذا از جمله برنامه‌های ثابت و تعطیل نشدنی شخص رسول اکرم به عنوان پیشرو و امام امت اسلام بوده است. و از این منظر که نگاه کنیم وقت گذاشتن برای این امر نه تنها اتلاف عمر و هدر دادن زمان خدمت و کار و تلاش نیست بلکه اگر مورد توجه قرار بگیرد و هر فرد بویژه مدیران جامعه فرصتی را برای این امر ایجاد نمایند، خواهیم دید که اثرات مثبتی که در روان فرد و اجتماع در بعد معنویت گرایی خواهد گذاشت، تقویت کننده جامعه دینی در همه فعالیت‌های اجتماعی می‌باشد و بازدارنده بسیاری از آسیب‌ها و آفت‌های اجتماعی خواهد شد.

در این مقاله به لطف حق در حد توان کم خود به تبیین ابعاد مختلف انسان در جامعه دینی و ضرورت رشد و تعالی این ابعاد خواهیم پرداخت و راهبردی بودن برنامه اعتکاف در این زمینه را تثبیت می‌کنیم و برای نهادینه شدن این سنت نبوی در بین تمام اقشار جامعه خاصه مدیران و کارگزاران جامعه دینی، ضرورت‌ها و

اقتضایات این راهبرد جامع دینی را در رشد معنویت جامعه اسلامی متذکر می‌شویم.

پیشینه و نظریه پردازی

اگر به سرگذشت و سیره پیشروان ادیان توحیدی چه قبل از اسلام و چه بعد از فراگیر شدن مکتب انسان ساز اسلام توجه نماییم در خواهیم یافت که یکی از امور جدی این افراد با تمام مشغله‌ها و مسؤولیت‌های کلیدی و کلان (رهبری نظام و مکتب دینی) در پاره‌ای از اوقات و در مکانی خاص، خلوت و انس دائمی با عالم غیب و پرودگار عالم بوده است. مثلاً مرحوم مجلسی به نقل از مرحوم طبرسی آورده است که: «إِنَّ سُلَيْمَانَ كَانَ يَعْتَكِفُ فِي مَسْجِدِ بَيْتِ الْمُقَدَّسِ السَّنَةَ وَالسَّنَيْنِ وَالشَّهْرَ وَالشَّهْرَيْنِ وَأَقَلَّ وَ أَكْثَرَ يُدْخِلُ فِيهِ طَعَامَهُ وَ شَرَابَهُ وَ يَتَعَبَّدُ فِيهِ»؛ به راستی سلیمان همیشه در مسجد بیت المقدس به مدت یک سال و دو سال، یک ماه و دو ماه، کمتر و بیشتر، اعتکاف می‌کرد و غذا و آب خود را به آنجا می‌برد و در آنجا به عبادت می‌پرداخت.^۱

و همچنین امام صادق × می‌فرماید: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا كَانَ الْعَشْرُ الْأَوَّلُ اعْتَكَفَ فِي الْمَسْجِدِ وَ ضَرِبَتْ لَهُ قُبَّةٌ مِنْ شَعَرٍ، وَ شَمَّرَ الْمِيزَرَ وَ طَوَى فِرَاشَهُ؛ همیشه این گونه بود که در دهه آخر [ماه رمضان] رسول خدا در مسجد معتکف می‌شد، خیمه‌ای از پشم برای او بر پا می‌کردند، و او پرده‌ای می‌آویخت و بستر خواب را جمع می‌کرد.»^۲ و حضرت علی × در زمینه اعتکاف پیامبر اکرم ^۳ می‌فرمود: «فَلَمْ يَزَلْ يَعْتَكِفُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّلِ مِنْ رَمَضَانَ حَتَّى تَوَفَّاهُ اللَّهُ»؛ پس همیشه در دهه آخر ماه رمضان در حال اعتکاف بود تا آن وقت که خداوند جان او

1. بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۱۴۱.

2. وسائل الشیعه، ج 10، ص 545.

را گرفت.^۱

و این سیره در مکتب اسلام در طول تاریخ تا به امروز به صورت چشم‌گیری با تأسی به سنت نبوی گسترش یافت و علما و بزرگان در هر دوره‌ای توجه خاصی به مسأله داشته‌اند. و به برکت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و خون مقدس شهدای انقلاب این سنت مورد استقبال گرم بسیاری از اقشار جامعه دینی ما قرار گرفته است و به فرموده مقام معظم رهبری: «اعتکاف یکی از رویش‌های انقلاب اسلامی می‌باشد».^۲

لذا به خاطر اهمیت مسأله، درباره چستی و چگونگی این برنامه جامع نبوی تا به حال کتاب و مقالات متعددی تدوین یافته که بیشتر به جنبه ساختاری آن پرداخته شده است. اما نکته‌ای که درباره اعتکاف به صورت خاص می‌شود نگاه کرد، مسأله بُعد تربیتی و رشد‌دهندگی معنوی این سنت ارزنده نبوی در جامعه دینی و ضرورت توجه خاص مسئولین و مدیران کلان جامعه به آن می‌باشد. که هم خود شخصاً در انجام آن برای رشد معنوی خود برنامه‌ای را در نظر بگیرند و هم زمینه و بستر را برای ترویج آن در جامعه اسلامی فراهم کنند. و ما در این مقاله به دنبال این نگاه هستیم.

معنای پایه و اساسی اعتکاف

معجم مقاییس اللغة ریشه و اصل معنای اعتکاف را این گونه آورده است: «العین و الکاف و الفاء أصلٌ صحيحٌ يدلُّ على مقابلةٍ و حبسٍ؛ عین و کاف و فاء یک اصل (ریشه) صحیحی است که بر گرایش و حبس دلالت می‌کند»^۳ و کتاب العین ساختار مصدری و فعلی این واژه را به معنای «اقبال کردن به چیزی و روی نگرداندن از آن» دانسته است: «عَكَفَ يَعْكَفُ و يَعْكُفُ عَكْفًا و عُكُوفًا و هو إقبالك على الشيء لا

1. بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۷.

2. بیانات سال ۱۳۸۴؛ در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران.

3. معجم المقاییس اللغة، ج ۴، ص 108.

تصرف عنه وجهك؛ عكف... همان روی آوری و گرایش تو بر چیزی می باشد که رویت را از آن برنخواهی گرداند»^۱ و این ریشه و معنا با مسأله اقامت گزینی در یک جا فرق می کند و دلیل این تفاوت را الفروق اللغه بیان نموده است: «(الفرق) بین العکوف و الإقامه: أن العکوف هو الإقبال على الشيء و الاحتباس فيه،... و الإقامة لا تقتضي ذلك؛ عکوف به معنای اقبال و گرایش به چیزی و خود را محبوس آن کردن است،... در حالی که اقامت کردن در جایی چنین اقتضایی ندارد. (ماندن در جایی بدون هیچ قید و بندی)»^۲

با در کنار هم قرار دادن این نظرات در معنای واژه عکف (و بیشتر علمای لغت چنین نظری دارند) به این اساس معنایی می رسیم که این واژه حامل بار معنایی دو واژه «اقبال» و «حبس» می باشد و با ترکیب این دو معنا باهم تشکل یافته است. لذا هرگاه این واژه در کلامی به کار می رود نیازمند متعلق هم می باشد تا معنای آن را کامل نماید. مانند آیه شریفه: ﴿يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ﴾^۳؛ بر بت های خود اقبال و پایبندی داشتند.

بنابراین واژه اعتکاف، از ریشه عکف (اقبال و پایبندی به چیزی) اشتقاق یافته است «الاعتكاف و هو افتعال من العكف»^۴ که به گفته تاج العروس در این باب معنای مطاوعی (اثربذیری) به خود گرفته است. «اعتكف و هو مطاوع عكفه عكفاً»^۵ و با این ساختار معنای اساسی اعتکاف «خود را به اختیار و علاقه برای کسی

1. کتاب العین، ج 1، ص 205.

2. الفروق فی اللغة، ص 303.

3. اعراف، 138.

4. مجمع البحرین، ج 5، ص 103.

5. تاج العروس من جواهر القاموس، ج 12، ص 397.

یا چیزی محبوس نمودن» می‌باشد. و کاربرد فراگیر و غالب این واژه در شریعت اسلام می‌باشد. در اسلام به کسی معتکف می‌گویند که خود را ملازم مسجد نماید و برای عبادت در آنجا مقیم شود. «قد تكرر في الحديث ذكر «الاعتكاف والعُكُوف» و هو الإقامة على الشيء، و بالمكان و لزومهما... و منه قيل لمن لازم المسجد و أقام على العبادة فيه: عاكف و مُعْتَكِف.»¹

معنای نسبی اعتکاف در قرآن

در قرآن کریم واژه اعتکاف استعمال نشده است اما از دیگر مشتقات عکف در 9 آیه آمده است که با بررسی همنشین‌های این واژگان به یک شبکه معنایی واحدی در سه حوزه (معنای لغوی، معنای کاربردی و معنای کاربردی مطلوب) می‌رسیم و از این طریق مقصود قرآن را از این واژگان می‌فهمیم.

معنای لغوی

در آیه 25 سوره حج ﴿وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ﴾؛ (همچنین) از مسجد الحرام، که آن را برای همه مردم، برابر قرار دادیم، چه کسانی که در آنجا زندگی می‌کنند یا از نقاط دور وارد می‌شوند... و همچنین آیه 25 فتح ﴿وَالْهُدْيِ مَعْكُوفًا﴾؛ و نگذاشتند قربانی [شما] که بازداشته شده بود به محلش برسد. کلمه «عاکف» و «معکوف» که از مشتقات (اسم فاعل و اسم مفعول) واژه «عکف» هستند، با کلمه «باد» و «هدی» همنشین شده‌اند و بر معنای لفظی خود که همان معنای پایه و اساسی این واژه است «خود را با علاقه مقیم و در بند کردن» دلالت دارد.

1. النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، ج 3، ص 284.

معنای کاربردی

مشتقات «عکف» در آیات (138 اعراف، 91 و 97 طه، 52 انبیاء و 71 شعرا) در کنار اصنام و معبودهای ساختگی به کار رفته است و نشان از تعلق و وابستگی شدید بت پرستان به خدایان ساختگی خود دارد و مطلبی که فهمیده می شود این است که اینها با ملازم دائمی بودن در کنار بت های خود اظهار این وابستگی و تعلق خاطر می کردند و به نحوی این کار جنبه تظاهرات و جلوه نمایی داشته است. و وجه مشترک همه این آیات این است که این آیات بیانگر عکوف دائمی آنها در کنار بت ها می باشند. و مفهوم کاربردی این واژه «خود را برای پرستش و عبادت کسی یا چیزی در بند نمودن» که نشان از مقصود و متعلق عکوف است را تداعی می کنند. که البته با سیاقی که این آیات در آن قرار گرفته اند و تویخ و مذمت هایی که در این سیاق آمده است، فهمیده می شود که این نوع از عکوف نامطلوب و ناپسند خداوند متعال می باشد.

معنای کاربردی مطلوب

در آیه 125 سوره بقره ① وَ عٰهَدْنٰ اِلٰى اِبْرٰهٖمَ وَاِسْمٰعِیْلَ اَنْ طَهِّرَا بَيْتِیْ لِلطَّائِفِیْنَ وَالْعٰكِفِیْنَ وَالرُّكَّعِ السُّجُوْدِ ۝؛ و ما با ابراهیم و اسماعیل عهد نمودیم که خانه ام را برای طائفین و عاکفین و رکوع و سجود کنندگان طاهر و مهیا نمایند. واژه عاکفین با طائفین و رکوع و سجود کنندگان هم نشین شده است و این سه باهم نمودهایی از عبادت در خانه خدا می باشد. و از این هم نشینی و قرار گرفتن واژه عاکفین در کنار طائف و رکع سجود فهمیده می شود که عاکف شدن در جوار بیت الله هم مورد توجه خداوند متعال می باشد و جزء مناسک و عبادت به حساب می آید. لذا بهترین بندگان خود را عهده دار طهارت و نظافت خانه خود می نماید تا فضا را برای این مناسک مهیا شود.

و در آیه 187 سوره بقره ﴿وَلَا تَبْشُرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ﴾؛ زمانی که در مساجد عاکفید... در کنار کلمه مساجد، که مکانی خاص برای عبادت و انس با خدا و تجلی گاه بندگی می باشد، به کار رفته است و با توجه به معنای اساسی خود، معنای مسجدنشینی و خلوت گزینی را برای مخاطبین تداعی می نماید. و نهی که قبل از این عبارت در این آیه شریفه آمده است «وَلَا تَبْشُرُوهُنَّ؛ با همسران خود مباشرت نکنید» به نحوی متعلق عکوف در مسجد را که بندگی و عبادت کردن است، مشخص می کند. و آن اینکه هنگام بست نشینی در مسجد مراوداتی که مانع خلوت و انس شماست باید ترک شود و حرمت این مکان و این لحظات باید حفظ شود و شکسته نشود.

و از مجموع این دو آیه شریفه فهمیده می شود که نفس «عکوف» با متعلق بندگی و عبادت پروردگار عالم چه در بیت الله الحرام و چه در دیگر مکان های عبادی به نام مساجد، مطلوب و مورد پسند و رضایت حق متعال می باشد و برای اجرایی شدن آن با تشریع احکام خاص اسباب و زمینه ها را فراهم و راه برطرف سازی موانع را بیان می نماید. که فقها هم در تعریف اعتکاف به این نکته توجه داشته اند و اعتکاف را این گونه تعریف کرده اند: «كُتَابُ الْاِعْتِكَافِ، وَ هُوَ اللَّبْثُ فِي الْمَسْجِدِ بِقَصْدِ الْعِبَادَةِ؛ اعتکاف همان ماندن و اقامت گزیدن در مسجد به قصد عبادت می باشد.»¹

راهبرد معنوی

امروزه توجه به بُعد روحی و معنوی انسان در بسیاری از جوامع علمی پذیرفته شده است و عده ای در تلاش اند تا این بُعد از انسان را با مفهوم انسانیت ترویج دهند و انسان هایی را با گرایشات معنوی تربیت نمایند و تحویل جامعه بدهند. گریگور پیرس می گوید: «بسیاری از ما زمان زیادی را در حال کار کردن سپری می کنیم شرم

1. عروة الوثقی، ج 3، ص 665.

آور خواهد بود اگر نتوانیم خدا را در آنجا پیدا کنیم.^۱ حتی برخی انسان بدون راهبرد صحیح معنویت را بحران زده می‌دانند و چنین اظهار کرده‌اند که: «ما بر این باوریم که آنچه بشریت در این وضعیت بحران زده با آن مواجه است این نیست که سازمان‌ها باید معنوی‌تر شوند یا خیر؟ بلکه انتخاب این است که آن‌ها چگونه می‌توانند به این مهم دست یابند؟»^۲ و جالب اینکه تعریفی که از معنویت دارند این است که معنویت مانند جویباری جاری دائماً در زندگی بشر جریان دارد و یک مقصد خاص را دنبال می‌کند. مایر در تعریف معنویت می‌گوید: «معنویت، جست‌وجوی مداوم برای یافتن معنا و هدف زندگی، درک عمیق ژرفای ارزش زندگی، وسعت عالم، نیروهای طبیعی موجود و نظام باورهای شخصی است.»^۳ و سرانجام این معنویت را زمینه‌ای برای تکامل انسانیت انسان می‌دانند معنویت را به عنوان تلاشی در جهت آنچه برای انسان شدن مورد نیاز است و جست‌وجو برای رسیدن انسان به انسانیت کامل تعریف می‌کنند.^۴

نگاهی که علمای اسلام به معنویت دارند بر اساس آموزه‌های قرآن و اهل بیت این است: «معنویت یکی از نیازهای درونی انسان است که در قلب‌ها، ذهن‌ها و آیین‌ها به ویژه آیین‌های مذهبی وجود دارد. معنویت مفهومی هستی‌شناختی است که هدف از آن انسان و تکامل اوست.»^۵ و گستره این معنویت را همه زندگی فردی و اجتماعی بشر دانسته‌اند: «ادیان الهی و از جمله اسلام همواره برای تکامل انسان و

1. عباسعلی رستگار، ارایه و تبیین مدل انگیزشی مبتنی بر معنویت، ص 44.

2. وحید ناصحی فرد و محمد الماسی فرد، جایگاه معنویت کاری در سازمان‌های امروز، به نقل از میتروف دنتون، ص 20.

3. عباسعلی رستگار، ارایه و تبیین مدل انگیزشی مبتنی بر معنویت، ص 44.

4. همان، به نقل از هایلنز.

5. پروین صمدی، هوش معنوی، ص 102 و 103.

معنوی نمودن زندگی بشر آمده‌اند. معنویت درباره خود آگاهی و یکی شدن با دیگران است. معنویت ترکیبی از فلسفه‌های اصلی زندگی ما و ارزش‌ها و اعمال ماست.^۱ و مانعی که بر سر راه این نیازحیاتی است انکار اصل ماوراء الطبیعه توسط انسان و در نتیجه غلبه زندگی مادی بر معنوی، می‌باشد. شهید مطهری در کتاب نبوت بیان می‌کند: «انسان نباید منکر قوای روحی و استعدادهای خارق العاده روحی بشر شود، نباید منکر جهان دیگری ما فوق این جهان شود. و همچنین نباید منکر اثر تقوا و معنویت شد.»^۲

از مطالبی که آورده شد در جمع چنین به نظر می‌رسد که تفاوت زیادی در نگاه و تعریف از معنویت در میان اندیشمندان غربی و اسلامی نیست. اما تفاوت اساسی در قالب و روش‌های ترویج و ایجاد این معنویت در جامعه است که برای روشن شدن این تفاوت به یک واقعیت بیرونی می‌رسیم و آن اینکه وقتی به عالم واقع نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که از ابتدای خلقت آدم تاکنون معنویت در همه بشر جریان داشته و نبود معنویت برای انسان نبود زندگی تلقی می‌شده و کثرت فرقه‌ها و مکتب‌های اعتقادی و عرفانی در طول تاریخ بشریت، نشان از این دارد که معنویت گرایی چه از روی حق و حقیقت باشد و چه ریشه در باطل داشته باشد، یک اصل در زندگی می‌باشد.

روند این اصل حیاتی ریشه در دو گونه از جهان‌بینی مادی‌گرا و خداگرا دارد. لذا در این مسیر بسیاری از بشریت در محسوسات و طبیعیات خود مانده و از چارچوب مادی فراتر نرفته‌اند و با خردنگری برای تامین نیاز معنوی خود به آموزه‌های باطل

1. سید محمد مقیمی، امیر حسین رهبر و حسن اسلامی، معنویت سازمانی و تاثیر آن در خلاقیت کارکنان، ص 90.

2. شهید مرتضی مطهری، نبوت، ص 194.

روی آورده‌اند و چون راهی که رفته‌اند، با فطرت خدا جوی انسان و روح خدادادی او متناسب نبوده، نتوانسته این نیاز حیاتی خود را تأمین کنند و به رشد و کمال معنوی برسند. در مقابل کسانی هستند که به آموزه‌هایی که مبنای وحیانی و الهی دارد، روی آورده و در مسیر کمال خود قرار می‌گیرند و به میزانی که بر اساس این آموزه‌ها عمل کنند، رشد معنوی پیدا می‌کنند. برخی به معنویت حداقلی بسنده می‌کنند و برخی مانند انبیاء و اولیاء الهی در اوج این آموزه‌های وحیانی به کمال خود می‌رسند. دلیل این دو یا چندگانگی معنوی را امام صادق × به این بیان مطرح کرده‌اند: «عَنْ حَبِيبٍ قَالَ: قَالَ لَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ × مَا أَخَذَ أَحَدٌ إِلَيَّ مِنْكُمْ إِنَّ النَّاسَ سَلَكَوا سُبُلًا شَتَّى مِنْهُمْ أَخَذَ بِهَوَاهُ وَ مِنْهُمْ أَخَذَ بِرَأْيِهِ وَ إِنَّكُمْ أَخَذْتُمْ بِأَمْرِ لَهُ أَصْلٌ؛ حَبِيبٌ گوید: حضرت امام صادق × به ما فرمودند: هیچ کس نزد ما محبوب‌تر از شما نیست، مردم هر کدام بطرفی رفتند و راهی برای خود برگزیدند، گروهی دنبال هوای نفس رفتند و بعضی به رأی خود عمل کردند، ولی شما دنبال چیزی رفتید که برای آن اصل و ریشه‌ای وجود دارد، و پایه‌های آن ثابت می‌باشد.»¹ همانطور که از ظاهر روایت معلوم است سه عامل در معنویت گرایی انسان نقش دارد (خودخواهی، خودرأیی و خردمندی) که هر کدام انسان را به سمت خود می‌کشاند و فقط یک جهت از این سه حق و حقیقت است و دوتای دیگر جز تباهی و نابودی سرانجامی ندارد. به هر طریق انسان‌ها در روند معنوی خود روش‌ها و قالب‌های گوناگونی دارند، که این قالب‌ها مانند بت پرستی و... یا ساخته و پرداخته ذهن مادی است. یا اینکه تمام و کمال این قالب‌ها مانند نماز، روزه، حج و... دلیل عقلانی و وحیانی دارد که سلوک و سبک زندگی در جوامع بشری را می‌سازند. و از آنجا که این قالب‌ها خود مقصود و هدف نیستند و وسیله‌ای برای تأمین نیاز معنوی بشر می‌باشند راهبرد معنوی

1. بحار الأنوار، بیروت، ج 65، ص 90.

گفته می‌شود.

در قرآن کریم برای راهبرد معنوی در ادیان آسمانی، از واژه «منسک» استفاده شده است. کلمه مَنَسَك (بر وزن معبد) هم مصدر میمی، بمعنی عبادت است و هم اسم مکان و زمان، و جمع آن مناسک است. ① لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسَكًا هُمْ نَلْسِكُوهُ فَلَا يُنَازِعُكَ فِي الْأَمْرِ ۖ؛ برای هر امت عبادتی است که بدان عابداند و عمل می‌کنند پس درباره عملی که تو می‌آوری منازعه نکنند.^۱ منسک در آیه مصدر و مراد از «امه» امت‌های گذشته است که صاحب ادیان آسمانی بوده‌اند نه امت‌های مشرک.^۲ و آیه شریفه ③ قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۖ بگو همانا نماز و سلوک و زندگی و مرگم برای خداست پروردگار جهانیان.^۳ با روش تربیتی خود چنین القا می‌کند که سمت و سوی این منسک یک جهت دارد (لله رب العالمین) و تنها راهبرد معنویی است که می‌توان از راه تعلیم و ترویج آن در جوامع بشری، سرانجام نیک و سعادت‌مندی را برای بشیریت رقم زد و گستره معنویت را در جامعه رشد و ارتقا داد.

رشد و ارتقای معنوی

در مبحث قبل به معنویت از این جهت که یک نیاز جدی و حیاتی انسان است، نگاه شد که دارای دو راهبرد بینشی حق و باطل می‌باشد. نگاهی که در این مبحث به معنویت می‌شود این است که پاسخ منطقی به چنین نیازی باید به مقتضای رشد جسمی و روحی انسانها باشد تا تمایل و انگیزش فرد را در گرایش به آن

1. حج، 67.

2. قاموس قرآن، ج 7، ص 58.

3. انعام، 162.

افزون سازد.

کلمه «رشد» نقیض «غی» به معنای رسیدن به واقع مطلب و حقیقت امر و راه میانه است.¹ بنابراین، «رشد» و «غی» اعم از هدایت و ضلالت است. برای این که هدایت به معنای رسیدن به راهی است که آدمی را به هدف می‌رساند، و ضلالت هم نرسیدن به چنین راه است، ولی ظاهراً استعمال کلمه «رشد» در رسیدن به راه اصلی و وسط آن از باب انطباق بر مصداق است. به سخن دیگر، یکی از مصادیق رشد و یا لازمه معنای رشد، رسیدن به چنین راهی است؛ چون گفتیم رشد به معنای رسیدن به واقع مطلب است و معلوم است که رسیدن به واقع، منوط بر این است که انسان، راه راست و وسط طریق را پیدا کرده باشد، پس رسیدن به راه، یکی از مصادیق واقع است. و این معنا در دو آیه ① **فَإِنْ أَنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا**؛ همین که احساس کردید یتیم رشد خود را یافته² و ② **وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِنْ قَبْلُ**؛ ما رشد ابراهیم را از پیش به او داده بودیم³ کاملاً به چشم می‌خورد.⁴

انسان در این جهان در مسیر رشد و تکامل قرار دارد و هدف نهایی رسیدن به قرب الهی می‌باشد و در این راه از ابزار جسم و روح بهره می‌گیرد تا رشد یابد و به تعالی برسد. رشد حقیقی در قرآن، رشد معنوی، رشد ایمان و تکامل اخلاقی می‌باشد. جنبه‌ای که انسان باید با اختیار خودش آن را کسب نماید و مدارج آن را بییماید، و گرنه تمام انسان‌ها در مراحل خلقت و رشد جسمانی یکسانند و آنچه یکی

1. لسان العرب، ج 3، ص 175؛ مصباح المنیر، ج 2، ص 227؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج 2، ص 342.

2. نساء، 6.

3. انبیاء، 51.

4. المیزان فی تفسیر القرآن، ج 2، ص 342.

را بر دیگری ممتاز می‌گرداند درجه رشد ایمان و تقوی می‌باشد.^۱

استاد شهید مرتضی مطهری در مورد رشد چنین می‌نویسد: «رشد یعنی لیاقت و شایستگی برای نگهداری و بهره‌برداری از امکانات و سرمایه‌هایی که در اختیار انسان قرار داده شده است.»^۲ مرحوم آیت الله طالقانی در تفسیر پرتوی از قرآن در ذیل آیه 186 سوره بقره «وإذا سئلك عبادي عني...» می‌نویسد: «فراهم شدن زمینه رشد‌گرایی محصول نهائی دعا و استجاب خدا و ایمان کامل است و باز شدن افق دعا در پی کمال روزه و تکبیر و شکر می‌باشد... اثر نمودار رشد، شگفتگی استعدادها، آرامش و تصمیم برای پیشبرد هدف‌ها و حاکمیت بر غرایز و عادات و انگیزه‌ها و انفعال‌های نفسانی است.»^۳

در اهمیت و ضرورت رشد و تعالی روح برای انسان به قسمتی از نوشته مرحوم صفایی حایری در کتاب حرکت توجه و تأمل می‌کنیم. هر کدام از ما در جایگاهی نشسته‌ایم و برایمان چه در خانه و اداره و چه در محراب و منبر، اشتغال و فعالیتی است. گاه به آنچه امروز داریم، قانع‌ایم و خیال می‌کنیم همان نهایت و غایتی است که می‌توانیم تأمین کنیم. این در صورتی است که به محدودیت در انسان معتقد باشیم و او را در محدوده‌ای متوقف کنیم. اما اگر معتقد باشیم که، انسان گرچه استعدادهایش محدود است، ولی با ترکیب آنها نامحدود و بی‌نهایت می‌شود، هیچ گاه جایگاهی را که داریم نقطه آخر نخواهیم دانست. که حروف الفبا در ترکیب با هم بی‌نهایت کلمه و بی‌نهایت جمله به وجود می‌آورند. استعدادهای انسان هم در

1. خبرگزاری مهر، «از رشد جسمانی تا عقلی و معنوی، ابعاد رشد انسان از منظر قرآن»،

www.parsine.com

2. شهید مرتضی مطهری، امدادهای غیبی در زندگی بشر، ص 133.

3. سید محمود طالقانی، پرتوی از قرآن، جلد دوم.

ترکیب با یکدیگر، بی‌نهایت استعداد می‌آفرینند. آدمی که به ماهی چند هزار تومان حقوق و یک زن و بچه و برو بیایی و احیاناً یک عنوان روشن فکری و چند جلسه سخنرانی قانع است، دیگر چه می‌خواهد؟! اگر به این حد قانع باشد، طبیعی است که حرکتی نکند، طبیعی است که در رکودش بگردد. اگر به طهارت آب پاک چشمه‌ها و اشک پاک ابرها هم که باشد، می‌گردد؛ که گنبدن ضرورت است.

کفر متحرک به اسلام می‌رسد، ولی اسلام را کد، پدر بزرگ کفر است. سلمان‌ها در حالی که کافر بودند، حرکتشان آن‌ها را به رسول منتهی کرد و زیرها در حالی که با رسول بودند، رکودشان آن‌ها را به کفر پیوند زد. کفری که با حرکت ما همراه باشد، وحشتی ندارد. وحشت آنجایی است که با رکودها پیوند خورده باشیم.^۱ حال که چیستی ضرورت و اهمیت رشد و ارتقای معنوی برای انسان موحد و مومن مشخص شد به عواملی که در این رشد و تعالی روح دخیل هستند، به صورت مختصر می‌پردازیم. بطور کلی سه عامل اساسی را برای رشد و ارتقای معنوی و تربیت عقل انسان می‌توان برشمرد: اول زیست محیطی؛ دوم روحی و معنوی؛ سوم اجتماعی.^۲

1. عوامل زیستی رشد

انسان دارای ابعاد مختلف زیستی می‌باشد که هر کدام از این ابعاد مورد بی‌توجهی و غفلت قرار بگیرد روح و روان و معنویت او را به خطر خواهد انداخت و از رشد بازخواهد داشت که عمده‌ترین این ابعاد عبارت است از:

1. علی صفایی حایری، حرکت، ص 12.

2. برگرفته از مقاله «عوامل رشد عقل و نقش آن در رشد فلسفه»، علی اله بداشتی.

الف) سلامت مغز و قوای ادراکی

از دیدگاه حکمت اسلامی نفس آدمی از جنبه عقلانیت و مدرکیتش، مدرک حقایق کلی و جزئی است، لیکن نفس برای ادراکات خویش نیازمند ابزار مادی است. مهمترین آنها مغز و حواس پنجگانه بویژه دو قوه‌ی شنوایی و بینایی است. هر یک از اعضای حسی در بخشی از ادراکات انسان نقش اساسی دارند که فقدان یا نقص آن، در آن بخش از ادراک تأثیر مستقیم دارد، چنانکه گفته‌اند: «من فقد حساً فقد فقد علماً؛ هر کس یکی از حواس را نداشته باشد از ادراکات آن حس محروم خواهد بود.»^۱

پس سلامت قوای ادراکی در اکتساب علوم حصولی که براساس مشاهدات و تجربه و استدلال و برهان بدست می‌آید، نقش اساسی دارد. لازمه خردمندی هم تفکر است پس لازمه تربیت انسان خردمند، تربیت انسان سالم بویژه از لحاظ قوای ادراکی است و برای رسیدن به این مقصود رعایت نکته‌های زیر ضروری است. پرهیز از خوردن غذاهای ناسالم بویژه ناپاک مانند نوشابه‌های الکلی و مست کننده و مواد مخدر و هر چیزی که عقل و هوش انسان را زایل می‌کند؛ دوری جستن از هرگونه نزاع و درگیری که ممکن است موجب آسیب رسیدن به قوای ادراکی شود؛ ورزش برای سلامت بدنی و نشاط روحی اما از مسابقه در ورزش‌هایی که امکان صدمه دیدن قوای ادراکی در آن زیاد است مانند مشت زنی، باید پرهیز کرد؛ روزه گرفتن از دو جهت به رشد عقل کمک می‌کند: یکی از جهت تأثیر آن در سلامتی بدنی چنانکه امیر مومنان می‌فرماید: «الصيام احد الصحتين؛ روزه داری یکی از دو سلامتی است.»^۲ و دیگر از آن جهت که موجب رشد تقوا می‌گردد. خدای سبحان می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ

1. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 7، ص 506.

2. غرر الحکم و درر الکلم، ص 90؛ سید علی اصغر ناظم زاده، جلوه‌های حکمت، ص 360.

لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿۱۸۳﴾؛ ای اهل ایمان! روزه بر شما مقرر و لازم شده، همان گونه که بر پیشینیان شما مقرر و لازم شد، تا پرهیزکار شوید.^۱ حکمت روزه در این آیه شریفه، تقواست و تقوا همان نیروی نگهدارنده نفس از سقوط در شهوات و خواسته‌های نفس اماره است. در مصباح الشریعه منسوب به امام صادق × آمده است: «... الصَّوْمُ يُمِيتُ مُرَادَ النَّفْسِ وَ شَهْوَةَ الطَّبْعِ وَ فِيهِ صَفَاءُ الْقَلْبِ وَ طَهَارَةُ الْجَوَارِحِ وَ عِمَارَةُ الظَّاهِرِ وَ الْبَاطِنِ؛ روزه خواسته‌های نفسانی و شهوت طمع را می‌میراند و موجب صفای قلب و طهارت جوارح و درستی ظاهر و باطن آدمی می‌شود...».^۲

(ب) آرامش و سلامت محیط زندگی

بدیهی است که تفکر در مسائل عقلی در محیطی آرام و دور از صداهای ناهنجار و هوای پاک و فضای سالم بسیار مناسب‌تر است. شاید یکی از حکمت‌های رفتن پیامبر^۷ به غار حرا این بوده باشد که فرصتی به چنگ آورد تا در دامن طبیعت در تنهایی و آرامش کوه به تفکر در صنع الهی بپردازد تا اعقل الناس باشد و قلبش ظرف گنجینه‌های روحی و حکمت خداوندی گردد.

(پ) طهارت و نظافت بدن

طهارت در معنای عام آن، هم شامل طهارت روح و هم شامل طهارت بدن است. در اینجا سخن ما درباره طهارت بدن از نجاسات و پاکیزگی آن از آلودگی‌هاست. امروزه با رشد فرهنگ عمومی رعایت نظافت امری عادی شده اما به طهارت هنوز در خانواده‌هایی که روح ایمان در آنها رشد نکرده است آنگونه که باید، اهمیت داده نمی‌شود. طهارت موجب می‌شود که انسان محبوب خدا گردد چنانکه قرآن

1. بقره، 183.

2. مصباح الشریعه، ص 136.

کریم می‌فرماید: ① **وَاللّٰهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ**؛ خدا پاکان را دوست دارد.^۱ پیداست که این طهارت اعم از طهارت جسمی از نجاست‌ها و آلودگی‌ها و طهارت روحی از هرگونه رجس و پلیدی و اخلاق فاسد و اعتقاد باطل است. هرگاه این طهارت‌ها حاصل شد توفیق فهم حقیقت قرآن و حقیقت هستی نیز فراهم می‌شود.

(ت) غذای پاک، حلال و مناسب

غذای حلال و پاک اثرهای معنوی و روحی خاصی در انسان می‌گذارد و بی‌توجهی به آن یعنی خوردن غذاهای حرام و مشکوک موجب قساوت قلب شده و توفیق انسان را در شناخت حقایق کم می‌کند. شاید از این روست که خدای سبحان می‌فرماید: ② **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ**؛ ای کسانی که ایمان آوردید... از آنچه به شما روزی دادیم حلال و پاک آن را تناول کنید و از خدایی که به او ایمان دارید پروا داشته باشید.^۲ آوردن جمله «اتقوا الله» بعد از فرمان خوردن غذای پاک و حلال بیانگر لازمه رعایت تقوا در این مسئله است؛ یعنی باید غذایی را خورد که حق دیگران را در آن نباشد و از راه‌های حرام مانند ستاندن از یتیم، دزدی، رشوه و... بدست نیامده باشد و از سوی دیگر حق الله و حق الناس را پرداخته باشد تا حلال شود و از غذاهای نجس، مثل غذاهایی که با گوشت خوک و یا با گوش حیوانی که براساس دستورات اسلام ذبح نشده، درست شده‌اند، پرهیز کرد.

(ث) آرامش روانی و نشاط روحی

این مسئله از مهمترین عوامل سلامت عقل و رشد معنوی افراد است چرا که اضطراب‌های روحی و بهم خوردن تعادل روانی فرصت اندیشیدن را از انسان سلب

1. توبه، 108.

2. مائده، 88.

می‌کند. فردی که در محیط خانه، مدرسه یا اجتماع امنیت روانی احساس نکند و همواره درگیر نزاع‌های خانوادگی یا سیاسی یا محیط زندگی دانشجویی باشد یا با عدم تامین معاش زندگی و هزینه تحصیلی مواجه باشد یا همواره نگران آینده شغلی خویش باشد فکر و روح او آشفته و مضطرب است و نمی‌تواند تمرکز فکری داشته باشد در نتیجه از رشد عقل باز می‌ماند.

2. عوامل روحی و معنوی موثر در رشد

الف) علم آموزی و حکمت اندوزی

حکما برای عقل نظری مراتبی بر می‌شمارند مانند: **عقل بالقوه، بالملکه و بالفعل**^۱؛ یعنی ابتدا عقل آدمی یک قوه محض است که آن را عقل هیولانی می‌گویند و از آن جهت که صورتی در آن متنقش نشده است آن را تشبیه به هیولای مادی می‌کنند. بفرموده امیرالمومنین ×: «العقل غریزه تزید بالعلم و التجارب؛ عقل یک نیروی غریزی نهاده شده و در درون آدمی است که با علم و تجربه رشد می‌کند»^۲. حکما نیز می‌گویند عقل بالقوه پس از دریافت بدیهیات مانند: اولیات، تجربیات، متواترات، مقبولات و غیره به مرتبه عقل بالملکه و با ممارست در آموختن و تجربه علمی و قیاس‌های برهانی به مرتبه عقل بالفعل می‌رسد.^۳

ب) به یاد خدا بودن از نگاه حکمت قرآنی

یکی از چیزهایی که موجب شکوفایی عقل می‌شود ذکر الله است، چون ذکر موجب نورانیت عقل و حیات قلب است و بدیهی است که عقل نورانی شده به نور الهی صلاحیت ادراک حقایق ماوراء طبیعی را دارد. امیرمومنان درباره تاثیر ذکر در

1. صدرالمتالهین، الشواهد الربوبیه، ص 202 تا 206.

2. غرر الحکم و درر الکلم، ص 91.

3. صدرالمتالهین، همان.

روشنی عقل می‌فرماید: «الذكر نور العقل و حیات النفوس و جلاء الصدور؛ ذکر موجب نورانیت عقل و حیات جان و روشنی دل‌هاست.»^۱ این معنا در چند حدیث تکرار شده است.

(پ) تقوا و تزکیه نفس

تقوا و آراستگی درون از آلودگی‌های گناه دو اصل اساسی در رشد و تعالی علمی و عقلی انسان هستند. قرآن کریم می‌فرماید: ① يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر تقوای الهی پیشه کنید خدا قوه شناخت حق و باطل را به شما عنایت می‌کند.^۲ و این قوه برای انسان حاصل نمی‌شود مگر با رشد عقل.

عوامل اجتماعی موثر در رشد

عوامل اجتماعی بنوبه خود در رشد عقل می‌توانند تأثیر مثبت یا منفی داشته باشند که مهمترین آنها عبارتند از:

(الف) آزادی و استقلال فکری در محیط زندگی

افرادی که بتوانند آزادانه درباره مسائل اعتقادی و اجتماعی و فرهنگی بیندیشند و بتوانند حاصل اندیشه خویش را به دیگران عرضه کنند سریعتر به رشد اجتماعی می‌رسند و خرد اجتماعی آنان بهتر رشد می‌کند تا کسانی که اجازه تفکر و تصمیم‌گیری ندارند و همواره باید از دستورات دیگران تقلید کنند. قرآن کریم کسانی را که اندیشه نمی‌کنند و در انتخاب عقیده تنها به تقلید از گذشتگان می‌پردازند نکوهش می‌کند و می‌فرماید: [وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا آَلَفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا؛ وقتی به کافران گفته می‌شود از آنچه که خدا فرو فرستاده پیروی کنید

1. غررالحکم در الکلم، ص 111.

2. انفال، 29.

می‌گویند ما از آنچه از پدرانمان یافته‌ایم تبعیت می‌کنیم.] در ادامه خدای سبحان در یک استفهام انکاری آنان را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌فرماید: [أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ؛ اگر چه پدرانشان چیزی نمی‌فهمیدند و به راه هدایت نبودند.]^۱ در مقابل، آنهایی که اهل اندیشه هستند و در سخنانی که شنیده‌اند تأمل می‌کنند، را مورد تقدیر قرار می‌دهد و آنان را اهل هدایت و از خردمندان می‌داند: [وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادِ * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ؛ و آنان که از پرستش طاغوت دوری جستند و به درگاه خدا بازگشتند آنها را بشارت و مژده رحمت باد. (ای رسول) توهم آن بندگان را به لطف و رحمت من بشارت ده. آن بندگان که چون سخن بشنوند به نیکوترین آن عمل کنند آنان هستند که خدا آنها را به لطف خاص خود هدایت فرموده و هم آنان به حقیقت خردمندان عالمند.]^۲

ب) همنشینی با عالمان و صاحبان فکر و اندیشه

طبیعی است که همنشینی با عالمان بر خرد انسان می‌افزاید و انسان را رشد می‌دهد و در مقابل، همنشینی با سفی‌هان و جاهلان انسان را از تکامل معنوی و عقلی باز می‌دارد. امیرمومنان در اهمیت همنشینی با حکیمان می‌فرماید: «مجالسة الحكماء، حياة العقول؛ همنشینی با حکیمان حیات عقل‌هاست»^۳ و در سخن گرانمایه دیگر می‌فرماید: «من ترك الاستماع من ذوی العقول مات عقله؛ کسی که در مجلس

1. بقره، 170.

2. زمر، 17 و 18.

3. غرر الحکم و درر الکلم، ص 430.

درس خردمندان ننشیند و کلمات حکیمانه شان را نشنود عقلش می‌میرد.^۱
(پ) مباحثه و مناظره و گفتگوهای علمی

یکی از سنت‌های پسندیده و دیرین سیستم آموزشی حوزه‌های علمی جهان اسلام روش مباحثه طلاب و دانشجویان علوم اسلامی است که بعد از هر درس آن درس را مطالعه و سپس دو نفری یا چند نفری مباحثه می‌کنند. این کار اولاً، مکمل استماع و شنیده‌های استادان است ثانیاً، نکته‌های مبهم درس یا مباحثه گشوده می‌شود و به فهم دقیقتر طرفین مباحثه کمک می‌کند. امیرمومنان می‌فرماید: «عالمترین مردم کسی است که علم دیگران را به علم خود بیفزاید.»^۲ شهید ثانی از عالمان و فقیهان بنام، در اهمیت مناظره و مباحثه می‌گوید: «مناظره و تبادل فکری و رای و نظر در احکام دینی بعنوان بخشی و عضوی از پیکره دین تلقی می‌شود...»^۳ گفتنی است که مناظره و مباحثه باید در محیطی کاملاً دوستانه و بمنظور کشف حقیقت باشد نه خودنمایی و غلبه بر طرف دیگر بحث.

شاخصه‌های مدیران جامعه اسلامی

آنچه در سعادت جامعه نقش اساسی دارد، شایستگی و جامع شرایط بودن مدیران و کارگزاران آن جامعه است. در سازمان‌ها نیز موفقیت سازمان در رسیدن به اهداف و مأموریت‌های سازمانی منوط به مدیرانی کاردان و لایق می‌باشد. بنابراین انتخاب کارگزاران و مدیران اصلح سزاوار توجه و بررسی فراوان است و باید معیارهایی برای سنجش افراد و انتخاب ایشان در نظر گرفته شود. مسلماً معیارهای

1. کنز الفوائد، ج 1، ص 199.

2. کتاب الخصال، ج 13، ص 5.

3. آداب تعلیم و تعلم در اسلام، زین الدین عاملی، ترجمه محمدباقر حجّتی، ص 436.

سنجش در هر جامعه باید متناسب با ارزش‌ها و جهان‌بینی آن جامعه تعریف شود. جهان‌بینی مادی منحصر به جهان ماده می‌باشد ولی در جهان‌بینی اسلامی، هم این جهان و هم آخرت مورد توجه است. در جهان‌بینی اسلامی هدف صرفاً تولید بیشتر نیست بلکه هدف نهایی تعالی انسان و رسیدن او به جایگاه خلیفه خدا بر روی زمین می‌باشد. این تفاوت در جهان‌بینی از تمایزات مدیریت اسلامی با مدیریت غربی می‌باشد که هر یک از این دو دیدگاه معیارهای سنجش خاص خود را دارند.

در مدیریت اسلامی، بهترین مرجع برای یافتن معیارهای مناسب سنجش افراد، قطعاً سخن معصومین^۱ می‌باشد. در میان کتب دینی نهج البلاغه را باید یک سند راهبردی در تمامی امور دانست، کتابی که پس از قرآن کریم که سخن حق تعالی است به تبیین مسایل اسلام و سیره پیامبر^۲ پرداخته و امام علی^۳ در تمامی خطبه‌ها و نامه‌ها که حاصل دوران پنج ساله حکومت ایشان است به خوبی آنچه مورد نیاز یک جامعه معنوی است را بیان نموده است. بکارگیری این ویژگی‌ها برای مدیران امروز در هدایت سازمان به خصوص از بعد معنوی مثمر ثمر خواهد بود.

از اساسی‌ترین ویژگی‌های یک مدیر و کارگزار نظام اسلامی ایمان و توکل به خدا و پایبند به ارزش‌های مبنایی اسلام است. مدیر مومن، مطیع فرمان‌های الهی است و می‌داند که اگر در جریان کارها شرایط سخت و دشواری برایش پیش آید و یا زمینه کارها بسیار آماده باشد و امور به سهولت در برابرش پدیدار گردد، در هر دو حالت روحیه خود را نباخته و خود را در مسیر اجرای فرامین الهی می‌بیند و با وقار و اطمینان خاطر کار را ادامه می‌دهد.

این ویژگی اساسی حاصل عوامل و تعالیم تربیتی می‌باشد. تا یک مدیر اسلامی خود را تحت نظر این آموزه‌ها پرورش ندهد نمی‌تواند جامعه را به رشد و کمال معنوی خود برساند که خلاصه و عمده این شاخصه‌ها و عوامل مؤثر در تربیت مدیران جامعه اسلامی عبارت است از:

1. خودسازی و مبارزه با نفس

حضرت علی × در این خصوص در نامه‌اش به مالک اشتر در توصیه‌ای می‌فرماید: «ای مالک، مالک نفس خویش باش و آن را به دست هوی مسپار، نفس خویش را با ترک خواهش‌ها بکش و به هنگام سرکشی، عنانش را بکش که نفس پیوسته به بدی فرمان می‌دهد جز آنکه خدای رحم کند و در اجابت نفس در نارواها بخل بورزد و بدان که همانا بخل ورزیدن نسبت به نفس، مراعات انصاف است در آنچه که برای آن خوشایند یا ناخوشایند است.»^۱

2. بهره‌بری از ابزارهای معنوی اتکا و اعتماد به خدا و نصرت الهی

یک مدیر ارزشی و انقلابی نظام اسلامی مدیری است که از ابزارهای معنوی اتکا و اعتماد به خدا و نصرت الهی برای انجام وظایفش بهره‌برد تا از انجام کارها خسته و افسرده و مایوس نشود و سختی‌های بزرگ او را متزلزل نسازد. امام علی × در این خصوص می‌فرماید: «فمن أخذ بالتقوى عزبت عنه الشدائد بعد دئوها، و احلوت له الأمور بعد مرارتها و انفرجت عنه الأمواج بعد تركمها و أسلّمت له الصعاب بعد إنبابها، هر کس که چنگ به دامن تقوا زند سختی‌ها و شدائد بعد از آنکه به او نزدیک شده‌اند، از او دور می‌شوند و کارها که بر ذائقه او تلخ آمده‌اند برایش شیرین می‌گردند و موج‌های متراکم که می‌خواهند او را به کام بکشند از او کنار می‌روند و امور مشقت آفرین بر او آسان می‌گردند.»^۲

و این ترجمانی از آیه ① «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا»؛ هر کس تقوا پیشه کند خداوند برای خارج شدن او از سختی‌ها راهی باز می‌کند.^۳ و امیرالمؤمنین × در توضیح این آیه می‌فرماید: «من اتقى الله سبحانه جعل له من كل هم، فرجا و من كل

1. نهج البلاغه، نامه 53.

2. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸.

3. طلاق، 2.

ضیق مخرجا؛ کسی که تقوا پیشه کند خداوند برای او از هر غم گشایشی و از هر تنگنا، راه خروجی قرار خواهد داد.^۱

3. داشتن تقوا بخصوص تقوای دینی و سیاسی

از دیگر ویژگی‌های مهم و اصلی یک مدیر و کارگزار اسلامی داشتن تقوا به خصوص تقوای دینی و سیاسی است. تقوا در سرلوحه دستورات امیرمؤمنان علی × به استانداران، فرماندهان و کارگزاران قرار گرفته است. امام علی × در این زمینه به فرمانده جنگی خود شریح بن هانی هنگامی که او را به فرماندهی لشکری در مقابله با سپاه شام قرار داد، فرمود: «در هر صبح و شام رعایت تقوای الهی را بنما و از خدا بترس و از فریبکاری دنیا بر نفس خویش بیمناک باش و هیچ‌گاه از دنیا ایمن مباش. بدان که اگر برای چیزهایی که دوست می‌داری، یا آنچه را که خوشایند تو نیست، خود را باز نداری، هوس‌ها تو را به زیان‌های فراوانی خواهند کشید، پس نفس خود را بازدار و از آن نگهبانی کن و به هنگام خشم بر نفس خویش شکننده و حاکم باش.»^۲ حضرت علی × به مقبل بن قیس ریاحی، یکی دیگر از فرماندهان خویش توصیه نموده، فرمود: «از خدایی که حتماً او را ملاقات می‌کنی و سرانجامی غیر از او نداری بترس و جنگ مکن مگر با کسی که با تو بجنگد.»^۳ امام × همچنان که به فرماندهان با تأکید فراوان به تقوا سفارش می‌فرماید، به استانداران و کارگزاران هم پیوسته عمل به تقوا را گوشزد می‌نماید. چنانکه امام علی × به مالک اشتر رعایت تقوای الهی، مقدم داشتن اطاعت او بر هر چیز و پیروی از دستورات وی را فرمان

1. غرر الحکم، ص 227.

2. نهج البلاغه، نامه 56.

3. همان، نامه 12.

می‌دهد... و نیز دستور می‌دهد که شهوات نفسانی را شکسته و خوار نموده، در مقابل تهاجمات شهوانی خویشنداری کند؛ زیرا نفس انسان را به بدی وادار می‌کند مگر کسی را که مورد رحم الهی قرار گیرد.^۱

4. تقوای اخلاقی

در کنار تقوای دینی و سیاسی امام علی × به کارگزاران و والیان خود توصیه به تقوای اخلاقی نیز می‌دهند. چنانکه امیرالمومنین × هنگامی که محدبن‌ابی‌بکر را استاندار مصر نمود، در آغاز فرمانش به او دستور تواضع، نرمش و مساوات را داد.^۲ امام × در فرمانش به مالک اشتر، عالی‌ترین تعبیرهای عاطفی و احساسی درباره محبت به مردم را به کار برده می‌فرماید: ای مالک، دل خویش را در پوششی از رأفت به رعیت و محبت به آنان و لطف بدیشان قرار بده، زیرا آنها از دو گروه بیرون نیستند، یا برادر تو می‌باشند و یا انسانی چون تو هستند. آری آن کارگر مسلمان برادر استاندار است و آن کشاورز ذمی انسان چون او می‌باشد.^۳

5. تقوای مالی و اقتصادی

تقوای مالی نیز از دیگر مواردی است که حضرت علی × درباره آن به کارگزارانش به رعایت آن توصیه می‌فرماید. حضرت در توصیه‌اش به فرماندار آذربایجان ضمن امانت خواندن حکومت می‌نویسد: برخورد زمامدار اسلامی با آن (حکومت) باید برخورد یک امانتدار باشد نه یک طعمه‌خوار.^۴ شریح قاضی منزلی را به هشتاد دینار خریده بود. هنگامی که گزارش آن به امام رسید، آن حضرت نامه

1. همان ، نامه 53.

2. همان ، نامه 27.

3. همان ، نامه 53.

4. همان ، نامه 5.

بسیار توبیخ آمیزی برای وی نوشت و فرمود: آگاه باش! به زودی نزد تو می آید کسی که نه نگاهی به سند منزلت می کند و نه سؤالی از شاهدانت می نماید، تا آنکه تو را به نقطه ای دور با چشمانی که از حسرت خیره بدان شده است ببرد و یکه و تنها به قبر و گور تسلیم نماید.^۱

عبدالله بن عباس، استاندار امیرمؤمنان علی × بر بصره، منطقه اهواز، فارس و کرمان بود. او در جای خویش زیاد بن ابیه را در بصره قرار داده بود. امیرالمومنین × در نامه خویش چون صاعقه ای بر سر زیاد، فریاد می زند و می فرماید: «سوگند به خدا، سوگندی راست و صادق، اگر خبری به من رسد که تو در غنائم مسلمانان چه کوچک و چه بزرگ، خیانت نموده ای، آنچنان عرصه را بر تو سخت می گیرم که به صورت یک آدم کم پول، حقیر و خرد و گرفتار در آیی که نتواند زندگیش را اداره نماید.»^۲

6. ساده زیستی

از ویژگی مهم یک کارگزار نظام اسلامی ساده زیستی است. در یک جامعه اسلامی لازم است مدیر آن تلاش کند سطح زندگی اش را معقول و منطقی کند، و هر قدر زندگی اش، به پایین ترین زیردستانش شباهت بیشتری داشته باشد مشکلات کمتری در ارتباط با زیردستان خواهد داشت. بر همین مبنا حضرت علی × همواره کارگزارانش را به ساده زیستی توصیه نموده و می فرمایند: «خداوند بر پیشوایان دادگر واجب ساخته است خود را با مردم ناتوان برابر نهند تا فقر، فقیر را به هیجان و طغیان در نیاورد.»^۳

1. همان ، نامه 3.

2. همان ، نامه 20.

3. همان ، خطبه 209.

ایشان همچنین در نامه‌ای به عثمان بن حنیف فرماندار بصره می‌نویسند: «ای پسر حنیف! به من گزارش دادند که مردی از سرمایه‌داران بصره، تو را به مهمانی خویش فرا خواند و تو به سرعت به سوی آن شتافتی. خوردنی‌های رنگارنگ برای تو آوردند، و کاسه‌های پر از غذا پی در پی جلوی تو نهادند. گمان نمی‌کردم مهمانی مردمی را بپذیری، که نیازمندانشان با ستم محروم شده و ثروتمندانشان بر سر سفره دعوت شده‌اند، اندیشه کن در کجایی و بر سر کدام سفره می‌خوری؟»^۱

رعایت عدالت و انصاف، پرهیز از غرور و خودپسندی، صبر و شکیبایی، خدمت عاشقانه و توجه به محرومین، توجه به رفع نیازهای مردم، دقت در انتخاب افراد پاک دست با تجربه و با تقوا در انتصابات و ... از دیگر ویژگی‌هایی است که حضرت علی × به فرماندهان، والیان و کارگزارانش بر رعایت و انجام آنها توصیه و تأکید می‌فرمایند.^۲

1 . همان ، نامه 45.

2 . مجموعه آثار شهید مطهری جلد 16.

تبیین جایگاه اعتکاف در رشد معنوی مدیران جامعه دینی

پس از اینکه در بخش اول مقصود خود را از اعتکاف، راهبردمعنوی، رشد و ارتقای معنوی و شاخصه‌های مدیران جامعه دینی را تبیین کردیم در این بخش در سه قسمت، به تبیین جایگاه اعتکاف در رشد معنوی مدیران جامعه دینی به صورت خاص می‌پردازیم. که در قسمت اول جامع بودن اعتکاف را در بین راهبردهای معنوی اسلام تبیین کرده و در بحث دوم نظام و ساختار نظام‌مندی که زندگی مدیران جامعه دینی باید داشته باشد را تبیین و جایگاه اعتکاف را در این بین مشخص خواهیم کرد و در پایان نحوه اجرایی شدن این راهبرد جامع در جامعه اسلامی توسط مدیران جامعه و آثار پر خیر و برکتی که در پی دارد را بیان می‌کنیم.

سخن اول: راهبردهای معنوی اسلام و جایگاه اعتکاف

عبادت و پرستش خداوند یکتا و ترک پرستش هر موجود دیگر، یکی از اصول تعلیمات پیامبران الهی است. تعلیمات هیچ پیامبری از عبادت خالی نبوده است. چنانکه می‌دانیم در دیانت مقدسه اسلام نیز عبادت سرلوحه همه تعلیمات است. چیزی که هست در اسلام عبادت به صورت یک سلسله تعلیمات جدا از زندگی که صرفاً به دنیای دیگر تعلق داشته باشد وجود ندارد، عبادات اسلامی با فلسفه‌های زندگی توأم است و در متن زندگی واقع است. گذشته از اینکه برخی عبادات اسلامی به صورت مشترک و همکاری دسته جمعی صورت می‌گیرد، اسلام به عبادت‌های فردی نیز آنچنان شکل داده است که متضمن انجام پاره‌ای از وظایف زندگی است. مثلاً نماز که مظهر کامل اظهار عبودیت است، چنان در اسلام شکل خاص یافته است که حتی فردی که می‌خواهد در گوشه خلوت به تنهایی نماز بخواند خود به خود به انجام پاره‌ای از وظایف اخلاقی و اجتماعی از قبیل نظافت، احترام به حقوق دیگران، وقت شناسی، جهت شناسی، ضبط احساسات، اعلام صلح

و سلم با بندگان شایسته خدا و غیره مقید می‌گردد.^۱

از نظر اسلام هر کار خیر و مفیدی اگر با انگیزه پاک خدایی توأم باشد عبادت است. لهذا درس خواندن، کار و کسب کردن، فعالیت اجتماعی کردن اگر الله و فی الله باشد عبادت است. در عین حال، اسلام نیز پاره‌ای تعلیمات دارد که فقط برای انجام مراسم عبادت وضع شده است از قبیل نماز و روزه، و این خود فلسفه‌ای خاص دارد.^۲

مقام معظم رهبری در بیانی اقسامی را برای عبادات در اسلام بیان کرده‌اند: «ما عبادات فردی، عبادات اجتماعی و عبادات سیاسی داریم؛ عبادات ناب و خالص داریم که مربوط به نیمه شبهاست، مال هنگام دعا و مناجات و هنگام سخن گفتن با خدا و تضرع است.»^۳ و در بیانی دیگر چند وجهی بودن برخی از عبادات را متذکر شده‌اند: «هر کدام این چهار خصوصیت و چهار شاخص [نماز، زکات، امر به معروف و نهی از منکر]، یک جنبه‌ی فردی و شخصی دارند، لکن در کنار آن، یک جنبه‌ی اجتماعی و تأثیر در نظام‌سازی اجتماعی [هم] دارند.»^۴ بر این اساس ما در اینجا عبادات را به سه دسته (عبادات فردی، اجتماعی و آیینی) تقسیم کرده و به عنوان راهبردهای معنوی اسلام در تعالی و رشد جامعه دینی توضیح می‌دهیم.

عبادات فردی

منظور از این نوع عبادت، اعمال و تکالیفی است، که بر اساس نیت بندگی و

1. مجموعه آثار شهید مطهری، ج 16.

2. همان، ج 16.

3. بیانات مقام معظم رهبری، 1375/10/19.

4. بیانات مقام معظم رهبری، 1394/1/1.

تقرّب صورت می‌گیرد، اما جنبه‌ی فردی دارد، و منافع آن نیز بیشتر و در درجه‌ی اول متوجه خود شخص می‌گردد، هر چند که آثار فاخر دیگری هم دربر داشته باشد. که در اینجا چند نمونه از این نوع عبادات را با ذکر دلیل می‌آوریم.

1. روزه: درباره‌ی روزه و احکام و شرایط آن در قرآن کریم 13 آیه وجود دارد، که یکی از آن آیات اثر این عبادت بر خود افراد بار می‌کند و می‌فرماید: ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾؛ ای اهل ایمان، بر شما هم روزه واجب گردید چنانکه امم گذشته را فرض شده بود، و این دستور برای آن است که پاک و پرهیزکار شوید.¹ همان طور که از ظاهر آیه فهمیده می‌شود اثر تربیتی روزه مستقیم بر خود افراد مرتبت است و روزه سبب تقوا پیشگی و خدا ترسی در فرد می‌باشد.

2. حج: پیرامون عمل حج و شرائط و دستورات آن در قرآن 22 آیه وجود دارد، که آیه ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾؛ و مردم را دعوت عمومی به حج کن؛ تا پیاده و سواره بر مرکب‌های لاغر از هر راه دوری بسوی تو بیایند.² تمام مردم را در طول تاریخ و از دورترین نقاط عالم برای انجام حج ابراهیمی دعوت عمومی می‌نماید، تا اینکه منافع الهی خود را در این سفر معنوی کسب نمایند. ﴿يَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ...﴾؛ تا شاهد منافع گوناگون خویش باشند.³ همان طور که از ظاهر این آیه برمی‌آید منافع فردی در حج جلوه بیشتری دارد و کسب منافع معنوی از آثار رفتن به حج قلمداد شده است.

3. علم و دانش: آموختن علم و دانش، از عبادات مسلم و چشمگیر اسلامی است،

1. بقره، 183.

2. حج، 27.

3. حج، 28.

و بمنظور ارزش و اهمیت این عبادت، از ماده‌ی علم و مشتقات آن، در قرآن کریم 855 مرتبه سخن به میان آمده است. و پیامبر اسلام^۱ در بیانی می‌فرمایند: «**فَضْلُ الْعِلْمِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ فَضْلِ الْعِبَادَةِ**؛ برتری و امتیاز علم در نزد من از ارزش و برتری عبادت بیشتر است.»^۱ و این روایت خود بیانگر فردی بودن فضیلت علم آموزی می‌باشد.

4. تأمین معاش: تأمین معاش، و تحصیل نیازمندی‌های یک زندگی اسلامی، از وظائف و عبادات یک فرد مسلمان بشمار آمده است. نبی مکرم اسلام^۲ در روایتی فرموده‌اند: «**الْعِبَادَةُ سَبْعَةٌ أَجْزَاءُ، أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْحَلَالِ**؛ عبادت هفت قسمت است، که پرفضیلت‌ترین قسمت آن، بدست آوردن مال و دارائی حلال است.»^۲ و این عبادت هم دارای فضائل فردی می‌باشد.

5. حسن نیت: نیت پاک و تصمیم باعمال خیر و انسانی، از جمله عبادات فردی است. شخصی به امام صادق^۳ عرض کرد: قربانت گردم، عبادت چیست؟ امام^۴ فرمودند: «**حَسَنُ النِّيَّةِ بِالطَّاعَةِ**؛ نیت پاک داشتن و تصمیم بر اطاعت، عبادت است.»^۳

عبادات اجتماعی

این نوع عبادات شامل سلسله اعمال و وظایفی می‌شود که در درجه‌ی اول منافع و آثار آن متوجه‌ی افراد اجتماع می‌گردد، که این دسته اعمال را می‌توان به دو دسته تکالیف عبادی و خدماتی تقسیم نمود.

دسته‌ی اول، اعمالیست که مربوط به تکالیف دینی انسان است و بهره‌های این وظایف را عموم اجتماع مسلمین می‌برند، مانند: جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، پرداخت خمس و زکات و... دسته‌ی دوم کارهایی که مربوط به سایر خدمات

1. بصائر الدرجات، ج 1، ص 6.

2. اصول کافی، ج 5، ص 78.

3. المحاسن، ج 1، ص 261.

اجتماعی می‌شود، که انجام آن‌ها در وحله اول عموم مردم جامعه را سود می‌رساند و در وحله دوم اگر با قصد عبادت و بندگی خدا انجام گیرد فرد را رشد و ارتقای معنوی می‌دهد، مانند: انفاق و صدقات، همکاری در کارهای اجتماعی، دفاع از حقوق جامعه، رعایت حقوق شهروندان و... در اینجا از هر دسته یک نمونه را با دلیل بیان می‌کنیم.

1. امر بمعروف و نهی از منکر: این دو تکلیف، سنگین، از عبادات بزرگ اسلامی است، و عظمت و آثار درخشان آنرا قرآن کریم در 9 آیه بیان می‌دارد، و امام باقر × درباره‌ی فضیلت و قداست این دو عبادت بزرگ می‌فرمایند: «سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَاجُ الصَّالِحِينَ، فَرِيضَةُ عَظِيمَةٍ تَقَامُ الْفَرَائِضُ، وَ تَوْمَنُ الْمَذَاهِبُ، وَ تَحُلُّ الْمَكْلَسِبُ، وَ تَرُدُّ الْمَظَالِمَ، وَ تَعْمُرُ الْأَرْضَ؛ امر بمعروف و نهی از منکر، راه و رسم انبیاء، روش صالحان و شایستگان، فریضه و عبادت بزرگی است، که در سایه‌ی آن واجبات دیگر برقرار می‌شود، افکار و عقائد محفوظ می‌ماند، کسب و تجارت بر اساس مشروع و حلال قرار می‌گیرد، حقوق افراد مظلوم به آن‌ها برمی‌گردد، و سرانجام پهنه‌ی زمین و محیط جامعه بعمران و پیشرفت می‌گراید...»¹

2. دفاع از حقوق مسلمانان و کمک به نیازمندان: از نظر اسلام، اهل ایمان و مسلمانان برادر همدیگر محسوب می‌شوند. قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾؛ همانا مومنین برادر یکدیگرند.² و امام صادق × فرموده‌اند: «المسلم أخ المسلم؛ مسلمان برادر مسلمان است»³ و چون افراد نسبت بهمدیگر برادرند و تمام جوامع اسلامی هم جامعه‌ی واحدی است، در نتیجه تمام افراد هم مسؤولیت دارند،

1 . تهذیب الأحکام، ج 6، ص 181.

2 . حجرات، 10.

3 . تحف العقول، ص 203.

از حقوق افراد دیگر که در واقع برادر آنها حساب می‌شوند، دفاع کنند، و اگر ضربه و لطمه‌ای بر پیکر فرد یا جامعه‌ای وارد شود آنرا رفع نمایند، و اگر از این وظیفه‌ی سنگین شانه خالی کردند، و به ناله‌های مظلومان و ستم‌دیدگان ترتیب اثری ندادند، چنین افرادی مسلمان واقعی و راستین نخواهند بود.

پیامبر اکرم^۱ در روایتی مشهور می‌فرماید: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَ مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لِلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» هر که صبح کند و بامور مسلمین همت نگمارد. از آنها نیست، و هر که بشنود مردی فریاد می‌زند «مسلمانها بدادم برسید» و جوابش نگوید مسلمان نیست.^۱ و در مقابل می‌فرماید که: «من مشی فی عون اخیه و منفعتہ، فله ثواب المجاہدین فی سبیل اللہ؛ کسی که در یاری و منفعت رساندن به برادر مسلمانش مشی کند، برای او ثواب مجاهدین در راه خدا می‌باشد.»^۲

عبادات آیینی

اگر چه این دسته عبادات، با احکام دو دسته‌ی قبل چندان تفاوتی ندارد؛ و معمولاً وظائف خدائی و مردمی انسان درهم آمیخته است؛ اما در عین حال در درجه‌ی اول؛ جهت معنوی و بندگی آن بیشتر مورد توجه است، تا آثار و جهات فردی و اجتماعی آن، مانند: نماز، مناجات، ذکر، دعا، تفکر در نظام خلقت، آشنائی با اسرار و حکمت‌های پروردگار و... که به برخی از مهم‌ترین این عبادات می‌پردازیم.

1. نماز: در قرآن کریم حدود 105 آیه، درباره‌ی نماز وجود دارد، و در روایات دینی هم به عنوان «ستون دین» و «اولین مورد سؤال و مؤاخذه‌ی روز قیامت» معرفی شده است. امام صادق[×] می‌فرماید: «احب الاعمال الي الله الصلاة، و هي آخر

1. اصول کافی، ترجمه مصطفوی، ج 3، ص 239.

2. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص 288.

وصایا الانبیاء؛ محبوب‌ترین اعمال عبادی در پیشگاه خداوند نماز است، و آخرین چیزی را که هر پیامبری درباره‌ی آن وصیت و سفارش می‌نمود نماز است.^۱

2. به یاد خدا بودن: در آیات و روایات زیادی یکی از وظایف سنگین و ارزنده‌ی انسان، ذکر و به یاد خدا بودن معرفی شده است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: **﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ﴾**؛ پیوسته به یاد من باشید، تا منم شما را به یاد داشته باشم...^۲ [امام صادق × در روایتی، در جواب کسی که سؤال کرد: «من اکرم الخلق علی الله؟ گرامی‌ترین افراد در پیشگاه خدا کیست؟» فرمودند: «اکثرهم ذکراً لله و اعملهم بطاعته؛ کسی که از همه بیشتر به یاد خدا بوده، و به عبادت و اطاعت حق از دیگران آگاه‌تر باشد»].^۳

3. دعا و تضرع: دعا نیز از وظایف و تکالیف عبادی به شمار آمده، و حتی خدای مهربان در قرآن کریم افراد را به دعا کردن دعوت نموده و فرموده است **﴿ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾**؛ پروردگارتان را با تضرع و در نهان بخوانید، زیرا او متجاوزان سرکش را دوست ندارد.^۴ و با افرادی که از این عبادت بزرگ سرباز می‌زنند و گردنکشی می‌کنند، وعده‌ی جهنم داده است: **﴿ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾**؛ مرا بخوانید، تا شما را اجابت کنم، آنهاییکه از دعا و عبادت من تکبر ورزند و سرکشی کنند، به زودی داخل جهنم می‌شوند.^۵ امام صادق × فرمود: «افضل العبادۃ الدعاء؛

1. عدة الداعی و نجاح الساعی، ص 154.

2. بقره، 152.

3. محاسن، ج 2، ص 598.

4. اعراف، 55.

5. غافر، 60.

دعا بالاترین عبادت است.^۱

4. تفکر در اسرار آفرینش: غیر از اینکه، در قرآن کریم 18 بار از تفکر، و مغز و اندیشه را به کار انداختن، سخن به میان آمده؛ در روایات هم به طور کلی و مخصوصاً تفکر در اسرار و آثار نظام آفرینش، که نتیجه‌ی آن ایمان و معرفت پروردگار می‌گردد. امام رضا × در روایتی فرموده‌اند: «لَيْسَ الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ الصِّيَامِ وَالصَّلَاةِ إِنَّمَا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكُّرِ فِي أَمْرِ اللَّهِ؛ عبادت و اطاعت به روزه و نماز زیاد نیست؛ بلکه عبادت، تفکر و اندیشه در کار خدا و اسرار و آثار نظام آفرینش اوست.»^۲

اعتکاف راهبردی جامع

پس از یک بررسی اجمالی درباره روش‌های بندگی و راهبرهای معنوی در شریعت اسلام به یک راهبرد جامع و کاملی می‌رسیم که تمام عبادات را در خود جای داده است و از جمله عباداتی است که هم فردی است هم اجتماعی و هم آیینی و آن برنامه جامع و کاربردی در جامعه اسلامی به نام اعتکاف مطرح است. در اینجا پله پله به حقیقت این مطلب پی خواهیم برد.

اعتکاف عبادتی مستقل

نکته مهمی که در خصوص اعتکاف باید توجه نمایم این است که اعتکاف، در شریعت اسلام عبادتی مستقل به شمار می‌آید. مرحوم مقدس اردبیلی اعتکاف می‌فرماید: «مبادا کسی گمان کند که اعتکاف، مقدمه است برای عبادتی دیگر. کسی که با طهارت وارد مسجد می‌شود و روزه می‌گیرد و قصد می‌کند که قریه‌الهی

1. اصول کافی، ج 2، ص 466.

2. تحف العقول، ص 442.

الله اعتکاف کند این خود، عبادت است؛ نه این که اعتکاف شرط و مقدمه برای عبادتی دیگر باشد. اعتکاف عبادت مستقل است. همانگونه که هر یک از حج، عمره، روزه و نماز عبادتهایی مستقل هستند.^۱

مطلب دیگر اینکه علامه مفسر آیت الله العظمی جواد آملی درباره ویژگی‌های اعتکاف چنین نظری را مطرح می‌کنند که: «اعتکاف گرچه از عبادات واجب نیست، از نظر اهمیت، جایگاه، آثار و شرایط، از دیگر عبادات برتری دارد؛ مانند نماز شب که واجب نیست، ولی اهمیت ویژه‌ای دارد و مستحب بودنش دلیل بر اهمیت کمتر آن از دیگر نمازها نیست. اعتکاف نیز با اینکه عبادت مستحبی است و انسان در ترک آن از آغاز آزاد است، پس از شروع و استمرارش تا دو روز به عبادت واجب تغییر می‌یابد که ترکش مورد نهی است و پیامدهایی دارد.»^۲

برتری اعتکاف بر سایر عبادات

ایشان همچنین درباره جامع بودن و برتر بودن اعتکاف بر سایر عبادات بجز دست‌گیری کردن از برادران دینی چنین بیانی دارند که: «آنچه بر اهمیت و فضیلت اعتکاف می‌افزاید، برتری آن از نماز و روزه و دیگر عبادات از برخی جهات است و هیچ یک از عبادت‌های سه‌گانه نماز، روزه و حج، با تمام اهمیت و فضیلتی که در روایات برای آن‌ها بیان شده، از این نظر از اعتکاف برتر نیستند.»^۳

ایشان در بیاناتی دلیل این برتری را با بیان مصادیقی این گونه مطرح کرده‌اند که: «آنچه بر اهمیت و فضیلت اعتکاف می‌افزاید دو نکته است که یکی مهم و دیگری

1. مجمع الفائدة و البرهان، باب اعتکاف، ص ۳۵۱.

2. بر بال اعتکاف، ص 204.

3. همان

مهمتر است؛ نکته‌ی مهم آن است که اعتکاف همچون نماز نیست تا بتوان آن را در هر مکانی بجا آورد. در مورد نماز، بر پایه‌ی «جُعِلَتْ لِيَ الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَ طَهُورًا؛ تمام زمین برای من مسجد و طاهر قرار داده شده است»^۱ می‌توان آن را در هر مکانی انجام داد؛ حال آنکه اعتکاف، چنین نیست. اعتکاف باید در مسجد و خانه‌ی خدا باشد. آن هم نه هر مسجدی، بلکه مسجد اعظم، یا به تعبیری دیگر مسجد جامع و یا مسجد الحرام و مسجد النبی^۲ یا مسجدی که معصوم^۳ در آن نماز جمعه و یا جماعت اقامه کرده باشد؛ یا امامی عادل هر چند غیر معصوم در آن نماز جمعه یا جماعت برپا کرده باشد.

پس اعتکاف باید در مسجدی باشد که مصلا‌ی توده‌ی مسلمانان است؛ یعنی مسجد جامع یا اعظم، و مسجدی که در شهر، جزو بزرگترین مسجدهاست و جماعت‌های رسمی در آن اقامه می‌شود. بنابراین، مسجد بودن خود مزیت است و اقامه‌ی نماز جمعه یا جماعت در آن، مزیتی دیگر. انعقاد اعتکاف در مسجد متروک و مهجور صحیح نیست. عده‌ای که اعتکاف را به خصوص مسجد الحرام و مسجد النبی^۴ یا مساجد چهارگانه اختصاص داده‌اند، باید سخن آنان را بر افضلیت حمل کرد و نه تعین.

نکته‌ی مهمتر آن است که «روزه» که خود از ارکان مهم دین و از مبانی مهم و اصیل اسلام است، که: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ وَ الْوَلَايَةِ؛ اسلام بر پنج پایه بنا شده است: نماز و زکات و روزه و حج و ولایت»^۲ عبادتی که بدین پایه از اهمیت است، شرط اعتکاف قرار گرفته است، ارزش اعتکاف به حدی است که یکی از برجسته‌ترین ارکان دین، شرط آن قرار می‌گیرد! همانگونه که نماز بدون طهارت تحقق نمی‌یابد؛ که: «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِطَهْوَرٍ؛

1. آمالی صدوق، ص 216.

2. اصول کافی، ج 2، ص 18.

نماز بدون طهارت نماز نیست»^۱ اعتکاف هم بدون روزه صحیح نیست؛ که: «لا اعتکاف إلا بصوم؛ اعتکاف بدون روزه ممکن نیست»^۲ و این از سخنان بلند ائمه‌ی اطهار^۳ است.

برتری دستگیری از مؤمنان بر اعتکاف

تنها عبادتی که در روایات به برتری آن از اعتکاف تصریح شده، تلاش برای تأمین نیاز برادر مؤمن است. میمون بن مهران می‌گوید: من در پیشگاه امام مجتبی[×] مشرف^۴ بودم، در حالی که ایشان معتکف بودند. مردی به محضرشان شرفیاب شد و عرض کرد: مقروض هستم، کسی که از من طلب دارد، مطالبه کرده و چون قدرت پرداخت ندارم، می‌خواهد مرا به زندان بی‌افکند. امام حسن[×] فرمودند: پولی ندارم که دین شما را ادا کنم. آن شخص به امام[×] عرض کرد: شما اگر بیایید با طلبکار صحبت کنید، ممکن است به پاس حرمت شما مرا به زندان نبرد.

میمون بن مهران می‌گوید: دیدم حضرت آماده شد که کفش بپوشد و از مسجد خارج شود. عرض کردم: آیا فراموش کرده‌اید که در حال اعتکاف هستید و معتکف نباید در حال اعتکاف از مسجد خارج شود؟ امام[×] فرمود: فراموش نکرده‌ام؛ ولی پدرم از جدّم رسول اکرم[ؐ] نقل کرد که اگر کسی گره‌ای از کار مسلمین یا شخص مؤمنی بگشاید و حاجت او را برآورده سازد، مانند آن است که نه هزار سال خداوند را عبادت کرده، روزها را به روزه و شبها را به شب زنده‌داری سپری کرده باشد.^۴

1. دعائم الإسلام، ج 1، ص 100.

2. اصول کافی، ج 4، ص 176.

3. بیانات آیت الله العظمی جواد آملی درباره اعتکاف، www.shafaqna.com.

4. من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 189.

و در روایتی دیگر از امام صادق × آمده است که تلاش برای قضای حاجت برادر مسلمان پاداش یک حج و یک عمره و دو ماه اعتکاف در مسجدالحرام را دارد.¹

اعتکاف جهاد مقدس

در فرهنگ اسلامی روی آوردن به اعتکاف، علاوه بر بهره برداری از فیض معنوی آن، جهاد مقدس نیز هست، زیرا این مراسم عبادی معنوی، نقش بسیار مهمی در رویارویی با نفوذ فرهنگ بیگانه ایفا می کند. جوانی که در مراسم اعتکاف، طعم شیرین ایمان و انس با خداوند را می چشد، لذت های مادی و شهوانی در دیدگانش، حقیر و بی ارزش می شود و به آسانی در گرداب فساد و باورهای ضد دینی گرفتار نمی شود.

از سوی دیگر، چنین مراسمی خود پیامی عملی و درسی عبرت آمیز برای مردم است. حضور جمعی از مؤمنان در مسجد برای عبادت، در حقیقت نوعی دعوت به خداپرستی و دین مداری است و آثار سازنده ای بر جامعه خواهد داشت، از همین رو، در رویارویی با تهاجم فرهنگی دشمن نباید نقش مؤثر سنت هایی که در باور عمومی مردم ریشه های عمیق دارند، نادیده گرفته شود. بی تردید مساجد، حسینیه ها، تکایا، هیئت های مذهبی، زیارت و اعتکاف، نقش مهمی در تربیت جامعه و گسترش فرهنگ دینی ایفا کرده و می کنند. این مقوله ها با آثار مثبت جانبی که دارند، اهرم های توانمندی در مقابله با فرهنگ بیگانه اند.

سخن دوم: ساختار برنامه های شخصی و مسئولیتی مدیران در جامعه دینی و جایگاه اعتکاف

1. اصول کافی، ترجمه مصطفوی، ج 3، ص 280.

در ضرورت برنامه داشتن و در یک ساختار منظم و دقیق زندگی کردن همین ضرب المثل عربی کافی ست که: «الوقت كالسيف، إن لم تقطعه قطعك؛ وقت مثل شمشیر است، اگر تو تقسیم و قطعه قطعه اش نکنی اون تو رو قطعه قطعه میکنه و از بین میبره»¹ نقش مدیران جامعه دینی در این موضوع بسیار خطیر و کلیدی می باشد که هم برای امور شخصی خود دقت نظر داشته باشند و هم برای عموم جامعه برنامه هایی را در نظر بگیرند که به سازندگی و رشد معنوی بیانجامد.

به همین منظور بنابر روایات اهل بیت ما برنامه های مدیران جامعه را به دو قسم (برنامه های فردی و برنامه های مسئولیتی) تقسیم کرده ایم و به بررسی هر کدام می پردازیم.

برنامه های فردی (امور معنوی، معاشی، معاشرتی، تفریحی)

امیرالمومنین × به عنوان یک رهبر الهی و مدیر جامع در یک جامعه اسلامی به یکی از کارگزاران خود چنین توصیه می کنند که: «إِنَّ لِيْلَكَ وَنَ□ هَارَكَ لَا يَسْتَوْعِبَانِ لِجَمِيعِ حَاجَاتِكَ فَاقْبِسْهُمَا بَيْنَ عَمَلِكَ وَرَاحَتِكَ؛ همانا شب و روز تو فرصت کافی برای رسیدن به همه امور و نیازهای نیست؛ پس آنها را میان کار و استراحت خود تقسیم کن.»² یعنی برای کار و استراحت خود زمان مشخصی را تعیین کن و هر کاری را در موقع خودش به نحو احسن انجام بده.

حال اگر بخواهیم بهتر زمان خود را مدیریت کنیم باید به نیازهای خود توجه داشته باشیم و بر اساس آن برنامه خود را تنظیم نماییم. امام کاظم × اصلی ترین امور فردی را به چهار قسم تقسیم می کنند و توصیه می کنند که تلاش کنیم تا به تمام این

1. ضرب المثل تبیان، tebyan.net.

2. غرر الحکم و درر الکلم، ص 243، ح 265.

امور پردازیم: «اجتهدوا في أن يكونَ زمانُكم أربعَ ساعاتٍ: ساعةً لمُناجاةِ الله، و ساعةً لأمرِ المعشَى، و ساعةً لمُعاشرةِ الإخوانِ و النَّقاتِ الذينَ يُعرِّفونَكم عُيوبَكم و يخلصونَ لكم في الباطنِ، و ساعةً تخلُّونَ فيه! لِلذَّاتِكم في غيرِ مُحَرَّمٍ؛ سعی کنید اوقات خود را چهار قسمت نمایید: زمانی برای مناجات با خدا، و زمانی برای کسب و کار و زمانی برای معاشرت با برادران و افراد مورد اعتمادی که عیب‌هایتان را به شما گوشزد می‌کنند و در باطن خیرخواه شما هستند و زمانی برای کام جویی از لذت‌های غیر حرام.»^۱ همانطور که می‌بینیم در رأس این امور مناجات و عبادت و خلوت با خداوند متعال آمده است و فقط همین روایت نیست بلکه چندین روایت در این موضوع آمده است و رأس همه آنها انس و خلوت با خداوند می‌باشد.

برنامه‌های مسئولیتی (امور معنوی، کاری، جامعه سازی)

مطلب قبل در خصوص برنامه‌های شخصی مطرح شد که هر فرد مسلمان و با ایمانی می‌بایست خود را بر آن آموزه‌ها مدیریت نماید. اما افراد مدیر و کارگزار در جامعه دینی فقط خودشان نیستند و باید به امور جامعه هم رسیدگی و پی‌گیری کامل داشته باشند و هم در امر ایجاد فضایی سالم برای افراد جامعه تلاش نمایند. از این منظر به عنوان یک الگوی تمام عیار باید سراغ برنامه‌هایی که رهبران دینی جامعه اسلامی داشته‌اند برویم و از آموزه‌های تربیتی آنها سرمشق بگیریم و راه را همان گونه که آنها رفته‌اند بپیماییم. در این خصوص روایت زیبایی از وجود مقدس سیدالشهدا × درباره برنامه‌های پیامبر عظیم الشأن اسلام^۲ آمده است و سند جامع و کاملی برای مدیران در عرصه مسئولیتی که دارند، می‌باشد.

الإمام الحسين ×: سألتُ أبي × عن مدخلِ رسولِ الله^۳، فقال: «كانَ دُخُولُهُ لِنَفْسِهِ مَأْذُوناً لَهُ فِي ذَلِكَ، فَإِذَا أَوَى إِلَى مَنْزِلِهِ جَزَأَ دُخُولُهُ ثَلَاثَةَ أَجْزَاءٍ: جُزْءاً لِلَّهِ، وَ جُزْءاً

1. بحار الأنوار، ج 75، ص 321.

لأَهْلِهِ، وَ جُزْءاً لِنَفْسِهِ، ثُمَّ جَزْأً جُزْءَهُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّاسِ فَيَرُدُّ ذَلِكَ بِالْخَاصَّةِ عَلَى الْعَامَّةِ، وَ لَا يَدَّخِرُ عَنْهُمْ مِنْهُ شَيْئاً، وَ كَانَ مِنْ سِيرَتِ □ هـ فِي جُزْءِ الْأُمَّةِ، إِثَارُ أَهْلِ الْفَضْلِ بِإِذْنِهِ، وَ هُسِّمَتْهُ عَلَى قَدْرِ فَضْلِهِمْ فِي الدِّينِ، فَمِنْهُمْ ذُو الْحَاجَةِ، وَ مِنْهُمْ ذُو الْحَاجَتَيْنِ، وَ مِنْهُمْ ذُو الْحَوَائِجِ؛ امام حسين ×: از پدرم × در مورد امور داخلی زندگانی پیامبر ' پرسیدم، فرمود: هرگاه اراده می کرد به خانه می رفت و چون وارد منزل می شد، اوقات خود را به سه بخش تقسیم می کرد: بخشی را به [عبادت] خدا اختصاص می داد و بخشی را به خانواده اش و بخشی را به خودش. وقت مخصوص به خودش را نیز میان خود و مردم تقسیم می کرد و خواص را می پذیرفت و مسائل و موضوعات را از طریق آنان به عموم مردم ارجاع می داد و چیزی از ایشان مضایقه نمی کرد و روش آن بزرگوار، در این زمان اختصاص یافته به امت، این بود که در پذیرفتن به حضور و اختصاص دادن مقدار زمان ملاقات به افراد، اهل فضل را، به نسبت فضل و مقامی که در دین داشتند، بر دیگری مقدم می داشت. برخی از آنان یک حاجت داشتند، برخی دو تا و برخی چندین حاجت.^۱

اگر در این روایت دقت نماییم می بینیم که در تقسیم امور، سه امر مهم (معنوی، کاری و جامعه سازی) برای مدیران جامعه ضروری به نظر می رسد (جزء لله و جزء لأَهْلِهِ وَ جُزْءاً لِنَفْسِهِ...). که باز رأس امور مناجات و خلوت با خدا می باشد و اگر نیاز به وقت بیشتر برای امور اجتماعی خود داشتند از فرصت امور شخصی بهره می جستند و هرگز از وقت خلوت خود با خدا کم نمی گذاشتند. و همچنین در وقت رسیدگی به امور مردم هم تمام وقت در خدمت مردم بودند. و اینکه حق تقدم در افراد را به افراد دین دار و معنوی تر قرار می دادند، خود زمینه ای برای افزایش معنویت گرایی در جامعه بوده که پیامبر از این فرصت استفاده می نمودند.

ضرورت برنامه‌ریزی فرهنگی از نظر مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری به عنوان قطب نمای کشتی جامعه اسلامی این ضرورت را برای مدیران جامعه این گونه هشدار می‌دهند که: «باید در یک فرصت مناسب بدون عجله و با آزمایش از سوی مدیران فرهنگی برنامه‌ای تنظیم شود، زیرا هدف و مأموریت اصلی آن هدایت فکر، مدیریت و جهت‌دهی به فرهنگ عمومی جامعه باشد و متناسب با نیازهای واقعی جامعه تدوین گردد.» این که مقام ولایت پیرامون برنامه‌ریزی تاکید به آرامش از سوی مدیران فرهنگی دارند به دلیل آن است که اگر با عجله و شتاب‌زدگی طرح و برنامه فرهنگی تنظیم و پیاده شود نتایج خوبی نخواهد داشت هر چند ممکن است هزینه‌هایی هم در این مسیر متقبل شوند، ولی به دلیل در نظر نگرفتن جوانب مختلف و نسنجیده بودن ممکن است به جای سود، مضراتی هم داشته باشد بنابراین باید با صبر و حوصله و با دقت کار انجام گیرد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌فرمایند که برنامه‌ریزی فرهنگی موجب گسترش، تصمیم و تبیین فضایل اخلاقی در جامعه می‌گردد و منشأ موضوعاتی چون: انضباط اجتماعی، وجدان کاری، برنامه‌ریزی، نظم و ادب اجتماعی، توجه به خانواده، رعایت حقوق دیگران، احساس مسوولیت و اعتماد به نفس ملی، شجاعت شخصی و ملی، ترویج فرهنگ قناعت، صرفه‌جویی و افزایش بهره‌وری فرهنگی مصرف‌زدگی، امانت و درست‌کاری و حق‌طلبی، زیبایی‌طلبی در ظاهر و باطن زندگی، محیط خانواده، محیط اجتماعی، محیط پارک و محیط شهر، ترویج فرهنگ عفاف، احترام به والدین، تعظیم و تجلیل از جایگاه تربیت و تعلیم و... می‌شود.

ایشان همچنین بر این باورند که داشتن برنامه‌ریزی برای فرهنگ منجر به آسیب‌زدایی از فکر، فرهنگ و اخلاق جامعه و مصونیت‌زدایی برای اذهان عمومی

می‌شود و سطح معرفت روشن بینانه دینی و عمل صالح و مخلصانه و اساس باورهای دینی اعتقادی را تقویت می‌نماید.^۱

تکمیل خلأهای معنوی از طریق اعتکاف

پس از آنکه تبیین شد ساختار برنامه‌های شخصی و مسئولیتی مدیران جامعه اسلامی بر چه پایه‌هایی باشد و فهمیدیم که اصل معنویت و انس و خلوت با خدا جزء جدانشدنی این امور است، بحث این است که علاوه بر اینکه مسؤولان نظام اسلامی نباید از این امر مهم غفلت نمایند بلکه به فرموده امیرالمومنین × باید بهترین زمان‌های خود را به این امر حیاتی اختصاص دهند: «مِنْ كِتَابِ كُتُبِهِ لِلْأَشْتَرِ: إِجْعَلْ لِنَفْسِكَ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ أَفْضَلَ تِلْكَ الْمَوَاقِيتِ وَ أَجْزَلَ تِلْكَ الْأَقْسَامِ، وَ إِنْ كَانَتْ كُلُّهَا لِلَّهِ إِذَا صَلَّحْتَ فِيهَا النَّيَّةَ، وَ سَلِمَتْ مِنْهَا الرَّعِيَّةُ؛ إِمَامٌ عَلَى ×، در نامه خود به مالک اشتر نوشت: بهترین اوقات هر روز و بیشترین بخش از آن را برای رابطه میان خود و خدا قرار ده؛ هر چند که اگر در همه اوقات، نیت پاک و درست باشد و مردم از آن نیت در امنیت و آسایش باشند، اوقات، همه از آن خداست.»^۲

و اگر در سیره حضرات معصومین^۳ بنگریم می‌بینیم که اکثر اوقات به خلوت و مناجات با پروردگار عالم می‌پرداختند تا جایی که نقل است که پیامبر اکرم^۴ بر بلندی‌های کوه حرا می‌رفت و ساعت‌ها به آسمان صاف می‌نگریست و می‌اندیشید، تا حدی که در یکی از سخنانش فرموده است: «اگر نبود رسالت زمینی‌ام، آنقدر به این آسمان و ستارگان نگاه می‌کردم تا قالب تهی کنم»^۳

1. برگرفته از: برنامه‌ریزی فرهنگی از نگاه مقام معظم رهبری.

2. نهج البلاغه، نامه 53.

3. برگرفته از کتاب تربیت آسیب‌زا، دکتر عبدالعظیم کریمی.

این حقیقت را شنو از گوش و دل تا برون آیی به کلی ز آب و گل
 فهم اگر دارید جان را ره دهید بعد از آن از شوق، پا در ره نهید

اگر کسی بگوید چه ضرورتی اقتضاء می‌کند که خلوت و انس با خدا همیشگی باشد و اگر زمانی احساس کمبود شد به جبران آن پرداخت و با اعمالی مثل اعتکاف به برطرف ساختن این نیاز پرداخت؟ در پاسخ به این سؤال به دو اصل بزرگ تربیتی و دو قانون تعیین کننده کمال‌خواهی انسان در دعای امام کاظم × می‌رسیم که حضرت به فضل بن یونس می‌فرمایند این دعا را بسیار بخوان: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْمُعَارِينَ وَ لَا تُخْرِجْنِي مِنَ التَّقْصِيرِ؛ یعنی بار خدایا مرا از عاریت داده‌شدگان (ایمان) قرار مده، و از حد تقصیر بیرون مبر!» فضل می‌گوید که به حضرت عرض کردم معارین را می‌شناسم اما معنای اینکه مرا از حد تقصیر خارج ننما را نفهمیدم. حضرت در تبیین آن فرمودند: «كُلُّ عَمَلٍ تَعْمَلُهُ تُرِيدُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَكُنْ فِيهِ مُقْصِرًا عِنْدَ نَفْسِكَ فَإِنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ فِي أَعْمَالِهِمْ فِي مَا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مُقْصِرُونَ□؛ هر کاری را که بخاطر خدای عز و جل انجام دهی پس خود را در آن کار پیش خود مقصر بدان، زیرا که همه مردم در کارهایشان میان خود و خدای عز و جل تقصیر کار و مقصرند.»¹

همانطور که در دعای امام کاظم × آمده بود ما همواره به این دو اصل تربیت نیازمندیم:

1. و لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْمُعَارِينَ، پرهیز از عاریه‌ای شدن و عاریه‌ای بودن در زندگی: هدف تربیت باید به گونه‌ای باشد که مربی هیچ چیز را به طور عاریه‌ای، تصنعی و انفعالی از دیگران کسب نکرده باشد، بلکه آنچه هست و باید باشد از جانب وی و از قوه‌ی کشف و ابداع و حرکت خود او به دست آمده باشد. «خدایا! مرا از جمله افراد

1. اصول کافی، ترجمه مصطفوی، ج 4، ص ۳۷۰.

عاریه‌ای قرار مده»

و از این عبارت فهمیده می‌شود که در تربیت دینی، از اینکه فرد را به خاطر انجام اعمال و افعال اخلاقی و دینی صرفاً به منابع تشویق و تنبیه بیرونی وابسته کنیم، باید شدیداً پرهیز نمود. اگر چنین روش‌هایی در نظام تربیتی تقویت شود، منجر به تضعیف تربیت دینی می‌گردد و هیچ شوق دینی، لذت دین باوری و ایمان قلبی تقویت نمی‌شود.

ذوقی که ز خلق آید زو هستی تن زاید

ذوقی که زحق آید زاید دل و جان ای جان

2. **اللهم لا تخرجنی من التقصیر**، احساس نقصان و احساس خلأ و نیاز: این احساس زمینه‌ای تربیتی برای به دست آوردن درجات کمال می‌گردد و به انسان حرکت و پویایی لذت‌بخشی می‌دهد. «پس زیادت‌ها درون نقص‌هاست»¹ اسلام با پیش‌بینی عبادتی به نام «اعتکاف» که در واقع نوعی خلوت و درون‌گرایی است، برای ساختن انسان‌ها و جلوگیری از آفت خدا فراموشی و خودفراموشی چاره‌اندیشی نموده است. این‌ها همه نشان می‌دهد با آن که روح تعالیم ادیان، دعوت به جمع و اجتماع است، انسان به برنامه‌هایی که او را با درون خود پیوند دهد نیز محتاج است. راز این امر روشن است. معمولاً حضور پیوسته و دائمی در عرصه اجتماع و کار و تلاش عملی، رفته رفته روحیه عمل‌گرایی را در انسان تقویت می‌کند. پیدایش این روحیه چه بسا انسان را از درون تهی می‌کند تا آن‌جا که به چیزی جز عمل بیشتر نیندیشد. شخص عمل‌گرا و عمل‌زده حتی گاه فرصت نمی‌یابد

1. برگرفته از کتاب تربیت آسیب‌زا، دکتر عبدالعظیم کریمی.

نتایج کارها و تلاش های خود را هم به درستی ارزیابی کند. لذا اعتکاف زمینه مناسبی است تا انسان به کاوش درباره انگیزه ها و روحیات خویش بپردازد و برای رفع نقصان و تکامل آن بکوشد. بنابراین اعتکاف با ویژگی هایی که اسلام برای آن در نظر گرفته، پاسخی است به این نیاز روحی و فرصتی است مغتنم برای رو آوردن به خود و خدا.

انسان معتکفی که به آداب اعتکاف پایبند است در هر موردی از نماز خواندن، دعا کردن، تفکر کردن، شب زنده داری و گریستن به گنجینه هایی از رحمت خاص خدا دست می یابد که گرانبهاترین سرمایه زندگانی و بهترین زاد و توشه آخرت او خواهد بود.

هم چنین گاهی خداوند به خاطر تادیب انسان ها یا به خاطر عقوبت آنان نسبت به ستم کاری ها و معاصی روز افزون شان، اراده نزول عذاب می کند و بلایی چون خشک سالی یا زلزله یا بیماری عمومی و مانند آن را تقدیر می نماید، ولی عمل صالح گروهی از آنان باعث دفع بلا گشته و به گونه ای که خود نیز متوجه نیستند از تحقق عذاب و عقاب الهی جلوگیری می کنند: ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبُهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾؛ و خداوند آنان را عذاب نمی کند تا زمانی که استغفار می کنند. اعتکاف خالصانه جمع کثیری از مردم جامعه ما، می تواند چنین نقشی را در اجتماع اسلامی داشته باشد، یعنی زمانی که قدرناشناسی مردم نسبت به نعمت های الهی اوج می گیرد و غفلت از خدا به شکل های گوناگون در بین مردم رواج می یابد و پول پرستی و شهوت رانی، بخش عظیمی از جامعه را از عبادت خدا دور ساخته و به حقوق دیگران بی توجه می سازد، خطر نزول بلا نزدیک می شود، اما گریه ها و تضرع ها و نمازها و روزه های معتکفین، رحمت خدا را بر می انگیزاند و به آبروی

آنان، عاصیان نیز در امان می‌مانند.

سخن سوم: راه‌کارهایی برای عملی شدن رشد معنوی مدیران جامعه اسلامی از طریق اعتکاف

اگر به سیره پیامبر عظیم الشان اسلام^۱ به ویژه در دوران هجرت به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی بنگریم، می‌بینیم که یکی از سنت‌های ثابت ایشان برپایی اعتکاف در دهه پایانی ماه مبارک رمضان می‌باشد. که این میزان از توجه ایشان به برپایی اعتکاف، بسیار در خور دقت و تأمل است. خداوند متعال، پیامبر خویش را به داشتن خلق و خویی عظیم و بزرگ ستوده است. **﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾**؛ و در حقیقت تو به اخلاق نیکو و عظیم آراسته هستی^۱ با این حال، آن حضرت با وجود مسؤولیت بزرگ اجتماعی که بر دوش داشت، خود را از اعتکاف بی‌نیاز نمی‌دانست.

چنان که در حدیثی از امام صادق × آمده است: **«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا كَانَ الْعَشْرُ الْآخِرُ اعْتَكَفَ فِي الْمَسْجِدِ وَضَرَبَتْ لَهُ قُبَّةٌ مِنْ شَعَرٍ وَشُمِّرَ الْمِيزَرُ وَطُوى فَرَّاشُهُ؛** رسول خدا در دهه آخر ماه مبارک رمضان در مسجد معتکف می‌شدند و برای آن حضرت خیمه‌ای که از مو بافته شده بود، در مسجد برپا می‌شد. پیامبر^۲ برای اعتکاف آماده می‌شدند و بستر خویش را جمع می‌کردند.»^۲

در حدیث دیگری از امام صادق × آمده است: **«كَانَتْ بَدْرُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَلَمْ يَعْتَكِفِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَلَمَّا انْكَسَرَ الْقَبْلُ اعْتَكَفَ عَشْرِينَ. عَشْرًا لِعَامَةٍ وَعَشْرًا قَضَاءً لِمَا فَاتَهُ؛** جنگ بدر در ماه رمضان رخ داد، از این رو رسول خدا موفق به اعتکاف نشدند. آن حضرت در ماه رمضان سال آینده یک دهه را به عنوان همان

1. قلم، 4.

2. اصول کافی، ج 4، ص 175.

سال اعتکاف نمودند و یک دهه را نیز به عنوان قضای سال قبل^۱ رسول خدا افزون بر اهتمام عملی نسبت به اعتکاف، با بیان فضایل و پاداش بزرگ آن، مؤمنان را به انجام این عمل تشویق می نمودند. در حدیثی از آن حضرت آمده است: «اعتکاف عشر فی شهر رمضان تعدل حجتین و عمرتین؛ یک دهه اعتکاف در ماه رمضان هم چون دو حج و دو عمره است.»^۲ و بسیاری از روایات دیگر که همه این مطالب ما را به یک نتیجه می رساند و آن اینکه در افزایش و رشد معنوی جامعه دینی راه کاری قوی تر و جامع تر از اعتکاف نیست و لذا باید به این سنت نبوی اهتمام جدی ورزید و در بستر سازی و ترویج آن در بین تمام اقشار جامعه بخصوص مدیران و کارگزاران کوشید تا تمام خلأهای معنوی و معرفتی جامعه دینی را با آن جبران نماییم.

برای این امر یک نگاه و یک راه کار ضروری به نظر می رسد که با آن می توان هم معنویت آینده جامعه اسلامی را تأمین کرد و هم خلأهای امروزی را از میان بر کند. نگاه این است که به اعتکاف یک مدرسه تربیتی و سازنده نگاه کنیم و در صدد تشویق و ترغیب افراد به ویژه نوجوانان و جوانان که آینده نظام اسلامی در دست آنهاست، باشیم. و راه کار اینکه مدیران جامعه را به دو صورت برنامه ریزی شخصی یا برنامه ریزی نظام مند و تشکیلاتی جهت دهی کرد تا با روحیه ای پر نشاط و معنوی در عرصه های خدمت حضور یابند. و به رشد همه جانبه و ارتقای معنوی و کمال روحی برسند. در این مبحث به تبیین این دو مطلب (نگاه و راه کار) می پردازیم و در پایان راهی را برای ترغیب و اشتیاق سازی برای اقامه و برپایی این امر در جامعه دینی توسط مدیران و کارگزاران پیشنهاد می دهیم.

1. اصول کافی، ج 4، ص 175.

2. وسائل الشیعه، ج 10، ص 534.

الف) اثر بخشی اعتکاف در بستر عمومی جامعه (تربیت مدیران آینده از دوران نوجوانی و جوانی با شرکت در اعتکاف)

چنان که یاد شد اعتکاف عبادتی مرکب و سامان یافته از چند عبادت است، از این رو آثار تربیتی، اخلاقی، روحی و روانی، فردی و اجتماعی و البته سازندگی دارد. اثر مستقیمی در تربیت نسل جوان و معنویت گرا در جامعه دارد و از همین بستر معنوی مدیرانی لایق و شایسته تحویل جامعه دینی داد. و با ساختار تربیتی خود زمینه‌های رشد و تعالی مدیران جامعه دینی را فراهم می‌کند. چرا که چنان که گذشت، رویکرد اسلامی مدیریت در جامعه‌ی اسلامی با اخلاق، رفتار و ارزش‌های اسلامی آمیخته بوده و این ارزش‌ها مدیریت اسلامی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. جامعه‌ی اسلامی نیاز به نوعی از مدیریت دارد که با ارزش‌های انسانی و دینی و مبانی اخلاقی آن پیوستگی داشته و آرمان‌های اسلامی را مورد توجه و عنایت قرار دهد. معیارهای اسلامی ریشه در مکتب اسلام و مدیریت اسلامی دارد. در مدیریت اسلامی هدف صرف تولید یا خدمات نیست و قصد، تعالی انسان می‌باشد. لذا در اسلام معیارهای ارزشی اهمیت و گسترده‌گی فراوانی پیدا می‌کند. در مدیریت اسلامی، مدیر به عنوان الگو و اسوه مطرح است و بر همین مبنا نیز باید رفتار خود را تنظیم نماید.

ایمان و اعتقاد به آخرت، امید به پاداش الهی داشتن، بیمناک از عذاب او بودن، اطاعت از اوامر خدا و یاری کردن او، توانایی در کنترل نفس، توکل بر خدا، قیام به وظیفه، حق‌گرایی، مسئولیت در قبال جامعه، مهربانی با ضعیفان و قاطعیت با قدرتمندان، خیرخواهی، داشتن آرمان، عبرت از گذشتگان، یاور ظالمان نبودن، امتیاز ندادن به خویشان و اطرافیان، صرفه جویی در اموال عمومی را می‌توان از جمله معیارهای اسلامی یک مدیر دانست.

ب) برنامه‌ریزی خاص برای مدیران جامعه

مدتی است که اعتکاف مقداری رونق یافته، بزرگان و مراجع و مسؤولان گاه به اعتکاف توصیه می‌کنند و در برخی موارد خود بانیان و زمینه سازان اعتکافند، ولی خود آنان شخصاً در اعتکاف حضور نمی‌یابند، گویا اعتکاف فقط مربوط به شاگردان، رعیت و زیردستان است و حال آنکه بیش از همه حضور مراجع و بزرگان و مسؤولان و مدیران در اعتکاف ضروری می‌نماید؛ چرا که هم فرصتی است برای رسیدگی به پرونده گذشته و تجدید قوایی است برای حالت معنوی آنان، و هم زمینه ساز و مشوق بیشتر دیگران برای حضور در این محفل نورانی. لذا لازم است در هر منطقه، بزرگان آن قوم جهت اعتکاف در مساجد حضور یابند. حضرت صادق × فرمودند: «يَا فَضْلُ لَا يَأْتِي الْمَسْجِدَ مِنْ كُلِّ قَبِيلَةٍ إِلَّا وَافِدُهَا وَمِنْ كُلِّ قَبِيلَةٍ أَهْلُ بَيْتٍ إِلَّا نَجِيبُهَا؛ ای فضل! در مسجد از هر قبیله و طائفه‌ای [در گام اول] جز سرپرست و بزرگ آن و از هر خانواده‌ای جز فردی که نجیب آن خانواده است حضور پیدا نمی‌کند.»¹

وقتی بزرگان و مسؤولان آمدند، دیگران نیز به دنبال آنان خواهند آمد. در طول تاریخ نیز انبیاء و اولیاء در حضور در اعتکاف پیش قدم بوده‌اند. و اجرایی شدن این امر به دو روش امکان پذیر است.

1. برنامه‌ریزی شخصی

اول اینکه مسؤولین و مدیران خودشان در برنامه شخصی خود در طول سال اوقاتی را به این امر اختصاص دهند و همان طور که در برنامه‌ریزی بیان شد حتماً

1. وسائل الشیعه، ج 5، ص 193.

خلوت و انس با خدا را در رأس برنامه‌های شخصی خود ببینند و شخصا اقدام نمایند.

2. برنامه‌ریزی نظام مند و تشکیلاتی

اما اگر بخواهیم این سنت نبوی را از به عنوان یک فرهنگ معنوی و جامعه معنوی ساز ترویج دهیم نیازمند به این هستیم که همان‌گونه که اعتکاف‌های اختصاصی برای دانش آموزان و دانشجویان برگزار می‌شود، اعتکاف مدیران هم با برنامه‌های بینشی و معرفتی برگزار شود و با تبیین اهمیت این امر که مدیران جامعه هم شخصا نیازمند این امر هستند و هم جامعه به چنین مدیرانی نیازمند است، با انگیزه و علاقه در محافل اعتکاف شرکت نمایند و با تقویت روحیه معنوی خود به خدمات سازنده و انسان‌ساز خود ادامه دهند. و لازمه این امر در عملی شدن ساختاری و تشکیلاتی عمل کردن در این حوزه است. بدین صورت که دبیرخانه‌ای مستقل با مدیریت مستقل مانند ستاد اقامه نماز شکل بگیرد و برای اجرایی شدن اعتکاف مدیران برنامه ریزی کلان شود و مدیرانی که مشتاق به شرکت در این مراسم معنوی هستند به صورت هدفمند و نظام‌مند با رویکرد تقویت روحیه خدمت معنوی خود معتکف شوند و با خلوت، تفکر و انس با خدا تصمیم‌های سازنده‌ای را برای رشد جامعه بگیرند و سالانه این روند را تقویت کنند و تداوم ببخشند.

پ) راه‌های ترغیب و اشتیاق سازی

بهترین راه برای ترغیب و اشتیاق سازی مدیران جامعه برای پرداختن به امور معنوی و مناجات و خلوت با خدا و شرکت در برنامه اعتکاف چه به صورت شخصی و چه به صورت نظام‌مند روایاتی است که آثار حیاتی معنویت را تبیین می‌کنند و اشتیاق انسان را برای این مس^۱یر افزایش می‌دهند. از جمله این روایات

1. اصول کافی، ترجمه مصطفوی، ج 3، ص 131.

روایتی است از وجود مقدس نبی مکرم اسلام × که فرمودند: «أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَثِقَ الْعِبَادَةَ فَعَانَقَهَا وَ أَحَبَّهَا بِقَلْبِهِ وَ بَشَّرَهَا بِجَسَدِهِ وَ تَفَرَّغَ لَهَا فَهُوَ □ لَا يُبَالِي عَلَى مَا أَصْبَحَ مِنَ الدُّنْيَا عَلَى عُسْرِ أَمْ عَلَى يُسْرٍ؛ بهترین مردم کسی است که عاشق عبادت شود، با عبادت دست بگردن شود و آن را از دل دوست دارد و با تن خود انجام دهد و برای آن فارغ شود (به کار دیگر دل مشغول ندارد) چنین شخصی باک ندارد که زندگی دنیایش بسختی گذارد یا به آسانی.»

گسترش معنویت گرایی در جامعه از طریق مدیران ارشد جامعه دینی

آنچه که در این مقاله گذشت عبارت است از اینکه اعتکاف یک عبادت مستقل و جامع در دین اسلام مطرح است آثار تربیتی و اجتماعی فراوانی دارد و از آنجایی که انبیاء و رهبران دینی پیش رو در این سنت دیرینه دینی هستند مدیران جامعه دینی با شاخصه‌هایی که باید داشته باشند باید پیش‌تاز در ترویج و گسترش این سنت نبوی باشند. و معنویت گرایی جامعه منوط به معنوی بودن مسؤولان خرد و کلان جامعه می‌باشد. که با تشکیل مراسم‌های اعتکاف مدیران به صورت نظام‌مند و تشکیلاتی تحول و انقلاب معنوی بزرگی در جامعه دینی رخ خواهد داد و روند جامعه به سمت فساد و تباهی را به سمت خداخواهی و معنویت گرایی خواهد کشاند. انشاءالله تعالی

منابع

1. قرآن کریم، ترجمه آیت الله العظمی مکارم شیرازی.
2. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
- کتب روایی:
3. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ترجمه سیدجواد مصطفوی، کتاب فروشی علمیه اسلامیة، تهران، بی تا.
4. أمالی صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، کتابچی، تهران، 1376 ش.
5. بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، دار إحياء التراث العربی، بیروت، 1403 ق.
6. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، محمد بن حسن صفار، تصحیح محسن کوچه باغی، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم، 1404 ق.
7. تحف العقول، حسن بن علی ابن شعبه حرانی، مصحح علی اکبر غفاری، جامعه مدرسين، قم، 1404 / 1363 ق.
8. تهذیب الأحکام، محمد بن الحسن طوسی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1407 ق.
9. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، محمد بن علی ابن بابویه، دار الشریف الرضی للنشر، قم، 1406 ق.
10. الخصال، محمد بن علی ابن بابویه، مصحح علی اکبر غفاری، جامعه مدرسين، قم، 1362 ش..
11. عده الداعی و نجاح الساعی، احمد بن محمد ابن فهد حلی، مصحح احمد موحدی قمی، دار الکتب الإسلامی، قم، 1407 ق.
12. غرر الحکم و درر الکلم، عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، مصحح سید مهدی رجایی، دار الکتب الإسلامی، قم، 1410 ق.
13. کنز الفوائد، محمد بن علی کراجکی، مصحح عبدالله نعمت، دارالذخائر، قم،

1410ق.

14. من لا يحضره الفقيه، محمد بن علي ابن بابويه، مصحح علي اكبر غفاري، جامعه مدرسين، قم، 1413ق.

15. المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقي، مصحح جلال الدين محدث، دار الكتب الإسلامي، قم، 1371ق.

16. مصباح الشريعة، منصوب به امام صادق عليه السلام، مترجم علامه حسن مصطفوي، انجمن اسلامي حكمت و فلسفه ايران، تهران، بی تا.

17. وسائل الشيعه، محمد بن حسن شيخ حر عاملی، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، 1409ق.

كتب فقهي:

18. دعائم الإسلام، ابن حيون، نعمان بن محمد مغربي، مصحح فيضي، آصف. مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، 1385ق.

19. عروه الوثقى، سيد محمد كاظم طباطبائي يزدي، مؤسسه الاعلامي للمطبوعات، بيروت، 1409ق.

20. مجمع الفائده و البرهان، احمد بن محمد اردبيلي، جامعه مدرسين، قم، 1403ق.

كتب لغت:

21. معجم المقاييس اللغة، ابن فارس، أحمد بن فارس، مصحح عبد السلام محمد هارون، مكتب الاعلام الاسلامي، قم، 1404ق.

22. كتاب العين، فراهيدي، خليل بن أحمد، نشر هجرت، قم، 1409ق.

23. الفروق في اللغة، عسكري، حسن بن عبدالله، دار الآفاق الجديدة، بيروت، 1400ق.

24. مجمع البحرين، طريحي، فخر الدين بن محمد، مصحح احمد حسيني اشكوري، مرتضوي، تهران، 1375ش.

25. تاج العروس من جواهر القاموس، حسینی زبیدی، محمد مرتضی، دارالفکر، بیروت، 1414ق.
26. النهاية فی غریب الحدیث و الأثر، ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، مصحح محمود محمدطناحی، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، 1367ش.
27. قاموس قرآن، علی اکبر قرشی بنابی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1412ق.
28. لسان العرب، ابن منظور، محمد بن مکرم، مصحح جمال الدین میر دامادی، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، بیروت، 1414ق.
29. مصباح المنیر، فیومی، أحمد بن محمد، موسسه دار الهجرة، قم، 1414ق.
- تفاسیر:
30. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمدحسین طباطبائی، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۸۲ق.
31. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محمد بن محمد رضا قمی مشهدی، مصحح رضا درگاهی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، تهران، 1368.
- کتب فارسی:
32. آداب تعلیم و تعلم در اسلام، زین الدین عاملی، ترجمه محمدباقر حجتی.
33. امدادهای غیبی در زندگی بشر، شهید مرتضی مطهری.
34. بر بال اعتکاف، آیت الله العظمی جواد آملی.
35. تربیت آسیب‌زا، دکتر عبدالعظیم کریمی.
36. پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی، جلد دوم.
37. حرکت، علی صفایی حایری.

38. جلوه‌های حکمت، سید علی اصغر ناظم زاده.

39. نبوت، شهید مرتضی مطهری.

40. مجموعه آثار شهید مطهری جلد 16.

مقالات و سایت:

41. عباسعلی رستگار، ارایه و تبیین مدل انگیزشی مبتنی بر معنویت.

42. وحید ناصحی فرد و محمد الماسی فرد، جایگاه معنویت کاری در سازمان‌های امروز.

43. پروین صمدی، هوش معنوی.

44. سید محمد مقیمی، امیر حسین رهبر و حسن اسلامی، معنویت سازمانی و تاثیر آن در خلاقیت کارکنان.

45. «شاخص‌های رهبری معنوی در نهج البلاغه» هفته نامه پیام قم، ش 599، 4 شهریور 1391.

46. خبرگزاری مهر، «از رشد جسمانی تا عقلی و معنوی ابعاد رشد انسان از منظر قرآن»، www.parsine.com

47. «عوامل رشد عقل و نقش آن در رشد فلسفه»، علی اله بداشتی.

48. مدیریت در نهج البلاغه، پژوهش خبری صدا و سیما، نویسنده حسین رضائی پور.

49. بیانات آیت الله العظمی جوادى آملى درباره اعتكاف،

www.shafaqna.com

50. ضرب المثل تبیان، tebyan.net.

51. برنامه‌ریزی فرهنگی از نگاه مقام معظم رهبری.

الأديان السماوية و الاعتكاف



شيخ حميد بغدادى*

الملخص

الاعتكاف وهو الاختلاء للعبادة والنسك والاتصال بالخالق جل وعلا أمر موجود في جميع الأديان السماوية وكان في الإسلام بشكله الأكمل.

الهدف

يحتل الاعتكاف مكانا مهما في المنظومة التربوية في أديان السماء للارتقاء بالمؤمن إلى آفاق أرحب من عالم المادة والانسوت.

المنهج

اعتمدنا منهجا يجمع بين المنهج التحليلي والنقلي.

الاعتكاف فى الاديان السماوية

تجد مضمون الاعتكاف في الأديان السماوية من عهد إبراهيم وإسماعيل^١ ، قال تعالى: ﴿وَعَهَدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾^(١).

وتجده في زمان موسى[×] في رحلته نحو الله في جبل الطور واعتكافه لأربعين ليلة، قال تعالى: ﴿وَمَا أَعْجَلَكَ عَنْ قَوْمِكَ يَا مُوسَىٰ﴾ * قال هُمْ أَوْلَاءُ عَلَىٰ

* E_mail: Hmjb99@gmail.com

١. البقرة: 125.

أَتُرِي وَعَجَلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَى ﴿١﴾

وتجده بوضوح في اختلاء مريم في المسجد الاقصى لعبادتها ومما حصل لها من الكرامة، والطعام الذي كان يأتيها من طعام الجنة: ﴿كَلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ﴾ (2)

وماورد من اعتكاف أنبياء الله ^ كسليمان وإلياس وأتباع عيسى ×

١. طه: 83 و 84.

٢. آل عمران: 37.

المقدمة

يعتبر الدعاء والعبادة إحدى سبل بناء النفس، و من أهم سبل بناء النفس المشاركة في الاعتكاف؛ لأنّ الاعتكاف من أكمل العبادات الفردية، ويؤدي إلى تقريب العبد من ربه.

الاعتكاف سير نحو التوبة والعودة إلى المعنوية، والاعتكاف حياة جديدة في صحراء غفلة الإنسان، وهذه الدورة القصيرة أفضل فرصة لبناء النفس وإزالة أدرانها.

إنّ هذه المراسم المعنوية حرب ضد الغرور والغفلة، وميدان لإزالة العيوب، وفرصة للعبادة والانقطاع عن التعلقات الدنيوية، وواحة للعاشق ليجد الوقت للاتصال بمعشوقه في جو من الروحانية والبعد عن الماديات.

الاعتكاف لغةً واصطلاحاً

الاعتكاف لغةً

الاحتباس والإقامة على شيء بالمكان، كما حكاه في الحداثق عن اللغويين⁽¹⁾.

مصدر على وزن افتعال من الفعل «عكف» .

قال ابن فارس: (العين والكاف والفاء أصل صحيح يدل على مقابلة وحبس)⁽²⁾.

وفي لسان العرب: (وهو من عكف على الشيء يعكف عكفاً وعكوفاً، أي: لزم المكان)⁽³⁾.

و قال الراغب الأصفهاني في المفردات: (العكوف الإقبال على الشيء وملازمته على سبيل التعظيم له)⁽⁴⁾.

١. الحداثق الناضرة 13 : 455.

٢. مقاييس اللغة (4: 108)، مادة (عكف).

٣. لسان العرب (9: 255)، مادة (عكف).

٤. المفردات في غريب القرآن، الراغب الأصفهاني (ت 425 هـ)، ص 342، الطبعة الثانية 1404 هـ، الناشر: دفتر نشر الكتاب .

ومنه قول القرآن: ﴿مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ﴾⁽¹⁾.
و قوله تعالى: ﴿هُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَحَلَّهُ﴾⁽²⁾.

الاعتكاف اصطلاحاً

المكث في المسجد بقصد التعبد لله وحده، كما صرح به الفقهاء على اختلاف تعابيرهم⁽³⁾. وفي جواهر الكلام: (الاعتكاف لغة هو الاحتباس، و منه اللبث الطويل الذي هو احد افراد لزوم الشيء النفس عليه برأ كان او غيره قال الله تعالى: ﴿مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ﴾ اي لازمون لها و حاسبون انفسكم عليها نحو قوله: ﴿يَعْكُفُونَ عَلَىٰ أَصْنَامٍ لَهُمْ﴾ و شرعا علي وجه النقل او المجاز الشرعي هو اللبث المتطول للعبادة)⁽⁴⁾.
وهو مشروع قرآنًا وسنةً وإجماعاً.

الاعتكاف في القرآن الكريم

لم يرد في القرآن لفظ الاعتكاف ولكن وردت مشتقاته سبع مرات بشكل اسم فاعل، و مرة واحدة بشكل اسم مفعول، وكذلك مرة واحدة بشكل مضارع، وننقلها كالتالي:

عاكف:

- 1- قال تعالى: ﴿وَلَا تَبْشِرُوهُمْ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ﴾⁽⁵⁾
- 2- قال تعالى: ﴿وَعَهْدُنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ

١. الأنبياء: 52.

٢. سورة الفتح: 25.

٣. راجع: المستند في شرح العروة الوثقى، ج 12 (الصوم): 334.

٤. جواهر الكلام، ج 17، الاعتكاف، ص 159.

٥. البقرة: 187.

وَالرُّكْعِ السُّجُودِ ﴿١﴾.

- 3- قال تعالى: ﴿١﴾ ما هذه التماثيل التي أنتم لها عاكفون ﴿٢﴾
- 4- قال تعالى: ﴿١﴾ وَالْمَسْجِدَ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ ﴿٣﴾
- 5- قال تعالى: ﴿١﴾ وَانْظُرْ إِلَى إِلْهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا ﴿٤﴾.
- 6- قال تعالى: ﴿١﴾ قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَظَّلُ لَهَا عَاكِفِينَ ﴿٥﴾
- 7- قال تعالى: ﴿١﴾ قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى ﴿٦﴾

يعكف

- 1- ﴿١﴾ وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ﴿٧﴾

معكوف:

- 1- و قوله تعالى : ﴿١﴾ هم الذين كفروا وصدوكم عن المسجد الحرام والهدي معكوفاً أن يبلغ محله ﴿٨﴾.

الاعتكاف في الاديان

ليس الاعتكاف خاصا بالإسلام، بل هو موجود في الأديان الإلهية، فهو من

١. البقرة: 125 .

٢. الأنبياء: 52.

٣. الحج: 25.

٤. طه: 97.

٥. الشعراء: ٧١.

٦. طه: 91.

٧. الأعراف: ١٣٨.

٨. الفتح: 25.

جملة العبادات التي أكدت عليها سائر الأديان، فضلاً عن الدين الإسلامي، كما اهتم أنبياء الله^ه كافة بمسألة تعظيم الاعتكاف، وفي الدين الإسلام المقدس نجد القرآن الكريم أيضاً يؤكد تأكيداً خاصاً على الاعتكاف. قال العلامة الحلّي عن الاعتكاف: (و هو مشروع في شريعتنا و الشرايع السابقة، و مستحب باجماع العلماء)⁽¹⁾.

ولابد من الإشارة الى اننا لا نعرف الكثير عن احكام وتفاصيل عبادة الاعتكاف في الاديان السابقة، وانما يفهم من النصوص المنقولة انه نحو تفرغ للعبادة والتأمل، وابتعاد عن الحياة العادية للتقرب الى الله سبحانه وتعالى.

إبراهيم x

قال تعالى: ①...وَعَهْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ②.

ويفهم من الآية الكريمة⁽³⁾ ان الاعتكاف كان موجودا في شريعة نبي الله ابراهيم x ، ومن العبادات التي شرعت آنذاك، نعم لا نعرف تفاصيله . كما يفهم من الآية الكريمة الاهمية التي اولاه الباري تعالى حيث امر نبيين من الانبياء لأجل تهيئة مقدمات هذه العبادة، وجعل البيت الحرام - وهو من اقدس الاماكن - مكانا لها. و ينقل عن اجداد النبي الاكرم ؑ وهم من اتباع دين إبراهيم x كانوا يعتكفون في بعض المغارات.

كما ان النبي نفسه - قبل البعثة - كان يتعبد في غار حراء. جاء في كتاب المفصل في تاريخ العرب: (وقد نسب الاعتكاف في الكهوف وفي البراري وفي الجبال الى عدد من هؤلاء الحنفاء. فقد ذكر أهل الأخبار أنهم كانوا

١. تذكرة الفقهاء، للعلامة الحلّي، ج 1 ص 284 ، بداية بحث الاعتكاف.

٢. البقرة: ١٢٥ .

٣. لابد من الإشارة الى ان الاستفادة المذكورة من عبارة "العاكفين" من ان المراد الاعتكاف المصطلح كما استفاد ذلك جماعة من الفقهاء والمفسرين، و لكن ذهب الاكثر من المفسرين والفقهاء ان المصطلح المذكور يراد منه المجاورين والساكنين في مكة المكرمة، وتكون حينها الآية اجنبية عن البحث.

قد اعتكفوا في المواضع الخالية البعيدة عن الناس، وحبسوا أنفسهم فيها، فلا يخرجون منها إلا لحاجة شديدة وضرورة ملصة. يتحنثون فيها ويتأملون في الكون، يلتصقون الصديق والحق. والتحنث التعبد. فكانوا يتعبدون في تلك المواضع الهادئة الساكنة، مثل غار "حراء" وقد ذكر أن الرسول كان يتحنث فيه الليالي، يقضيها في ذلك الغار⁽¹⁾.

موسى ×

ترك موسى أمته للتفرغ الى عبادة ربه - ورغم عظم المسؤوليات الملقاة على عاتقه وهداية بني إسرائيل - غالى جبل الطور فجاء في القران الكريم تبياناً لذلك:

قال تعالى: ﴿وَمَا أَعْجَلَكَ عَنْ قَوْمِكَ يَا مُوسَى﴾ * قال هُمْ أَوْلَاءِ عَلَى أَثَرِي وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَى⁽²⁾

ويستفاد من كلام العلامة المجلسي: ان موسى × كان صائماً ومعتكفاً لأجل اخذ الألواح في جبل الطور.⁽³⁾

(١) كتاب المفصل في تاريخ العرب، جلد 6، صفحه 509 د. جواد علي، اخر الفصل الخامس والسبعون (الحنفاء) المجلد الثالث .
(٢) طه: 83 و84.

(٣) هامش بحار الأنوار، ج 86، ص 38، وجاء في الهامش مانصه:
(ويستفاد هذا الحكم من كتاب الله عز وجل بمعونة السنة أما الكتاب فحيث يقول عز وجل : (ولا تبشروهن وأنتم عاكفون في المساجد) والمراد بالعاكف المقيم قطعاً كما في قوله عز وجل : (سواء العاكف فيه والباد) . وأما السنة فحيث امثل رسول الله صلى الله عليه وآله دعوة الآية الكريمة ، واعتكف في مسجده عشرة ، حتى أنه لم يعتكف في سنة فقضاها في السنة بعدها عشرين : عشرة أداء وعشرة قضاء ، فصارت الاعتكاف في محل عشرة من تمام الإقامة .

بل ويدل على ذلك بوجه أجمع قوله تعالى : (وإذ واعدنا موسى ثلاثين ليلة و أتممناها بعشر فتم ميقات ربه أربعين ليلة) أى كان يواعده كل ليلة أنه أما إذا تم ميقاته واعتكافه بالصوم والصلاة أنزل عليك التوراة ، وهو × ينتظر في كل ثلاثة أيام نزول التوراة لما كان بحسابه أن اعتكافه بالصوم والصلاة إنما يتم في ثلاث ، على ما أمرهم الله عز وجل بالصيام ثلاثة أيام - أيام العشر : العاشر والحادى عشر والثاني عشر من كل شهر كما مر في ج 83 ص 91.

وكان بيت المقدس من الأماكن التي تأوي الكثير من المعتكفين للعبادة وكان هناك من يقوم على خدمتهم ومن كبارهم زكريا×، وكان يهتم ويشرف على اعتكاف السيدة مريم÷، حيث يمكن اعتبار إقامة مريم÷ في المسجد الأقصى من مصاديق الاعتكاف؛ لأن أمها نذرت أن تكون مريم وفقا لعبادة الله، قال تعالى: ﴿إِذْ قَالَتِ امْرَأَةُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا...﴾⁽¹⁾.

وبعد بلوغها تكفلها زكريا× وجعل لها مكانا خاصا في المسجد الأقصى لعبادتها، وأشار القران الكريم إلى الكرامة التي كانت تحظى بها من الله جل وعلا: ﴿كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا

⇒

لكنه× لما كان مسافرا ولم يقصد الإقامة عشرا، كان ميقاته واعتكافه غير تامه حتى مضى ثلاثون تمام الشهر، وانقطع حكم السفر وصار اعتكافه وميقاته في العشرة بعدها تاما واقعا في محله ونزل عليه التوراة فيها حكم الله عز وجل.

وهذا معنى قوله عز وجل: (فَأْتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِئَمٍ مِيقَاتٍ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً)، وفقا لقوله عز وجل: (وَإِذْ وَاعَدْنَا مُوسَى أَرْبَعِينَ لَيْلَةً) أي كنا نواعده أربعين ليلة: كل ليلة نقول: أما إذا تم الاعتكاف والميقات نزل عليك التوراة، ولم يتم إلا بعد الأربعين: لم يتم في ثلاث لأن أقل الإقامة عشرة، ولم يتم في العشرات الأول لكونه مسافرا.

وإنما لم يوح إليه بأن اعتكافه لا يتم إلا بعشرة عن قصد إقامة، ليفتن طول ذلك قومه قال عز وجل: (وَمَا أَعْجَلَكُ عَنْ قَوْمِكَ يَا مُوسَى؟) قال: هم أولاء على أثرى وعجلت إليك رب لترضى، قال: فإنا قد فتننا قومك من بعدك وأصلهم السامري).

وذلك لأن الله عز وجل واعدهم جميعا جانب الطور الأيمن، لكن موسى× استبطنهم لمسيرهم بالأثقال والأطفال وخلف فيهم أخاه هارون وتعجل إلى الميقات بنفسه، ليتم ميقاته واعتكافه مدى سيرهم إلى الطور، فيتوافق نزوله من الطور مع وصول قومه، فقد كان بخلده× رقى قومه وهدايتهم إلى أرض القدس بنفسه، والله عز وجل بالرصد من

افتتانهم بعد إيمانهم (أحسب الناس أن يتركوا أن يقولوا آمنا وهم لا يفتنون، ولقد فتنا الذين من قبلهم فليعلمن الله الذين صدقوا وليعلمن الكاذبين).

١. آل عمران: 35.

قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ﷻ (1).

وأشار العلامة الطباطبائي في تفسير الميزان إلى اعتكاف مريم عند حديثه عن قوله تعالى: ((فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا) الحجاب ما يحجب الشيء ويستره عن غيره، وكأنها اتخذت الحجاب من دون أهلها لتتقطع عنهم وتعتكف للعبادة) (2).

سليمان ×

في البحار: (قال الطبرسي): قيل: إن سليمان × كان يعتكف في مسجد بيت المقدس السنة والسنتين والشهر والشهرين وأقل وأكثر) (3).

إلياس ×

ينقل العلامة المجلسي قصة عن اعتكاف حضرة إلياس (4).

عيسى ×

الرهبانية والابتعاد عن مشاغل الدنيا والاعتكاف والخلوة للعبادة مما امتازت به المسيحية، نعم أشار القرآن الكريم انهم ابتدعوها، ولم تكن مشرعة من الله جل وعلا: ﴿وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهَابِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا ﷻ﴾ (5).

أصحاب الكهف

وهم لجئوا الى الكهف فرارا من اذى اليهود وللتفرغ للعبادة: ﴿إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا ﷻ﴾ (6).

١. آل عمران: 37.

٢. الميزان، السيد الطباطبائي، ج 14: 34.

٣. بحار الانوار، ج 14: 141.

٤. بحار الانوار، ج 13: 403.

٥. الحديد: 27.

٦. الكهف: 10.

وفي آية أخرى يشير القرآن إلى اعتزالهم عن قومهم: ﴿وَإِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأْوُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مَرْفَاقًا﴾ (1) .

ومما تقدم يتضح ان الاتصال بالله جل وعلا والانقطاع لعبادته بأوقات خاصة، والبعد عن الحياة العادية، والذي هو الاعتكاف موجود في كل الأديان، وان اختلف في أحكامه وتفصيله، لكنه كمضمون واحد فيها جميعا.